

«یادگیری تیمی رقابتی»:

کاتالیزور و اسلحه آموزشی من

✓ دکتر سید محمد حسن حسینی

✓ مترجم: سید علی اصغر حسینی

.....

*** اگر می‌خواهیم در شکل‌گیری و توسعه جوامع انسانی، دموکراتیک، شاد و متمدن و مترقی سهیم باشیم باید ترتیبی دهیم تا آینده‌سازان این مرزوبوم علاوه بر کسب دانش و ارتقای استراتژی‌ها و کفایت یادگیری خود، در کلاس‌های ما نورم‌ها و اصول و اسلوب و مهارت‌های مورد نیاز زندگی در چنین جوامعی را نیز کسب نموده و در خود نهادینه کنند. به عبارت دیگر، کلاس‌های ما - که می‌توانند به صورت دموکراتیک اداره شوند - باید به ارتقای سطوح، سبک‌ها و کیفیت تفکر، نگرش، بینش، منش، شخصیت و نیز مهارت‌های اجتماعی نسل فردا نیز بینجامند. همین‌طور شهروندان باید در طول زندگی آکادمیک خود متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول‌یاب، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و آگاه به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بار آیند تا قادر باشند با موفقیت با واقعیات دنیای پیچیده کنونی و دنیای پیچیده تر فردا مواجه شوند و نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند. روش تدریس این‌جانب که بر یادگیری در محیط‌های تیمی رقابتی در فضایی دموکراتیک تمرکز دارد و در این کتاب به آن پرداخته‌ام در این راستا طراحی و ارائه شده است.

سید محمد حسن حسینی -

.....

«یادگیری تیمی رقابتی»:

روشی متفاوت در آموزش

✓ دکتر سید محمد حسن حسینی

✓ مترجم: سید علی اصغر حسینی

.....
"Dr Hosseini could be an effective team-leader and facilitator. He could be a valuable asset to any institute of higher learning committed to academic excellence and to the cause of nation building. He has also the capacity for hard work.

-- Prof. D.S.Dasan - PhD Guide, India

.....



باسمه تعالی

شماره: ۱۲۵۱۱
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۶
موضوع:

مدیر محترم انتشارات جاودانه

با سلام و احترام

اکنون که دوره‌ای دیگر از بررسی کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد پایان یافته است، با کمال خوش‌وقتی اعلام می‌دارد ۱ (یک) عنوان از کتاب‌های آموزشی و تربیتی آن ناشر محترم، در دوره اخیر (سال ۱۳۹۱)، توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، مناسب و مرتبط با برنامه درسی دانسته شده است که فهرست آن بر حسب دوره تحصیلی مرتبط، به پیوست همین نامه خدمتتان تقدیم می‌شود.

مشخصات کتاب مذکور در کتاب‌نامه‌های رشد و وبگاه سامان کتاب به نشانی: <http://samanketab.roshdmag.ir> آورده شده است. فهرستی از همه کتاب‌های مناسب به‌منظور معرفی در کتاب‌های درسی، به همکارانمان در دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی پیشنهاد شده است.

انتشارات محترم جاودانه

فهرست کتاب‌های مناسب و مرتبط با برنامه آموزشی

راهنمایی

Beyond the present methods and approaches to ELT/ Educationn: The
Crucial Need for a Radical Reform؛ حسینی، محمدحسن؛ تهران: جنگل/ جاودانه،
۱۳۹۱؛ ص: ۴۰۸؛ وزیری؛ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۸۸۳-۲؛ مناسب برای: معلم، دانشجویان مراکز

تربیت معلم

با تشکر

محمد ناصری

مدیرکل دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک آموزشی

آدرس: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید سلیمی) پلاک ۲۷۰

صندوق پستی - ۴۸۷۴ / ۱۵۸۷۵ - کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

تلفن: ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ و ۸۸۳۰۹۲۶۵

e-mail: oerp@medu.ir - www.roshdmag.ir

مقدمه‌ای بر این کتاب که در واقع ترجمه‌ی بخشی از دهمین کتاب این‌جانب تحت عنوان ذیل هست که در سال ۱۳۹۰ بعد از اینکه دامادمان را برای ارباب در من کشتند توسط انتشارات جنگل جاودانه تهران چاپ شد. این کتاب در دی‌ماه ۱۳۹۲ به مرحله نهایی جشنواره رشد راه پیدا کرد و جزو ۳ کتاب برتر کشور شد و نهایتاً توسط وزارت آموزش و پرورش به تمام معلمان و دانشجو معلمان توصیه شد! البته بعد از این جریان‌ها هر کاری کردم تا بتوانم این کتاب و ترجمه‌اش را به همکاران معرفی نمایم، اجازه این کار را به من ندادند!

Beyond the Present Methods and Approaches to ELT/Education: The Crucial Need for a Radical Reform

*** سال‌ها بی‌تفاوتی نسبت به ضعف مهندسی آموزش در نظام ناکارآمد آموزش کشور برخی مسئولان اجرایی دلسوز را بر آن داشته است تا نسبت به عواقب ادامه این روند در عصر و شرایط حاضر به‌طور جدی هشدار دهند. محمدرضا سپهری رئیس پیشین موسسه کار و تأمین اجتماعی در مصاحبه‌ای اختصاصی تحت عنوان «شیوه آموزشی دانشگاه‌ها علت بیکاری فارغ‌التحصیلان» از مهم‌ترین علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بازار کار و نیز عدم موفقیت ایشان در محیط‌های کاری در سطوح ملی و بین‌المللی را در ناکارآمدی سیستم آموزشی کشور در تمامی سطوح به‌ویژه در دانشگاه‌ها در (۱) آموزش زبان انگلیسی و (۲) آموزش مهارت کار گروهی ارزیابی کرده‌اند. سپهری می‌افزاید: «ما باید به مسئولان دانشگاه‌ها و شورای عالی انقلاب فرهنگی هشدار دهیم که سیستم آموزشی زبان در کشور ما نادرست است و مهارتی را در فارغ‌التحصیلان ایجاد نمی‌کند».

این‌جانب در این کتاب، ضمن بررسی نقادانه دلایل ناکارآمدی سیستم‌های فعلی آموزش و تبعات مخرب آن‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی، به آخرین مسائل و روش‌های تدریس در حوزه‌ی آموزش (زبان) پرداخته‌ام. مهم‌تر این‌که پس از تجزیه و تحلیل آخرین روش‌های تدریس که بر مبنای تعامل و بحث و گفت‌وگو بنا شده‌اند، به معرفی روش تدریس منحصربه‌فرد خود که بر پایه «تئوری آموزشی سیاسی» م طراحی کرده و ارائه داده‌ام پرداخته‌ام. این‌جانب سعی دارم از طریق این روش تدریس، که مورد اقبال مجامع بین‌المللی نیز واقع گردیده است، به آگاه و بیدارسازی نسل فردا و نهادینه کردن اصول دموکراسی در آن‌ها جهت ساختن فردایی آزاد و آباد پردازم. کسانی که با این روش تدریس (در مدارس، مؤسسات و دانشگاه‌ها) آموزش می‌بینند علاوه بر این‌که به «کاربرد دانش (زبان) در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های تفکر، نگرش و منش و شخصیت خود را ارتقاء داده و «متفکر»، «استدلال‌گرا»، «علت و معلول‌یاب»، «منتقد»، «خلاق»، «مشارکت‌جو» و هم‌زمان «اهل رقابت» و «آگاه به مسائل اجتماعی» و به ویژه «آگاه به مسائل سیاسی» بار می‌آیند و قادر خواهند بود نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند. یادآوری می‌شود که این‌جانب در رساله فوق‌لیسانس (ایران) و دکترای (هندوستان) خود از برتری این روش تدریس بر روش‌های تدریس کنونی و نیز روش تدریس پروفیسور جانسون در دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا دفاع نموده‌ام. زمان آن فرا رسیده است که این روش تدریس را که بر مبنای آخرین یافته‌های علمی و عملی بوده و واقعیت‌های دنیای پیچیده امروز را در نظر گرفته است در کلاس‌های خود به خدمت بگیریم. باشد که با عمل کردن به پیشنهادها ارائه‌شده در این کتاب شاهد تحولی بنیادین در سیستم‌های ناکارآمد آموزشی فعلی در تمامی سطوح بوده و نیز انحطاط حکومت‌های خودکامه / فاشیستی و تمامیت‌خواه را نظاره‌گر باشیم - همان‌طور که آنان انحطاط و زوال دگراندیشان را در برنامه دارند تا آن‌ها را مایه عبرت کسانی کنند که به جوامع عاری از ظلم و تبعیض و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد می‌اندیشند. - لینک ویدیوی روش تدریس من: <http://www.aparat.com/v/i32tK>

✓ در صورتی‌که ورژن انگلیسی این اثر را می‌خواهید با ما تماس بگیرید.

سید محمدحسن حسینی

شهریور ۱۳۹۵ - مشهد مقدس

/ mhhosseini73@yahoo.com mhhosseini2020@gmail.com / ۰۹۱۵۳۸۵۲۵۹۹

***** نویسنده تنها در ۳۶ ماهی (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) که جهت اخذ درجه دکترای تخصصی در آموزش زبان انگلیسی در خارج از کشور بود، بیش از ۹۰ مقاله و کتاب نگاشت (در زیر شکنجه‌های روحی و روانی و کارشکنی‌های وحشیانه یک مافیای ایرانی قدرتمند و صاحب نفوذ) که در غالب آن‌ها بر روش‌های نهادینه کردن اصول دموکراسی در نسل فردا جهت براندازی حکومت‌های تمامیت خواه مستبد و فاشیستی تمرکز داشته است. دکتر حسینی سال‌هاست که در یک دبیرستان کار و دانش (ناحیه ۷ مشهد) زبان اول به رشته‌های خیاطی (پسران) تدریس می‌کند. او سال‌هاست که هر روز ۴ ساعت از آپارتمان ۴۵ متریش در حومه شهر تا مدرسه - با اتوبوس - در راه است! ایشان هم‌اکنون به دنبال کارگردانی است که شکنجه‌های «فیزیکی و روحی و روانی» را که به‌ویژه در «تیمارستان! آزادی» تهران؟! به او دادند به تصویر بکشد... آری، آنان همان کاری را با او کردند که پوتین (کمونیست) با مخالفانش می‌کند. دکتر حسینی معتقد است که روش تدریس او که در این کتاب معرفی شده است گامی است موثر برای براندازی نرم و نامحسوس حکومت‌های دیکتاتوری و استبداد.

=====

مشخصات شناسنامه ای اثر - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	
مخاطب اثر :	بزرگسالان
شناسه اثر :	۸-۳۳۴۱۵۷-۰۶۰۴۰۰
تولید کننده اثر :	سیدمحمدحسن حسینی
ناشر اثر :	موسسه مبتکران اندیشه ناهیرا
نوع / موضوع اثر :	چندرسانه ای (آموزشی) / زبان های خارجی
نام فارسی اثر :	یادگیری تیمی رقابتی
Latin name :	Competitive Team-Based Learning
سیستم عامل :	ویندوز

جهت اطمینان از اصالت اثر به سایت login.saramad.ir مراجعه نموده
و یا شماره سریال هولوگرام را به شماره ۳۰۰۰۸۲۱۱ پیامک نمایند

اینجانب، سید علی اصغر حسینی، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، در حال حاضر بعنوان معلم در مقطع ابتدایی در مانه و سملقان مشغول به خدمت می باشم. لازم به یاد آوری است که این کتاب ترجمه فصول مهم کتاب جناب آقای دکتر حسینی و نیز نتیجه گفتگوهای اینجانب با ایشان می باشد. فصول چهاردهم و پانزدهم این کتاب هم دو مقاله آقای دکتر حسینی می باشند که بعنوان نمونه هایی از مقالات مرتبط ایشان در این کتاب آورده شده اند.



تقدیم به

تمامی ایجنت‌های تغییر و توسعه (معلمان و اساتید فداکار) در مهدکودک‌ها، مدارس، دبیرستان‌ها، مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌های ایران که در اندیشه‌های دادن مستضعفان و ستم دیدگان از یوغ ستم و استبداد هستند.

این کتاب همین‌طور تقدیم می‌شود به مسیولین ۱۰۰ دانشگاهی که به خاطر نگارش ورژن انگلیسی همین کتاب با درخواست هیات علمی شدن من مخالفت کردند چرا که آنها هم به این باورهای بزرگان نظام جمهوری اسلامی اعتقاد داشتند که

۱. "هر گونه ارایه مسائل سیاسی در محیط‌های آکادمیک برای نظام سم است"!!!
۲. "هر گونه تلاش برای نهادینه کردن دموکراسی در کشور حکم براندازی نظام را دارد"!!!

متاسفانه و یا خوشبختانه اینجانب نه تنها در این کتاب بلکه در غالب کتب و مقالاتم بر این دو مورد تمرکز و تاکید داشته‌ام چرا که تنها راه نجات ایرانیان را در توجه همکاران محترم بر همین دو مورد ارزیابی کرده‌ام.

لازم به یاد آوری است که علیرغم قرارداد اولیه، انتشارات جنگل تهران حاضر نشد ورژن انگلیسی این کتاب را توزیع کند. ضمناً تنها وقتی مجوز چاپ ورژن انگلیسی این کتاب را دادند و در جشنواره رشد صرفاً جزو سه کتاب برتر شناخته شد که داماد ما را در سال ۱۳۸۹ (دوره اختناق و خفقان احمدی نژاد و سپاه او) به خاطر مطالب همین کتاب و کتب و مقالات و صحبت‌های دیگرم و برای تنبیه و ارباب من معدوم کردند.

محتوای کلی کتاب در یک نگاه

پیشگفتار.....	۱۷
فصل اول: سیستم آموزشی یا کارخانه گوسفند سازی؟!.....	۲۰
فصل دوم: تاریخچه آموزش زبان انگلیسی و تأثیر تئوری و روش تدریس این جانب بر آن.....	۲۶
فصل سوم: کالبدشکافی روش تدریس «آموزش بانکی» و ورای آن.....	۳۶
فصل چهارم: یادگیری گروهی.....	۵۲
فصل پنجم: انواع روش‌های یادگیری گروهی.....	۵۸
فصل ششم: «یادگیری تیمی رقابتی»: روشی متفاوت در آموزش.....	۶۹
فصل هفتم: برخی مکانیسم‌های «یادگیری تیمی رقابتی».....	۹۳
فصل هشتم: تسهیل تأثیر روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی».....	۱۰۵
فصل نهم: «یادگیری تیمی رقابتی»: وظایف مدرسان و مسئولیت‌های فراگیران.....	۱۱۳
فصل دهم: پایه‌های تئوریک «یادگیری تیمی رقابتی».....	۱۲۱
فصل یازدهم: دلایل موفقیت «یادگیری تیمی رقابتی».....	۱۴۰
فصل دوازدهم: اهمیت «یادگیری تیمی رقابتی» در مقایسه با سایر روش‌های تدریس.....	۱۴۷
فصل سیزدهم: "یادگیری تیمی رقابتی" و تکنولوژی‌های اینترنتی.....	۱۵۹
فصل چهاردهم: ضرورت و راهکارهای پرداختن به تفکر انتقادی در رژیم آموزشی ایران.....	۱۶۶
فصل پانزدهم: لزوم ارتقای بینش سیاسی دانش آموزان و دانشجویان.....	۱۷۳
فصل شانزدهم: پیشنهادها به مسئولان و متصدیان امر آموزش.....	۱۷۷
سخن آخر.....	۱۸۳
ضمایم.....	۱۸۵
آگهی خدمات تخصصی اینجانب	

=====

مطالب کتاب

مقدمه ای بر کتاب..... ۴

پیشگفتار..... ۱۷

فصل اول: سیستم آموزشی یا کارخانه گوسفند سازی؟!..... ۲۰

سؤالات سازمان دهنده..... ۲۰

مقدمه..... ۲۱

هشدار..... ۲۱

برخی عیوب سیستم آموزشی فعلی..... ۲۱

آیا منابع آموزشی فعلی مفید هستند؟..... ۲۲

پنج علت اصلی ناکامی سیستم آموزشی ایران..... ۲۲

نتیجه..... ۲۵

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۲۵

فصل دوم: تاریخچه آموزش زبان انگلیسی و تأثیر تئوری و روش تدریس این جانب بر آن..... ۲۶

سؤالات سازمان دهنده..... ۲۷

مقدمه..... ۲۷

عصر روش..... ۲۸

روش های دوران جنگ..... ۲۹

روش های نوآورانه..... ۳۰

مفهوم مهارت ارتباطی (معاشرتی) و آموزش زبان..... ۳۱

تأثیر ساختن گراها بر آموزش زبان انگلیسی..... ۳۲

تأثیر نگرش آموزشی سیاسی «این جانب» بر آموزش زبان انگلیسی..... ۳۲

عصر فناوری اطلاعات و آموزش زبان انگلیسی..... ۳۴

نتیجه..... ۳۴

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۳۵

فصل سوم: کالبدشکافی روش تدریس «آموزش بانکی» و ورای آن..... ۳۶

سؤالات سازمان دهنده..... ۳۷

مقدمه..... ۳۷

برشی کوتاه از روش سخنرانی و یا روش بانکی در سطح کلاس..... ۳۸

جلسه اول: تدریس..... ۳۹

جلسه دوم: ارزیابی / امتحان..... ۳۹

تأیید عدم موفقیت آموزش زبان در ایران..... ۴۰

اعتراف..... ۴۰

سؤالات این جانب..... ۴۱

دلایل دیگر برای ناکامی بزرگ در آموزش (زبان) در ایران..... ۴۲

برخی مشکلات دیگر آموزش زبان انگلیسی در ایران: نگاهی تحلیلی به داخل کلاس ها..... ۴۲

- برخی دلایل دیگر برای ناکامی آموزش زبان در ایران..... ۴۳
- کمی بیشتر درباره مفهوم «بانکی» بودن سیستم فعلی آموزش..... ۴۵
- تأثیر تست و امتحان و کنکور بر سیستم آموزش ایران: مشکلی دیگر ۴۶
- خطر..... ۴۶
- جامعه: قربانی نهایی..... ۴۶
- دنیاى تحت تأثیر واقع شده: پیامدهای به کارگیری روش بانکی در سطح بین المللی..... ۴۸
- چه باید کرد؟..... ۴۸
- آیا روش تدریس «ارتقای مهارت محاوره‌ای» (CLT) در آموزش زبان به اندازه کافی مؤثر هست که جایگزین روش تدریس سنتی شود؟ ۴۹
- نتیجه..... ۵۰
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۵۱

فصل چهارم: یادگیری گروهی..... ۵۲

- سؤالات سازمان دهنده..... ۵۲
- مقدمه..... ۵۳
- انواع هدف گذاری یادگیری بین فردی..... ۵۳
- یادگیری انفرادی ۵۳
- یادگیری رقابتی انفرادی..... ۵۴
- یادگیری به صورت گروهی..... ۵۴
- تعریف یادگیری گروهی..... ۵۴
- یادگیری گروهی و کلاس های زبان..... ۵۵
- نتیجه..... ۵۷
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۵۷

فصل پنجم: انواع روش های یادگیری گروهی..... ۵۸

- سؤالات سازمان دهنده..... ۵۸
- مقدمه..... ۵۹
- تحقیق گروهی..... ۵۹
- یادگیری مشارکتی..... ۶۰
- جیگ سا ۱..... ۶۱
- جیگ سا ۲..... ۶۲
- مخالفت سازنده ۶۳
- تدریس دوطرفه خواندن و درک مطلب ۶۴
- روش ترکیب خواندن و نوشتن در کار گروهی ۶۴
- روش تقسیم بر مبنای موفقیت گروهی ۶۵
- روش گروه ها، بازی ها و تورنومنت ۶۶
- نتیجه..... ۶۷
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۶۸

فصل ششم: «یادگیری تیمی رقابتی»: روشی متفاوت در آموزش ۶۹

- سؤالات سازمان دهنده..... ۷۰
- مقدمه..... ۷۰
- آنچه این جانب را ترغیب به ابداع «یادگیری تیمی رقابتی» کرد..... ۷۰
- «یادگیری تیمی رقابتی»..... ۷۲
- تصویری از «یادگیری تیمی رقابتی» در کلاس..... ۷۴
- جلسه آموزش..... ۷۵
- جلسه آزمون..... ۷۸
- «هدف» یادگیری تیمی رقابتی..... ۷۹
- «برنامه» یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۰
- اهمیت «انگیزه» در یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۰
- «مواد آموزشی» در یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۱
- «تکالیف» و یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۱
- «فعالیت‌های کلاسی» در یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۱
- «سیستم ارزشیابی» در یادگیری تیمی رقابتی..... ۸۲
- «سیستم ارزشیابی» یادگیری تیمی رقابتی به‌عنوان «عاملی انگیزشی»..... ۸۸
- پیشنهاد من برای جایگزینی امتحانات و کنکور فعلی..... ۹۰
- نتیجه..... ۹۱
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۹۲

فصل هفتم: برخی مکانیسم‌های «یادگیری تیمی رقابتی» ۹۳

- سؤالات سازمان دهنده..... ۹۴
- مقدمه..... ۹۴
- فاکتورهای مؤثر در موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی - رقابتی»..... ۹۵
- نقش معلم متخصص..... ۹۵
- فرهنگ یادگیری که این جانب بر آن تأکید دارم ۹۵
- سیستم تیم بندی سیستماتیک ۹۷
- تکالیف، مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی ۹۹
- تعامل چهره به چهره دوطرفه..... ۱۰۰
- مهارت‌های تعاملی ۱۰۰
- تعامل مثبت و سازنده..... ۱۰۰
- استراتژی‌هایی برای تسهیل تعامل مثبت و سازنده در بین فراگیران در کلاس‌های این جانب..... ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه ساختار تیم ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه فضای رقابتی..... ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای تکالیف ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای اهداف..... ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه امتحانات..... ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه پاداش..... ۱۰۱

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

- تعامل مثبت و سازنده به واسطه قوانین کلاسی..... ۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه مواد آموزشی..... ۱۰۲
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای ارزیابی فراگیران..... ۱۰۲
- حس مسئولیت‌پذیری اعضای تیم‌ها..... ۱۰۲
- استراتژی‌هایی برای ارتقای حس مسئولیت‌پذیری فراگیران در روش تدریس این‌جانب..... ۱۰۳
- مشارکت برابر..... ۱۰۳
- تعامل هم‌زمان و برابر..... ۱۰۳
- بررسی کار تیمی ۱۰۳
- استمرار تعامل تیمی..... ۱۰۳
- وظایف معلمان..... ۱۰۳
- نتیجه..... ۱۰۴
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۰۴

فصل هشتم: تسهیل تأثیر روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»..... ۱۰۵

- سؤالات سازمان دهنده..... ۱۰۶
- مقدمه..... ۱۰۶
- تکنیک‌هایی برای تسهیل موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»..... ۱۰۶
- مرور سه دقیقه‌ای..... ۱۰۶
- رسیدن به راه‌حل مشترک..... ۱۰۶
- بلند فکر کردن..... ۱۰۷
- مصاحبه سه مرحله‌ای..... ۱۰۷
- یادگیری تیمی، جفتی و انفرادی..... ۱۰۷
- تفکر انفرادی و حل جفتی و تیمی..... ۱۰۷
- یادگیری انفرادی، جفتی و تیمی..... ۱۰۸
- به اشتراک گذاشتن یک مسئله..... ۱۰۸
- میزگرد ۱..... ۱۰۸
- میزگرد ۲..... ۱۰۸
- استفاده از فراگیران تاپ کلاس..... ۱۰۸
- شماره‌گذاری اعضای تیم‌ها..... ۱۰۸
- حل سؤال در مدتی محدود..... ۱۰۹
- برخی فعالیت‌های اجتماعی برای کلاس‌هایی که توسط روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند..... ۱۰۹
- آوازه‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و یا اینترنتی..... ۱۰۹
- ضرب‌المثل‌ها..... ۱۰۹
- بازی‌ها..... ۱۱۰
- مقایسه کردن..... ۱۱۰
- ارزیابی انتقادی..... ۱۱۰
- ایفای نقش..... ۱۱۰
- وظایف فراگیران..... ۱۱۱
- نتیجه..... ۱۱۱

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۱۲

فصل نهم: «یادگیری تیمی رقابتی»؛ وظایف مدرسان و مسئولیت‌های فراگیران ۱۱۳

سؤالات سازمان دهنده..... ۱۱۳

مقدمه..... ۱۱۴

«یادگیری تیمی رقابتی» و وظایف مدرسان..... ۱۱۴

«یادگیری تیمی رقابتی» و مسئولیت‌های فراگیران..... ۱۱۷

نتیجه..... ۱۱۹

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۱۹

فصل دهم: پایه‌های تئوریک «یادگیری تیمی رقابتی»..... ۱۲۱

سؤالات سازمان دهنده..... ۱۲۲

مقدمه..... ۱۲۲

روش: دیدگاه مربوط به یادگیری..... ۱۲۲

فرضیه داده‌ها (Input Hypothesis) ۱۲۳

فرضیه خروجی (Output Hypothesis) ۱۲۴

فرضیه توجه (Noticing Hypothesis) ۱۲۴

فرضیه فیلتر عاطفی و روانی (Affective Filter Hypothesis) ۱۲۵

فرضیه تعامل (Interaction Hypothesis) ۱۲۵

فرضیه «داده- خروجی چندگانه»: فرضیه‌های موجود کافی نیستند..... ۱۲۵

(Multiple Input-Output Hypothesis)

تئوری توضیح دادن (Elaboration Theory) ۱۲۷

تئوری سخنرانی (Speech Theory) ۱۲۸

تئوری‌های یادگیری رفتارگراها (Behaviorial Learning Theories) ۱۲۸

تئوری‌های مربوط به انگیزه (Motivational Theories) ۱۲۹

تئوری اجتماعی- زبانی (Socio-Linguistic Theory) ۱۳۰

تئوری جامعه‌شناختی (Sociological Theory and Social Learning Theory) ۱۳۰

تئوری درگیری (Engagement Theory) ۱۳۰

تئوری آموزش بزرگسالان (Andragogy Theory) ۱۳۱

تئوری‌های ساختن گراها Constructivists' Theories ۱۳۲

تئوری‌های ذهنی (Cognitive Theories) ۱۳۲

تئوری‌های اجتماعی ذهنی (Socio-Cognitive Theories) ۱۳۴

تئوری‌های ذهنی اجتماعی فرهنگی (Cognitive Socio-Cultural Theories) ۱۳۵

تمییز دیدگاه ویگاتسکی از دیدگاه پیائزه..... ۱۳۵

تئوری یادگیری زبان ذهنی اجتماعی سیاسی: تئوری زبان یادگیری تیمی رقابتی..... ۱۳۶

"Cognitive Socio-Political Language Learning Theory": Theory of Language of CTBL

نتیجه..... ۱۳۸

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۳۹

فصل یازدهم: دلایل موفقیت «یادگیری تیمی رقابتی».....۱۴۰

سؤالات سازمان دهنده.....۱۴۱

مقدمه.....۱۴۱

«یادگیری تیمی رقابتی» و یافته‌های علمی۱۴۲

دلایل دیگر موفقیت یادگیری تیمی رقابتی.....۱۴۲

جهانی‌شدن و اهمیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی».....۱۴۴

نتیجه.....۱۴۵

سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....۱۴۶

فصل دوازدهم: اهمیت «یادگیری تیمی رقابتی» در مقایسه با سایر روش‌های تدریس.....۱۴۷

سؤالات سازمان دهنده.....۱۴۸

مقدمه.....۱۴۸

اهمیت روش تدریس این‌جانب در مقایسه با سایر روش‌های تدریس در حوزه آموزش زبان.....۱۴۸

تمییز «یادگیری تیمی رقابتی» از سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند.....۱۵۰

مقایسه یادگیری تیمی رقابتی با سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند.....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند با توجه به «معلم و یا

فراگیر محور بودن».....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «تعامل مثبت و

سازنده».....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «حس

مسئولیت‌پذیری».....۱۵۳

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «نوع تعامل بین

فراگیران».....۱۵۳

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «سیستم

ارزشیابی».....۱۵۴

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «تکالیف

فراگیران».....۱۵۵

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «درجه راحتی

به‌کارگیری آن‌ها در سطح کلاس».....۱۵۵

ویژگی‌های منحصر به فرد یادگیری تیمی رقابتی در مقایسه با روش سنتی آموزش، سایر روش‌های تدریسی که بر کار

گروهی تمرکز دارند و CLT.....۱۵۶

نتیجه.....۱۵۸

سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....۱۵۸

فصل سیزدهم: "یادگیری تیمی رقابتی" و تکنولوژی‌های اینترنتی.....۱۵۹

سؤالات سازمان دهنده.....۱۵۹

مقدمه.....۱۶۰

پایگاه به‌کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک.....۱۶۰

مرکز کنترل.....۱۶۱

مرکز آموزش..... ۱۶۲

مرکز آزمون و ارزیابی..... ۱۶۴

مرکز لجستیک..... ۱۶۴

نتیجه..... ۱۶۴

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۶۴

فصل چهاردهم: ضرورت و راهکارهای پرداختن به تفکر انتقادی در رژیم آموزشی ایران..... ۱۶۶

سؤالات سازمان دهنده..... ۱۶۶

مقدمه..... ۱۶۷

ویژگی‌های متفکرین منتقد..... ۱۶۸

تفکر انتقادی و پیشرفت شغلی و حرفه‌ای..... ۱۶۸

تفکر انتقادی و تمدن..... ۱۶۸

ملزومات اورژانسی ایجاد و ترویج تفکر انتقادی و خلاق در ایران..... ۱۶۹

برخی روش‌های پرورش تفکر انتقادی..... ۱۶۹

نتیجه..... ۱۷۱

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۷۲

فصل پانزدهم: لزوم ارتقای بینش سیاسی دانش آموزان و دانشجویان..... ۱۷۳

فصل شانزدهم: پیشنهادها به مسئولان و متصدیان امر آموزش..... ۱۷۷

سؤالات سازمان دهنده..... ۱۷۷

مقدمه..... ۱۷۸

سیاست‌گذاران آموزشی..... ۱۷۹

تولیدکنندگان مواد آموزشی..... ۱۸۰

روش شناسان..... ۱۸۰

معلمان و مدرسان..... ۱۸۰

طراحان و برگزارکنندگان آزمون‌ها..... ۱۸۱

محققان..... ۱۸۱

نتیجه..... ۱۸۱

سؤالاتی برای بحث گفتگو..... ۱۸۲

سخن آخر..... ۱۸۳

ضمایم..... ۱۸۵

ضمیمه ۱

برخی مطالب خارج از درس در کلاس‌های من!..... ۱۸۶

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

ضمیمه ۲

به خدمت گیری تکنولوژی اینترنت در محیط های آکادمیک.....۱۹۵

ضمیمه ۳

نامه سرگشاده من به فانی (وزیر آموزش و پرورش).....۱۹۷

ضمیمه ۴

رزومه این جانب که به بیش از ۱۰۰ دانشگاه دولتی، آزاد، غیرانتفاعی و پیام نور در شهرها و روستاهای ایران ارائه دادم اما هیچ یک مرا نپذیرفتند!؟.....۲۰۰

آگهی خدمات تخصصی اینجانب

.....

Abbreviations (مخفف‌های بکار گرفته‌شده در این کتاب)

ALM	Audio Lingual Method
CALLA	Cognitive Academic Language Learning Approach
CBI	Content-Based Instruction
CC	Counselling Learning
CGBL	Cooperative Group-Based Learning
CI	Complex Instruction
CIRC	Cooperative Integrated Reading and Composition
CL	Cooperative Learning
CLL	Community Language Learning
CLT	Communicative Language Teaching
CSPLLT	Cognitive Socio-Political Language Learning Theory
CTBL	Competitive Team-Based Learning
CGBL	Cooperative Group-Based Learning
CS	Cooperative Structures
DM	Direct Method
GI	Group Investigation
GTM	Grammar Translation Method
LA	Lexical Approach
LT	Learning Together
LTD	Learning Through Discussion
MI	Multiple Intelligences
MIOH	Multiple Input-Output Hypothesis
NA	Natural Approach
NM	Natural Method
NP	Neurolinguistic Programming
PPP	Presentation Practice Production
RM	Reading Method
RTR	Reciprocal Teaching of Reading
SAC	Structured Academic Controversy
SLA	Second Language Acquisition
SLT	Situational Language Teaching
SO	Suggestopedia
STAD	Student Teams-Achievement Divisions
SW	Silent Way
TAI	Team Accelerated Individualization
TBLT	Task-Based Language Teaching
TEFL	Teaching English as a Foreign Language
TESOL	Teaching of English to Speakers of Other Languages
TGT	Teams-Games-Tournaments
TLM	Traditional Lecture Method
TT	Teams Tournament
TPR	Total Physical Response
UG	Universal Grammar
USA	United States of America
WLA	Whole Language Approach
ZPD	Zone of Proximal Development

=====

پیشگفتار

اجازه دهید در همین ابتدا از شما خواهش کنم که سعی کنید خلاصه این کتاب را در صفحه اول و نیز «سخن آخر» را در انتهای کتاب مطالعه بفرمایید تا ببینید آیا این کتاب ارزش خریدن و یا هدیه دادن به یک دوست و یا معلم / استادتان را دارد یا نه؟

این جانب در سال ۱۳۷۲ وارد تربیت معلم شهید بهشتی مشهد شدم و در سال ۱۳۷۴ وقتی دوره کاردانیم داشت تمام می شد در دانشگاه آزاد مشهد جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی پذیرفته شدم. در ابتدا از این امر خوشحال شدم اما وقتی مشکلات اقتصادی را مرور کردم این قبول شدن من در دانشگاه آزاد به نظرم یک تراجیدی آمد! بدتر اینکه بعد از فارغ التحصیل شدنم از مرکز تربیت معلم، بنا به تعهدم به آموزش و پرورش، باید در یک مدرسه راهنمایی پرت در دل کویر جاجرم به تدریس مشغول می شدم. در هر حال بعد از ورودم به آن روستا وقتی متوجه شدم تمام کلاس هایم شامل بیش از ۳۰ دانش آموز چندزبانه بسیار شلوغ و پرسروصدا و در عین حال دوست داشتنی بودند شوکه شدم. ضمن این که به شدت از تدریس «خواندن و درک مطلب» زبان متنفر بودم! - دوست داشتم مکالمه درس دهم که در دنیای امروز بیشتر کاربرد دارد و مورد نیاز است اما چاره ای نداشتم. در هر صورت تصمیم گرفتم به بهترین نحو ممکن خودم و دانشم را به شاگردانم عرضه کنم. ضمن اینکه در آن روستا مجبور بودم علاوه بر تدریس خرید، آشپزی، بشور و بساب و اداره کردن کلاس های رزمی ام را هم داشته باشم و البته باید سخت هم برای دانشگاه مطالعه می کردم. همان طور که گفتم تازه دانشجوی کارشناسی آموزش زبان شده بودم و تصمیم داشتم در مسیرم به سوی PhD! به هر ترتیب شده لیسانسم را سه ساله (و نه چهارساله) بگیرم.

همکارانم به من یادآوری کرده بودند که یکی از مؤثرترین راهها برای انتقال از آن روستای وحشتناک (از نظر رفت و آمد) به روستایی با شرایط بهتر و نزدیک تر به دانشگاه این بود که درصد قبولیم بالا می شد! این یک چالش بزرگ بود چراکه قصد من اثبات اشرافم به روش های تدریس در نزد اساتیدم در دانشگاه و نیز بالا بردن مهارت های زبانیم بود. در چنین شرایطی مجبور بودم به نحوی مشکل کمبود زمان را برای خودم در کلاس هایم جبران کنم تا بتوانم از عهده خانه داری و اداره کردن کلاس های آموزشی و کلاس های رزمی و کلاس های دانشگاه و غیره برآیم. بنابراین تصمیم به بکارگیری یک راهبرد آموزشی در کلاس های مدرسه ام گرفتم که هم می توانست به نفع دانش آموزانم باشد و هم به نفع خودم. در ذیل به تشریح این استراتژی آموزشی که بعدها با ارتقای مکانیسم های آن سعی کردم از آن یک اسلحه آموزشی بسازم می پردازم:

در کلاس هایم یک درس را که می بایست در ۹۰ دقیقه ارائه می دادم در ۱۵ تا ۲۰ دقیقه با به کارگیری تمام پتانسیلم در آموزش ارائه می دادم و بعد از دانش آموزان می خواستم که خودشان به مرور درس و حل تمرین مربوطه بپردازند تا در این فرصت خودم به مطالعه دروس دانشگاهیم بپردازم! دانش آموزانم با توجه به شناختی که بعد از چند جلسه از من پیدا کردند به این نتیجه رسیدند که باید تمام تلاش خود را می کردند چراکه در هر جلسه من یکی دو نفر از آن ها را به طور اتفاقی انتخاب می کردم و چند سؤال از همان درس از آن ها می پرسیدم و بر مبنای نمره ای که می گرفتند تصمیم می گرفتم که آیا باید درس زبان را در آن سال پاس می کردند و یا نه؟! بعد از مدت کوتاهی متوجه شدم که شاگردانم به صورت خودجوش گروه هایی شکل می دادند که در آن گروه ها به پرسش و پاسخ و رفع اشکالات خود می پرداختند. در همین گیرودار بود که من سؤالی را که جلسه اول از این دانش آموزان پرسیده بودم به یاد آوردم. و آن سؤال این بود: «شما چگونه زبان دوم خود را یاد گرفتید؟» و بعد پاسخ از نظر آن ها ساده اشان را به یاد آوردم که گفتند زبان دومشان را به همان روشی یاد گرفتند که زبان مادری شان را یاد گرفتند. منظور آن ها روشن بود: آن ها زبان دومشان را در تعامل با خانواده و دوستانشان که آن ها را در معرض آن زبان قرار می دادند یاد گرفته بودند. در این مرحله بود که به ذهن من رسید که کلاس های خودم را از مزایای تعامل فراگیران با یکدیگر بهره مند سازم. به نظرم رسید که درگیر شدن فراگیران در فرایند یادگیری در گروه هایی که همه تقریباً در یک سطح بودند می توانست خیلی به ارتقای مهارت های زبانی آن ها کمک کند. بنابراین تصمیم گرفتم در کلاس هایم گروه هایی شکل دهم. به صورت اتفاقی چند گروه تشکیل دادم و از اعضای گروه ها خواستم که برای یادگیری بهتر با یکدیگر همکاری کنند. در آن زمان در سال ۱۳۷۵ اطلاع نداشتم که روش های تدریس خاصی به ویژه در غرب رایج هستند که بر کار گروهی تمرکز دارند. دلیل این امر این بود که در دوره کاردانی و یکی دو ترم اول کارشناسی در رشته آموزش زبان هنوز این

روش‌ها به ما معرفی نشده بود! به‌رحال بعد از مدتی متوجه شدم که روش کار گروهی در کلاس‌های من نمی‌تواند به‌طور کامل موفق باشد چراکه باعث بی‌نظمی و سروصدای زیادی در کلاس‌هایم می‌شد. در این مرحله بود که تصمیم گرفتم روش کار تیمی را که در کلاس‌های رزمیم به آن می‌پرداختم در کلاس‌های مدرسه‌ام هم به خدمت بگیرم.

بنابراین در کلاس‌های تیم‌های ناهمگنی که هریک شامل یک فراگیر قوی‌تر، یک متوسط و یک ضعیف بود تشکیل دادم و نهایتاً به هر دسته از فراگیران قوی، متوسط و ضعیف مسئولیتی در قبال تیمشان دادم. همین‌طور از آن‌ها خواستم که در طول پروسه یادگیری با اعضای تیم‌هایشان همکاری کنند تا بتوانند در رقابت با تیم‌های دیگر از آن‌ها پیشی بگیرند. بعد از مدتی متوجه شدم که این استراتژی واقعاً مؤثر واقع شد چراکه تقریباً همه درگیر فرایند یادگیری و تبادل آراء می‌شدند. همچنین این استراتژی که نام آن را «یادگیری تیمی رقابتی» نهادم محیط‌هایی بسیار شاد و پویا و رقابتی و جذاب را برای فراگیران ایجاد می‌کرد. اما مشکلی که بعد از چند جلسه با آن روبرو شدم اعتراض اعضای قوی‌تر برخی تیم‌ها و یا همان کاپیتان‌های تیم‌ها بود. آن‌ها معتقد بودند که برخی اعضای ضعیف‌تر تیم‌هایشان خیلی دیر یاد می‌گیرند. کاپیتان‌ها می‌گفتند ترجیح می‌دهند برای خودشان و به‌صورت سنتی و یا همان انفرادی کار کنند. اما من برای اینکه آن‌ها را دلگرم‌تر کنم به آن‌ها وعده دادم در صورتی که اعضای تیم‌هایشان پیشرفت مناسبی داشته باشند در پایان‌ترم بالاترین نمره (۲۰ از ۲۰) را به آن‌ها خواهم داد! خوشبختانه این راهکار من کارساز شد! من موفق شدم تا تفاوت‌ها در سطح دانش و مهارت‌های شاگردانم را برای موفقیت کل کلاس به خدمت بگیرم. خیلی برایم جالب بود وقتی می‌دیدم چگونه کاپیتان‌ها تمام پتانسیل خود را به کار می‌گرفتند تا باعث پیشرفت اعضای تیم‌هایشان شوند. و در پایان سال تمامی کلاس با نمرات بالا امتحانات نهایی زبان را که اتفاقاً سرا سری بود پاس کردند و در نتیجه این موفقیت با انتقال من به روستایی مناسب‌تر و نزدیک‌تر به دانشگاه محل تحصیلم موافقت شد.

مجدداً در سال ۱۳۷۶ وقتی که اواخر دوره تحصیل در دوره کارشناسی بود جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد گرمسار پذیرفته شدم. البته من در امتحان ارشد شرکت کرده بودم که با سؤالات آشنا شوم اما در هر صورت این فرصت را غنیمت شمردم و در سال ۱۳۷۷ تحصیلاتم را در آن دانشگاه شروع کردم. اما مجدداً همان مسائل و مصائبی را که در آغاز دوره کارشناسی داشتم در مرحله هم پیش رو داشتم. مجبور بودم خودم خرید کنم، آشپزی کنم، بشور و بساب و کلاس‌های رزمی و مطالعه و صدالبته تدریس هم داشته باشم تا بتوانم از عهده مخارج دانشگاه آزاد برآیم. این بار هم برای اینکه به خودم فرصت بیشتری برای مطالعه در کلاس‌هایم بدهم مجدداً همان راهبرد آموزشی خودم و یا همان «یادگیری تیمی رقابتی» را به خدمت گرفتم با این تفاوت که این بار کلاس‌هایم دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی بودند! هرچند در این کلاس‌هایم تمام تلاش و تجربه‌ام را به کار گرفتم، اما این بار اعتراضاتی مبنی بر از زیر کار در رفتن بعضی اعضای تیم‌ها را داشتم. باور بر این بود که این اعضا احساس مسئولیت نمی‌کنند و خیلی وقت‌ها از سایرین به‌ویژه از کاپیتان‌ها سوءاستفاده می‌کنند. به نظر می‌رسید که به‌کارگیری راهبرد من در برخی کلاس‌ها کار ساده‌ای نبود. در این مرحله از زندگی آکادمیکم بود که تصمیم گرفتم مطالعه‌ای گسترده پیرامون چرایی موفقیت و یا عدم موفقیت روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند داشته باشم. بعد از مطالعاتی که داشتم متوجه شدم این نوع روش‌های تدریس بسیار گسترده و دارای تکنیک‌ها و استراتژی‌های متنوع و زیادی هستند. آموختم که این روش‌ها با نام‌های متفاوتی از قبیل روش حل مسئله، یادگیری مشارکتی، یادگیری تجربی، یادگیری فعال، یادگیری پژوهش محور و یادگیری کنکاشی شناخته می‌شوند. نکته دیگری که بعد از مطالعه دقیق این روش‌ها متوجه شدم این بود که هریک از آن‌ها نکات قوت و ضعف خاص خودش را داشت. در هر حال در نتیجه این مطالعات و تحقیقات موفق شدم مکانیسم‌هایی را برای روش تدریس خودم (یادگیری تیمی رقابتی) تعریف کنم که مشکلات ذکر شده را برطرف کردند و باعث شدند که شاگردانم حتی در دانشگاه‌ها با ذوق و شوق و فعالانه درگیر فرایند یادگیری شوند که این دستاورد برای من یک کار و موفقیت علمی بزرگ بود.

و حالا بعد از سال‌ها که به ارتقای روش تدریسم پرداخته‌ام، به خاطر تأثیر شگرف این روش تدریس - به‌عنوان یک کاتالیزور - در ارتقای دانش، استراتژی‌های یادگیری، مهارت‌های زبانی و اجتماعی و سبک و سیاق تفکر و نگرش و منش و شخصیت فراگیران و با توجه به شناخت کاملی که از دیگر مزایای آن دارم بر آن شدم تا در این کتاب از زوایای متفاوت به معرفی جامع آن بپردازم. همان‌طور که اشاره شد یکی از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب تأکید آن بر به‌کارگیری

سیستماتیک کار تیمی در محیط‌های رقابتی می‌باشد که نه تنها برای موفقیت آکادمیکی (به‌ویژه در کلاس‌های زبان) بلکه برای موفقیت در زندگی در دنیای به‌شدت رقابتی امروز نیز لازم و ضروری است. با معرفی این روش تدریس منحصر به فرد در این کتاب خواستم نسل فردا را با روش‌های کارگروهی و شورایی که در قرآن کریم هم بر آن برای رسیدن به تصمیم جمعی و حل و فصل دیپلماتیک مسائل و اختلافات تأکید شده است آشنا نمایم (امرهم شورا بینهم). همین‌طور با معرفی این روش تدریس سعی کرده‌ام که این واقعیت را هم برسانم که در جامعه هم همانند کلاس‌هایمان تضاد و اختلاف در نظرات و ایده‌ها و حتی آیین‌ها می‌توانند در جهت پیشرفت و توسعه بیشتر جامعه به خدمت گرفته شوند و نه اینکه به فرسایش و جنگ و تقابل گروه‌ها و فرهنگ‌ها و احزاب بیانجامند. مایه تأسف است که راهبردهای اسلامی در محیط‌های آکادمیک آن‌طور که باید در سیستم آموزشی ما مورد توجه واقع نشده‌اند. متأسفانه غرب در این زمینه از ما پیشی گرفته است و برای همین هم هست که جوامع دموکراتیک‌تر و سالم‌تر دارند. ختم کلام اینکه روش تدریس این‌جانب می‌تواند جهت توانمند کردن نسل فردا برای ساختن فردایی آزاد و آباد در تمامی سطوح آموزشی به خدمت گرفته شود.

در اینجا لازم به یادآوری است که این‌جانب در سال ۱۳۷۹ موفق شدم از پایان‌نامه کارشناسی ارشدم - بارانمایی مرحوم دکتر میرحسینی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران - دفاع نمایم. در آن پایان‌نامه برتری روش تدریس خودم را بر روش تدریس سنتی رایج در ارتقای مهارت خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان دبیرستانی ثابت کردم. همین‌طور در سال ۱۳۸۷ موفق شدم مدرک PhD تخصصی خودم را در آموزش زبان انگلیسی و روش تدریس به خاطر دفاع از پایان‌نامه‌ام که در آن برتری روش تدریس خودم را بر روش تدریس پروفیسور جانسون در دانشگاه مینه ستای آمریکا اثبات کرده بودم از دانشگاه میسور هندوستان اخذ نمایم. یادآوری اینکه این روش تدریس منحصر به فرد خودم را که در این کتاب معرفی کرده‌ام بر پایه دو تیوری آموزشی-سیاسی خودم ارایه داده‌ام که این کار نه تنها در ایران بلکه در دنیا "بی نظیر" است. اطلاعات بیشتر در این زمینه را در فصل یازدهم کتاب مطالعه فرمایید.

خوشحال خواهم شد که نظرات، پیشنهادهای و انتقادات سازنده شما عزیزان را برای ارتقای کیفیت این اثر در چاپ‌های بعدی داشته باشم.

سید محمد حسن حسینی
بهمن ۱۳۹۴ - مشهد مقدس

=====

فصل اول

سیستم تعلیم و تربیت یا کارخانه گوسفند سازی!؟

مطالب

- سؤالات سازمان دهنده..... ۲۰
مقدمه..... ۲۱
هشدار..... ۲۱
برخی عیوب سیستم آموزشی فعلی..... ۲۱
آیا منابع آموزشی فعلی مفید هستند؟..... ۲۲
پنج علت اصلی ناکامی سیستم آموزشی ایران..... ۲۲
نتیجه..... ۲۵
سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۲۵

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. برخی عیوب سیستم آموزشی فعلی را بیان نمایید.
۲. آیا منابع آموزشی فعلی مفید هستند؟ پیشنهاد شما چیست؟
۳. علل اصلی ناکامی سیستم آموزشی ایران را نام ببرید.
۴. آیا با این ایده که «زبان یک اسلحه است» موافق هستید؟ دلیل و یا دلایل خود را بیان نمایید.

.....

مقدمه

شکی نیست که علاوه بر تکامل و تعالی هر جامعه، سرنوشت زمامداران آن نیز ارتباط مستقیم و انکارناپذیر با نوع هدف‌گذاری، کارایی، پویایی و قابلیت‌های سیستم تعلیم و تربیتی آن جامعه دارد. اما آیا سیستم فعلی آموزشی ما در ایران به‌روز و موفق بوده است؟ آیا این سیستم پتانسیل رساندن ملت ایران را به‌سوی آرمان‌هایشان دارد؟ چرا این سیستم به این صورت و اصلاً به چه منظور طراحی شده است؟! و چرا باوجود تحولات شگرف در عرصه‌های بین‌المللی، در طول ده‌های متمادی شاهد تغییر بنیادین و معناداری در این سیستم نبوده‌ایم و صرفاً شاهد تغییرات عوام‌فریبانه از قبیل سیستم‌های ۵/۳/۴ و یا ۶/۳/۳ بوده‌ایم؟!

هشدار

سال‌ها بی‌تفاوتی نسبت به ضعف مهندسی آموزش در نظام ناکارآمد آموزش کشور این‌جانب را بر آن داشت تا در مقالات و کتب متعدد (به زبان انگلیسی) نسبت به عواقب ادامه این روند در عصر و شرایط حاضر به‌طور جدی هشدار دهم (Hosseini, 2000/2006/2012/2014). همان‌طور که محمدرضا سپهری، رئیس پیشین موسسه کار و تأمین اجتماعی، در مصاحبه‌ای اختصاصی تحت عنوان «شیوه آموزشی دانشگاه‌ها علت بیکاری فارغ‌التحصیلان» تأیید کرده‌اند مسئولان آموزش و پرورش و آموزش عالی «کنونی» و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بدانند که سیستم آموزشی ما بسیار تردیشنال بوده و دانش و مهارت قابل‌توجهی را در فارغ‌التحصیلان و نسل فردا برای زندگی موفق در دنیای پیچیده فردا ایجاد نمی‌کند. همین‌طور سیاست‌گذاران و مسئولان حوزه‌ی آموزش باید بدانند که سیستم تعلیم و تربیتی ما یکی از اصلی‌ترین علل معضلات کنونی جامعه از قبیل بی‌کاری، بزه‌کاری، فقر، فساد، طلاق، تبعیض، ظلم و ستم و فلاکت و عقب‌ماندگی و فرار مغزها بوده و هست. همان‌طور که اشاره شد این رژیم ناکارآمد آموزشی از مهم‌ترین علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بازار کار و نیز عدم موفقیت ایشان در محیط‌های کاری در سطوح ملی و بین‌المللی نیز می‌باشد.

برخی عیوب سیستم آموزشی فعلی ایران

واقعیت این است که مکانیسم‌های دیکته شده توسط طراحان سیستم فعلی آموزشی ایران به تدریج قدرت «تفکر کردن» را - که وجه تمایز انسان از نباتات و حیوانات است - از نسل فردا سلب می‌نمایند و آنان را بی‌انگیزه، بی‌خیال و بی‌تفاوت و بدون ذوق و شوق برای درگیر شدن در فرایند یادگیری و کنکاش برای حل مسائل و تلاش کردن در محیط‌های واقعی بار می‌آورند. این سیستم قابلیت آموزش مهارت‌های کار گروهی که از الفبای ورود به دهکده جهانی است را هم به نسل فردا ندارد. مهم‌تر این‌که این سیستم در آموزش زبان انگلیسی که یک زبان بین‌المللی برای تعامل و موفقیت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است بسیار ناموفق و ناکارآمد بوده است. دانش‌آموزان ما بعدازاینکه دیپلم می‌گیرند و وارد دانشگاه‌ها می‌شوند قادر نیستند ساده‌ترین متون انگلیسی را پردازش کنند و به سؤالاتی که حتی «بین» خطوط را - چه رسد به ورای خطوط را - هدف گرفته‌اند با ادله و منطق پاسخ دهند. این در حالی است که آنان بیش از ۱۰۰۰ ساعت کلاس‌های رسمی زبان داشته‌اند که در آن‌ها بر «خواندن و درک مطلب» تأکید شده است! حتی این‌جانب در خارج از کشور شاهد بودم که اکثر کسانی که برای تحصیل در مقطع دکترا آنجا بودند مهم‌ترین چالششان «بکارگیری» زبان انگلیسی در محیط‌های واقعی بود که برای نیل به این هدف مجبور بودند دلارهای زیادی هزینه کنند. جای بسی تأسف برای سیاست‌گذاران آموزشی و مؤلفان کتب درسی دارد که این افراد بیش از ۳۰۰۰ ساعت دوره‌های آموزش زبان را در مدارس و دانشگاه‌های ایران گذرانده بودند - با هزینه‌های غیرقابل‌تصور برای مردم شریف ایران.

همان‌طور که همه می‌دانیم یکی از مهم‌ترین نواقص سیستم آموزشی ما این است که این سیستم به‌شدت امتحان زده و تست محور است. تمام تلاش دانش‌پژوهان و برنامه‌ریزی آموزشی راه‌یابی (فراگیران) به رشته‌ها و دانشگاه‌های تاپ تر به هر قیمتی و با هر نوع استراتژی‌ای می‌باشد. در نوع فعلی «کنکور» ما کسانی موفق‌ترند که حافظه قوی‌تری داشته باشند و یا به‌اصطلاح «خرخوان تر» باشند نه کسانی که قدرت تفکر خلاقانه‌تر، انتقادی‌تر و پردازشگرانه تر دارند. و «خطر» در اینجاست که این افراد مسئولین و سیاست‌گذاران یک مملکت بزرگ به وسعت ایران می‌شوند. از آنجاکه این افراد «کوچک» شایستگی موقعیت‌های بزرگی که به‌ناحق به آن‌ها رسیده‌اند را ندارند متوسل به هر رذالت و توطئه‌ای برای برداشتن افراد متفکر و منتقد

که چشم‌های ملت‌اند می‌شوند تا آنان را از سر راه خود بردارند تا شاید بدین‌وسیله دنیای رؤیایی خود و اربابانشان را برای همیشه حفظ کنند. برای نمونه این افراد با هدایت اربابانشان - که این رژیم آموزشی را طراحی کرده‌اند و میل به استخدام افراد کوچک، سبک‌مغز و بله‌قربان‌گو دارند- با روش‌های فاشیستی بر دگران‌دیشان و متفکرین فشار می‌آورند و آن‌ها و عزیزانشان را حتی تهدید به مرگ می‌کنند تا راهی جز فرار برای آنان باقی نگذارند. - این همان «نسل‌کشی» و «اخراج» «نامحسوس» منتقدان و دگران‌دیشان از سرزمین مادری‌شان برای مدیریت نسل‌های آینده در جهت چپاول و غارت بیشتر و راحت‌تر آن‌ها می‌باشد! آنان این‌گونه اعمال را با به خدمت‌گیری «گردان‌های سری» خود که مجهز به هر نوع امکاناتی هستند و برای مدیریت کردن زندگی، سرنوشت و مرگ دگران‌دیشان و عزیزانشان ایجاد شده‌اند انجام می‌دهند. یکی از دلایلی که این حضرات و سپاهشان این کارها را با امثال من می‌کنند این است که معتقد هستند "هر گونه ارایه مسائل سیاسی در محیط‌های آکادمیک برای نظام سم است"؟! آنها همچنین معتقد هستند "هر گونه تلاش برای نهادینه کردن دموکراسی در کشور حکم براندازی نظام را دارد"!!!؟ حق با آنها است چرا که اگر فقط همین دو مورد که من بر آنها تمرکز دارم عملیاتی و فراگیر شوند جایی برای این غارتگران در این سرزمین نمی‌ماند....

بنابراین در مدارس و دانشگاه‌ها تأکید بر حافظه محوری و به یادآوری مطالب ارائه‌شده توسط معلمان و اساتیدی است که خود غالباً دانش و مهارت‌های روز در امر آموزش و روش‌های تدریس را ندارند. به عبارت دیگر، در کلاس‌های فعلی ما تأکید بر حفظ کردن، طوطی‌وار تکرار کردن، دوباره گفتن، میمون‌وار تقلید کردن، و گوسفندوار زندگی کردن در محیط‌های خشک، رسمی، یک‌سویه و تصنعی است که در آن‌ها اکثریت نادیده گرفته می‌شوند. سیستم آموزشی ما بنا به تعریفی که پائولو فره - یک اندیشمند رادیکال برزیلی - ارائه می‌دهد یک «سیستم بانکی» است که در آن مدرسان خود را تنها مالکان بدون رقیب دانش فرض می‌گیرند که آن را در کلاس‌های خود به شاگردانشان (شهروندان) که به خیال آن‌ها تهی از دانش هستند تزریق می‌کنند. شهروندان تعلیم می‌بینند و تربیت می‌شوند که دنیا را آن‌طور ببینند که آن‌ها می‌بینند، که به آنچه عمل کنند که آن‌ها می‌خواهند و به آن باور بیاورند که آن‌ها باور دارند.

آیا منابع آموزشی فعلی مفید هستند؟

همان‌طور که بارها گفته‌ام کتب آموزشی ای که این‌جانب در دبیرستان تدریس می‌کنم و حتی کتبی که در دانشگاه تدریس می‌کردم (زمانی که اجازه تدریس در دانشگاه را داشتم) برای ۵۰ تا ۱۰۰ سال قبل مناسب بود و هست و نه برای دهه دوم هزاره سوم! نوع متون و نوع پرسش‌ها و تمرین این کتب و حتی روش‌های تدریس اکثر معلمان و اساتید و به‌ویژه نوع مدیریت‌ها و نگرش‌های آموزشی و پرورشی و گزینش‌ها و همه و همه ناخودآگاه همیشه مرا به این نتیجه رسانده است که طراحان این سیستم خواسته یا ناخواسته قصد گوسفند ساختن از نسل فردا را دارند - قصد گوسفند ساختن از مردم - شاید برای استحمار و استعمار و استثمار راحت‌تر آن‌ها - به‌منظور چپاول اموال و غارت منابع ملی‌شان.

پنج علت اصلی ناکامی سیستم آموزشی ایران

این‌جانب علل اصلی ناکامی سیستم آموزش زبان ایران را در مدارس و در دانشگاه‌ها در پنج مورد اصلی زیر ارزیابی کرده‌ام:

۱. «اهداف آموزشی»:

اهداف آموزشی فعلی سیاست‌گذاران فوق‌العاده تردیشنال بوده و به‌هیچ‌عنوان واقعیت‌ها و الزامات زندگی در دنیای امروز را در نظر نگرفته‌اند - چه رسد به واقعیت‌های دنیای پیچیده فردا. به‌عنوان نمونه هدف از آموزش زبان در مدارس و دانشگاه‌های ایران «خواندن و درک مطلب» می‌باشد! که هرگز مناسب برای زندگی و تعامل موفق در دنیای امروز نیست. هدف ما باید آماده کردن نسل فردا برای زندگی در دنیای پیچیده فردا باشد. بنابراین تمرکز ما باید نه‌تنها بر «ارتقای مهارت‌های محاوره‌ای» و قادر ساختن فراگیران به «کاربرد زبان در محیط‌های واقعی» باشد بلکه باید سعی کنیم که آنان «متفکر»، «استدلال‌گرا»، «علت و معلول‌یاب»، «منتقد»، «خلاق»، «مشارکت‌جو» و

هم‌زمان «اهل رقابت» و «آگاه به مسائل اجتماعی» و به ویژه «آگاه به مسائل سیاسی» بار آیند. روش تدریس اینجانب در این راستا طراحی و ارایه شده است. البته به خاطر همین روش تدریس که در دوره دکتری به آن پرداختم و بیش از ۷۰ کتاب و مقاله راجع به آن نوشتم با درخواست هات علمی شدن من در بیش از ۱۰۰ دانشگاه ایران مخالفت شد! در آموزش و پرورش (مشهد) هم که رسمی هستم به من کلاس نمی دهند! باید کار اداری کنم!

۲. «منابع انسانی»:

متأسفانه درصد قابل توجهی از کادر آموزشی ما حتی در دانشگاه‌ها - که نتیجه رژیم آموزشی فعلی هستند - خود فاقد صلاحیت علمی لازم هستند. این ادعای این‌جانب به راحتی با بررسی ملاک‌های جذب، روش‌های تدریس و آثار آن‌ها قابل تأیید است. نتیجه این عدم صلاحیت علمی و کاری ایشان هم جامعه علیل و بیمار کنونی است که سرشار از ظلم و ستم و بزه‌کاری و طلاق و ریا و غارت و عقب‌ماندگی و فقر و فساد و فحشا است. تربیت نسل فردا و آینده‌سازان و شهروندان را - از نظر این‌جانب - باید به باهوش‌ترین‌ها و بانگیزه‌ترین‌ها و کسانی که اولویت اول خود را در کنکور حرفه مقدس معلمی می‌زنند بسپارند و نه به آن‌ها که از همه‌جا رانده شده‌اند و از سر ناامیدی و استیصال آخرین گزینه خود را معلمی انتخاب می‌کنند. متأسفانه در شرایط کنونی شاهد هستیم که از افراد متخصص، منتقد و خلاق و دلسوز جامعه آن‌طور که باید به همان دلایل که به آن‌ها اشاره شد استفاده نمی‌شود. به‌ویژه در سالیان اخیر بیشتر تأکید بر به‌کارگیری افراد متملق، چاپلوس، ریاکار و بله‌قربان‌گو در محیط‌های آکادمیک و مدیریتی بوده است. علت این سیاست هم این است که رهبران نالایق نمی‌توانند با افراد روشنفکر و شایسته‌تر از خود کار کنند چرا که قادر نیستند آنان را تحت سیطره کامل خود در آورند.

۳. «مواد آموزشی»:

متأسفانه مواد آموزشی فعلی ما بیشتر به ارائه تفکر و یافته‌های دیگران به فراگیران می‌پردازند و در واقع با این کار - خواسته و یا ناخواسته - فرصت فکر کردن را از آن‌ها می‌گیرند. همان‌طور که توضیح داده شد غالب مواد آموزشی فعلی برای ۵۰ تا ۱۰۰ سال پیش مناسب هستند چراکه نقش تکنولوژی و واقعیت‌های دهکده جهانی و نیز سلاقی، علاقه‌ها و خواسته‌های فراگیران امروزی در آن‌ها نادیده گرفته شده است. سیاست‌گذاران آموزشی باید بر تهیه و تدوین مواد آموزشی‌ای تمرکز داشته باشند که منجر به بسط قدرت فکری و رشد تفکر خلاق و انتقادی فراگیران نیز می‌شوند. مواد آموزشی باید اندیشیدن و به‌ویژه تفکر آفرینش‌گری - و نه بازآفرینی را که جمود فکری را به دنبال دارد - ترویج کنند. کتاب من را که در منابع آمده ببینید.

۴. «روش‌های تدریس»:

روش‌های تدریس معلم محور و دیکتاتور مابانه فعلی از نسل فردا چیزی جز «گوسفند» نمی‌سازند. این مبحث نیز در فصل‌های بعد به تفصیل توضیح داده شده است. روش‌های سنتی فعلی و از جمله روش بانکی به‌هیچ‌عنوان پاسخگوی نیازهای امروز شهروندان و جوامع کمال‌گرا نیستند. برخلاف روش بانکی، روش تدریس این‌جانب (یادگیری تیمی رقابتی - حسینی ۱۳۹۱) بر تبادل افکار و عقاید از طریق بحث و گفت‌وگو تأکید دارد و به این ترتیب درصدد تشویق و پرورش تفکر انتقادی و خلاقانه می‌باشد. در روش تدریس این‌جانب - که بر به‌کارگیری سیستماتیک کار تیمی در محیطی رقابتی تأکید دارد - ارائه تکالیف و پروژه‌های تیمی و تشویق تعامل فکری باعث افزایش تعامل و همفکری بین فراگیران می‌شود. فراگیران از طریق مکانیسم‌های متعدد تشویق می‌شوند تا مطالب و موضوعات را برای یکدیگر توضیح دهند. کار و بحث تیمی در عین حال که «استدلال‌های فردی» را برای فراگیران ممکن می‌کند «ظرفیت شنیدن استدلال‌های رقیب» را نیز در آن‌ها به وجود می‌آورد. این‌جانب - در روش تدریس خودم - تفکر را به‌عنوان جزئی ضروری در آموزش تلقی کرده و تأکید دارم که فعالیت‌های تفکر باید به‌عنوان جزئی لاینفک از پروسه آموزش و یادگیری در نظر گرفته شوند چراکه مهارت‌های تفکر برای موفقیت هر فعالیت تربیتی

ضروری می‌باشند. بنابراین این‌جانب نهایت تلاش را می‌کنم که به فراگیران شهامت و شجاعت تفکر ورزی و نقد و انتقاد را بدهم. از طریق این روش تدریس فراگیران علاوه بر کسب مهارت بکارگیری زبان در محیط‌های (شبهه) واقعی با اصول مشارکت در تصمیم‌گیری، حل مسئله، مسئولیت‌پذیری، انتقادپذیری و نیز اصول رقابت سالم و اصول دموکراسی و حقوق شهروندی و ... نیز آشنا می‌شوند.

۵. «سیستم ارزشیابی»:

در ارزشیابی خود در کلاسهای زبان، باید علاوه بر سنجش مهارت "بکارگیری" زبان در محیط‌های (شبهه) واقعی نوع تفکر، گستره تفکر، نوآوری تفکر، تفکر آفرینشی، مهارت‌های حل مسئله، تکنیک‌های آفرینندگی، تفکر انتقادی، درجات بافکری، پژوهش‌های خلاق و فرآیندهای شناختی نیز ارزیابی و سنجش شوند و دیگر روش‌های متداول و سنتی، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و سنجش محفوظات و حافظه فراگیران جایگاهی نداشته باشند.

این‌جانب در ادامه این کتاب ضمن بررسی نقادانه دلایل ناکارآمدی سیستم‌های فعلی آموزش و تبعات مخرب آن‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی به آخرین مسائل و روش‌های تدریس در حوزه‌ی آموزش (زبان) پرداخته‌ام. مهم‌تر این‌که پس از تجزیه و تحلیل آخرین روش‌های تدریس که بر مبنای تعامل و بحث و گفت‌وگو بنا شده‌اند به معرفی روش تدریس منحصر به فرد خود پرداخته‌ام. این‌جانب سعی دارم از طریق این روش تدریس که مورد اقبال مجامع بین‌المللی نیز واقع گردیده است به نهادینه کردن اصول دموکراسی در نسل فردا جهت ساختن فردایی آزاد و آباد بپردازم. در این روش تدریس تأکید بر تشویق «همه» فراگیران به درگیر شدن در فرآیند یادگیری/زندگی و کار تیمی می‌باشد که در آن تیمها در محیطی شاداب و پویا باهم به رقابت می‌پردازند. همین‌طور در این کلاس‌ها تأکید بر تفکر خلاقانه، انتقادی و تحلیلی در فعالیت‌هایی از قبیل شفاف‌سازی، ارزیابی سبب‌ها و عوامل ایجاد مسئله از طریق طرح سؤالات کلیدی (توسط فراگیران)، ارائه و تجزیه و تحلیل راه‌حل‌ها، توضیح و ادله آوردن، قیاس، جمع‌بندی، پیش‌گویی و تعمیم دادن و حل‌وفصل دیپلماتیک اختلافات در محیط‌هایی (شبهه) واقعی که «همه» شاگردان در آن‌ها از «فرصت‌های برابر» برخوردارند می‌باشد. در این کلاس‌ها فراگیران می‌آموزند که ضمن این‌که آرا و افکار یکدیگر را به چالش می‌کشند و نظرات یکدیگر را نقد و بررسی می‌کنند حقوق همدیگر را به رسمیت بشناسند و به یکدیگر احترام بگذارند. آن‌ها می‌آموزند که حق‌دارند از باورهای خود دفاع کنند مادامی‌که برای آن‌ها منطقی و ادله دارند. آن‌ها می‌آموزند که پیروزی مهم است اما نه به هر قیمتی. آن‌ها می‌آموزند که حق‌دارند این‌جانب (رهبر کلاس) را در صورت عدم صلاحیت و شایستگی نقد و حتی خلع کنند. و آن‌ها می‌آموزند که علاوه بر ایفای نقش در ساختن دانش به ایفای نقش فعال در جوامع خود نیز بپردازند. همان‌طور که گفته شد کسانی که با این روش تدریس (در مدارس/ مؤسسات و دانشگاه‌ها) آموزش می‌بینند علاوه بر این‌که به «کاربرد زبان در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های تفکر، نگرش و منش و شخصیت خود را ارتقاء داده و «متفکر»، «استدلال‌گرا»، «علت و معلول یاب»، «منتقد»، «خلاق»، «مشارکت‌جو» و هم‌زمان «اهل رقابت» و «سیاسی» بار می‌آیند و از گوسفندان متمایز شده و قادر خواهند بود نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند.

این‌جانب تأکید دارم که شاگردان ما باید «آگاه به مسائل سیاسی» بار آیند چراکه بر این باور هستم که خطرناک‌ترین نوع بی‌سوادی، بی‌سوادی سیاسی است. یک بی‌سوادی سیاسی که درک سیاسی ندارد به این سطح از درک و فهم و شعور نرسیده است که تمام مشکلات و بدبختی‌های بشر نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های او در حوزه سیاست می‌باشند. بنابراین این نوع انسان‌های بی‌سوادی انسان‌های سبک‌مغزی هستند که نمی‌فهمند که بی‌توجهی به سیاست و مسائل سیاسی است که به جوامع سرشار از ظلم، ستم، فساد، قتل، غارت، ربا و استبداد می‌انجامد و روز به روز بر فساد صاحبان قدرت و بسته‌تر شدن جوامع تحت سیطره آن‌ها می‌افزاید. مهم‌تر این‌که دانش‌آموزان و دانشجویان ما نه تنها بر خانواده‌ها و جامعه خود تأثیر گذارند بلکه حق رأی دادن هم دارند: حاکمانی که آن‌ها انتخاب می‌کنند نه تنها سرنوشت خودشان بلکه سرنوشت «ما» و ملت را هم رقم خواهند زد. تنها با «آگاه» کردن نسل فردا نسبت به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و «سیاسی» است که ما قادر به

توانمند کردن آن‌ها خواهیم بود - توانمند کردن ضعفا و ستم دیدگان. بنابراین ما باید در کلاس‌هایمان «نگرش» نسل فردا و آینده‌سازان را واقعی‌تر کنیم. و نکته اینجاست که تغییر در نگرش قدرت آور است چراکه نگرش آن‌ها بر باورهایشان و باورهای آن‌ها بر رفتارشان و رفتار آن‌ها بر سرنوشت خود و جامعه‌اشان تأثیرگذار خواهد بود. تنها در این صورت است که ما به گفته نلسون ماندلا از آموزش «اسلحه» ساخته‌ایم - اسلحه‌ای نرم و نامحسوس برای براندازی حکومت‌های خودکامه، مستبد، تمامیت‌خواه و فاشیستی.

نتیجه

در خاتمه یادآوری می‌شود که «آموزش» ناقص و تردیشنال و نتیجه آن جامعه علیل، نارس و بحران‌زده ما نتیجه مسئولیت دادن به افراد «کوچک و سبک‌مغز»، «غیرمتخصص و بی‌کفایت»، «تنگ‌نظر»، «ریاکار و چاپلوس و بله‌قربان‌گو» و «شیفته‌جاه و مقام و ریاست» در طول سال‌های گذشته بوده و جز با طرد این افراد و رهبران‌شان و پذیرش افراد متخصص دلسوز طردشده توسط این گروهک تمامیت‌خواه راه به‌جایی نخواهیم برد.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. نظر شما درباره آخرین پاراگراف این فصل (پاراگراف بالا) چیست؟
۲. به نظر شما کدام‌یک از چهار عامل اصلی که برای ناکامی آموزش زبان در ایران برشمردم مهم‌تر است؟ چرا؟
۳. آیا با هشدارهایی که در این فصل به مسئولان داده شد موافق هستید؟ نظر خود را بیان نمایید.

=====

فصل دوم

تاریخچه آموزش زبان انگلیسی و تأثیر تئوری و روش تدریس این جانب بر آن

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۲۷
مقدمه.....	۲۷
عصر روش.....	۲۸
روش‌های دوران جنگ.....	۲۹
روش‌های نوآورانه.....	۳۰
مفهوم مهارت ارتباطی (معاشرتی) و آموزش زبان.....	۳۱
تأثیر ساختن گراها بر آموزش زبان انگلیسی.....	۳۲
تأثیر نگرش آموزشی سیاسی «این جانب» بر آموزش زبان انگلیسی.....	۳۲
عصر فناوری اطلاعات و آموزش زبان انگلیسی.....	۳۴
نتیجه.....	۳۴
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۳۵

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. روش‌شناسی (methodology)، رویکرد (approach)، روش (method) و تکنیک (technique) را تعریف کنید.
۲. نظر شما درباره ALM چیست؟
۳. آیا می‌توان DM را به‌عنوان جایگزینی مناسب برای GTM در نظر گرفت؟ چرا؟

۴. سهم Halliday را در ظهور CLT توضیح دهید.

۵. جنبه‌های مختلف مهارت ارتباطی (Communicative Competence) را شرح دهید.

۶. نظر شما درباره CLT چیست؟ آیا این رویکرد برای به‌کارگیری در دنیای کنونی مناسب است؟

۷. دلایل اصلی چرخش متخصصان حوزه آموزش به سوی ساختن گراها را توضیح دهید.

.....

توجه: اگر رشته تخصصی شما آموزش زبان نیست می‌توانید از خواندن این فصل صرف نظر نمایید.

مقدمه

تاریخ رویکردها و روش‌های تدریس در آموزش زبان همواره دست‌خوش تغییرات و دگرگونی‌هایی در دوره‌های مختلف بوده است. این تغییرات را می‌توان به‌عنوان پاسخی راهبردی به نیازهای زبان‌آموزان در نظر گرفت. آن‌ها همچنین منعکس‌کننده دگرگونی‌ها در اهداف آموزش زبان و نظریه‌ها درباره ماهیت زبان و زبان‌آموزی نیز می‌باشند. این سطح از انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری اثباتی بر پویایی و خلاقیت و تعهد متخصصان آموزش زبان می‌باشد.

ریچارد و راجرز (۱۹۸۶) نیز بر این مطلب صحنه می‌گذارند که گسترش رویکردها و روش‌ها که یک رویه برجسته در آموزش زبان دوم و یا زبان خارجی می‌باشد انعکاسی از سعی و تلاش برای پیدا کردن راه‌های مؤثرتر و مفیدتر برای تدریس زبان می‌باشد. البته بسیاری از این روش‌ها و رویکردها علاوه بر نظریه‌های اساسی زبان و یادگیری زبان، ارتباطی آشکار یا پنهان با سنت‌های زبان‌شناسی، روانشناسی و آموزشی نیز دارند. مروری بر تاریخ آموزش و یادگیری زبان بیان‌گر این مطلب است که اهداف آموزشی با جای دادن موضوعاتی همچون فراگیری دانش فراشناختی و تعاملات جهانی و یادگیری همیشگی در خود عرصه‌ای گسترده‌تر پیدا کرده است. هم‌زمان در آغاز قرن بیست و یکم آموزش زبان انگلیسی (ELT) حرکتی روبه‌جلو را از رفتارگرایی به سمت ساختن‌گرایی تجربه کرده است. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، نقطه تمرکز در حوزه آموزش زبان از تبادل و جابجایی دانش به سوی تأکید بر تولید دانش، از توجه به محصول دانش به اولویت دادن روند یادگیری و رسیدن به اهداف و از دریافت‌های منفعلانه در یادگیری‌های متن‌بنیان به پرسش فعالانه در موقعیت‌های یادگیری مسئله محور جایی که خود زبان‌آموزان مسئول یادگیری خودشان می‌باشند تغییر یافته است. امروزه ELT به مؤلفه‌های احساسی یادگیری نیز توجه می‌کند و تأثیر موج گونه آن را می‌توان در دگرگونی این حرفه از روش‌هایی با حاکمیت معلم به سمت روش‌هایی با مرکزیت زبان‌آموز و یادگیری مشاهده کرد. به این تغییر جهت‌ها، که البته همواره همراه با بحث‌های بسیار اتفاق افتاده‌اند، می‌توان به‌عنوان پاسخ‌های معاصر به دغدغه‌ها بر اساس رویکردهای زمانه نگاه کرد.

ساختن گراها	غیر ساختن گراها
مهارت‌های فراشناختی	مهارت‌های بقا
پرسش فعالانه	دریافت منفعلانه
تولید دانش	جابجایی دانش
یادگیری مسئله بنیان	یادگیری متن بنیان
مرکزیت زبان‌آموز و راهبرد متقابل	مرکزیت و حاکمیت معلم
فرایند تدریس	محصول تدریس

جدول ۱ تفاوت بین رویکردهای غیر ساختن‌گرایانه و ساختن‌گرایانه

قبل از ادامه بحث توجهی کوتاه اما کاربردی به تعریف‌های واژگان مرتبط از جمله روش‌شناسی (methodology)، رویکرد (approach)، روش (method) و تکنیک (technique) می‌تواند مفید باشد. بنا بر نظر راجرز (۲۰۰۱) روش‌شناسی علمی است که تمرین‌ها و فعالیت‌های کلاسی را بر مبنای نظریه‌های موجود در زمینه آموزش (زبان) ارائه دهد.

رویکردهای متفاوت را می‌توان به‌عنوان نتایج یک سری تلاش‌ها برای ایجاد چنین ارتباطی در نظر گرفت. بنابراین همان‌طور که ریچارد و راجرز نیز گفته‌اند یک رویکرد مجموعه‌ای از فرضیات و یا باورهایی می‌باشد که با ماهیت زبان، آموزش و یادگیری سروکار دارد که می‌تواند در موارد گوناگون بکار گرفته شود. به‌طور نمونه ، CLT , CBI , WL , MI , NP , TBLT , CL به‌عنوان رویکرد شناخته می‌شوند. از سوی دیگر روش به یک راه به‌کارگیری خاص فرضیات و باورهای موجود در یک رویکرد در محیط واقعی کلاس اطلاق می‌شود. به‌بیان دیگر رویکردها زمینه‌های بالقوه‌ای هستند که بر مبنای آن‌ها روش‌های مختلف ظهور می‌کنند. پس مفهوم روش دربردارنده یک دسته اصول و سبک‌های ارائه درس منظم از پیش طراحی شده می‌باشد که بر یک رویکرد خاص استوار هستند. بنابراین روش‌ها به این دلیل که دارای تعاریف خاصی برای روند یادگیری زبان، نقش معلم و زبان‌آموز، انواع فعالیت‌های یادگیری و مفاد تدریس و ترتیب ارائه آن‌ها دارند انعطاف‌ناپذیر می‌باشند. از SLT, CC, CLL, SW, SO, TPR به‌عنوان روش یاد می‌شود. تجویز تکنیک‌های از پیش تعیین شده برای استفاده در کلاس خصوصیت دیگری برای روش‌ها می‌باشد. به گفته آنتونی (۱۹۶۳) «تکنیک» مربوط به یک راهبرد خاص می‌شود که در مسیر تدریس برای رسیدن به یک هدف آموزشی فوری بکار گرفته شود. برای مثال می‌توان به استفاده از دریل‌ها در ALM به‌عنوان تکنیک اشاره کرد.

عصر روش

در قرن‌های هفدهم و هجدهم و اوایل قرن نوزدهم یادگیری زبان لاتین و یونانی به‌عنوان زبان‌های خارجه در دنیای غرب از اهمیت زیادی برخوردار بود. آموزش زبان بر ساختار زبانی متمرکز بود و دلیل آن نیز کیفیت دهی به مطالعات ادبی و ترجمه بود که در آن زمان مورد تأکید آموزش عمومی بود. در این دوره شیوه غالب ارائه درس در کلاس‌های زبان GTM بود. GTM که در آمریکا به نام روش Prussian شناخته می‌شد بر ارائه دستور زبان به شکل استقرایی آن‌هم به زبان مادری زبان‌آموزان و نیز حفظ کردن فهرست کلمات و قوانین دستوری و ترجمه متون باستانی تأکید داشت. تمرکز دیگر این روش تدریس بر درستی ساختارهای به کار گرفته شده باهدف توانا نمودن زبان‌آموزان بر دستیابی به سطوح بالای کیفیت در ترجمه بود. در این روش پافشاری بر خواندن و نوشتن بود و نه بر گوش کردن و صحبت کردن. هرچند ابتدا پایه تئوریک یا فلسفه یادگیری خاصی برای به‌کارگیری GTM ذکر نشده بود اما این روش کلاسیک به تدریج برای تدریس زبان‌های جدید در سراسر جهان بکار گرفته شد. اخیراً این باور که تئوری زبان در GTM می‌تواند مربوط به دستور زبان تجویزی باشد رایج شده است زیرا که این دستور به زبان به دید یک دسته قوانین گرامری و کلمات که در اصل در متن جای دارند می‌نگرد. همچنین تئوری یادگیری این روش باستانی به روانشناسی ذهنی نسبت داده شده است که در این نوع روانشناسی پرورش هوش و توانایی‌های ذهنی (از قبیل به خاطر سپاری، استدلال، تجزیه و تفکر نقادانه) را در نتیجه تجزیه و تحلیل دستور زبان و به خاطر سپردن فهرست‌های طولانی کلمات و معنی آن‌ها و مترادفات و کلمات متضاد آن‌ها می‌دانند. به‌رحال اشکال اصلی GTM این است که بجای اینکه به هدف زبان و استفاده از خلاقیت در به‌کارگیری آن توجه کند بر خود زبان تأکید بیش از حد دارد که این امر باعث می‌شود که زبان‌آموزان زمان کلاس را به بحث درباره خود زبان بگذرانند تا اینکه به آن زبان صحبت کنند. باین‌وجود همانند خیلی از روش‌های سنتی دیگر این روش نیز به شکل‌های تغییر داده شده در قسمت‌هایی از جهان بخصوص در ایران - در مدارس و دانشگاه‌ها - حتی امروز نیز استفاده می‌شود. البته در مؤسسات آموزش زبان غالباً از ترکیبی از این روش و روش ALM که بعداً توضیح داده خواهد شد استفاده می‌شود.

در اواسط قرن نوزدهم فرصت‌های برقراری ارتباط که تازه میان اروپاییان شروع به رشد کرده بود افرادی که در زمینه آموزش زبان خارجی و یا زبان دوم (L2/FL) فعالیت می‌کردند را بر آن داشت که آموزش زبان خارجی را تحول بخشند و آن را مؤثرتر و بهتر کنند. کنجکاوی برخی از کارشناسان بخصوص در اروپا آنان را بر آن داشت که راه‌هایی را که بچه‌ها زبان مادری‌شان را می‌آموختند بررسی کنند که خود این موضوع سبب چرخش تمرکز متخصصان آموزش زبان به سمت اهمیت دادن به معنا در یادگیری زبان شد. این تحول و حرکت مهم در تدریس به نام «جنبش اصلاح» شناخته شد. از آنجاکه این جنبش معلمان زبان را تشویق به متمرکز شدن بر روی اهمیت گفتار می‌کرد، تمرین فونتیک، استفاده از مکالمه، آموزش استقرایی دستور زبان، مطالعه زبان گفتار و توجه به مهارت شفاهی در اولویت قرار گرفت. پیشرفت جنبش اصلاح با خود تغییر

در روش‌های تدریس زبان‌های خارجی و کلاسیک را به دنبال آورد. در آخرین دهه قرن نوزدهم تلاش‌های بعضی اصلاح‌طلب‌ها مانند هنری سوییت (۱۸۹۹) در ابتدای جریان اصلاحات به ظهور تعدادی روش‌های شفاهی کمک کرد. برای مثال گوین بر اساس تجربه خود در مورد یادگیری زبان آلمانی با روش حفظ کردن تعداد محدودی قوانین دستور زبان و کلمات ادعا کرد که یادگیری زبان در واقع تبدیل دریافت‌ها به مفاهیم و سپس استفاده از زبان برای ارائه این مفاهیم است. در این چنین شرایطی بود که او روش Series را برای آموزش زبان معرفی کرد. در این روش تأکید بر آموزش زبان از طریق ارائه یک سری جملات در متونی که سطح‌بندی شده بودند بود. علیرغم این موضوع گسترش تقاضا برای روش واقع‌گرایانه‌تر در جهت بهبود مهارت شفاهی زبان‌آموزان توجه متخصصان زبان را به مطالعه دقیق‌تر راه‌های طبیعی فراگیری زبان توسط بچه‌ها جلب کرد. نتیجه نهایی این مطالعات روش NM بود که این روش بستر را برای ظهور روش DM از طرف برلیتز مکزیک میلیان فراهم کرد.

هیلفرتیس (۱۹۸۵) NM را این چنین توصیف می‌کند:

از آنجایی که بچه‌ها به‌طور طبیعی قبل از شروع به خواندن کردن یاد می‌گیرند که چطور صحبت کنند، یادگیری مهارت صحبت کردن باید قبل از یادگیری سواد خواندن اتفاق بیفتد. به عبارت دیگر، مهارت‌های دریافتی (شنیدن و خواندن) باید قبل از مهارت‌های تولیدی (نوشتن و صحبت کردن) باشند. طرفداران این روش از استفاده کتاب در کلاس اجتناب می‌کردند. مثل یک بچه داخل منزل، زبان‌آموز نیز باید در زبان غرق شود و به او اجازه داده شود که تصمیم‌ها و ایده‌های خود را با استفاده از زبان ارائه دهد. این روش شامل یک سری تک‌گویی توسط معلم می‌باشد که در حین آن سؤال‌ها و جواب‌هایی بین معلم و شاگرد ردوبدل می‌شود که این همه به زبان هدف صورت می‌گیرد. در این نوع صحبت پانتومیم نقش بالایی دارد. فراگیر در نهایت به نقطه‌ای می‌رسد که شروع به بازتولید عبارات و کلمات زبان خارجی می‌کند. در این روش استفاده از زبان مادری به‌طور جدی ممنوع می‌باشد.

بر اساس این فرض که هر زبان هدفی باید درست همانند زبان اول یاد گرفته شود، برلیتز در روش خود که در واقع تصمیمی بود بر به‌کارگیری NM معلمان را به ایجاد یک فضای یادگیری طبیعی در کلاس تشویق نمود. او اعتقاد به استفاده وسیع از زبان هدف در کلاس یادگیری زبان دوم داشت و معلمان را به شدت از استفاده از زبان مادری زبان‌آموزان و ترجمه کردن در حین تدریس زبان دوم نهی می‌نمود. در روش DM باور بر این بود که زبان دوم کم‌کم طی مکالمات و گفتگوها و سؤالات و جواب‌ها فراگرفته می‌شود. همین‌طور در این روش توصیه به تبادل معنا به‌صورت مستقیم - همان‌گونه که از اسم این روش برمی‌آید (DM) - به‌وسیله مربوط ساختن فرم‌های کلامی با اعمال، اشیاء، پانتومیم و موقعیت‌ها می‌شود. برلیتز همچنین اساساً با تدریس صریح دستور زبان، تجزیه و تحلیل قوانین و واژگان دستوری و ساختارهای نحوی در تعلیم زبان دوم مخالف بود. بنابراین روش او از این لحاظ در واقع تلاشی بود برای رفع نواقص GTM. از روش DM انتظار می‌رفت که به زبان‌آموزان کمک کند که هنگام برقراری ارتباط به‌جای استفاده از زبان مادری‌شان برای فکر کردن به زبان هدف فکر کنند. یک خصوصیت DM که آن را از NM متمایز می‌کند توجهی است که این روش تدریس به کامل بودن دانش زبان‌شناسی می‌کند. علاوه بر این DM تأکید زیادی بر تلفظ صحیح پیش از ارائه دادن شکل نوشتاری می‌کند.

منتقدان روش DM بر این باور بودند که این روش با نادیده گرفتن واقعیت‌های علمی کلاس درس زحمت زیادی را بر دوش معلمان می‌گذارد. آن‌ها اعتقاد داشتند که مثلاً حذف کامل زبان مادری زبان‌آموزان در حین تدریس کاری غیرواقع‌گرایانه است چراکه بزرگسالان زبان را دقیقاً مانند کودکان نمی‌آموزند و نیاز به تدریس صریح دستور زبان و دیگر جنبه‌های زبان دوم دارند. مسئله سرگردان کننده دیگر که درباره این روش تدریس وجود داشت تأکید بیش‌ازحدی بود که این روش بر روان صحبت کردن داشت که این خود تأثیر منفی روی صحیح صحبت کردن می‌گذاشت.

روش‌های دوران جنگ

دوران پس از جنگ جهانی اول شاهد تقاضاهای بسیار زیادی برای معرفی روش‌های تدریس زبان واقع‌گرایانه‌تر بود. تأکید بر اهمیت مهارت خواندن و درک مطلب برای اهداف دانشگاهی و علمی نیز در این دوره آشکار شد. در این بین گزارش کولمن درباره نقش محوری خواندن و درک مطلب در دانشگاه نیاز به یک راهبرد برای ارتقای مهارت خواندن و درک مطلب مفید و

کارا را بالا برد و نهایتاً منجر به خلق روش تدریس RM شد. زمان زیادی از ظهور RM نگذشته بود که ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۰ یک تغییر جهت دیگر در عرصه آموزش زبان را موجب شد. به خاطر شرایط خاص جنگ نیاز غیرقابل اجتناب برای صحبت کردن روان زبان‌های مختلف کارشناسان را بر آن داشت که تمرکز خود را بر اهمیت ارتباطات شفاهی متمرکز کنند. انتقادات شدید از RM از طرف محققانی همچون بلومفیلد نظر منفی متخصصان را نسبت به RM شدیدتر کرد. شرایط ویژه جنگ توجه متخصصان آموزش زبان را نه تنها به اهمیت برقراری ارتباط بلکه به یادگیری زبان هدف و تسلط فوری و آنی به آن را نیز جلب کرد. بنابراین برخی روش‌های جدید تدریس مانند Aural Oral Approach (که بعدها نام رسمی روش ارتشی Army Method - روش مخبر- را گرفت) و بعداز آن ALM شروع به پدیدار شدن و رشد کردن کردند. روش Audiolingual که با نام روش mim-mem نیز شناخته می‌شود سعی بر درونی کردن تولید خود به خودی جملات توسط زبان‌آموزان از طریق تقلید، حفظ کردن و تکرار مداوم کردن داشت. اساس این روش بر این عقیده استوار است که یادگیری زبان دوم باید به‌عنوان یک فرایند مکانیزه و شبه ماشینی تشکیل عادت تلقی گردد. یادگیری از طریق روش Audiolingual شامل عمل حفظ کردن و تمرین‌های الگویی می‌باشد که به این ترتیب کنترل کامل بر پاسخ‌های داده‌شده را امری ضروری می‌نماید. در این روش هیچ‌یک از تمرین‌ها یا ساختارها قرار نیست که توضیح داده شوند چون عقیده بر آن است که دانستن قوانین گرامری تنها کاری که می‌کند ایجاد مانع در راه شکل‌گیری خود به خودی عادت‌ها است. ضمناً در این روش ترجمه یا رجوع به زبان اول و یا زبان مادری نیز مجاز شمرده نمی‌شود.

درواقع ALM همان شکل گسترش‌یافته و پالایش‌شده DM بود چراکه این روش بسیاری از اصول خود را از DM استخراج کرده بود - با این هدف که توانایی صحبت کردن در حد زبان اول را در زبان‌آموزان ایجاد کند. همان‌طور که ریچارد و راجرز (۲۰۰۱) گفته‌اند تدارک و پیش‌بینی داده‌های سازمان‌یافته و سطح‌بندی شده (از طریق فعالیت‌هایی که تأکید بر تداعی معانی، تقلید و تقویت کردن آموخته‌ها به‌عنوان جنبه اولیه فراگیری زبان داشتند) مهم‌ترین دغدغه طرفداران ALM که خود پیروان مکتب رفتارگراها بودند، بود. همچنین می‌توان ALM را تا حدودی به‌عنوان واکنشی به نبود هیچ‌گونه تأکید بر مهارت گفتگو در روش RM دانست. با همه این‌ها نقص عمده این روش (ALM) تدریس مبتنی بر دستور زبان که به‌طور گسترده در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفت این بود که در این روش زبان‌آموزان توانایی لازم برای استفاده خلاقانه از زبان را که در شرایط واقعی نیاز به آن است کسب نمی‌کردند. علاوه بر این روش برای زبان‌آموزان کلاس‌هایی که به این روش اداره می‌شدند خسته‌کننده و ناامیدکننده بود.

لازم به یادآوری است که در همان دوران که ALM در آمریکا برای خود محبوبیت کسب می‌کرد بعضی پژوهشگران انگلیسی مانند وست، هورنبی و پالمر در حال مطالعه درباره اهمیت متن و موقعیت‌های متفاوت که در آن‌ها زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد بودند. آن‌ها مدعی بودند که صرف ساختارهای زبانی (یعنی باوری که در ALM وجود دارد) برای دسترسی به معنا کافی نیست. بنابراین آن‌ها SLT را که تا حدودی و به‌نوعی ورژن تغییر داده‌شده DM بود را معرفی کردند و آن را به فهرست روش‌های تدریس در حرفه ELT در انگلستان افزودند. بنا بر نظر ریچارد و راجرز یک خصوصیت این روش که آن را از روش‌های دیگر مانند DM مجزا می‌کرد این بود که این روش اصول انتخاب (لغات و مفاد دستور زبان) و سطح‌بندی (محتوا) و ارائه آن‌ها را ارائه می‌دهد. (۳۸ پیشین)

روش‌های نوآورانه

در دهه ۱۹۵۰ حرفه آموزش زبان از دیدگاه‌های سنتی درباره ماهیت زبان و یادگیری زبان فاصله قابل توجهی گرفت. طلوع نظریه‌های شناختی یادگیری زبان تنزل رفتارگراها را که یادگیری را نتیجه پاسخ‌هایی شرطی شده به محرک‌های خارجی می‌دانستند به دنبال آورد و منجر به ظهور راهبرد قانون شناختی گردید. همان‌طور که ارسلان (۲۰۰۸) در ذیل به آن اشاره نموده است، طرفداران نظریه‌پردازان شناختی بر این عقیده‌اند که:

یادگیری یک‌زبان یک پروسه زبان‌شناسی و روان‌شناسی منحصر به فرد است. این روند زبان‌آموزان را تشویق می‌کند که بر اساس دانش شناخت ذاتی و در برخورد با زبان معنادار و قابل درک - و نه بر مبنای عادت - یک مدل ذهنی از سیستم زبان بسازند. در این روش اشتباهات نه به‌عنوان عادت بد که ما باید از آن‌ها اجتناب کنیم بلکه به‌عنوان

نتیجه فرعی در روند یادگیری خلاقانه شناخته می‌شوند که شامل ساده‌سازی قوانین، عمومیت دادن، جابجایی و دیگر استراتژی‌های ذهنی می‌شود (صفحه ۱۲)

طرفداران سرسخت نظریه‌های شناختی به زبان‌آموزی به‌عنوان یک پروسه ذهنی پیچیده نگاه می‌کردند که مستلزم نقش فعال زبان‌آموز استفاده از زبان در پروسه یادگیری بود. از دیدگاه آن‌ها معنا و الگوی دانش فرد خصوصیت‌های مجزا کننده زبان‌آموزی هستند. آن‌ها بر اساس تئوری الگوی دانش فرد برتلت (۱۹۳۲) که یادگیری را حل مسئله می‌دانست ادعا کردند که یادگیری از طریق به‌کارگیری فنون شناختی برای یکی کردن دانش پیشین با اطلاعات دریافتی جدید است که اتفاق می‌افتد. بر پایه یک چنین اساسی بود که نوام چامسکی و طرفدارانش به پایه‌های ALM حمله بردند. آن‌ها به جای «تقلید طوطی‌وار» و «عادت‌سازی» ایده «زبان‌آموزی معنادار» و «ساخت دستور و قاعده» را پیشنهاد دادند. آموزش صریح دستور زبان به‌عنوان پایه استفاده خلاقانه از زبان در راهبرد چامسکی بار دیگر در این دوره مورد تأکید قرار گرفت.

در موازات رشد و توسعه نظریات شناختی، روانشناسان حسی عاطفی این عقیده را مطرح کردند که همه جوانب یک شخص در امر یادگیری باید مورد نظر قرار گیرند و بنابراین خواستار روش‌ها و رویکردهایی که زبان‌آموز را به‌طور کامل و از همه جهات مورد توجه قرار دهد شدند. به باور آن‌ها یک زبان‌آموز فقط یک مغز بزرگ (جعبه سیاه) نیست که بتواند بدون تأثیر گرفتن از عوامل احساسی و عاطفی اطلاعات را پردازش کند. تلاقی این دو مکتب فکری (طرفداران دیدگاه شناختی و دیدگاه حسی عاطفی) راه را برای روش‌های مدرن سال ۱۹۶۵ از قبیل TPR, CLL, SW, SO, Super Learning باز کرد. اما حقیقت این است که نتایج علمی این روش‌های به‌اصطلاح نوآورانه نتوانست انتظارات را در موقعیت‌های واقعی برآورده کند و متعاقباً این روش‌ها همانند پیشینیان خود بعد از یک مدت کوتاه محبوبیت به همان گذرگاه افول افتادند.

Communicative Competence و یا مفهوم مهارت ارتباطی (معاشرتی) و آموزش زبان

بین دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ حرفه آموزش زبان با یک تغییر کلی و بنیادین مواجه شد. واقعیت کشورهای نوظهور و مستقل اروپایی باعث شد متخصصان زبان به‌جای توجه محض به تسلط بر ساختار و مهارت زبانی (یعنی آنچه چامسکی و همراهانش حامی آن بودند) توجه خود را بر جنبه کاربردی و معاشرتی زبان متمرکز کنند. این امر به‌نوبه خود تقاضا را برای روش‌های جایگزین روش‌های پیشین که بر مبنای ساختار گرامری و روش مبنی بر موقعیت که نتوانسته بودند نیاز واقعیت‌های علم اروپا را برطرف سازند بالا برد. از طرف دیگر تغییرات اساسی که نظریات پایه‌ای یادگیری و آموزش زبان - از جمله نظریات جامعه‌شناسی زبان یا نظریات شناختی - با آن روبرو بودند تقاضاها را برای نوآوری‌های مفیدتر افزایش داد. دیدگاه نظری جدید به متن اجتماعی که در آن مرتبط ساختن خصوصیات صوری زبان با جنبه‌های کارکردی آن و همچنین رابطه بین زبان و معنا ممکن بود، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. یک چنین زمینه‌ای بود که افراد حرفه‌ای مانند هایمز (۱۹۹۲) را بر آن داشت که مفاهیم سنتی زبان، زبان‌آموزی زبان و تدریس زبان را بازتعریف کنند. نظریه مهارت معاشرتی هایمز در واقع زبان را در متن اجتماعی که در آن استفاده می‌شود قرار می‌داد و به رشد برنامه درسی برحسب موقعیت زمانی و مکانی کمک می‌کرد. این نظریه کار افرادی از قبیل ویلکینز، فینوچیارو و برومفیت که بررسی برنامه درسی را برحسب مفهوم کار می‌کردند و نتیجه کار بعضی دانشمندان از قبیل کندلین و ویدوسون را گسترش داد و نهایتاً منجر به پدید آمدن CLT یعنی محبوب‌ترین راهبرد ارائه‌شده برای آموزش زبان که تاکنون معرفی شده است گردید. البته کمک برداشت هالی دی از زبان کاربردی به تکامل این راهبرد نباید نادیده گرفته شود.

طرفداران CLT بر این باور هستند که:

صرف دانستن روش تولید یک جمله از نظر دستوری درست کافی نیست. شخصی از لحاظ معاشرتی دارای مهارت و کفایت است که بداند چه طور می‌توان در انواع موقعیت‌های معاشرتی سخنی بیان داشت که از لحاظ اجتماعی قابل قبول و طبیعی باشد. جمله «هی پسر ماشین منو روبرو کن» از لحاظ ساختاری درست است اما به‌اندازه جمله «عذر می‌خواهم آیا امکانش هست لطف کنید ماشین منو امروز تعمیر کنید» (مهارت معاشرتی) مفید و تأثیرگذار

نیست. مهارت معاشرتی دربردارنده دانش دستوری زبان و مهم‌تر از آن دانش فرهنگی اجتماعی و حساسیت نسبت به نوع به‌کارگیری زبان در موقعیت‌های خاص و با در نظر گرفتن نوع رابطه می‌باشد.

به‌بیان‌دیگر از دیدگاه طرفداران CLT در کلاس‌های زبان تأکید باید بر همه جوانب تدریس مهارت و کفایت معاشرت باشد. یعنی کلاس‌های زبان باید طوری باشند که رشد دهنده مهارت زبانی و دستور زبانی، مهارت تدبیر زبانی، مهارت اجتماعی زبانی، مهارت اجتماعی فرهنگی و مهارت استفاده از کلام به‌طور هم‌زمان در زبان‌آموزان باشند. به‌رحال واقعیت این است که حتی نتایج کلاس‌های CLT نیز در دنیای واقعی بخصوص در شرایط جهان کنونی رضایت‌بخش نیست. در نتیجه علیرغم موقعیت کنونی که CLT در دنیا دارد این رویکرد در حال از دست دادن محبوبیت خود در دوره‌ها و کلاس‌های زبان در غالب نقاط دنیا می‌باشد.

تأثیر ساختن گراها بر آموزش زبان انگلیسی

از میان تعداد زیاد نظریات مطرح در زمینه آموزش، نظریات مربوط به کلام اخیراً حوزه ELT را در شروع هزاره سوم با یک تغییر بزرگ دیگر مواجه ساخته‌اند. نظرات ساختن گراها همچون پیازه، دیوبی، ویگاتسکی و برونر راهشان را به درون کلاس‌های زبان پیدا کرده‌اند. برخلاف رفتار گراها، ساختن گراها معتقدند که زبان یک پدیده «اجتماعی» بوده و عملاً ابزاری برای تعاملات اجتماعی می‌باشد. نکته حائز اهمیت در دیدگاه ساختن گراها این است که آن‌ها به جنبه انسانی یادگیری نیز توجه می‌کنند. آن‌ها همچنین وجه احساسی و طبیعت بین فردی فراگیران را در متن فرهنگی اجتماعی آن - بعلاوه جنبه‌های شناختی - در نظر می‌گیرند. علاوه بر این ساختن گراها به این نتیجه رسیده‌اند که باید بر یادگیری فرا مهارت‌ها و دانش برای یادگیری مادام‌العمری تأکید کنند و مسئولیت‌پذیری زبان‌آموزان برای یادگیری خود را پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر نمایند. مسئله اصلی این است که ساختن گراها اعتقاد دارند که عوامل فرهنگی اجتماعی محیطی که زبان در آن اتفاق می‌افتد باید به خاطر این تصور که زبان یک پدیده اجتماعی است مسلم فرض شوند. از دیدگاه آن‌ها اهمیت یک متن و محیط یادگیری خوب طراحی شده برای کلاس‌های زبان در این است که این متن به پیشرفت همه جنبه‌های مهارت معاشرتی فرد به‌خصوص مهارت‌های جامعه‌شناسی و فرهنگی زبانی کمک می‌کند. همان‌طور که اشاره شد اعتقاد بر این است که دستیابی به این چنین مهارت‌هایی که برای تعامل مؤثر در جامعه در حال جهانی شدن کنونی ضروری می‌باشد از طریق روش‌های سنتی و قراردادی قبلی از قبیل TLM, MI, WLL, CBI, CLLA و حتی CLT میسر نمی‌باشد. در چنین شرایطی است که روش‌هایی جدید مانند Experiential Learning, Problem Based Learning, Collaborative Learning, Interactive Learning, و CL که تماماً بر کار گروهی تمرکز دارند راهکارهایشان را برای کلاس‌های زبان ارائه می‌کنند. اعتقاد عمده طرفداران این روش‌های نوآورانه این است که برای فراگیری زبان خارجی یا زبان دوم داشتن تعامل یک اصل اساسی می‌باشد. در هر صورت علیرغم فواید این روش‌های نوآورانه واقعیت این است که به باور این جانب این نوآوری‌ها نیز مشکلات و نقایص خاص خودشان را دارند. یکی از مشکلات اساسی آن‌ها این است که از نقش و اهمیت موضوع «رقابت» در یادگیری و موفقیت و پیشرفت در زندگی و در دنیای واقعی به‌شدت غفلت کرده‌اند. همین‌طور این روش‌ها مکانیسم‌هایی مؤثر و کارا برای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در تک‌تک فراگیران ندارند. مهم‌تر این‌که این روش‌های تدریس قادر به منعکس کردن یک تصویر کلی از واقعیت‌های جهان و اصول حاکم بر آن در سطح کلاس نیستند و این پتانسیل را ندارند که نسل فردا را برای زندگی موفق در دنیای پیچیده فردا آماده کنند. بنابراین این روش‌ها نیز همانند پیشینیان خود محکوم به شکست هستند.

تأثیر نگرش آموزشی سیاسی «این‌جانب» بر آموزش زبان انگلیسی

توانایی انسان‌ها برای برنامه‌ریزی کردن و ساختن جهانی آباد و مترقی برای آینده‌شان در واقع همان وجه تمایز انسان از حیوان می‌باشد. باید به مردم آموزش داده شود که برای ساختن آینده‌شان راهی متصور شوند و بدین طریق رشد یابند {و به آزادی برسند}. پایلو فره

همان‌طور که گفته شد و بیشتر نیز توضیح داده خواهد شد نتایج عملی روش‌ها و رویکردهای نوآورانه و تعامل‌گرا همانند Collaborative Learning که بر مبنای نظریات ساختن گراها ارائه شده‌اند در دنیای واقعی نمی‌توانند آن‌طور که مورد انتظار هست کلیت دنیای واقعی را منعکس کرده و نسل فردا را برای زندگی در چنین دنیایی آماده کنند. دلیل اصلی این امر هم این است که تا به حال برداشت منطقی و درستی از آموزش و تدریس نشده است. در واقع - از نظر این‌جانب - تدریس یک پروسه پیچیده اجتماعی «سیاسی» می‌باشد. این‌جانب بر این باور هستم که مدارس و دانشگاه‌ها باید به نسل فردا و آینده‌سازان این مرزوبوم کمک کنند که متوجه این واقعیت «هم» شوند که آنان هم در دنیایی که زندگی می‌کنند سهم و حقوقی دارند و بنابراین باید علاوه بر این‌که به «کاربرد دانش (زبان) در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های تفکر، نگرش و منش و شخصیت خود را ارتقاء داده و متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول‌یاب، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و آگاه به مسائل اجتماعی و به ویژه آگاه به مسائل سیاسی بار آیند. آنان همین‌طور باید بیاموزند که تواضع - و نه خودرایی و خودکامگی - به همان اندازه نشان‌دهنده اعتبار آحاد جامعه است که مدارج علمی، موقعیت‌های اجتماعی و مسئولیت‌های شغلی آن‌ها. مهم‌تر این‌که آنان باید بیاموزند که ضمن مشارکت‌جو و درعین‌حال اهل رقابت و مسئولیت‌پذیر و منصف بودن با هر وسیله‌ای به مبارزه با منابع هرگونه ظلم و ستم و فساد و تبعیض و غارت و ریا و استبداد به پا خیزند. بنابراین علاوه بر عوامل اجتماعی فرهنگی، عوامل اقتصادی و به‌خصوص عوامل سیاسی موجود در جامعه‌ای که زبان‌آموزان در آن زندگی می‌کنند و یا آموزش می‌بینند باید در پروسه آموزش در نظر گرفته شوند چراکه این عوامل تأثیر مستقیم بر رغبت و انگیزه زبان‌آموزان نه‌تنها برای یادگرفتن بلکه برای زندگی کردن دارند و یادگیری و زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

برخلاف ساختن گراها که معتقد هستند زبان یک پدیده اجتماعی است این‌جانب بر این باور هستم که زبان یک «پدیده اجتماعی سیاسی» می‌باشد. همین‌طور برخلاف ساختن گراها که معتقد هستند زبان ابزاری برای تعامل می‌باشد من معتقد هستم که علاوه بر آن «زبان یک اسلحه است». - اسلحه‌ای مؤثر برای براندازی حکومت‌های تمامیت‌خواه و خودکامه جهت رهاسازی مستضعفان و اغفال و غارت‌شدگان. (تیوری این‌جانب را در فصل ۱۰ ببینید). - بنابراین از نظر این‌جانب زبان ابزاری برای هر نوع رفورم و تغییر و انقلاب می‌باشد. همین‌طور برخلاف ساختن گراها که معتقدند فراگیر باید در پروسه یادگیری و ساختن دانش جدید مسئولیت بپذیرد. این‌جانب معتقد هستم که علاوه بر این فراگیران باید در ساختن جامعه آرمانی خود هم مسئولیت بپذیرند و فعالانه نقش ایفا کنند. واقعیت‌های محیطی که در آن زندگی و کار می‌کنم به ارائه این تئوری شناختی - اجتماعی - سیاسی یادگیری زبان این‌جانب کمک بسیاری کرده است.

و این چنین نظریاتی بود که منجر به ارائه روش تدریس آموزشی سیاسی منحصر به فرد این‌جانب که در عمل به‌نوعی یک کاتالیزور است شد. این‌جانب در روش تدریس بر این باور هستم که معلمان و اساتید در عصر و شرایط حاضر باید از حالت بی‌رختی و پسیو بودن فعلی درآمده و نقش ایجنت‌های هوشمند را برای بیدارسازی، تغییر در نگاه و نگرش و باورها و رفتارها و حتی ایجاد بی‌نظمی اجتماعی بر عهده بگیرند. ایفای چنین نقشی برای براندازی سرچشمه‌های تبعیض (آپارتاید)، بی‌عدالتی، ظلم، ستم، فساد، غارت و ریا و استبداد در جوامع استعمار شده جهت ارتقای منزلت و کرامت و معیشت و آزادی مردمان لازم و ضروری می‌باشد. بنابراین این‌جانب بر این باور هستم که «آموزش» در برهه کنونی باید بازتعریف شود: «آموزش و تدریس» چیزی بیشتر از «علم» هست. «آموزش» در شرایط کنونی یک «هنر» است که شامل یک پروسه پیچیده تعلیمی، تربیتی و اجتماعی سیاسی می‌باشد که می‌تواند به‌عنوان «قلب دموکراسی و تمدن» در نظر گرفته شود. این بدان معنا است که اگر می‌خواهیم دنیای پیرامون خود را تحت تأثیر قرار دهیم و به رشد و بالندگی و سعادت مردمان کمک کنیم باید در طول پروسه تدریس، علاوه بر مهارت‌های علمی شهروندان، مهارت‌های اجتماعی و به‌ویژه آگاهی‌های سیاسی آنان را نیز ارتقا دهیم. همان‌طور که اشاره کردم باید از شاگردانمان بخواهیم که نه‌تنها برای یادگیری خود بلکه برای ساختن جامعه‌ای آزاد و آباد مسئولیت‌پذیر باشند و فعالانه نقش ایفا نمایند. و این نوع آموزش «تفکر آزادانه» در سطح بین‌المللی و عملکرد دیپلماتیک در سطح کلاس را می‌طلبد.

همان‌طور که در ادامه روشن خواهد شد برخلاف روش‌ها و رویکردهای به‌اصطلاح مدرن امروزی از جمله CLT که به‌ظاهر ادعای مخالفت با رفتارگراها را دارند هدف اصلی روش تدریس این‌جانب (CTBL) فقط افزایش توانایی معاشرت و

تعامل افراد نیست. این مطلب که در این روش‌ها و رویکردها هدف نهایی بهبود توانایی‌های معاشرتی و تعاملی زبان‌آموزان است برای ارائه استدلال عکس این قضیه کافی است که در این روش‌ها در واقع زبان‌آموزان همانند حیوان در نظر گرفته شده‌اند. هدف این روش‌ها در عمل نگاه تحقیرکننده‌ای به انسان‌ها دارد چراکه حیوانات هم اگر آموزش ببینند قادر به تعامل و برقراری ارتباط مؤثرتر هستند. هدفی که CTBL دنبال می‌کند به مراتب سودمندتر برای بشریت است. علاوه بر رشد دادن توانایی‌های معاشرتی و تعاملی در فراگیران، CTBL هدف توانمند کردن ذهن‌های آن‌ها را نیز دنبال می‌کند تا آن‌ها را به نیروهای آگاه و تغییردهنده یا عواملی که قدرت تأثیرگذاری بر جهان را دارند تبدیل کند. تنها در این صورت است که آن‌ها می‌توانند نه تنها شرایط زندگی خودشان را بلکه شرایط زندگی هم نوعان خود را نیز دگرگون سازند. این‌جانب بر این باور هستم که CTBL گستره مقوله آموزش را اصلاح خواهد کرد - هم آموزش به‌طور عام و هم آموزش زبان به‌طور خاص.

عصر فناوری اطلاعات و آموزش زبان انگلیسی

این‌جانب (Hosseini, 2007) سعی کرده‌ام اهمیت فناوری‌های متصل به اینترنت به‌عنوان محور اتصال نوآوری‌ها و توانمندسازی‌ها را در بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش هرچه بیشتر نشان دهم. منابع قوی و قابل‌توجهی که این پدیده‌ها جهت بهبود دادن یادگیری (زبان) از طریق CTBL که مهم‌ترین هدفش آگاه‌سازی و توانمند کردن نسل فردا جهت براندازی حکومت‌های تمامیت‌خواه هست به ما ارائه می‌دهند این‌جانب را بر آن داشت که این نوآوری‌ها را در کلاس‌های زبان خود به خدمت بگیرم. علاوه بر این این فناوری‌ها با خود محیط‌هایی جذاب و انعطاف‌پذیر که برای کلاس‌های مختلط و ناهمگن بسیار مناسب هستند به همراه می‌آورند. آن‌ها همین‌طور زبان‌آموزی را هدفمند و لذت‌بخش می‌کنند و در نتیجه آن را به یک تجربه رضایت‌بخش در طول پروسه تدریس یا یادگیری تبدیل می‌کنند و در نهایت به ارتقای تأثیرات راه‌بردی کلاس‌های زبان که از طریق روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند منجر می‌شوند. (فصل ۱۳ را ببینید)

نتیجه

روش آموزش زبان نباید اصل و بنیان خود را بر نوشتار یا ساختارهای گرامری و یا حتی صرفاً ارتقای مهارت‌های محاوره‌ای برپا سازد بلکه تأکید باید بر جنبه‌های کاربردی و متنی محیطی و نیز اجتماعی سیاسی زبان باشد. علاوه بر این در عصر پسا‌روش یعنی عصری که به دانش و خلاقیت معلمان ارزش زیادی می‌دهند و آن‌ها را صاحبان نظریه‌ها و آزمایش‌کننده و ارزیاب نظریات خود می‌دانند روش‌شناسی آموزش زبان نباید به‌عنوان یک سری اصول و روش‌های سخت یا بسته‌های حل مسائل برای ارائه به انواع موقعیت‌ها در همه نقاط دنیا شناخته شود. بلکه باید به روش‌شناسی آموزش زبان به‌عنوان یک‌روند پویا و خلاق و کاشفانه که به کاربردی بودن مسائل اهمیت ویژه می‌دهد و به‌خصوص در ارتباط با واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی و اقتصادی و اجتماعی و به‌ویژه سیاسی داخلی کشورها در دنیای پیچیده و پویای امروزی می‌باشد نگریست. علاوه بر این به راهبردهای انسانی سیاسی آموزش و تدوین زبان باید اهمیت بیشتری داده شود زیرا این راهبردها هستند که به‌طور واقعی کلیت جهان امروز را منعکس می‌کنند و این تنها شرط برای پیشرفت موفقیت‌آمیز در دنیای متمدن امروز می‌باشد. نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که به‌جای به حاشیه کشاندن معلمان آنان باید آزادی عمل داشته باشند تا از این راه نسل فردا را در کلاس‌هایشان به‌روز کرده و هم‌زمان با ظهور ایدئولوژی‌های جدید آموزشی از فایده‌های آن‌ها بهره ببرند.

متأسفانه باوجود اهمیتی که به روش‌های نوآورانه - مانند روشی که این‌جانب ارائه کرده‌ام - داده می‌شود امروزه روشی که سیستم‌های دیکتاتوری آن را می‌پسندند به‌ویژه در کشورهای جهان سوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش TLM یا همان روش بانکی می‌باشد که هدفی جز گوسفند ساختن از نسل فردا و به خدمت در آوردن آن‌ها در جهت منافع کاپیتالیسم و امپریالیسم داخلی و خارجی ندارد. فصل بعد (سوم) این کتاب به معرفی و مشخص کردن نقص‌های روش بانکی می‌پردازد تا شاید بدین سیاق تصمیم‌گیران در به‌کارگیری این روش تجدیدنظر کنند.

سوالاتی برای بحث و گفتگو

۱. آیا شما به فلسفه و رای تئوری GTM اعتقاد دارید؟ چرا؟
۲. ویژگی‌های منحصر به فرد DM را بیان نمایید.
۳. پایه‌های تئوریک رفتارگراها و ذهن‌گراها را که به آن‌ها اشاره شد بیان نمایید.
۴. اینکه بعضی روش‌ها به فراگیر به عنوان یک کل و یک انسان می‌نگرند به چه معناست؟
۵. نظر شما در مورد برداشت چامسکی از Communicative Competence چیست؟ آیا نظر هایمز در این زمینه جامع است؟
۶. مشکلات اصلی سی ال تی را بیان نمایید.
۷. موارد مورد تأکید ساختن گراها را بیان نمایید.
۸. در جدول شماره ۱ در این فصل حداقل یک مورد دیگر به تفاوت‌های بین رویکردهای رفتارگراها و ساختن گراها اضافه نمایید.

=====

فصل سوم

کالبدشکافی روش تدریس «آموزش بانکی» و ورای آن

مطالب

- سؤالات سازمان دهنده.....۳۷
- مقدمه.....۳۷
- برشی کوتاه از روش سخنرانی و یا روش بانکی در سطح کلاس.....۳۸
- جلسه اول: تدریس۳۹
- جلسه دوم: ارزیابی / امتحان.....۳۹
- تائید عدم موفقیت آموزش زبان در ایران.....۴۰
- اعتراف.....۴۰
- سؤالات این جانب۴۱
- دلایل دیگر برای ناکامی بزرگ در آموزش (زبان) در ایران.....۴۲
- برخی مشکلات دیگر آموزش زبان انگلیسی در ایران: نگاهی تحلیلی به داخل کلاس ها۴۲
- برخی دلایل دیگر برای ناکامی آموزش زبان در ایران.....۴۳
- کمی بیشتر درباره مفهوم «بانکی» بودن سیستم فعلی آموزش.....۴۵
- تأثیر تست و امتحان و کنکور بر سیستم آموزش ایران: مشکلی دیگر۴۶
- خطر.....۴۶
- جامعه: قربانی نهایی.....۴۶
- دنیای تحت تأثیر واقع شده: پیامدهای به کارگیری روش بانکی در سطح بین المللی.....۴۸
- چه باید کرد؟.....۴۸

آیا روش تدریس «ارتقای مهارت محاوره‌ای» (CLT) در آموزش زبان به اندازه کافی مؤثر هست که جایگزین روش تدریس سنتی شود؟ ۴۹

نتیجه ۵۰

سؤالاتی برای بحث و گفتگو ۵۱

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. مشکلات روش تدریس سنتی و رایج را بیان نمایید.
۲. چرا در عصر و شرایط حاضر به آموزش زبان انگلیسی باید اهمیت بیشتری داده شود؟
۳. برخی دلایل ناکامی آموزش (زبان) را نام ببرید.
۴. به نظر شما مسبب اصلی ناکامی آموزش (زبان) در ایران چیست؟ چرا؟
۵. در کلاس‌های امروزی بر چه مسائلی باید تمرکز و تأکید شود؟
۶. منظور از «بانکی» بودن سیستم آموزش سنتی چیست؟

مقدمه

تعامل و همکاری در دنیای متمدن امروز ارزشی غیرقابل اجتناب است. و استفاده از زبان انگلیسی در این تعامل و همکاری یک روش مؤثر برای بالا بردن درک متقابل در سطوح بین‌المللی می‌باشد. همان‌طور که این‌جانب بارها گفته‌ام (حسینی ۲۰۰۷, ۲۰۰۶, ۲۰۰۰) در شرایط کنونی زبان انگلیسی دیگر زبانی نیست که صرفاً در آمریکا و یا انگلستان صحبت می‌شود. این زبان دیگر حتی نباید به‌عنوان زبان خارجی و یا زبان دوم در نظر گرفته شود. همین‌طور دیگر دورانی که این زبان به‌عنوان زبان کتابخانه‌ها در نظر گرفته می‌شد و این به‌نوبه خود بهانه‌ای بود برای سیاست‌گذاران آموزشی در ایران که هدف از آموزش زبان را بهبود سطح درک مطلب دانش‌آموزان و دانشجویان در نظر بگیرند نیز گذشت.

امروزه زبان انگلیسی دیگر صرفاً زبان آمریکایی‌ها و یا انگلیسی‌ها نیست که بخواهیم از آن متنفر باشیم و یا از آن وحشت داشته باشیم! بلکه زبان انگلیسی یک زبان بین‌المللی است که از پیش نیازهای ورود و تعامل و زندگی موفق در دهکده جهانی‌ای است که از آن گریزی نیست. زبان انگلیسی زبانی چندمنظوره برای بخدمت‌گیری در آموزش، تجارت و مدیریت و برای در نوردیدن مرزها و ارتقای تعاملات بین‌المللی است. به عبارت دیگر زبان انگلیسی زبان علم، اقتصاد، سیاست، بقاء و حرکت و موفقیت در دنیای کوچک و در عین حال پیچیده کنونی است. این زبان از پیش‌نیازهای مطرح‌شدن و شناخته شدن از طریق بیان ویژگی‌ها و اهداف و آرمان‌ها در سطوح بین‌المللی است و بنابراین اگر چیزی برای ارایه داریم باید همانند سایر کشورها از آن استقبال کنیم و نه اینکه از آن وحشت داشته باشیم و مانع گسترش آن شویم!

حتی این‌جانب بر این باور هستم که زبان انگلیسی ابزاری برای رها سازی محرومین، مستضعفین و ستم دیده گان از یوغ ستم و استبداد می باشد چرا که با فراگیری زبان انگلیسی کیفیت و سطح آگاهی مردم بالاتر می رود و در نتیجه آن به حقیقت می رسند و آنطور که عیسی مسیح (ع) فرمودند "حقیقت آنها را به آزادی رهنمون می شود". بواسطه زبان انگلیسی است که مردم با فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها و حاکمان متفاوت بهتر آشنا می شوند و درصدد ارتقای فرهنگ، نگرش و منش خود و حاکمان خود بر می آیند. بنابراین چه بخواهیم و چه نخواهیم هم زمان با پدیده گلوبالیزیشن و بین المللی شدن زبان انگلیسی مرزها و حصارها در حال فرو ریختن هستند و حکومت‌های استبدادی، فاشیستی، ارتجاعی و مربوط به دوران شتر چرانی در حال فرو پاشی. تمام آنچه می‌خواهم بگویم این است که در چنین شرایطی سوال این نیست که آیا به زبان انگلیسی بپردازیم یا نه؟! این سوال را فقط کسانی مطرح می‌کنند که به هر دلیلی از ارتباط و تعامل خود و مردم خود با دنیا هراس

دارند! در چنین شرایطی سوال این باید باشد که راهکارهای ارتقای کیفیت آموزش زبان انگلیسی - به عنوان زبان مشترک بشریت - در سرزمین ما چیست؟

واقعیت این است که هدف از آموزش زبان باید حداقل ارتقای مهارت‌های محاوره‌ای نسل فردا باشد چراکه آن‌ها نیاز دارند که چنین مهارت‌هایی را برای شرکت در پروسه گفتمان و تعاملات بین‌المللی در دنیای در حال گلوبالیزه شدن کنونی کسب نمایند. البته کسب چنین مهارت‌هایی باید توأم با تمرکز بر بهبود کیفیت تفکر و نگرش، منش و شخصیت نسل فردا نیز باشد. اما واقعیت این است که اهداف آموزشی، منابع انسانی، مواد آموزشی، روش‌های تدریس و سیستم ارزشیابی فعلی پتانسیل تمرکز بر چنان هدفی را ندارند.

بعد از برجسته شدن نقش زبان انگلیسی به‌عنوان یک زبان بین‌المللی این قسمت تصویری از کلاس‌هایی ارائه می‌دهد که توسط روش تدریس آموزش بانکی اداره می‌شوند. همین‌طور سعی می‌شود معایب این روش تدریس و نیز اثرات مخرب آن در سطوح ملی و بین‌المللی نیز بررسی شود. درنهایت هم سعی می‌شود نظر سیاست‌گذاران آموزش و نیز همکاران محترم به روش تدریسی که این‌جانب بر مبنای تئوری آموزشی - سیاسی خود برای ارتقای سطح مهارت‌های فراگیران در شرایط واقعی و نیز برای ارتقای سطح آگاهی‌های جامعه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ارائه داده‌ام جلب شود. بنابراین هدف اصلی این‌جانب از نگارش این کتاب و به‌ویژه این فصل به یادآوری ضرورت یک تحول بنیادین در آموزش به‌طور کل و در روش‌های تدریس به‌طور اخص می‌باشد.

برشی کوتاه از روش سخنرانی و یا روش بانکی در سطح کلاس

در کلاس‌هایی که به روش سنتی اداره می‌شوند معمولاً در جلسه اول - حتی در سطح دانشگاهی - مدرس ابتدا با یک نگاه از بالا به پایین خودش را معرفی می‌کند. ایشان معمولاً طوری خودش را معرفی می‌کند که نه تنها انگار تنها دارنده دانش است، بلکه گاهی اوقات گویی نماینده خداوند بر روی زمین است! تا ما را به زور هم که شده از جهنم جهل برهاند! سپس اولین فرمانش را صادر می‌کند و از رعایای خود می‌خواهد که یکی‌یکی و بدون کمترین سروصدایی خودشان را مؤدبانه به خدمت حضرت آقا معرفی کنند. بعدازاین مرحله ایشان از ویژگی‌های سرزمین و رعایای رؤیایش که همسو با او هستند می‌گوید تا خطوط قرمز را برای از نظر او گوسفندان مشخص کند. ایشان ممکن است نیم‌نگاهی هم به مطالبی که قرار است در طول ترم تدریس شود بیندازد و به شاگردان بگوید که قرار است چه چیزی را از او یاد بگیرند و به کجا برسند! در ادامه این فصل به ارائه نوع تدریس یک درس درک مطلب زبان در دو جلسه ۴۵ دقیقه‌ای با استفاده از روش تدریس سنتی (بانکی) می‌پردازم.

جلسه اول: تدریس: ۴۵ دقیقه

۱. فعالیت‌های اولیه ۲ دقیقه
۲. فعالیت‌های قبل از تدریس مهارت خواندن
- الف) معرفی موضوع و لغات کلیدی ۱۰ دقیقه
- ب) معرفی نکات گرامری درس ۱۰ دقیقه
۳. فعالیت مربوط به مهارت خواندن و درک مطلب
- پ) خواندن بلند متن و توضیح دادن کلمات کلیدی توسط معلم ۱۸ دقیقه
۴. فعالیت‌های بعد از تدریس مهارت خواندن و درک مطلب
- ت) ارزشیابی کردن فراگیران ۴ دقیقه
- س) مشخص کردن تکالیف جلسه بعد ۱ دقیقه

جلسه دوم: ارزیابی / آزمون ۴۵ دقیقه

۱. فعالیت‌های اولیه..... ۲ دقیقه
۲. امتحان کتبی دادن انفرادی فراگیران ۳۳ دقیقه
۳. ارائه پاسخ‌های صحیح به فراگیران ۱۰ دقیقه

جلسه اول: تدریس

در مرحله قبل از ارائه متن به فراگیران، بعد از حضور و غیاب کردن و احوال‌پرسی، معلم موضوع متن را که غالباً برای فراگیران آشنا و کلیشه‌ای می‌باشد مطرح می‌کند. او همچنین لغات سخت را روی تخته‌سیاه لیست می‌کند تا فراگیران جهت حفظ کردن آن‌ها از آن‌ها کپی‌برداری کنند. هنگامی که معلم موضوع را برای فراگیران توضیح می‌دهد طوری ژست می‌گیرد که انگار مخاطبان او هیچ اطلاعی از آن موضوع و متن ندارند! در ضمن در همین حین او از دریل‌های مکانیکی برای ارائه لغات جدید به شاگردان و ترغیب کردن آن‌ها به تکرار کردن استفاده می‌کند. در ۱۰ دقیقه بعد گرامر مربوطه معرفی می‌شود. ایشان معمولاً اول فرمول‌ها و ساختارهای گرامری را ارائه می‌دهد و بعد به ارائه چند مثال می‌پردازد که با این کار در واقع لقمه را می‌جود و به دهان فراگیران می‌گذارد! در مرحله بعد یعنی در مرحله تدریس مهارت خواندن، معلم از شاگردان می‌خواهد که حینی که او متن را برای آن‌ها بلند می‌خواند آن‌ها از روی کتاب‌هایشان خط ببرند و او را دنبال کنند. در این مرحله ایشان استنباط شخصی خودش را از کلمات و جملات و متن به شاگردان «دیکته» می‌کند تا آن‌ها برای پاس کردن امتحان به نگارش و حفظ آن‌ها بپردازند. البته گاهی هم ممکن است نظر شاگردان پرسیده شود که البته این امر خیلی مقطعی و سطحی می‌باشد به طوری که این امر باعث بحث و گفتمان نمی‌شود. در پنج دقیقه آخر کلاس معلم - و یا همان دیکتاتور که میل به دیکته کردن دارد - معمولاً چند سؤال کلی و سطحی از شاگردان می‌پرسد تا ارزیابی کند که آیا آن‌ها می‌توانند عین یک جمله یا ایده را بازگو کنند یا نه؟ به محض این که ایشان به این نتیجه برسد که شاگردی قادر به یادآوری یک جمله و یا ایده خاص نیست، یا خودش و یا یکی از معدود شاگردانی که قبلاً دستش را برای بازگویی آن جمله و یا ایده بالا برده است به بازگویی آن می‌پردازد. در پایان کلاس هم معمولاً تکلیف جلسه بعد مشخص می‌شود و نهایتاً از شاگردان خواسته می‌شود که برای امتحان حاضر شوند.

جلسه دوم: ارزیابی / امتحان

در این جلسه معلم از شاگردان می‌خواهد که برگه سؤالات - غالباً چندگزینه‌ای! - را که او قبلاً آماده کرده است پاسخ دهند. هرچند این سؤالات ممکن است تمام درس قبل را پوشش دهند، اما معمولاً سؤالاتی کلی و غیر تکنیکی هستند که صرفاً به ارزیابی قدرت حافظه - و نه خلاقیت و قدرت استدلال و تفکر انتقادی شاگردان که قیاس و تجزیه و تحلیل اطلاعات و جمع‌کردن مفاهیم و ارزیابی کردن راه‌حل‌ها را می‌طلبد - می‌پردازند. شاگردان حدود ۳۰ دقیقه فرصت دارند تا به سؤالات پاسخ داده و برگه‌های خود را به معلم تحویل دهند. معمولاً نمراتی که شاگردان در این امتحانات کسب می‌کنند در نمره نهایی آن‌ها تأثیر مستقیم نخواهد داشت و برای همین آن‌ها این امتحانات را جدی نمی‌گیرند. و در نهایت از چند شاگرد داوطلب خواسته می‌شود که پاسخ‌ها را روی تخته‌سیاه بنویسند. شاگردان کلاس این پاسخ‌ها را کپی‌برداری می‌کنند تا در شب امتحان نهایی - برای پاس کردن امتحان - به حفظ کردن آن‌ها بپردازند.

همان‌طور که مشخص است سناریوی به تصویر کشیده شده بالا کاملاً معلم محور می‌باشد و شاگردان برای درک لغات و جملات و متون و انجام فعالیت‌های کلاسی و تمارین به‌طور کامل به معلم وابسته هستند. علاوه بر این با پرسیدن سؤالات سطحی و کلی و غیر مؤثر و گاهی اوقات مبهم که به نوبه خود پاسخ‌های سطحی و غیرمفید را می‌طلبند، معلم و یا همان رهبر کلاس در واقع دارد به هوش و مهارت‌ها و اعتمادبه‌نفس شاگردان توهین می‌کند. بدتر این که او خود و یا چند نورچشمی‌اش - بلافاصله بعد از مطرح کردن سؤال - به ارائه پاسخ می‌پردازد و در واقع با این کار مهلت و اجازه تفکر کردن به شاگردان را نمی‌دهند. مشکل دیگر چنین کلاس‌هایی این است که برای شاگردان اهداف مشترک ترسیم نشده است تا بدین‌وسیله آن‌ها را ترغیب به بحث و گفتمان و همکاری نمایند و بنابراین شاگردان میلی به تعامل و کار گروهی ندارند و

ترجیح می‌دهند که به‌صورت انفرادی به یادگیری بپردازند. به عبارت دیگر، غیرفعال بودن و طوطی‌وار تکرار کردن و حفظ کردن مکانیکی لغات و جملات و ایده‌ها به‌طور محسوس و یا نامحسوس تشویق می‌شود تا - به نظر این‌جانب - جایی برای تفکر انتقادی و خلاقیت در طول پروسه یادگیری و رشد باقی نماند. همان‌طور که مشخص است با استفاده از این استراتژی یعنی روش تدریس بانکی شاگردان در «کلاس‌های مهارت خواندن و درک مطلب» می‌آموزند که تنها خطوط و در برخی موارد بین خطوط را بخوانند و نه ورای خطوط را. درواقع تنها هدف این روش تدریس جلوگیری از بهبود تفکر خلاقانه و تفکر انتقادی و درواقع گوسفند بار آوردن نسل فردا هست تا بدین‌وسیله بقای مافیای قدرتی که متصدیان و مزدوران آن این رژیم آموزشی را طراحی کرده‌اند تضمین شود. این دور از ذهن نیست چراکه در کلاس‌هایی که با استفاده از روش بانکی اداره می‌شوند نسل فردا در عمل چیزی غیر از حیوانات بی‌رخوت و مطیع محض در نظر گرفته نمی‌شوند و بار نمی‌آیند.

تأیید عدم موفقیت آموزش زبان در ایران

مایه تأسف است اما واقعیت این است که رژیم آموزشی در ایران برای بیش از یک قرن است که از به‌کارگیری روش تدریس بانکی توسط رهبران کلاس‌ها رنج می‌برد. به‌ویژه آموزش زبان انگلیسی در غالب محیط‌های آکادمیک بدون کیفیت و ناکارآمد می‌باشد. اگر توانایی شاگردان در به‌کارگیری زبان در محیط‌های واقعی را بعد از مدتی طولانی معیار اصلی سنجش یادگیری مؤثر در نظر بگیرم، می‌توان گفت که در کلاس‌های فعلی ما یادگیری واقعی زبان اتفاق نمی‌افتد. این ادعای این‌جانب با نگاهی اجمالی به مهارت‌های ارتباطی غالب فراگیران به‌راحتی قابل تأیید است. حتی در سطوح دانشگاهی تعداد بسیار قابل‌تأملی از فراگیران که از دبیرستان‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها را با استفاده از استراتژی‌های حافظه محور و خرخوانی خود با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند قادر نیستند ابتدایی‌ترین افکار و ایده‌های خود را چه در گفتار و چه در نوشتار به زبان انگلیسی به‌طور مؤثر و روان بیان نمایند. این علیرغم این واقعیت است که آن‌ها تا سطح فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان حداقل ۱۰۰۰ ساعت کلاس‌های رسمی زبان را - تا قبل از ورودشان به دانشگاه - در طول هفت سال تحصیلی پشت سر گذاشته‌اند!

حتی اکثر دانشجویان ایرانی که جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و یا حتی دکترا در دانشگاه‌های خارج از کشور در رشته‌های متفاوت ثبت‌نام می‌نمایند عمده‌ترین مشکل خود را در برقرار کردن ارتباط کلامی خود با اساتید و شهروندان آن کشورها به زبان انگلیسی می‌دانند. این در حالی است که این افراد تعداد لغات زیادی را حفظ هستند و از نظر گرامری هم مشکل خاصی ندارند. حیرت‌آور است اما این گروه از دانشجویان بیش از ۳۰۰۰ ساعت کلاس‌های رسمی زبان در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های ایران را در طول حدود ۱۳ سال تحصیلی پشت سر گذاشته‌اند! عدم توانایی حتی اساتید دانشگاه در تعامل با همکاران و فرهیختگان خارجی در کنفرانس‌های بین‌المللی و یا در نگارش مقالات برای ژورنال‌های خارجی برهان قابل‌توجه دیگری بر این مدعا هستند که آموزش زبان انگلیسی در ایران که با به‌کارگیری روش‌های تدریس بانکی و تردیشنال می‌باشد ناکارآمد بوده و هست. البته متخصصان آموزش زبان از قبیل میر حسینی و فتحی پور (۲۰۰۶) و محققینی از قبیل اسلامی راسخ و ولی زاده (۲۰۰۴) و همین‌طور این‌جانب (حسینی ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۱۰، ۲۰۱۲) این ناکارآمدی سیستم آموزش زبان و ضرورت روی آوردن به روش‌های تدریس مفیدتر و مدرن که بر ارتقای مهارت‌های تفکر در سطوح بالاتر و خلاقیت تأکید دارند را یادآوری کرده‌ایم که این خود دلیل دیگری بر عدم موفقیت سیستم آموزش زبان در ایران هست که بر ملت ایران هزینه‌های سرسام‌آوری تحمیل می‌کند.

اعتراف

در چنین شرایطی است که - هرچند مقداری دیر (بعد از بیش از ۳۰ سال!) - برخی از متخصصان معروف آموزش زبان در ایران از قبیل فرهادی، جعفر پور و بیرجندی (۱۹۹۴) چاره‌ای جز اعتراف به ناکارآمدی سیستم آموزش زبان که از قضا خود طراحان، مدیران و گردانندگان آن و نیز همه‌کاره در تألیف کتب درسی و آموزش نیروی انسانی برای آموزش زبان در ایران هستند ندیده‌اند. در هر صورت همین‌که این آقایان که در اتاق فکر! در تهران این جرئت را داشته‌اند که اعتراف کنند که سطح

مهارت زبانی زبان‌آموزان ایرانی - در سطح دانشگاه - پایین و غیرقابل قبول است کافی است: این امر خود نشان از شهامت داشتن برای پذیرش یک اشتباه است - که خود تغییر در نگرش را می‌طلبد - و باید از آن استقبال شود.

سوالات این جانب

در چنین شرایطی سوالات بی‌شماری به ذهن این جانب خطور می‌کند. اگر از سوالات این جانب در رابطه با سهم این افراد به اصطلاح متخصص در ناکامی‌های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ملت ایران بگذریم، حداقل سوالی که ایشان باید پاسخگو باشند این است که با چه جرئتی ایشان از دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی انتظار یادگیری مؤثر زبان انگلیسی را داشته‌اند در صورتی که نقص اصلی در کتب و مدرسانی هست که خود تألیف و تربیت کرده‌اند. به عنوان یک مثال ملموس، این جانب از سال ۱۳۷۴ در حال تدریس زبان اول دبیرستان غالباً در روستاهای پرت می‌باشم (در حال حاضر نیز که ۸ سال است که مدرک دکترای تخصصی در آموزش زبان انگلیسی خود را اخذ کرده و بیش از ۶۰ کتاب و مقاله تخصصی چاپ کرده‌ام هنوز هم - در سال ۱۳۹۳ در ناحیه ۷ مشهد در حومه و خارج از شهر مشهد - در یک دبیرستان زبان اول دبیرستان را تدریس می‌کنم). مدیران ارشد این جانب که یکی از آن‌ها (رئیس آموزش ناحیه یک مشهد) لیسانس معارف دارد انتظار دارند که این جانب علاوه بر این که در انزوا و فقر کامل فسیل می‌شوم متونی را تدریس نمایم که عملاً دال بر این ادعا هستند که این جانب به خاطر نگرش و روش تدریس تبعیدشده‌ام تا مایه عبرت سایرین گردم. بگذریم! این جانب باید دانش‌آموزانم را تمرین دهم که سؤالاتی شبیه سؤال ذیل را که در راستای گوسفند سازی نسل فردا طراحی شده‌اند پاسخ دهند. - یادآوری این که نمونه سؤال ذیل از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است:

جمله: پرندگان هوا نیاز دارند. (!)

سؤال: آیا پرندگان هوا نیاز دارند؟! (!!)

جواب مورد انتظار و تأیید رهبر کلاس: بله دارند. (!!!)

پاسخ مورد انتظار از افراد باهوش که قرار است وزیر و رئیس‌جمهور و شوند: بله آن‌ها هوا نیاز دارند. (!!!!)

یادآوری می‌شود که این گونه سوالات برگرفته از کتاب زبان دوم دبیرستان تهیه و تألیف شده توسط «دکتر بیرجندی»، «دکتر سهیلی»، «دکتر نوروزی» و «دکتر محمودی» می‌باشند. همین‌طور یادآوری می‌شود که این جانب از سال ۱۳۷۴ که فوق‌دیپلم داشتم همین کتب را تدریس کرده‌ام - بدون هیچ‌گونه تغییری. حال سؤال این است که آیا چنین محتوا و سوالات مسخره‌ای ارزش در نظر گرفتن - چه رسد به ارزش تدریس کردن - در دنیای کنونی را دارند؟!

متأسفانه این نوع متون و سوالات مضحک و غیر مؤثر تا جایی که این جانب اطلاع دارم و تجربه تدریس داشته‌ام در کتب دانشگاهی هم به وفور یافت می‌شوند و نتیجه همان دانشجویانی می‌شوند که توضیح دادم و نیز همان اعتراف که نویسندگان این کتب راجع به ضعف زبان عمومی دانشجویان ایرانی داشتند! به هر حال در ارتباط با نمونه سوالی که مطرح شد نکته قابل تأمل این است که از دانش‌آموزان که در این سطح ۱۶ تا ۱۷ ساله هستند و در واقع چهارمین سالی است که کلاس‌های رسمی زبان خود را می‌گذرانند انتظار نمی‌رود - توسط رژیم آموزشی فعلی - که حتی به چنین سؤالاتی پاسخ‌های جالب‌توجه‌تر و منطقی‌تری بدهند. به عنوان نمونه مثلاً آن‌ها تشویق نمی‌شوند که به سؤال مطرح شده پاسخ دهند: نه! این کرم‌ها و گوسفندان هستند که به هوا نیاز دارند! پرندگان به بال نیاز دارند! - بال پرواز. آن‌ها به بال نیاز دارند تا پرواز کنند چراکه یک پرنده بدون بال بهتر است بمیرد! دلیل این امر هم این است که یک پرنده بدون بال و آزادی و حق انتخاب قادر نخواهد بود معنی حقیقی زندگی و از همه مهم‌تر معنی آزادی را درک کند.

سؤال دیگری که به دفعات در سال‌های اخیر به ذهن این جانب خطور می‌کند این است که چگونه چنین منابع آموزشی که توسط چنان سپاهی از متخصصان فاقد صلاحیت و خلاقیت تهیه و تألیف شده‌اند می‌توانند - به عنوان نمونه - به ارتقای خلاقیت و حساسیت و تفکر انتقادی - که از اصول پیشرفت و توسعه و تمدن و سعادت جوامع بشری می‌باشند - در نسل فردا و آینده‌سازان این مرزوبوم بینجامند؟! مضحک‌تر این که برخی از این افراد اخیراً درباره رابطه بین تفکر انتقادی و موفقیت معلمان در ایران نظر می‌دهند! (بیرجندی و باقر کاظمی، ۲۰۱۰) چنین ادعای عجیبی از طرف این افراد این جانب را

به یاد شرایط امثال خودم می‌اندازد تا به یاد صداقت ایشان. علیرغم این موارد یک واقعیت غیرقابل‌هضم برای این‌جانب این است که وقتی بررسی می‌کنم می‌بینم اکثر طراحان سیستم آموزشی فعلی ما در غرب تحصیل نموده‌اند! آن‌ها مدارک دکترای خود را از برخی دانشگاه‌های مطرح در آمریکا و سایر کشورهای غربی گرفته‌اند! این به چه معنا است؟ به عبارت دیگر، رابطه بین این افراد و رژیم آموزشی ما و کاپیتالیسم و یا شاید هم امپریالیسم در چیست؟!

فرضیه این‌جانب: امپریالیسم عناصر خودش را در مراکز حساس تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ما به‌منظور استحمار و استثمار ما و مردم ما تزریق کرده است! باید یادآوری کنم که به‌محض این‌که این فرضیه رد شود این‌جانب به ارائه یک تئوری می‌پردازم: این سیاست‌گذاران (آموزشی) ما هستند که در خدمت امپریالیسم هستند و یا شاید اصلاً آن‌ها خود امپریالیسم هستند. و بلافاصله بعد از مطرح کردن چنین تئوری‌ای این‌جانب یک «چرا» ی بزرگ که به یک علامت سؤال بزرگ‌تر ختم می‌شود را ارائه می‌دهم. در این مرحله است که این‌جانب یک سؤال سنگین را مطرح می‌کنم؟! و آن سؤال این است که این ماجرا به چه معناست؟! و سپس توجه مدرسان و اندیشمندان و سیاست‌گذاران دلسوز را به «فلسفه» و رای چنین خیانتی جلب می‌کنم!

برخی دلایل دیگر برای ناکامی بزرگ در آموزش (زبان) در ایران

یک دلیل عمده دیگر برای شکست سیستم فعلی آموزش زبان انگلیسی در ایران این واقعیت است که هدف از آموزش زبان بهبود مهارت خواندن و یا درک متون می‌باشد! این نوع هدف‌گذاری در دنیای پیچیده کنونی با توجه به تأثیرات شگرفی که ورود به هزاره سوم بر آموزش به‌طور کل و آموزش زبان به‌طور خاص داشته است عجیب به نظر می‌رسد! شرایط آموزش زبان در ایران وقتی وخیم‌تر می‌شود که سیاست‌گذاران فعلی آموزشی درصدد حذف فرهنگ غرب از متون و منابع آموزشی هستند چراکه بر این باور هستند که حجمانی فرهنگ غرب بر فرهنگ اسلامی ما تأثیرات سوئی خواهد گذاشت. فواید و مضرات این دیدگاه که بر این باور است که زبان انگلیسی باید از طریق فرهنگ فارسی و اسلامی تدریس شود با توجه به پروسه گلوبالیزه شدن جهان جای بحث دارد که در این مقال نمی‌گنجد. اما مجدداً به سیاست‌گذاران امر آموزش یادآور می‌شوم که پدیده گلوبالیزه شدن دنیای کنونی غیرقابل‌انکار و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. آن‌ها همین‌طور باید بدانند که زبان انگلیسی یک زبان بین‌المللی است که در خدمت اقتصاد، سیاست و بقاء و پیشرفت و سعادت بشر است و نه ابزاری تهدیدکننده! این بدان معناست که برنامه‌ریزی آموزشی ما باید حداقل در خدمت ارتقای تمام جنبه‌های محاوره‌ای نسل فردا باشد و نه تنها فقط بهبود مهارت خواندن آن‌ها. دلیل دیگر برای ناکامی آموزشی زبان در ایران همان‌طور که اشاره شد به این واقعیت برمی‌گردد که اکثر مدرسان زبان که تحت برنامه متخصصان ذکرشده مدرک آموزش زبان گرفته‌اند مهارت‌های به‌روز آموزش زبان را ندارند و به‌اندازه کافی با واقعیات دنیای امروز آشنا نیستند. یادآوری می‌شود که این‌جانب برای مسئله تهاجم فرهنگی راه برد واقعی‌تر و منطقی‌تری را در کتابم ارائه داده‌ام (حسینی ۲۰۱۲).

برخی مشکلات دیگر آموزش زبان انگلیسی در ایران: نگاهی تحلیلی به داخل کلاس‌ها

همان‌طور که گفته شد کلاس‌های فعلی ما با استفاده از شیوه‌های سنتی تدریس همانند روش بانکی و یا روش ارتشی مدیریت و اداره می‌شوند که در آن‌ها معلم نقش سخنران و شاگردان نقش مستمعین را دارند. در سیستم فعلی آموزش همان‌طور که پائولو فره یک اندیشمند رادیکال برزیلی بیان می‌کند معلم نقش نقالی را ایفا می‌کند که تمام تلاشش تزریق دانش به اذهان شاگردان که صرفاً دریافت‌کننده و تهی از دانش هستند می‌باشد. این پروسه در کلاس‌های زبان شامل ترجمه کردن، طوطی‌وار تکرار کردن و حفظ کردن، و به یادآوردن و دوباره گفتن است. این‌که معلمان زبان به جهت ضعف توانایی‌های محاوره‌ای خود زبان انگلیسی را با استفاده از زبان فارسی تدریس می‌کنند شرایط آموزش زبان را در ایران وخیم‌تر می‌کند چراکه در ایران زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در نظر گرفته‌شده است و نه همانند برخی کشورها از قبیل پاکستان و هند به‌عنوان زبان دوم. این یعنی این‌که شاگردان ما فرصت کمتری برای در معرض زبان انگلیسی واقع شدن را دارند که این محل

یادگیری سریع‌تر و راحت‌تر و ماندگارتر زبان است. در نتیجه چنین شرایطی معلمان قادر نیستند که در طول پروسه تدریس خود توجه و علاقه شاگردان را داشته باشند. کمی بعد از شروع کلاس توجه شاگردان به اموری دیگر جلب می‌شود و در انتهای کلاس همه احساس خستگی می‌کنند. زدن اس ام اس و ای میل، ورود به چت روم هایی از قبیل تلگرام، گوش دادن به موزیک و موسیقی، پرت کردن اشیاء به طرف یکدیگر، رؤیایپردازی، خمیازه کشیدن و حتی چرت زدن و خوابیدن (غالباً با چشمان باز) از جمله فعالیت‌های رایج در این نوع کلاس‌ها می‌باشند. معلم تمام تلاش و استراتژی‌های خود را به کار می‌گیرد که شاگردان را ترغیب به گوش دادن و درگیر شدن در فرایند یادگیری کند و حتی گاه‌گاهی به آن‌ها بدویبراه هم می‌گوید و آن‌ها را تحقیر و حتی در مواردی تنبیه می‌کند اما چیز خاصی جز بدتر شدن اوضاع و فرار نگاه‌ها از نگاه معلم و نهادینه شدن حس نفرت و انزجار از رهبر کلاس و از زبان انگلیسی اتفاق نمی‌افتد.

مشکل دیگر کلاس‌های معلم محور کنونی این است که در این کلاس‌ها با تمام شاگردان به‌طور یکسان برخورد می‌شود و تفاوت‌های میان مهارت‌ها، سبک‌ها و استراتژی‌های یادگیری و نگرش‌ها و عقبه اجتماعی سیاسی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. در دانشگاه‌ها این واقعیت که دانشجویان از مناطق جغرافیایی متفاوت همانند روستاها و شهرها گرد هم آمده‌اند شرایط را بدتر می‌کند چراکه عقبه اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی آن‌ها در توانایی‌های محاوره‌ای آن‌ها فاصله زیادی انداخته است. همین‌طور در این کلاس‌ها شرکت فعالانه شاگردان در پروسه یادگیری آگاهانه و یا ناآگاهانه توسط معلمان نفی می‌شود. حتی اگر به شاگردان فرصتی داده شود تا درک خود از مطالب ارائه‌شده را به اشتراک بگذارند این شاگردان قوی‌تر و یا برونگرا - که تعدادشان هم محدود است - هستند که فرصت یادگیری و شرکت در فعالیت‌های کلاسی را از اکثریت سلب می‌نمایند. به عبارت دیگر، در چنین کلاس‌ها و جوامعی که توسط روش سخنرانی کردن و دیکتاتور مآبانه کنترل و اداره می‌شوند افراد ضعیف‌تر و مظلوم که اتفاقاً اکثریت را تشکیل می‌دهند به‌طور اتوماتیک مطرود و منزوی می‌شوند که نتیجه آن این است که این گروه‌ها به تدریج علاقه و انگیزه‌شان را برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی از دست می‌دهند و طبیعتاً در درازمدت عقب‌مانده و محروم می‌شوند. - بنابراین برعکس گروه اول، این گروه روزبه‌روز ضعیف‌تر و فقیرتر و درعین حال منزجرتر می‌شوند. در هر صورت در خوش بینانه ترین حالت نتیجه چنین کلاس‌هایی چیزی جز به خاطر سپاری کوتاه‌مدت مطالب ارائه‌شده توسط معلم نمی‌باشد. متوقف شدن تبادل آراء و بحث و گفتگو که نتیجه مستقیم چنین محیط‌هایی است فرصت‌های تبادل استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی و نگرش‌ها و منش‌ها را می‌گیرد و به‌طور طبیعی به نفی خلاقیت و تفکر انتقادی می‌انجامد. این به‌نوبه خود یادگیری و به یادآوری و در نتیجه نگرش شاگردان را به زبان و زبان‌آموزی تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. این نظر اسلامی راسخ و ولی زاده که در نتیجه تدریس توسط روش تدریس‌های فعلی دانشجویان ایرانی از انگلیسی به‌عنوان یک درس نفرت دارند دال بر این آخرین ادعای این جانب می‌باشد.

در ارتباط با سرنوشت دانشجویان دانشگاه‌ها در کلاس‌های زبان، ضعف آن‌ها در زبان انگلیسی و در یادگیری از مدرسه شروع می‌شود و تا دانشگاه جایی که زبان را به اجبار باید انتخاب کنند و یاد بگیرند ادامه می‌یابد. - در دانشگاه‌ها یک یا دو گزینه در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند و با پررویی فریاد می‌زنند شما «حق انتخاب» دارید! نتیجه چنین شرایطی این است که تعداد قابل توجهی از این دانشجویان یا موفق به پاس کردن درس زبان نمی‌شوند و مجبور هستند دوباره همان درس را بگذرانند و یا به‌صورت ناپلئونی غالباً از طریق تقلب درس را پاس می‌کنند. این موارد قسمتی از نتایج به‌کارگیری سیستم آموزشی سنتی در ایران است.

برخی دلایل دیگر برای ناکامی آموزش زبان در ایران

علیرغم مسائل و مشکلاتی که در نتیجه به‌کارگیری روش تدریس بانکی پیش می‌آید و مطرح شد، متأسفانه هنوز شاگردان و به‌ویژه همکارانی - چه در مدرسه و چه در دانشگاه - هستند که این روش تدریس را می‌پسندند. این گروه از مدرسان و زبان‌آموزان که تعداد بسیار زیادی هم هستند روش تدریس بانکی را به چندین دلیل می‌پسندند. زبان‌آموزان این روش را می‌پسندند چراکه آن‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که مکانیسم‌های این روش تدریس تأکید بر حفظ کردن و خرخوانی دارند و بنابراین بدون زحمت زیاد و صرفاً داشتن فعالیت در شب امتحان می‌توان نمره خوبی را در امتحانات تضمین کرد. آن‌ها این روش تدریس را دوست دارند چراکه تمام اطلاعات موردنیاز آن‌ها برای پاس کردن امتحانات را در کمترین زمان بدون این‌که

کار زیادی از آن‌ها خواسته شود در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. این زبان‌آموزان بر این باور هستند که وقتی از طریق حفظ کردن می‌توان پاس کردن خود را تضمین کرد چه ضرورتی دارد که به یادگیری واقعی پردازیم که زمان‌بر است و انرژی و حوصله زیاد می‌خواهد. اما دلیل اصلی برای این نوع حب ورزیدن این زبان‌آموزان به روش سنتی این واقعیت است که آن‌ها هنوز این فرصت را نداشته‌اند که یادگیری زبان را در کلاس‌هایی که به روش‌های تدریس مدرن اداره می‌شوند تجربه کنند. واقعیت دیگر این است که این زبان‌آموزان در کلاس‌های خود پرسیدن و تحقیق کردن برای رسیدن به اطلاعات و دانش جدید و نیز فواید بحث و گفتمان در محیط‌های دموکراتیک را تجربه نکرده‌اند. آن‌ها فقط عادت کرده‌اند که اطلاعات موردنیاز را کپی‌برداری و حفظ نمایند و طوطی‌وار پس دهند. این زبان‌آموزان قدرت تمییز این موارد را ندارند و نمی‌توانند رابطه بین یادگیری واقعی و موفقیت همه‌جانبه در زندگی را بفهمند. آن‌ها نمی‌توانند بفهمند که تفاوت نتایج حاصله در کلاس‌هایی که به روش‌های سنتی و در کلاس‌هایی که به روش‌های مدرن اداره می‌شوند در چیست. مهم‌تر از همه این‌که آن‌ها از این واقعیت غافل‌اند که آن‌ها به‌واسطه پذیرفتن روش‌های تدریس فعلی از سوی اساتیدشان و نگاه از بالا به پایین آن‌ها، هرچند در درازمدت، به شکل‌گیری حکومت‌های استبدادی و اقتدارگرای فاشیستی کمک می‌کنند.

باورکردنی نیست اما همان‌طور که اشاره شد تعداد بی‌شماری از معلمان و اساتید هم هستند که به بکارگیری روش سنتی علاقه‌مند هستند. یکی از دلایل عدم به‌کارگیری روش‌های تدریس مدرن توسط این گروه از مدرسان تردید ایشان در میسر بودن به‌کارگیری و یا حتی تردید ایشان در کارایی این روش‌ها می‌باشد. مدرسانی هستند که معتقدند روش‌های مدرن امروزی در کلاس‌های ما در ایران جواب نمی‌دهند! اما واقعیت این است که این گروه از مدرسان پتانسیل و توانایی به‌کارگیری این روش‌های تدریس را در کلاس‌هایشان ندارند تنها به این دلیل ساده که آن‌ها برای تدریس و آموزش خلق نشده‌اند. دلیل دیگر برای این مسئله این است که مدرسان اشراف کافی به استراتژی‌ها و روش‌های تدریس را ندارند چراکه اغلب آن‌ها مدارک غیر مرتبط با «آموزش» زبان انگلیسی دارند. و این واقعیت که منابع مفید و کارآمد برای استفاده این مدرسان جهت آشنایی با این نوع روش‌های تدریس نوین - برای آموزش به شاگردانی که به روش‌های سنتی عادت کرده‌اند - وجود ندارد شرایط را بدتر می‌کند. این شرایط که مسبب آن همان متخصصانی هستند که در اتاق‌های فکر در تهران بر مسند ریاست نشسته‌اند دلیل اصلی برای مدرسان جهت فاصله گرفتن از شیوه‌های نوین آموزش می‌باشد چراکه این مدرسان هنوز یاد نگرفته‌اند که خود باید یادگیرنده و پژوهشگر هم باشند. اما واقعیت تلخ دیگر این است که این مدرسان روش‌های سنتی را ترجیح می‌دهند چراکه به‌کارگیری این روش‌ها مطالعه و انرژی و حوصله و دقت و کار زیاد نمی‌طلبند! در این روش‌ها کافی است مطلبی را عین کتاب به شاگردان بگویند و از آن‌ها بخواهند که به تمرین مربوطه پردازند و آن‌ها را حفظ کنند و برای امتحان آماده شوند.

تنها هدف اکثر این مدرسان این است که به هدف (کوتاه‌مدت) خود که همان پاس کردن شاگردان است برسند - هرچند به هر قیمتی حتی به قیمت گوسفندوار بار آوردن نسل فردا! آن‌ها این هدف را دنبال می‌کنند تا رضایت‌مندی مدیران و روسای خود را کسب نمایند تا بدین سیاق به زندگی خود با آرامش و آسایش و امنیت ادامه دهند! اما هنوز یک احتمال دیگر برای به‌کارگیری روش‌های ارتشی توسط برخی مدرسان وجود دارد: به نظر می‌رسد که مدرسانی که در دوره تحصیلات خود توسط معلمان و اساتید خود و حتی در جامعه مورد بی‌توجهی و بی‌مهری و حتی مسخره شدن واقع شده‌اند از نظر روان‌شناسی تمایل دارند که به‌نوبه خود کاستی‌ها و ناکامی‌های خود را در کلاس‌های خود به‌واسطه کنترل شدیدی که بر شاگردانشان و بر نگرش و رفتار آن‌ها دارند جبران نمایند و روح ستم‌دیده خود را آرام کنند! آن‌ها روش بانکی را دوست دارند چراکه در کلاس‌هایی که با این روش تدریس به آموزش می‌پردازند - در تضاد با تجربیات تلخ خود - همان‌طور که پائولو فره هم تأکید می‌کند:

۱. آن‌ها درس می‌دهند و شاگردان (شهروندان) درس داده می‌شوند.
۲. آن‌ها همه‌چیز را می‌دانند و شهروندان هیچ‌چیز را نمی‌دانند.
۳. آن‌ها فکر می‌کنند و شهروندان افکار آن‌ها را تعلیم می‌بینند.
۴. آن‌ها سخنرانی می‌کنند و شهروندان با تواضع گوش می‌دهند.
۵. آن‌ها نظم می‌دهند و قانون می‌گذارند و شهروندان منظم و قانون‌پذیر می‌شوند.

۶. آن‌ها انتخاب می‌کنند و منتخب خود را به شهروندان تحمیل می‌کنند و شهروندان بدون چون و چرا می‌پذیرند.
 ۷. آن‌ها عمل می‌کنند و دستور می‌دهند و شهروندان توهم یادگیری و زندگی کردن را دارند.
 ۸. آن‌ها محتوا و قانون و خطمشی و فرهنگ انتخاب می‌کنند و شهروندان خود را با آن‌ها وفق می‌دهند.
 ۹. آن‌ها اطلاعات و فرهنگ مبهم خود را تحت لوای قدرت خود ارائه می‌دهند و شهروندان می‌پذیرند.
 ۱۰. آن‌ها نه نمایندگان خداوند در کلاس‌های خود که خود خداوند هستند و شهروندان رعایای آن‌ها که قربانی قدرت‌طلبی آن‌ها خواهند شد.
- توجه: شماره ۱۰ را خودم اضافه کردم!

اما این گروه از معلمان و اساتید باید توجه داشته باشند که به‌طور مداوم و پیوسته غالب کردن افکار و ایده‌ها و دستوراتشان از طریق سخنرانی‌های یک‌طرفه در روش تدریس دیکتاتور مآبانه‌شان پتانسیل‌ها، علاقه‌مندی‌ها، استعدادها و خلاقیت شهروندان را در نطفه خفه کرده و در نتیجه مانع رشد و پیشرفت آن‌ها خواهد شد. علاوه بر این، این مدرسان باید توجه داشته باشند که همان‌گونه که آن‌ها دارند شیوه‌های معلمان و روسای خودشان را بازتاب می‌دهند، شاگردان آن‌ها نیز همین نگرش‌ها و منش‌ها و رفتارها را الگو قرار خواهند داد و دنبال خواهند کرد. و خطر در اینجاست که از میان این شهروندان سناتورها و وزرا و رئیس‌جمهورها و رهبران فردا سر بر خواهند آورد! و همه ما باهم - به‌عنوان بخشی از بشریت - باید تحت قدرت و نفوذ و تصمیم‌گیری‌های این رهبران کوتاه‌فکر و مستبد در جوامعی سرشار از فقر و فساد و ظلم و ستم و آپارتاید و ریا و غارت و استبداد به «وجود» داشتن خود و نه به زندگی کردن خود ادامه دهیم. بنابراین لازم و ضروری است که مدرسان در شرایط کنونی تجدیدنظری جدی در روش‌های تدریس خود داشته باشند. همانطور که اشاره شد این امر برای جلوگیری از خلق رهبران و جوامعی که مانع پیشرفت و توسعه و آزادی و صلح جهانی هم می‌باشند نیز ضروری است.

کمی بیشتر درباره مفهوم «بانکی» بودن سیستم فعلی آموزش در ایران

این‌جانب سعی کردم که چگونگی فاجعه‌آمیز بودن سیستم آموزش بانکی را برای یادگیری و حتی برای زندگی شهروندان توصیف نمایم. تمام آنچه می‌خواستم بگویم این است که درنهایت این شهروندان هستند که بازندگان اصلی استفاده نابجا از این رژیم آموزشی می‌باشند. در چنین شرایطی است که این‌جانب به یاد تعریف انتقادی پائولو فره (۱۹۷۰) از سیستم آموزشی سنتی افتادم. نظریات اجتماعی و سیاسی فره همیشه برای این‌جانب جالب‌توجه بوده است. فره سیستم آموزشی بانکی را چنین توصیف می‌کند:

بنابراین آموزش یک عمل سپرده‌گذاری است که در آن معلم سپرده‌گذار است و شاگردان امانت‌دار. به‌جای تبادل آراء و اندیشه‌ها و دانش، معلم بخشی از دانش خود را به شاگردان به امانت می‌دهد و شاگردان صبورانه دریافت می‌کنند و حفظ می‌کنند و هرگاه لازم باشد طوطی‌وار پس می‌دهند. این مفهوم بانکی بودن آموزش است که در آن دانش فقط در حدی که نیازهای اولیه شهروندان را برآورده سازد ارائه می‌شود. این درست است که در این سیستم آموزشی شاگردان فرصت جمع‌آوری چیزی را که ذخیره می‌کنند دارند، اما درنهایت حساب‌های آن‌ها پر از فقدان علاقه‌مندی، انگیزه، خلاقیت و دانش واقعی می‌شود. چراکه جدای از پرسش و تحقیق و جدای از عمل، بشر نمی‌تواند انسان باشد. دانش فقط به‌واسطه خلق کردن و دوباره خلق کردن و از طریق پرسش و تحقیق خستگی‌ناپذیر همراه با صبر و استمرار توأم با امید که بشر در دنیا، همراه با دنیا و در کنار هم دارند به دست می‌آید.

بنابراین سیستم آموزشی سنتی شبیه به یک بانک است. شهروندان می‌آیند تا دانشی را که برای زندگی کردن به آن نیاز دارند از صندوق آن به امانت بگیرند. به عبارت دیگر، در این رژیم آموزشی مردم حساب‌های خالی در نظر گرفته‌شده‌اند که می‌بایست توسط عوامل سرسپرده سیاست‌گذارانی که سیستم آموزشی سنتی را طراحی کرده‌اند پر شوند. این یعنی این‌که دانش ودیعه‌ای است که باید از رهبران که از نژاد برتری هستند به مردم عادی که از نژاد پست‌تری هستند داده شود. در این

دیدگاه مردم، و یا از نظر این جانب همان گوسفندان، چاره‌ای ندارند جز این که دانش و باورها و خطمشی‌های خود را بر مبنای دانش و باورها و خطمشی‌های رهبران خود پایه‌گذاری کنند.

تأثیر تست و امتحان و کنکور بر سیستم آموزش ایران: مشکلی دیگر

واقعیت دیگر در مورد سیستم آموزشی در ایران این است که این سیستم بر مبنای رقابت انفرادی بین شهروندان می‌باشد. و آزمون‌هایی چون کنکور این فضای سرشار از رقابت و استرس را سبب می‌شوند. تمرکز اصلی شهروندان در این رژیم امتحان زده بر این است که آنچه دیکتاتور به آن‌ها دیکته می‌کند را بنویسند تا از این جزوات برای شب‌های امتحان حداکثر بهره را ببرند. آن‌ها حداکثر سعی خود را می‌کنند تا مطالب دیکته شده به آن‌ها را حفظ کنند تا هرگاه از آن‌ها خواسته شد و یا در آزمون‌هایی که صرفاً قدرت حافظه و نیز توانایی کار کردن آن‌ها در شرایط استرس‌زا را ارزیابی می‌کنند آن‌ها را پس دهند. به عبارت دیگر، روح رقابتی در سیستم آموزشی ما در واقع آموزش را فدای امتحان کرده است که خود خسارات جبران‌ناپذیری به پروسه یادگیری و در نتیجه توانایی تفکر کردن و به‌کارگیری زبان در شرایط واقعی را وارد آورده است. واقعیت تلخ دیگر این است که نتیجه‌ای که شاگردان در چنین کنکوری به دست می‌آورند نقش یک کلید طلایی برای ورود آن‌ها به دنیای آینده را دارد. در چنین شرایطی است که شاگردان وسوسه می‌شوند که هر نوع استراتژی و یا حتی حقه‌ای مثل استفاده از داروها و مواد مخدر خاص و یا حتی رشوه دادن به معلمان و اساتید خود و یا طراحان کنکور را بکار بگیرند تا بدین‌وسیله رسیدن به دنیای رؤیا ای خود را تضمین نمایند.

خطر

خطر در اینجا است که کسانی که در این نوع امتحانات و با آن استراتژی‌ها و ترفندها نمرات بهتری کسب می‌کنند در دانشگاه‌های تاپ تر پذیرفته می‌شوند و به مدارک و در نتیجه مشاغل دلخواه خود می‌رسند و در حقیقت جای افراد شایسته‌تر در موقعیت‌های اجتماعی را می‌گیرند و بدین سیاق به جرگه کسانی می‌پیوندند که باعث‌وبانی فقر و فساد و تبعیض و فلاکت و غارت در این سرزمین هستند. در سیستم آموزشی فعلی که این‌جانب شاهد آن هستم این افراد - که غالباً افراد «کوچک»، «غیرمتخصص و بی‌کفایت»، «سبک‌مغز و تنگ‌نظر»، «ریاکار و بله‌قربان‌گو و متملق و چاپلوس» و «شیفته جاه و مقام و ریاست» هستند - با همان روش‌های ذکرشده به‌راحتی تا مدارج عالی و حتی تا سطح دکترا پیش می‌روند. این افراد به‌اصطلاح متخصص با به‌کارگیری حقه‌هایی پیشرفته‌تر همانند ارتباط نزدیک برقرار کردن با احزاب حاکم و قدرتمند به بالاترین موقعیت‌های شغلی و مدیریتی دست می‌یابند و اداره و کنترل مملکت را در دست می‌گیرند. به‌عنوان نمونه این افراد تمام سعی‌شان را می‌کنند تا نسل فردا را به‌منظور شستشوی مغزی و نهایتاً استعمار اندیشه و باورهای آن‌ها به‌منظور استثمار و استعمار آن‌ها به به‌اصطلاح محیط‌های آکادمیک خود جذب نمایند. آن‌ها نسل فردا را در چنین محیط‌هایی به انکار خود و به اطاعت کورکورانه از روسای ظالم و ستمگر خود تمرین و عادت می‌دهند تا بتوانند آن‌ها را همانند گوسفند در خدمت آرمان‌های قدرت‌طلبانه روسای تمامیت‌خواه خود قرار دهند. نکته حیرت‌آور این است که چنین افرادی که در خدمت ظلم و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد هستند مدام در مجامع بین‌المللی بر این نکته تأکید دارند که خداوند ما را بر زمین فرستاده است تا در خدمت بشریت و رهاسازی محرومین و مستضعفان باشیم!

جامعه: قربانی نهایی

بنابراین همان‌طور که گفته شد نهایتاً این جامعه است که در نتیجه به‌کارگیری چنین رژیم آموزشی قربانی می‌شود چراکه این سیستم آموزشی قادر نیست مهارت‌های علمی و از همه مهم‌تر مهارت‌های اجتماعی و آگاهی‌های سیاسی شهروندان را ارتقاء دهد. این‌که بیشتر مسئولین در حرفه خود حرفه‌ای نیستند و شایستگی پست‌هایی را که اشغال کرده‌اند ندارند در جامعه ما یک اصل رایج است! توانائی‌ها و پتانسیل و ذات و شخصیت و نیت این دسته از مسئولین وقتی بر همگان آشکار می‌شود که چند مدتی از آغاز به کارشان بگذرد. این افراد بی‌لیاقت معمولاً برای این‌که مسند قدرت خود و اربابانشان را حفظ کنند در

مرحله اول و در لایه‌های بیرونی به بعضی از استراتژی‌های خود مثل چاپلوسی و تملق و ریا و نیرنگ و بوقلمون‌صفتی روی می‌آورند. در پوشش این رفتارهای شیطانی این گروه از افراد (مسئولین) دست به هر کاری می‌زنند تا مانع رشد و پیشرفت «افرادی خاص» که از نظر و دیدگاه آن‌ها «خطر» هستند بشوند چراکه به‌خوبی دریافته‌اند که با مطرح‌شدن این افراد در سطح جامعه آن‌ها جایگاه و پایگاه خود را از دست خواهند داد. از جمله حربه‌های این افراد برای «حذف» رقبا و مخالفین خود - که در واقع افرادی هستند که می‌توانند با تخصص خود باعث‌وبانی سعادت‌مندی جوامع باشند - ترور شخصیت و مطرود و منزوی و تحقیر کردن آنان است. لازم به یادآوری نیست که این افراد برای بقای اربابانشان که برای جامعه ناشناخته باقی می‌مانند به‌طور نامحسوس به این امور می‌پردازند. بنابراین به‌محض این‌که این افراد شما را فردی متفکر و صاحب اندیشه که جسارت ایستادن در برابر ظالم و حمایت از ستم‌دیدگان را دارد و یا کسی که جسارت آشکار کردن فساد در سطوح بالای مدیریتی و آگاه ساختن جامعه و تشویق آن‌ها به مبارزه با استبداد را دارد ببینند، بر روی شما تمرکز کرده و شما را وارد لیست سیاهشان می‌کنند تا به طرق ذیل از هستی و نیستی ساقط نمایند:

۱. آن‌ها شما را هدف می‌گیرند.
۲. آن‌ها به تحقیق و تجسس در زندگی شخصی و گذشته شما می‌پردازند و نقاط ضعف شما را شناسایی کرده و در مواردی که شما احتمال لغزش را دارید سرمایه‌گذاری و توطئه می‌کنند. -- آن‌ها به شما خیانت می‌کنند.
۳. آن‌ها شما را گیر می‌اندازند و رسوا می‌کنند.
۴. آن‌ها شما را مسخره و تحقیر می‌کنند.
۵. آن‌ها شما را تبعید و مطرود و منزوی می‌کنند و نهایتاً شما و حتی عزیزان شما را در نهایت بربریت و توحش قربانی می‌کنند

تا شاید بدین سیاق قدرت، موقعیت، منافع مادی و از همه مهم‌تر مردم و یا همان مال‌میک خود - که دنیای رؤیایی قبیله خود را بر کرده آن‌ها ساخته‌اند - برای همیشه حفظ کنند.

.....

* امام رضا (ع):

از دسیسه‌های منافقان شما را بر حذر می‌دارم
آنان که شما را با نیرنگ‌های متفاوت به گمراهی کشند
آنان که فزاینده بلایای مردمان‌اند و نومیدکننده امید آنان
آنان که اگر ملامت کنند پرده‌داری کنند و اگر داوری کنند اصرار ورزند
آنان که حق می‌گویند و در عمل برخلاف حق عمل می‌کنند
ای مسلمانان بدانید که آنان یاران شیطان‌اند و زبانه‌های آتش سوزان ... و بدانید که شیاطین زیان‌کاران‌اند

.....

آری، تا زمانی که قدرت مطلقه و بدون حصر و حد وجود داشته باشد بی‌عدالتی و تبعیض نژادی و ظلم و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد و ترور (شخصیت) و تخریب نیز وجود دارد. تمام آنچه را که می‌خواهم بگویم این است که «آن‌ها» کنترل کردن و استثمار و استثمار ملت و یا همان مال‌الاجاره خود را دوست دارند و بنابراین در نتیجه چنین دوست‌داشتنی آن‌ها زندگی را می‌کشند. آن‌ها افراد متفکر و دگراندیش را مطرود و منزوی می‌کنند و حتی (به‌طور نامحسوس) می‌کشند تا جامعه را کور و برده نگه‌دارند. لازم به توضیح نیست که این خود نوعی نسل‌کشی کسانی هست که می‌توانند در خدمت صلح و ثبات و تعالی جامعه و اسلام راستین که در تضاد با منافع غارت‌گران است باشند.

در چنین شرایطی است که علاوه بر فاجعه علمی، روش آموزش سنتی کنونی به افزایش برخی فاجعه‌های اجتماعی نیز انجامیده است. به‌عنوان نمونه - در ایران - آن‌گونه که اقلیما (۲۰۱۰) تأیید می‌کند، حداقل ۲۵٪ دانش‌آموزان و دانشجویان قبل از این‌که مدارک خود را بگیرند ترک تحصیل می‌کنند. افزایش جرم‌ها و بزه‌کاری‌های پیچیده، سرقت‌ها و حیف‌ومیل و چپاول‌های میلیاردی، طلاق، خودکشی و از همه مهم‌تر ظهور ایدئولوژی‌ها و ادیان جدید و نیز فرار مغزها، قسمتی از تأثیرات مخرب این رژیم آموزشی ناکارآمد است - که از نظر این‌جانب به‌عمد به این‌گونه طراحی شده است - که نهایتاً به جوامع چلاق،

دیکتاتور شیب و نهایتاً هرج و مرج می‌انجامد. آری، همان‌طور که پائولو فره (۱۹۹۸) باور دارد «هرچند تمامیت‌خواهی و استبداد منجر به بی‌رختی، انکار خود، مطیع محض بودن، چاپلوسی و ریاکار شدن و عدم مقاومت در برابر حکومت‌های خودکامه و ترس از آزادی می‌شود» اما واقعیت این است که تمامیت‌خواهی و استبداد مطلقه نهایتاً باعث می‌شود که مردم در نقش اپوزیسیون ظاهر شوند که در آن صورت هرگونه محدودیت، خودکامگی و تمامیت‌خواهی را بر نخواهند تافت. این امر همان‌طور که گفته شد به هرج و مرج سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد. بنابراین نمی‌توان رابطه‌ای بین کسانی که روش تدریس ارتشی را تشویق می‌کنند و بکار می‌گیرند و جوامع سرزنده و پویا و سالم و خلاق و متمدن متصور شد.

دنیای تحت تأثیر واقع‌شده: پیامدهای به‌کارگیری روش تدریس بانکی در سطح بین‌المللی

همان‌طور که قبلاً هم اشاره داشته‌ام بکارگیری این نوع سیستم آموزشی منحصر به ایران نیست بلکه در برخی دیگر از نقاط جهان نیز به خدمت گرفته شده است. برای تأیید این گفته خود به توضیح لوئیس، اسلویکو و اسلویک (۲۰۱۰) درباره سیستم آموزشی در برخی نقاط آمریکا و اروپا استناد می‌کنم: «سیستم آموزشی آمریکا همانند سیستم آموزشی اروپا که از آن به عاریت گرفته شده است بر مبنای ترسیم اهداف انفرادی و رقابت بین افراد بنا شده است. در هر دو نوع سیستم آموزشی، معلمان سعی می‌کنند شاگردان را جدا از یکدیگر نگاه‌دارند. اخیراً سیستم امتحانات این سیستم آموزشی بر مبنای استانداردهای موردپذیرش سفیدپوستان طراحی شده است و سؤالات بر مبنای تجربیات و آگاهی‌های سفیدپوستان طراحی می‌شود.» بنابراین سیستم آموزشی در برخی نقاط در برخی از کشورهای غربی نیز شبیه به سیستم آموزشی ایران است! در صورت این سیاستمداران تمامیت‌خواه هستند که در جهت استثمار و استثمار ملل خود این‌گونه سیستم‌های آموزشی را طراحی کرده و به خدمت می‌گیرند تا از شهروندان خود گوسفندانی رام و مطیع و مقلد بسازند.

در نتیجه عدم پایبندی به نورم‌ها و اصول و قواعد و ارزش‌های انسانی که مسبب آن سیستم آموزشی بانکی است خسارت‌های جبران‌ناپذیری در سطح بین‌المللی نیز به بشریت وارد شده است. گستره دامنه همان مشکلات و مسائل که در سطح کلاس‌ها در برخی کشورهای دنیا دیده می‌شود در سطح مناسبات بین‌المللی نیز وجود دارد. برای نمونه نوع مدیریت از بالا به پایین دنیا توسط برخی سیاستمداران در برخی کشورها - که توسط سیستم آموزشی بانکی تربیت شده‌اند - به برخورد فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و حتی مذاهب - به نام دموکراسی - انجامیده است. اما باید به قدرت‌های جهانی یادآور شد که دموکراسی یک ایدئولوژی هست که بیش از همه انتظار دارد که آزادی خواهان به مهارت‌های موردنیاز در ارتباطات انسانی مسلط باشند چراکه بدون به‌کارگیری آن‌ها دموکراسی چلاق خواهد بود. عدم توانایی برخی سیاستمداران غربی برای گوش دادن به شرق و نگاه عجیب و تحقیرآمیز آن‌ها به سایرین به بدبختی‌های بشریت در عصر حاضر دامن خواهد زد.

چه باید کرد؟

قبل از ادامه بحث، یادآور می‌شوم که اندیشمندان زیادی همچون دولیمور (۱۹۸۹) بر این باور هستند که «این آگاهی بشر نیست که موجودیت او را تعیین می‌کند و شکل می‌دهد، بلکه برعکس این موجودیت اجتماعی اوست که هوشیاری و بیداری او را سبب می‌شود.» بنابراین بر طبق این اصل و قاعده کلی مارکسیست‌ها که مورد تأیید اسلام هم هست، افراد محصول جامعه خود هستند. و نکته قابل‌تأمل این است که جامعه محصول سیستم آموزشی آن هست! و «آن‌ها» این رژیم را طراحی کرده‌اند. بنابراین مدرسان و یا همان ایجننت‌های بیدارسازی و آگاه کردن انتقادی مردم نباید بی‌تفاوت و پسپو باقی بمانند. آن‌ها باید این نکته را به حاکمان یادآوری کنند که این خرده دزدها و مجرمان نیستند که باید محاکمه شوند و دست‌ان نشان قطع شود و سنگ سار و یا اعدام شوند بلکه این سران فساد و ظلم و ستم و تبعیض و ریا و غارت و استبداد هستند که باید چنین شوند چراکه آن‌ها مسبب اصلی تمام جرم‌ها و فسادها و بدبختی‌ها در جوامع هستند.

نتیجه این که سیستم فعلی آموزشی ما نه تنها قادر نیست که به واقعیات دنیای واقعی بپردازد بلکه عامل اصلی ایجاد فاصله بین آنچه دنیای امروز می‌باید می‌بود و آنچه در عمل هست می‌باشد. واقعیت وحشتناک این است که این حقه (سیستم آموزشی بانکی) نه یک سیستم آموزشی است و نه یک جایگزین برای سایر روش‌های آموزشی بلکه این رژیم در عمل یک استراتژی و حتی ابزار روانشناسی برای هیپنوتیزم کردن شهروندان به این منظور که همانند گوسفند بی‌خیال و

بی تفاوت در جامعه زندگی کنند می باشد. همین که جامعه‌ای اجازه دهد که یک اقلیت تمامیت خواه با نیرنگ و تزویر و ایجاد جو خفقان و ارباب بر آن‌ها حکومت کنند و منافع مالی و منابع انسانی آن‌ها را به یغما ببرند دال بر گوسفند بودن آن‌ها هست. به عبارت دیگر، روش تدریس بانکی یک ابزار برای نهادینه کردن فرهنگ مورد نیاز برای تقویت و استمرار حکومت‌های خودکامه و امپریالیستی می باشد تا به واسطه آن تفکر، نگرش‌ها، باورها و رفتار شهروندان در جهت استعمار آن‌ها کنترل شوند. بنابراین سیستم آموزشی بانکی به درد زندگی هدفمند و سعادت‌مندانه کردن شهروندان امروزی نمی خورد. و این نیاز مبرم به یک «تغییر اساسی و بنیادین» در سیستم آموزشی فعلی را می طلبد که هرگز نتوانسته است به یادگیری واقعی و نهادینه کردن مهارت‌ها و ارزش‌های انسانی - چه رسد به ارزش‌های اسلامی - بینجامد.

آیا روش تدریس «ارتقاء مهارت محاوره‌ای» (CLT) در آموزش زبان به اندازه کافی مؤثر هست که جایگزین روش تدریس سنتی شود؟

در چنین شرایطی است که توجه غالب متخصصان آموزش زبان به روش تدریس ارتقاء مهارت محاوره‌ای شاگردان جلب شده است. اما واقعیت این است که این روش تدریس که صرفاً بر ارتقای مهارت محاوره‌ای شاگردان تأکید دارد تا به حال موفق نبوده است چراکه پرداختن به واقعیات دنیای پیچیده کنونی مورد غفلت طراحان این روش تدریس واقع شده است. در سطح کلاس یکی از مشکلات این روش تدریس این است که در امر تدریس از فرمول «ارائه درس و تکرار و تمرین شاگردان» (PPP) تبعیت می کند. این روش تدریس همین‌طور این قابلیت را ندارد که کار گروهی را که در فراگیری زبان و در موفقیت اجتماعی نسل فردا بسیار حائز اهمیت است به خدمت بگیرد و نهادینه کند. این روش تدریس قادر نیست به منابع متعدد تدریس و نیز انگیزه فراگیران و کیفیت درگیر شدن آن‌ها در فرایند یادگیری توجه داشته باشد. این روش تدریس قادر نیست تفاوت‌های استراتژی‌ها و سبک‌های یادگیری فراگیران را در نظر بگیرد. همین‌طور به نظر می رسد که مکانیسم‌های این روش تدریس بیشتر به نفع شاگردان قوی تر و برون گرا می باشند تا به نفع شاگردان متوسط و درون گرا که اکثریت را نیز تشکیل می دهند.

مشکل دیگر این روش تدریس این است که جنبه‌های عاطفی یادگیری مثل روحیه و عواطف شاگردان و نوع محیط یادگیری و نیز باورهای اجتماعی و فرهنگی شاگردان را در نظر نمی گیرد. دلیل این نقایص هم به این مطلب برمی گردد که از نظر طراحان این روش تدریس این «نوع» روش تدریس است که مهم است و نه این موارد جزئی! علاوه بر این به نظر می رسد که این روش تدریس بیشتر برای زبان‌آموزانی مفید است که در کشورهای زندگی می کنند که در آن‌ها زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در نظر گرفته می شود و نه به عنوان زبان خارجه آن‌طور که در ایران است. واقعیت تلخ دیگر این است که این روش تدریس قابلیت بهبود مهارت‌های محاوره‌ای شاگردان را در تمام سطوح محاوره‌ای از قبیل سطح گرامری و زبانی و اجتماعی و فرهنگی که در واقع برای ارتقای هم‌زمان چنین سطوحی طراحی شده است را ندارد. این که این روش تدریس بر پایه یک نظریه خاص در یادگیری زبان و نیز بر مبنای یک سیلابس خاص طراحی شده است از دیگر مشکلات آن می باشد.

ضمناً تئوری زبان این روش تدریس محدودتر و ناقص تر از آن است که مبنای طراحی منابع آموزشی و سیلابس آموزشی در دنیای پیچیده کنونی باشد. آنچه شرایط را برای این روش تدریس به اصطلاح مدرن که تقریباً مورد تأکید تمامی متخصصان آموزش زبان در دنیا و به ویژه در ایران است بدتر می کند این است که این روش تدریس در تئوری یادگیری خود به طور شفاف به ماهیت پروسه یادگیری و به مکانیسم‌های مؤثر در فرایند یادگیری نمی پردازد. از طرف دیگر این روش تدریس واقعیت‌های اقتصادی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه سیاسی را در ایران در نظر نمی گیرد. همان‌طور که هارمر (۲۰۰۳) اشاره دارد این روش تدریس غافل از این واقعیت نیز هست که عمل تدریس باید به جنبه‌های معنوی انتقال و فراگیری دانش هم پردازد. و نهایتاً این که مهم‌ترین مشکل این روش تدریس به اصطلاح مدرن این است که غافل از این واقعیت است که زندگی موفق در دنیای پیچیده کنونی و قادر بودن به مواجه شدن با مشکلات امروزی چیزی ورای صرفاً مکالمه افکار و عقاید و ایده‌ها را می طلبد.

علاوه بر تمام این نقایص، این جانب بر این باور هستم که این روش تدریس (CLT) همچون سایر روش‌های تدریس در عمل بر مبنای ایدئولوژی رفتارگرا طراحی شده است. این واقعیت که این روش تدریس در نهایت ممکن است قادر باشد که صرفاً توانایی محاوره‌ای شاگردان را افزایش دهد کافی است که این ایده مطرح شود که این روش تدریس و طراحان آن - در

عمل - نسل فردا را چیزی بیشتر از حیوانات نمی‌پندارند. این که نسل فردا را - در آموزش - قادر کنیم که صحبت کنند هدف تحقیرکننده‌ای برای انسان‌ها می‌باشد چراکه برخی حیوانات هم قادر هستند در صورت آموزش حتی با ما هم ارتباط مؤثرتر برقرار نمایند.

در چنین شرایطی است که متخصصان آموزش زبان دارند به روش‌های تدریسی که بر کارگروهی، یادگیرنده، پروسه یادگیری و محیط یادگیری و برخی مؤلفه‌های مؤثر دیگر بر یادگیری همانند نگرش شاگردان و انتظارات فرهنگی اجتماعی آن‌ها توجه دارند روی می‌آورند. در میان چنین روش‌هایی، روش‌های یادگیری گروهی می‌باشند. باور رایج در بین متخصصان امر تعلیم و تربیت به‌طور کلی و متخصصان آموزش زبان به‌طور اخص این است که این‌گونه از روش‌های تدریس پتانسیل جبران کردن نقایص روش‌های تدریس کنونی را دارند. اما قبل از ادامه بحث باید یادآوری شود که روش تدریس‌هایی که بر مبنای کار گروهی می‌باشند نام‌های متفاوتی دارند که از جمله آن‌ها گروه‌های یادگیری، کار تیمی، یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی، یادگیری گروهی، یادگیری تعاملی و حتی گاهی اوقات یادگیری بر مبنای حل مسئله می‌باشند. عنوان هر چه که باشد ظاهراً ویژگی تمام این روش‌ها به وجود آوردن یک محیط مشارکتی شاد و پویا که در آن همه برنده هستند می‌باشد. این روش‌ها که غالباً در دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی طراحی و ارائه گردیده‌اند در غالب نقاط کشورهای پیشرفته همانند آمریکا، انگلستان، استرالیا، کانادا، هلند، مکزیک و اسکاتلند به خدمت گرفته شده‌اند.

در اینجا باید یادآوری شود که این‌جانب در این کتاب تمام این روش‌های تدریس را تجزیه و تحلیل کرده و بر مبنای استدلال رد کرده‌ام. این‌جانب بر این باور هستم که روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تمرکز دارند قابلیت و پتانسیل آماده کردن نسل فردا را برای زندگی در دنیای پیچیده امروز ندارند چراکه نمی‌توانند واقعیات دنیای امروز را انعکاس دهند. در چنین شرایطی است که این‌جانب روش تدریس - منحصربه‌فرد خود را که بر مبنای تئوری آموزشی - سیاسی خود طراحی کرده‌ام به متخصصان امر تعلیم و تربیت به‌طور کل و در حوزه آموزش زبان به‌طور اخص ارائه داده‌ام. این روش تدریس جایگزین بسیار مناسبی برای روش تدریس **CLT** نیز می‌باشد.

نتیجه

واقعیت این است که گرایش‌های برتری جویانه امپریالیسم و کاپیتالیسم در سناریوی کنونی جهان در حال گلوبالیزه شدن سیستم‌های آموزشی را در جهت رسیدن به منافع خویش تحت سیطره خود در آورده و به خدمت گرفته‌اند. به‌طور سنتی این سیستم‌های آموزشی سبب کار و رقابت انفرادی که باعث پدید آمدن برنده و بازنده و به طبع آن ایجاد خصومت بین افراد هست شده‌اند. این روش‌های تدریس به خدمت گرفته شده‌اند چراکه عملاً و درنهایت قدرت تفکر و نگرش خلاقانه و انتقادی را از نسل فردا و شهروندان سلب می‌نمایند و باعث خلق و ماندگاری دنیایی می‌شوند که در آن فقرا روزبه‌روز فقیرتر و ثروتمندان و قدرتمندان روزبه‌روز قدرتمندتر و ثروتمندتر می‌شوند. علیرغم تمایل و تئوریت‌ها برای به‌کارگیری روش‌های تدریس سنتی، وجود دارند قسمت‌هایی از دنیا که در حال و یا در پی به‌کارگیری روش‌های آموزشی کارا و مفید هستند. دولتمردان، متصدیان امر تعلیم و تربیت و شهروندان و شاگردان باید به این نکته توجه بیشتری داشته باشند که مزایای یادگیری و رسیدن به اهداف در محیط‌های تعاملی و گروهی همانند آنچه توسط روش تدریس این‌جانب بر آن تمرکز شده است برای شرایط حاضر در دنیای کنونی بسیار چشمگیر و قابل توجه هستند. روش تدریس این‌جانب یک روش تدریس مؤثر و کارا می‌باشد که راه‌حلی مناسب برای آماده کردن نسل فردا جهت زندگی کردن در دنیای پیچیده کنونی است. این‌جانب سعی دارم از طریق این روش تدریس که از فصل ششم به بعد معرفی شده است به نهادینه کردن اصول دموکراسی (اسلامی) در نسل فردا - جهت ساختن فردایی بهتر و عاری از ظلم و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد - بپردازم. کسانی که با این روش تدریس (در مدارس/ مؤسسات و دانشگاه‌ها) آموزش می‌بینند علاوه بر این که به «کاربرد دانش (زبان) در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های تفکر، نگرش و منش و شخصیت خود را ارتقاء داده و متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول‌یاب، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و آگاه به مسائل اجتماعی و به ویژه آگاه به مسائل سیاسی بار می‌آیند و قادر خواهند بود از گوسفندان متمایز شده و نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند.

روش تدریس این‌جانب بر مبنای آخرین یافته‌های علمی در زبانشناسی کاربردی، آموزش زبان، روانشناسی ذهنی و اجتماعی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی طراحی و ارائه شده است. در نهایت آنچه این‌جانب می‌خواستم مطرح کنم این نکته بود که اگر می‌خواهیم دنیایی رو به رشد و متمدن داشته باشیم و اگر می‌خواهیم نسل فردا را برای مواجه شدن با مشکلات دنیای امروز و فردا که به‌شدت پیچیده، رقابتی و سرشار از تشنوت آراء و فرهنگ‌هاست آماده کنیم، باید سیستم آموزشی خود را از بنیان تغییر دهیم - تغییر در هدف‌گذاری، تغییر در مدیریت منابع انسانی، تغییر در منابع آموزشی و نهایتاً تغییر در روش‌های تدریس. اما لازمه این نوع تغییرات، تغییر در نگرش‌های تمام مسئولان و متصدیان را می‌طلبد که جز با تغییر خود آن‌ها میسر نیست!

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. نظر شما درباره دلایل این‌جانب برای رد روش‌های تدریس نوین توسط برخی مدرسان و فراگیران چیست؟
۲. آیا پیشنهاد خاصی به طراحان سؤالات امتحانات نهایی از قبیل کنکور دارید؟ بیان نمایید.
۳. آیا با دلایل این‌جانب مبنی بر ناکارآمدی روش تدریس سی ال تی موافقید؟ دلیل دیگری هم دارید؟
۴. آیا به نظر شما روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند برای آموزش زبان مفیدتر هستند؟ چرا؟
۵. به نظر شما امکان برطرف کردن نقایص روش‌های تدریس سنتی وجود دارد؟ چند نمونه ذکر کنید.
۶. بر طبق این فصل چه ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب آن را از روش تدریس سی ال تی متمایز می‌کند؟
۷. چند دلیل دیگر برای ناکامی آموزش زبان در ایران نام ببرید.
۸. به نظر شما راهبرد این‌جانب برای مواجهه با «تهاجم فرهنگی» چیست؟
۹. روش تدریس بانکی چگونه به آپارتاید و دیکتاتورشیپ می‌انجامد؟
۱۰. آیا شما هم ارتباطی بین آپارتاید، دیکتاتورشیپ و کاپیتالیسم و امپریالیسم می‌بینید؟ نظر خود را بیان نمایید.
۱۱. چرا به تغییرات بنیادین در سیستم آموزشی فعلی نیاز داریم؟

=====

فصل چهارم

یادگیری گروهی

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۵۲
مقدمه.....	۵۳
انواع هدف گذاری یادگیری بین فردی.....	۵۳
یادگیری انفرادی	۵۳
یادگیری رقابتی انفرادی.....	۵۴
یادگیری به صورت گروهی.....	۵۴
تعریف یادگیری گروهی.....	۵۴
یادگیری گروهی و کلاس های زبان.....	۵۵
نتیجه.....	۵۷
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۵۷

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. چگونه معلمان می توانند روابط بین فراگیران را مهندسی کنند؟
۲. با چه روش هایی می توانید کار گروهی را در بین فراگیران تشویق نمایید؟
۳. مزایای احتمالی کار گروهی برای کلاس های بزرگ و پرجمعیت چیست؟
۴. چگونه کار گروهی می تواند به کسب مهارت های اجتماعی کمک کند؟

.....

مقدمه

تعاملات و روابط اجتماعی مهم‌ترین عنصر سازنده هر جامعه‌ای از جمله جوامع یادگیری می‌باشند. بنا بر اظهارات جانسون و جانسون (۱۹۸۹)، تعامل اجتماعی وقتی وجود دارد که منافع هر فرد تحت تأثیر رفتار بقیه واقع شود. برای این که اهمیت روابط اجتماعی را برجسته کند، ون لیر (۱۹۹۶)، به‌عنوان یکی از طرفداران مکتب ساختن گراها می‌گوید، «نه هوش، نه مهارت، نه دانش، و نه فهم و ادراک نمی‌توانند به‌صورت انفرادی و در انزوا کسب شوند و توسعه یابند؛ بلکه آن‌ها در پروسه تعامل افراد با پیرامون خود کسب شده و توسعه می‌یابند» (صفحه ۸). نکته حائز اهمیت در اینجاست که اگر تعاملات بین افراد به‌طور مناسب مهندسی نشوند این پتانسیل را دارند که مانع - و نه بانی پیشرفت - موفقیت‌های علمی و اجتماعی افراد شوند چراکه در چنین مواردی هوش، مهارت‌ها و نگرش‌ها و نهایتاً یادگیری فراگیران به‌طور معکوس و منفی مورد تأثیر قرار می‌گیرد.

بنابراین نوع اهداف تعاملی که مدرسان طراحی می‌کنند و در کلاس‌هایشان به خدمت می‌گیرند متن و محیط یادگیری و نیز نوع تعامل بین شاگردان را تحت تأثیر خود قرار داده که این خود به‌نوبه خود رشد و پیشرفت فراگیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی است که محققانی از قبیل هامفریس و جانسون و جانسون این نکته را یادآوری کرده‌اند که نوع تعامل بین فراگیران ممکن است به‌واسطه تأثیری که بر یادگیری آن‌ها دارد حتی از خود روش تدریس هم مهم‌تر باشد. این فصل به معرفی انواع هدف‌گذاری یادگیری بین فردی می‌پردازد تا به این وسیله فضا را برای معرفی یادگیری گروهی (زبان) آماده کند. همچنین این فصل به تفاوت‌های عمده بین یادگیری زبان به‌صورت گروهی و نیز یادگیری آن به‌صورت انفرادی آن‌گونه که در روش‌های رایج هست می‌پردازد.

انواع هدف‌گذاری یادگیری بین فردی

همان‌طور که جکوبس (۱۹۸۸) باور دارد تعاملات بین افراد یک گروه می‌تواند طوری طراحی شود که روابط بین افراد خنثی، منفی و یا مثبت باشد. برای نمونه در یک مسابقه شنا وقتی که شناگران هر یک سعی می‌کنند که سرعت خود را بدون توجه به دیگران افزایش دهند یک تعامل بین فردی خنثی وجود دارد. از طرف دیگر در یک مسابقه تنیس رابطه بین فردی منفی هدف‌گذاری شده است چراکه این مسابقه طوری طراحی شده است که یک فرد تنها در صورتی برنده به حساب می‌آید که طرف مقابلش بازنده شود. و طبیعت یک بازی بسکتبال رابطه بین فردی مثبت را مورد هدف خود دارد؛ بازیکنان لازم است که به موفقیت گروه خود کمک کنند چراکه موفقیت گروه موفقیت آن‌ها می‌باشد.

به همین ترتیب مدرسان می‌توانند در مورد نوع تعاملی که دوست دارند بین شاگردان خود در کلاس‌هایشان داشته باشند تصمیم بگیرند. با تأکید بر هدف‌گذاری بین فردی خنثی آن‌ها می‌توانند یادگیری به‌صورت انفرادی را تشویق و نهادینه کنند. اگر آن‌ها بر هدف‌گذاری یادگیری بین فردی منفی تأکید کنند در واقع باعث به وجود آمدن یادگیری رقابتی (به‌صورت انفرادی) می‌شوند. و اگر بر هدف‌گذاری بین فردی مثبت اصرار ورزند در واقع یادگیری گروهی را به خدمت می‌گیرند. در بخش‌ها و فصل‌های بعد روش‌های ایجاد انواع این تعاملات در بین فراگیران در کلاس‌های درس توضیح داده می‌شوند. بنا بر این واقعیت که نوع هدف‌گذاری که مدرسان در کلاس‌هایشان به آن می‌پردازند به‌طور مستقیم تعامل بین شاگردان و در نتیجه یادگیری و نهایتاً رشد شخصیتی آن‌ها را مورد تأثیر خود قرار می‌دهد این جانب ابتدا و قبل از معرفی یادگیری گروهی به معرفی انواع تعاملات بین فردی در کلاس‌ها می‌پردازم.

یادگیری انفرادی

همان‌طور که گفته شد یادگیری انفرادی هنگامی است که مدرسان بر هدف‌گذاری یادگیری بین فردی خنثی در کلاس‌های خود تمرکز می‌کنند و از فراگیران می‌خواهند که بر تکالیف انفرادی تمرکز داشته باشند و به این ترتیب به‌نوعی عدم تعاملات گروهی را تشویق می‌کنند. یادگیری انفرادی بر اهمیت کار انفرادی تأکید دارد تا شاید به این وسیله موفقیت شاگردان تضمین شود. در کلاس‌ها به شاگردان تکالیفی داده می‌شود که در درازمدت آن‌ها را قادر می‌سازد که حداقل نمره قبولی را در امتحانات کسب کنند و ترم را پاس نمایند. ضمن این که در این حالت شاگردان باهم مقایسه نمی‌شوند که رقابتی پیش آید و

همه تلاششان بر این است که نمره قبولی گرفته و ترم را پاس نمایند. به عبارت دیگر، مکانیسم این کلاس‌ها طوری است که شاگردان میلی به مشارکت و کار گروهی و یا رقابت ندارند و ترجیح می‌دهند به صورت انفرادی کار کنند. برای مثال در یک کلاس درک مطلب (در یک کلاس زبان) این نوع کار انفرادی هنگامی است که شاگردان سعی می‌کنند خودشان متن ارائه شده را مطالعه کنند و به سؤالات آن پاسخ دهند - بدون توجه به در نظر گرفتن دیگران. برای این که توجه ما را به اهمیت این نوع کلاس داری معطوف کند، جکسون (۱۹۶۸) که یکی از طرفداران آن است، می‌گوید:

شاگردان باید طوری رفتار کنند که انگار تنها هستند در حالی که واقعاً نیستند... اگر آن‌ها می‌خواهند در آینده موفق باشند باید بیاموزند که چگونه در یک جمع تنها باشند.

قبل از اینکه به موضوع بعد بپردازم باید یادآور شوم که لازم نیست مدرسان به این نوع کلاس داری که معایب بسیار زیادی دارد بپردازند تا به این وسیله به شاگردانشان یاد دهند که چگونه در یک جمع تنها باشند. برای رسیدن به چنین هدفی می‌توان از روش‌های تدریس مدرن‌تر همانند روش تدریس این‌جانب که از فصل شش به بعد معرفی شده است نیز استفاده کرد.

یادگیری رقابتی به صورت انفرادی

این نوع آرایش کلاسی وقتی است که مدرسان هدف‌گذاری یادگیری بین فردی منفی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. در چنین کلاس‌هایی فراگیران با یکدیگر رقابت می‌کنند تا برتری خود را به دیگران نشان دهند و یا اینکه برنده شوند و عنوان و یا جایزه‌ای را از آن خود کنند. در این کلاس‌ها فراگیران در صورتی موفق می‌شوند که بقیه بازنده شوند. در نتیجه آن‌ها درگیر فرایندی رقابتی می‌شوند که در انتهای آن برندگان و بازندگان مشخص می‌شوند. شاگردان به صورت انفرادی کار می‌کنند تا در امتحانات که نتیجه آن به معرفی افراد برتر و نیز افراد ضعیف‌تر می‌انجامد برتری خود را به سایرین نشان دهند. این‌جانب برای این که اهمیت رقابت در محیط‌های آکادمیک را برجسته نمایم بر این باور هستم که

ما در آموزش باید نسل فردا را نسبت به واقعیت‌های دنیای پیچیده کنونی که به شدت رقابتی می‌باشد آگاه سازیم و آنان را برای رقابت با رقیبان خود به منظور نیل به اهداف مهم و استراتژیک خود در چنین دنیایی آماده کنیم. و چنین هدفی به کارگیری روش‌های مدرن‌تر در آموزش که بر تمرکز بر رقابت هم تأکید دارند را می‌طلبد.

یادگیری به صورت گروهی

اگر مدرسان بر یادگیری بین فردی مثبت در کلاس‌های خود تمرکز کنند در واقع با این کار ایجاد تعامل و همکاری را بین فراگیران تشویق می‌نمایند. این نوع تعامل در کلاس‌هایی اتفاق می‌افتد که مدرسان در آن‌ها شرایطی را خلق می‌کنند که در آن‌ها موفقیت یک فراگیر به موفقیت سایرین بستگی داشته باشد. به عبارت دیگر، در چنین کلاس‌هایی یک فرد تنها در صورتی موفق می‌شود که سایرین نیز موفق شوند. بنابراین در چنین کلاس‌هایی شاگردان تشویق می‌شوند تا برای افزایش ضریب موفقیت خود با دیگران همکاری داشته باشند. روش‌های یادگیری گروهی از جمله روش‌هایی هستند که بر چنین هدف‌گذاری تأکید دارند. برای این که اهمیت چنین هدف‌گذاری را در کلاس‌ها یادآور شوند راسینکی و نسینسون - مجیا (۱۹۸۷) پیشنهاد می‌دهند که مدارس باید بر بهبود مهارت‌های تعاملی و اجتماعی شاگردان نیز تمرکز داشته باشند. آن‌ها همچنین می‌فرمایند:

مدارس و دانشگاه‌ها باید به فراگیران کمک کنند که متوجه این واقعیت شوند که آن‌ها در دنیایی زندگی می‌کنند که آن را با دیگران سهیم هستند و بنابراین باید مسئولیت‌پذیر باشند. تواضع - و نه خودرایی - به همان اندازه نشان‌دهنده اعتبار آحاد جامعه است که مدارج علمی آن‌ها.

تعریف یادگیری گروهی

به‌طور کلی یادگیری گروهی یعنی یادگیری باهم و با کمک هم در یک گروه. اما واقعیت این است که همه یادگیری‌هایی که در گروه‌ها انجام می‌شود نمی‌تواند یادگیری گروهی استاندارد باشند. کارل اسمیت (۱۹۹۶) به‌خوبی عدم درک ما را از کار و یادگیری گروهی بیان می‌دارد:

تفاوت‌های بسیاری بین صرفاً خواستن از شاگردان که گرد هم بنشینند و به‌صورت گروهی کار کنند و کارگروهی استاندارد وجود دارد. کار گروهی صرفاً این نیست که از شاگردان بخواهیم کنار هم پشت یک میز بنشینند و زمانی که تکالیف خود را به‌صورت انفرادی انجام می‌دهند با یکدیگر صحبت کنند. کارگروهی صرفاً این نیست که از یک شاگرد که کار کل گروه را انجام می‌دهد بخواهیم که یک گزارش به ما بدهد. کارگروهی این نیست که از شاگردان بخواهیم به‌صورت انفرادی کار خود را انجام دهند و سپس هرکس کار خود را زودتر تمام کرد به بقیه کمک کند. کارگروهی خیلی بیشتر از آن است که از شاگردان بخواهیم مطالب موردنظر را با یکدیگر به بحث بگذارند و راجع به آن تبادل نظر کنند - هرچند تک‌تک این موارد در کار گروهی موردنظر و مهم هستند. صفحه ۷۴.

اولسن و کی گان معتقد هستند که یادگیری گروهی یک فعالیت یادگیری جمعی می‌باشد که در آن یادگیری به تبادل اطلاعات بین فراگیران در گروه - جایی که هر فرد مسئول یادگیری خودش هست و تشویق می‌شود که به یادگیری دیگر اعضا نیز کمک کند - بستگی دارد.

یادگیری گروهی و کلاس‌های زبان

یادگیری گروهی در حوزه آموزش زبان، بنا به نظر ریچارد و راجرز (۲۰۰۱)، گامی برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی در فراگیران می‌باشد. ایشان می‌افزایند که یادگیری گروهی در حوزه آموزش زبان ادامه همان روش تدریس مختص بهبود مهارت‌های محاوره‌ای می‌باشد. به‌عنوان یک روش انسانی در حوزه آموزش زبان، یادگیری گروهی در میان روش‌های تدریسی است که دیدگاهی واقعی تر نسبت به ماهیت فراگیری زبان و نیز نسبت به فراگیران دارند چراکه این روش به تفاوت بین سطوح دانش فراگیران، سبک‌های یادگیری آن‌ها و عقبه اجتماعی فرهنگی آن‌ها در محیط‌هایی که استرس‌زا نیستند توجه خاصی دارد.

در روش کار گروهی به‌جای کار کردن به‌صورت انفرادی و یا رقابت با سایرین در کلاس، فراگیران این فرصت را دارند که گروه‌های یادگیری خود را تشکیل دهند تا فعالانه در محیطی که تعامل و پویایی و بحث و گفت‌وگو را می‌طلبد به یادگیری بپردازند. در چنین محیط‌هایی فراگیران فرصت دارند که به سایرین گوش فرا دهند و در محاورات خود از زبان انگلیسی استفاده کنند تا آرا و عقاید خود را به اشتراک بگذارند و بدون این‌که احساس خجالت کنند سؤالات خود را بپرسند تا بدین‌صورت خلأ موجود در درک و فهم خود از مطالبی را که مدرس ارائه می‌دهد جبران کنند. فراگیران در این روش فرصت‌های نابی دارند تا آنچه را که آموخته‌اند با یکدیگر تمرین کنند و به این وسیله فهم و دانش خود را از طریق فعالیت‌های گروهی افزایش دهند. در چنین محیط‌هایی فراگیران از یکدیگر به‌عنوان منابع دانش استفاده می‌کنند، دانش و مهارت‌های یادگیری خود را به اشتراک می‌گذارند و از فراگیری زبان و نیز مهارت‌های اجتماعی لذت می‌برند.

یکی دیگر از ویژگی‌های چنین محیط‌هایی این است که این محیط‌ها به فراگیران کمک می‌کنند تا راحت‌تر اطلاعات جدید را به اطلاعات قدیم خود ارتباط دهند و به عبارت دیگر، در پردازش اطلاعات به مغز خود کمک کنند. این امر خود به یادگیری ژرفا می‌بخشد و یادآوری اطلاعات را که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فراگیران به‌ویژه در کلاس‌های زبان می‌باشد تسهیل می‌کند. در محیط‌هایی که یادگیری گروهی تشویق می‌شود، علاوه بر تبادل آرا و ایده‌ها در مورد مفاهیم ارائه‌شده توسط مدرس و کمک به یادگیری یکدیگر، فراگیران فرصت دارند تا نه‌تنها یکدیگر را بلکه فعالیت گروهشان را ارزیابی کنند. باور بر این است که ارزیابی فراگیران توسط خود آن‌ها سبب می‌شود تا مکالمات معنادار توسعه یابند و نیز فراگیران از هم بازخوردهای مرتبط، فوری و قابل‌فهمی دریافت نمایند. چنین محیط‌هایی توجه فراگیران را جلب کرده و به آن‌ها کمک می‌کنند که یادگیری خود را رصد و تجزیه و تحلیل کنند و به آن ژرفا و عمق ببخشند و از آنچه یاد گرفته‌اند به‌طور مؤثر استفاده نمایند. چنین محیط‌هایی همچنین به فراگیران کمک می‌کنند که خود درباره میزان درک و فهم خود قضاوت کنند.

علاوه بر اینها این محیطها به فراگیران کمک می‌کنند تا ابعاد جدیدی از قابلیت‌ها و توانایی‌ها و نیز ضعف‌های خود را تشخیص دهند و به تدریج به استقلال برسند.

در خاتمه باید یادآوری شود که تحقیقات نشان می‌دهند که اداره کلاس‌ها با استفاده از روش کار گروهی بسیار مؤثرتر از اداره آن با روش سنتی می‌باشد که بر سخنرانی کردن معلم و گوش دادن فراگیران به جای درگیر کردن آن‌ها در پروسه یادگیری تأکید دارد. - هنگامی که فراگیران درگیر بحث‌های چهره به چهره و فعالیت‌هایی از این دست می‌شوند، یادگیری آن‌ها سه تا پنج برابر بیشتر از زمانی می‌شود که صرفاً گوش می‌دهند و می‌شنوند.

ژانگ (۲۰۱۰) تفاوت‌های عمده فراگیری زبان را وقتی که فراگیران به واسطه روش کار گروهی به آن می‌پردازند و وقتی که در کلاس‌ها ی معلم محور سنتی به آن می‌پردازند در جدول زیر معرفی می‌کند.

جدول ۲ مقایسه روش یادگیری گروهی زبان و روش سنتی آن

روش تدریس گروهی	روش تدریس سنتی	فاکتور
وابستگی مثبت وجود دارد.	وابستگی وجود ندارد و یا منفی است.	وابستگی
سازمان دهنده و کنترل‌کننده کار گروهی / تسهیل‌کننده فرایند گفت‌وگو بین فراگیران / آموزش مهارت‌های اجتماعی	مرکز کلاس / کنترل‌کننده زمان جهت تدریس / قضاوت‌کننده و تصمیم‌گیرنده نهایی و مهم‌ترین منبع دانش و کمک به فراگیران	نقش‌های معلم
شرکت‌کننده فعال در فرایند یادگیری و در فعالیت‌های کلاسی	دریافت‌کننده و یا اجراکننده غیرفعال	نقش‌های فراگیران
مواد آموزشی بنا به هدف هر درس تهیه و توزیع می‌شوند. معمولاً به هر گروه یک مجموعه تعلق می‌گیرد.	مواد آموزشی بنا به هدف هر سال و یا ترم تهیه و توزیع می‌شوند. یک مجموعه کامل از مواد آموزشی برای هر فراگیر	مواد آموزشی
بیشتر فعالیت‌های گروهی جهت درگیر کردن فراگیران در فرایند یادگیری و محاورات و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و بحث و تبادل نظر و آرا مورد نظر است	به یادآوری و مرور دانش، تمرین جملات در قالب ارائه الگو، ایفای نقش، ترجمه و گوش کردن و دوباره گفتن	نوع فعالیت‌ها
تعامل بین فراگیران و نیز معلم و فراگیران	برخی اوقات معمولاً بین معلم و یکی از فراگیران	تعامل
چیدمان کلاس کار گروهی را تسهیل می‌کند.	میز و صندلی‌های جداگانه و یا گاه‌گاهی به صورت دو نفره چیده می‌شود.	چیدمان کلاس
تمام اعضای گروه در جهت موفقیت گروه تلاش می‌کنند و گروهی که پیشرفت می‌کند برنده است.	فراگیران خود مسئول یادگیری خود هستند و برنده و بازنده می‌شوند.	انتظارات فراگیران

رابطه همکاری و برابر	رابطه دیکتاتور مآبانه	رابطه بین معلم و فراگیر
----------------------	-----------------------	-------------------------

نتیجه

ویژگی یادگیری در غالب کار گروهی در این است که این روش بر اهمیت نقش یادگیرنده، پروسه یادگیری، محیط یادگیری و فاکتورهای مؤثر دیگر در یادگیری از قبیل نگرش فراگیران و انتظارات فرهنگی اجتماعی پیرامون آن‌ها تأکید دارد. جویس و ویل (۲۰۰۳) بر این باورند که انرژی نهفته در محیط‌هایی که توسط این روش تدریس اداره می‌شوند یک حس تفاهم و دوستی و به‌ویژه این حس که قدرت آن‌ها (فراگیران) در گروه‌هایشان بیشتر از موقعی که تنها هستند می‌باشد به وجود می‌آورد. چنین حسی انرژی مثبت بیشتری در فراگیران به وجود می‌آورد و به آن‌ها این انگیزه را می‌دهد که برای رسیدن به اهداف مشترکشان بیشتر تلاش کنند که این خود باعث موفقیت روزافزون آن‌ها می‌شود. و رسیدن به اهدافشان به آن‌ها اعتمادبه‌نفس بیشتری همراه با این حس که آن‌ها محترم هستند و به آن‌ها احترام گذاشته می‌شود می‌دهد. این دو محقق همچنین بر این باور هستند که چنین محیط‌هایی به خلق ایده‌ها و افکار خلاق و نو که خود رشد افرادی باهوش‌تر را سبب می‌شوند می‌انجامند.

این جانب بر این باور هستم که چنین روش‌های تدریسی اگر همانند روش تدریس این جانب (فصل شش را ببینید) سیستماتیک، هدفمند و علمی طراحی شوند این پتانسیل را دارند که کم‌وکاستی‌های روش‌های تدریس فعلی در آموزش به‌طور کل و در آموزش زبان به‌طور اخص را جبران نمایند چراکه آن‌ها بر اهمیت نقش ارتباطات اجتماعی و کار گروهی هم در محیط‌های یادگیری تأکید دارند. بنابراین روش‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند نباید مورد غفلت متصدیان امر آموزش قرار گیرند. در هر صورت کار گروهی یک اصطلاح کلی و عام می‌باشد که به متدهای متعددی که بر کار جمعی تمرکز دارند و شاگردان را علاقه‌مند به یادگیری و درگیر در یادگیری می‌کنند دلالت دارد. فصل بعدی به معرفی این روش‌ها و یا استراتژی‌های تدریس می‌پردازد.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. به نظر شما کدام نوع یادگیری مفیدتر است: انفرادی، رقابتی انفرادی و یا گروهی؟ چرا؟
۲. مزایا و مضرات ارزیابی فراگیران توسط خودشان (دوستانشان) را در کلاس‌هایی که با روش‌های تدریس کار گروهی اداره می‌شوند بیان نمایید.
۳. چند بازی برای کلاس‌هایی که با روش‌های تدریس کار گروهی اداره می‌شوند بیان نمایید.
۴. در غالب روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند باور بر این است که «فراگیران همه باهم یا باید موفق شوند و یا شکست بخورند». نظر شما در رابطه با این اصل چیست؟

=====

فصل پنجم

انواع روش‌های یادگیری گروهی

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۵۸
مقدمه.....	۵۹
تحقیق گروهی.....	۵۹
یادگیری مشارکتی.....	۶۰
جیگ سا ۱.....	۶۱
جیگ سا ۲.....	۶۲
مخالفت سازنده.....	۶۳
تدریس دوطرفه خواندن و درک مطلب.....	۶۴
روش ترکیب خواندن و نوشتن در کار گروهی.....	۶۴
روش تقسیم بر مبنای موفقیت گروهی.....	۶۵
روش گروه‌ها، بازی‌ها و تورنومنت.....	۶۶
نتیجه.....	۶۷
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۶۸

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. نظر شما درباره روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند چیست؟
۲. در کلاس‌های زبان معمولاً مهارت‌های خواندن و نوشتن جداگانه تدریس می‌شوند. نظر شما در این باره چیست؟
۳. برخی وظایف معلمان در کلاس‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند را بیان کنید.

۴. نظر شما درباره ترغیب گروه‌ها به رقابت در کلاس‌هایی که بر کار گروهی تأکید دارند چیست؟

مقدمه

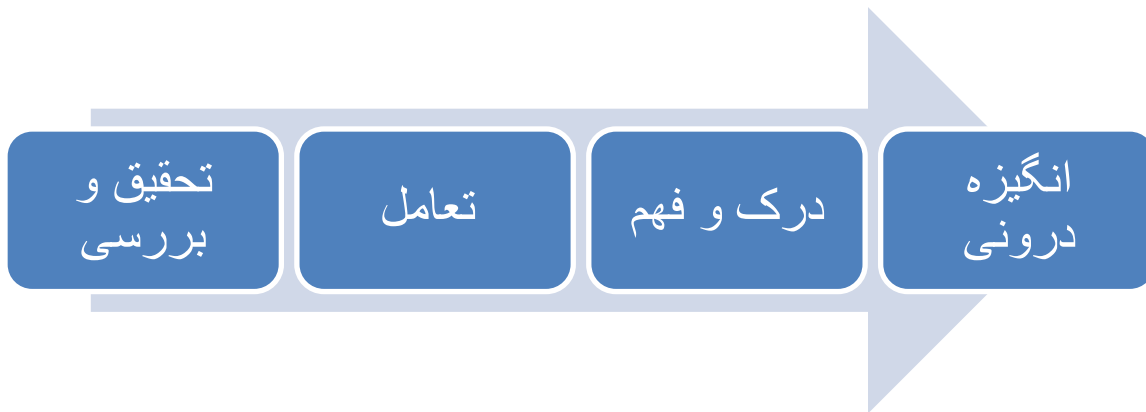
همان‌طور که گفته شد یادگیری گروهی یک اسم کلی و عام می‌باشد که به مجموعه‌ای از روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند و غالباً در کشورهای غربی و آمریکا طراحی و ارائه گردیده‌اند اطلاق می‌شود. اخیراً این روش‌های تدریس هم‌زمان با ظهور ایده‌ها و نظریه‌های ساختن گراها در آغاز هزاره سوم در حال فراگیر شدن هستند. این روش‌ها به نام‌های متفاوتی شناخته می‌شوند که از جمله آن‌ها مدل‌های یادگیری گروهی، استراتژی‌های یادگیری گروهی و روش‌های یادگیری گروهی می‌باشند. نام آن‌ها هرچه که باشد آن‌ها سعی دارند که دانش فراگیران و نیز مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی و انسانی آن‌ها را در محیط‌هایی شاد و پویا ارتقاء دهند. بنا بر نظر اسلوین (۱۹۸۳) یکی از بارزترین ویژگی‌های این روش‌های تدریس این است که سعی دارند قوای تفکر و ذهنی و به خاطر سپاری فراگیران را با آموزش آن‌ها در محیط‌های اجتماعی توسعه دهند.

در اینجا لازم به یادآوری است که نمی‌توان از نظر تکنیکی به این روش‌ها عنوان متد و یا روش تدریس اطلاق کرد اما این جانب از این پس آن‌ها را با عنوان روش تدریس معرفی می‌کنم هرچند آن‌ها بیشتر استراتژی و یا تکنیک آموزشی هستند تا روش تدریس. این فصل بر آن است که به معرفی چند روش تدریس از این روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند بپردازد. این روش‌ها می‌توانند در ارائه تدریس هر درسی به‌ویژه تدریس زبان‌های خارجی استفاده شوند چراکه فراگیری زبان با به‌کارگیری آن در محیط‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد و این روش‌های تدریس بر ایجاد تعاملات و روابط اجتماعی تأکید دارند. امید است که با مطالعه مکانیزم‌های این روش‌های تدریس همکاران محترم بتوانند با استفاده از خلاقیت خود به ارائه و یا ترکیب و یا توسعه چنین روش‌هایی بپردازند. این جانب در فصل بعد (فصل ششم) به تجزیه و تحلیل و نقد این روش‌های تدریس پرداخته‌ام و بر این مبنا روش تدریس منحصربه‌فرد خودم را معرفی کرده‌ام.

تحقیق گروهی (Group Investigation)

شاران و شاران (۱۹۹۲) در دانشگاه تل‌آویو روش تدریس تحقیق گروهی را طراحی کرده و ارائه دادند. این روش تدریس از معدود روش‌های تدریس کار گروهی می‌باشد که به فراگیران آزادی قابل‌توجهی می‌دهد. فراگیران در کلاس‌هایی که با این روش تدریس اداره می‌شوند این آزادی را دارند که ترکیب گروهی خود را شکل دهند، نقش‌ها و مسئولیت‌های خود را مشخص کنند، رفتارهای مناسب مورد انتظار در کلاس و در تعامل با یکدیگر را مشخص کنند و اهداف خود را ترسیم نمایند. فراگیران گروه‌های مطلوب ۲ تا ۶ نفره خود را تشکیل می‌دهند تا با یکدیگر در جهت تهیه پروژه‌های گروهی خود و در نتیجه رسیدن به اهداف مشترک همکاری کنند. بنابراین نقش معلم در این روش تدریس مداخله جویانه نیست. این روش تدریس شامل مراحل تحقیق گروهی، جمع‌آوری اطلاعات توسط فراگیران و بررسی و تجزیه تحلیل آن‌ها از طریق بحث و گفت‌وگو می‌شود. یکی دیگر از بارزترین ویژگی‌های این روش تدریس این است که برخلاف روش تدریس این جانب مخالف هر نوع رقابتی بین فراگیران هست.

در سطح کلاس، همان‌طور که در بیشتر کلاس‌هایی که بر مبنای روش‌های تدریس کار گروهی اداره می‌شوند، از مدرس انتظار می‌رود که در جلسه اول این روش تدریس و فواید و اسلوب اولیه آن و نیز اهداف کرس را به شاگردان معرفی نماید و درباره نوع ارزیابی کردن شاگردان به آن‌ها توضیح دهد. همچنین او باید به شاگردان کمک کند تا گروه‌های خود را تشکیل دهند. همانند سایر روش‌های تدریس کار گروهی، در این روش تدریس نیز ارائه مطالب جدید می‌تواند در غالب سخنرانی که همراه با به‌کارگیری فعال شاگردان در طول پروسه تدریس است باشد که برای این منظور ممکن است از اسلاید، ویدئو و یا اینترنت نیز استفاده شود. شاران و شاران چهار فاکتور مهم و مؤثر روش تدریس خود را آن‌گونه که در شکل زیر ترسیم شده است معرفی می‌کنند:



شکل ۱. چهار فاکتور مهم و مؤثر روش تدریس تحقیق گروهی

همانطور که در شکل بالا مشخص است در این کلاس‌ها اعضای گروه‌ها ابتدا گرد هم می‌آیند تا از میان موضوعاتی که در اختیار دارند و قرار است در طول سال/ترم کار شود یکی را برای تحقیق و بررسی بیشتر و انجام پروژه‌ای درباره آن انتخاب نمایند. سپس در هر گروه برنامه‌ریزی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که در موضوع موردنظر دنبال چه باشند، چگونه در پی آن باشند و چگونه کارها و مسئولیت‌ها را بین خود مشخص و تقسیم کنند تا بتوانند با موفقیت هر چه بیشتر پروژه گروه خود را انجام دهند. در طول ترم فراگیران در فعالیت‌هایی از قبیل تجزیه و تحلیل و نیز ارزیابی کردن اطلاعاتی که از چندین منبع جمع‌آوری کرده‌اند همکاری می‌کنند. آن‌ها راجع به موضوع موردنظر به تبادل بحث و ارائه اطلاعات می‌پردازند تا به این صورت یافته‌های خود را شفاف کنند و توسعه دهند. بعد از اینکه هر گروه کارش را تمام می‌کند اعضای گروه گرد هم می‌آیند و یافته‌های خود را به اشتراک می‌گذارند تا درباره راه‌حل و اطلاعات نهایی به توافق برسند و برای ارائه گزارش و یا پروژه خود آماده شوند. در جلسه نهایی هر گروه یافته‌های خود را با کل گروه‌های کلاس به اشتراک می‌گذارد. باور بر این است که موفقیت دسته‌جمعی گروهی باعث ایجاد انگیزه درونی می‌شود که این به نوبه خود در موفقیت آینده فراگیران مؤثر است.

در رابطه با ارزشیابی کردن فراگیران، در این روش تدریس روش‌های خود ارزیابی کردن، ارزیابی توسط گروه‌های دیگر و ارزیابی توسط معلم مورد تأکید است تا بازخورد مناسب و کافی به فراگیران جهت موفقیت بیشتر آن‌ها داده شود. به‌عنوان نمونه هنگامی که یک گروه به ارائه گزارش و یا پروژه خود می‌پردازد گروه‌های دیگر این فرصت را دارند که در رابطه با حرفه‌ای بودن و نیز شفافیت گزارش و یا پروژه آن‌ها به وسیله مشاهده و طرح سؤال قضاوت کنند. ارزشیابی نهایی شاگردان بر مبنای کیفیت اجرای گروهشان در طول ترم می‌باشد که هدف از این نوع ارزیابی تشویق بیشتر اعضای گروه‌ها به تعاون و همکاری بیشتر می‌باشد.

یادگیری مشارکتی (Learning Together)

جانسون و جانسون (۱۹۹۹) در دانشگاه مینه ستای امریکا روش یادگیری مشارکتی را ارائه داده‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش تدریس این است که در آن کل گروه‌های کلاس تشویق می‌شوند که علاوه بر اعضای خود به سایر گروه‌ها نیز فعالانه کمک کنند. در چنین کلاس‌هایی این اصل پذیرفته شده است که هر گروهی که با اشتیاق بیشتری به سایر گروه‌ها کمک کند اطلاعات و کمک بیشتری نیز دریافت می‌کند - چه از طرف سایر گروه‌ها و چه از طرف معلم. در این روش تدریس همچنین تأکید بر تدریس مستقیم مهارت‌های اجتماعی از قبیل اعتمادسازی، حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات و کمک کردن به یکدیگر می‌باشد. به‌طور کلی این روش تدریس نسبت به سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند تمرکز بیشتری بر آموزش مهارت‌های کار گروهی دارد. و برخلاف سایر روش‌های تدریس از نوع خودش این روش تدریس مراحل خاصی را در پروسه تدریس توصیه نمی‌کند و از معلمان انتظار می‌رود که با توجه به ضروریات و مقتضیات کلاس‌های خود عمل کنند. برادران جانسون اما تأکید دارند که پنج فاکتور زیر باید در بکارگیری این روش تدریس لحاظ شوند:

۱. تعامل مثبت: معلمان باید هر کاری که لازم است بکنند تا در شاگردان تمایل به تعاون و همکاری بیشتر نه تنها با اعضای گروه خود که با سایر گروه‌ها را به وجود آورند.

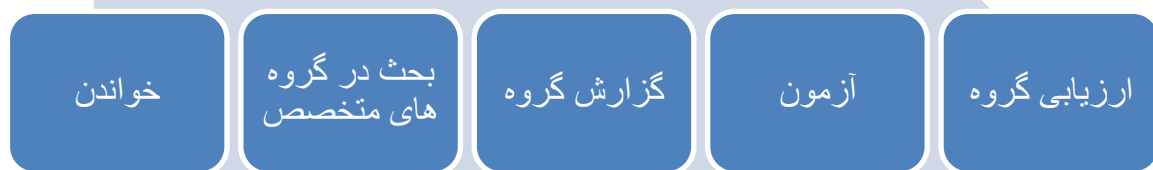
۲. حس مسئولیت فردی و گروهی: مدرسان باید تربیتی دهند و استراتژی‌هایی به کار بگیرند که فراگیران در قبال یادگیری و موفقیت خود و گروهشان مسئولیت بپذیرند.
۳. تعامل چهره به چهره: میز و صندلی کلاس باید طوری چیده شود که شاگردان بتوانند به راحتی تعامل چهره به چهره داشته باشند.
۴. مهارت‌های گروهی: معلمان باید به آموزش مهارت‌های موردنیاز برای کار گروهی موفق نیز بپردازند.
۵. ارزیابی کردن کار گروهی: معلمان باید در انتهای هر جلسه فرصتی به شاگردان دهند تا به نقاط ضعف و مثبت کار گروهی خود بپردازند و درصد بهبود نقاط ضعف برآیند.

در کلاس‌هایی که توسط این روش تدریس اداره می‌شوند، غالباً گروه‌های ناهمگن (در جنسیت، نژاد، هوش، معدل، سطح درک مطلب و یا دانش زبانی) سه تا شش نفره به منظور رسیدن به اهداف یادگیری مشترک با یکدیگر کار می‌کنند. همان‌طور که گفته شد سیستم ارزشیابی این روش تدریس طوری است که فراگیران به خوبی این مسئله را درمی‌یابند که موفقیت آن‌ها به موفقیت سایر گروه‌ها در کلاس نیز بستگی دارد. بنابراین آنان مجاب می‌شوند که نه تنها با اعضای گروه خود بلکه با سایر گروه‌ها نیز همکاری داشته باشند. آن‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند تا مطمئن شوند که همه موضوعات ارائه شده توسط معلم را فهمیده و تمارین و تکالیف مربوط را انجام داده‌اند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی در این روش تدریس تمام اعضای گروه یک نمره خاص می‌گیرند. اعضای هر گروه بنا بر میزان همکاری‌شان با یکدیگر و نیز با سایر گروه‌ها برای رسیدن به یک هدف مشترک ارزیابی می‌شوند. این نوع سیستم ارزشیابی این واقعیت را می‌رساند که در این روش تدریس تمام گروه‌ها یک سرنوشت مشترک دارند. - به عبارت دیگر، آن‌ها با یکدیگر شنا می‌کنند و یا با یکدیگر غرق می‌شوند. باید توجه داشت که این امر مهم بدون توجه به این واقعیت است که ممکن است افرادی در هر گروه باشند که باهوش‌تر و کارا تر و مسئولیت‌پذیرتر هستند می‌باشد. باور بر این است که این نوع سیستم ارزشیابی باعث همکاری نزدیک‌تر افراد کلاس می‌شود!

جیگ سا (۱) (Jigsaw I)

ارنسون و همکاران اول‌بار در سال ۱۹۷۸ در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا روش جیگ سا ۱ را ارائه دادند. نکته کلیدی در این روش این است که معلم باید در طول پروسه تدریس خلأهایی در دانش فراگیران به وجود آورد و از وسوسه‌ای که این خلأها در فراگیران برای کسب دانش و اطلاعات جدید ایجاد می‌کند استفاده کرده و به ارائه مطالب جدید بپردازد. این خلأهای اطلاعاتی شرایط ایده‌آلی را برای درگیر کردن فراگیران در فرایند یادگیری و گفتگو و تبادل آراء در بین فراگیران به وجود می‌آورد که به‌ویژه در کلاس‌های زبان بسیار مؤثر است. برای خلق این نوع خلأها معلمان باید توجه داشته باشند که اطلاعات کامل را به هیچ فراگیر یا گروهی ندهند تا به این صورت آن‌ها تشویق به تعامل و گفتگو با سایرین شوند. در چنین تعاملاتی چون شاگردان احساس نیاز به اطلاعات یکدیگر دارند به‌دقت به یکدیگر گوش می‌دهند و باهم هم‌کاری می‌کنند. همان‌طور که در شکل زیر مشخص است یک کلاس جیگ سا باید پنج مرحله را در بر بگیرد.



شکل ۲: عناصر اصلی جیگ سا ۱

در سطح کلاس، بعد از اینکه مواردی که قرار است آموخته شوند به قسمت‌های متفاوت تقسیم می‌شوند، این قسمت‌ها به اعضای گروه‌های اصلی که معمولاً تا چهار نفر می‌باشند و توسط معلم دسته بندی شده‌اند ارائه می‌شوند. سپس این قسمت‌ها بین اعضای گروه‌ها تقسیم می‌شوند. هر عضو از گروه مسئول یک قسمت از کل کار می‌شود. بعد از اینکه اعضای گروه‌هایی که روی یک قسمت مشخص از کل کار می‌کنند به آن مسلط می‌شوند، در گروه‌های تخصصی جدا از گروه‌های اصلی خود گرد هم می‌آیند تا به مطالعه و بحث پیرامون آن مطلب خاص و نیز به تبادل نظر در مورد شیوه تدریس و نحوه ارائه آن در گروه‌های اصلی خود بپردازند. به عنوان مثال اعضای شماره ۱ تمام گروه‌ها قسمت الف کل کار را جهت بررسی و مطالعه به عهده می‌گیرند و اعضای شماره ۲ تمام گروه‌ها بخش ب از کل کار را بر عهده می‌گیرند و... بعد از اعضای شماره ۱ تمام گروه‌ها در یک گروه جدید که گروه تخصصی الف نامیده می‌شود گرد هم می‌آیند و به بحث پیرامون آن مطلب خاص و نیز به تبادل نظر در مورد شیوه تدریس و نحوه ارائه آن به اعضای گروه‌های اصلی خود می‌پردازند. بعد از اینکه تمام اعضای گروه‌های تخصصی مطمئن شوند که همگی به مطالب مورد نظر تسلط پیدا کرده‌اند به گروه‌های اولیه خود برمی‌گردند و آن مطالب را به هم‌گروهی‌های خود ارائه می‌دهند. در مرحله بعد اعضای برگشته به گروه‌های اصلی خود به ارائه سایر دوستانشان در گروه خودشان گوش می‌دهند تا بدین صورت کل مطلب ارائه شده توسط معلم را فراگیرند و به این صورت است که تمام اعضای گروه در گروه اصلی تمام مطالب مورد نظر معلم را می‌آموزند و به این صورت در واقع جیگ سا و یا همان پازل کامل می‌شود. بعد از این مرحله گروه‌ها یافته‌ها و فهم خود را از مطالب مورد نظر معلم در سطح کلاس به بحث و گفتگو می‌گذارند. در پایان این مرحله تمام فراگیران یک امتحان از مطالب ارائه شده می‌دهند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی روش جیگ سا ۱، گروه‌ها به واسطه حاصل جمع نمرات اعضایشان در امتحاناتی که به صورت انفرادی داده‌اند ارزیابی می‌شوند. گروه‌هایی که بیشترین پیشرفت را نشان دهند نیز برنده اعلام می‌شوند. این نوع سیستم ارزشیابی کردن بیشتر حس مسئولیت‌پذیری اعضای گروه‌ها را افزایش می‌دهد. اما استراتژی معرفی کردن بهترین گروه و نیز فلسفه و رای خلق خلأ اطلاعاتی به ارتقای تعاملات مثبت در بین اعضای گروه‌ها می‌انجامد.

جیگ سا ۲ (Jigsaw II)

جیگ سا ۲، که فرم پیشرفته‌تر جیگ سا ۱ می‌باشد، توسط اسلوین (۱۹۸۰) در دانشگاه یورک در انگلستان طراحی شد. این جیگ سا شبیه جیگ سا ۱ هست چراکه در این جیگ سا شاگردان ترغیب می‌شوند تا از یکدیگر فراگیرند. اما تفاوت در این است که در جیگ سا ۲ از شاگردان خواسته می‌شود که «کل» مطلب ارائه شده توسط معلم را فراگیرند و نه همانند جیگ سا ۱ یک قسمت خاصی از آن را. در کلاس‌هایی که جیگ سا دو را به کار می‌گیرند، بعد از اینکه معلم کل مطلب را ارائه می‌دهد از تمام اعضای گروه‌های اصلی خواسته می‌شود تا آن را به منظور درک و فهم کلی آن مطالعه کنند. در مرحله بعد همانند جیگ سا ۱ از اعضای گروه‌ها که مسئول متخصص شدن یک قسمت خاص شده‌اند خواسته می‌شود در گروه‌های تخصصی مربوطه گرد هم آیند و به مطالعه دقیق‌تر و عمیق‌تر مطالب مربوطه بپردازند. آن‌ها همین‌طور باید به روش‌های ارائه آن مطالب به اعضای گروه‌های اصلی خود نیز بپردازند. سپس این افراد به گروه‌های اصلی خود برمی‌گردند و همانند جیگ سا ۱ سعی در تدریس و تفهیم آن‌ها به اعضای گروه خود می‌کنند. سپس آن‌ها به سایر اعضای گروه‌های خود گوش می‌دهند تا مطالب آن‌ها را نیز یاد گرفته و درک خود از مطلب مورد نظر معلم را کامل کنند و به عبارتی جیگ سا کامل شود. در نهایت این مطالب در سطح کلاس به بحث گذاشته می‌شوند. فراگیران ممکن است در مرحله پایانی کلاس یک امتحان هم داشته باشند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی فراگیران در این روش، علاوه بر در نظر گرفتن ارزیابی گروه‌ها آن گونه که در جیگ ساید اورجینال (۱) بود، این روش بر ارزیابی بهبود وضعیت دانش اعضای گروه‌ها هم تأکید دارد. به عبارت دیگر، هر عضو گروه یک «نمره پایه» که همان میانگین نمرات قبلی او هست و یک «نمره جامع» که در واقع تفاوت بین آخرین نمره او و نمره پایه او هست دارد. نمره نهایی هر گروه هم با مقایسه آخرین نمراتشان با میانگین نمرات قبلی‌شان مشخص شده و راجع به پیشرفت آن‌ها قضاوت می‌شود. اعضا و گروه‌هایی که بیشترین پیشرفت را داشته باشند به نحوی تشویق می‌شوند - مثلاً به

آن‌ها جایزه داده می‌شود. در خاتمه یادآوری می‌شود که هر چند فعالیت‌های مورد تأکید این روش باعث همکاری مثبت بیشتر بین اعضا و گروه‌ها می‌شود، این نوع سیستم ارزشیابی در جهت ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در اعضا گروه‌ها طراحی شده است. نمونه طرح درسی را که این‌جانب بر مبنای این روش تدریس ارائه داده‌ام در ضمیمه شماره ۳ کتاب اصلی را که این کتاب ترجمه آن است ببینید.

مخالفت سازنده (Constructive Contraversy)

محققانی همانند جانسون، جانسون و هولوبیک (۲۰۰۲) این روش تدریس را که تمرکز اصلی آن بر تأثیرات مثبت ایجاد هدفمند تضارب در آرا بر موفقیت علمی و تعاملات اجتماعی فراگیران هست ارائه داده‌اند. واقعیت این است که این روش تدریس شکل تکامل‌یافته روش تدریس «یادگیری از طریق بحث» (Learning Through Discussion) هست که اول‌بار در ۱۹۳۸ ارائه شد. این روش تدریس بر پایه جلسات بحث و گفتگو درباره موضوعاتی هست که فراگیران خود با توجه به علاقه‌مندی خود آن‌ها را مطرح می‌کنند. سؤالات مؤثر و راه‌گشا و تجزیه‌وتحلیل دیدگاه‌های متفاوت که تفکر انتزاعی را می‌طلبند مورد تأکید این روش تدریس می‌باشند. چنین سؤالات و فعالیت‌هایی چیزی بیشتر از حفظ کردن و بیان جملات سطحی را از فراگیران می‌خواهند. آن‌ها ارزیابی سبب‌ها و تأثیرات، تعمیم دادن و ارتباط دادن ایده‌ها، مفاهیم و اصول و قواعد را می‌طلبند که تماماً باعث عمق و ژرفا بخشیدن به یادگیری می‌شوند.

در به‌کارگیری این روش تدریس موارد زیر باید در نظر گرفته شوند:

۱. مقدمه: مقدمه باید شامل معرفی شفاف وظایف گروه‌ها و مراحل کار و بحث گروهی و نیز مهارت‌های تعاملی که فراگیران باید در هر مرحله بکار گیرند باشد. تعریف نقش‌هایی که شاگردان به عهده می‌گیرند و نیز خلاصه کردن بحث‌های کلیدی نیز باید در این مرحله موردتوجه معلمان باشد.
۲. انتخاب موضوع: معلمان باید توجه داشته باشند که موضوع باید برای فراگیران جالب‌توجه باشد و همین‌طور اطلاعات کافی برای بحث دوطرفه در مورد آن وجود داشته باشد.
۳. فراهم آوردن مواد آموزشی: معلمان باید منابعی را در نظر بگیرند که اطلاعات لازم برای هر دو طرف بحث در بحث‌های کلاسی را داشته باشند.
۴. آماده کردن شرایط برای بحث: شکل دادن گروه‌های چهار نفره و تقسیم کردن گروه‌ها به دو زیرگروه دو نفره که نقش‌های مخالف یکدیگر را در بحث‌ها بر عهده می‌گیرند، و خواستن این نکته از گروه‌ها که سعی کنند تا به نتیجه نهایی برسند و گزارش خود را به کلاس ارائه دهند تا بر پایه آن گزارش مورد ارزیابی قرار گیرند همه از مراحل هستند که در این مرحله باید موردتوجه قرار گیرند.
۵. اجرای بحث‌های سازنده: این مرحله شامل مشخص کردن نقش‌ها، ارائه دادن دیدگاه‌ها، بحث درباره موضوع، تمرین کردن نقش‌های مخالف و به نتیجه رسیدن می‌باشد.

همان‌طور که تا حدودی مشخص شد در این روش فراگیران باید همیشه با اطلاعات و منابع موردنیاز برای بحث‌ها تغذیه شوند. همین‌طور آنها باید در طول پروسه بحث‌ها راهنمایی شوند. هر جلسه یک موضوع جالب و درعین‌حال چالش‌آور و مجادله‌ای معرفی می‌شود. معلم ممکن است در ضمن معرفی موضوع بحث به ارائه چند لغت کلیدی نیز بپردازد. سپس گروه‌های چهار نفره به دو نفره تقسیم شده و هر دو نفر یک طرف بحث را انتخاب کرده و به تمرین آن می‌پردازند. در مرحله بعد هر چهار نفر هر گروه به هم می‌پیوندند تا با بحث - به‌صورت موافق و مخالف - دانش خود از موضوع موردبحث را بالا ببرند. سپس اعضای گروه‌ها نقش‌هایشان را عوض کرده و به بحث خود ادامه می‌دهند. در مرحله نهایی هم برای عمق بخشیدن به درک فراگیران موضوع در سطح کل کلاس به بحث گذاشته می‌شود. در این مرحله فراگیران این فرصت را دارند که به نقد اساسی دیدگاه‌های طرف مقابل خود بپردازند. همچنین در این مرحله آن‌ها به چالش کشیده می‌شوند تا از ایده‌های خود دفاع کنند. شناسایی نقاط مثبت و نقاط منفی موضوع موردبحث، بحث در مورد موضوع موردبحث از کانال‌ها و زوایای متفاوت و ارزیابی نوع ارائه بحث‌ها از دیگر فعالیت‌ها در این روش می‌باشند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی این روش تدریس، گروه‌ها بر مبنای نوع ارائه خود و نیز بر مبنای میانگین نمرات اعضایشان ارزیابی می‌شوند. باور بر این است که این نوع سیستم ارزشیابی هم حس مسئولیت‌پذیری و هم تعاملات مثبت و سازنده بین افراد گروه را افزایش می‌دهد.

تدریس دوطرفه خواندن و درک مطلب (Reciprocal Teaching of Reading)

پالینسکار - در دانشگاه میشیگان - و براون (۱۹۸۵) در دانشگاه ایلینویس آمریکا این روش تدریس را برای کمک کردن به شاگردان ضعیف‌تر در کلاس‌های خواندن و درک مطلب طراحی کرده و ارائه دادند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این روش تدریس، تأکید آن بر آموزش مستقیم استراتژی‌های یادگیری در محیط‌هایی که کار گروهی را تشویق می‌کنند می‌باشد. به‌منظور درک بهتر از متون ارائه‌شده در کلاس فراگیران - در گروه‌های ناهمگن خود - به تمرین استراتژی‌های زیر ترغیب می‌شوند:

۱. پیش‌بینی کردن
۲. خلاصه کردن
۳. سؤال پرسیدن
۴. شفاف‌سازی کردن

اهمیت «استراتژی پیش‌بینی کردن» به‌ویژه در کلاس‌های خواندن و درک مطلب به این نکته برمی‌گردد که فراگیران بعد از پیش‌بینی خود - راجع به پاسخ سؤالات مربوطه و یا محتوای متن - ترغیب می‌شوند که با دقت متن را پی‌گیری کنند و در نتیجه این امر در فرایند یادگیری درگیر می‌شوند تا ببینند که آیا پیش‌بینی آن‌ها درست بود و یا نه. «استراتژی خلاصه کردن» فراگیران را ترغیب به بکارگیری تمام مهارت‌های خود می‌نماید. برای این‌که فراگیران متنی را خلاصه کنند باید دانش لغوی و نیز دانش گرامری خود را هم که از طریق گوش کردن، خواندن و صحبت کردن کسب کرده‌اند به‌کارگیرند. فلسفه ورای تأکید بر «استراتژی سؤال پرسیدن» هم این است که این استراتژی برخلاف صرفاً پاسخ دادن به سؤالات، لایه‌های بالاتری از تفکر و ذهن شاگردان را درگیر می‌کند. و نهایتاً «استراتژی شفاف‌سازی کردن» قدرت رصد کردن میزان درک و فهمشان را به فراگیران می‌دهد که این به‌نوبه خود توانایی‌های فرا ذهنی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

در سطح کلاس - در کلاس خواندن و درک مطلب - بعداً اینکه معلم اذهان شاگردان را آماده برای موضوع متن مربوطه می‌کند، متن را تدریس کرده و ارائه می‌دهد. برای این‌که به شاگردان بفهماند که استراتژی‌های ذکرشده چگونه به درک مطلب کمک می‌کنند، معلم خود اولین پاراگراف متن را خوانده و در حین آن که بلند فکر می‌کند - طوری که شاگردان متوجه شوند - استراتژی‌های مربوطه را بکار می‌گیرد و با این کار درواقع به عنوان یک مدل جهت انتقال روش به‌کارگیری استراتژی‌ها عمل می‌کند. بنابراین از طریق تکنیک مدل شدن معلم، فراگیران به‌خوبی با کاربرد استراتژی‌های مربوطه آشنا می‌شوند و آن‌ها را یاد می‌گیرند. در مرحله بعد از فراگیران خواسته می‌شود که در گروه‌های خود کاربرد این استراتژی‌ها را در طول پروسه خواندن خود تمرین کنند. نکته اینجا است که در این مرحله ابتدا کاپیتان‌ها که افراد باهوش‌تر گروه خود هستند، با تکنیک بلند فکر کردن به پاراگراف بعدی متن می‌پردازند تا سعی کنند که اعضای ضعیف‌تر گروهشان بهتر با کاربرد استراتژی‌های مربوطه آشنا شوند. بعداً این مرحله سایر اعضا به ترتیب به پاراگراف‌های بعدی و به‌کارگیری استراتژی‌های موردنظر می‌پردازند. در ضمن در طول پروسه کار گروهی فراگیران روی لغات، نکات گرامری و نکات مبهم متن نیز کار می‌کنند و به تبادل آراء می‌پردازند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی این روش تدریس، برخلاف غالب روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند، گروه‌ها بر اساس پیشرفت اعضایشان که در امتحانات مشخص می‌شود ارزیابی می‌شوند. باور بر این است که این نوع ارزیابی کردن فراگیران باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به فراگیری خود احساس مسئولیت بیشتری نمایند.

روش ترکیب خواندن و نوشتن در کار گروهی (Cooperative Integrated Reading and Composition)

استیون و همکاران (۱۹۸۷) این روش را که یک روش جامع برای تدریس مهارت خواندن و نوشتن است ابداع کردند. این روش تدریس بر بهبود هم‌زمان مهارت خواندن و مهارت نوشتن تأکید دارد چراکه طراحان آن بر این باور هستند که این دو مهارت لازمه یکدیگر و جدایی‌ناپذیر هستند. در طول پروسه تدریس با این روش مراحل زیر دنبال می‌شود:

۱. معرفی موضوع و محتوای متنی که قرار است به آن پرداخته شود
۲. ارائه معنی لغات جدید
۳. خواندن انفرادی و با سکوت
۴. خواندن با یک هم‌گروهی به صورت دونفره
۵. تجزیه و تحلیل سازه‌های زبانی متن
۶. خلاصه کردن متن
۷. فراگیری لغات و املاي آنها

در سطح کلاس، بعد از اینکه معلم موضوع را معرفی می‌کند و با تکنیک‌های خود سعی می‌کند آن را به دانش‌قیلی فراگیران ارتباط دهد، شاگردان فرصت دارند که متن را با سکوت و بدون سروصدا بخوانند و لغات کلیدی را مشخص کنند. سپس آن‌ها سعی می‌کنند با اعضای گروه خود به لغات و اصطلاحات و مفاهیم مبهم پرداخته و همین‌طور به سؤالات مربوطه پاسخ دهند. بعد از این مرحله آن‌ها به فعالیت‌هایی از قبلی دوباره نوشتن مفاهیم (از دیدگاه خودشان) و نیز به خلاصه کردن متن و نهایتاً به تکرار و تمرین لغات مهم می‌پردازند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی این روش تدریس، فراگیران بر مبنای پیشرفت انفرادی‌شان که به صورت یک نمره گروهی محاسبه می‌شود ارزیابی می‌شوند. باور بر این است که این نوع ارزیابی کردن فراگیران تعامل سازنده و حس مسئولیت‌پذیری را در بین فراگیران نهادینه خواهد کرد.

روش تقسیم بر مبنای موفقیت گروهی (Student Teams-Achievement Divisions)

این روش تدریس یکی از روش‌های تدریس کار گروهی محبوب مدرسان است که توسط اسلوین و همکارانش در دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا طراحی و ارائه شده است. برخلاف برخی از روش‌های تدریس کار گروهی که بر آزادی بی‌حد و حصر فراگیران در طول کلاس‌های درس تأکید دارند، این روش تدریس برای معلمانی که نمی‌خواهند تصمیمات مهم از قبیل هدف‌گذاری، تشکیل گروه‌ها و مشخص کردن تکالیف را بر عهده فراگیران بگذارند مفید و جذاب خواهد بود.

پنج مرحله زیر باید در طول پروسه تدریس با این روش تدریس رعایت شوند:

۱. ارائه معلم
۲. کار گروهی
۳. امتحان دادن به صورت انفرادی
۴. ارزشیابی دانش فراگیران
۵. ارزیابی گروه‌ها از کار خود

در سطح کلاس، بعد از اینکه معلم درس را از طریق تکنیک‌های مورد نظر خود ارائه می‌دهد، از گروه‌ها می‌خواهد که برای رسیدن به اهداف مشترک خود با یکدیگر کار کنند. گروه‌ها با یکدیگر شروع به مرور درس و رفع ابهامات می‌کنند. آن‌ها ابتدا به صورت دو نفره و سپس به صورت چهار نفره به مطالعه و بررسی درس ارائه شده می‌پردازند. بعد از اینکه مطالعه گروه‌ها به اتمام می‌رسد معلم از اعضا می‌خواهد که به صورت انفرادی به حل سؤالاتی بپردازند که او در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. در مرحله بعد معلم پاسخ‌ها را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا میزان درک و فهم خود از موضوع ارائه شده را ارزیابی نمایند. و در انتها فراگیران به بحث و گفت‌وگو درباره موضوع مربوطه و به رفع اشکالات و ابهامات می‌پردازند. در این مرحله شاگردان باز خورد مناسبی از درک خود داشته و نقاط ضعف خود را شناسایی و رفع می‌کنند.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی این روش تدریس، اعضای گروه‌ها بر مبنای پیشرفتشان نسبت به گذشته (با توجه به امتحاناتی که به صورت انفرادی داده‌اند) ارزشیابی می‌شوند. گروه‌ها هم بر مبنای حاصل جمع نمرات اعضایشان ارزیابی می‌شوند. به عبارت دیگر، ارزیابی گروه‌ها بر مبنای میزان پیشرفت اعضایشان می‌باشد. گروه‌هایی که بالاتر از یک حد مشخص شده نمره کسب کنند تشویق می‌شوند.

روش گروه‌ها، بازی‌ها و تورنومنت (Teams-Games Tournaments)

محققانی از قبیل دوریس و ادوارد (۱۹۷۴) و اسلوین (۱۹۹۱) این روش را ابداع کرده و توسعه داده‌اند. این روش همانند روش تقسیم بر مبنای کار گروهی که در قسمت قبل توضیح داده شد می‌باشد با این تفاوت که در این روش تدریس تورنومنت‌ها جایگزین تست و امتحان شده‌اند. این تورنومنت‌ها که در غالب بازی می‌باشند جهت اندازه‌گیری سطح دانش فراگیران طراحی شده‌اند. همین‌طور سیستم ارزشیابی و نیز نوع تعاملی که این روش بین گروه‌ها ایجاد می‌کند این روش را از روش قبلی که توضیح داده شد متمایز می‌سازند. درحالی‌که روش قبلی جایی برای رقابت بین گروهی باقی نمی‌گذاشت این روش سعی می‌کند با ایجاد رقابت بین اعضای گروه‌های کلاس که از نظر سطح دانش در یک سطح هستند به این امر بپردازد. به عبارت دیگر، در این روش مثلاً عضو باهوش گروه اول کلاس باید با اعضای باهوش سایر گروه‌ها نیز رقابت داشته باشد. دادن چنین فرصت‌هایی به تمام اعضای گروه‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا به سهم خود بتوانند در موفقیت گروهشان نقش ایفا نمایند.

پروژه تدریس در کلاس‌هایی که توسط این روش تدریس اداره می‌شوند شامل مراحل زیر است:

۱. ارائه درس مربوطه توسط معلم

۲. مطالعه و کار گروهی

۳. رقابت در غالب تورنومنت

در سطح کلاس، بعد از ارائه درس توسط معلم، گروه‌های ناهمگن معمولاً چهار نفره شروع به مطالعه و تمرین و بحث و گفت‌وگو و کمک کردن به یکدیگر و امتحان گرفتن از یکدیگر می‌نمایند تا بتوانند موفقیت گروه خود را در تورنومنت‌هایی که در غالب بازی می‌باشند تضمین کنند. در این کلاس‌ها چون اعضای گروه‌ها سرنوشت مشترکی دارند سعی می‌کنند تا علاوه بر ارتقای دانش خود به یادگیری مطالب ارائه‌شده توسط هم گروهی‌های خود نیز کمک کنند.

در زیر به ارائه نمونه‌ای از تورنومنت‌هایی که در این کلاس‌ها به آن پرداخته می‌شود می‌پردازم:

۱. معلم یک موضوع (مثلاً سازه) را انتخاب کرده و به کلاس ارائه می‌کند.

۲. معلم یک سری سؤالات راجع به موضوع تهیه کرده و آن‌ها را شماره‌گذاری می‌کند و سپس به تعداد سؤالات شماره‌هایی را روی قطعات کوچک کاغذ نوشته و آن‌ها را در ظرفی می‌گذارد. به‌عنوان مثال اگر ۱۵ سؤال وجود داشته باشد، او روی ۱۵ تکه کاغذ شماره‌هایی از ۱ تا ۱۵ را می‌نویسد. بعد ظرف حاوی شماره‌ها را به گروه‌ها می‌دهد و هر یک از اعضا به صورت اتفاقی یک شماره را برمی‌دارد که باید به سؤال مربوط به آن شماره پاسخ دهد. نکته این‌که در این مرحله معلم از شاگردان می‌خواهد تا در مرحله بعد پاسخ به هر سؤال را که نمی‌دانند شماره‌اش را در یک ظرف دیگر بگذارند تا او در فرصت مناسب مطلب مربوطه را دوباره تدریس نماید.

۳. معلم شاگردان را در گروه‌های یک تا پنج نفره ناهمگن قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد با انتخاب یک شماره از ظرف به‌مرور مطلب موردنظر بپردازند. معلم باید توجه داشته باشد که اعضای تمام گروه‌ها به یک اندازه باشند. سپس او بر روی هر گروه یک اسم می‌گذارد و اعضای آن را شماره‌گذاری می‌کند. (مثلاً گروه آ عضو شماره ۱). در این مرحله است که هر عضو باید سؤال مربوط به شماره‌ای را که انتخاب می‌کند پاسخ دهد. اگر عضوی نتواند سؤالی را پاسخ دهد عضو دیگری که پاسخ آن را می‌داند شماره مربوطه را گرفته و به آن سؤال پاسخ می‌دهد. اما اگر هیچ‌کس پاسخ به سؤالی را نداند شماره مربوطه را در ظرفی جداگانه می‌گذارند تا بعد معلم راجع به آن توضیح دهد. در این مرحله هر عضو سعی می‌کند مطلب مربوطه را به سایر اعضا تفهیم کند و یا درس دهد.

۴. در این مرحله اعضای هم‌سطح گروه‌های کلاس در گروه‌های جدید گرد هم می‌آیند و در بازی قبل که در گروه‌های پایه خود آن را تمرین می‌کردند، به رقابت می‌پردازند. برای هر سؤال که درست پاسخ می‌دهند یک امتیاز کسب می‌کنند.
۵. در این مرحله اعضا به گروه‌های پایه‌اشان برمی‌گردند و امتیازاتی را که کسب کرده‌اند شمارش کرده و در نهایت معلم با مقایسه گروه‌ها گروه برتر را مشخص می‌کند.
۶. در این مرحله پایانی گروه‌ها یک امتحان می‌دهند و معدل آن‌ها در آن امتحان مشخص می‌شود. در این مرحله معلم به گروهی که بهترین عملکرد را نسبت به امتحان قبلی داشته باشد بیشترین نمره را می‌دهد.

در ارتباط با سیستم ارزشیابی این روش تدریس همان‌طور که مشخص است اعضا گروه‌ها با توجه به عملکردشان نسبت به رقبای هم‌سطحشان در سایر گروه‌ها امتیاز می‌گیرند. و حاصل جمع نمرات اعضا، نمره گروه‌ها را تشکیل می‌دهد. هرچند این نوع سیستم ارزشیابی بر آن است تا تعامل مثبت بین اعضا را افزایش دهد، اما این نوع ارزیابی بیشتر حس مسئولیت‌پذیری اعضا را تقویت می‌کند.

در پایان این فصل باید یادآور شوم که کی گان (۱۹۹۴) فواید روش‌های تدریسی را که بر کار گروهی تأکید دارند و در این فصل به آن‌ها پرداخته شد در هفت مورد زیر ارزیابی کرده است:

۱. این روش‌ها یادگیری را ارتقاء داده و باعث موفقیت تحصیلی شاگردان می‌شوند.
۲. این روش‌ها قدرت به یادآوری فراگیران را افزایش می‌دهند.
۳. این روش‌ها حس رضایت‌مندی شاگردان از یادگیری را ارتقاء می‌دهند.
۴. این روش‌ها مهارت محاوره‌ای فراگیران را افزایش می‌دهند.
۵. این روش‌ها مهارت‌های اجتماعی فراگیران را افزایش می‌دهند.
۶. این روش‌ها اعتمادبه‌نفس شاگردان را افزایش می‌دهند.
۷. این روش‌ها باعث بهبود روابط بین‌نژادی می‌شوند.

نتیجه

روش‌هایی که بر کار گروهی تأکید دارند بر مبنای نظریه‌های ساختن گراها ارائه شده‌اند و در غرب بسیار رایج هستند. هدف از به‌کارگیری این روش‌ها آماده کردن فراگیران برای مسئولیت‌های موردنیاز برای زندگی موفق در دنیای واقعی می‌باشد. از طریق این روش‌ها فراگیران استراتژی‌های موردنیاز برای کسب دانش، حل مسائل و زندگی موفق را کسب می‌نمایند. جانسون (۱۹۸۵) بر این باور است که اهمیت این روش‌ها به این نکته برمی‌گردد که آن‌ها صرفاً به موفقیت علمی شاگردان نمی‌پردازند. او بر این باور است که صرفاً توانایی نوشتن و خواندن و محاسبه کردن و غیره لازم است اما اگر فرد نتواند در تعاملات روزمره از آن‌ها استفاده کند این مهارت‌ها بدون فایده می‌باشند. فراگیران در این روش‌ها می‌آموزند که چگونه شهروندان مسئولیت‌پذیر و متعهد باشند و توانایی کار کردن با دیگران را به دست آورند. جانسون اعتقاد دارد که این موارد از ضروریات زندگی مشترک موفق و ساختن جوامع پویا و سعادت‌مند می‌باشند.

در خاتمه همان‌طور که گفته شد این واقعیت که شاگردان امروز به کار گروهی رغبت نشان می‌دهند نباید مورد غفلت به‌ویژه معلمین زبان قرار گیرد چراکه کار گروهی که بحث و گفت‌وگو را در خود دارد در فراگیری زبان بسیار مؤثر است. در ادامه سعی می‌کنم که به نقاط ضعف روش‌های تدریس کار گروهی فعلی پرداخته و سپس روش تدریس خود را که روش تدریسی بسیار متفاوت و کارا تر هست به‌طور جامع معرفی نمایم. فصل بعدی اولین گام برای معرفی روش تدریس این‌جانب هست.

=====

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. یکی از مزایا و یا مشکلات هر یک از روش‌های کار گروهی را که در این فصل معرفی شدند بیان نمایید.
۲. کدام یک از این روش‌ها را بیشتر می‌پسندید؟ چرا؟
۳. کدام یک از این روش‌ها را نمی‌پسندید؟ چرا؟
۴. عامل انگیزشی برای فراگیران در روش «یادگیری مشارکتی» و روش «تورنومنت، بازی و گروه‌ها» را مقایسه کنید.
۵. روش ارزشیابی کدام روش معرفی شده در این فصل قابل قبول‌تر است؟ چرا؟
۶. نظر شما درباره روشی که بر تدریس مستقیم استراتژی‌های یادگیری تمرکز دارد چیست؟
۷. تفاوت اصلی جیگ سا ۱ و جیگ سا ۲ را بیان کنید.

=====

فصل ششم

«یادگیری تیمی رقابتی»: روشی متفاوت در آموزش

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۷۰
مقدمه.....	۷۰
آنچه این جانب را ترغیب به ابداع «یادگیری تیمی رقابتی» کرد.....	۷۰
«یادگیری تیمی رقابتی».....	۷۲
تصویری از «یادگیری تیمی رقابتی» در کلاس.....	۷۴
جلسه آموزش.....	۷۵
جلسه آزمون.....	۷۸
«هدف» یادگیری تیمی رقابتی.....	۷۹
«برنامه» یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۰
اهمیت «انگیزه» در یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۰
«مواد آموزشی» در یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۱
«تکالیف» و یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۱
«فعالیت‌های کلاسی» در یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۱
«سیستم ارزشیابی» در یادگیری تیمی رقابتی.....	۸۲
«سیستم ارزشیابی» یادگیری تیمی رقابتی به‌عنوان «عاملی انگیزشی».....	۸۸
پیشنهاد من برای جایگزینی امتحانات و کنکور فعلی.....	۹۰
نتیجه.....	۹۱
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۹۲

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. کدام یک از روش‌های تدریس فعلی را می‌پسندید؟ چرا؟
۲. به نظر شما تکالیف و پروژه‌های کلاسی واقعی و هدفمند چه نوع تکالیف و پروژه‌هایی هستند؟
۳. نظر شما راجع به ارائه مطالب سیاسی جهت ارتقای آگاهی‌های سیاسی نسل فردا در کلاس‌های درس چیست؟
۴. نظر شما درباره تشویق فراگیران به رقابت در محیط‌های کلاسی که با استفاده از روش‌های یادگیری گروهی اداره می‌شوند چیست؟
۵. آیا با دادن پاداش از قبیل نمره اضافی و غیره به فراگیران برتر موافق هستید؟ چرا؟
۶. نظر شما درباره گروهی امتحان دادن فراگیران چیست؟
۷. به نظر شما منظور نلسون ماندلا وقتی می‌گوید «آموزش یک اسلحه است» چیست؟ چگونه می‌توان این نظر را عملیاتی کرد؟

.....

مقدمه

تمام متدها و روش‌های آموزشی قواعد و تکنیک‌های خاص خود را دارند. اما خوشبختانه به دلیل انعطاف‌پذیر بودنشان غالب این روش‌ها و متدها می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند. به کارگیری ترکیبی از این متدها و روش‌ها می‌تواند راه‌کاری مناسب برای پوشش دادن نیازهای امروز امر آموزش باشد. این‌جانب در این فصل و در فصول بعد سعی کرده‌ام که روش تدریس خودم را که در واقع ترکیبی از نگرش و ایده‌های خودم در موضوعات متفاوت به‌ویژه در حوزه آموزش هست معرفی نمایم. همین‌طور سعی کرده‌ام مطالبی را که از دیگر محققان و روش‌های تدریسان برگرفته‌ام را نیز در این فصل و فصل‌های بعد توضیح دهم. بعد از ارائه دلایلی برای معرفی روش تدریس خودم، این فصل به اهمیت نقش رقابت در محیط‌های آکادمیک و نیز در محیط‌های واقعی می‌پردازد تا بدین‌صورت زمینه برای شناخت بیشتر از روش تدریس این‌جانب آماده شود. این فصل همچنین به معرفی ویژگی‌های برجسته روش تدریس این‌جانب با توجه به سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند می‌پردازد. همچنین سعی می‌شود کاربرد روش تدریس این‌جانب در یکی از کلاس‌هایم هم به تصویر کشیده شود تا همکاران محترم درک بهتری از این روش تدریس پیدا کنند. همین‌طور در این فصل به اهداف، سیلابس، مواد آموزشی، تکالیف و فعالیت‌های موردنظر روش تدریس این‌جانب هم پرداخته می‌شود.

آنچه این‌جانب را ترغیب به ابداع «یادگیری تیمی رقابتی» کرد

همان‌طور که اشاره شد کار گروهی می‌تواند در پیشبرد اهداف آموزشی به‌ویژه در کلاس‌های زبان بسیار مفید و مؤثر باشد. اهمیت روش‌های تدریس مدرن امروزی که بر کار گروهی تمرکز دارند و توسط ساختن گراها ارائه و معرفی شده‌اند نیز به همین نکته برمی‌گردد که بر اهمیت نقش کار گروهی در محیط‌های آکادمیک صحنه گذاشته‌اند. بعد از تجزیه و تحلیل مضرات روش تدریس CLT، که در حوزه آموزش زبان بسیار طرفدار دارد، در فصل سوم، در این بخش به مشکلات عمده روش‌های تدریس به‌اصطلاح مدرن امروزی می‌پردازم تا بدین‌صورت زمینه را برای معرفی روش تدریس خودم که این مشکلات را رفع کرده است مهیا سازم.

اولین مشکل عمده روش‌های تدریس کنونی که بر کار گروهی تمرکز دارند به سیستم ارزشیابی آن‌ها برمی‌گردد. واقعیت این است که فراگیران در غالب این روش‌ها بر مبنای کار گروهی‌شان و بدون در نظر گرفتن سیستماتیک میزان تلاش و پشتکار و استعداد فردی‌شان ارزشیابی می‌شوند. به عبارت دیگر، در غالب این روش‌ها یک فراگیر تنها در صورتی موفق ارزیابی می‌شود که گروهش موفق شود. از نظر این‌جانب این نوع سیستم ارزشیابی کردن اصلاً منصفانه نیست چراکه از این

واقعیت که میزان استعداد و تلاش و پشتکار فراگیران در یک گروه و یا در یک کلاس باهم متفاوت است غفلت شده است.

بنابراین چنین سیستم‌های ارزشیابی موفقیت روش‌های تدریس مورد بحث را به خطر می‌اندازند چراکه با بکار گرفتن آن‌ها

۱. فراگیران قوی‌تر به این نتیجه می‌رسند که ارزشیابی و قضاوت در مورد آن‌ها منصفانه نیست چراکه میزان هوش

و استعداد و پشتکار آن‌ها با بقیه یکی انگاشته شده است.

۲. فضا برای فراگیران تنبل و از زیر کار در رو بازتر می‌شود و به آن‌ها این اطمینان داده می‌شود که به خاطر

هوش و استعداد و تلاش دوستانشان (در گروه) هم که شده نمره قبولی را خواهند گرفت!

در همین راستا و با توجه به این مشکلات سیستم‌های ارزشیابی این نوع روش‌های تدریس محققینی از قبیل

تاپینگ (۲۰۰۰) این ایده را مطرح کرده‌اند که اصلاً بهتر است در چنین روش‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند سیستم

ارزشیابی نداشته باشیم! اما واقعیت این است که هیچ‌کس نمی‌تواند نقش بی‌بدیل ارزشیابی را در سیستم‌ها و محیط‌های

آموزشی و حتی در جامعه نادیده بگیرد. بنابراین سؤال این نیست که در این روش‌های تدریس سیستم ارزشیابی داشته باشیم

و یا نه؟ بلکه سؤال این است که چه نوع سیستم ارزشیابی داشته باشیم که به واسطه آن فراگیران برتر قانع و نیز تمام فراگیران

از جمله افراد ضعیف‌تر مسئولیت‌پذیر شوند. رسیدن به پاسخ به این سؤال دو اشکالی را که در دو شماره بالا عنوان شد پوشش

خواهد داد که این خود در موفقیت این روش‌های تدریس بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

مشکل عمده دیگر روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تمرکز دارند این است که به نقش مؤثر رقابت در

محیط‌های مشارکتی هیچ اعتقادی ندارند و تقریباً به‌طور کامل آن را کنار گذاشته‌اند! پدیدآورندگان این روش‌های تدریس از

این واقعیت غفلت کرده‌اند که رقابت نه تنها می‌تواند به پیشرفت تحصیلی فراگیران کمک کند بلکه می‌تواند به رشد همه‌جانبه

آن‌ها و به تبع آن به رشد و توسعه جوامع بشری نیز بینجامد. STAD که توسط اسلوین و همکاران در دانشگاه جانز هاپکینز

آمریکا طراحی و ارائه شد از جمله روش‌های تدریسی است که به نقش رقابت در محیط‌های مشارکتی هیچ توجهی نکرده است.

در این روش تمرکز فقط بر همیاری بین اعضای گروه‌ها هست چراکه در این روش هیچ‌گونه تعامل و رابطه‌ای برای گروه‌ها با

یکدیگر تعریف نشده است - نه همکاری و نه رقابت. در واقع روابط بین گروهی در این روش خنثی می‌باشد. حتی روش‌هایی

همانند جیگ سا ۱ که توسط آرنسون و همکارانش در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و نیز جیگ سا ۲ که توسط اسلوین (۱۹۸۰)

در دانشگاه یورک انگلستان و روش GI که توسط شاران و شاران در دانشگاه تل‌آویو اسرائیل معرفی شده‌اند تنها سعی کرده‌اند

که علاوه بر همکاری بین اعضای هر گروه، «همکاری و همیاری» - و نه رقابت - بین گروه‌ها را نیز تشویق نمایند. CGBL

که توسط جانسون و جانسون در دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا طراحی و ارائه شده است برجسته‌ترین روش تدریسی می‌باشد که

همکاری و همیاری بین اعضای گروه‌ها و گروه‌ها با یکدیگر را توأمان تشویق می‌کند. اما یک یا دو روش تدریس هم هستند

که سعی کرده‌اند تا حدود محدودی از نقش رقابت در کلاس‌ها استفاده نمایند. در میان چنین روش‌های نادری TGT هست

که توسط ادوارد و همکاران او طراحی شده است. در این روش اعضای گروه‌ها تشویق می‌شوند که تنها با اعضا سایر گروه‌ها که

هم‌سطح آن‌ها هستند رقابت کنند. در این روش فراگیران اجازه ندارند که به عنوان یک گروه با سایر گروه‌ها رقابت نمایند.

در هر حال نکته قابل توجه این است که در چنین روش‌هایی رقابت صرفاً به‌عنوان انگیزه‌ای برای یادگیری در نظر گرفته می‌شود.

به نظر می‌رسد که این نوع غفلت از نقش بی‌بدیل رقابت در محیط‌های مشارکتی از نوع نگاه و نگرش طراحان این

نوع روش‌ها به مقوله آموزش و حتی به دنیای پیرامون خود نشاءت می‌گیرد. بحثی را که این محققان مطرح می‌کنند این است

که رقابت باعث رشد نگرش منفی در فراگیران شده و مانع همیاری آن‌ها با دیگران می‌شود و آن‌ها را از تمرکز بر اهداف

یادگیری خود بازمی‌دارد. این محققان همچنین بر این باور هستند که با به وجود آوردن برنده و بازنده - در نتیجه رقابت -

همبستگی بین گروه‌ها و نیز اعضای آن‌ها از بین می‌رود. اما این جانب باید به این محققین یادآوری نمایم که رقابت می‌تواند

به‌عنوان عامل انگیزه آور برای درگیر کردن بیشتر فراگیران در فرایند یادگیری و نیز همکاری کردن آن‌ها با دیگران هم به

خدمت گرفته شود. مهم‌تر اینکه لازم است این محققین به مقوله رقابت از زاویه‌ای دیگر نیز نگاه کنند: رقابت یک پدیده

غیرقابل‌انکار در دنیای واقعی می‌باشد. واقعیت این است که دنیای پیچیده امروز با تشبوت فرهنگ‌ها روبرو بوده و به شدت

رقابتی می‌باشد. این جانب بر این باور هستم که کلاس‌های ما کسری از جامعه هستند و باید واقعیات دنیای واقعی را منعکس

نمایند. بنابراین باید علاوه بر مشارکت‌جو و مشارکت‌پذیر بودن نسل فردا، به توانایی آن‌ها برای رقابت هم در محیط‌های

آموزشی توجه شود چراکه بقا و موفقیت در دنیای کنونی نه تنها مهارت‌های مربوط به همکاری و مشارکت با سایرین بلکه مهارت‌های مربوط به رقابت با آن‌ها را نیز می‌طلبد. همان‌طور که محیط‌ها و موقعیت‌های زیادی هستند که مشارکت ما را می‌طلبند محیط‌ها و موقعیت‌های زیادی به‌ویژه در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و خود آموزش هستند که لازمه موفقیت در آن‌ها توانایی رقابت با سایرین می‌باشد. بنابراین نباید از نقش بی‌بدیل و سازنده رقابت در محیط‌های آکادمیک غفلت کرد. فراگیران باید مهارت‌ها و انتظارات موردنیاز برای زندگی در دنیای پیچیده کنونی را در طول زندگی آکادمیک خود در مدارس و دانشگاه‌ها بیاموزند. دنیای امروز از آن‌ها انتظار دارد که هر وقت و هر کجا لازم باشد با مهارت به رقابت بپردازند چراکه در غیر این صورت نمی‌توانند در مواجهه با واقعیات دنیای پیچیده امروز و دنیای پیچیده‌تر فردا موفق عمل کنند. ضمن اینکه یافته‌های تحقیقات این‌جانب در تضاد با یافته‌ها و باورهای محققینی است که از آن‌ها گفته شد: حقیقت این است که این مکانیسم به کار گرفته‌شده در محیط‌های مشارکتی برای استفاده حداکثری از نقش رقابت است که مهم و کلیدی می‌باشد. بنابراین امروزه سؤال این نیست که رقابت را در محیط‌های مشارکتی به کار بگیریم یا نه؟ بلکه سؤال این است که چگونه باید رقابت را در چنین محیط‌هایی به کار گرفت؟

مشکل عمده دیگری که در روش‌های تدریسی که بر به‌کارگیری کارگروهی تمرکز دارند وجود دارد این است که این روش‌ها همانند پیشینیان خود قادر نیستند که واقعیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی دنیای واقعی را در سطح کلاس انعکاس داده و به آن‌ها بپردازند. هیچ‌کس نمی‌تواند این واقعیت را کتمان کند ما هنوز حتی در قرن بیست و یکم منابع و ایجنس‌های ظلم و ستم و تبعیض و ریا و غارت و فساد و استبداد را در میان خود در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی داریم. در چنین شرایطی ما نمی‌توانیم شاهد صلح جهانی و سعادت بشر باشیم چراکه روش‌های آموزش فعلی ما را به آن سمت هدایت نکرده و کمکی در آن راستا نمی‌کنند. بنابراین چنین روش‌های تدریسی نیز محکوم به شکست می‌باشند. روش تدریس پذیرفته شده و موفق روش تدریسی خواهد بود که نه تنها از نظر آکادمیکی به فراگیران کمک کند بلکه با توانمند کردن آن‌ها را برای ورود موفق به دنیای پیچیده کنونی نیز آماده و مهیا کند. هیچ‌کس نمی‌تواند پدیده غیرقابل‌اجتناب گلوبالیزه شدن دنیا و مسائل و مشکلات و پیچیدگی‌های ناشی از آن را کتمان کند. بنابراین اگر می‌خواهیم نسل فردا را برای مواجهه موفق با چنین مسائل و مشکلات و پیچیدگی‌هایی آماده کنیم و اگر می‌خواهیم به آن‌ها کمک کنیم که هم در عرصه کسب علم و دانش و هم در عرصه زندگی موفق باشند و اگر می‌خواهیم در رسیدن به صلح جهانی و امنیت و سعادت بشر سهیم باشیم باید در:

۱. اهداف آموزشی،
۲. مواد آموزشی،
۳. منابع انسانی و به‌ویژه
۴. روش‌های تدریس و
۵. سیستم ارزشیابی

فعلی تجدیدنظر کنیم. در غیر این صورت آمال و آرزوهای ما زودتر از آنکه پشیمان شویم از بین خواهند رفت. بر مبنای چنین عقبه فکری‌ای بود که این‌جانب به طراحی و ارائه روش تدریس خودم (یادگیری تیمی رقابتی) پرداختم تا بدین‌صورت ریشه مشکلات آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی و حتی اقتصادی موجود را در حد بضاعت خودم به عنوان یک معلم هدف بگیرم و به اصلاح آن‌ها بپردازم.

«یادگیری تیمی رقابتی»

یادگیری به‌صورت گروهی در عصر حاضر به‌ویژه در اروپا و آمریکا بسیار مورد تأکید متصدیان امر تعلیم و تربیت و مدرسان در آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌باشد چراکه آنان به‌خوبی فواید علمی اجتماعی آن را دریافته‌اند. همان‌طور که در فصل قبل توضیح داده شد یادگیری گروهی متدهای متعددی دارد و با سبک‌های متفاوتی اجرا می‌شود که البته این متدها و سبک‌ها طرز نگرش پدیدآورندگان آنان را به آموزش و نیز به دنیای واقعی نشان می‌دهند. این‌جانب روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» خود را اول‌بار در سال ۲۰۰۰ بر مبنای تئوری آموزشی سیاسی خود در رساله کارشناسی ارشد در ایران ارائه دادم و

بعدها در سال ۲۰۰۹ مجدداً از زاویه‌ای متفاوت در رساله دکترایم در هند از آن دفاع کردم که در فصل یازدهم به این موارد پرداخته شده است. همان‌طور که توضیح داده شد سعی کرده‌ام که علاوه بر برطرف کردن مشکلات رایج در روش‌های تدریس کنونی که بر کار گروهی تمرکز دارند به ارائه روشی منطقی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر بپردازم.

وجه تمایز روش تدریس این‌جانب از روش‌های تدریس فعلی که در غرب رایج هستند و بر کار گروهی تمرکز دارند این است که این روش تدریس تأکید بر «کار تیمی» (و نه کار انفرادی و یا کار گروهی) آن‌هم در «محیط‌های رقابتی» (و نه در محیط‌های صرفاً مشارکتی) دارد که از نظر این‌جانب از الزامات زندگی موفق در دنیای پیچیده و رقابتی کنونی می‌باشند. این روش تدریس یک روش تدریس جامع می‌باشد که برخلاف سایر روش‌های تدریس سعی در انعکاس واقعیت‌ها و ضرورت‌های دنیای واقعی در سطح کلاس را می‌نماید. به عنوان یک روش تدریس متفاوت در آموزش به‌طور کلی و در آموزش زبان به‌طور اخص این روش تدریس سعی می‌کند تصویری واقعی‌تر از اسلوب و قواعد دنیای واقعی در سطح کلاس ارائه دهد چراکه این‌جانب بر این باور هستم که کلاس‌های ما کسری از جامعه می‌باشند و بنابراین باید واقعیت‌های دنیای واقعی را در خود انعکاس دهند تا بدین سیاق بتوانند شاگردان را به محیط واقعی ارتباط دهند و آنان را برای زندگی موفق‌تر در دنیای واقعی آماده نمایند. تنها در این صورت است که ما می‌توانیم فاصله بین آنچه سیستم فعلی آموزش ما از شهروندان می‌سازد و آنچه واقعیت‌های دنیای امروزی از آن‌ها انتظار دارد را بکاهیم. ویژگی دیگر روش تدریس این‌جانب که آن را از روش‌های دیگر تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند متمایز می‌کند به سیستم ارزشیابی فراگیران در آن برمی‌گردد. در این روش تدریس موفقیت و یا عدم موفقیت یک فراگیر به‌طور ۱۰۰٪ به موفقیت و یا عدم موفقیت سایرین (در گروه خودش) بستگی ندارد. بلکه موفقیت و یا عدم موفقیت هر فرد در هر تیم تا حدود قابل‌توجهی به میزان استعداد و پشتکار و مسئولیت‌پذیری خودش هم بستگی دارد.

در کلاس‌های این‌جانب شاگردان با پیشینه‌ها، نگرش‌ها، منش‌ها و استراتژی‌ها و سبک‌های یادگیری و نیز مهارت‌های اجتماعی متفاوت تیم‌های ناهمگن چهار نفره تشکیل می‌دهند و سعی می‌کنند با یکدیگر در فرآیند یادگیری در محیط‌هایی شاد و پویا که بحث و گفت‌وگو را تشویق می‌کنند درگیر شوند. در هر تیم معمولاً یک شاگرد قوی، دو شاگرد متوسط و یک شاگرد ضعیف وجود دارند. مکانیسم‌های طراحی‌شده برای پیشبرد کار تیمی توسط روش تدریس این‌جانب همه اعضای تیم‌ها را مسئول فراگیری، رشد و پیشرفت خود می‌کند و هم‌زمان آن‌ها را تشویق به حداکثر تلاش و همکاری در جهت موفقیت تیم‌هایشان نیز می‌نماید. ضمناً اعضای تیم‌ها تشویق می‌شوند که علاوه بر رقابت با رقیبان هم‌سطح خود در تیم‌های دیگر با سایر تیم‌ها هم رقابت کنند. میزان پیشرفت آن‌ها در این نوع رقابت‌ها که در امتحانات مشخص می‌شود بر امتیازی که تیم آن‌ها کسب می‌کند نیز تأثیرگذار خواهد بود. در چنین کلاس‌هایی تمام اعضای تیم‌ها به‌طور کامل (ذهنی، عاطفی و هوشی) و فعال در فرآیند یادگیری درگیر می‌شوند تا بتوانند به‌صورت گروهی مسئله‌ای را حل کنند و یا کاری را انجام دهند. این میسر نمی‌شود مگر با شرکت کردن در فعالیت‌هایی از قبیل تبادل آراء، شفاف‌سازی ایده‌ها، در نظر گرفتن راه‌حل‌های متفاوت برای یک مسئله و حل‌وفصل دیپلماتیک اختلافات.

نکته دیگر این‌که باوجود این‌که فراگیران در کلاس‌های این‌جانب امتحانات نهایی را به‌صورت انفرادی می‌دهند، امتحانات دوره‌ای و میان‌ترم را به‌صورت تیمی می‌دهند. فلسفه ورای این استراتژی این است که بدین‌صورت امتحان را در خدمت آموزش و اهداف آموزشی قرار دهیم. این استراتژی باعث تعامل مؤثرتر بین فراگیران شده و فرصت‌هایی را برای انتقال مهارت‌ها (تست‌زنی، یادگیری و اجتماعی)، استراتژی‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های تفکر به وجود می‌آورد. نکته حائز اهمیت این است که در این کلاس‌ها اعضای تیم‌ها چاره‌ای ندارند جز این‌که مطمئن شوند تمام هم‌تیمی‌هایشان مطالب ارائه‌شده را به‌خوبی یاد گرفته‌اند چراکه این‌جانب گاه‌گاهی از یکی از اعضای تیم‌ها می‌خواهم که به سؤالات این‌جانب برای گرفتن امتیاز تیم خود پاسخ دهد. این اعضای انتخاب‌شده باید بتوانند برای پاسخ‌های خود در برابر کلاس دلیل و برهان هم بیاورند وگرنه افکار عمومی آن‌ها را نخواهد پذیرفت!

در مورد شیوه ارزشیابی فراگیران، در کلاس‌های این‌جانب تیم‌ها نه‌تنها بر مبنای درجه پیشرفتشان - با توجه به گذشته‌شان - و نیز بر مبنای رقابت بین اعضایشان با رقبای هم‌سطحشان در سایر تیم‌ها سنجیده می‌شوند، بلکه آن‌ها بر مبنای پیشرفتشان نسبت به سایر تیم‌ها در کلاس نیز ارزیابی می‌شوند. علاوه بر این تشویق‌های ویژه‌ای برای بهترین تیم‌ها با بهترین عملکرد در نظر گرفته می‌شود تا اعضای تیم‌ها را تشویق به تعامل سازنده‌تر با یکدیگر و نیز رقابت مؤثرتر با سایر

تیم‌ها کرد. به‌عنوان مثال تیم‌هایی که برتری خود را در سه دوره به اثبات برسانند بالاترین نمره را برای تک‌تک اعضایشان در امتحان نهایی می‌گیرند - بدون توجه به نمرات واقعی‌شان، البته به شرط این‌که حداقل نمره قابل‌قبول را کسب کرده باشند. همین‌طور به‌منظور کاستن استرس، تیم‌هایی که حداقل نمره میانگین کلاسی را کسب نمایند ترم را پاس خواهند کرد - به شرط اینکه نمرات اعضایشان زیر استاندارد نباشند. دلیل این‌جانب برای پایین نگه داشتن سطح استرس فراگیران این است که استرس زیاد مانع کارایی مؤثر مغز و در نتیجه یادگیری ماندگار می‌باشد. بنابراین سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب نه تنها اعضای تیم‌ها را تشویق می‌کند که نهایت همکاری را با اعضای تیم خود جهت پشت سر گذاشتن سایر تیم‌ها داشته باشند تا برتری خود را در کلاس به اثبات برسانند و پاداش ویژه که همان کسب بالاترین نمره در امتحان پایانی برای تک‌تک اعضا هست را دریافت نمایند. همین‌طور سرگروه‌ها یا کاپیتان‌ها نیز در امتحانات بالاترین نمره را - بدون در نظر گرفتن نمره واقعی‌شان - کسب خواهند کرد البته اگر اعضای تیم آن‌ها نشان دهند که پیشرفت قابل‌توجهی داشته‌اند.

در کلاس‌های این‌جانب نتایج کار تیم‌ها همیشه بر روی برد کلاس نصب می‌شود که در آن‌ها نه تنها قوی‌ترین و ضعیف‌ترین تیم‌ها مشخص شده‌اند بلکه فعال‌ترین و کوشاترین و نیز چالش‌آورترین شاگردان هم مشخص و معرفی می‌شوند. همچنین ۲ تا ۳ نفر برتر کلاس (بسته به تعداد کلاس) به‌عنوان همکاران این‌جانب انتخاب می‌شوند تا مرا در کلاس‌ها در امر تدریس، چک کردن تکالیف و تصحیح اوراق و ارزشیابی کلاس کمک نمایند. هرگاه فراگیران در تیم‌هایشان مشکلی داشته باشند باید اول به این افراد مراجعه نمایند. - این‌جانب آخرین راه‌حل خواهم بود. نکته حائز اهمیت این است که نتایج هر امتحان ممکن است منجر به تغییر همکاران این‌جانب (در کلاس) و نیز کاپیتان‌ها و حتی خود من! شود. دلیل این کار هم این است که نسل فردا به پذیرفتن افراد شایسته‌تر به‌عنوان مسئولین و رهبران خود عادت کنند و اصل شایسته‌سالاری را از همین سنین بپذیرند. آن‌ها باید بپذیرند که بهترین موقعیت‌ها برای شایسته‌ترین‌هاست و نه برای چاپلوسان، متملقان، بله‌قربان‌گوها، دین‌فروشان ریاکار و یا شارلاتان‌ها و غوغا سالاران کلاس!

تصویری از «یادگیری تیمی رقابتی» در سطح کلاس

در کلاس‌هایم معمولاً در جلسه اول به معرفی خودم، اهمیت تعلیم و تربیت و نیز نقش منحصربه‌فرد زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی می‌پردازم. مهم‌تر اینکه به معرفی روش تدریس خودم و اسلوب و قواعد و اهدافش از منظر آکادمیکی و نیز اجتماعی سیاسی هم می‌پردازم. همین‌طور بعد از معرفی اجمالی عناوین درس‌هایی که در طول ترم پوشش خواهم داد، به ارائه اهداف کرس و نیز فلسفه و رای به‌کارگیری روش تدریس خودم و معیارها برای قبولی در کلاس‌هایم و نیز رفتارها و فعالیت‌های مورد انتظار از شاگردانم می‌پردازم. سعی می‌کنم وظایف فراگیران را هم در کلاس‌هایم به آن‌ها یادآوری نمایم. (فصل نهم را ببینید). سپس فرهنگ یادگیری موردنظرم را که در غالب ۱۰ قاعده لیست کرده‌ام در قالب یک پوستر بر روی دیوار کلاس نصب می‌کنم تا فراگیران آن‌ها را مطالعه کرده و الگو قرار دهند (فصل هفتم). برخلاف سایر روش‌های تدریس، در روش تدریس این‌جانب جلسه اول خیلی مهم است. از همان ابتدا سعی می‌کنم رابطه‌ای گرم و صمیمی بین خودم و فراگیران و فراگیران با یکدیگر ایجاد کنم تا بدین‌صورت آن‌ها در کلاس‌های من احساس امنیت کرده و در نتیجه ریسک‌پذیر و درگیر در فرایند یادگیری شوند. همین‌طور در این جلسه یک امتحان جامع از فراگیران می‌گیرم تا سطح دانش آن‌ها را بسنجم و بعد بر مبنای نمراتشان در این امتحان آن‌ها را تیم بندی کنم (فصل هفت را ببینید).

در یک کرس خواندن و درک مطلب معمولاً هر درس در دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (جلسه آموزش و جلسه ارزشیابی) پوشش داده می‌شود. فعالیت‌های کلاسی در این دو جلسه به‌قرار ذیل می‌باشند:

جلسه آموزش (۹۰ دقیقه)

۱. سلام و احوال‌پرسی (۲ دقیقه)
۲. مرور درس قبل (۴ دقیقه)
۳. چک کردن تکالیف (۴ دقیقه)

۴. معرفی اجمالی درس جدید (۴ دقیقه)

۵. ارائه درس جدید

۵,۱ فعالیت‌های قبل از درس

الف. ۵,۱. فعال کردن ذهن فراگیران درباره درس جدید (۱۰ دقیقه)

ب. ۵,۱. بحث سؤالات سازمان دهنده در تیم‌ها (۱۰ دقیقه)

۵,۲ فعالیت‌های مربوط به خواندن و درک مطلب

الف. ۵,۲. تمرین و خواندن متن به صورت انفرادی در تیم‌ها (۱۶ دقیقه)

ب. ۵,۲. تمرین و خواندن متن به صورت دو نفره در تیم‌ها (۱۰ دقیقه)

پ. ۵,۲. کار تیمی (۱۰ دقیقه)

۵,۳ فعالیت‌های بعد از تدریس متن

الف. ۵,۳. بحث کردن موضوع در سطح کلاس (۱۲ دقیقه)

ب. ۵,۳. ارائه خلاصه درس (۴ دقیقه)

پ. ۵,۳. دادن تکالیف به فراگیران (۲ دقیقه)

۶. معرفی کار جلسه بعد (۲ دقیقه)

جلسه آزمون (۹۰ دقیقه)

۱. خوش‌وبش (۲ دقیقه)

۲. چک کردن تکالیف فراگیران (۶ دقیقه)

۳. گرفتن امتحان به صورت انفرادی (۳۰ دقیقه)

۴. کار و چک کردن دونفره در تیم‌ها (۲۰ دقیقه)

۵. کار تیمی و ارزیابی تیمی (۱۶ دقیقه)

۶. ارائه پاسخ صحیح به فراگیران (۱۰ دقیقه)

۷. معرفی اجمالی درس جلسه بعد (۶ دقیقه)

در ذیل به انعکاس موارد فوق در یکی از کلاس‌های خواندن و درک مطلب خودم می‌پردازم.

جلسه اول: آموزش

در این جلسه بعد از یک خوش‌وبش مختصر درحالی‌که یک موزیک ملایم در حال پخش است به مرور درس و یا دروس قبل می‌پردازم. این مرور در فضایی آرام که درعین‌حال تعامل و بحث و پرسش و پاسخ را تشویق می‌کند صورت می‌گیرد. دلیل استفاده از موزیک ملایم و آرامش‌بخش در کلاس‌های من این است که ترس و اضطراب احتمالی فراگیران از بین برود و احساس امنیت بیشتری کنند. ضمن اینکه موزیکی که هم‌ریتم ضربان قلب باشد علاوه بر آرامش‌بخش بودن کارایی مغز را هم بیشتر می‌کند چراکه در چنین شرایطی هر دو نیم کره مغز فعال می‌شوند. در مرحله بعد به ارائه موضوع درس جدید که قرار است پوشش داده شود می‌پردازم و سعی می‌کنم که لایه‌های بالاتری از تفکر فراگیران را به چالش بکشم و از این طریق برخی مطالب درس جدید را به دانش قبلی آن‌ها ارتباط دهم. خود ارتباط دادن مطالب جدید به مطالب قبلی به معنادر شدن مطالب جدید و یادگیری بهتر آن‌ها در مراحل بعد کمک زیادی خواهد کرد. البته این موضوع در اسکمتا تئوری هم مطرح شده است. پرسش و پاسخ و تکنیک‌هایی از قبیل بارش ذهنی و به‌کارگیری تکنولوژی‌هایی از قبیل اینترنت در این مرحله فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند. در همین حین سعی می‌کنم کلمات کلیدی و نیز نکات گرامری را به فراگیران به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم معرفی نمایم. معمولاً اگر سطح توان و هوش و استعداد و حوصله کلاس بالا باشد لغات کلیدی و نکات گرامری را به‌صورت غیرمستقیم و از طریق مثال و شعر و داستان و غیره معرفی می‌کنم. بعدازاین مرحله چند سؤال سازمان دهنده مطرح

می‌کنم و از فراگیران می‌خواهم در پنج دقیقه پاسخ‌های احتمالی به آن سؤالات را بحث کنند. از ویژگی‌های این سؤالات سازمان دهنده این است که فراگیران را بیشتر درگیر یادگیری و متمرکزتر می‌کنند و باعث می‌شوند دانش قبلی خود را در آن زمینه‌ها بهتر به یاد بیاورند و با گفتمان آن دانش را جهت کسب دانش جدید به خدمت بگیرند. ضمن اینکه این تکنیک همان‌طور که گفته شد مطالب جدید را برای فراگیران معنادارتر کرده که این خود باعث بهبود سطح درک و دانش آن‌ها می‌شود.

سپس فراگیران تشویق می‌شوند که متن مربوطه را به‌صورت انفرادی و با سرعت در مدت ۸ دقیقه مطالعه نمایند و ببینند که آیا پاسخ‌هایشان به سؤالات سازمان دهنده درست بود و یا نه؟ ضمن اینکه این فعالیت باعث می‌شود که فراگیران یک تصویر کلی از درس جدید به دست بیاورند که این خود به کمک مراحل بعدی آمده و باعث فراگیری بهتر و روان‌تر کل درس خواهد شد. همین‌طور در این مرحله از فراگیران خواسته می‌شود که مطالب مشکل و یا مبهم را علامت‌گذاری کرده و در مراحل بعد بیشتر به آن‌ها توجه کنند. فراگیران در این مرحله باید بدون سروصدا و فقط با چشم مطالعه کنند که این تکنیک خود در درازمدت و در صورتی که به آن عادت کنند سرعت خواندن و درک مطلبشان را افزایش خواهد داد. تکنیک نوت برداری هم در این مرحله تشویق می‌شود.

در مرحله بعد از فراگیران خواسته می‌شود که یافته‌های خودشان را با دوستانشان در تیم‌هایشان به‌صورت دو نفره در مدت ۵ دقیقه به اشتراک و بحث بگذارند. در این مرحله از فراگیران خواسته می‌شود که به تفاوت‌های پاسخ‌ها و درک خود از متن با پاسخ‌ها و درک دوستانشان توجه ویژه کنند. همین‌طور از آن‌ها خواسته می‌شود معنی لغات و جملات مشکل را به هم یادآوری نمایند. هدف اولیه از این مرحله این است که فراگیران درک بهتری از متن به دست آورند. سپس از فراگیران می‌خواهم که با اعضای تیم‌هایشان به‌صورت دایره‌ای و چهره به چهره نشسته و به رفع نهایه ابهامات در لغات و متن موردنظر بپردازند. آن‌ها باید سعی کنند درک کلی و روانی از جملات احتمالاً دشوار و یا پیچیده متن به دست آورند. مهم‌تر اینکه از فراگیران خواسته می‌شود که تا حد امکان مطالب متن را به تجربه‌های شخصی‌شان و دنیای واقعی ارتباط دهند. این تکنیک به‌ویژه در کلاس‌های زبان برای فراگیری و درک مؤثرتر درس بسیار مؤثر بوده و نیز در مهارت گفت‌وگوشنود آن‌ها در محیط‌های واقعی تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. کار دیگری که فراگیران باید به‌صورت تیمی در این مرحله انجام دهند این است که باید سعی کنند یک اوت لاین و یا لیست از ایده‌های اصلی متن تهیه نمایند. در این مرحله فراگیران قادر خواهند بود که درک و دانش خود را با سایر اعضای تیم‌هایشان مقایسه کرده و در واقع خود را ارزیابی نمایند. همچنین در این مرحله آن‌ها با روش‌ها و استراتژی‌های مؤثرتر سایر اعضای تیم خود در طول فرایند بحث و گفتمان آشنا شده و بدین سیاق استراتژی‌ها و دانش و حتی مهارت‌های اجتماعی خود را ارتقاء می‌دهند. همان‌طور که مشخص شد در این مرحله فراگیران فرصت بیشتری برای تفکر و بسیج کردن مهارت‌هایشان و نیز ارتقای اعتمادبه‌نفسشان برای ورود به مرحله بعدی که بحث کلاسی است دارند.

در پنج دقیقه آخر کلاس موضوع ارائه داده‌شده برای بحث کلاسی به فراگیران دوباره معرفی می‌شود. در این مرحله این‌جانب به‌عنوان معلم سعی می‌کنم با پرداختن به اطلاعاتی فراتر از آنچه در متن آمده است - به‌عنوان مثال با مقایسه کردن ایده‌ها و نظرات نویسنده با واقعیات دنیای پیرامون خودمان - لایه‌های بالاتری از تفکر به‌ویژه تفکر انتقادی فراگیران را به چالش بگیرم. همچنین سعی می‌کنم از طریق به‌کارگیری تکنیک‌هایی همانند تکنیک بارش ذهنی نقطه نظرات و ایده‌های جدیدی در اذهان فراگیران خلق نموده و آن‌ها را تشویق نمایم که آن‌ها را مطرح کنند. ضمن اینکه در این مرحله از فراگیران می‌خواهم که آزادانه نظرات و ایده‌های دیگران و از جمله خود من را نقد و تجزیه و تحلیل کنند. خودم هم سعی می‌کنم که با تشویق و ترغیب کردن آن‌ها و نیز درخواست برای شفاف‌سازی ایده‌ها فعالانه در این بحث‌ها شرکت نموده و این بحث‌ها را تسهیل نمایم. این مرحله به فراگیران کمک می‌کند که معدود دانش و یا مهارت ناقص خود را اصلاح کرده و به‌به خاطر سپاری عمیق مطالب در ذهن خود بپردازند. در آخر این مرحله از تیم‌ها خواسته می‌شود که تلاش کنند به یک درک واحد از متن ارائه‌شده برسند. نهایتاً خودم و یا یکی از داوطلبان چکیده بحث کلاس را به فراگیران ارائه داده و به جمع‌بندی بحث می‌پردازیم.

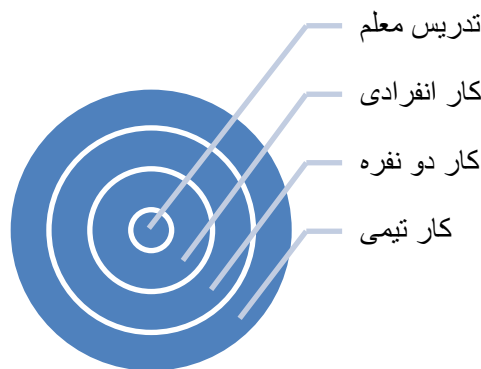
لازم به یادآوری است که به‌ویژه این مرحله آخر و یا همان بحث کلاسی این فرصت را به این‌جانب می‌دهد که به‌صورت نامحسوس درک و هوش و استعداد و میزان شرکت در فعالیت‌های کلاسی تک‌تک فراگیران را ارزیابی نمایم که این

خود باعث کاهش استرس و اضطراب فراگیران می‌شود. به عبارت دیگر، قسمتی از ارزشیابی فراگیران موقعی اتفاق می‌افتد که آن‌ها در حال بحث، شفاف‌سازی کردن ایده‌ها، نقد کردن دیگران، توضیح دادن، سؤال پرسیدن، پاسخ دادن به سؤالات دیگران و مقایسه سطح دانش خود با سطح دانش دیگران هستند.

در پایان این جلسه از فراگیران خواسته می‌شود که برای جلسه بعد ضمن پاسخ دادن به سؤالات درس، درس را خلاصه کرده و تا پنج سؤال راجع به تفاوت‌های مطالب ارائه‌شده در درس و واقعیات دنیای واقعی طراحی و آماده نمایند. همین‌طور به آن‌ها یادآوری می‌شود که جلسه بعد یک آزمون جامع از درس ارائه‌شده گرفته خواهد شد. همچنین آدرس چند وبسایت که مطالبی در ارتباط با درس ارائه‌شده دارند به فراگیران داده خواهد شد و یا از آن‌ها خواسته می‌شود که خود مطالبی مرتبط در فضای مجازی پیدا کرده تا بتوانند درک خود را از متن ارائه‌شده از جهات متفاوت عمیق‌تر کرده و سؤالات جامع‌تری طراحی نمایند. ضمناً از فراگیران می‌خواهم که از مدل و ویکی کلاس هم استفاده کنند و آزادانه بحث‌های خود را در آنجا ادامه دهند.

در خاتمه باید یادآوری نمایم که کاپیتان‌ها و یا همان رهبران تیم‌ها در این پروسه که در این بخش توصیف شد نقش عمده‌ای در موفقیت کلاس ایفا می‌نمایند. همان‌طور که گفته شد آن‌ها نهایت تلاش را برای موفقیت تیم‌هایشان می‌نمایند چراکه به‌خوبی می‌دانند که این زحماتشان نادیده گرفته نخواهد شد (برای توضیح بیشتر در این زمینه بخش مربوط به سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب را در همین فصل مطالعه کنید).

شکل زیر مراحل مورد تأکید در مرحله آموزش را در کلاس‌های این‌جانب نشان می‌دهد.



شکل ۳: فعالیت‌های مربوط به مرحله آموزش در روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»

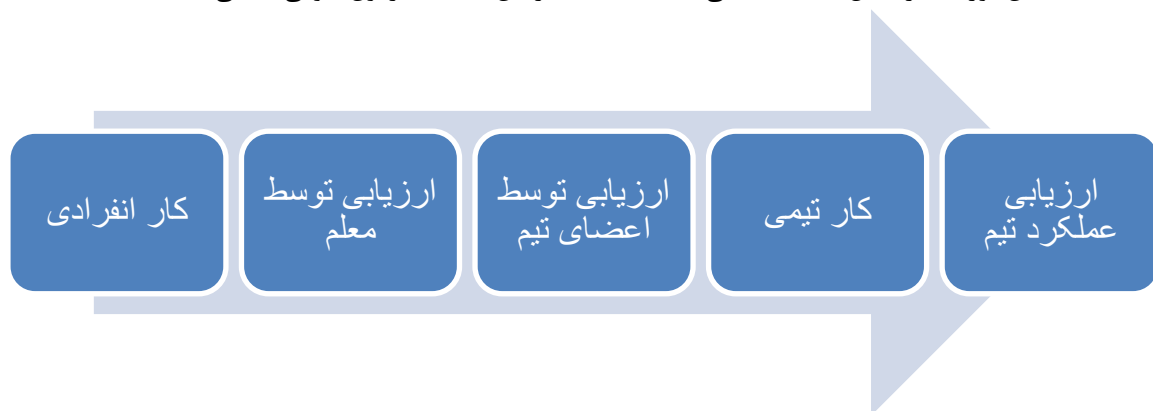
همان‌طور که در توضیحات و همچنین در نمودار بالا مشخص است در روش تدریس این‌جانب در جلسه آموزش پنج مرحله داریم: بعد از اینکه این‌جانب درس را از طریق اینترنت، ویدئو و غیره ارائه می‌دهم، فراگیران این فرصت را دارند که به‌صورت ذهنی و انفرادی به آن بپردازند. سپس آن‌ها فرصت دارند که درک خود را از آن مطلب با یکی از دوستانشان در تیم خود به اشتراک بگذارند. در مرحله بعد این فرصت را دارند که درک و فهم خود را با اعضای تیمشان به اشتراک گذاشته و در ضمن بحث و گفتگویی که باهم دارند درک و فهم خود را از مطالب ارائه‌شده در درس ژرفای بیشتری ببخشند. و بالاخره در مرحله نهایی شاگردان ادراک و آراء و نظرات خود را به بحث گذاشته و به نقد و قضاوت می‌پردازند. از دیگر ویژگی‌های این مرحله این است که شاگردان تشویق می‌شوند مطالب فراگرفته خود را به یاد بیاورند و به‌طور عمیق‌تر به آن‌ها بپردازند. آن‌ها باید برای دفاع از درک و یافته‌های خود دلیل بیاورند و نیز سعی در تفهیم آن‌ها به هم‌تیمی‌های خود نمایند. این دو مرحله از پروسه تدریس باعث می‌شود که استرس آن‌ها برای مرحله نهایی که بحث کلاسی می‌باشد کاهش یافته و با اعتمادبه‌نفس بیشتری وارد آن شوند. و بنابراین در مرحله آخر فراگیران این فرصت را دارند که درک و فهم خود را در معرض قضاوت دیگران بگذارند و نیز ایده‌ها و نظرات دیگران را به چالش بکشند. همچنین آن‌ها در این شرایط باید به اطلاعات فراگرفته شده خود در مرحله قبلی مراجعه کرده و آن‌ها را در شرایط (شبهه) واقعی به کار بگیرند که این خود در ماندگارتر کردن مطالب در ذهن آن‌ها کمک زیادی می‌کند. تمام این فعالیت‌ها فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند و مهم‌تر این‌که به یادگیری ژرفا و معنا

می‌بخشند و این به نوبه خود باعث راحت تر به یادآوری مطالب بعد از مدت طولانی تری می‌شود. در پایان کلاس از فراگیران خواسته می‌شود که تکالیف مربوطه را انجام دهند و چند سؤال کلیدی از درس طراحی کنند و نیز برای امتحان حاضر شوند.

جلسه دوم: امتحان

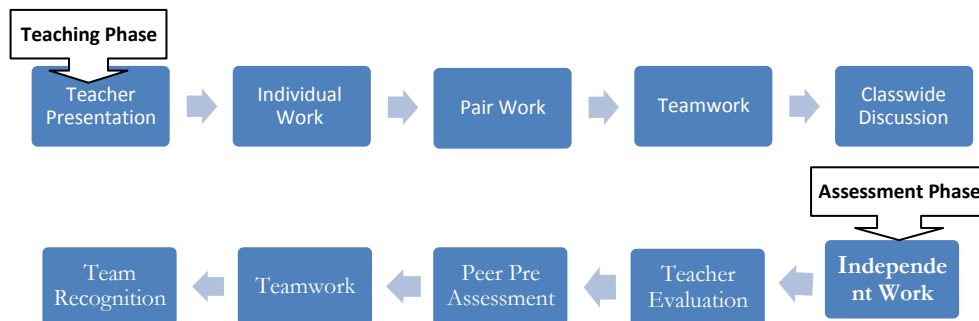
در این جلسه بعد از سلام و احوال پرسی ضمن این که همانند مرحله تدریس موزیک ملایمی پخش می‌شود تکالیف چند تن از شاگردان را چک می‌کنم. البته گاهی هم از کامپیوتر من های کلاس و یا همان افراد برتر کلاس که در واقع همکاران و یا نمایندگان من هستند می‌خواهم که این کار را انجام دهند. سپس از کلاس می‌خواهم که به صورت انفرادی به سؤالاتی که در اختیارشان قرار می‌دهم پاسخ دهند. در آخر برگه‌ها را جمع‌آوری می‌کنم و چند عدد از آن‌ها را به صورت اتفاقی انتخاب می‌کنم تا میزان درک و فهم آن شاگردان را از مطالب ارائه شده در جلسه قبل ارزیابی نمایم. البته هرگاه بخواهم کل برگه‌ها را با کمک کامپیوتر من‌ها که به آن‌ها اعتماد کرده‌ام و مسئولیت داده‌ام ارزیابی می‌نمایم. این نوع ارزیابی‌ها باعث می‌شود که فراگیران به این نتیجه برسند که امتحانات مهم هستند و از جلسه بعد سعی می‌کنند با دقت بیشتری به مطالب ارائه شده بپردازند تا نمره بهتری را در امتحانات کسب نمایند. بلافاصله بعد از جمع‌آوری برگه‌ها دوباره از شاگردان می‌خواهم که همان سؤالات را با دوستانشان به صورت دو نفره در تیم‌هایشان پاسخ دهند. بعد از حدود ده دقیقه از آن‌ها می‌خواهم که پاسخ‌هایشان را با تمام اعضای تیم‌هایشان به اشتراک گذاشته و راجع به آن‌ها تبادل نظر کنند و اگر لازم شد پاسخ‌هایشان را اصلاح نمایند. در این مرحله آن‌ها باید سعی کنند برای تمام سؤالات به پاسخ‌های مشترکی برسند. آن‌ها تشویق می‌شوند که به بحث در مورد دلایل خود برای هر پاسخ هم بپردازند تا بدین صورت دانش افراد ضعیف‌تر کامل شود. در نهایت از هر تیم فقط یک پاسخ‌نامه به صورت اتفاقی انتخاب می‌شود تا برای ارزیابی صاحب آن پاسخ‌نامه و نیز کل اعضای تیمش تصحیح شود. به عبارت دیگر، پاسخ‌های عضوی که به صورت اتفاقی انتخاب شده است نمره تیم را هم مشخص می‌کند! در اینجا ممکن است از شاگردی که برگه‌اش برای ارزشیابی خود و تیمش انتخاب شده است بخواهم که برای پاسخش به سؤالات خاص دلیل و برهان نیز بیاورد. این استراتژی باعث می‌شود که تمام اعضای هر تیم فعال‌تر و با انگیزه بیشتری در فرایند یادگیری شرکت کنند و نه تنها برای یادگیری خود بلکه برای یادگیری اعضای تیمشان هم احساس مسئولیت کنند. نهایتاً پاسخ‌های صحیح در اختیار شاگردان قرار می‌گیرد تا در مورد درک و فهم خود به قضاوت بنشینند و تا هنوز شوق و اشتیاق برای رفع اشکالات خود را دارند و آماده پر کردن خلأ دانش خود هستند به آن‌ها بپردازند و در نتیجه یادگیری‌شان عمیق‌تر و ماندگارتر شود. در آخر جلسه موضوع جلسه بعد را به فراگیران معرفی می‌کنم تا بدین صورت فراگیران در جلسه بعد با یک پیش‌زمینه و آمادگی قبلی وارد کلاس شوند. ضمناً از آن‌ها می‌خواهم که برای پیگیری مباحث کلاس و انجام تکالیف مربوطه و ارائه نظرات، انتقادات و پیشنهادهایشان به وبلاگ این جانب مراجعه نمایند.

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌کنید فعالیت‌ها در این جلسه (آزمون) توالی خاصی داشتند.



شکل ۴ فعالیت‌ها در جلسه آزمون در کلاس‌های «یادگیری تیمی رقابتی»

بنابراین فعالیت‌ها در جلسه آزمون هم همانند جلسه آموزش شامل پنج مرحله می‌باشد: امتحان دادن انفرادی فراگیران، ارزیابی برگه‌های چند فراگیر که به صورت اتفاقی انتخاب می‌شوند، کار و ارزشیابی دو نفره، کار تیمی و ارزیابی تیمی. فلسفه اینکه این جانب به فراگیران اجازه می‌دهم تا به صورت دو نفره و یا تیمی امتحان دهند این است که به آن‌ها فرصت دهم تا استراتژی‌های تست‌زنی و سؤال حل کردن و حل مسئله و نیز روش‌ها و سبک‌های تفکر، نگرش‌ها و مهارت‌های اجتماعی را از یکدیگر یاد بگیرند. این امور هنگامی اتفاق می‌افتند که به‌عنوان مثال دوستانشان دارند به پاسخی می‌پردازند و یا توضیح می‌دهند و در واقع بلند فکر می‌کنند. بنابراین این تکنیک سطح فکر و آگاهی‌ها و نیز دانش فراگیران را افزایش داده و سبب ارتقای مهارت‌های یادگیری و اجتماعی آن‌ها - به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم - می‌شود. یکی از انگیزه‌های اصلی فراگیران برای مشارکت با اعضای تیم‌هایشان در چنین محیط‌هایی ارتقای دانش خود و اثبات برتری‌شان به سایر تیم‌ها می‌باشد. همان‌طور که مشاهده شد در واقع در کلاس‌های این جانب امتحان در خدمت آموزش هست تا بدین صورت فرایند یادگیری و رسیدن به اهداف آموزشی تسهیل و تسریع شود. البته ارزشیابی نهایی فراگیران - که باید به صورت انفرادی امتحان دهند - در طول هر ترم و یا سال یک و یا دو مرتبه انجام می‌شود و بسیار دقیق می‌باشد که در همین فصل به معرفی آن می‌پردازم. در خاتمه برای مرور فعالیت‌های مربوط به ارائه یک درس و جلسه آزمون مربوط به آن شکل زیر را ببینید.



شکل ۵. مراحل آموزش و آزمون در ارائه یک درس در کلاس‌هایی که با روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» اداره می‌شوند. همان‌طور که مشاهده کردید آموزش با روش این جانب تابع مکانیسم‌های خاصی است که بدون در نظر گرفتن هر یک از آن‌ها نمی‌توان ادعا کرد که روش تدریس این جانب به کار گرفته شده است. این مکانیسم‌ها بسیار سیستماتیک، استراتژیک و هدفمند و بر مبنای اصول علمی طراحی شده‌اند. به عبارت دیگر، هر درس در دو جلسه و هر جلسه در پنج مرحله ارائه می‌شود. چنین مکانیسمی در محیطی که شک و تردید و تحقیق و سؤال و پرسش را به همراه دارد باعث تعامل و بحث و گفت‌وگو و خلق و ارائه ایده‌ها و نظرات و تفکرات و راهبردها و استراتژی‌های متنوعی می‌شود که نهایتاً به رشد و بالندگی فراگیران می‌انجامد. بنابراین برخلاف روش‌های تدریس رایج که یادگیری (زبان) را یک امر عادی و ساده که با گوش کردن و حفظ کردن و تکرار کردن و بازگویی کردن در محیط‌های تصنعی اتفاق می‌افتد می‌پندارند روش تدریس این جانب یادگیری (زبان) را یک پروسه پیچیده در نظر گرفته است که نظم و برنامه و تلاش و پشتکار می‌طلبد. همچنین این جانب بر این باور هستم که محیط‌های یادگیری باید مشوق ریسک‌پذیری، خلاقیت و تفکر انتقادی فراگیران باشند و نه اینکه همانند آنچه در روش‌های سنتی رایج است به روش‌های پادگانی اداره شوند که خلاقیت و تفکر انتقادی و اندیشه‌ها را در اذهان به صلیب می‌کشند. در کلاس‌های این جانب معنادار بودن محیط و زبان گفتگو نیز مهم است. ضمن اینکه بر این باور هستم که زبان ابزاری هست برای تفکر و بحث و گفت‌وگو برای پیشرفت تحصیلی و رشد و تکامل و نهایتاً رهایی ستم دیدگان (فصل ۱۰ را ببینید).

«هدف» یادگیری تیمی رقابتی

علی‌رغم ظاهر مکانیسم‌های روش تدریس این جانب که به نظر می‌رسد مطلوب فراگیران باهوش‌تر می‌باشد این روش تدریس برای رشد و تعالی شهروندان ضعیف‌تر طراحی شده است. البته همان‌طور که توضیح داده شد حق و حقوق و انگیزه و تلاش گروه

اول نیز به هیچ عنوان نادیده گرفته نشده است. به عبارت دیگر، توانایی‌ها و نبوغ افراد باهوش‌تر تا حدود زیادی در خدمت بهبود شرایط گروه ضعیف‌تر قرار داده شده است. بنابراین روش تدریس این‌جانب در عمل در خدمت توانمند ساختن ضعفاست که غالباً اکثریت هستند اما نادیده گرفته می‌شوند - چه در کلاس‌ها و چه در جامعه در دنیای پیرامون ما.

ضمن اینکه این‌جانب بر این باور هستم که توانایی خواندن و نوشتن و یا توانایی انجام تکنیک‌های مهارتی دیگر و حتی توانایی به کار بردن آن‌ها - که مورد تأکید روش‌های سنتی هستند - در تعاملات روزمره لازم و ضروری می‌باشد اما وقتی اقلیت حاکم میلی به شنیدن - چه رسد به گفتن - با اکثریت مغلوب و یا همان مظلومان و ستم دیدگان را ندارند این تکنیک‌ها چندان مثمر ثمر نخواهند بود. حتی آموزش مهارت‌های اجتماعی از قبیل درست گوش دادن و مسئولیت‌پذیر بودن در قبال دیگران و تعامل مثبت و سازنده داشتن با آن‌ها به نسل فردا - که مورد تأکید روش‌های مدرن امروزی هستند - لازم و ضروری است اما واقعیت این است که اگر آن‌ها در دنیایی پر از ظلم و ستم و بی‌عدالتی و فساد و غارت و ریا زندگی کنند تدریس چنین مهارت‌هایی هم خیلی مثمر ثمر نخواهد بود. بنابراین هدف روش تدریس این‌جانب صرفاً این نیست که از نظر آکادمیکی و علمی به فراگیران کمک کند و یا صرفاً مهارت‌های ارتباطی و تعاملی و اجتماعی آن‌ها را ارتقاء دهد بلکه روش تدریس این‌جانب علاوه بر این موارد هدف مهم دیگری نیز دارد: روش تدریس این‌جانب به‌گونه‌ای طراحی شده است که توانایی‌ها و کیفیت تفکر (انتقادی) و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل و ایده‌ها و شرایط پیرامون را نیز در فراگیران ارتقاء می‌دهد و هم‌زمان آن‌ها را ظلم‌ستیز بار می‌آورد. هدف اصلی دیگر روش تدریس این‌جانب بیدار و آگاه کردن نسل فردا نسبت به مسائل متفاوت و به‌ویژه مسائل اجتماعی سیاسی پیرامون خود و نیز توانمند کردن آن‌ها و نهایتاً تبدیل آن‌ها به عوامل آگاهی‌بخش و بیدارسازی انتقادی مردمان می‌باشد (برای تأیید این ادعا باید کل این کتاب را مطالعه بفرمایید). و نکته اینجاست که ساختن و آگاه کردن ضعفا نهایتاً به آزادی آن‌ها منجر خواهد شد که به‌نوبه خود به معنی به زیر آوردن رهبران مستبد و خودکامه و ریاکار است که مستضعفان را به‌عنوان مال‌التجاره خود در نظر گرفته‌اند. بنابراین روش تدریس این‌جانب سعی دارد نسل فردا را به عوامل تغییر و توسعه و کسانی که قدرت تأثیرگذاری در دنیای پیرامون خود را دارند تبدیل کند تا بدین‌صورت شرایط زندگی خود و هم‌نوعان خود را بهبود بخشند. این روش تدریس باید به‌ویژه در کشورهای جهان سوم در کلاس‌ها به خدمت گرفته شود چراکه این روش تدریس در عمل راهبردی استراتژیک برای رهاسازی مستضعفان می‌باشد.

«برنامه» یادگیری تیمی رقابتی

در روش تدریس این‌جانب باور بر این است که در آموزش زبان نمی‌شود صرفاً به تدریس گرامر و لغت و یا خواندن و ترجمه کردن پرداخت. در آموزش زبان علاوه بر این مهارت‌ها باید به آموزش جنبه‌های محاوره‌ای، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه جنبه‌های سیاسی زبان نیز پرداخت تا بدین‌صورت خروجی‌های کلاس‌های ما انسان‌هایی متفکر، خلاق، منتقد، متمدن و سیاسی بار آیند تا بتوانند به‌نوبه خود دنیای پیرامون خود را درک کنند و در صورت لزوم تحت تأثیر قرار دهند. برای درک بهتر از چهارچوب تئوریک روش تدریس این‌جانب فصل دهم را که به معرفی پایه‌های تئوریک روش تدریس یادگیری تیمی رقابتی و به‌ویژه به معرفی تئوری آموزشی سیاسی این‌جانب می‌پردازد مطالعه بفرمایید.

اهمیت «انگیزه» در یادگیری تیمی رقابتی

محققان زیادی اخیراً بر اهمیت نقش انگیزه در پیشرفت تحصیلی فراگیران تمرکز کرده‌اند. نداشتن انگیزه در بین فراگیران در کلاس‌های زبان به‌ویژه در کشورهایی همانند ایران که در آن‌ها زبان (انگلیسی) به‌عنوان زبان خارجی می‌باشد و نه زبان دوم علت اصلی عدم موفقیت فراگیران و درواقع ناکامی آموزش (زبان) می‌باشد. اهمیت نقش انگیزه از آنجا مشخص می‌شود که بدانیم انگیزه یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌دهی نگرش فراگیران به زبان و فراگیری آن و نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در میزان درگیر شدن فراگیران در فرایند یادگیری می‌باشد. در واقع انگیزه موتور محرک غلبه بر ضعف‌ها در فراگیری (زبان) و رسیدن به اهداف (آموزشی) می‌باشد. پیش‌فرض این‌جانب این است که در کلاس‌هایم تنها در صورتی موفق خواهیم بود که محیط و شرایط و مکانیسم‌های آموزشی انگیزه کافی را به فراگیران بدهند. بر مبنای چنین پیش‌فرضی است که این‌جانب سعی کرده‌ام

از کانال‌های متفاوت در فراگیران انگیزه کافی برای یادگیری ایجاد نمایم. به‌عنوان مثال مواد آموزشی، تکالیف، فعالیت‌ها و سیستم ارزشیابی من همه و همه طوری طراحی شده‌اند که انگیزه کافی را در فراگیران ایجاد می‌نمایند.

«مواد آموزشی» در یادگیری تیمی رقابتی

همان‌طور که توضیح داده شد انگیزه نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری دارد اما واقعیت این است که تا فراگیران احساس نکنند که عوامل متعدد از جمله مواد آموزشی پتانسیل درگیر کردن آن‌ها را در فرایند یادگیری دارند انگیزه کافی را نخواهند داشت. بنابراین مواد آموزشی از قبیل کتب مرجعی که در کلاس‌هایی که با روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند بکار گرفته می‌شوند باید این پتانسیل را داشته باشند که کمیت، کیفیت، توالی و تنوع زبان تمرینی و به‌ویژه کار تیمی و قدرت تیم‌ها را افزایش دهند. درگیر کردن فعالانه فراگیران در فرایند یادگیری و فعالیت‌های کلاسی باید از دیگر ویژگی‌های این مواد آموزشی باشد. چنین مواد آموزشی پروسه فراگیری مهارت‌های زبانی و استراتژی‌های یادگیری و به‌تبع آن کیفیت یادگیری را بهبود می‌بخشند. بنابراین مواد آموزشی در کلاس‌های این‌جانب باید جالب، متنوع، واقعی، محرک گفتمان، تعاملی، هدفمند و انگیزه آور باشند. نکته مهم این است که این نوع مواد آموزشی باید با تکالیف و فعالیت‌های کلاسی و سیستم ارزشیابی مناسب در محیط‌هایی که پایبندی فراگیران به اصول یادگیری این‌جانب (فصل ۷) را تشویق می‌کنند ساپورت و حمایت شوند تا بتوانیم حداکثر بهره را از به‌کارگیری روش «یادگیری تیمی رقابتی» ببریم.

«تکالیف» و یادگیری تیمی رقابتی

واقعیت دیگر این است که فراگیران در کلاس‌های این‌جانب تا حدود زیادی زبان را هنگامی یاد می‌گیرند که به‌صورت تیمی به انجام تکالیفی می‌پردازند. بنابراین نقش نوع تکالیف و پروژه‌هایی که به آن‌ها می‌دهم بسیار مهم و حیاتی می‌باشند. به‌طور کلی تکالیف باید طوری باشند که واقعیات زندگی روزمره فراگیران را نیز منعکس کنند و بدین‌صورت آن‌ها را بیشتر علاقه‌مند نمایند. آن‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که پاسخ‌ها و واکنش‌های متعدد را پذیرا باشند. ضمن اینکه آن‌ها باید قدرت جلب‌توجه و درگیر کردن کامل فراگیران را هم داشته باشند. مهم‌تر اینکه آن‌ها باید چالش آور و کمی مشکل‌تر از توان تک‌تک فراگیران باشند. به عبارت دیگر، تکالیف و پروژه‌ها باید به صورتی باشند که لازمه انجام و یا حل و پاسخ به آن‌ها کار تیمی باشد تا بتوانند کار تیمی و بحث و گفتمان را تشویق نمایند و سبب افزایش کارایی تیم‌ها شوند. به‌طور خلاصه تکالیف و پروژه‌ها باید پتانسیل این را داشته باشند که

۱. انگیزه فراگیران را افزایش دهند.
۲. شرایط واقعی و ایده آلی برای یادگیری به وجود آورند.
۳. نیاز به همکاری در بین اعضای تیم‌ها را به وجود آورند.
۴. موجب بهبود سطح خلاقیت و تفکر انتقادی فراگیران شوند.
۵. مشوق تلاش و پشتکار و رقابت بین تیم‌ها شوند. و
۶. کیفیت یادگیری را افزایش داده و سبب ماندگاری بیشتر آن شوند.

بنابراین در کلاس‌های این‌جانب بکار گرفتن تکالیفی که فراگیران می‌توانند به‌صورت انفرادی انجام دهند به‌شدت نفی می‌شود چراکه این نوع تکالیف و پروژه‌ها کار تیمی را نه‌تنها تشویق و تسهیل نمی‌کنند بلکه مختل هم می‌کنند. به‌عنوان نمونه نقد سخنرانی و یا نوشته یک نقاد و یا نقد و بررسی مصاحبه‌ها در مجلات و فیلم‌ها از جمله تکالیفی هستند که این‌جانب در کلاس‌های زبان پیشرفته‌ام به آن‌ها می‌پردازم.

«فعالیت‌های کلاسی» در یادگیری تیمی رقابتی

همانند نقش مواد آموزشی و تکالیف و پروژه‌ها نقش فعالیت‌های کلاسی هم در کلاس‌های این‌جانب بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشند. در کلاس‌های این‌جانب فعالیت‌های تیمی که با توجه به علاقه‌مندی‌ها و نیازهای فراگیران طراحی شده‌اند مورد

تأکید می‌باشند. چنین فعالیت‌هایی به صورت طبیعی تبادل آراء و نظرات، شفاف‌سازی مفاهیم، ریسک‌پذیری، بررسی علل و سبب‌ها، تست کردن پیش‌فرض‌ها، تصمیم‌گیری جمعی، حل مسائل و اختلافات و قضاوت کردن درباره موفقیت و یا عدم موفقیت فراگیران به صورت انفرادی و تیمی را تشویق می‌کنند. برخی از این فعالیت‌ها شامل توصیف کردن تصاویر، بازی‌ها، ایفای نقش، تورنومنت‌های تیمی، بحث‌های کلاسی، نقد نقاط مثبت و منفی معلم، رهبر، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و فعالیت‌هایی که انعکاس دهنده مسائل دنیای واقعی مثل خرید کردن و سخنرانی کردن هستند می‌باشد. تمام اعضای تیم‌ها به واسطه مکانیسم‌هایی خاص تشویق می‌شوند که در چنین فعالیت‌هایی به منظور رسیدن به اهداف آموزشی از قبیل حل کردن مسائل و تمرین و انجام پروژه‌ها و غیره درگیر شوند.

ضمناً در کلاس‌های هر گاه فرصتی دست دهد سعی می‌کنم آگاهی‌های اجتماعی سیاسی شاگردانم را هم افزایش دهم. برای نمونه ما درباره رابطه بین دموکراسی، دیکتاتورشیپ و اسلام و یا رابطه بین انتخابات ایران و گزینه هابسون و یا درباره رابطه بین آخوندها و دین فروشان دنیاپرست و درباری و بدبختیها و فلاکت‌های ملت به بحث می‌پردازیم. همین طور راجع به اینکه چرا بیش از ۹۰٪ جوانان ایرانی از اسلام فاصله گرفته اند و یا اینکه چرا در ایران فقرا روز به روز فقیرتر و ثروتمندان روز به روز ثروتمندتر می‌شوند و یا حتی راجع به اینکه چرا افراد منتقد و دگراندیش مطرود و منزوی و حتی حذف می‌شوند به بحث و تبادل نظر می‌پردازیم.

در خاتمه باید یادآور شوم که اینترنت اقیانوسی غنی برای بهره‌گیری از چنین مواد آموزشی، تکالیف و پروژه‌ها و فعالیت‌هایی هست. در اینجا اگر بخواهم بحث‌های سه قسمت قبل را خلاصه نمایم باید بگویم که اگر می‌خواهیم کلاس‌هایی که با روش تدریس این جانب اداره می‌شوند موفق باشند مواد آموزشی، تکالیف و پروژه‌ها و فعالیت‌ها باید این پتانسیل را داشته باشند که

۱. انگیزه فراگیران را افزایش دهند.
۲. فرایند کار تیمی را ارتقاء دهند.
۳. محیط یادگیری‌ای به وجود آورند که به کارگیری استراتژی‌های مؤثر یادگیری و تست‌زنی و حل مسئله و مهارت‌های نوشتاری، گفتاری و اجتماعی را تشویق نمایند.
۴. فراگیران را تشویق به تفکر و بحث و گفتمان نمایند.
۵. به فراگیران کمک کنند که آنچه را معلم ارائه می‌دهد به طور کامل بفهمند.
۶. لایه‌های بالاتری از سطح تفکر فراگیران را به کار گیرند.
۷. بازتابی از واقعیات دنیای واقعی نه تنها در سطح محلی و یا ملی بلکه در سطح بین‌المللی باشند.

لازم به یادآوری است که مواد آموزشی، تکالیف و پروژه‌ها و فعالیت‌ها در کلاس‌های این جانب با ویژگی‌هایی که برای آن‌ها ذکر شد نه تنها به ارتقای دانش و مهارت‌های محاوره‌ای و استراتژی‌های یادگیری فراگیران می‌انجامد بلکه به رشد مهارت‌های اجتماعی و نگرش و منش و شخصیت آن‌ها هم کمک می‌کنند.

«سیستم ارزشیابی» در یادگیری تیمی رقابتی

همانطور که بارها تأکید کرده ام آموزش و سیستم آموزشی ما - در عمل - امتحان و کنکور محور است. این یعنی اینکه به جای اینکه امتحانات و کنکور در خدمت آموزش باشند این آموزش هست که در خدمت امتحانات و کنکور هست! فراگیران هم نقش تعیین کننده ای که نتایج این امتحانات و کنکور بر سرنوشت آنها دارد را پذیرفته اند. آن‌ها می‌دانند که کسانی که در امتحانات و کنکور فعلی موفق عمل می‌کنند موقعیت‌ها و شغل‌ها و در نتیجه منزلت اجتماعی بهتری به دست می‌آورند و به سعادت می‌رسند! بنابر همین حساسیت موضوع خیلی از فراگیران و خانواده‌ها و والدین آنها دست به هر کاری از جمله فروختن فرش زیر پایشان می‌زنند تا فرزندانشان در امتحانات و به ویژه در کنکور موفق شوند. برای اطلاعات بیشتر راجع به اینکه سیستم آموزشی ناکارآمد ما و نیز کنکور چه خسارات جبران ناپذیری به جامعه و پیشرفت ما زده و می‌زند مقالات

مرتبط این جانب تحت عنوان "کالبدشکافی آموزش در ایران"، "سیستم تعلیم و تربیت یا کارخانه گوسفند سازی" و "کنکور ابزاری برای غارت مردم" را در وبلاگم بخوانید.

برخی دیگر از دلایل این جانب برای حذف امتحانات (در مدارس و دانشگاه ها) و کنکور فعلی رژیم آموزشی ایران:

۱. خودم شخصا وقتی برخی سوالات امتحانات و نمونه سوالات کنکور را مطالعه می کنم به راحتی متوجه غیر استاندارد بودن آنها می شوم چرا که غالبا ریلیابیلیتی (reliability) و یا ولدیتی (validity) و یا هر دو این موارد را به اندازه کافی و قابل قبول ندارند.

۲. همانطور که اشاره شد این امتحانات و کنکور غیر استاندارد محور آموزش و سیستم آموزشی ما شده اند و ما را از اهداف واقعی ای که باید آموزش به معنای واقعی آن داشته باشد دور کرده اند. ضمن اینکه یکی از دلایلی هم که دانش آموزان ما چیزی یاد نمی گیرند و از نظر علمی رشد نمی کنند و خود ریشه بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه می شوند همین امتحانات و کنکور فعلی که به شدت استرس زا هستند می باشند. استرس کیفیت و ماندگاری یادگیری و حتی رفتار های اجتماعی دانش آموزان و خانواده های آنها و به تبع آن جامعه را تحت تاثیر منفی خود قرار می دهد.

۳. برگزاری امتحانات و کنکور به شکل فعلی جز اسراف بیت المال و به بیراهه بردن جامعه چیز دیگری نیست. اگر از سیستم ارزشیابی این جانب که در ادامه معرفی می کنم بعنوان جایگزین امتحانات و کنکور استفاده شود و امتحانات و کنکور فعلی حذف شوند حداقل "دو ماه" فرصت آموزش معلمان برای ارتقای دانش و فرهنگ و بینش شهروندان فردا بیشتر می شود. ضمن اینکه این کار به اقتصاد مملکت هم کمک شایانی می کند چرا که دولت مجبور نیست به بیش از یک میلیون معلم که در فصل امتحانات عملا کلاس ندارند از بیت المال حقوقی دهد که نه تنها نتیجه ای مفید و قابل توجهی ندارد بلکه همانطور که اشاره شد ضرر هم دارد! - در مصرف کاغذ هم بسیار صرفه جویی می شود که این یعنی بهبود فضای سبز و جنگل های کشور.

۴. خیلی وقت ها خیلی جاها خیلی سوالات امتحانات و حتی کنکور قبل از برگزاری آنها لو میروند و یا حتی فروخته می شوند. ضمن اینکه در خیلی مدارس هم خیلی از دانش آموزان در جلسات امتحان "تقلب" می کنند.

۵. شرایط امتحانات و کنکور فعلی طوری هست که پولدارها نتیجه بهتری از آنها می گیرند چرا که آنها که مرفه تر هستند می توانند از کلاس های خصوصی و گروهی معلمان و اساتید خود و یا موسسات آموزشی استفاده کنند.

۶. امتحانات و به ویژه کنکور ابزاری شده اند برای غارت مردم - توسط مافیاهایی قدرتمند و صاحب نفوذ خاص. مقاله این جانب تحت عنوان "کنکور ابزاری برای غارت و چپاول مردم" را سرچ و مطالعه کنید.

اینکه سرنوشت افراد و در واقع سرنوشت جامعه بر مبنای این نوع امتحانات و کنکور رقم می خورد هولناک است. نتیجه این اشتباه فاحش را در آشفتگی جامعه امروز خودمان می بینیم. در اینجا یک بار دیگر تکرار می کنم که جامعه علیل و بحران زده کنونی ما نتیجه بی تدبیری های مسئولان و سیاست گذاران آموزشی بی سواد و سبک مغز ما می باشد. در چنین شرایطی با در نظر گرفتن نقش تعیین کننده نمرات و نیز با در نظر گرفتن نقش بسیار منفی و مخرب امتحانات و کنکور فعلی، این جانب امیدوار هستم که مسئولان و سیاست گذاران آموزش و پرورش - اگر در خدمت به مردم صداقت دارند - سیستم

ارزشیابی ای را که این جانب به عنوان یک فرد متخصص حوزه آموزش ارائه داده‌ام بعنوان "بهترین" جایگزین برای امتحانات و کنکور فعلی که خسارات جبران ناپذیری را به آموزش و به تبع آن به جامعه وارد کرده اند و می کنند در نظر بگیرند.

سیستم ارزشیابی این جانب (که می تواند جایگزین امتحانات و کنکور فعلی هم شود)

قبل از پرداختن به سیستم ارزشیابی خودم باید یادآور شوم که لازمه بکارگیری سیستم ارزشیابی این جانب بجای امتحانات و کنکور سراسری فعلی به خدمت گیری روش تدریس این جانب در تمام کلاس ها در سطح ملی می باشد. همانطور که در ویدیوی بالا متوجه شدید این جانب در کلاس هایم دو نوع روش سیستماتیک و هدفمند را برای ارزشیابی دانش آموزانم بکار می گیرم:

۱. روش ارزشیابی غیر رسمی

۲. سیستم ارزشیابی رسمی تر

روش ارزشیابی غیر رسمی

این نوع روش ارزشیابی را که فالبده و غیر رسمی است به دفعات "در جلسات تدریس" م استفاده می کنم تا میزان درگیر شدن دانش آموزانم را در فرایند یادگیری و نیز درک و فهم آنها از آنچه آموزش میدهم را ارتقا و همزمان ارزیابی نمایم. ضمن اینکه مکانیزم این روش ارزشیابی باعث می شود که همه اعضای تیم ها در کلاس های این جانب که بر کار تیمی در محیط های رقابتی تاکید دارند همکاری بیشتری با یکدیگر داشته باشند. در این روش ارزشیابی بعد از اینکه مطلبی را تدریس می کنم یکی از اعضای یکی از تیم ها را به صورت اتفاقی انتخاب می کنم و از او می خواهم که برای کسب نمره خودش و تیمش پاسخ سوال و یا سوالات این جانب را (غالباً به صورت شفاهی) بدهد. نمره نهایی یک تیم نیز می تواند از طریق گرفتن معدل نمره عضو به صورت اتفاقی انتخاب شده و میانگین نمره سه عضو دیگر در آخرین امتحان محاسبه شود. به عبارت دیگر، در یک تیم ۴ نفره اگر نمره عضو انتخاب شده ۸۰ (از صد) و نمرات سه نفر دیگر به ترتیب ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ که میانگین شان می شود ۶۰ باشد نمره نهایی عضو انتخاب شده ۷۰ خواهد بود - یعنی معدل ۶۰ و ۸۰. این نمره می تواند برای تیم هم در نظر گرفته شود. این روش ارزشیابی که در هر جلسه تدریس به کار گرفته می شود کمبود تأکید بر تعامل مثبت و سازنده بین اعضای تیم ها را در سیستم ارزشیابی اصلی روش تدریس این جانب که در پایین معرفی شده است جبران می کند. برای آشنایی با تکنیک های بیشتر برای ایجاد و ماندگار کردن تعامل مثبت و سازنده و نیز حس مسئولیت پذیری در بین اعضای تیم ها فصل بعد (هفت) را مطالعه بفرمایید.

سیستم ارزشیابی رسمی تر

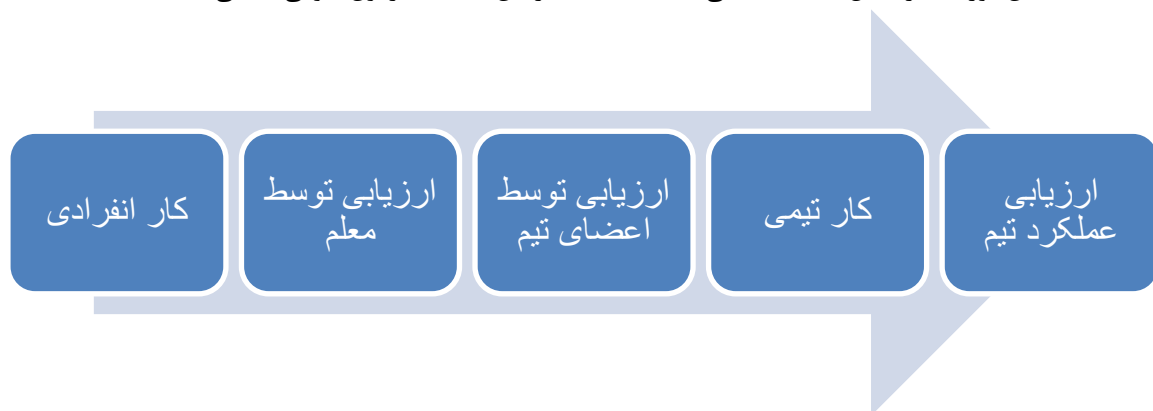
در زمان آزمون رسمی که معمولاً بعد از یکی دو و یا چند جلسه آموزش برگزار می شود، بعد از سلام و احوال پرسی ضمن این که همانند مرحله تدریس موزیک ملایمی پخش می شود تکالیف چند تن از شاگردان را چک می کنم. البته گاهی هم از کامپیوتر من های کلاس و یا همان افراد برتر کلاس که در واقع همکاران و یا نمایندگان این جانب هستند می خواهم که این کار را انجام دهند. سپس از کلاس می خواهم که به صورت انفرادی به سؤالاتی که در اختیارشان قرار می دهم پاسخ دهند. در آخر برگه ها را جمع آوری می کنم و چند عدد از آنها را به صورت اتفاقی انتخاب می کنم تا میزان درک و فهم آن شاگردان را از مطالب ارائه شده در جلسه قبل ارزیابی نمایم. البته هرگاه بخواهم کل برگه ها را با کمک کامپیوتر من ها که به آنها اعتماد کرده ام و مسئولیت داده ام ارزیابی می نمایم. این نوع ارزیابی ها باعث می شود که فراگیران به این نتیجه برسند که امتحانات

مهم هستند و از جلسه بعد سعی می‌کنند با دقت بیشتری به مطالب ارائه‌شده بپردازند تا نمره بهتری را در امتحانات کسب نمایند.

بلافاصله بعد از جمع‌آوری برگه‌ها دوباره از شاگردان می‌خواهم که همان سؤالات را با دوستانشان به صورت دو نفره در تیم‌هایشان پاسخ دهند. بعد از حدود ده دقیقه از آن‌ها می‌خواهم که پاسخ‌هایشان را با تمام اعضای تیم‌هایشان به اشتراک گذاشته و راجع به آن‌ها تبادل نظر کنند و اگر لازم شد پاسخ‌هایشان را اصلاح نمایند. در این مرحله آن‌ها باید سعی کنند برای تمام سؤالات به پاسخ‌های مشترکی برسند. آن‌ها تشویق می‌شوند که به بحث در مورد دلایل خود برای هر پاسخ هم بپردازند تا بدین صورت دانش افراد ضعیف‌تر کامل شود. در نهایت از هر تیم فقط یک پاسخ‌نامه به صورت اتفاقی انتخاب می‌شود تا برای ارزیابی صاحب آن پاسخ‌نامه و نیز کل اعضای تیمش تصحیح شود. به عبارت دیگر، پاسخ‌های عضوی که به صورت اتفاقی انتخاب شده است نمره تیم را هم مشخص می‌کند! در اینجا ممکن است از شاگردی که برگه‌اش برای ارزشیابی خودش و تیمش انتخاب شده است بخواهم که برای پاسخ‌هایش به سؤالات خاص دلیل و برهان نیز بیاورد. این استراتژی باعث می‌شود که تمام اعضای هر تیم فعال‌تر و با انگیزه بیشتری در فرایند یادگیری شرکت کنند و نه تنها برای یادگیری خود بلکه برای یادگیری اعضای تیم‌شان هم احساس مسئولیت کنند.

نهایتاً پاسخ‌های صحیح در اختیار شاگردان قرار می‌گیرد تا خود در مورد درک و فهم خود به قضاوت بنشینند و تا هنوز شوق و اشتیاق برای رفع اشکالات خود را دارند و آماده پر کردن خلأ دانش خود هستند به آن‌ها بپردازند و در نتیجه یادگیری‌شان عمیق‌تر و ماندگارتر شود. در آخر جلسه موضوع جلسه بعد را به فراگیران معرفی می‌کنم تا بدین صورت فراگیران در جلسه بعد با یک پیش‌زمینه و آمادگی قبلی وارد کلاس شوند. ضمناً از آن‌ها می‌خواهم که برای پیگیری مباحث کلاس و انجام تکالیف مربوطه و ارائه نظرات، انتقادات و پیشنهادهایشان به وبلاگ این جانب مراجعه نمایند.

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌کنید فعالیت‌ها در این جلسه (آزمون) توالی خاصی داشتند.



شکل ۴ فعالیت‌ها در جلسه آزمون در کلاس‌های «یادگیری تیمی رقابتی»

همان‌طور که ملاحظه فرمودید فعالیت‌ها در جلسه آزمون هم همانند جلسه آموزش شامل پنج مرحله می‌باشد: امتحان دادن انفرادی فراگیران، ارزیابی برگه‌های چند فراگیر که به صورت اتفاقی انتخاب می‌شوند، کار و ارزشیابی دو نفره، کار تیمی و ارزشیابی تیمی. فلسفه اینکه این جانب به فراگیران اجازه می‌دهم تا به صورت دو نفره و یا تیمی امتحان دهند این است که به آن‌ها فرصت دهم تا استراتژی‌های تست‌زنی و سؤال حل کردن و حل مسئله و نیز روش‌ها و سبک‌های تفکر، نگرش‌ها و مهارت‌های اجتماعی را از یکدیگر یاد بگیرند. این امور هنگامی اتفاق می‌افتند که به‌عنوان مثال دوستانشان دارند به پاسخی می‌پردازند و یا توضیح می‌دهند و در واقع بلند فکر می‌کنند. بنابراین این تکنیک سطح فکر و آگاهی‌ها و نیز دانش و بینش فراگیران را افزایش داده و سبب ارتقای مهارت‌های یادگیری و اجتماعی آن‌ها - به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم - می‌شود. در

هر صورت یکی از انگیزه‌های اصلی فراگیران برای مشارکت با اعضای تیم‌هایشان در چنین محیط‌هایی ارتقای دانش خود و اثبات برتری‌شان به سایر تیم‌ها می‌باشد.

شیوه نمره دادن به تیم‌ها و اعضای‌شان در کلاس‌های من

این سیستم ارزشیابی این‌جانب که در این قسمت به آن می‌پردازم می‌تواند در هر ترم یا سال تحصیلی "حداقل" دو بار به خدمت گرفته شود.

بر خلاف امتحانات و کنکور فعلی که "بسیار" استرس‌زا هستند و مانع یادگیری موثر و بلند مدت دانش‌آموزان می‌شوند، در این سیستم ارزشیابی سعی کرده‌ام که از نمرات برای ایجاد فضایی شاد و پویا و هیجان‌انگیز و انگیزه‌آور برای درگیر کردن کامل فراگیران در فرایند یادگیری و تعامل فعال و سازنده آن‌ها با یکدیگر استفاده کنم تا بدین ترتیب نیل به اهداف آموزشی خود را تسهیل و تسریع نمایم. در کلاس‌های این‌جانب که تمرکز بر کار تیمی در محیط‌های رقابتی است ارزشیابی نهایی هریک از اعضای تیم‌ها بر مبنای مقیاس‌های ذیل است که البته باید در اول هر ترم و یا سال به فراگیران معرفی شوند:

۱. ۴۰٪ نمره نهایی فراگیر با توجه به نمره او در آخرین امتحانی که داده است. در اول ترم/سال، نمره امتحان ترم/سال قبلش ملاک خواهد بود.
۲. ۱۰٪ نمره نهایی فراگیر با توجه به پیشرفت او که در واقع تفاوت آخرین نمره او با نمره پایه‌اش (میانگین نمرات قبلی‌اش) می‌باشد.
۳. ۲۰٪ نمره نهایی فراگیر با توجه به مقایسه آخرین نمره او با معدل نمرات رقبای هم‌رده‌اش (هم‌سطحش) در تیم‌های دیگر.
۴. ۳۰٪ نمره نهایی فراگیر با توجه به معدل نمرات اعضای تیم در آخرین امتحان.

برای مثال، اگر در یک تیم متوسط (۴ نفره) محمد به‌عنوان عضو قوی‌تر و یا همان کاپیتان از ۱۰۰ امتیاز ۹۰ بگیرد و علی و رضا به‌عنوان اعضای متوسط ۷۰ و ۶۰ بگیرند و میلاد به‌عنوان عضو ضعیف‌تر نمره ۳۵ را کسب نماید روش محاسبه نمره نهایی و پایان‌ترم علی به‌قرار زیر خواهد بود. البته قبل از آن باید یادآوری نمایم که در امتیازبندی ذیل فرض بر این است که نمره پایه علی، میانگین نمره هم‌رده‌های او در سایر تیم‌ها و میانگین نمرات اعضای تیمش در آخرین امتحان به ترتیب ۴۵، ۴۰ و ۶۳،۷۵ می‌باشد.

۱. ۲۸ امتیاز برای نمره ورقه‌اش ($۲۸ = ۴۰ \times ۷۰$).
۲. ۲،۵ امتیاز برای پیشرفتش نسبت به گذشته‌اش ($۲،۵ = ۱۰ \times ۲۵$ و $۲۵ = ۴۵ - ۷۰$).
۳. ۶ امتیاز برای میزان پیشرفتش نسبت به هم‌رده‌هایش در تیم‌های دیگر ($۶ = ۲۰ \times ۳۰$ و $۳۰ = ۴۰ - ۷۰$).
۴. ۱۹،۱۲ امتیاز برای عملکردش در آخرین امتحان ($۱۹،۱۲ = ۳۰ \times ۶۳،۷۵$).

بنابراین نمره نهایی علی ۵۵،۶۲ خواهد بود ($۵۵،۶۲ = ۲۸ + ۲،۵ + ۶ + ۱۹،۱۲$) که البته برای اینکه این نمره روند شود به او نمره ۵۶ داده خواهد شد. نمره نهایی تیم علی هم میانگین و یا معدل نمرات اعضایش خواهد بود که همانند نمره علی مصاحبه خواهند شد. همین‌طور رده‌بندی تیم‌های کلاس با مقایسه معدل‌های آن‌ها امکان‌پذیر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ارزشیابی هر یک از اعضای تیم‌ها با ارزشیابی تیم‌هایشان در یک راستا بوده و همبستگی دارند.

اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که دو مقیاس اول از چهار مقیاسی که عنوان شد بر ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و درگیر کردن تمام اعضای هر تیم تمرکز دارند. مقیاس سوم هم بر ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و نیز ایجاد تعامل سازنده بین

اعضای هر تیم تمرکز دارد. مقیاس ۳ از آن جهت باعث به وجود آمدن تعامل مثبت و سازنده می‌شود که تمام اعضای هر تیم را به این نتیجه می‌رساند که اگر به یکدیگر کمک کنند شانس شان برای اینکه رقبای هم‌رده خود را در سایر تیم‌ها پشت سر بگذارند بیشتر می‌شود که این خود به موفقیت تیم هم کمک خواهد کرد که البته موفقیت تیم شان هم به موفقیت آن‌ها کمک می‌کند. به‌ویژه فراگیران ضعیف‌تر این مقیاس سوم را جالب توجه می‌بینند چراکه رقابت کردن با کسانی که هم‌سطحشان هستند را ممکن می‌بینند. مقیاس چهارم - از چهار مقیاس بالا - هم بر ایجاد و ماندگاری تعامل مثبت و سازنده تمرکز دارد. این مقیاس انگیزه خوبی به فراگیران قوی‌تر می‌دهد تا نهایت تلاش خود را برای ارتقای دانش و استراتژی‌ها و مهارت‌های اعضای تیم شان بکنند.

همان‌طور که مشاهده کردید در سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب ۷۰٪ موفقیت هر عضو از هر تیم به میزان تلاش و پشتکار و اراده خودش و ۳۰٪ از آن به میزان کارایی اعضای تیمش بستگی دارد. در این شرایط اعضای تیم‌ها به‌خوبی به این نتیجه می‌رسند که اگر از زیر کار شانه خالی کنند اولین نفری که متضرر شود خودشان هستند. این خود باعث می‌شود که برای یادگیری و پیشرفت خود احساس مسئولیت کنند. این در حالی است که در روش‌های تدریس دیگری که بر کارگروهی تمرکز دارند و در اروپا و غرب محبوب و رایج هستند موفقیت هر عضو تقریباً به‌طور ۱۰۰٪ به موفقیت و پشتکار سایرین بستگی دارد و بنابراین غالباً اعضای تیم‌ها احساس مسئولیت نمی‌کنند که این خود باعث ناکامی این روش‌های تدریس شده است.

برای ساده تر کردن ارزشیابی دانش آموزان می‌توان نمره نهایی یک عضو را که بر مبنای آن چهار مقیاس که توضیح داده شد به دست می‌آید برای تمام اعضای تیم و حتی برای خود تیم نیز در نظر گرفت. در این صورت عضو یادشده باید به‌صورت اتفاقی انتخاب شود و یا می‌تواند عضوی انتخاب شود که تن به کار و همکاری نمی‌دهد! این کار باعث می‌شود که همه اعضای تیم حواس شان را جمع کنند و نهایت تلاش شان را برای موفقیت یکدیگر به کار ببرند.

بنابراین در محیط‌های شاد و انگیزه آوری که بواسطه سیستم ارزشیابی این‌جانب در کلاس‌های این‌جانب ایجاد می‌شود تیم‌ها نه تنها بر مبنای پیشرفت انفرادی اعضایشان آن‌گونه که در روش‌هایی مثل CIRC است و نیز بر مبنای مقایسه آن‌ها با رقبای هم‌سطحشان همانند آنچه در TGT است ارزیابی می‌شوند بلکه آن‌ها بر مبنای پیشرفت تیم شان در مقایسه با سایر تیم‌های کلاس نیز ارزیابی می‌شوند. همچنین در کلاس‌های این‌جانب به‌منظور تشویق اعضای تیم‌ها به همکاری بیشتر و نیز تشویق تیم‌ها به رقابت شدیدتر با یکدیگر گاهی اوقات - مثلاً در پایان هر میان‌ترم و یا ترم - به بهترین تیم کلاس هدیه‌ای ویژه داده می‌شود: به‌عنوان مثال به کل اعضای آن تیم از ۱۰۰ نمره، نمره ۱۰۰ را می‌دهم - بدون توجه به نمره واقعی آن‌ها البته به شرط اینکه حداقل ۵۰ را گرفته باشند.

همین‌طور برای انگیزه دادن به کاپیتان‌ها و یا همان رهبران تیم‌ها برای کمک کردن بیشتر و صادقانه‌تر به اعضای تیم‌هایشان در صورت پیشرفت مناسب اعضای تیم شان برای آن‌ها هم نمره تشویقی در نظر می‌گیرم و اعمال می‌کنم. ضمناً رده‌بندی تیم‌ها و نیز نام کوشاترین و نیز چالش آورترین فراگیران کلاس در پایان هر میان‌ترم و یا ترم بر روی تابلوی اعلانات کلاس جهت آگاهی کلاس و تیم‌ها نصب می‌شود. بر مبنای همین رده‌بندی در هر دوره دو و یا سه فراگیر برتر به‌عنوان نمایندگان / همکاران این‌جانب و یا کامپیوتر من انتخاب می‌شوند که در کلاس در امر تدریس و چک کردن تکالیف و تصحیح ورقه‌های امتحان این‌جانب را یاری خواهند نمود. به‌عنوان مثال - همان‌طور که در ویدیوی بالا ملاحظه فرمودید، وقتی اعضای تیم‌ها سؤال و یا مشکلی دارند باید به کاپیتان‌ها مراجعه کنند و اگر کاپیتان‌ها از عهده آن‌ها برنیامدند باید به یکی از این دو و یا سه نفر مراجعه نمایند - این‌جانب به‌عنوان معلم آخرین راه‌حل خواهم بود. نکته بسیار مهم این است که کاپیتان‌ها و کامپیوتر من‌ها در هر دوره که امتحان می‌گیرم با توجه به نتیجه امتحان ممکن است تغییر کنند و افراد شایسته‌تر جایگزین آن‌ها شوند.

برای اینکه سطح استرس و اضطراب فراگیران را هم کم کنم و در نتیجه فرایند یادگیری را تسهیل و یادگیری فراگیران را عمیق تر نمایم تیم‌هایی که حداقل رنک را کسب نمایند به شرط اینکه اعضایشان هم حداقل نمره را کسب نمایند کرس را پاس خواهند کرد. معدل نمرات اعضای تیم‌ها مبنای چنین تصمیمی می‌باشد. تمام این تکنیک‌ها و مشوق‌ها برای این است که تا حد امکان فضایی برد-برد برای همه به وجود آورم تا بدین سیاق همه احساس امنیت نموده و صرفاً به امر یادگیری بپردازند و حتی رقابت شان هم برای یادگیری بهتر و عمیق تر باشد.

«سیستم ارزشیابی» روش تدریس این جانب (یادگیری تیمی رقابتی) به عنوان «عاملی انگیزشی»

همان طور که توضیح داده شد هیچ کس نمی‌تواند نقش بی‌بدیل انگیزه را در موفقیت فراگیران کتمان نماید. برای اینکه به فراگیران انگیزه دهیم خیلی وقت‌ها لازم است که نیاز و یا میل و خواسته‌ای را در آن‌ها ایجاد کنیم که این پتانسیل را داشته باشد که آن‌ها را مصمم و تشویق به تلاش و مهم‌تر از آن ادامه تلاش خود کند. با توجه به نقش بی‌بدیل انگیزه در موفقیت فراگیران این جانب در روش تدریس با تکنیک‌ها و استراتژی‌های متفاوتی و همین‌طور از کانال‌های متعددی سعی در ایجاد و ماندگاری انگیزه در فراگیران کرده‌ام. ارائه تکالیف و پروژه‌های چالش آور برای تیم‌ها، حمایت از فراگیران در طول فرایند یادگیری در محیط‌هایی شاداب و پویا، طراحی و ارائه فعالیت‌ها و مواد آموزشی جذاب و جالب توجه برای فراگیران و تشویق کردن آن‌ها به همکاری با اعضای تیم شان و رقابت بیشتر با سایر تیم‌ها از جمله این راهبردها برای انگیزه‌مند کردن فراگیران می‌باشند. اما خلق کردن اهداف به صورت مرحله‌ای در سیستم ارزشیابی یادگیری تیمی رقابتی مهم‌ترین راهبرد این جانب برای ایجاد و حفظ انگیزه در فراگیران می‌باشد. سیستم ارزشیابی این جانب

۱. به تک تک اعضای هر تیم انگیزه می‌دهد که در هر امتحان سعی کند نمره‌اش را نسبت به نمراتش در امتحانات قبلی بالا ببرد.
۲. به تک تک اعضای تیم‌ها انگیزه می‌دهد که با رقبای هم‌سطح خود در سایر تیم‌ها رقابت کند.
۳. به تیم‌ها انگیزه می‌دهد که برتری خود را نسبت به سایر تیم‌ها به اثبات برسانند.
۴. به تیم‌ها انگیزه می‌دهد که سعی کنند به عنوان بهترین تیم کلاس شناخته شوند.
۵. به تک تک فراگیران این انگیزه را می‌دهد که سعی کنند برتری خود را نسبت به سایرین نشان دهند تا به عنوان کاپیتان و کامپیوتر من انتخاب شوند.

تمام این موارد

۱. سبب درگیر شدن جامع تر فراگیران در فرایند یادگیری شده و نیز آن‌ها را تشویق می‌کند که نهایت تلاش خود را جهت ژرفا بخشیدن به یادگیری خود بکنند.
۲. سبب می‌شود اعضای تیم‌ها با اشتیاق و هدفمند به یکدیگر کمک کنند. و
۳. سبب می‌شوند فراگیران سعی کنند سطح دانش خود را قبل از اینکه توسط معلم ارزیابی شوند خود بسنجند.

کمی بیشتر راجع به ورای سیستم ارزشیابی این جانب

با توجه به اینکه این جانب بر این باور هستم که رسیدن به اهداف ممکن است انگیزه برای کار بیشتر را از فراگیران سلب نماید، سعی کرده‌ام برای فراگیران اهداف متعدد و به صورت پله کانی طراحی و تعریف نمایم. قصدم از این کار این بود تا نه تنها برای فراگیران انگیزه ایجاد کنم بلکه این انگیزه را تا پایان ترم / سال حفظ نمایم. همان‌طور که گفتم این انگیزه باعث فعال و درگیر شدن فراگیران در فرایند یادگیری شده که این خود به یادگیری آن‌ها ژرفا بخشیده و آن را ماندگارتر می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های سیستم ارزشیابی این‌جانب به این واقعیت برمی‌گردد که در این سیستم برخلاف سیستم‌های ارزشیابی روش‌های تدریس کارگروهی دیگر همه اعضای یک تیم یک نمره مشترک نمی‌گیرند چراکه این امر باعث می‌شود فراگیران انگیزه خود را برای کارگروهی و یا رقابت تیمی از دست بدهند. سیستم ارزشیابی این‌جانب استعداد و تلاش و پشتکار و حس مسئولیت‌پذیری تک‌تک اعضای هر تیم را به‌طور سیستماتیک در نظر می‌گیرد و فضا را برای کسانی که میل دارند از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند محدود می‌کند. بنابراین نکته حائز اهمیت این است که در سیستم ارزشیابی این‌جانب برخلاف روش‌های دیگر نمرات با توجه به استعداد و تلاش و پشتکار و خلاقیت و حس مسئولیت‌پذیری افراد به آن‌ها داده می‌شود و نه به‌صورت ناعادلانه چراکه این‌جانب معتقد هستم در صورتی که همانند برخی روش‌های دیگر نمرات به‌صورت غیرهوشمند و ناعادلانه داده شوند فراگیران به‌تدریج ممکن است که به این نتیجه برسند که آن‌ها از نظر این‌جانب با حیوانات هیچ فرقی ندارند چراکه ارزشیابی و نمره دادن این‌جانب تابع نظم و قانون و معیار خاصی نیست.

در خاتمه باید این نکته مهم را یادآور شوم که نمره ظاهراً صرفاً نقش یک انگیزه بیرونی را دارد اما واقعیت این است که کسانی که برای نمره کار می‌کنند در امتحانات موفق‌تر عمل می‌کنند و خود این موفقیت نگرش آن‌ها را نسبت به مقوله یادگیری مثبت‌تر می‌کند. و این نگرش مثبت به‌تدریج به ایجاد و ارتقای انگیزه درونی برای موفقیت بیشتر در آن‌ها می‌انجامد. ضمن اینکه کسانی که برای نمره درس می‌خوانند در واقع اهدافی دارند که برای رسیدن به آن‌ها باید نمرات بالایی کسب نمایند. به عبارت دیگر، آن‌ها از قبل انگیزه درونی را دارند. منتهی بحث این‌جانب این است که سیستم امتحانات و کنکور فعلی نه تنها به هیچ عنوان استاندارد و در جهت اهداف آموزشی نیستند بلکه خسارت‌زا هم هستند و بنابراین سیستم ارزشیابی این‌جانب که بر به خدمت‌گیری آزمون در جهت نیل به اهداف آموزشی متعالی تاکید دارد باید جایگزین آنها شود.

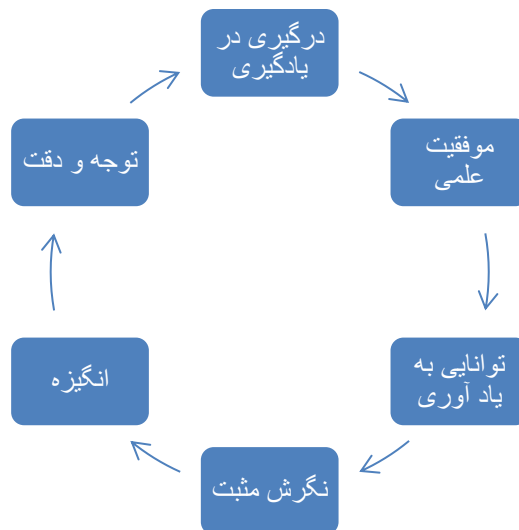
سیستم ارزشیابی این‌جانب بعنوان یکی از دلایل اصلی موفقیت روش تدریس من

یادآوری این نکته هم مهم هست که همانطور که در فصل یازدهم آمده است سیستم ارزشیابی این‌جانب یکی از عوامل مهم موفقیت روش تدریس این‌جانب بوده است که تا کنون راجع به موثر بودن آن دهها کتاب و مقاله و پایان‌نامه نوشته شده است. به‌عنوان مثال استراتژی‌های یادگیری‌ای که افراد ضعیف‌تر در تعامل با افراد قوی‌تر در تیم‌هایشان یاد می‌گیرند به آن‌ها کمک می‌کند که مطلب ارائه‌شده توسط این‌جانب را بهتر بفهمند و مهم‌تر اینکه بهتر به حافظه بسپارند و یاد بگیرند تا بتوانند در مواقع لزوم آن‌ها را بکار بگیرند. علاوه بر این، مکانیسم‌های تعریف شده برای سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب علاوه بر افراد قوی‌تر افراد ضعیف‌تر را نیز تشویق می‌کند که نه تنها برای موفقیت خود بلکه برای موفقیت تیم‌هایشان تمام تلاششان را برای ارتقای سطح دانش و مهارت‌های خود بنمایند. این نوع انگیزه بیرونی که توسط سیستم ارزشیابی این‌جانب به فراگیران داده می‌شود تمام آن‌ها را - و نه صرفاً افراد قوی‌تر را - تشویق به درگیر فعال شدن در فرایند یادگیری می‌نماید. به‌طور خلاصه سیستم ارزشیابی این‌جانب انگیزه، اهداف، تمرکز، تعامل، درگیر شدن در فرایند یادگیری و در نتیجه یادگیری فراگیران را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

دلیل دیگر موفقیت روش تدریس این‌جانب این است که برخلاف روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تکیه‌دارند و در آمریکا، کانادا، اسکاتلند و اروپا رایج هستند روش تدریس این‌جانب از عامل ایجاد «رقابت» به‌عنوان عاملی مؤثر در ایجاد تعامل کارآتر بین اعضای تیم‌ها در جهت رسیدن به اهداف مشترک مدد می‌جوید. همین‌طور محیط یادگیری‌ای که مکانیسم‌های روش تدریس این‌جانب و به‌ویژه فرهنگ یادگیری و سیستم ارزشیابی آن به وجود می‌آورند نیز در موفقیت این روش تدریس مؤثر هستند. چنین محیط‌هایی که درگیر شدن تمام افراد را در فرایند یادگیری تشویق می‌کنند نه تنها استرس‌زا نیستند بلکه بسیار دوستانه و درعین‌حال هیجان‌آور و پویا و شادی هستند. در چنین محیط‌هایی فراگیران فرصت دارند که فکر کنند و نیز بازخورد راه‌حل‌ها و ایده‌های خود را در محیط‌هایی که بحث و گفت‌وگو را تشویق می‌کنند ببینند. آن‌ها همچنین فرصت دارند درحالی‌که موزیک ملایمی پخش می‌شود به تمرین آنچه پردازند که قرار است به اعضای تیم خود

و سپس به کلاس ارائه دهند. فراگیران این را نیز می‌دانند که در کلاس‌های این‌جانب اگر حداقل نمره (یعنی ۵۰) را بگیرند درس زبان را پاس خواهند کرد. بنابراین چنین محیط‌هایی که به‌ویژه در آن‌ها معلم به عنوان یک دوست ظاهر می‌شود استرس و اضطراب فراگیران را از بین می‌برد. چنین محیط‌هایی به‌ویژه به نفع فراگیران ضعیف‌تر، خجالتی‌تر و درون‌گراتر می‌باشند که از قضا اکثریت کلاس را نیز تشکیل می‌دهند و معمولاً به‌واسطه ترس و استرسی که دارند نمی‌توانند به‌طور فعال در فعالیت‌های کلاسی شرکت کرده و از تمام پتانسیل خود برای یادگیری و موفقیت استفاده کنند.

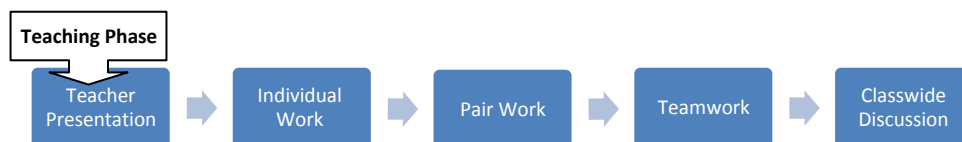
محیط‌های یادگیری در کلاس‌های این‌جانب باعث نگرش مثبت‌تر فراگیران نسبت به محیط‌های یادگیری، مواد آموزشی و معلم نیز شده و در نتیجه انگیزه آن‌ها را برای یادگیری افزایش داده که این‌ها خود باعث موفقیت روش تدریس این‌جانب می‌شوند. محققین زیادی اذعان داشته‌اند که نگرش مثبت و انگیزه فراگیران باعث افزایش تمرکز آن‌ها شده که این خود کیفیت درگیر شدن آن‌ها در فرایند یادگیری را ارتقاء می‌دهد. و درگیر شدن در فرایند یادگیری کلید یادگیری مؤثر و به خاطر سپاری و به یادآوری موثرتر مطالب می‌باشد. در همین راستا محققینی همچون آکسفورد (۱۹۹۰) بر این باور هستند که فراگیرانی که نگرش مثبت‌تر و انگیزه بیشتری دارند تمایل زیادتری به بکارگیری استراتژی‌های مؤثر یادگیری دارند که این خود به موفقیت آکادمیک آن‌ها کمک شایانی می‌کند. و موفقیت آکادمیک فراگیران به‌نوبه خود نگرش آن‌ها را مثبت‌تر و انگیزه آن‌ها را دوچندان می‌کند که این‌ها باعث درگیر شدن مؤثرتر آن‌ها را در فرایند یادگیری شده و در نتیجه یادگیری مؤثرتر آن‌ها را در پی دارد. این پروسه در شکل ۱۰ به تصویر کشیده شده است.

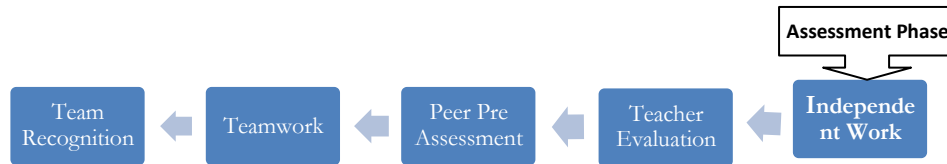


شکل ۱۰. رابطه بین نگرش، انگیزه، توجه، درگیری در فرایند یادگیری و یادگیری مؤثر در کلاس‌هایی که با روش «یادگیری تیمی رقابتی» اداره می‌شوند

پیشنهاد نهایی و مد نظر این‌جانب

قبل از یادآوری پیشنهاد نهایی خودم بهتر است مروری بر فعالیت‌های مورد تاکید در روش تدریس این‌جانب در ارائه یک درس و نیز جلسه آزمون مربوط به آن که در ویدیوی بالا ارایه شد در قالب شکل زیر داشته باشید.





شکل ۵. مراحل آموزش و آزمون در ارائه یک درس در کلاس‌هایی که با روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» اداره می‌شوند.

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید آموزش این جانب تابع مکانیسم‌های خاصی است که بدون در نظر گرفتن هر یک از آن‌ها نمی‌توان ادعا کرد که روش تدریس این جانب به کار گرفته شده است. این مکانیسم‌ها بسیار سیستماتیک، استراتژیک و هدفمند و بر مبنای اصول علمی طراحی شده‌اند. به عبارت دیگر، هر درس در دو جلسه و هر جلسه در پنج مرحله ارائه می‌شود. چنین مکانیسمی در محیطی که شک و تردید و تحقیق و سؤال و پرسش را به همراه دارد باعث تعامل و بحث و گفت‌وگو و خلق و ارائه ایده‌ها، نظرات، تفکرات، راهبردها و استراتژی‌های متنوعی می‌شود که نهایتاً به رشد و بالندگی فراگیران می‌انجامد. بنابراین برخلاف روش‌های تدریس رایج که یادگیری (زبان) را یک امر عادی و ساده که با گوش کردن، تکرار کردن، حفظ کردن و بازگویی کردن در محیط‌های تصنعی که اکثریت در آنها نادیده گرفته می‌شوند اتفاق می‌افتد می‌پندارند، روش تدریس این جانب یادگیری (زبان) را یک پروسه پیچیده در نظر گرفته است که نظم و برنامه و تلاش و پشتکار می‌طلبد.

همانطور که اشاره شد اصرار بر بکارگیری روش‌های سنتی تدریس توسط دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و معلمان و اساتید باعث و بانی اصلی مشکلات و معضلات و گرفتاری‌های جامعه کنونی ما است. بعد از اینکه کتاب من راجع به معرفی جامع روش تدریس را از وب‌سایت داندو و مطالعه بفرمایید "قطعا" شما هم به این نتیجه می‌رسید که بکارگیری روش تدریس این جانب در محیط‌های آکادمیک در ایران "کلید" رهایی جامعه از مشکلات و معضلات و گرفتاری‌هایش می‌باشد.

پیشنهاد دیگر این جانب برای حذف امتحانات و کنکور فعلی خسارت‌زا در ایران این است که همکاران ملزم به بکارگیری سیستم ارزشیابی این جانب در کلاس‌هایشان که با روش تدریس این جانب اداره می‌شود شوند. در آن صورت "معدل" نمرات دانش‌آموزان در طول ترم/سال تحصیلی (که به واسطه بکارگیری سیستم ارزشیابی این جانب بدست می‌آید) ملاک ارزشیابی پایانی آنها باشد. و "معدل نمرات چند سال تحصیل دانش‌آموزان" بویژه در مقطع دبیرستان - در دوره دوم - ملاک ارزشیابی آنها برای ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های متفاوت باشد.

وظایف معلمان و فراگیران در کلاس‌هایی که با روش «یادگیری تیمی رقابتی» اداره می‌شوند

برای آگاهی از نقش و وظایف معلمان و فراگیران در کلاس‌های این جانب فصل نهم را مطالعه کنید.

نتیجه

«یادگیری تیمی رقابتی» روش تدریسی جامع، سیستماتیک و هدفمند می‌باشد که تأکید بر نقش فراگیر، فرایند یادگیری، محیط یادگیری و فاکتورهای مؤثر دیگر در فرایند یادگیری همچون نگرش فراگیران و انتظارات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محیطی دارد. این روش تدریس به‌ویژه به معلمان زبان پیشنهاد شده است تا فراگیری زبان جذاب، جالب، هیجان‌آور، انگیزه‌آور و هدفمند شود. این روش تدریس پیشنهاد شده است تا فرایند یادگیری در یک محیط شاداب و پویا و برد-برد برای همه تسهیل شود. در این روش معلم نقش تسهیل‌کننده فرایند یادگیری را دارد. او همینطور خالق فرصت‌هایی برای تشویق فراگیران به تفکر خلاقانه و انتقادی می‌باشد. تمامی مکانیسم‌های تعریف‌شده برای این روش تدریس برای رشد و موفقیت همه‌جانبه فراگیران می‌باشند. بنابراین فراگیری زبان در کلاس‌های این جانب شامل صرفاً گوش کردن و تکرار کردن و حفظ

کردن و دوباره گفتن در محیط‌های تصنعی نمی‌باشد که در آن‌ها اکثریت نادیده گرفته شده‌اند بلکه یادگیری شامل شرکت فعالانه و هدفمند در کار تیمی و بحث‌ها، شفاف‌سازی‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها، توضیح دادن‌ها، تعمیم دادن‌ها، مقایسه کردن‌ها، پیش‌بینی کردن‌ها، نقد کردن‌ها، دلیل و برهان آوردن‌ها و ربط دادن مطالب یاد گرفته شده به تجربیات شخصی و دنیای واقعی می‌باشد. این جانب در کلاس‌هایم به جای اینکه از فراگیران بخواهم از روی یک درس و لغات آن چند بار بنویسند از آن‌ها می‌خواهم از نکات مهم نوت برداری کنند، درس را خلاصه کنند و یا آن را پارافریس کنند (از زبان و دیدگاه خودشان دوباره نویسی کنند) و به تجزیه و تحلیل نظرات و ایده‌های نویسنده بپردازند. تمام این فعالیت‌ها در محیط‌های امن که مشوق کار تیمی و بحث و گفتمان و ریسک‌پذیری (در تفکر) هست اتفاق می‌افتند. چنین محیط‌هایی نه تنها به بهبود دانش و استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی فراگیران می‌انجامد بلکه فراگیران را متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول‌یاب، خلاق، منتقد و سیاسی و درعین حال مشارکت پذیر بار می‌آورند (برای تأیید این ادعا باید کل این کتاب به ویژه فصل‌های ۹ و ۱۰ و ضمیمه‌های ۱ تا ۴ را مطالعه بفرمایید).

یادگیری تیمی رقابتی طوری طراحی شده است که مکانیسم‌های آن نه تنها فرصت‌های زیادی برای تلاش و تعامل و فعالیت‌های تیمی ایجاد می‌کنند بلکه نیاز به این کارها را هم در محیط‌هایی که همه فرصت‌های برابر دارند ایجاد می‌کنند. ضمن اینکه در کلاس‌های این جانب نه تنها بر ارتقای تفکر خلاقانه و انتقادی فراگیران تأکید می‌شود بلکه فراگیران در واقع با اصول و قواعد و اسلوب دموکراسی در عمل آشنا شده و به تمرین آن‌ها می‌پردازند (برای نمونه فصل ۷ را ببینید). به عنوان یک روش منطقی و واقع‌گرا و درعین حال استراتژیک، روش تدریس این جانب این قابلیت را دارد که نسل فردا را از طریق تمرین دادن در فعالیت‌هایی مثل کار کردن، زندگی کردن، برنده شدن و حتی باختن در قالب کار تیمی برای زندگی موفق‌تر در دنیای پیچیده کنونی که به شدت رقابتی است آماده کند. بنابراین نتایجی که ما می‌توانیم از کاربرد روش تدریس این جانب داشته باشیم بسیار امیدوارکننده خواهند بود. این جانب بر این باور هستم که این روش تدریس نقایص و کم‌وکاستی‌های روش‌های تدریس کنونی را جبران کرده و بسیار مؤثرتر می‌تواند ما را به شکل‌گیری جوامع متمدن‌تر و صلح‌جهانی رهنمون شود.

در پایان امیدوارم شما هم بعد از مطالعه کل این کتاب و آشنایی جامع‌تر با روش تدریس این جانب به این نتیجه برسید که «یادگیری تیمی رقابتی» تنها یک روش آموزشی نیست بلکه روشی برای زندگی کردن هم هست. همان‌طور که اشاره کردم این روش تدریس نه تنها به موفقیت علمی فراگیران می‌انجامد بلکه موفقیت آن‌ها در دنیای واقعی را نیز در پی دارد.

سوالاتی برای بحث و گفتگو

۱. سه دلیل اصلی را که این جانب را مجاب کرد که به طراحی و ارائه روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» بپردازم توضیح دهید.
۲. به نظر شما فایده‌های خلاصه کردن یک درس یا یک متن برای فراگیران به‌ویژه در کلاس‌های زبان چیست؟
۳. فایده‌ها و مضرات احتمالی دادن پاسخنامه در آخر هر امتحان به فراگیران را توضیح دهید.
۴. شما کدام‌یک از ۳ روش ارزشیابی را که توضیح داده شد برای کلاس‌های خود می‌پسندید؟ چرا؟
۵. نظر شما راجع به فلسفه و رای سطح‌بندی کردن اهداف در سیستم ارزشیابی این جانب چیست؟
۶. چرا در روش تدریس این جانب از معلمان خواسته می‌شود تا در آغاز ترم یا سال اهداف آموزشی خود را به فراگیران اطلاع دهند؟
۷. به نظر می‌رسد درحالی‌که روش CLT به نفع فراگیران قوی‌تر است، روش تدریس این جانب به نفع تمام فراگیران می‌باشد. نظر شما چیست؟
۸. به نظر شما آیا در روش تدریس این جانب ایجاد انگیزه درونی در فراگیران مورد غفلت واقع شده است؟ چرا؟
۹. اهداف آموزشی روش تدریس این جانب را با اهداف آموزشی روش تدریس سنتی مقایسه کنید؟

=====

فصل هفتم

برخی مکانیسم‌های

«یادگیری تیمی رقابتی»

مطالب

- سؤالات سازمان دهنده.....۹۴
- مقدمه.....۹۴
- فاکتورهای مؤثر در موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی - رقابتی».....۹۵
- نقش معلم متخصص.....۹۵
- فرهنگ یادگیری که این جانب بر آن تأکید دارم۹۵
- سیستم تیم بندی سیستماتیک۹۷
- تکالیف، مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی۹۹
- تعامل چهره به چهره دوطرفه.....۱۰۰
- مهارت‌های تعاملی۱۰۰
- تعامل مثبت و سازنده.....۱۰۰
- استراتژی‌هایی برای تسهیل تعامل مثبت و سازنده در بین فراگیران در کلاس‌های این جانب.....۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه ساختار تیم۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه فضای رقابتی.....۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای تکالیف۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای اهداف.....۱۰۱

- تعامل مثبت و سازنده به واسطه امتحانات.....۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه پاداش.....۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه قوانین کلاسی.....۱۰۱
- تعامل مثبت و سازنده به واسطه مواد آموزشی.....۱۰۲
- تعامل مثبت و سازنده بر مبنای ارزیابی فراگیران.....۱۰۲
- حس مسئولیت پذیری اعضای تیمها.....۱۰۲
- استراتژی‌هایی برای ارتقای حس مسئولیت‌پذیری فراگیران در روش تدریس این‌جانب.....۱۰۳
- مشارکت برابر.....۱۰۳
- تعامل هم‌زمان و برابر.....۱۰۳
- بررسی کار تیمی۱۰۳
- استمرار تعامل تیمی.....۱۰۳
- وظایف معلمان.....۱۰۳
- نتیجه.....۱۰۴
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....۱۰۴

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. آموزش چیزی بیشتر از علم است: آموزش هنر است. نظر شما چیست؟
۲. آیا تفاوتی بین تیم و گروه وجود دارد؟
۳. آیا شما استراتژی خاصی برای ترغیب کردن فراگیران به همکاری و تعاون در گروه‌هایشان در کلاس‌هایی که به صورت گروهی کار می‌کنند دارید؟ بیان نمایید.
۴. به چه روش‌هایی می‌توان حس مسئولیت‌پذیری اعضای گروه‌ها را در کلاس‌هایی که به صورت گروهی کار می‌کنند ارتقاء داد؟
۵. چند مشکل را که در کلاس‌هایی که به صورت گروهی کار می‌کنند می‌توانند پدید آیند نام ببرید؟ راه‌حل شما چیست؟
۶. نظر شما درباره داشتن یک فرهنگ یادگیری خاص که فراگیران ملزم به در نظر داشتن آن باشند چیست؟ آن فرهنگ چه اصولی می‌تواند داشته باشد؟
۷. آیا ایده خاصی برای تشکیل تیم‌ها در کلاس‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند دارید؟ مزایای و مضرات احتمالی روش تشکیل تیم شما چیست؟

مقدمه

عدم توانایی تعداد زیادی از معلمان و اساتید در به‌کارگیری مؤثر روش کار گروهی باعث شکست انواع روش‌های کار گروهی مدرن در کلاس‌های درس - از ابتدایی تا دانشگاه - در سرتاسر دنیا شده است. عدم موفقیت‌آمیز اجرای کار گروهی یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت آموزش زبان هم هست چراکه کار گروهی که بحث و گفت‌وگو را در خود دارد در موفقیت یادگیری زبان بسیار مؤثر است. همان‌طور که گفته شد اینکه فقط از فراگیران بخواهیم کنار هم بنشینند و در گروه‌های بی‌دروپیکر با یکدیگر کار کنند و تکالیفشان را انجام دهند کافی نیست. در این صورت مشکلات متعددی پیش خواهد آمد. به‌کارگیری کار

گروهی قانونمند و هدفمند دانش، تکنیک و استراتژی می‌طلبد. آنچه روش تدریس این‌جانب را از روش‌های تدریس مدرن امروزی متمایز می‌کند تمرکزی هست که در این روش به فاکتورهایی خاص برای موفقیت کار تیمی داشته‌ام: نوع کنترل کلاس، روش تشکیل تیم‌ها، نوع فرهنگ یادگیری حاکم بر کلاس، روشی که معلم در کلاس ایفای نقش می‌کند و پروسه یادگیری را تسهیل می‌نماید، نوع مواد آموزشی، تکالیف و تمرین و فعالیت‌های کلاسی و مسائلی از این دست همه و همه تعامل سازنده و درگیر شدن تمام فراگیران - و نه فقط افراد باهوش تر - را در فرایند یادگیری در کلاس‌های این‌جانب سبب شده‌اند. تمرکز این‌جانب بر روی فاکتورهای مؤثر یادشده و البته توجه ویژه این‌جانب بر نقش متفاوت معلم در کلاس‌هایی که با روش تدریس خودم اداره می‌شود باعث شده است که این کلاس‌ها فوق‌العاده موفق باشند.

در این بخش به ویژگی‌های مؤثر روش تدریس یادگیری تیمی رقابتی می‌پردازم تا به این صورت تصویر واضح‌تری از این روش تدریس ارائه شود.

فاکتورهای مؤثر در موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی - رقابتی»

در روش تدریس این‌جانب تیم‌های مختلط معمولاً چهار نفره به‌گونه‌ای سیستماتیک تشویق می‌شوند که در فعالیت‌های کلاسی که بر محور تکالیف، مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی استاندارد هستند با یکدیگر کار کنند. آن‌ها تشویق می‌شوند که به‌منظور رسیدن به اهداف تیمی خود با سایر تیم‌ها رقابت کنند. آنچه روش تدریس و کلاس‌های این‌جانب را متفاوت می‌کند تمرکز من بر فاکتورهای ذیل می‌باشد:

۱. نقش معلم متخصص
۲. تبعیت از فرهنگ یادگیری خاص
۳. سیستم تیم بندی سیستماتیک
۴. تکالیف، مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی
۵. تعامل چهره به چهره دوطرفه
۶. مهارت‌های تعاملی
۷. حس مسئولیت‌پذیری انفرادی
۸. تعامل مثبت و سازنده
۹. مشارکت برابر
۱۰. تعامل هم‌زمان و برابر
۱۱. بررسی کار تیمی
۱۲. استمرار تعامل تیمی

برآیند تمرکز بر این دوازده ویژگی در کلاس‌هایی که توسط روش تدریس این‌جانب اداره می‌شود تسهیل و تسریع یادگیری مؤثر می‌باشد. یادآوری اینکه برخی از این ویژگی‌ها توسط متخصصان کار گروهی نظیر کوهن (۱۹۹۴) و جانسون و جانسون (۱۹۹۲) و کی گان (۱۹۹۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته‌اند. نکته دیگری که باید یادآوری شود این است که هیچ روش کار گروهی دیگری همانند روش تدریس این‌جانب به‌طور هم‌زمان بر این دوازده ویژگی تأکید ندارد که این امر خود یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد روش تدریس این‌جانب و یا همان روش «یادگیری تیمی رقابتی» می‌باشد.

نقش معلم متخصص

همان‌طور که اشاره شد این بخش در «فصل نهم» به تفصیل توضیح داده شده است.

فرهنگ یادگیری / زندگی که این‌جانب بر آن تأکید دارم

همان‌طور که اشاره شد یادگیری و پیشرفت پویا در محیط‌های رقابتی ایجاد شده توسط روش تدریس این‌جانب که واقعیت‌های دنیای واقعی را نیز بازتاب می‌دهد به‌صورت طبیعی و اتوماتیک اتفاق نمی‌افتد. کار کردن و یادگیری و زندگی

کردن با یکدیگر در چنین محیط‌هایی یک هنر است که دانش، اسلوب و قواعد، مهارت‌ها و البته یک نگرش متفاوت را می‌طلبد. یکی از ویژگی‌های «یادگیری تیمی رقابتی» به اهمیتی که برای پایبند بودن به فرهنگ یادگیری می‌دهد برمی‌گردد. دلیل این امر هم این است که یکی از مؤثرترین فاکتورها در موفق بودن روش تدریس این‌جانب برمی‌گردد به پایبندی زبان‌آموزان به فرهنگ یادگیری که من بر آن تأکید دارم. بنابراین به فراگیران توصیه می‌شود که اصول و اسلوبی را که این‌جانب بر رعایت آن‌ها تأکید دارم به‌عنوان محتوایی که باید فراگرفته شوند برای یادگیری واقعی و موفقیت و رشد و پیشرفت در نظر بگیرند. در غیر این صورت اگر آن‌ها به این فرهنگ و اسلوب و قواعد توجه نکنند خودشان و تیم‌هایشان بازنده خواهند بود. قسمتی از فرهنگی که این‌جانب بر آن تأکید دارم در فرم ۱۰ اصل ذیل همیشه بر روی دیوارهای کلاس‌های من جهت مرور و به خاطر سپاری شاگردانم نصب می‌شوند:

۱. علیرغم تفاوت در سن و نژاد و عقبه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌مان ما همگی انسان هستیم و بنابراین مسئول در قبال یکدیگر.
۲. ما تمام اطلاعات موردنیاز دوستانمان را با گشاده‌رویی در اختیار آنان قرار می‌دهیم، بقیه را تشویق به مشارکت و شرکت در بحث‌ها می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم که دلایل متقاعدکننده‌ای برای ایده‌ها و پیشنهادهایی که انتظار دارند ما بپذیریم ارائه دهند.
۳. انتقادهای سازنده را تا جایی که به یادگیری و رشد و پیشرفت بیشتر ما منجر شوند ارج می‌نهیم. خودمان هم قبل از اینکه دیگران را نقد کنیم سعی می‌کنیم که منصف و بی‌طرف باشیم.
۴. ما با اعضای تیم‌هایمان همکاری می‌کنیم تا به دانش و فهم خود از پیرامون خود ژرفا ببخشیم و مهارت‌هایمان را برای کار و زندگی موفق - چه در تعامل با دیگران و چه در انزوا- بهبود بخشیم.
۵. در کلاس ما همه فرصت‌های برابر برای ابراز وجود و اثبات کردن توانمندی‌هایشان دارند. کسانی که برتری خود را در چنین محیطی به اثبات برسانند شایسته بهترین‌ها هستند.
۶. خطاها اجتناب‌ناپذیر هستند. آن‌ها نه‌تنها نتیجه طبیعی یادگیری / زندگی هستند بلکه علائم ریسک‌پذیری و تلاش و پشتکار در طول پروسه یادگیری و زندگی هستند. بنابراین خطاها آخر راه نیستند بلکه راه‌هایی برای به دست آوردن عقل و خرد و رشد و پیشرفت می‌باشند.
۷. ما در کلاس‌مان به افراد شایسته‌تر و برتر (از نظر علمی) احترام می‌گذاریم و هیچ‌گاه به‌واسطه نژاد و سن و امکانات خودمان به آن‌ها فخر نمی‌فروشیم و بی‌احترامی نمی‌کنیم.
۸. همانند برنده شدن، بازنده شدن هم برخی اوقات و در برخی شرایط غیرقابل‌اجتناب می‌باشد. بنابراین ما تلاش می‌کنیم که از باخت‌های خودمان هم یاد بگیریم همان‌طور که از بردهای خودمان چیزی می‌آموزیم. باختن انگیزه ما را برای بردن افزایش می‌دهد - برنده شدن از طریق باختن.
۹. برنده شدن مهم است اما نه به هر قیمتی - نه به قیمت پامال کردن اخلاقیات و حقوق بشر و آزادی و کرامات انسانی افراد.
۱۰. ما مادامی که رهبر تیم و نیز معلم خود احترام می‌گذاریم که ایشان هوش، استعداد، قابلیت، توانایی و شایستگی رهبری بر ما داشته باشند.

تشویق کردن فراگیران/ شهروندان به رعایت این اصول در تعاملات خود غیرممکن نیست هرچند این کار صبر و تکنیک و هوشمندی می‌طلبد. به مشارکت طلبیدن فراگیران در ارائه چنین اسلوبی یکی از این تکنیک‌ها می‌باشد. علاوه بر این توضیح دادن درباره فواید رعایت کردن چنین اصول و اسلوبی در تعاملات بین فردی برای فراگیران هم می‌تواند تکنیک مؤثر دیگری باشد. فراگیران این اسلوب را خواهند پذیرفت چراکه تمرکز آن‌ها بر ارتقای مهارت‌های بین فردی از قبیل خرد جمعی، مدیریت بحران‌ها در روابط اجتماعی، رسیدن به توافق، اعتمادسازی، تحمل دیگرانی که از ما متفاوت هستند و تلاش و پشتکار هست. فراگیران باید بدانند که احترام گذاشتن به چنین قواعد و اسلوبی نه‌تنها روابط بین فردی آن‌ها را افزایش می‌دهد بلکه قابلیت‌های آن‌ها را برای بهره‌وری بیشتر از مطالب ارائه‌شده در کلاس نیز ارتقا می‌دهد.

در اینجا باید یادآور شوم که چنین قواعدی که نورم‌ها و اسلوب دموکراتیک را هم ارائه می‌دهند نه تنها منافاتی با قواعد و اسلوب اسلامی ندارند بلکه همخوانی هم دارند. بنا بر فهم شخصی خودم از اسلام واقعی هست که در یکی از مقالاتم بر این نکته تأکید کرده‌ام که اسلام واقعی آزادی را برای ما به ارمغان آورد. بنا بر نظر اسلام تمام مردم آزادی در تفکر و حق تصمیم‌گیری، انتخاب و زندگی کردن را دارند و هر کس بخواهد این حقوق اولیه بشر را از آن‌ها سلب نماید مسلمان نیست - در هر لباس و منصبی که باشد.

سیستم تیم بندی سیستماتیک

یکی دیگر از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب تمرکز آن بر نوع ترکیب تیم‌ها در کلاس می‌باشد. دلیل این تمرکز هم به این واقعیت برمی‌گردد که نوع ترکیب تیم‌ها بر روابط بین اعضای آن‌ها و نیز بر میزان درگیر شدن آن‌ها در فرایند یادگیری و در نتیجه بر میزان موفقیت آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. روش‌های متعددی برای گروه‌بندی در کلاس‌هایی که بر کار گروهی تأکید دارند پیشنهاد شده است. این روش‌ها به‌قرار زیر می‌باشند:

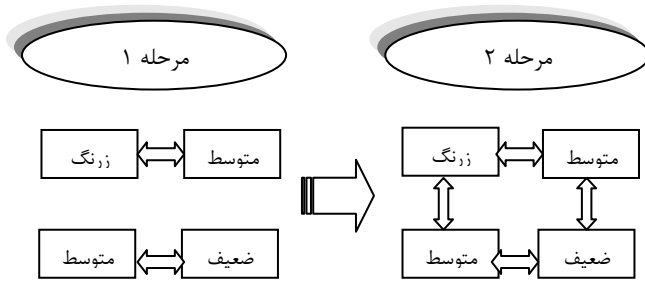
۱. گروه‌بندی به‌صورت اتفاقی،
۲. گروه‌بندی یکنواخت و همگن،
۳. گروه‌بندی بر اساس علایق فراگیران و
۴. گروه‌بندی مختلط.

درست است که گروه‌بندی به‌صورت اتفاقی و یا بر مبنای علایق فراگیران و یا گروه‌بندی همگن می‌تواند فرایند مدیریت کلاس را تسهیل کنند و حس عادلانه بودن را با خود به همراه بیاورند اما واقعیت این است که این گروه‌بندی‌ها مشکلات عدیده‌ای را نیز به همراه خواهند آورد. از جمله این مشکلات (۱) محدودیت در فرصت‌های آموزش فراگیر به فراگیر (۲) نامتقارن بودن تیم‌ها و (۳) تیم‌های بازنده خواهد بود.

در ارتباط با مشکلات ناشی از گروه‌های همگن، اولین مشکل این است که تمام اعضای گروه در این گروه‌ها در یک حد از دانش (زبانی) هستند و بنابراین انگیزه‌ای برای بحث و تبادل آرا نخواهند داشت. مشکل بعدی به این واقعیت برمی‌گردد که در گروه‌های همگن به‌عنوان مثال در یک کلاس درس درک مطلب زمانی که یک گروه با فراگیران باهوش بر درک عمیق‌تر متن تمرکز دارند گروه دیگر با فراگیران ضعیف‌تر بر پیدا کردن معنای برخی لغات و یا فهم برخی نکات گرامری تمرکز می‌کنند. مشکل دیگر به‌سرعت عمل گروه‌ها در گروه‌های همگن برمی‌گردد. به عبارت دیگر، در این نوع گروه‌بندی برخی گروه‌های باهوش‌تر خیلی سریع‌تر تکلیف خود را از برخی گروه‌های ضعیف‌تر پایان می‌دهند. بنا بر همین مشکلات است که فراگیران ضعیف در گروه‌های همگن ضعیف‌تر می‌شوند و دیر یا زود انگیزه خود را برای درگیر شدن در فعالیت‌های کلاسی از دست می‌دهند. همین‌طور طبیعی است که بنا بر این مشکلات فاصله بین فراگیران قوی‌تر و فراگیران ضعیف‌تر روز به روز بیشتر می‌شود. این‌ها همه یکی از دلایل اصلی شکست روش‌های تدریس کار گروهی هستند که بر گروه‌بندی همگن تأکید دارند.

در تضاد با روش‌های تدریس مدرن امروزی که در آن‌ها فراگیران به‌صورت اتفاقی به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند و یا به آن‌ها اجازه داده می‌شود که خودشان گروه‌هایشان را شکل دهند در روش تدریس این‌جانب بر ترکیبی از این روش‌ها برای تیم بندی تأکید می‌شود. دلیل این کار هم این است که حداکثر بهره را از نوع آرایش تیم‌ها ببریم. در کلاس‌های این‌جانب تیم‌ها بر اساس معیارهایی که واقعیات کلاس‌ها را بازتاب می‌دهند شکل می‌گیرند. از جمله این معیارها دانش زبانی، سبک‌های یادگیری، جنسیت، پشتکار، موفقیت تحصیلی، شخصیت، نژاد، طبقه اجتماعی، مذهب و سن می‌باشند. این نوع تیم بندی کردن از جهات متفاوتی مفید است. فرض این‌جانب بر این است که تیم‌های مختلط بهتر به رشد و موفقیت اعضا کمک می‌کنند چراکه در این نوع تیم‌ها فرصت‌های زیادی برای یادگیری استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی و ارتقای نگرش‌ها و بینش‌ها پیش می‌آید. اما مدرسان باید توجه داشته باشند که هر تیم مختلطی مؤثر و موفق نیست. آن‌گونه که این‌جانب مشاهده کرده‌ام تیم‌ها با افراد قوی، متوسط و ضعیف چنانچه طوری سازمان‌دهی نشوند که همه اعضا از فرصت‌های برابری برای شنیدن و گفتن و شرکت در فعالیت‌های کلاسی برخوردار باشند افراد ضعیف‌تر متضرر خواهند شد چراکه در چنین تیم‌هایی افراد ضعیف‌تر به تدریج مورد غفلت واقع خواهند شد. در چنین شرایطی است که این‌جانب تیم‌هایی را پیشنهاد

داده‌ام که در آن‌ها ابتدا اعضای تقریباً هم‌سطح به صورت دو نفره و سپس کل اعضای تیم به صورت چهار نفره با هم تعامل دارند. شکل زیر را ببینید.

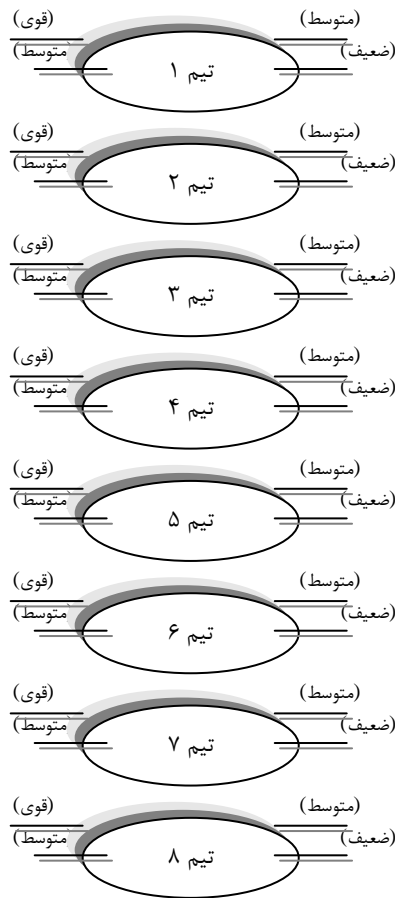


شکل ۶. ساختن تیم مختلط و تعامل دومرحله‌ای در کلاس‌هایی که با روش یادگیری تیمی رقابتی اداره می‌شوند

یادآوری اینکه همانطور که اشاره شد برخلاف نوع تیمی بندبی که این‌جانب بر آن تأکید دارم در گروه‌بندی همگن اشکالی که وجود دارد این است که اعضای تیم تمایل کمتری به بحث و گفت‌وگو و به اشتراک‌گذاری دانش خود دارند چراکه دانش و مهارت‌های آن‌ها در یک سطح می‌باشند. در کلاس‌های این‌جانب برای شکل دادن تیم‌های چهار نفره در یک کلاس ۳۲ نفره درک مطلب ابتدا یک تست درک مطلب از فراگیران گرفته می‌شود. بعد از آن همانطور که در شکل ۷ مشخص است نمرات فراگیران در آن تست از بالا به پایین به ترتیب لیست می‌شوند و این لیست به ۳ قسمت تبدیل می‌شود به طوری که ۸ نفر اول جزو فراگیران قوی، ۱۶ نفر وسط جزو افراد متوسط و ۸ نفر آخر جزو فراگیران ضعیف در نظر گرفته می‌شوند. سپس به فراگیران این فرصت داده می‌شود که خودشان تیم‌های خودشان را شکل دهند به طوری که در هر تیم یک فراگیر قوی، ۲ متوسط و یک ضعیف وجود داشته باشد. از اعضای تیم‌ها خواسته می‌شود که دوبه‌دو روبروی هم بنشینند به طوری که یک قوی با یک متوسط و یک متوسط با یک ضعیف جفت‌هایی را باهم شکل دهند. این نوع آرایش کلاسی الفبای ورود به آموزش و فراگیری لیبرال و دموکراتیک می‌باشد. به عبارت دیگر، این نوع تیم بندی به این معنی است که در کلاس‌های این‌جانب توانمندان و ضعفا از فرصت‌های برابر برای بحث و گفت‌وگو و فعالیت‌های کلاسی برخوردار خواهند بود.

لیست فراگیران کلاس

	فراگیران باهوش تر
1
2
3
4
5
6
7
8
	فراگیران متوسط
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
	فراگیران ضعیف تر
25
26
27
28
29
30
31
32



شکل ۷: فرایند تشکیل تیم در روش «یادگیری تیمی رقابتی»

بنابراین در این کلاس ۳۲ نفره هشت تیم چهار نفره که هر تیم از ۲ جفت دو نفره شکل می‌گیرد تشکیل می‌شود. چنین تیم‌هایی آن قدر بزرگ نیستند که برخی اعضا در آن‌ها نادیده گرفته شوند. علاوه بر این همان‌طور که گفته شد در این تیم‌ها همه اعضا از فرصت‌های برابر برخوردار هستند. بنا به ماهیت این تیم‌ها اعضا در معرض آراء و ایده‌ها و راه‌حل‌های متنوع‌تر قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی اذهان اعضا بیشتر فعال و درگیر فرایند یادگیری می‌شوند و آموزش دوطرفه در بین فراگیران تشویق می‌شود. چنین شرایطی سبب بهبود کیفیت تفکر اعضا نیز شده و فرایند تصمیم‌گیری جمعی را تسهیل می‌کند. چون چنین محیط‌هایی تفکر انتقادی و خلاقانه را ارتقاء می‌بخشند، یادگیری (زبان) و حفظ بلندمدت مطالب آموزش داده‌شده را نیز تسهیل می‌کنند. همان‌طور که مشخص شد این‌جانب تیم‌های کوچک‌تر را ترجیح می‌دهم چراکه تیم‌های بزرگ‌تر این پتانسیل را ندارند که فرصت‌های برابر برای تمام اعضا را در پروسه بحث و گفت‌وگو در اختیار آنان بگذارند که این خود یادگیری را مختل خواهد کرد. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت نوع چیدمان تیم‌ها و اعضای تیم‌ها در کلاس می‌باشد. نوع چیدمان باید طوری باشد که اعضای تیم‌ها روبروی هم قرار گیرند و فضای مناسبی نیز جهت رفت‌وآمد خود و معلم در اختیار داشته باشند.

تکالیف، مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی
برای آشنایی با این موارد فصل ششم را مطالعه بفرمایید.

تعامل چهره به چهره دوطرفه

ویژگی دیگر روش تدریس این جانب تأکید آن بر تعامل چهره به چهره دوطرفه می‌باشد. این نوع تعامل وقتی است که اعضای تیم‌ها ایده‌ها و راه‌حل‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و درصدد بررسی و نقد ایده‌ها و راه‌حل‌های یکدیگر برمی‌آیند تا به این صورت درک و فهم خود را از مطالب ارائه‌شده توسط معلم بیشتر کنند. همانطور که به عنوان مثال از روش تیم بندی کلاس‌های اینجانب مشخص است، در مقایسه با روش‌های تدریس دیگر، در روش تدریس این جانب تعاملات چهره به چهره دقیق‌تر و هدفمندتر طراحی شده‌اند و به صورت فعال‌تر توسط معلم هدایت می‌شوند. چنین تعاملاتی بین اعضای تیم‌ها فرصت‌های بیشتری جهت رصد نقاط ضعف و خلأها در دانش خود و هم‌تیمی‌هایشان را به آن‌ها می‌دهد. بازخورد فوری که فراگیران در این محیط‌های یادگیری از سایرین دریافت می‌کنند به ارتقای مهارت‌های استدلالی و استنباطی آن‌ها نیز کمک می‌کنند. همین‌طور در چنین محیط‌های زنده و پویا فراگیران این فرصت را دارند که استراتژی‌های یادگیری مؤثر سایرین و نیز برخی مهارت‌های اجتماعی آن‌ها را کسب کنند و نیز بیاموزند که باید به تفاوت‌های فردی یکدیگر احترام بگذارند.

مهارت‌های تعاملی

مهارت‌های تعاملی از الفبای ورود به دنیای کنونی می‌باشند. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که فراگیرانی که مهارت‌های تعاملی ضعیفی دارند موفقیت آکادمیکی ضعیفی هم دارند (حسینی ۲۰۱۲). و واقعیت این است که افرادی که در زندگی آکادمیکی خود موفق نبوده‌اند می‌توانند برای جامعه حتی مضر هم باشند. بنابراین نسل فردا باید مهارت‌های تعاملی و نیز نرم‌ها و اصول و اسلوب زندگی موفق را در زندگی آکادمیکی خود بیاموزند. به همین دلیل است که در تضاد با روش‌های فعلی تدریس که صرفاً به موفقیت آکادمیک فراگیران تمرکز دارند روش تدریس این جانب بر ارتقای مهارت‌های اجتماعی و انسانی از طریق مهندسی تعامل بین آن‌ها هم تمرکز دارد. این جانب بر این باور هستم که اهمیت دادن به مهارت‌های اجتماعی نه تنها برای موفقیت تحصیلی بلکه برای موفقیت کار تیم‌ها و حتی موفقیت در زندگی هم مهم و ضروری می‌باشند. از جمله این مهارت‌ها رعایت کردن نوبت، تشویق دیگران به شرکت در فعالیت‌های کلاسی، توضیح دادن و کمک خواستن از دیگران، چک کردن این‌که آیا طرف ما قادر به فهمیدن ما هست یا نه، به رقابت و چالش کشیدن افراد، نقد سازنده کردن، احساس مسئولیت کردن و مدیریت بحران‌ها در طول پروسه بحث و گفت‌وگو می‌باشند. بنابراین این جانب در کلاس‌هایم از هر فرصتی برای آموزش مستقیم و یا غیرمستقیم این مهارت‌ها استفاده می‌کنم.

تعامل مثبت و سازنده

جانسون و جانسون (۱۹۹۲) تعامل مثبت و سازنده را به‌عنوان قلب یادگیری گروهی نامیده‌اند. از دیدگاه آن‌ها تعامل مثبت و سازنده وقتی پیش می‌آید که موفقیت یک گروه در یک کلاس به موفقیت سایر گروه‌ها در کلاس بستگی داشته باشد. به عبارت دیگر، باور بر این است که «یا همه باهم شنا می‌کنند و یا همه باهم غرق می‌شوند!» اما این جانب شخصاً به این ایده در کار گروهی اعتقادی ندارم چراکه بر این باور هستم که در یک گروه یا تیم اعضای مستعدتر و کوشاتر و فداکارتر باید حداقل نمره بالاتری بگیرند. بنابراین در روش تدریس این جانب تعامل مثبت و سازنده وقتی به وجود می‌آید که موفقیت یک عضو از یک تیم «تا حدودی» به موفقیت سایر اعضای همان تیم ارتباط پیدا می‌کند. در کلاس‌های این جانب تمام اعضای تیم‌ها - به‌ویژه به‌واسطه سیستم ارزشیابی من - تشویق می‌شوند که به اعضای که نیازمند کمک و همراهی هستند در فعالیت‌های کلاسی و در انجام تکالیف کمک کنند تا به این صورت بتوانند راحت‌تر به اهداف مشترک خود برسند. یادآوری این‌که درحالی‌که روش‌های فعلی که بر کار و یادگیری گروهی تأکید دارند بر تعامل مثبت و سازنده نه تنها بین اعضای گروه‌ها بلکه بین خود گروه‌ها هم تأکید دارند، در روش تدریس این جانب تنها تأکید بر تعامل مثبت و سازنده بین اعضای تیم‌ها هست و هم‌زمان تیم‌ها تشویق می‌شوند که با سایر تیم‌ها به رقابت بپردازند.

استراتژی‌هایی برای تسهیل تعامل مثبت و سازنده در بین فراگیران در کلاس‌های این‌جانب

استراتژی‌های متعددی برای به وجود آوردن و تسهیل کردن تعامل مثبت و سازنده بین اعضای تیم‌ها در طول پروسه دنبال کردن اهداف مشترکشان وجود دارد که می‌توانند کمک شایانی به معلمان بکنند. این استراتژی‌ها مؤثر هستند چراکه فراگیران را درگیر فرایند یادگیری می‌کنند. آن‌ها حتی فراگیران قوی‌تر را ترغیب به هم یاری با دیگران می‌کنند و باعث پیوستگی تیم‌ها می‌شوند که این‌ها همگی به موفقیت آکادمیک فراگیران می‌انجامد. برخی از این استراتژی‌ها در ذیل توضیح داده می‌شوند:

۱. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه ساختار تیم

تیم‌های مختلط و هدفمند طراحی شده که فراگیران در آن‌ها نقش‌های خاصی از قبیل رهبر، گزارشگر، خلاصه کننده و ارزیاب را بر عهده می‌گیرند و هرچند وقت یک‌بار نقش خود را عوض می‌کنند نقش بسزایی در خلق و تسهیل تعامل مثبت و سازنده دارند.

۲. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه فضای رقابتی

تعامل مثبت و سازنده موقعی بین اعضای تیم‌ها ایجاد و تقویت می‌شود که آن‌ها تشویق شوند برای رسیدن به اهداف مشترک و سبقت از سایر تیم‌ها با هم همکاری کنند.

۳. ایجاد تعامل مثبت و سازنده بر مبنای تکالیف

معلمان می‌توانند برای ایجاد تعامل مثبت و سازنده از اعضای تیم‌ها بخواهند که با پرداختن به تکالیف خود محصولات مشترک ارائه دهند. ضمن اینکه در این‌گونه موارد اعضای تیم‌ها باید بر مبنای کار تیمی‌شان بر روی تکالیفشان ارزیابی شوند.

۴. ایجاد تعامل مثبت و سازنده بر مبنای اهداف

معلمان می‌توانند با ارزیابی کردن مقالات، گزارش‌ها و اوراق امتحانی فراگیران که به‌صورت تیمی ارائه داده‌اند به خلق و تسهیل تعامل مثبت و سازنده کمک کنند.

۵. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه امتحانات

تشویق فراگیران به امتحان دادن به صورت تیمی نه‌تنها برای خلق و تسهیل تعامل مثبت و سازنده بلکه برای بهبود کیفیت یادگیری نیز مؤثر است.

۶. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه پاداش

یکی دیگر از راه‌های ایجاد و تسهیل تعامل مثبت و سازنده بین فراگیران دادن پاداش به آن‌ها برای کار تیمی‌شان می‌باشد. ۲ تیم‌ها می‌توانند بر اساس معیارهای ذیل پاداش بگیرند:

الف) معدل نمرات اعضای تیم‌ها.

ب) مجموع افرادی که از یک نمره خاص بیشتر می‌گیرند.

پ) میزان پیشرفت تیم‌ها.

۷. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه قوانین کلاسی

با ایجاد قوانینی خاص می‌توان به ایجاد و تسهیل تعامل مثبت و سازنده در بین اعضای تیم‌ها کمک کرد. به‌عنوان مثال می‌توانیم این قانون را داشته باشیم که هیچ‌یک از اعضای تیم نمی‌توانند نمره قبولی بگیرند مگر اینکه تمام اعضای تیم برای پاسخ خود به سؤال معلم دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشند. این استراتژی همین‌طور مانع آن می‌شود که اعضای تیم پاسخی را صرفاً حفظ کنند و به معلم ارائه دهند.

۸. ایجاد تعامل مثبت و سازنده به‌واسطه مواد آموزشی

معلمان می‌توانند تربیتی دهند که اعضای تیم‌ها به منابع آموزشی و اطلاعات یکدیگر وابسته باشند تا بدین‌صورت به ایجاد و تسهیل تعامل مثبت و سازنده کمک کنند. به‌عنوان مثال می‌توان همچون فعالیت جیگ سا قسمتی از کل منابع را به هر عضو

داد تا تمام اعضا پس از مطالعه قسمت خود داشته‌ها و دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارند تا بدین صورت جیگ سا و یا همان دانش اعضا از یک موضوع کامل شود.

۹. ایجاد تعامل مثبت و سازنده بر مبنای ارزیابی فراگیران

اینکه اعضای تیم‌ها به این نتیجه برسند که موفقیت آن‌ها - هرچند تا حدودی - به موفقیت سایرین در تیمشان بستگی دارد خود باعث ایجاد و تسهیل تعامل مثبت و سازنده بین اعضای تیم‌ها می‌شود.

حس مسئولیت‌پذیری اعضای تیم‌ها

ویژگی برجسته دیگر روش تدریس این‌جانب که آن را از روش‌های تدریس دیگر که بر کار گروهی تأکید دارند بسیار متمایز می‌کند تأکید است که بر ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در تک‌تک اعضای تیم‌ها دارد. وجود حس مسئولیت‌پذیری تک‌تک اعضای تیم‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت روش تدریس این‌جانب بوده است. اهمیت ایجاد حس مسئولیت‌پذیری به اهمیت ایجاد تعامل مثبت و سازنده و چه‌بسا مهم‌تر از آن هست چراکه غفلت از ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بین اعضای تیم‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل ناکامی روش‌های کار گروهی فعلی که در غرب رایج هستند می‌باشد. بنابراین بنا بر اهمیت این فاکتور مکانیسم‌های خاصی در روش تدریس این‌جانب طراحی شده است تا تمام فراگیران نه‌تنها خود را مسئول یادگیری خود بلکه مسئول یادگیری و موفقیت دیگر اعضای تیم‌های خود نیز بدانند. در کلاس‌های من تمام اعضای تیم‌ها می‌دانند که هریک از آن‌ها باید در فرایند یادگیری درگیر شده و به ایفای نقشی مؤثر در فرایند یادگیری تیمی بپردازند. یکی دیگر از ویژگی‌های چنین محیط‌هایی این است که هیچ‌کس معترض کم‌کاری و یا سهل‌انگاری دیگران نخواهد بود. بنابراین مشکلاتی از قبیل از زیر کار در رفتن فراگیران غیر علاقه مند و تن به کار ندادن کاپیتان‌ها که در روش‌های دیگر رایج است در روش تدریس این‌جانب وجود ندارد.

استراتژی‌هایی برای ارتقای حس مسئولیت‌پذیری فراگیران در کلاس‌های این‌جانب

علاوه بر نوع سیستم ارزشیابی کردن فراگیران که در روش تدریس این‌جانب طراحی شده است و به‌شدت بر ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در اعضای تیم‌ها تمرکز دارد چند استراتژی هم برای این منظور وجود دارد که در ذیل معرفی می‌شوند:

۱. تشویق اعضای تیم‌ها به رقابت با هم‌رده‌های خودشان در سایر تیم‌ها.
۲. ارائه تکالیفی که اعضای تیم‌ها باید به‌صورت انفرادی قبل از کار تیمی انجام دهند.
۳. انتخاب محصول کار یک عضو از یک تیم به‌صورت اتفاقی و نمره دادن به کل اعضای آن تیم به‌واسطه آن محصول.
۴. دادن نقش‌ها و وظایف خاص و متمایز به هریک از اعضای تیم‌ها به‌صورت دوره‌ای.
۵. در نظر گرفتن قسمتی از نمره نهایی فراگیران بر مبنای امتحاناتی که به‌صورت انفرادی می‌دهند.
۶. اخراج سرگروه‌هایی که از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند از تیم حتی شده برای مدتی کوتاه. این کار برای فهماندن این نکته به رهبران که اجازه خیانت به مجموعه تحت امر خود را هم ندارند مفید است.
۷. دادن پاداش به‌نحوی که مشوق همیاری اعضا با تیم باشد.

مشارکت برابر

ویژگی متمایزکننده دیگر در روش تدریس این‌جانب به پتانسیل آن برای ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اعضای تیم‌ها برای مشارکت در فرایند یادگیری برمی‌گردد. این امر در موفقیت فراگیران بسیار تأثیرگذار می‌باشد یکی دیگر از دلایل ناکامی روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تأکید دارند عدم پرداختن به همین موضوع است به‌طوری‌که در کلاس‌هایی که با این روش‌های تدریس اداره می‌شوند معمولاً یک و یا دو نفر قوی‌تر تمام فرصت‌ها را از اعضای تیم خود می‌گیرند و بنابراین در چنین محیط‌هایی قوی‌ها روزبه‌روز قوی‌تر و افراد ضعیف‌تر روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شوند. برخی استراتژی‌ها برای ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اعضای تیم‌ها عبارت‌اند از:

۱. تشکیل تیم‌های کوچک که بر چرخش نقش‌ها بین اعضا تأکید دارند.
۲. استفاده از تکالیفی که انجام آن‌ها به چند مهارت نیاز دارد طوری که اعضای تیم مجبور شوند از مهارت‌های یکدیگر برای انجام آن‌ها استفاده کنند.
۳. بکارگیری تکالیف و فعالیت‌هایی که لایه‌های مختلف یادگیری و دانش تمام اعضای تیم‌ها را بطلبند.

تعامل هم‌زمان و برابر

یکی دیگر از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب این است که این پتانسیل را دارد که برخلاف روش‌های فعلی و سنتی تمام اعضای تمام تیم‌ها را به‌طور هم‌زمان و برابر در هر لحظه درگیر فرایند یادگیری و فعالیت‌های کلاسی نماید. همان‌طور که می‌دانیم در کلاس‌های فعلی معمولاً در یک لحظه معلم با یک یا چند فراگیر درگیر است و یا نهایتاً تنها چند فراگیر درگیر فرایند یادگیری هستند. این در حالی است که به‌عنوان مثال در یک کلاس که فراگیران به ده تیم تقسیم شده‌اند هر یک از فراگیران ۱۰ برابر بیشتر از کلاس‌های سنتی فرصت برای صحبت کردن دارند. دو استراتژی مهم برای تسهیل هر چه بیشتر تعامل هم‌زمان و برابر تمام فراگیران در کلاس‌های این‌جانب به‌قرار ذیل می‌باشند:

۱. با دوه‌دو چیدن اعضای تیم‌ها که معمولاً چهار نفره هستند معلمان می‌توانند فرصت‌های تعامل و شرکت در فرایند یادگیری تک‌تک اعضای تیم‌ها را حداقل دو برابر نمایند.
۲. می‌توان با تمرکز بر مهارت‌های نوشتن از قبیل نوت برداری و خلاصه‌نویسی یا نوشتن گزارش فرصت درگیر شدن تمام اعضای تیم‌ها را در یک لحظه مهیا کرد.

برخی دیگر از چنین استراتژی‌ها را می‌توانید در استراتژی‌هایی که برای بهبود تعامل مثبت و سازنده و حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت برابر برشمردم بیابید.

بررسی کار تیمی

فراهم کردن فرصت برای تیم‌ها جهت بررسی عملکرد کاری خود از دیگر ویژگی‌هایی است که در روش تدریس این‌جانب بر آن تأکید می‌شود تا بدین‌صورت کیفیت کار تیمی را ارتقاء دهیم. در چنین فرصت‌هایی اعضای تیم‌ها روی مسائلی از قبیل میزان موفقیت تیم‌هایشان و نیز نقاط ضعف‌ها و راهکارهایی برای برطرف کردن آن‌ها به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند که چه نوع نگرش‌ها و رفتار و استراتژی‌هایی را ادامه دهند و چه نوع از آن‌ها را تکرار نکنند. علاوه بر این در چنین شرایطی فراگیران با لایه‌هایی دیگر از تفکر انتقادی و خلاقانه آشنا می‌شوند و عملاً به تمرین آن‌ها می‌پردازند.

استمرار تعامل تیمی

برخلاف روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تمرکز دارند در روش تدریس این‌جانب تأکید بر کار تیمی بلندمدت و نه کوتاه‌مدت و جلسه‌ای می‌باشد. به عبارت دیگر، این‌جانب معتقد هستیم که اگر اعضای تیم‌ها در طول ترم و سال باهم کار کنند و هر جلسه و یا هر هفته عوض نشوند منافع بیشتری خواهند برد چراکه در کارهای تیمی طولانی‌مدت اعضای تیم‌ها به شناخت بهتری از یکدیگر می‌رسند و می‌توانند تعاملات و رابطه‌های سازنده‌تری داشته باشند. در حقیقت با تمرکز بر کار مشارکتی بلندمدت ما از کار گروهی به کار تیمی می‌رسیم. در چنین شرایطی در تیم‌ها اعضا احساس آشنایی و در نتیجه امنیت بیشتری دارند و بنابراین با اعتمادبه‌نفس و آرامش بیشتری به مشارکت با یکدیگر در فعالیت‌های کلاسی می‌پردازند که این خود در ارتقای کیفیت یادگیری و همین‌طور به خاطر سپاری مطالب مؤثر است.

«یادگیری تیمی رقابتی» و وظایف معلمان و اساتید

این بخش در «فصل نهم» به تفصیل توضیح داده شده است.

نتیجه

همان طور که تا حدودی متوجه شدید روش تدریس این جانب چیزی بیشتر از این است که صرفاً از فراگیران بخواهیم که به صورت گروهی کار کنند و دانسته‌های خود را به اشتراک بگذارند. برخلاف سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند روش تدریس این جانب محیط‌هایی را می‌طلبد که در آن‌ها پیوستگی اعضای تیم‌ها به صورت سیستماتیک مورد هدف است. در کلاس‌های این جانب وقتی یکی از اعضای تیمی چیزی یاد می‌گیرد همه‌ی اعضای تیم احساس موفقیت دارند. و وقتی تیمی موفق می‌شود همه اعضا به یکدیگر تبریک می‌گویند و هیچ‌کس این احساس را ندارد که تلاش و همکاری توسط سایرین مورد غفلت واقع شده است. معلمانی که از روش تدریس این جانب استفاده می‌کنند همواره درصد فراهم کردن فرصت‌هایی برای فراگیران هستند که به آن‌ها اجازه داده شود برای خود برنامه‌ریزی کنند و فرایند یادگیری خود را در محیط‌هایی امن رصد و ارزیابی نمایند. در چنین محیط‌هایی فراگیران تشویق می‌شوند که فعالانه در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند. در کلاس‌های این جانب فراگیران می‌پذیرند که مسئولیت‌پذیر باشند، تلاش کنند مطالب را به خوبی بفهمند، در حل مسائل سخت جدیت و همکاری بیشتری به خرج دهند و پی به اهمیت فوق‌العاده کار تیمی برای رسیدن به اهداف مشترک ببرند.

اهمیت و ویژگی روش تدریس این جانب برای دنیای کنونی به این واقعیت برمی‌گردد که روش تدریس این جانب نه تنها به موفقیت آکادمیکی نسل فردا می‌پردازد بلکه آن‌ها را در مهارت‌های مورد نیاز برای تعاملات انسانی آموزش می‌دهد. روش تدریس این جانب نسل فردا را قادر می‌سازد که شهروندانی مسئولیت‌پذیر، مهربان، مشارکت‌جو و خلاق، متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول یاب و منتقد بار آیند و آن‌ها را با اصول و اسلوب اولیه دموکراسی که لازمه تعامل و کار و زندگی موفق در دنیای متمدن کنونی هستند آشنا می‌کند. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که روش تدریس این جانب درصد توانمند کردن نسل فردا برای موفقیت همه‌جانبه در دنیای رقابتی کنونی می‌باشد. بنابراین اهداف مورد نظر روش تدریس این جانب از آنجا مهم هستند که در دنیای پیچیده کنونی شهروندانی موفق‌تر خواهند بود که در کار تیمی و مدیریت کردن تضادها و اختلافات و نیز در تصمیم‌گیری جمعی در محیط‌های رقابتی برای درک متقابل و بقا و رشد و پیشرفت مهارت داشته باشند.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. نظر شما درباره فرهنگ یادگیری که این جانب بر آن تأکید دارم چیست؟ نقاط قوت و ضعف احتمالی آن چیست؟
۲. تفاوت تعامل هم‌زمان با مشارکت برابر چیست؟ یک اصل دیگر به آن اضافه نمایید.
۳. کدام استراتژی را برای ارتقای تعامل مثبت و سازنده برای کلاس خود می‌پسندید؟ چرا؟
۴. چند استراتژی را نام ببرید که به‌طور هم‌زمان به ارتقای تعامل مثبت و سازنده، حس مسئولیت‌پذیری، مشارکت برابر و تعامل هم‌زمان می‌انجامد.
۵. نظر شما راجع به روش و نوع تیم بندی این جانب چیست؟
۶. مواردی را در فرهنگ یادگیری روش تدریس این جانب که در صورت نهادینه شدن در نسل فردا می‌تواند نهایتاً به براندازی رژیم‌های استبدادی کمک کنند بیان نمایید.

=====

فصل هشتم

تسهیل تأثیر روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»

مطالب

- سؤالات سازمان دهنده.....۱۰۶
- مقدمه.....۱۰۶
- تکنیک‌هایی برای تسهیل موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی».....۱۰۶
 - مرور سه دقیقه‌ای.....۱۰۶
 - رسیدن به راه حل مشترک.....۱۰۶
 - بلند فکر کردن.....۱۰۷
 - مصاحبه سه مرحله‌ای.....۱۰۷
 - یادگیری تیمی، جفتی و انفرادی۱۰۷
 - تفکر انفرادی و حل جفتی و تیمی.....۱۰۷
 - یادگیری انفرادی، جفتی و تیمی.....۱۰۸
 - به اشتراک گذاشتن یک مسئله.....۱۰۸
 - میزگرد ۱.....۱۰۸
 - میزگرد ۲.....۱۰۸
 - استفاده از فراگیران تاپ کلاس.....۱۰۸
 - شماره‌گذاری اعضای تیم‌ها.....۱۰۸
 - حل سؤال در مدتی محدود.....۱۰۹
- برخی فعالیت‌های اجتماعی برای کلاس‌هایی که توسط روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند.....۱۰۹
 - آوازه‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و یا اینترنتی.....۱۰۹
 - ضرب‌المثل‌ها.....۱۰۹

بازی‌ها.....	۱۱۰
مقایسه کردن.....	۱۱۰
ارزیابی انتقادی.....	۱۱۰
ایفای نقش.....	۱۱۰
وظایف فراگیران.....	۱۱۱
نتیجه.....	۱۱۱
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۱۱۲

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. یک تکنیک آموزشی برای به‌کارگیری در کلاس‌هایی که با روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند را معرفی نمایید.
۲. یک فعالیت کلاسی که در راستای اهداف آموزشی روش تدریس این‌جانب می‌باشد را پیشنهاد دهید.
۳. آیا می‌توان از بازی‌ها در کلاس‌های دانشگاهی هم استفاده کرد؟ مزایا و معایب آن چیست؟

.....

مقدمه

محققان معروفی از قبیل کسلر (۱۹۹۲) و آلسن و کیگان (۱۹۹۲) تعداد زیادی تکنیک را برای موفقیت هرچه بیشتر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند طراحی و ارائه کرده‌اند. این تکنیک‌ها در محیط‌هایی که مشوق فراگیران به یادگیری گروهی و به اشتراک‌گذاری دانش و استراتژی‌های خود هستند بسیار مؤثر می‌باشند. ضمن اینکه کاربرد فعالیت‌های کلاسی خاص که اهداف آن‌ها در راستای اهداف این تکنیک‌ها هستند نیز به‌ویژه در کلاس‌های زبان می‌تواند بسیار مفید باشد. دلیل این امر هم این است که این تکنیک‌ها و فعالیت‌ها به‌طور هم‌زمان بر درگیر کردن فراگیران در فعالیت‌های کلاسی تمرکز داشته و به آن‌ها فرصت گوش دادن و صحبت کردن می‌دهند و در نتیجه به پیشرفت آن‌ها کمک می‌کنند. در این فصل به ارائه چند نمونه از این تکنیک‌ها و فعالیت‌ها می‌پردازم.

تکنیک‌هایی برای تسهیل موفقیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»

در ذیل به معرفی تکنیک‌هایی می‌پردازم که تعامل بین فراگیران را بهبود داده و به آن‌ها کمک می‌کنند که مرحله‌به‌مرحله کیفیت یادگیری خود را افزایش دهند. این تکنیک‌ها شرایطی را به وجود می‌آورند که فراگیران می‌توانند در آن‌ها به تمرین و کاربرد هرچه بیشتر دانش خود بپردازند و دانش و استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی خود را به اشتراک گذاشته و نهادینه کنند.

تکنیک مرور سه‌دقیقه‌ای

در طول پروسه تدریس هرگاه احساس کنم که فراگیران به چنین فرصتی نیاز دارند به آن‌ها سه تا پنج دقیقه فرصت می‌دهم تا آنچه را من ارائه داده‌ام مرور کنند، یا سؤالات خود را از من بپرسند و یا خودشان در تیم‌هایشان به پاسخ سؤالات یکدیگر بپردازند.

تکنیک رسیدن به راه‌حل مشترک

بر طبق این تکنیک آموزشی هر تیم چهار نفره چهار مسئله و یا تمرین دریافت می‌کند. به عبارت دیگر، دو مسئله یا تمرین برای هر جفت دو نفره در هر تیم ارائه می‌شود. بعد از این مرحله هر جفت باید در یک زمان روی یک مسئله و یا تمرین کار

کند به طوری که یک عضو به توضیح پاسخ و یا راه حل می پردازد و عضو دیگر از هر جفت چک می کند ببیند دوستش درست می گوید و یا نه. بعد از اینکه اولین مسئله و یا تمرین تمام می شود نقش های جفت ها برای پرداختن به مسئله و یا تمرین بعدی عوض می شود. موقعی که هر دو مسئله و یا تمرین به همین نحو کامل می شوند دو جفت تیم (۴ نفر) گرد هم می آیند تا ببینند آیا در پاسخ های خود مشترک هستند و یا نه. اگر باهم موافق باشند مراحل فوق را برای پرداختن به مسائل و تمرین بعدی ادامه می دهند و اگر پاسخ های آن ها متفاوت باشند آن قدر بر روی راه حل ها و پاسخ های خود به تبادل آرا می پردازند تا همگی به یک پاسخ و راه حل قابل قبول برای هر مسئله و یا تمرین برسند.

تکنیک بلند فکر کردن

این تکنیک هم تا حدودی همانند تکنیک قبلی می باشد. بعد از اینکه این جانب مسئله ای را مطرح می کنم اعضای تیم ها به صورت دو نفره سعی می کنند به حل مسئله بپردازند. در این تکنیک یک عضو به عنوان «حلال مسئله» و یک عضو به عنوان «شنونده فعال» عمل می کنند. در طول فرایند حل مسئله حلال مسئله به حل مسئله و یا تمرین می پردازد به طوری که تمام آنچه را در این پروسه فکر می کند بلند بیان می نماید. این بدان معناست که دوست او در جریان راه حل های ذهنی و نیز استراتژی های یادگیری که او بکار می برد قرار می گیرد و طبیعتاً آن ها را یاد می گیرد. در طی این فرایند کسی که نقش شنونده را ایفا می کند از هر فرصتی استفاده می کند تا به دوست خود که نقش حلال مسئله و یا تمرین را دارد فعالانه کمک فکری نماید. لازم به یادآوری است که همانند تکنیک قبلی برای حل مسئله و یا تمرین بعدی این نقش ها عوض می شوند. در پایان کلاس هم اعضای تیم ها می توانند راه حل های خود را در معرض قضاوت یکدیگر قرار داده و به بحث و تبادل نظر بپردازند.

تکنیک مصاحبه سه مرحله ای

مبنای این تکنیک بر مصاحبه اعضای تیم ها با یکدیگر جهت درک بهتر و عمیق تر از آنچه معلم ارائه داده است می باشد. در مرحله اول از این مصاحبه بعد از اینکه این جانب مطلبی را ارائه می دهم اعضای تیم ها به صورت دو نفره با یکدیگر به مصاحبه می پردازند به طوری که یک نفر مصاحبه کننده و یک نفر مصاحبه شونده می شوند. در مرحله بعد نقش ها عوض می شود. در این فرایند مصاحبه کننده ها نه تنها سعی می کنند خلاً دانش خود را در زمینه مورد مصاحبه افزایش دهند بلکه سعی می کنند درک و فهم مصاحبه شونده را نیز در این زمینه افزایش دهند. در مرحله سوم تمام اعضای هر تیم به بحث و تبادل نظر درباره مطالبی که مرور کرده اند می پردازند. البته اگر فرصت کلاس اجازه دهد می توان بعد از این مرحله به بحث و تبادل نظر در سطح کلاس نیز پرداخت.

تکنیک یادگیری تیمی، دو نفره و انفرادی

در این تکنیک بعد از اینکه معلم مطلبی را ارائه می دهد فراگیران تشویق می شوند که به صورت تیمی روی آن مطلب کار کنند. سپس از آن ها خواسته می شود که به صورت جفتی (دو نفره) و با تمرکز بیشتر بر روی همان مطلب کار کنند. و در نهایت از فراگیران خواسته می شود که به صورت انفرادی مطلب مورد نظر را در نظر بگیرند و به مرور آن بپردازند تا بتوانند درک و فهم خود را از آن مطلب افزایش دهند.

تکنیک تفکر انفرادی و حل جفتی و تیمی

در این تکنیک بعد از اینکه این جانب مطلبی و یا مسئله ای را ارائه می دهم از فراگیران می خواهم که به صورت انفرادی و در زمانی محدود روی آن مطلب و یا مسئله «فکر» نمایند و سپس با کمک دوستانشان در تیم هایشان به صورت جفتی به تبادل آرا و حل آن بپردازند. سپس از آن ها خواسته می شود که درک و فهم و یا پاسخ های خود را با تمام اعضای تیمشان به اشتراک گذاشته و به بحث و تبادل آرای بیشتر بپردازند.

تکنیک یادگیری انفرادی، جفتی و تیمی

این تکنیک همانند تکنیک قبل است با این تفاوت که در اینجا بعد از اینکه معلم مسئله‌ای را مطرح می‌کند از اعضای تیم‌ها می‌خواهد که به صورت انفرادی آن مسئله را «حل» نمایند و نه اینکه مثل تکنیک قبل صرفاً روی آن فکر کنند. بعد همانند تکنیک قبلی از آن‌ها خواسته می‌شود که به صورت جفتی و دو نفره پاسخ‌های خود را به اشتراک گذاشته و به تبادل آرا بپردازند. در نهایت از آن‌ها خواسته می‌شود که با کل اعضای تیم‌هایشان به تبادل آرا بپردازند.

تکنیک به اشتراک گذاشتن یک مسئله

در این تکنیک تیم‌های کلاس تشویق می‌شوند که به یک و یا چند مسئله پاسخ‌های متنوع و خاص خود را بدهند. به طوری که یک سؤال به تیم اول داده می‌شود و اعضا باید پاسخ‌های خود را به آن سؤال بر روی کاغذی بنویسند. بعد همان سؤال به تیم‌های بعدی داده می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود تا همان کاری را بکنند که تیم اول کرد. اما تیم آخر که باید بهترین تیم کلاس هم باشد بهترین پاسخ‌ها را انتخاب می‌کنند و اگر لازم باشد آن‌ها را اصلاح می‌نمایند و با کلاس به اشتراک می‌گذارند.

تکنیک میزگرد ۱

در این تکنیک بعد از اینکه معلم مسئله‌ای را مطرح می‌کند اعضای تیم‌ها به ترتیب پاسخ‌های خود را با یکدیگر به طور شفاهی به اشتراک می‌گذارند. در این تکنیک همه باید نوبت یکدیگر را رعایت کنند تا همه فرصت‌های برابر برای یادگیری داشته باشند.

تکنیک میزگرد ۲

این تکنیک همانند تکنیک قبلی می‌باشد با این تفاوت که در اینجا اعضای تیم‌ها باید پاسخ‌های خود را روی کاغذ بنویسند. در نهایت هم صحیح‌ترین و خلاقانه‌ترین پاسخ‌ها انتخاب می‌شوند.

تکنیک استفاده از فراگیران تاپ کلاس

گاهی اوقات این جانب درس جلسه بعد را بین چهار فراگیر برتر تقسیم می‌کنم تا به قسمت‌هایی که بر عهده گرفته‌اند مسلط شوند و جلسه بعد به ارائه آن بپردازند. بنابراین در جلسه بعد از اعضای تیم‌ها می‌خواهم که به نزد این فراگیران برتر بروند و هر یک به فراگیری قسمتی که آن عضو برتر ارائه می‌دهد بپردازند. ضمناً به اعضای تیم‌ها یادآوری می‌کنم که نباید بیش از یک نفر از اعضای یک تیم به یک فراگیر برتر مراجعه کند. در پایان از اعضای تیم‌ها می‌خواهم که به تیم‌های خود برگردند و مطالبی را که از فراگیران برتر کلاس آموخته‌اند به اعضای تیمشان تدریس نمایند و به اشتراک بگذارند.

تکنیک شماره گذاری اعضای تیم‌ها

این تکنیک می‌تواند برای مرور درس‌های ارائه شده و یا ارزیابی تیم‌ها و اعضایشان بکار رود. در این تکنیک تک تک اعضای هر تیم توسط سرگروه‌ها و یا همان کاپیتان‌ها از شماره ۱ تا ۴ - در صورتی که تیم ۴ نفره باشد - شماره گذاری می‌شوند. کاربرد این تکنیک به این صورت است که مثلاً در پایان هر درس این جانب یک یا چند سؤال به هر تیم می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم در زمان معینی روی آن‌ها کار کنند. بعد از اتمام زمان، یک تیم را به صورت اتفاقی انتخاب می‌کنم و مجدداً به صورت اتفاقی یک شماره را اعلام می‌کنم که فراگیر با آن شماره در تیم باید بلند شود و به سؤالات من نه تنها برای ارزیابی خودش بلکه برای ارزیابی هم تیمی‌هایش هم پاسخ دهد. ضمناً در این مرحله این عضو انتخاب شده باید بتواند برای پاسخ و یا پاسخ‌های خود دلیل و برهان هم بیاورد تا همه متوجه شویم که پاسخ‌ها را صرفاً طوطی‌وار حفظ نکرده است بلکه آن‌ها را درک هم کرده است. این تکنیک باعث می‌شود که تمام اعضای تیم‌ها انگیزه کافی برای کمک کردن به یکدیگر را در طول فرایند یادگیری تیمی داشته باشند. در این تکنیک همچنین می‌توان از اعضای تیم‌ها خواست که پاسخ‌های خود را به صورت کتبی روی

برگه‌هایی بنویسند که در این صورت یکی از پاسخ‌ها می‌تواند برای ارزیابی فرد انتخاب شده و اعضای تیمش به صورت اتفاقی انتخاب شود.

تکنیک حل سؤال در مدتی محدود

این تکنیک در موقعی استفاده می‌شود که بخواهم تیم‌ها در محدوده زمانی مشخصی به حل یک و یا چند مسئله بپردازند. مثلاً ممکن است به آن‌ها یک تست بیست آیتمی (۲۰ سؤالی) بدهم و از تیم‌ها بخواهم که آن را در ده دقیقه حل کنند. این می‌تواند تمرینی برای ورود به آزمون‌های استاندارد از قبیل کنکور نیز باشد.

برخی فعالیت‌های اجتماعی برای کلاس‌هایی که توسط روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند

علاوه بر تکنیک‌هایی که در قسمت قبل توضیح داده شدند فعالیت‌های کلاسی زیادی هستند که اگر به‌عنوان فعالیت‌های مکمل خوب اجرا شوند می‌توانند به یادگیری مؤثرتر فراگیران کمک شایانی نمایند. از میان این فعالیت‌ها فعالیت‌هایی که بر تبادل آرا و عقاید و راه‌حل‌ها و پاسخ‌ها و یا واکنش‌های متعدد تأکید دارند مورد توجه این‌جانب هستند. دلیل این توجه هم این است که این نوع فعالیت‌ها بر پویایی کار تیمی و بهبود کیفیت یادگیری - و نه بر محصول یادگیری - تمرکز دارند. در این قسمت به معرفی چند نوع از این فعالیت‌ها می‌پردازم:

آوازاها، سخن‌رانی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و یا اینترنتی

فعالیت‌های زیادی می‌توانند بر مبنای آواز، سخنرانی، مصاحبه و یا برنامه‌های تلویزیونی و اینترنتی طراحی شوند. برای مثال این‌جانب برخی اوقات از تیم‌ها می‌خواهم که به آواز و یا سخنرانی و یا مصاحبه و یا برنامه تلویزیونی یا اینترنتی خاصی گوش کنند و یا آن را ببینند و سپس تستی در همان رابطه به آن‌ها می‌دهم. به‌عنوان نمونه وقتی می‌خواهم مهارت شنیداری فراگیران را ارزیابی نمایم از آن‌ها می‌خواهم که:

۱. لغات جا افتاده در متنی را که در همان زمینه در اختیار آن‌ها قرار داده‌ام دوباره نویسی کنند.
 ۲. به سؤالاتی که در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم پاسخ دهند.
 ۳. عناوین مورد درس و یا بحث را لیست نمایند.
 ۴. خلاصه‌ای از درک و فهم خود را ارائه دهند.
 ۵. سؤالات و شبهات خود را مطرح کنند. و مهم‌تر اینکه
 ۶. سعی کنند مطالب ارائه‌شده را به مسائل پیرامون و زندگی خود - با نگاهی انتقادی - ارتباط دهند.
- در این فعالیت تیمی که بیشترین امتیاز را بگیرد برنده خواهد بود.

ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها منابع مفیدی برای ارتقای مهارت محاوره‌ای و نیز مهارت تفکر انتقادی فراگیران هستند. به‌عنوان نمونه وقتی من می‌خواهم از پتانسیل ضرب‌المثل‌ها در کلاس‌هایم استفاده کنم و آن‌ها را به خدمت بگیرم معمولاً:

۱. به هر تیم ۱۰ ضرب‌المثل (به زبان انگلیسی) می‌دهم.
 ۲. داستان‌هایی را نقل می‌کنم که حاکی از ضرب‌المثلی خاص هستند. و
 ۳. از تیم‌ها می‌خواهم که ضرب‌المثل مربوطه را حدس بزنند و سپس آن را به زبان مادری‌شان نیز ترجمه کنند.
- در این فعالیت اولین تیمی که پاسخ صحیح می‌دهد امتیاز مربوطه را می‌گیرد. البته برخی اوقات نیز از فراگیران می‌خواهم که به صورت انتقادی به ضرب‌المثلی خاص نگاه کنند و ببینند اصلاً می‌توان آن ضرب‌المثل را با توجه به واقعیات دنیای امروز پذیرفت یا نه؟!

بازی‌ها

هیچ‌کس نمی‌تواند نقش و اهمیت بازی به‌ویژه در سطوح ابتدایی در یادگیری فراگیران را کتمان نماید. به‌عنوان نمونه یکی از این بازی‌ها بازی «غریبه بیرون» می‌باشد. اجرای این بازی می‌تواند به‌صورت‌های متفاوت باشد. برای مثال می‌توان برای افزایش و یا ارزیابی دامنه لغات فراگیران از این بازی استفاده کرد. در این بازی می‌توان چندین لغت به فراگیران داد و از آن‌ها خواست که لغت متفاوت و متمایز را تشخیص دهند. برای نمونه در آیتم چهارگزینه‌ای زیر گزینه «ت» با بقیه متفاوت است:

الف: استبداد ب: خفقان پ: ارباب ت: دموکراسی

بازی دیگر «بازی ۲۰ سؤالی» می‌باشد. به‌عنوان مثال در یک کلاس تخصصی در آموزش زبان انگلیسی در کلاس دانشگاهی خودم به فراگیران می‌گویم که دارم به یک پروفیسور شناخته شده در حوزه آموزش زبان فکر می‌کنم. سپس از فراگیران می‌خواهم سعی کنند حداکثر از طریق پرسیدن ۲۰ سؤال به فرد موردنظر برسند. به‌عنوان نمونه آن‌ها ممکن است بپرسند که آیا فرد موردنظر یک زبان‌شناس است؟ و اگر من جواب مثبت دهم ممکن است بپرسند که آیا آن فرد پایه‌های تئوری ساختن گراها را هدف قرار داد و.... برای بازی‌های دیگر حسینی (۲۰۱۲) را ببینید.

مقایسه کردن

یک فعالیت مناسب دیگر برای اوقات فراغت فراگیران در کلاس‌های این‌جانب مقایسه کردن مفاهیم و موضوعات و غیره می‌باشد. برای نمونه این‌جانب ممکن است اسم مکان‌های توریستی و جذاب را در یک شهر روی تخته‌سیاه (و یا وایت برد) بنویسم و بعد اطلاعاتی راجع به یکی از آن‌ها (به زبان انگلیسی) بدهم و از فراگیران بخواهم که نام آن مکان را بگویند و یا حدس بزنند. علاوه بر این در این فعالیت از فراگیران می‌خواهم سؤالات متفاوتی راجع به آن مکان از من بپرسند. در این فعالیت برنده تیمی خواهد بود که سؤالات بیشتر و متمایزتری بپرسد.

ارزیابی انتقادی

این فعالیت وقتی مؤثر است که از فراگیران خواسته می‌شود مزایا و یا مضرات مفاهیم و یا نقطه نظرات و یا روش‌های تدریس و یا حتی رهبران خاص را مقایسه کنند. در این صورت از فراگیران خواسته می‌شود تا این مزایا و مضرات را روی تخته‌سیاه کلاس لیست نمایند. به‌عنوان مثال در یک کلاس تدریس در دانشگاه این‌جانب از فراگیران می‌خواهم که مزایا و مضرات روش تدریس مختلط و فرصت‌های یادگیری را بررسی نمایند. و یا از آن‌ها می‌خواهم روش تدریس این‌جانب و روش تدریس سی‌ال‌تی را مقایسه نمایند. بعدازاینکه فراگیران مزایا و مضرات هر یک از این موارد را لیست کردند از آن‌ها می‌خواهم از طریق بحث و گفتمان نتیجه‌گیری کنند که کدام یک بهتر و مفیدتر است و چرا؟ حتی ممکن است از فراگیران بخواهم که مسؤولان و یا رهبران برخی کشورها را باهم مقایسه نمایند. برای نمونه از آن‌ها می‌خواهم که یک دیکتاتور در خاورمیانه را با استالین و یا هیتلر در رابطه با روش‌هایشان برای شکنجه کردن روشن‌فکران و دگراندیشان و آزادی خواهان مقایسه کنند. اما قبل از این فعالیت به برخی روش‌های آن‌ها از جمله انگ دیوانه زدن به مخالف، او را روانه تیمارستان کردن و شک الکتریکی دادن به او، مطرود و منزوی کردن او و تهدید و از هستی و نیستی ساقط کردن عزیزان او اشاره می‌کنم. در این فعالیت تیم‌ها بر اساس مهارت و سطح اطلاعاتشان ارزیابی می‌شوند.

ایفای نقش

فعالیت ایفای نقش می‌تواند برای منظوره‌های متفاوتی بکار گرفته شود. اعضای تیم‌ها می‌توانند نقش‌های متفاوتی را در این فعالیت بر عهده بگیرند تا از این طریق به درک مؤثرتر مطالب ارائه‌شده توسط این‌جانب بپردازند. به‌عنوان مثال می‌توانیم از این فعالیت جهت تدریس یک مجموعه لغات مرتبط باهم استفاده نماییم. «ملاقات با دکتر» یکی از این فعالیت‌ها هست که می‌تواند برای تدریس لغاتی از قبیل سردرد، فشارخون، تب، کبد چرب، دل‌درد و بی‌خوابی استفاده شود. در این صورت از

اعضای تیم‌ها خواسته می‌شود تا نقش دکترها را در یک کنفرانس علمی ایفا نمایند و به صحبت راجع به موارد ذکر شده و راه علاج هریک بپردازند.

برای نمونه‌ای دیگر مثلاً در یک کرس روش تدریس در دانشگاه می‌توان از یک تیم خواست که نقش چامسکی و همکارانش را بر عهده بگیرند و ایده‌ها و تئوری چامسکی را با کلاس به بحث بگذارند. تیم دیگر می‌تواند نقش برادران جانسون و همکارانشان را برای معرفی روش‌های کار گروهی ایشان به کلاس بر عهده بگیرند. همین‌طور یک تیم می‌تواند به‌عنوان کار گروهی به معرفی روش تدریس این‌جانب بپردازند. و نهایتاً یک تیم هم می‌تواند نقش یک دیکتاتور و مشاورانش را بر عهده بگیرد. در این مورد آخر باید تأکید شود که آن‌ها به‌گونه‌ای به ایفای نقش خود بپردازند که انگار یک سرو گردن از کل مردم و حاکمان دنیا بالاتر هستند. آن‌ها باید تمام تلاش خود را بکنند تا ویژگی‌های برجسته یک دیکتاتور به سایرین تفهیم شود طوری که تمام کلاس بفهمند که یک دیکتاتور گرگ‌صفت می‌تواند در هیبت یک میش هم بر مردم ظاهر شود.

در انتهای این قسمت به برخی از ویژگی‌های دیگر تکنیک‌ها و فعالیت‌های معرفی شده در این قسمت می‌پردازم:

۱. آن‌ها باعث می‌شوند که یادگیری سرگرم‌کننده و جذاب شود.
۲. آن‌ها می‌توانند جهت تمرین و مرور مطالب ارائه شده توسط معلم بکار گرفته شوند.
۳. آن‌ها فراگیران را در فرایند یادگیری درگیر کرده و در نتیجه کیفیت یادگیری را ارتقاء می‌دهند.
۴. آن‌ها باعث می‌شوند اطلاعات کافی در اختیار تمام فراگیران قرار گرفته شود.
۵. آن‌ها مهارت‌های مانیتورینگ و رصد کیفیت یادگیری فراگیران را افزایش می‌دهند.
۶. آن‌ها باعث می‌شوند فراگیران بر کیفیت زبانی که به کار می‌برند تمرکز کنند.
۷. آن‌ها فراگیران را ترغیب می‌کنند که ایده‌ها و راه‌حل‌های خود را به اشتراک بگذارند.
۸. آن‌ها فراگیران را ترغیب می‌کنند که از اشتباهات خود استفاده کرده و بر یادگیری و دانش خود بیفزایند.
۹. آن‌ها فراگیران را ترغیب می‌کنند که به تجربیات و دانش خود و سایرین واکنش نشان دهند.
۱۰. آن‌ها به فراگیران کمک می‌کنند آنچه را از معلم آموخته‌اند بهتر بفهمند و به حافظه بلندمدت خود بسپارند.
۱۱. آن‌ها باعث افزایش نگرش مثبت فراگیران به یادگیری (زبان)، معلم و محیط‌های آکادمیک می‌شوند.
۱۲. آن‌ها فراگیران را به تفکر به‌ویژه تفکر خلاقانه و انتقادی ترغیب می‌کنند.
۱۳. آن‌ها نسل فردا را با واقعیات دنیای پیرامون خود آشنا می‌کنند. و
۱۴. آن‌ها باعث افزایش کیفیت کار تیمی در محیط‌های رقابتی شده و کلاسی شاداب و پویا را به وجود می‌آورند.

«یادگیری تیمی رقابتی» و وظایف فراگیران

در فصل بعد به این مبحث پرداخته شده است.

نتیجه

در این فصل به معرفی برخی تکنیک‌ها و فعالیت‌هایی که در کلاس‌های این‌جانب به کار می‌روند و نیز به اهمیت آن‌ها پرداخته شد. همان‌طور که مشخص شد یکی از ویژگی‌های این تکنیک‌ها و فعالیت‌ها پتانسیل آن‌ها در بهبود رابطه بین اعضای تیم‌ها و معنادارتر کردن این رابطه می‌باشد. آن‌ها کیفیت رابطه بین فراگیران را از طریق فراهم کردن شرایطی برای درک بهتر متقابل افراد با فرهنگ‌ها و ایده‌های متفاوت ارتقاء می‌بخشند و باعث کاهش تعصبات بیجا و افزایش تحمل و صبر و نیز احترام متقابل می‌شوند. چنین محیط‌هایی فرصت‌های نابی را برای تبادل اطلاعات و فکر کردن درباره آن‌ها فراهم می‌آورند. آن‌ها همچنین شرایط مناسبی را برای پرسیدن سؤالات هدفمندتر و قضاوت در مورد پاسخ به آن‌ها و رصد کردن فرایند یادگیری فراهم می‌آورند. آن‌ها باعث درگیر شدن بیشتر فراگیران در فرایند یادگیری، درک بهتر مطالب و نهادینه شدن دانش یاد گرفته شده و نیز ارتقای استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی می‌شوند. درگیر شدن در فرایند یادگیری به تنهایی

باعث معنادار کردن یادگیری و بالا رفتن کیفیت بکارگیری زبان و در نتیجه ژرفا بخشیدن به یادگیری و بهبود فرایند به یادآوری مطالب که یکی از مسائل عمده در فراگیری زبان است می‌شود. چنین تکنیک‌ها و فعالیت‌هایی همچنین باعث کم کردن ترس و استرس فراگیران، پیوستگی بیشتر اعضای تیم‌ها، احترام و درک متقابل و رابطه مثبت‌تر بین فراگیران می‌شوند. آن‌ها همچنین خرد جمعی و رفع کدورت‌ها و تضادها و اعتمادسازی بیشتر و تا انتها پای کار ایستادن را به دنبال دارند. در کل چنین تکنیک‌ها و فعالیت‌ها و محیط‌ها و شرایطی باعث بهتر نهادینه شدن اصول و قواعد دموکراتیک در بین اعضای تیم‌ها در کلاس‌های این‌جانب می‌شوند. از دیگر ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب که بعد از مطالعه کل این کتاب آن را تأیید خواهید کرد این است که روش تدریس این‌جانب نه تنها باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و نیز بیدارسازی انتقادی نسل فردا می‌شود بلکه به آن‌ها این انگیزه را می‌دهد که حتی سعی کنند دنیای پیرامون خود را هم تحت تأثیر خود قرار دهند تا بدین سیاق خود را متقاعد کنند که می‌توانند هدفمند و معنادار زندگی کنند.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. آیا باور دارید که تکنیک‌ها و فعالیت‌هایی که در این فصل معرفی شد می‌توانند برای کلاس‌ها در تمامی سطوح از ابتدایی تا دانشگاه استفاده شوند؟
۲. کدام تکنیک و یا فعالیت می‌تواند به بهترین نحو بعد از ارائه مطلب توسط معلم بکار گرفته شود؟
۳. کدام تکنیک و یا فعالیت فرصت بیشتری جهت پردازش مطالب ارائه‌شده توسط معلم را به فراگیران می‌دهد؟ چرا دادن چنین فرصتی مهم است؟
۴. کدام تکنیک و یا فعالیت می‌تواند در جلسات امتحان زمانی که می‌خواهیم امتحان را در خدمت یادگیری قرار دهیم استفاده شود؟
۵. کدام تکنیک و یا فعالیت برای زمانی که می‌خواهیم به فراگیران نشان دهیم که یک سؤال و یا مسئله می‌تواند پاسخ‌های متعددی داشته باشد استفاده شود؟
۶. کدام تکنیک و یا فعالیت برای انتقال مهارت‌های یادگیری بین فراگیران مؤثرتر است؟
۷. کدام تکنیک و یا فعالیت برای انتقال مطالب ارائه‌شده از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت مؤثرتر است؟
۸. تفاوت بین تکنیک حل کردن انفرادی-جفتی-گروهی با تکنیک مصاحبه سه مرحله‌ای چیست؟
۹. کدام تکنیک و یا فعالیت برای بارش ذهنی و یا همان تداعی شدن پاسخ‌های متعدد در ذهن فراگیران مؤثرتر است؟
۱۰. ویژگی‌های تکنیک شماره‌گذاری اعضای تیم‌ها چیست؟
۱۱. از مجموع تکنیک‌ها و یا فعالیت‌های معرفی شده در این فصل شما کدام را ترجیح می‌دهید؟ چرا؟
۱۲. از مجموع تکنیک‌ها و یا فعالیت‌های معرفی شده در این فصل شما کدام را نمی‌پسندید؟ چرا؟
۱۳. یک تکنیک و یا فعالیت دیگر برای بکارگیری در کلاس‌های این‌جانب ارائه دهید.
۱۴. راه‌هایی را که تکنیک‌ها و فعالیت‌های معرفی شده در این فصل سبب بهبود مهارت‌های اجتماعی و نیز پیوستگی اجتماعی می‌شوند بیان کنید.
۱۵. نظر شما راجع به این‌که نسل فردا باید آموزش داده شوند که نورم‌ها و فرهنگ رایج در جامعه خود و حتی رهبران خود را بدون منطق و تحلیل نپذیرند چیست؟

=====

فصل نهم

«یادگیری تیمی رقابتی»؛

وظایف مدرسان و

مسئولیت‌های فراگیران

مطالب

سؤالات سازمان دهنده..... ۱۱۳

مقدمه..... ۱۱۴

«یادگیری تیمی رقابتی» و وظایف مدرسان..... ۱۱۴

«یادگیری تیمی رقابتی» و مسئولیت‌های فراگیران..... ۱۱۷

نتیجه..... ۱۱۹

سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۱۹

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. «آموزش» از نظر شما به چه معنا است؟
۲. برخی وظایف معلمان در کلاس‌هایی که با روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند را بیان نمایید.
۳. برخی وظایف فراگیران در کلاس‌هایی که با روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند را بیان نمایید.
۴. آیا می‌توانید «فرهنگ» خاصی را برای کلاس‌هایی که با روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند متصور شوید؟ برخی اصول آن را نام ببرید.

.....

مقدمه

با نگاهی اجمالی به رژیم تعلیم و تربیت فعلی ایران می‌توان به این نتایج رسید که:

۱. روش سخنرانی کردن یک‌طرفه و دیکته کردن آراء و نظرات از یک سطح بالاتر در محیط‌های خشک و مصنوعی که در آن‌ها اکثریت نادیده گرفته شده‌اند و مانع بحث و تبادل آراء شهروندان (شاگردان) می‌شوند در تضاد کامل با محیط‌های (شبه) واقعی است که در آن‌ها شهروندان می‌توانند آزادانه اظهارنظر کنند و آراء و نظرات دیگران را به چالش بکشند و نقد کنند و راجع به آن‌ها تصمیم بگیرند.
۲. یادگیری از طریق طوطی‌وار حفظ کردن و خرخوانی به‌منظور پاس کردن امتحانات و اخذ مدرک برای رسیدن به شغل‌های رؤیایی در تضاد با یادگیری و فهم واقعی، کاربردی و مفید و سودمند است. طوطی‌وار تکرار کردن و به یادآوردن و سفسطه کردن در تضاد با کاربرد مهارت‌های مانیتورینگ ذهنی و تفکر خلاقانه و منتقدانه است که باعث شکوفایی و خلاقیت ذهنی و نهایتاً رهاسازی مستضعفان و ستمدیدگان می‌شوند.
۳. گوسفندوار بار آوردن نسل فردا به‌طوری‌که در عمل در خدمت آرمان‌های حکومت‌های تمامیت‌خواه، کاپیتالیسم و امپریالیسم باشند در تضاد با اصول و اسلوب و قواعد دموکراتیک و اسلامی می‌باشد.
۴. اصرار و پافشاری بر اهداف و منابع و مواد و نیروی آموزشی و مدیریتی تردیشنال و بی‌کیفیت فعلی در تضاد با درستی ادعای سیاست‌گذارانی است که خود را در خدمت اسلام و مردم می‌دانند.
۵. ساختن فردا بر مبنای تئوری و پیش‌فرض در تضاد با ساختن آن بر مبنای واقعیت‌های دنیای پیچیده فردا می‌باشد.
۶. تحت کنترل گرفتن زندگی و هستی و نیستی دگراندیشان کلاس و آزار و اذیت کردن روحی و روانی آن‌ها با بقا و تعالی دسته‌جمعی در تضاد است.
۷. مطرود و منزوی کردن و نهایتاً معدوم کردن منتقدان و دگراندیشان کلاس برای بقای خود و منافع قبیله خود در تضاد با ارزش‌های انسانی است چه رسد به ارزش‌های اسلامی.

«یادگیری تیمی رقابتی» و وظایف مدرسان

در عصر و شرایط حاضر و در سناریوی فعلی جهان در حال گلوبالیزه شدن - جهانی که به‌شدت با تشتت آراء و فرهنگ‌ها، پیچیدگی و رقابت روبروست - مدرسان و اساتید لازم است وظایف خود را از یک چشم‌انداز جامع‌تر و منطقی‌تر بررسی نمایند. این امر به‌نوبه خود فهمی عمیق‌تر از اهداف آموزشی و اجتماعی سیاسی و وظایف را در حرفه مقدس معلمی می‌طلبد. درحالی‌که اهداف آموزشی در حال پوشش دادن به آموزش مهارت‌ها و دانش فرا ذهنی، آموزش سطوح بالاتر در تفکر، ادله و منطق و روش‌های کارا تر برای حل مسائل به‌منظور یادگیری ماندگارتر و تعامل، و کار و زندگی موفق‌تر هستند انتظارات چالش‌آورتری از مدرسان و اساتید عصر حاضر به‌ویژه در شرایط کنونی می‌رود. مدرسان امروزی نه‌تنها باید به موفقیت علمی نسل فردا بیندیشند بلکه باید تمام تلاش خود را برای ساختن جوامعی انسانی‌تر و متمدن‌تر نیز بنمایند. و این امر مستلزم تغییر در نگرش‌ها، باورها، مدیریت‌ها و الگوهای روش تدریس می‌باشد.

روش‌های تدریس متنوع و زیادی توسط اساتید در برخی کشورها به‌ویژه در غرب ارائه شده‌اند اما ویژگی منحصر به فرد روش تدریسی که این‌جانب بر مبنای تئوری آموزشی - سیاسی خود ارائه داده‌ام این است که این روش تدریس نه‌تنها بر آموزش مهارت‌های علمی و آکادمیک بلکه بر آموزش مهارت‌ها و ضرورت‌های موردنیاز برای زندگی موفق در دنیای پیچیده امروز نیز تأکید دارد. بنابراین نسل فردا در کلاس‌های این‌جانب روش‌های انسانی تعامل، همکاری و حتی رقابت و زندگی را نیز می‌آموزند. به عبارت دیگر، آن‌ها نه‌تنها به «کاربرد زبان در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند بلکه متفکر، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و سیاسی بار می‌آیند و قادر خواهند بود نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند. مدرسانی که روش تدریس این‌جانب را در کلاس‌های خود به خدمت می‌گیرند فرصت‌های زیادی را برای آموزش

ارزش‌ها، معنویات و اصول و اسلوب دموکراسی و نگرش‌های انسانی اسلامی به نسل فردا دارند. برخی مهارت‌های ارتباطی که از ضرورت‌های زندگی موفق در دنیای پیچیده امروز است و مورد تأکید این‌جانب در کلاس‌هایم می‌باشند عبارت‌اند از:

۱. توانایی گوش دادن به‌طرف مقابل.
۲. توانایی انعطاف‌پذیر بودن در تفکر کردن به این منظور که قادر باشیم هر شخص، ایده و ایدئولوژی را بی‌طرفانه قضاوت کنیم و مورد تأثیر پیش‌فرض‌های خود و قضاوت دیگران واقع نشویم.
۳. توانایی در نظر گرفتن راه‌حل‌های متفاوت برای حل یک مسئله.
۴. توانایی جمع‌آوری اطلاعات به‌روز، مؤثر و معتبر از اقیانوس اطلاعاتی که ما را در بر گرفته است.
۵. توانایی تفکر آزادانه، خلاقانه و منتقدانه اما در عین حال منطقی، راهبردی و مؤثر به‌منظور قادر ساختن خود برای تشخیص حقیقت از میان انبوهی از نظرات و ایده‌های کذب و غیر واقعی.
۶. توانایی گفتمان و بحث دقیق و مؤثر داشتن.
۷. توانایی ریسک کردن در تفکر کردن.
۸. توانایی انتقاد کردن بر پایه برهان، ادله و منطق.
۹. توانایی مسئول بودن در قبال رفتار خود و دیگران.
۱۰. توانایی حل‌وفصل کردن صلح‌آمیز و دیپلماتیک منازعات و تضادها در آراء و در تصمیم‌گیری‌های دسته‌جمعی.
۱۱. توانایی نپذیرفتن و رد کردن نتیجه‌گیری‌ها و قضاوت‌های غلط.
۱۲. توانایی و شهامت ایستادگی و مبارزه کردن با سرچشمه‌های تبعیض و بی‌عدالتی و ظلم و ستم و فساد و استبداد.
۱۳. توانایی رساندن و فهماندن حقایق به دیگران. - این امر بسیار حائز اهمیت است چراکه همان‌گونه که حضرت عیسی (ع) فرمودند این حقایق هستند که ما را به‌سوی آزادی رهنمون می‌سازند.

در سطح کلاس، این‌جانب بر این باور هستم که محیط به محتوا معنی می‌بخشد و بنابراین فراهم کردن محیطی که از نظر روانشناسی و اجتماعی امن و ایمن باشد و در آن صبر و پذیرش و احترام و اعتماد متقابل تشویق شود بسیار مهم است. چنین محیط‌هایی ریسک کردن در تفکر کردن و همین‌طور تفکر خلاقانه و انتقادی را شکوفا خواهند کرد. بنابراین مدرسانی که روش تدریس این‌جانب را به خدمت می‌گیرند در ابتدای هر دوره باید درباره این روش تدریس و اهداف آموزشی، اجتماعی و سیاسی آن توضیح دهند و به نسل فردا یادآوری نمایند که علاوه بر مهارت‌های علمی قرار است چه مهارت‌هایی را کسب نمایند. علاوه بر این آن‌ها باید فرهنگ و رفتار مورد انتظار از شاگردان و روش‌های ارزیابی کردن آنان و گروه‌هایشان و دلایل آن را نیز در این کلاس‌ها یادآوری نمایند. مدرسان باید در نوع گروه‌بندی و چیدمان کلاس‌های خود و همین‌طور انتخاب منابع آموزشی و فعالیت‌های کلاسی نیز دقت کنند به‌طوری‌که آن‌ها همبستگی و تعامل اعضای تیم‌ها و نیز حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها را برای موفقیت خود و اعضای تیمشان در یک محیط شاد و پویا تقویت کنند. همین‌طور مدرسان باید بپذیرند که آن‌ها همانند آنچه در کلاس‌های تدریسی فعلی فرض گرفته شده است تنها منابع دانش نیستند که وظیفه‌شان تزریق دانش به کسانی است که تهی از آن هستند! از طرف دیگر همانند آنچه در کلاس‌های به‌اصطلاح مدرن امروزی هست آن‌ها صرفاً نقش تسهیل‌کننده فرایند یادگیری و یا مدل‌های محاوره‌ای و ارتباطی را ندارند. بلکه علاوه بر نقش‌های فوق آن‌ها باید نقش روانشناسی را ایفا نمایند که علاوه بر خواسته‌های روحی و روانی شاگردان به‌عنوان دوست سلیق و علایق آن‌ها را نیز در نظر بگیرند. مهم‌تر از همه اینکه مدرسان باید خود را به‌عنوان مدل‌هایی از افراد متفکر، علت و معلول‌یاب، منتقد، خلاق و تحول‌گرا به شاگردانشان ارائه دهند تا بدین سیاق آینده‌ای امن‌تر، پویاتر و پیشرفته‌تر و متمدن‌تر را برای آن‌ها ترسیم نمایند. - البته حکومت هم نباید این‌گونه معلمان و اساتید را مطرود و منزوی و مخفی و نهایتاً معدوم کند!

مدرسان باید قادر باشند که اذهان نسل فردا را از عقاید و خرافات دیکته شده به آن‌ها توسط گروه‌ها و احزاب سودجو، سلطه‌طلب و تمامیت‌خواه پاک‌سازی و از استعمار آن‌ها خارج نمایند و آن‌ها را به‌صورت انتقادی بیدار کنند و نسبت به مسائل روز آگاه نمایند. هم‌زمان آن‌ها باید خالق و هماهنگ‌کننده فرصت‌هایی ناب برای شاگردان جهت شکوفایی استعدادها و نیز یادگیری مؤثرتر و تعالی شخصیتی آن‌ها باشند. آن‌ها باید فعالانه رفتارها و موفقیت‌های شاگردان خود و تیم‌های کلاسی را در

نظر بگیرند و هر جا لازم باشد پروسه یادگیری را تسهیل نمایند. مدرسان به‌عنوان رهبران کلاس‌ها باید مطمئن شوند که فرصت‌های برابر در اختیار تمام شهروندان و احزابشان (تیم‌هایشان) وجود دارد تا بتوانند به‌راحتی فکر کنند، بحث کنند، نقد کنند، در فعالیت‌ها شرکت کنند و به‌صورت تیمی به حل مسائل و مشکلات جهت رسیدن به اهداف مشترک بپردازند. منظور این‌جانب از کمک کردن مدرسان به شاگردان این است که آن‌ها باید به خلق افکار و ایده‌های نو و تازه و چالش آور در اذهان شاگردان کمک کنند و این فرآیند را تسهیل نمایند و فراگیران را تشویق کنند که فعالانه و خلاقانه این ایده‌ها را گسترش دهند و در معرض قضاوت دیگران قرار دهند.

از طرف دیگر مدرسان باید بتوانند ثبات ذهنی شاگردان را با طرح کردن و ارائه دادن ایده‌ها و سؤالات مؤثر بر هم بزنند تا بدین‌صورت تردید و تضاد و در نتیجه بحث و گفتمان را تشویق و تسهیل نمایند. اما مدرسان باید بدانند که صرفاً طرح ایده و سؤال کافی نیست بلکه این «نوع» ایده و سؤال است که حائز اهمیت است. آن‌ها باید ایده‌ها و سؤالاتی را طرح و مطرح کنند که نسل فردا را به ریسک کردن در تفکر کردن و درنوردیدن خطوط قرمز ترغیب نمایند. چنین ایده‌ها و سؤالاتی است که بحث و تبادل افکار واقعی و در نتیجه درگیر کردن فراگیران را در پروسه یادگیری در پی دارند که این به‌نوبه خود به یادگیری ژرفا و عمق می‌بخشد و باعث شکوفایی و خلاقیت ذهنی و نوآوری در کار تیمی شده و پیشرفت را به همراه خواهد داشت. علاوه بر این مدرسان باید در نظر داشته باشند که صرفاً تشویق کردن شهروندان به واکنش نشان دادن و پاسخ دادن به این‌گونه ایده‌ها و سؤالات کافی نیست. شهروندان باید تعلیم ببینند که خود نیز به طرح و ارائه چنین ایده‌ها و سؤالات کلیدی و راهبردی بپردازند. - البته اگر می‌خواهند جهان پیرامون خود را تحت تأثیر قرار دهند و بر سرنوشت خود تأثیر داشته باشند. این تمرین به‌نوبه خود به رشد تفکر خلاقانه و انتقادی فراگیران کمک می‌کند و آن‌ها را متفکر و منتقد بار می‌آورد و باعث می‌شود نهایتاً به ایده‌ها و دانش واقعی‌تر و ناب‌تری برسند.

نکته قابل‌توجه‌تر اینکه مدرسان باید از مواد و فعالیت‌های آموزشی استفاده نمایند که دنیای واقعی را انعکاس می‌دهند چراکه همان‌طور که اشاره شد کلاس‌های ما کسری از جامعه و دنیای واقعی هستند و باید نسل فردا را برای زندگی در دنیای واقعی آماده کنند. مدرسان نباید در کنار آموزش مواد آموزشی از آموزش «استراتژی‌های یادگیری» و «مهارت‌های اجتماعی سیاسی» غفلت نمایند. آینده‌سازان این مرزوبوم باید یاد بگیرند که چگونه به آراء و نظرات مخالف احترام بگذارند، چگونه رقابت کنند، و حتی چگونه شکست بخورند. آن‌ها باید آگاه شوند که چه کسانی، با چه اهدافی و از همه مهم‌تر با چه نیاتی بر آن‌ها حکومت می‌کنند. تمام این فعالیت‌ها کمک می‌کند که شاگردان به‌منظور آگاهی، توانمندسازی و رشد همه‌جانبه خود برای نیل به یک زندگی موفق‌تر از کانال‌های ذهنی، عاطفی و هوشی در فرایند یادگیری درگیر شوند.

همین‌طور مدرسان باید قادر باشند که مسائل و موانع عاطفی، ذهنی و محیطی را در کلاس‌های خود تشخیص دهند و حتی پیش‌بینی کنند و درصدد رفع موفق آن‌ها برآیند. به‌عنوان نمونه آن‌ها باید بدانند که چگونه با شهروندان غیرقابل‌کنترل و طغیانگر با استراتژی و دوستانه برخورد نمایند. آن‌ها باید قادر باشند که نه‌تنها تضادها و تفاوت‌ها را کنترل کنند بلکه آن‌ها را برای رسیدن به اهداف مشترک به خدمت بگیرند. مورد دیگری که به‌ویژه اساتید دانشگاه باید در نظر داشته باشند این است که به خاطر کم‌وکاستی‌ها در آموزش در سطوح اولیه در مدارس و دبیرستان‌ها به خلایق که در دانش فراگیران در این سطوح پیش آمده است بپردازند. مهم‌تر اینکه آن‌ها باید نگرش فراگیران را نسبت به فراگیری دانش و جهان پیرامون خود و مسائل سیاسی ارتقاء بخشند و به اصلاح استراتژی‌های غلط یادگیری و اجتماعی آن‌ها بپردازند که اگر چنین نشود پیشرفت و تعالی آن‌ها و به‌تبع آن پیشرفت و تعالی جامعه مورد تهدید واقع خواهد شد.

یکی دیگر از دلایل موفقیت روش تدریس این‌جانب در ارتباط مستقیم با نوع رابطه و تعاملی است که این‌جانب با شهروندان خود برقرار می‌کنم. این‌جانب بر این باور هستم که رهبران کلاس‌هایی که بر مبنای اصول روش تدریس این‌جانب اداره می‌شوند باید نقش‌های مردم‌مدارانه‌تر و نه دیکتاتور مآبانه و یک‌سویه داشته باشند. چراکه رهبرانی که دیکتاتور مآبانه به اداره شهروندان می‌پردازند سلاقی، علائق و از همه مهم‌تر قضاوت آن‌ها را مورد غفلت قرار داده و حتی به استهزاء می‌گیرند و درواقع این مفهوم را می‌رسانند که از نظر آن‌ها شهروندان حیواناتی بیش نیستند! این گروه از مدرسان آگاهانه و یا ناآگاهانه نه‌تنها مانع رشد و شکوفایی استعداد‌های نسل فردا می‌شوند بلکه در درازمدت کمک به ظهور یک حکومت دیکتاتوری که نهایتاً به هرج‌ومرج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منتج می‌شود می‌کنند. دلیل این موضوع هم واضح است. همان‌طور که پائولو

فره - یک اندیشمند رادیکال برزیلی - باور دارد «هرچند تمامیت‌خواهی و استبداد منجر به بی‌رختی، انکار خود، مطیع محض بودن، چاپلوسی و ریاکار شدن و عدم مقاومت در برابر حکومت‌های خودکامه و ترس از آزادی می‌شود» اما واقعیت این است که تمامیت‌خواهی و استبداد مطلقه نهایتاً باعث می‌شود که مردم در نقش اپوزیسیون ظاهر شوند که در آن صورت هرگونه محدودیت، خودکامگی و تمامیت‌خواهی را بر نخواهند تافت. اما از طرف دیگر مدرسانی که انعطاف‌پذیر و مردمی هستند نگرش و کنش و رفتار بزرگوارانه دارند و سعی می‌کنند شهروندان خود و سلايق و علايق آنها را بفهمند و درک نمایند. آنها قادر هستند که با صبر و حوصله به مردم خود گوش فرا دهند، به عقاید و باورهای آنها احترام بگذارند و برای آراء و نظرات و قضاوت‌های آنها ارزش قائل شوند و در نتیجه به رشد و شکوفایی آنها و طبعاً ماندگاری و بقای خود کمک کنند. این گروه از مدرسان قادر هستند که آزادانه و به‌دوراز تعصب فکر کنند و بنابراین در شنیدن آراء و نظرات و عقاید مخالف مشکلی ندارند. آنها اهل بحث و گفت‌وگو و خرد جمعی در محیط‌هایی که احترام متقابل می‌طلبند هستند. مهم‌تر اینکه آنها همیشه آمادگی دارند که در روش‌های تدریس و مملکت‌داری خود بنا به خواسته و میل شهروندان در یک محیط دموکراتیک و پویا تجدیدنظر کنند.

همان‌طور که تا حدودی مشخص شد روش تدریس این‌جانب برای «ایجاد اصلاح و تغییر» نرم و پیش‌رونده در جامعه پیشنهاد شده است. اما این بدان معنا است که همکاری که تمایل به بکارگیری این روش تدریس را دارند ابتدا باید تغییری را که می‌خواهند در جامعه ایجاد نماییم در خود ایجاد کنند. یک فهم عمیق و دقیق از روش تدریس این‌جانب، عوامل و شرایط مؤثر در خلق آن و اهداف آن این تمایل و شهامت را در همکاران محترم به وجود خواهد آورد که خود را از حالت پسیو و غیرفعال فعلی به ایجنت‌های هوشمند برای بیدارسازی، تغییر در نگاه و نگرش و ایجاد بی‌نظمی اجتماعی و به‌طور خلاصه به «ایجنت‌های تغییر و توسعه» تغییر دهند. - منظور این‌جانب از تغییر تغییر در تفکر، روش‌های تفکر، نگرش‌ها، رویکردها، باورها و رفتار شهروندان به‌منظور ریشه‌کن کردن آپارتاید، فاشیسم، دیکتاتورشیپ و امپریالیسم از سطح جوامع می‌باشد. تنها در این صورت است که مدرسان و اساتید می‌توانند نقشی مؤثر در امنیت، توسعه، آبادانی و صلح و ثبات در جوامع و نهایتاً در دنیای خود داشته باشند.

برای آشنایی بیشتر با بحث‌هایی از این‌جانب که تا حدودی جنبه سیاسی هم دارند به فصل بعد (۱۰) و نیز ضمیمه‌های ۱ تا ۴ مراجعه شود. نکته آخر اینکه اگر مدرسان می‌خواهند به شهروندان کمک کنند که از پس واقعیات زندگی در دنیای پیچیده امروز برآیند باید پیوسته دانش و اطلاعات خود را به‌روز کنند و البته از نقش بی‌نظیر و بی‌بدیل اینترنت در این راستا - در جهت نیل به اهداف آموزشی سیاسی خود - غفلت ننمایند.

«یادگیری تیمی رقابتی» و مسئولیت‌های فراگیران

نسل فردا در کلاس‌های این‌جانب باید اول‌ازهمه نقششان را به‌عنوان حافظین صرف مطالب ارائه‌شده توسط معلم به‌منظور پاس کردن امتحانات آن‌طور که در کلاس‌های دیگر رایج است فراموش نکنند. همین‌طور آنها باید فراموش کنند که صرفاً برای اینکه موفقیت کاری و درآمد خود را در آینده بهبود ببخشند یاد می‌گیرند. آنها باید این راهم فراموش کنند که هدفشان صرفاً کسب نمرات بالاتر برای رسیدن به مدارج بالا و بین‌المللی باشد. بلکه نسل فردا باید به خاطر بسپارند که آنها باید در کلاس‌های این‌جانب نقش محققین، منتقدین و مشارکت‌کننده در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی و نیز تحلیل‌گران و ارزیابان ایده‌ها و نظریه‌ها و دانش و مسائل را نیز به‌صورت فعالانه بر عهده بگیرند. آنها نه‌تنها باید در پی یادگیری دانش و استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی باشند بلکه باید در پی ارتقای کیفیت و استراتژی‌های تفکر خود و تاثیر گذاری بر جامعه نیز باشند.

نسل فردا باید بیاموزند که برای اینکه یادگیری‌شان مؤثرتر و عمیق‌تر باشد باید پایبند به اصول و فرهنگ یادگیری‌ای باشند که این‌جانب به آنها ارائه داده‌ام (فصل هفتم را ببینید). این اصول و فرهنگ از آنها انتظار دارد که نه‌تنها اهل ریسک کردن در تفکر کردن و مواجهه با مسائل باشند بلکه منطقی، منصف، اجتماعی، انعطاف‌پذیر، مؤدب و پذیرای انتقادهای سازنده نیز باشند. آنها باید بیاموزند که در ارتباط با مشکلات فراروییشان در طول فرایند یادگیری و زندگی باید

صبر و متانت به خرج دهند و از هیچ تلاشی برای رفع آن‌ها دریغ ننمایند. آن‌ها باید فعالانه در این مسیر با اعضای تیم‌های خود مشارکت داشته باشند تا بدین‌صورت یادگیری و نیز مهارت‌های اجتماعی و زندگی خود را به‌صورت هم‌زمان ارتقاء دهند. از طرف دیگر فراگیران باید وظایفی را هم که برادران جانشون برای فراگیران در کلاس‌هایی که تأکید بر کار گروهی دارند برشمرده‌اند را نیز در نظر بگیرند:

۱. شروع‌کننده و تسهیل‌کننده در فرایند ابراز نظر و خلق ایده‌ها باشند.
۲. دهنده و گیرنده اطلاعات و نظرات و ایده‌ها باشند.
۳. درصد شفاف کردن ایده‌های خود و ارائه مثال باشند.
۴. از بحث‌های کلاسی نوت برداری و یا خلاصه‌برداری کنند.
۵. میزان موفقیت گروه خود را ارزیابی نمایند و درصد رفع مشکلات برآیند.
۶. اعضای گروه خود را فعالانه به مشارکت در فعالیت گروهی تشویق نمایند.
۷. فرایند کار گروهی خود را رصد کنند.
۸. به بحث‌ها جهت و معنا ببخشند.
۹. به بحث‌ها انرژی مثبت دهند.
۱۰. به اعضای تیم خود جهت ارائه ایده‌ها و منظورشان کمک کنند.
۱۱. به اعضای تیم خود جهت فهم بهتر مطالب کمک کنند.
۱۲. فعالانه گوش دهند.
۱۳. تست کنند ببینند که بحث‌ها به‌خوبی و با چه روش‌هایی پیش می‌رود.
۱۴. منظم و وقت‌شناس باشند.

نکته مهم دیگری که فراگیران باید در کلاس‌های این‌جانب به خاطر بسپارند این است که تنبلی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و سپردن وظایف خود به دیگران ممنوع می‌باشد چراکه سیستم ارزشیابی این‌جانب به آن‌ها این اجازه را نمی‌دهد. بنابراین همه باید فعال و مسئولیت‌پذیر باشند. آن‌ها باید نه‌تنها به فکر خود بلکه به فکر سایر اعضای تیم خود باشند و در برابر آن‌ها احساس مسئولیت نمایند. فراگیران باید بدانند که فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه جهت مطرح کردن و به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و راه‌حل‌هایشان برای نیل به اهداف مشترک لازم و ضروری می‌باشد. ضمناً برای فراگیران ضروری است که

۱. همکاری دوستانشان را ارج نهند.
۲. ایده‌ها و نظریه‌ها و پیش‌فرض‌ها را به چالش بکشند.
۳. نظر دوستانشان را به مطالب مهم در طول فرایند بحث و گفت‌وگو جلب کنند.
۴. درخواست برای شفافیت بیشتر و مثال کنند. و
۵. سعی کنند تضارب آرا و تضادها را تا حد ممکن همسو کنند.

در غیر این صورت تمام اعضای تیم به عنوان یک خانواده و یا به عنوان یک ملت خواهند باخت. آن‌ها حداقل بخشی از نمره خود و در درازمدت بخشی از زندگی و رؤیاهای خود را خواهند باخت. نکته مهم دیگر که فراگیران در کلاس‌های این‌جانب باید به یاد بسپارند این است که از آنجاکه قرار است دنیا را تحت تأثیر خود قرار دهند باید بیاموزند که سؤالات مهم و انتقادی و راهبردی بپرسند.

به‌ویژه فراگیران برتر و یا همان رهبران تیم‌ها (کاپیتان‌ها) باید هر کاری بکنند تا انرژی و کارایی تیم‌هایشان را افزایش دهند و باعث درخشش آن‌ها در کلاس شوند. از وظایف اولیه آن‌ها کمک کردن به اعضای تیم‌هایشان جهت موفقیت علمی و رشد و تکامل آن‌ها می‌باشد. آن‌ها باید استراتژی‌های یادگیری مؤثر خود را با اعضای تیم‌هایشان به اشتراک بگذارند و آن‌ها را تشویق کنند که از این استراتژی‌ها استفاده نمایند. آن‌ها همچنین باید سعی کنند که تعادل در بحث‌ها حفظ شود و همه اعضای تیم فرصت‌های برابری برای شرکت در بحث‌ها داشته باشند. کاپیتان‌ها همچنین باید به خاطر بسپارند که یکی

دیگر از وظایف آن‌ها کمک به اعضای ضعیف‌تر برای درک عمیق‌تر مطالب و پیشبرد اهداف یادگیری‌شان می‌باشد. همین‌طور آن‌ها بهتر است گه‌گذاری سعی کنند با مخالفت کردن با بعضی ایده‌ها و نظرها لایه‌های بالاتری از تفکر انتقادی و خلاقانه دوستانشان را تشویق نمایند.

در کلاس‌های این‌جانب اگر اعضای تیم‌ها مشکل داشته باشند باید به کاپیتان‌ها مراجعه می‌کنند و اگر کاپیتان‌ها مشکل داشته باشند به نمایندگان این‌جانب که دو یا سه نفر از تاپ‌ترین شاگردان کلاس هستند مراجعه کنند و اگر آن‌ها مشکل داشته باشند به خود من مراجعه کنند. ما همه می‌دانیم که باید با کسانی که به ما مراجعه می‌کنند با صبر و حوصله و مهربانی پاسخ دهیم. البته کاپیتان‌ها و نمایندگان من و یا همان کامپیوترمن‌ها به‌خوبی می‌دانند که اگر همکاری لازم را با کلاس داشته باشند نمره ۲۰ خود را تضمین کرده‌اند و اگر از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند موقعیت خود را از دست خواهند داد.

در خاتمه فراگیران باید به خاطر بسپارند که یادگیری می‌تواند به عنوان یک فرایند سیاسی هم در نظر گرفته شود که رابطه دیپلماتیک نه‌تنها با هم کلاسی‌ها و معلم بلکه با مردم را نیز می‌طلبد. به‌طور خلاصه نسل فردا باید این نکته را در نظر بگیرند که روش تدریس این‌جانب روشی برای زندگی کردن هم می‌باشد چراکه راه‌هایی برای یادگیری، کار کردن، زندگی کردن، تکامل پیدا کردن، برنده شدن و حتی باختن با یکدیگر را نیز ارائه می‌دهد. بنابراین در کلاس‌های من که محیط‌هایی رقابتی و شاد و پویا هستند فراگیران در تیم‌هایشان چیزهای بسیار بیشتری از زمانی می‌آموزند که در چنین محیط‌ها و شرایطی قرار ندارند. بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب این است که باعث افزایش حس مشارکت‌جویی و نیز مهارت تفکر فراگیران در سطوح بالاتر نیز می‌شود و آن‌ها را مسلط به استراتژی‌های یادگیری و همین‌طور مهارت‌های اجتماعی و آگاهی‌های سیاسی مفید و مؤثر که لازمه زندگی موفق و تاثیر گذاری بر جامعه در دنیای پیچیده کنونی است می‌نماید.

نتیجه

اگر معلمان دگراندیش و تحول‌گرای جامعه کنونی ما صرفاً «وجود» دارند و در شرایطی نیستند که «زندگی» را به معنای واقعی آن حس و تجربه کنند حداقل باید تمام تلاش خود را به کار بگیرند تا به زندگی فقرا، ستم دیدگان، محرومین و ضعفا جهت و معنا ببخشند. آن‌ها باید بدانند که این افراد نه‌تنها معنی زندگی را نمی‌فهمند بلکه اکثر آن‌ها حتی در شرایطی نیستند که وجود داشتن خود را تأیید نمایند. تنها با جامه عمل پوشاندن به این وظیفه مهم است که ما می‌توانیم به مصائب و رنج‌ها و محرومیت‌های خود معنا ببخشیم و عامل تغییر و توسعه در جوامع و به‌تبع آن در زندگی خود باشیم. در چنین شرایطی است که این‌جانب بر این باور هستم که مدرسان و اساتید در دنیای پیچیده کنونی باید نقش «ایجنتهای هوشمند» را برای بیدارسازی، تغییر در نگاه و نگرش و باورها و حتی ایجاد بی‌نظمی اجتماعی جهت براندازی سرچشمه‌های تبعیض، بی‌عدالتی، ظلم و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد در دنیای پیرامون خود به عهده بگیرند. بنابراین «آموزش» در برهه کنونی باید بازتعریف شود: «آموزش و تدریس» در دنیای پیچیده کنونی چیزی بیشتر از «علم» هست. «آموزش» در شرایط کنونی یک «هنر استراتژیک» است که شامل یک پروسه پیچیده تعلیمی، تربیتی و اجتماعی سیاسی هست که می‌تواند به‌عنوان «قلب دموکراسی و تمدن» در نظر گرفته شود. این بدان معنا است که در طول پروسه تدریس، علاوه بر مهارت‌های علمی فراگیران و یا همان شهروندان، باید مهارت‌های اجتماعی و به‌ویژه آگاهی‌ها و بینش سیاسی آنان را نیز ارتقاء دهیم تا آن‌ها را به مرحله‌ای برسانیم که توان تأثیرگذاری در دنیای پیرامون خود را داشته باشند. و این نوع آموزش «تفکر آزادانه» در سطح بین‌المللی و عملکرد دیپلماتیک در سطح کلاس را می‌طلبد.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. از آنجاکه در ایران فراگیران خیلی با فعالیت‌های گروهی آشنایی ندارند آیا برگزاری کارگاه‌هایی آموزشی برای آشنا کردن فراگیران و حتی معلمان و اساتید با روش تدریس این‌جانب مفید خواهد بود؟ چرا؟

۲. برخلاف روش‌های تدریس فعلی که در عمل به فراگیران به دیده یک موجود (مثل حیوان) می‌نگرند، روش تدریس این‌جانب آن‌ها را به‌عنوان ایجنتهای تغییر در نظر گرفته است. نظر شما چیست؟
۳. آیا شما هم با این ایده موافق هستید که روش تدریس این‌جانب - هرچند در درازمدت - روشی برای رهاسازی مستضعفان و ستم‌دیدگان می‌باشد؟ چگونه؟
۴. در چه نوع کشورهایی روش تدریس این‌جانب ممکن است مطرود شود؟ چرا؟
۵. آیا شما با این ایده موافق هستید که کلاس‌های ما کسری از جامعه هستند و باید مسائل رایج دنیای کنونی از جمله مسائل سیاسی را انعکاس دهند؟ چرا؟
۶. با توجه به نیازهای عصر و شرایط حاضر برخی نقاط ضعف و نقاط قوت در نقش‌آفرینی «معلمان» در کلاس‌های رایج و در کلاس‌های این‌جانب را مقایسه کنید.
۷. با توجه به نیازهای عصر و شرایط حاضر برخی نقاط ضعف و نقاط قوت در نقش‌آفرینی «فراگیران» در کلاس‌های رایج و در کلاس‌های این‌جانب را مقایسه کنید.

=====

فصل دهم

پایه‌های تئوریک

«یادگیری تیمی رقابتی»

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۱۲۲
مقدمه.....	۱۲۲
روش: دیدگاه مربوط به یادگیری.....	۱۲۲
فرضیه داده‌ها (Input Hypothesis).....	۱۲۳
فرضیه خروجی (Output Hypothesis).....	۱۲۴
فرضیه توجه (Noticing Hypothesis).....	۱۲۴
فرضیه فیلتر عاطفی و روانی (Affective Filter Hypothesis).....	۱۲۵
فرضیه تعامل (Interaction Hypothesis).....	۱۲۵
فرضیه «داده- خروجی چندگانه»: فرضیه‌های موجود کافی نیستند.....	۱۲۵
(Multiple Input-Output Hypothesis)	
تئوری توضیح دادن (Elaboration Theory).....	۱۲۷
تئوری سخنرانی (Speech Theory).....	۱۲۸
تئوری‌های یادگیری رفتارگراها (Behaviorial Learning Theories).....	۱۲۸
تئوری‌های مربوط به انگیزه (Motivational Theories).....	۱۲۹
تئوری اجتماعی- زبانی (Socio-Linguistic Theory).....	۱۳۰
تئوری جامعه‌شناختی (Sociological Theory and Social Learning Theory).....	۱۳۰
تئوری درگیری (Engagement Theory).....	۱۳۰

- تئوری آموزش بزرگسالان (Andragogy Theory) ۱۳۱
- تئوری‌های ساختن گراها Constructivists' Theories ۱۳۲
- تئوری‌های ذهنی (Cognitive Theories) ۱۳۲
- تئوری‌های اجتماعی ذهنی (Socio-Cognitive Theories) ۱۳۴
- تئوری‌های ذهنی اجتماعی فرهنگی (Cognitive Socio-Cultural Theories) ۱۳۵
- تمییز دیدگاه ویگاتسکی از دیدگاه پیازنه ۱۳۵
- تئوری یادگیری زبان ذهنی اجتماعی سیاسی: تئوری زبان یادگیری تیمی رقابتی ۱۳۶
- "Cognitive Socio-Political Language Learning Theory": Theory of Language of CTBL
نتیجه ۱۳۸
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو ۱۳۹

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. چگونه کارگروهی می‌تواند منجر به استقلال فراگیران می‌شود؟
۲. چگونه سؤالات راهبردی و استراتژیک می‌توانند باعث تغییر در نگرش و نهایتاً تغییر در رفتار فراگیران شوند؟
۳. آیا شما هم به این باور من اعتقاد دارید که معلمان باید سعی کنند در کلاس‌هایشان برای بالندگی فکری فراگیران نظم و ثبات فکری آن‌ها را به هم بزنند و جوی تردیدآمیز در اذهان آن‌ها به وجود آورند؟
۴. آیا فرضیه Input (داده‌ها) ارتباطی با «تعامل» بین فراگیران دارد؟
۵. چگونه ممکن است مکانیسم‌های موجود در روش تدریس این‌جانب (یادگیری تیمی رقابتی) به ایجاد انگیزه درونی در فراگیران کمک کنند؟

مقدمه

علاوه بر نشان دادن پایه‌های تئوریک روش تدریس این‌جانب، هدف اصلی دیگر از نگارش این فصل نشان دادن برخی از دلایل موفقیت این روش تدریس نیز می‌باشد. به این منظور به ارائه تئوری‌هایی می‌پردازم که به انعکاس مکانیسم‌های موردنیاز برای فراگیری مؤثر (زبان) می‌پردازند و سپس سعی می‌کنم این مکانیسم‌ها را به مکانیسم‌هایی که خودم در روش تدریس به وجود آورده‌ام ارتباط دهم. از جمله مهم‌ترین این تئوری‌ها «فرضیه داده- خروجی چندوجهی» و یا همان Multiple Input- Output Hypothesis و مهم‌تر از آن تئوری یادگیری زبان ذهنی - اجتماعی - سیاسی (Cognitive Socio- Political Language Learning Theory) خودم می‌باشند. ارتباطی که بین این پایه‌های تئوریک و مکانیسم‌های موجود در روش تدریس در این فصل برقرار کرده‌ام باعث می‌شود که درک صحیح‌تری از ماهیت روش تدریس این‌جانب به‌عنوان روشی علمی، سیستماتیک، استراتژیک، انعطاف‌پذیر، مدرن و واقعی به دست آورید و درصدد بهره‌مندی هرچه بیشتر از آن برآیید. شما متوجه خواهید شد که چگونه این روش تدریس می‌تواند به‌عنوان روشی برای آگاه‌سازی و توانمند کردن و نهایتاً رهاسازی مستضعفان و مظلومین نقش ایفا نماید. به عبارت دیگر، روش تدریس این‌جانب اسلحه‌ای کارا برای براندازی حکومت‌های مستبد و خودکامه می‌باشد.

بنابراین مثل تمام روش‌های تدریس دیگر، روش تدریس این‌جانب هم تئوری زبان و تئوری یادگیری خاص خودش را دارد که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازم. اما قبل از ادامه بحث باید یادآور شوم که این تئوری‌ها علیرغم ظاهرشان هر یک به نحوی دیگری را تائید و ساپورت می‌کنند. به‌عنوان مثال «تعامل» بین فراگیران نقطه ثقل اکثر این تئوری‌ها می‌باشد.

روش: دیدگاه مربوط به یادگیری

از نظر این جانب هم «فرایند» و هم «شرایط» یادگیری تأثیر فراوانی بر یادگیری داشته و میزان کیفیت و مؤثر بودن آن را تعیین می‌کنند. بنابراین در روش تدریس خودم سعی کرده‌ام که این دو فاکتور مهم را در نظر بگیرم. به همین دلیل است که تأکید این جانب بر فعالیت‌های گروهی از قبیل تجزیه و تحلیل ایده‌ها و نظریات، تصمیم‌گیری جمعی و حل و فصل دیپلماتیک اختلافات در محیط‌های شاداب و پویا و با تمرکز بر ارتقای سطوح بالاتری از تفکر خلاقانه و انتقادی فراگیران می‌باشد. از نظر این جانب فراگیری زبان یک پروسه اجتماعی سیاسی می‌باشد که تنها با تعامل با دیگران در محیط‌هایی که مسائل مربوط به زبان از قبیل فرهنگ و سیاست هم در نظر گرفته می‌شوند فراگرفته می‌شود. ضمن این که در کلاس‌های این جانب به جای تأکید بر یادگیری زبان برای استفاده از آن من به کاربرد زبان در بحث‌های تیمی و کلاسی برای یادگیری آن تأکید دارم. همان‌طور که در ادامه روشن خواهد شد تئوری‌های زیادی هستند که بر نقش بی‌بدیل تعامل در فراگیری زبان صحنه گذاشته‌اند و بدین صورت روش تدریس این جانب را ساپورت می‌کنند. اما قبل از معرفی این تئوری‌ها به ارائه فرضیه‌های مطرح در حوزه آموزش زبان و نهایتاً به ارائه فرضیه خودم که نقاط مورد غفلت این فرضیه‌ها را پوشش می‌دهد می‌پردازم.

فرضیه داده‌ها (Input Hypothesis)

بنا بر نظر کرشن (۱۹۸۵) فراگیران موقعی زبان را به صورت ناخودآگاه کسب می‌کنند و می‌آموزند که افراد در محیط پیرامون آن‌ها مفاهیم را به واسطه داده‌ها و یا اطلاعاتی به همان زبان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. بنابراین کرشن معتقد است که داده‌هایی که در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد باید کافی و قابل درک باشند. او همچنین معتقد است که درجه قابل فهم بودن این داده‌ها باید کمی بیشتر از سطح درک فراگیران باشند. به اعتقاد کرشن این نوع داده‌ها و یا همان داده‌های در سطح $i+1$ یکی از اصلی‌ترین ملزومات برای کسب زبان می‌باشند که بهبود مهارت زبانی فراگیران را تسریع نیز می‌کنند. تقریباً تمام تئوری‌های مربوط به حوزه آموزش زبان نقش این نوع داده‌ها را در فراگیری زبان به نوعی تأیید کرده‌اند. به عنوان مثال طرفداران نظریه یونیورسال گرامر این نوع داده‌ها را لازمه پیشرفت زبانی و به ویژه پیشرفت گرامری فراگیران دانسته‌اند. دیگران همانند الیس (۲۰۰۲) آن‌ها را لازمه تسهیل به کارگیری زبان در میان زبان‌آموزان دانسته‌اند.

قبل از اینکه سعی کنم روش تدریس خودم را به این فرضیه ارتباط دهم لازم به یادآوری است که این فرضیه مشوق تعامل بین فراگیران آن‌طور که مدنظر این جانب است نمی‌باشد. ارتباط و تعاملی که این جانب در کلاس‌هایم بر آن تأکید دارم صرفاً به معنی کنش و واکنش و یا واکنش یک طرفه به یک عمل و یا نظر و ایده نیست. و یا منظور من از تعامل، شرکت فراگیران در فعالیت‌های کلاسی از طریق حفظ کردن و یا دوباره گفتن در محیطی که هیچ‌کس به دیگران اعتنایی ندارد و صرفاً در پی مطرح کردن خودشان هستند نمی‌باشد. بلکه منظور این جانب از تعامل یک نوع همکاری و همیاری بین اعضای تیم‌ها در رسیدن به پاسخ سؤالی و یا راه‌حلی از طریق به اشتراک گذاشتن دانش، استراتژی‌ها، مهارت‌ها و ایده‌ها است که به آگاهی تمام اعضا و رسیدن به اهداف مشترکشان می‌انجامد. همین‌طور در این نوع تعامل واکنش دوطرفه و همراه با تفکر و مسئولیت‌پذیری در بین فراگیران نیز مورد تأکید می‌باشد.

بنابراین نوع تعاملی که مدنظر این جانب هست ممکن است با نوع تعاملی که ویگاتسکی مطرح کرد - که در بخش‌های بعد از همین فصل به آن می‌پردازم - یکی باشند. در اینجا باید یادآوری نمایم که فرضیه $i+1$ کرشن هیچ ارتباطی با نظریه ZPD ویگاتسکی ندارد. کرشن که تحت تأثیر نظریه LAD چامسکی واقع شده بود بر این باور بود که کسب مهارت‌های زبانی به واسطه توانایی‌هایی است که در نهاد هر فراگیری می‌باشند و نه تحت تأثیر تعامل فراگیر با دیگران در محیطی که در آن زندگی می‌کند. بنابراین فرضیه کرشن و ویگاتسکی از سه جهت باهم متفاوت هستند:

۱. فراگیری که صرفاً با گوش دادن می‌آموزد با فراگیری که از طریق تعامل با دیگران می‌آموزد فرق دارد.
۲. فراگیری که سعی می‌کند مستقل عمل کند با فراگیری که توانایی‌های خود را از طریق همیاری با دیگران دوچندان می‌کند متفاوت است.
۳. یادگیری همانند بچه‌ها با یادگیری که از تعامل با دیگران حاصل می‌شود متفاوت است.

در روش تدریس این جانب سعی می‌شود با تشویق تعامل مثبت و سازنده، فراگیران به تبادل ایده‌ها و راه‌حل‌ها و نظرات بپردازند تا از این طریق اهمیت نقش داده‌ها و اطلاعات کافی در ارتقای مهارت‌ها و دانش فراگیران در نظر گرفته شود. همین‌طور از طریق به‌کارگیری تکالیف و فعالیت‌های خاص در محیط‌های یادگیری معنادار سعی کرده‌ام این فرایند را تسهیل نمایم. ضمناً مکانیسم‌های دیگری همچون سیستم ارزشیابی در روش تدریس این جانب نوع تعاملات بین فراگیران را متنوع‌تر و کارتر می‌کند. در چنین محیط‌هایی داده‌ها و اطلاعات تقریباً در سطح درک فراگیران بوده و برای آن‌ها قابل‌درک‌تر خواهند بود. در هر صورت اشکالی که بر این نوع اطلاعات و داده‌ها گرفته‌اند این است که چون منبع آن‌ها خود فراگیران هستند ممکن است بعضی از آن‌ها اشتباه باشند. اما واقعیت این است که در چنین تعاملاتی فراگیران حداکثر سعی خود را می‌کنند که اطلاعات و داده‌های درست و مناسب ارائه دهند. همین‌طور خود کرشن در این باره گفته است که منافع این اطلاعات حتی اگر درصد کمی از آن‌ها غلط هم باشند بیشتر از آن است که نقش مفید آن‌ها نادیده گرفته شود. ضمن اینکه در این محیط‌ها فراگیران از منابع دیگری همچون معلم هم اطلاعات و بازخورد دریافت می‌کنند.

فرضیه خروجی (Output Hypothesis)

برخی از محققان بر این باور هستند که قرار دادن فراگیران در معرض اطلاعات و داده‌ها برای فراگیری زبان - که در فرضیه این پوت مطرح شده است - لازم است اما کافی نیست. سوین (۱۹۹۳) بر این باور است که فراگیران همین‌طور باید تشویق شوند که به تولید زبان و ایده‌های جدید نیز بپردازند و سعی کنند با ارتقای کیفیت آن‌ها آن‌ها را قابل‌درک‌تر نمایند. بنابراین بر طبق فرضیه اوت پوت حتی به‌کارگیری زبان هرچند ممکن است به تبادل روان اطلاعات بیانجامد اما به‌خودی‌خود سبب بهبود کیفیت آن نمی‌شود. لذا در این فرضیه توصیه می‌شود برای ارتقای کمیت و کیفیت زبان و میزان قابل‌درک بودن آن تأکید باید هم بر داده‌ها و اطلاعات و هم بر خروجی و یا تولید زبان باشد. بنابراین از نقطه‌نظر این فرضیه سعی در تولید زبان نقش کلیدی در فراگیری آن دارد. همین‌طور در این فرضیه برای ساختن دانش جدید تمرکز بر ساختار زبانی داده‌ها و آنچه تولید می‌شود می‌باشد.

در روش تدریس این جانب مکانیسم‌های زیادی برای معنادار کردن تعامل بین فراگیران در محیط‌هایی که فراگیران را درگیر در فرایند یادگیری می‌کنند طراحی شده است. دلیل اصلی طراحی چنین مکانیسم‌هایی خلق شرایطی مناسب به‌منظور تشویق فراگیران به تولید زبان می‌باشد. به‌عنوان مثال در یک کلاس که فراگیران به ده تیم تقسیم شده‌اند هر یک از فراگیران ۱۰ برابر بیشتر از کلاس‌های سنتی فرصت برای صحبت کردن دارند. چنین محیط‌هایی تمام فراگیران را تشویق به تولید زبان در طول پروسه تعامل با یکدیگر می‌کنند. در چنین محیط‌هایی بنا بر بازخوردهایی که فراگیران از دوستان خود دریافت می‌کنند تمرکز بیشتری روی ساختار زبانی آنچه تولید می‌کنند نیز دارند تا اگر لازم باشد به اصلاح و بهبود کیفیت آن بپردازند.

فرضیه توجه (Noticing Hypothesis)

اشمیت (۲۰۰۱) معتقد است که آنچه ما یاد می‌گیریم حاصل آن بخش از داده‌هایی است که به آن‌ها توجه می‌کنیم. در مورد فراگیری زبان هم به همین صورت است. یعنی بر مبنای این فرضیه ما آن قسمتی از زبان را یاد می‌گیریم که آگاهانه و هدفمند به آن توجه کنیم. آن قسمت از زبان می‌تواند شامل لغت، گرامر، تلفظ و غیره باشد. و نکته اینجاست که وقتی ما به اجزای زبان توجه می‌کنیم این فرصت را داریم که چک کنیم که آیا آن قسمت‌ها صحیح هستند و یا نه تا بدین‌صورت بتوانیم ایده‌های خود را بهتر به بحث بگذاریم.

یکی از دلایلی که این جانب بر تعامل بین فراگیران تأکید دارم این است که تعامل می‌تواند عاملی جهت بالا بردن سطح توجه و دقت فراگیران نیز باشد. در تعامل با دیگران فراگیران بازخوردهای منفی هم دریافت می‌کنند که این خود باعث می‌شود که به اصلاح اشتباهات خود جهت مکالمه‌ای روان‌تر بپردازند. نکته مهم این است که این جانب نه‌تنها فراگیران را تشویق می‌کنم که به داده‌ها برای مکالمه‌ای روان‌تر توجه داشته باشند بلکه آن‌ها را تشویق می‌کنم که به آنچه تولید می‌کنند و می‌گویند و یا می‌نویسند هم توجه داشته باشند تا بدین‌صورت بتوانیم تبادل مطمئن و قابل‌درک آراء و نظرات را تضمین

نماییم. ضمن اینکه سیستم ارزشیابی این جانب هم باعث می‌شود که فراگیران توجه بیشتری به آنچه می‌آموزند داشته باشند. بنابراین در «یادگیری تیمی رقابتی» سعی شده است که تعامل بین فراگیران عامل تضمین‌کننده یادگیری آنها باشد.

فرضیه فیلتر عاطفی و روانی (Affective Filter Hypothesis)

کرشن (۱۹۸۵) عنوان کرده است که علیرغم اهمیت قرارگیری فراگیران در معرض داده‌های قابل‌درک برای ارتقای مهارت‌های زبانی آنها این امر کافی نیست. او بر این باور است که برای یادگیری مؤثر زبان فراگیر باید از لحاظ عاطفی و روانی نیز آماده باشد. او ادامه می‌دهد که هنگامی که فراگیر ترس، اضطراب، استرس، هیجان و یا اعتمادبه‌نفس کاذب و یا نگرش منفی دارد این عوامل در برابر یادگیری زبان همانند یک فیلتر عمل کرده و مانع آن و یا باعث کندی آن می‌شوند چراکه آنها مانع درگیر شدن مؤثر فراگیر در فرایند یادگیری می‌شوند. بنا بر نظر کرشن وقتی این فیلتر پایین است یعنی فراگیر انگیزه کافی دارد، استرس و اضطراب ندارد و از اعتمادبه‌نفس کافی برخوردار است در فرایند یادگیری درگیر شده و به‌خوبی زبان را می‌آموزد و یا به عبارت دیگر، داده‌ها قابل‌درک می‌شوند و به حافظه بلندمدت فراگیر سپرده می‌شوند.

این جانب هم به‌شدت بر این باور هستم که علاوه بر جنبه‌های ذهنی، در امر آموزش و یادگیری باید جنبه‌های روحی روانی و عاطفی فراگیران را هم در نظر بگیریم. این جانب حتی بر این باور هستم که اگر فیلتر عاطفی روانی فراگیران بالا باشد نه تنها باعث تنبلی بلکه باعث کم‌توجهی و بی‌دقتی و غفلت آنها می‌شود که این موارد بسیار مخل یادگیری می‌باشند. بنابراین این جانب در کلاس‌هایم حداکثر سعیم را کرده‌ام که محیطی شاد و پویا و انگیزه آور و درعین حال آرامش‌بخش به وجود آورم. چنین محیط‌هایی دقت و توجه و میزان درگیری فراگیران در فرایند یادگیری را افزایش داده و نیز آنها را تشویق به کاربرد زبانی می‌کند که آموخته‌اند. در نتیجه چنین محیط‌هایی تسهیل‌کننده فرایند یادگیری هستند.

فرضیه تعامل (Interaction Hypothesis)

از دیدگاه لانگ (۱۹۹۶) در طول پروسه تعامل با دیگران و تبادل آراء و افکار، فراگیران به مشکلاتی برخورد می‌کنند که برای رفع آنها این فرصت را دارند که تکرار و توضیح و مثال بیشتری درخواست نمایند. چنین تعاملاتی که نقش کلیدی در یادگیری دارند به درک بهتر مطالب و در نتیجه ارتقای کیفیت زبانی که تولید می‌شود می‌انجامند. لانگ بر این باور است که بحث و تبادل آراء در تعامل با سایرین موجب یادگیری بهتر می‌شود چراکه چنین شرایطی که تمرکز و دقت را نیز تشویق می‌کنند مشوق به‌کارگیری تمامی پتانسیل‌های فراگیران در درک مطالب و در نتیجه در تولید مطالب جدید هستند. لانگ معتقد است که تعامل باعث شفاف‌سازی ایده‌ها و در نتیجه یادگیری بهتر می‌شود.

قبل از ارتباط دادن روش تدریس خودم به فرضیه تعامل بهتر است به تفاوت بین دیدگاه ویگاتسکی و این فرضیه هم اشاره‌ای داشته باشم. از نظر ویگاتسکی و همکاران او یادگیری نتیجه شرکت کردن فعال فراگیران در فعالیت‌های اجتماعی (گروهی) می‌باشد در صورتی که از دیدگاه فرضیه تعامل، یادگیری نتیجه فهم داده‌های زبانی ای هست که در محیط‌های اجتماعی در دسترس فراگیران قرار می‌گیرد. از نظر فرضیه تعامل، تعامل بین افراد صرفاً به‌عنوان کانالی برای در اختیار مغز قرار گرفتن داده‌ها می‌باشد. همچنین از نقطه‌نظر این دیدگاه خروجی و یا همان محصول زبانی فراگیران ابزاری برای ارتقای دانش زبانی آنها در ذهنشان می‌باشد.

در روش تدریس این جانب پیش‌فرض بر این است که محیط است که به محتوا معنا می‌بخشد و اینکه زبان در متن یاد گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، آنچه درباره زبان یاد گرفته می‌شود نتیجه تعامل فراگیران در محیط‌های یادگیری هست. بنابراین یادگیری زبان و کاربرد زبان فعالیت‌های تعاملی ای هستند که در محیط‌هایی که تعامل و بحث و گفت‌وگو را تشویق می‌کنند اتفاق می‌افتند. ضمن اینکه همان‌طور که اشاره شد این جانب به تعامل به‌عنوان ابزاری برای ارتقای میزان توجه و تمرکز فراگیران نیز می‌نگرم. این‌ها بخشی از دلیل این جانب برای فراهم کردن محیط‌هایی شاد، پویا، جذاب، انگیزه آور، آرامش‌بخش و مؤثر در کلاس‌هایم می‌باشد. چنین محیط‌هایی - در روش تدریس این جانب - عمدتاً از طریق فعالیت‌ها، استراتژی‌ها، تکنیک‌ها و سیستم ارزشیابی ویژه‌ای خلق می‌شوند که در فصل ششم همین کتاب به آنها پرداختم.

فرضیه «داده- خروجی چندگانه»: فرضیه‌های موجود کافی نیستند

(Multiple Input-Output Hypothesis)

همان‌طور که مشخص شد بنا بر نظریه کرشن در فرضیه نوتیسینگ (توجه) تنها قسمتی از داده‌های قابل‌درک (فرضیه داده‌ها) که به آن‌ها توجه و دقت می‌شود یاد گرفته می‌شوند. و اجازه دهید این‌جانب ادامه دهم که این امر تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که محیط آرامش‌بخش بوده و فیلتر عاطفی روانی فراگیران پایین باشد (فرضیه فیلتر عاطفی روانی) و تعامل در چنین محیطی تشویق شود (فرضیه تعامل). در هر صورت نکته اینجاست که صرفاً یادگیری - آن‌طور که هدف این فرضیه‌ها هست - کافی نیست: فراگیران لازم دارند که آنچه را یاد گرفته‌اند بکار نیز ببرند (فرضیه اوت پوت). و مسئله اینجاست که همان‌طور که محققینی از جمله ژیانگ (۲۰۱۰) اذعان داشته‌اند تمام مطالب یاد گرفته‌شده نمی‌تواند به مهارت‌های مولد مثل نوشتن و صحبت کردن تبدیل شوند هرچند به راحتی می‌توان از آن‌ها در مهارت‌های دریافتی مثل شنیدن و خواندن استفاده کرد. بدتر اینکه هیچ فرضیه و یا تئوری‌ای تا به امروز برای تسهیل «تبدیل» آنچه یاد گرفته‌شده به مهارت‌های دریافتی و تولیدی ارائه نشده است. این خلأ در تاریخچه آموزش زبان این‌جانب را بر آن داشت تا فرضیه خود (فرضیه داده- خروجی چندگانه) را برای تسهیل فرایند یادگیری زبان به‌قرار زیر به همکاران معرفی نمایم:

هرچند داده‌های قابل‌درک، فیلتر عاطفی روانی پائین، دقت و توجه کردن، خروجی و تولید زبان، و حتی تعامل (حتی آن‌طور که مدنظر محققانی مثل ویگاتسکی هست) برای یادگیری مؤثر زبان لازم و ضروری هستند اما به‌هیچ‌عنوان کافی نیستند: تمرکز سیستماتیک بیشتری باید بر انتقال یادگیری به مهارت‌های کاربردی زبان (کاربرد زبان) شود. و فراهم آوردن منابع چندگانه برای ارائه داده‌ها و تولیدات بیشتر در محیط‌های یادگیری یکی از روش‌های مناسب برای توانمند کردن فراگیران به کاربرد آنچه یاد می‌گیرند می‌باشند. این‌جانب در روش تدریس سعی کرده‌ام از طریق فعالیت‌ها و تکنیک‌ها و استراتژی‌های متفاوت به خلق فرصت‌های متعدد جهت ارائه داده‌ها و اطلاعات توسط فراگیران پرداخته و آن‌ها را از کانال‌های متفاوت به به‌کارگیری زبان تشویق نمایم که در فصل‌های قبل به این فعالیت‌ها و تکنیک‌ها و استراتژی‌ها اشاره شد. از جمله این تکنیک‌ها و استراتژی‌ها پنج مورد ذیل هستند:

۱. تشویق بحث‌های دونفره
۲. تشویق بحث‌های تیمی
۳. تشویق بحث‌های کلاسی
۴. در نظر گرفتن تفاوت‌ها در سطوح فهم و قابلیت و استعداد فراگیران در تیم‌ها و
۵. در نظر گرفتن مهارت‌های زبان (خواندن، نوشتن، گوش کردن و صحبت کردن) به عنوان یک مجموعه غیرقابل تفکیک در طول پروسه تدریس

در مورد شماره ۵، به‌عنوان مثال در کلاس‌های خواندن و درک مطلب این‌جانب مهارت‌های دیگر از قبیل شنیدن، صحبت کردن و نوشتن مورد غفلت واقع نشده‌اند. باور این‌جانب بر این است که اگر تمام این مهارت‌ها باهم در نظر گرفته شوند زبان معنادارتر خواهد بود. آنچه مهم است این است که تمرکز اصلی این‌جانب در کلاس‌هایم بر روی معنا می‌باشد تا صرفاً بر روی اجزای زبان. علاوه بر این تمام این مهارت‌ها نقاط مشترک زیادی دارند که در یکدیگر تأثیرگذار می‌باشند. به‌عنوان مثال ایده‌ها در یک متن مشوق مکالمه (شنیدن و گفتن) بوده و بنابراین به بهبود مهارت نوشتن هم کمک می‌کنند. ضمن اینکه به‌ویژه در سطح دانشگاهی دانشجویان به‌منظور اثبات مهارت خواندن و درک مطلب خود باید قادر به مکالمه زبان هم باشند. این‌ها بخشی از دلایل گنجاندن فعالیت‌هایی از قبیل نوت برداری، دوباره‌نویسی و خلاصه‌نویسی در کلاس‌های خواندن و درک مطلب این‌جانب که به‌شدت بحث و گفتمان ایده‌ها و نظریات (مهارت صحبت کردن) را تشویق می‌کنند می‌باشد.

این فعالیت‌ها در چنین محیط‌هایی باعث درگیری بیشتر و فعالانه‌تر فراگیران در فرایند یادگیری به‌صورت تیمی و مشارکتی شده و آن‌ها را تشویق می‌کنند که نه‌تنها بر روی معنا که بر روی ساختار زبان هم تمرکز داشته باشند. این امر به‌نوبه خود باعث می‌شود که یادگیری معنادارتر شود. لازم به یادآوری است که در چنین محیط‌هایی فراگیران هم به دنبال

داده‌های جدید و هم درصد بیان دقیق ایده‌های خود و نیز تجزیه و تحلیل آن‌ها نه تنها برای معنا بلکه برای دقیق‌تر و روان‌تر دریافت کردن و ارائه دادن آن‌ها هستند. این فعالیت‌ها همه لایه‌های بالاتری از تفکر فراگیران را به چالش می‌کشند و تمام این‌ها به درک و یادگیری عمیق‌تر فراگیران می‌انجامند که نهایتاً به تولید زبان (مکالمه و نوشتن) کمک شایانی می‌کنند. بنابراین این فعالیت‌ها (خواندن، گوش کردن، صحبت کردن و نوشتن) که در کلاس‌های این‌جانب فعالیت‌های اجتماعی محسوب می‌شوند نه تنها منابع چندگانه ارائه و بیان داده‌های جدید را فراهم می‌آورند بلکه خود به خلق فرصت‌های بیشتری برای این امور کمک می‌کنند. ماهیت چنین محیط‌های تعاملی که در آن‌ها مهارت‌های زبان به عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شوند به عنوان واسطی بین داده‌ها و ایده‌ها عمل می‌کنند. به طور خلاصه تمام این مکانیسم‌ها کمک می‌کنند تا داده‌ها درک و فهم شوند و درک و فهم منجر به تولید ایده‌های نو شود. به عبارت دیگر، آن‌ها کمک به تبدیل این پوت به اوت پوت و یا همان به کارگیری زبان می‌کنند. چنین محیط‌هایی که مشوق بحث و گفتمان هستند نه تنها به ارتقای دانش زبانی فراگیران بلکه به ارتقای دانش اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی آن‌ها نیز کمک می‌کنند. آن‌ها همچنین به بهبود کیفیت سطح تفکر و تفکر انتقادی و نیز استراتژی‌های فراگیران و در نتیجه به ارتقای مهارت‌های تولیدی و نیز قدرت به خاطر سپاری و در نتیجه زندگی موفق‌تر آنان می‌انجامند. بنابراین این فرضیه این‌جانب کمک شایانی به امر آموزش و فراگیری زبان می‌کند.

علاوه بر این فرضیه‌هایی که در این بخش به آن‌ها پرداخته شد تئوری‌های متعددی هم هستند که به مکانیسم‌هایی در امر آموزش و یادگیری می‌پردازند که در روش تدریس این‌جانب مدنظر گرفته شده‌اند. تئوری‌های مربوط به ساختن گراها و تئوری‌های مربوط به انگیزه و حتی تئوری‌های مربوط به رفتارگراها از جمله این تئوری‌ها هستند. بنابراین در ادامه به معرفی چنین تئوری‌هایی و رابطه آن‌ها با مکانیسم‌های موجود در روش تدریس خودم می‌پردازم.

تئوری توضیح دادن (Elaboration Theory)

از دیدگاه تئوری الی بوریشن، فراگیران وقتی مطالب موردنظر معلم را بهتر می‌فهمند که سعی کنند آن‌ها را به دیگران آموزش دهند. در این زمینه جولیان (۱۹۹۲) معتقد است که ما به روش‌های متفاوتی می‌آموزیم که رایج‌ترین آن‌ها یادگیری ذهنی و نیز یادگیری تجربی می‌باشند. اما او معتقد است که ورای تجربه و فهم فاکتور دیگری هم در یادگیری ما مؤثر است و آن «بیان تجربه و فهممان» می‌باشد - بیان آنچه فکر و احساس می‌کنیم و یا به آن باور داریم. به عبارت دیگر، ما با صحبت کردن و با سعی کردن به نظم دادن به افکارمان و بیان آن‌ها به نحوی که دیگران هم قادر به فهم آن‌ها باشند یاد می‌گیریم. این همان روشی است که ما به واسطه آن دانش ذهنی و تجربی خود را گرد هم می‌آوریم تا بتوانیم آن‌ها را در شکل یک مجموعه منظم ارائه دهیم و در همین فرآیند یاد می‌گیریم. در این پروسه همچنین یاد می‌گیریم که به درستی عمل کنیم و از طریق عمل کردن دوباره یاد بگیریم. در همین راستا استارمن (۲۰۰۵) بر این باور است که وقتی فراگیران به بحث و گفتمان درباره مسئله‌ای و یا راه‌حلی می‌نشینند آن‌ها افکار و ایده‌های خود را بر زبان می‌آورند که این خود سازمان‌دهی ذهنی را می‌طلبد که لایه‌های بالاتری از تفکر را به چالش می‌کشد. همین‌طور در چنین شرایطی اطلاعات جدید راحت‌تر به اطلاعات قدیمی پیوند می‌خورند که این خود فرآیند یادگیری را تسهیل می‌نماید.

لازم به یادآوری است که برخلاف تفاوت‌هایشان، تئوری الی بوریشن هم‌راستا با تئوری روانشناسی گشتالت هست که می‌گوید وقتی فراگیران در طول پروسه توضیح دادن قادر می‌شوند مطالب جدید را به مطالب قدیمی ارتباط دهند یادگیری آن‌ها افزایش می‌یابد. برای اینکه به اهمیت تئوری الی بوریشن از طریق تئوری گشتالت بپردازد، گارتنر (۱۹۷۱) بیان می‌کند که در حوزه فرآیندهای ذهنی وقتی یک فراگیر سعی می‌کند به دیگری آموزش دهد خودش هم به دلایل متعددی یادگیری‌اش ارتقاء می‌یابد: او باید منبع آموزشی خود را آماده کند و آن را سازمان دهد و به دیگری ارائه دهد. او ممکن است مجبور شود آن را دوباره در نظر بگیرد و دوباره و با روشی متفاوت ارائه دهد تا مطمئن شود که دیگران خوب می‌فهمند. و در همین فرآیند است که او خودش متوجه مواردی دیگر می‌شود و بنابراین از زاویه‌ای دیگر به آن مطالب می‌پردازد تا بتواند به نحو بهتری به آموزش آن بپردازد که نتیجه این فرآیند یادگیری و درک بهتر خود او می‌باشد.

در کلاس‌های این‌جانب تمام فراگیران از طریق فعالیت‌ها و مکانیسم‌های متفاوتی تشویق می‌شوند که آنچه را یاد گرفته‌اند در بحث‌های دو نفره، تیمی و کلاسی به دیگران ارائه و آموزش دهند. در چنین محیط‌هایی فراگیران نه تنها به آموزش مطالب خود به یکدیگر می‌پردازند بلکه این فرصت را نیز دارند که به تجزیه و تحلیل آن‌ها و نیز پرسیدن سؤالات مهم بپردازند و بازخورد مناسب نیز دریافت نمایند که تمامی این موارد به بهبود کیفیت درک و یادگیری آن‌ها می‌انجامد.

تئوری سخنرانی (Speech Theory)

همان‌طور که کندلین و ویدوسون (۱۹۷۸) ادعان داشته‌اند یک بخش از تئوری سخنرانی بر تمییز دادن آنچه مدنظر سخنران و آنچه درک و فهم مستمع است می‌پردازد. بنا بر این تئوری موارد زیادی هستند که در آن‌ها شنونده قادر به فهم صحیح گوینده نیست. به عبارت دیگر، موارد زیادی هم پیش می‌آید که فراگیران قادر نیستند مطالب ارائه‌شده توسط معلم در سخنرانی‌اش را بفهمند. در چنین شرایطی فراگیران حتی ممکن است آن مطالب را بد بفهمند و یا برخلاف آنچه مدنظر معلم و یا سخنران است برداشت نمایند. یکی از دلایل بروز این مشکل هم ممکن است سطح بالا و نوع ادبیات معلم و یا سخنران باشد.

بنابراین یکی دیگر از دلایل تشویق کار تیمی بین فراگیران در کلاس‌های این‌جانب فائق آمدن بر مشکل بالاست. در کار تیمی چون فراگیران همه تقریباً در یک سطح هستند مطالبی را که به یکدیگر توضیح می‌دهند از زبان یکدیگر راحت‌تر می‌فهمند. و نکته اینجاست که این مطالب در واقع همان مطالبی است که معلم احتمالاً حداقل برای برخی از فراگیران در سطح بالاتری ارائه داده است. به عبارت دیگر، در کلاس‌های این‌جانب فراگیران این فرصت را دارند که مطالب ارائه‌شده توسط این‌جانب (معلم) را به صورت قابل‌هضم‌تر به یکدیگر ارائه دهند. کار تیمی در واقع نقش واسط را برای قابل‌فهم‌تر کردن مطالب ارائه‌شده توسط معلم بین فراگیران دارد. در واقع فراگیران در طول پروسه بحث و گفت‌وگو و توضیح دادن و شفاف‌سازی کردن در تیم‌هایشان آنچه را که مدنظر معلم است به خوبی خواهند فهمید. بنابراین چنانچه فراگیرانی قادر نباشند آنچه را این‌جانب به ایشان درس می‌دهم بفهمند در طول پروسه کار و بحث و گفت‌وگو تیمی همان مطالب را از زبان دوستانشان که در سطح درک و فهم آن‌ها هست به خوبی خواهند فهمید.

در ادامه قبل از پرداختن به رابطه روش تدریس خودم با تئوری‌های انگیزشی و تئوری‌های رفتارگرها در بخش‌های بعدی باید از شما بخواهم که برای این کار مرا سرزنش نکنید! قبل از این کار اگر کمی با چشمان باز به پیرامون خود نگاه کنید متوجه می‌شوید که نه تنها خود شما بلکه جامعه‌ای که شما نیز جزئی از آن هستید به واسطه کاربرد اصول این تئوری‌ها اداره و کنترل می‌شوید. به عنوان مثال سؤالی را مطرح می‌کنم که اگر جواب شما به این سؤال مثبت باشد نشان می‌دهد که ادعای من در مورد کنترل اکثر جوامع با استفاده از تئوری‌های رفتارگرها صحت دارد. و اما سؤال من:

آیا برای شما اتفاق افتاده است که بعد از اینکه خود شما و یا یکی از آشنایانتان به شدت منبع ظلم و فساد و ریا و اختناق و استبدادی را زیر سؤال برده باشید بعد از مدتی یکی از عزیزانتان به صورت اتفاقی! مثلاً در یک حادثه رانندگی جان سپرده باشد و یا گفته باشند که سگته مغزی و یا سگته قلبی کرده و در گذشته است!؟

خواهش می‌کنم جهت پاسخ به این سؤال به پیرامون و اتفاقات پیرامون خود با دقت بیشتری نگاه کنید. همین‌طور برای رسیدن به منظور من می‌توانید زندگی افراد منتقد حاکمان را قبل و بعد از شروع انتقادهایشان بررسی کنید. بگذریم!؟ در هر صورت وقتی این‌جانب به استفاده از اصول این تئوری‌ها در کلاس‌هایم می‌پردازم نکته تمایزدهنده این است که شاگردانم را حیوان در نظر نمی‌گیرم. به عبارت دیگر، روش و هدف این‌جانب از به کارگیری این اصول در کلاس‌هایم از روش‌ها و اهداف حاکمان مستبد و ستمگر متفاوت است.

تئوری‌های یادگیری رفتارگرها (Behavioral Learning Theories)

طبق نظر محققینی مثل اسکینر (۱۹۶۸) و بندورا (۱۹۷۷) اگر واکنش موجودی نسبت به محرکی پاداش و یا جزا داده شود، این امر باعث تغییر رفتار و یا یادگیری آن موجود می‌شود. بنا بر بخش انسانی این تئوری پاداش دادن به فراگیران برای واکنش‌ها و یا پاسخ‌هایشان به مسائل سبب می‌شود که در درازمدت آن‌ها به تغییر رفتار و استراتژی‌های خود برای یادگیری و نتیجه بهتر بپردازند. طرفداران این تئوری بر این باور هستند که به‌عنوان مثال نمره می‌تواند محرکی خوب برای پیشبرد اهداف آموزشی باشد.

در روش تدریس این‌جانب هم علاوه بر نمره از بازخوردهای خودم و فراگیران نسبت به یکدیگر به‌عنوان محرک‌هایی مناسب جهت تشویق فراگیران به کار و تلاش و یادگیری بیشتر استفاده می‌شود. چنین محیط‌هایی سبب می‌شوند که فراگیران به اصلاح روش‌ها و استراتژی‌های یادگیری و نیز طرز نگرش و رفتار خود نیز بپردازند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که تمام این موارد در محیط‌هایی شاد و پویا و آرامش‌بخش اتفاق می‌افتند چراکه همان‌طور که گفتم این‌جانب به فراگیران به دیده انسان می‌نگرم و با آن‌ها محترمانه رفتار می‌کنم. بنابراین در کلاس‌های این‌جانب مقوله‌ای به نام تنبیه نداریم و تنها در صورت لزوم فراگیران و یا تیم‌ها تشویق نمی‌شوند و یا از آن‌ها قدردانی نمی‌شود. در روش تدریس این‌جانب نه تنها اعضای برتر بلکه تیم‌های فعال‌تر به روش‌های متفاوت تشویق می‌شوند تا شادابی و پویایی و انگیزه اشان حفظ شود.

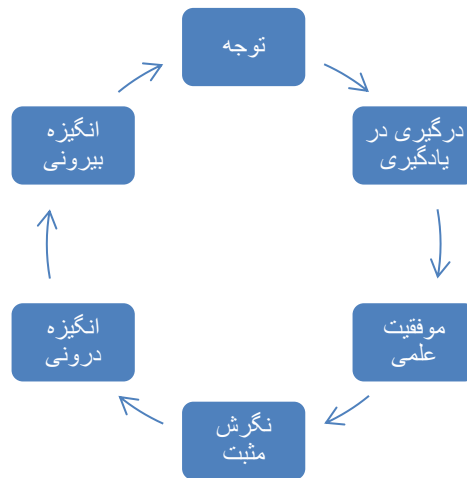
تئوری‌های مربوط به انگیزه (Motivational Theories)

با این پیش‌فرض که تعامل با دیگران در محیط‌های یادگیری که کار گروهی را تشویق می‌کنند باعث درک و یادگیری بهتر و عمیق‌تر مطالب می‌شود غالب تئوری‌هایی که در این فصل به آن‌ها پرداخته شده‌اند بر اهمیت کار گروهی تأکید دارند. اما به‌ویژه تئوری‌هایی که بر اهمیت انگیزه در فراگیران تأکید دارند مستقیم و یا غیرمستقیم مکانیسم‌های موجود در روش تدریس این‌جانب را تأیید می‌نمایند. این تئوری‌ها به‌ویژه بر اهمیت محرک‌های بیرونی از جمله نمره در ارتقای کیفیت کار گروهی و نتیجتاً یادگیری تأکید دارند. باور بر این است که پاداش دادن به افراد و یا تیم‌هایشان بر مبنای معیارهایی خاص به نفع پیشبرد اهداف آموزشی می‌باشد. در اینجا باید یادآوری شود که تئوری‌های مربوط به انگیزه مکمل و کامل‌کننده تئوری‌های ذهنی هستند به این صورت که آن‌ها سعی می‌کنند انگیزه فراگیران را برای همکاری با اعضای تیم‌هایشان و درگیر شدن در فرآیند یادگیری به‌منظور یادگیری عمیق‌تر تا رسیدن به هدف نهایی حفظ نمایند.

این‌جانب در روش تدریس خودم سعی کرده‌ام حداکثر بهره‌وری را از بکارگیری محرک‌های بیرونی در ارتقای دانش و مهارت‌های شاگردانم داشته باشم. به‌عنوان نمونه سعی می‌کنم از نمره به‌منظور انگیزه‌ای برای فراگیران جهت همکاری با اعضای تیم‌هایشان برای رقابت با سایر تیم‌ها استفاده نمایم. اما این‌جانب با دادن یک نمره یکسان به کل اعضای تیم‌ها و بدون در نظر گرفتن میزان استعداد و تلاش و همکاری آن‌ها که در غالب روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند رایج هست مخالف هستم. باور این‌جانب بر این است که اگر نمرات برای تلاش و همکاری اعضا به آن‌ها داده شود باعث ارتقای حس مسئولیت‌پذیری در آن‌ها و نیز تلاش هر چه بیشتر و تعامل سازنده‌تر بین آن‌ها خواهد شد که این‌ها خود باعث موفقیت آن‌ها و تیم‌هایشان می‌شوند. به‌عنوان مثالی ملموس‌تر در کلاس‌های این‌جانب کاپیتان‌های تیم‌ها به شرط اینکه اعضای تیمشان حداقل نمره‌ای را که نشانه پیشرفت آن‌ها باشد کسب نمایند بیشترین نمره (۲۰ از ۲۰) را خواهند گرفت. این استراتژی همان‌طور که گفته شد باعث می‌شود تا کاپیتان‌ها تمام تلاششان را برای بهبود کیفیت یادگیری اعضای تیم‌هایشان بکار بگیرند.

نکته بسیار مهمی که در اینجا باید یادآور شوم این است که در روش تدریس این‌جانب نقش انگیزه درونی در موفقیت فراگیران نادیده گرفته نشده است. ضمن اینکه معتقد هستم فراگیران امروزی انگیزه درونی کافی دارند و انگیزه بیرونی که این‌جانب درصدد ایجاد آن می‌باشم مکمل آن است. واقعیت این است که انگیزه بیرونی سبب تمرکز و دقت فراگیران شده که این خود میزان درگیر شدن واقعی آن‌ها را در فرآیند یادگیری افزایش داده و باعث موفقیت هرچه بیشتر آنان می‌شود. و موفقیت آن‌ها اعتمادبه‌نفس آن‌ها را بالا می‌برد. و این اعتمادبه‌نفس و موفقیت به‌نوبه خود نگرش مثبت و انگیزه درونی آن‌ها را دوچندان می‌کند. بنابراین همان‌طور که در شکل ۸ مشخص است این فاکتورها به‌هم‌پیوسته و در یکدیگر

اثرگذار می‌باشند. ضمن اینکه خود من هم - به‌عنوان معلم - از هر فرصتی استفاده می‌کنم تا به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم انگیزه درونی شاگردانم را افزایش دهم.



شکل ۸: رابطه بین انگیزه بیرونی، یادگیری و انگیزه درونی در کلاس‌هایی که با روش تدریس یادگیری تیمی رقابتی اداره می‌شوند

تئوری اجتماعی - زبانی (Socio-Linguistic Theory)

برنشتاین (۱۹۷۰) بر این باور است که اگر فراگیران با مجموعه‌ای از الگوهای محاوره‌ای در طول زندگی آکادمیکشان آشنا شوند در آینده شانس موفقیت آن‌ها در حرفه و نیز زندگی‌شان بیشتر خواهد بود. به همین منظور در کلاس‌های این‌جانب فراگیران در تیم‌های مختلطشان که هر یک از اعضا در آن‌ها عقبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوتی دارند این شانس را که با سبک‌های متفاوتی از گفتار و ادبیات یکدیگر آشنا شوند و به تمرین آن‌ها بپردازند دارند. آن‌ها در این محیط‌ها می‌آموزند که در تعامل با هر فرد باید به سبک و گفتار و ادبیات مخصوص به آن فرد توجه داشته باشند و به آن احترام بگذارند.

تئوری جامعه‌شناختی (Sociological Theory and Social Learning Theory)

بنا بر نظر آلن (۱۹۷۶) افراد تمایل دارند آنچه باشند و آن‌گونه بگویند و رفتار کنند که جامعه‌ای که عضوی از آن هستند از آن‌ها انتظار دارد. همین‌طور آن‌ها تمایل دارند بر مبنای فرهنگ و آداب و سنن آن جامعه رفتار نمایند. در روش تدریس این‌جانب هم سعی شده است که با فرهنگ یادگیری خاصی که خودم با همکاری شاگردانم طراحی کرده‌ام (فصل هفت را ببینید) فراگیران را تا حدودی با اصول و قواعد رایج در جوامع دموکراتیک آشنا نمایم و نگرش آن‌ها را نسبت به مسائل آموزشی و اطرافیان و پیرامون خود مثبت‌تر و انسانی‌تر نمایم. به این صورت است که رفتار آن‌ها به تدریج به رفتاری متمدن نانه تر و با فرهنگ‌تر تبدیل می‌شود.

همین‌طور در کلاس‌هایم سعی می‌کنم با آگاه ساختن شاگردانم به‌ویژه نسبت به مسائل سیاسی آن‌ها را با حقایق و واقعیات پیرامونشان نیز آشنا کنم و آن‌ها را تشویق به مبارزه - به هر شکلی - با منابع هرگونه ظلم و ستم و فساد و غارت و ریا و استبداد نمایم تا بدین‌وسیله آن‌ها را از حالت پسیو و خنثی بودن به ایجنت‌های تغییر و توسعه تبدیل نمایم.

تئوری درگیری (Engagement Theory)

این تئوری بر تعاون و همکاری و خلاقیت در فعالیتهای روزمره تأکید دارد. در کلاس‌های این‌جانب سعی بر آن است که فراگیران طوری تربیت شوند که در آینده بتوانند قید خواسته‌های شخصی خود را برای رسیدن به کمال مطلوب جامعه همانند رسیدن به آزادی بزنند. بنابراین آن‌ها در کلاس‌های این‌جانب نه تنها یاد می‌گیرند که با دیگران کار کنند بلکه یاد می‌گیرند

که برای دیگرانی که ارزشش را دارند از قبیل مظلومان و دگرانیشان کار و فداکاری کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها یاد می‌گیرند که در خدمت اهداف متعالی الهی باشند.

تئوری آموزش بزرگسالان (Andragogy Theory)

این تئوری ناولز (۱۹۷۰/۱۹۸۴) که هم‌راستا با تئوری‌های ساختن گراها از جمله تئوری دیویی هست به فاصله گرفتن جدی و محسوس روش‌های تدریس فعلی که فراگیر محور هستند از روش‌های سنتی معلم محور منتج شد. هرچند این تئوری در ابتدا برای آموزش بزرگسالان ارائه شد اما همان‌طور که ناولز خودش اذعان دارد این تیوری می‌تواند برای آموزش تمام رده‌های سنی مورد استفاده قرار گیرد. ناولز بر این باور بود که تمام فراگیران پتانسیل یادگیری در محیط‌های آرام و مطمئن که در آن‌ها معلم زیاد در کار آن‌ها دخالت نمی‌کند را دارند. این تئوریسین آمریکایی بر این باور بود که باید به فراگیران به دیده انسان و موجوداتی قابل احترام نگریست چراکه آن‌ها قابل اعتماد و مسئولیت‌پذیر هستند و بنابراین باید آزادی عمل کافی برای یادگیری خود را داشته باشند. ناولز معتقد بود که برای موفقیت هرچه بیشتر آموزش باید با فراگیران در تمام زمینه‌ها از جمله انتخاب منابع آموزشی مشورت داشت. او همچنین معتقد بود که فراگیران خود باید در به وجود آوردن شرایط مناسب در محیط یادگیری نقش فعال ایفا نمایند. بر طبق تئوری ناولز فراگیران باید در جریان اهداف آموزشی، روش‌های تدریس که قرار است در کلاس‌هایشان به خدمت گرفته شوند و فلسفه ورای آن‌ها و نیز آنچه قرار است یاد بگیرند قرار گیرند. ناولز همین‌طور معتقد بود که فراگیران باید به یادگیری به‌عنوان فرایندی برای حل مسائل نگاه کنند و مهم‌تر اینکه باید مزایای آنچه را که در کلاس‌های خود یاد گرفته‌اند را در دنیای واقعی نیز حس نمایند. به‌طور خلاصه ناولز بر این باور بود که به‌ویژه بزرگسالان وقتی بهتر یاد می‌گیرند که یادگیری

۱. بر مبنای حل مسئله - و نه سرهم کردن داده‌ها - باشد.

۲. طوری ارائه شود که پاسخگوی نیازهای فراگیران در دنیای واقعی باشد.

۳. در ارتباط با واقعیات دنیای واقعی باشد. و

۴. تجربی باشد.

برای اینکه آموزش سنتی را از هنر آموزش به بزرگسالان (اندرآگوجی) تمییز دهند فلچیکو و همکاران (۲۰۰۱) سعی کردند تفاوت‌های آن‌ها را در جدول زیر نشان دهند.

آموزش سنتی (Pedagogy)	اندرآگوجی (Andragogy)
معلم محور، رقابتی، رسمی	مشارکتی، احترام‌آمیز، همکاری، غیررسمی
برنامه‌ریزی توسط معلم	برنامه‌ریزی با مشارکت معلم و فراگیران
معلم نیازسنجی می‌کند.	معلم با مشارکت فراگیران نیازسنجی می‌کند.
اهداف توسط معلم ترسیم می‌شوند.	اهداف توسط معلم و فراگیران ترسیم می‌شوند.
یادگیری به‌واسطه انتقال دانش معلم به فراگیران اتفاق می‌افتد.	یادگیری بر مبنای تجربیات اتفاق می‌افتد.
معلم فراگیران را ارزشیابی می‌کند.	فراگیران خود و با همکاری یکدیگر و معلم یکدیگر را ارزشیابی می‌کنند.

جدول ۳ تفاوت‌های آموزش سنتی با اندرآگوجی

یکی دیگر از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب در مقایسه با روش‌های تدریس سنتی ایجاد محیطی است که در آن تک‌تک فراگیران احساس ارزشمند و محترم بودن می‌کنند چراکه آن‌ها در جریان اهداف آموزشی و فلسفه ورای به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب و آنچه قرار است بیاموزند قرار می‌گیرند. آن‌ها همین‌طور این آزادی را دارند تا در کلاس‌های این‌جانب تیم‌هایشان را تشکیل دهند، نقش‌های یکدیگر را مشخص کنند، یکدیگر را ارزشیابی نمایند و اهداف آموزشی و نیازهای خود را

به بحث بگذارند و درباره آن‌ها نظر دهند. آن‌ها حتی این اجازه را دارند که این‌جانب- رهبر کلاس- را نقد و در صورت لزوم خلع نمایند! همین‌طور به آن‌ها مسائل چالش‌آوری پیشنهاد می‌شود که به‌واسطه آن‌ها یاد می‌گیرند که با خرد جمعی به راه‌حل‌های مناسب برسند.

تئوری‌های ساختن گراها (Constructivists' Theories)

در آغاز هزاره سوم ساختن گراها به این نتیجه رسیدند که تعاملات اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای کیفیت یادگیری داشته باشد. البته به گفته کندی (۱۹۹۱) این دیدگاه از قبل از دوران سقراط در قرن پنجم شکل گرفته بود. و آن‌طور که من متوجه شدم حتی ابوعلی سینا نیز کلاس‌هایش را بر مبنای اصولی که امروزه به ساختن گراها منتسب می‌کنند اداره می‌کرد! بنا بر نظر ساختن گراها یادگیری زبان یک فرآیند حل مسئله هست که در شرایطی اتفاق می‌افتد که فراگیران فرصت‌های برابر برای تعامل دو سویه و بحث و گفت‌وگو داشته باشند. باور بر این است که در چنین شرایطی ملزومات اساسی برای فراگیری زبان از قبیل شنیدن و توضیح دادن و واکنش نشان دادن به ایده‌ها و نظرات دیگران مهیا می‌باشند. در چنین شرایطی فراگیران بهتر و عمیق‌تر می‌توانند با ارتباط دادن مطالب جدید به مطالب قدیمی آن‌ها را به خاطر بسپارند که این خود به درک بهتر زبان کمک کرده و باعث رشد ذهنی آن‌ها نیز می‌شود.

در هر صورت ساختن گراها دو طیف نظری را شکل می‌دهند: یک گروه مثل دیویی (ساختن گرای ذهنی) و پیازه (ساختن گرای اجتماعی-ذهنی) بر «فرد در گروه» تمرکز دارند و گروه دیگر همانند ویگاتسکی بر رشد قوای فکری و دانش فرد به‌واسطه «تعامل او با جمع» تمرکز دارند.

تئوری‌های ذهنی (Cognitive Theories)

جان دیویی که ایده‌ها و نظراتش تحولی شگرف در آموزش و پرورش به وجود آورد یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه قرن بیستم بود. تفکر دیویی در مورد آموزش که توأم با تمرکز بر تعامل، بازخورد و تجربه بود و علاقه‌اش به جامعه و دموکراسی همه و همه او را به سوی «آموزش غیررسمی» سوق داد - آموزشی که از نظر او باید همراه با تأکید بر اهمیت تجربه در فرآیند یادگیری باشد. دیویی بر این باور بود که فراگیران به‌جای اینکه پسیو و غیرفعال باشند باید فعالانه خود را در فرآیند یادگیری - که از نظر او فرایند ذهنی بسیار پیچیده‌ای هست - درگیر کنند. از نظر دیویی فراگیران باید درگیر امری شوند که به یادگیری آن‌ها کمک می‌کند. او معتقد بود که آن‌ها باید با یکدیگر تعامل داشته باشند و در این تعاملات بازخوردهای دیگران را جدی بگیرند و سعی کنند برخی مهارت‌های اجتماعی مناسب را نیز که لازمه ساختن جوامعی پایدار است از آن‌ها یاد بگیرند. ضمن اینکه او بر این باور بود که نسل فردا باید طوری تربیت شوند که هیچ ایده و ایدئولوژی و فردی را بدون تفکر و دلیل و برهان نپذیرند.

دیویی تفاوت آموزش از دیدگاه خودش و آموزش سنتی را چنین بیان می‌کند:

اگر با دقت به آموزش سنتی و نگرش جدید به آموزش نگاه کنیم تفاوت‌های قابل‌تأملی را می‌یابیم... از بالا نظرات و ایده‌ها را تحمیل کردن در تضاد با ارج نهادن به نظرات تک‌تک افراد است. از بیرون و به روش‌های پادگانی به کلاس نظم دادن در تضاد با آزادی عمل فراگیران است. یادگیری از متون و معلم در تضاد با یادگیری از طریق تجربه هست. کسب تکنیک‌ها و مهارت‌ها به‌صورت جداگانه و از طریق تکرار در تضاد با کسب آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف نهایی در دنیای واقعی می‌باشد. یادگیری در محیطی ساکن و غیر پویا در تضاد با یادگیری در دنیای پویا و در حال تغییر است. (صفحات ۱۹ و ۲۰).

این‌جانب در کلاس‌هایم تمام سعیم را می‌کنم تا قدرت ذهنی و واکنش شاگردانم را در محیط‌هایی شاداب و پویا و چالش‌آور افزایش دهم. در کلاس‌های من فراگیران فرصت‌های زیادی دارند تا نگرش خود را به مسائل و پیرامون خود واقعی‌تر و منطقی‌تر نمایند و هم‌زمان مهارت‌های لازم برای مواجه شدن با ایده‌ها و نظرات و ایدئولوژی‌های متفاوت و متعدد در دنیای

واقعی را کسب نمایند. به عنوان مثال به فراگیران آموزش می‌دهم تا در مواجهه با ایده‌ها و نظرات و ایدئولوژی‌های متفاوت راجع به آن‌ها هوشیار باشند، آن‌ها را حس کنند، به چالش بکشند، تجربه کنند، و از زوایای متفاوت در محیط‌هایی که پرسش و بحث و گفتمان را تشویق می‌کنند به بررسی آن‌ها بپردازند تا بدین صورت بتوانند آن‌ها را بهتر بفهمند و درک نمایند و تصمیم بگیرند که آیا آن‌ها را بپذیرند یا نه؟ همین‌طور در کلاس‌های من سؤالات مهم و راهبردی که به پژوهش و تحقیق و کشف می‌انجامد تشویق می‌شوند چراکه این نوع سؤالات باعث تقویت قوای ذهنی فراگیران می‌شوند. به عنوان یک معلم که بیشتر نقش یک دوست را برای فراگیران دارد و نه یک دیکتاتور تمامیت‌خواه، این‌جانب سعی می‌کنم نسل فردا را طوری تربیت نمایم که نه تنها ایده‌ها و نظرات و ایدئولوژی‌ها را بلکه اصول و نورم‌های جامعه و حتی خود من - رهبر کلاس - را بدون بررسی دقیق و نقادی کردن هرگز نپذیرند. تفکر و نگرش انتقادی که این‌جانب بر پرورش آن تأکید دارم نیز در توسعه قوای ذهنی و نیز مهارت‌های زبانی فراگیران نقش عمده‌ای دارد. در زیر قسمتی از یکی از سخنرانی‌هایم را در یکی از کلاس‌هایم می‌آورم که در آن سعی کرده‌ام شاگردانم را به تفکر در لایه‌های بالاتر در مواجهه با ایده‌ها و نظریات و ایدئولوژی‌های جدید در دنیای واقعی تشویق نمایم.

... ببینید دوستان! واقعیت تلخ و صدالبته ریشه تمام بدبختی‌های ما این است که بیشتر ما آن‌طور زندگی می‌کنیم که از ما می‌خواهند. این هم به نوبه خود دلیل این واقعیت است که ما همه چیز و حتی باورهایمان را بر مبنای دیدگاه "آن‌ها" شکل می‌دهیم و تنظیم می‌کنیم. این به‌ویژه برای شهروندان امروزی اصلاً مناسب نیست. برای اینکه خود را قادر سازیم که دنیا و مسائل پیرامون خود را آن‌طور که هستند ببینیم و نه آن‌طور که به ما دیکته می‌کنند و معرفی می‌کنند باید قادر باشیم خودمان کنترل ذهن و افکارمان را به دست بگیریم. برای این کار که لازمه سعادت ما هست باید قادر باشیم ذهن و افکارمان را از استعمار «آن‌ها» نجات دهیم. برای این منظور لازم است که اجازه ندهیم ایده‌ها و نظرات و باورهای آن‌ها ذهن و افکار ما را غبارآلود کنند و تحت تأثیر خود قرار دهند. حتی ما باید تلاش نماییم که مانع غبارآلود شدن ذهنمان توسط احساسات خودمان هم باشیم. ما باید قادر باشیم تا احساسات و باورهای غلط و توهماتی را که در طول سالیان در ما نهادینه کرده‌اند به کناری بزنیم و ذهن و افکارمان را از کنترل آن‌ها خارج نماییم. شما می‌دانید که راهبردی‌ترین استراتژی استعمارگران و حکومت‌های خودکامه و تمامیت‌خواه در به خدمت گرفتن مردمان امروزی تسخیر و کنترل افکار و اذهان آن‌ها به‌ویژه از طریق سیستم‌های آموزشی و رسانه‌ها می‌باشد. بنابراین برای شناخت یک نظر یا ایده یا ایدئولوژی و یا یک فرد اول از همه باید ذهنمان را پاک‌سازی نماییم و بعد با تفکر و تأمل از زوایای متفاوت به بررسی و کنکاش در مورد آن‌ها بپردازیم. همین‌طور باید سعی کنیم در عمل آن‌ها را به چالش بگیریم تا بهتر به ماهیت آن‌ها پی ببریم. بعد از پشت سر گذاشتن این پروسه است که ما می‌توانیم در مورد آن‌ها تصمیم نهایی خود را بگیریم و آن‌ها را بپذیریم و یا رد نماییم. تنها با چنین طرز نگرشی است که می‌توانیم خود و دنیای پیرامون خود و در نتیجه شرایط زندگی خود را تغییر دهیم.

و راهنمایی‌های زیر نمونه‌ای از تلاش من برای آشنا کردن شاگردانم با استراتژی‌ها و مهارت‌هایی مفید در کلاس‌های خواندن و درک مطلب می‌باشند:

... بچه‌ها! باید توجه داشته باشید که خیلی وقت‌ها یک لغت، متن، کتاب، حادثه و یا هر چیز دیگری خارج از متن و موقعیتی که به آن تعلق دارد همانند یک ماهی هست خارج از آب! در نظر گرفتن این واقعیت در طول پروسه تفکر و قبل از تصمیم‌گیری و قضاوت نهایی خیلی تعیین‌کننده هست. این کار یک استراتژی مهم و راهبردی است که شما باید آن را تمرین کنید و بیاموزید. بنابراین نوع تفکری که من بر آن تأکید دارم توانایی در نظر گرفتن موارد مورد تفکر را از بالا و بدون غفلت از جزئیات می‌طلبد. این روش برای موقعیت‌های دشوارتر کاربرد بیشتری دارد. به عنوان مثال خیلی وقت‌ها ممکن است شما قادر نباشید یک متن و یا یک کتاب و یا سناریوی واری آن را بفهمید مگر اینکه ابتدا سعی کنید با خالق و یا نویسنده آن اثر آشنا شوید. خیلی وقت‌ها هم چاره‌ای ندارید جز اینکه شرایطی را که نویسنده در آن به خلق اثر خود پرداخته است درک نمایند. شما باید این را نیز به یاد داشته باشید که خیلی وقت‌ها در خیلی جاها نویسنده نمی‌تواند (اجازه ندارد) آنچه را مدنظرش است صریح و آشکار بیان نماید.

بنابراین در این موارد شما باید حداکثر سعی خود را بکنید که اول شناخت کافی از خود نویسنده و شرایطی که در آن قرار داشته است و یا دارد به دست آورید تا بتوانید منظور کنایه‌هایی که بکار می‌برد را بفهمید. برای نمونه شما نمی‌توانید منظور نویسنده را در کتاب «مزرعه حیوانات» متوجه شوید مگر اینکه ابتدا سعی کنید جو سیاسی حاکم بر فضایی که نویسنده در آن زندگی می‌کرده است را بفهمید. در مرحله بعد - برای درک بهتر از یک متن - شما باید مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن را نیز در نظر بگیرید. از جمله این مؤلفه‌ها عنوان متن، عنوان‌های زیرمجموعه عنوان اصلی، جمله و یا جملات اصلی به‌ویژه در پاراگراف اول، تصاویر و نمودارها و غیره هستند که همگی به شما کمک می‌کنند که راحت‌تر و سریع‌تر به‌منظور نویسنده پی ببرید و متن را درک نمایید. ضمن اینکه باید در نظر داشته باشید که در خواندن یک متن (انگلیسی) لازم نیست معانی تمام لغات آن را بدانید. نادیده گرفتن برخی لغات سخت، ریشه‌یابی برخی لغات و استفاده از دانش قبلی خودتان و حدس زدن معنی برخی لغات همگی می‌توانند تکنیک‌های مفیدی در طول پروسه خواندن یک متن و یا کتاب باشند. نکته مهم این است که شما باید یاد بگیرید که نباید ایده‌ها و نقطه نظرات نویسنده را به‌راحتی و بدون نگاه و تفکر انتقادی بپذیرید. تردید نکنید که خیلی وقت‌ها شک و تردید نسبت به وقایع و اطلاعات پیش رویتان شما را به حقیقت رهنمون می‌سازد. بنابراین توصیه می‌شود که در طول پروسه خواندن یک متن زیر لغات و ایده‌های چالش آور را خط بکشید و یا آن‌ها را به قلم خودتان دوباره‌نویسی کرده و یا از آن‌ها و یا درباره آن‌ها سؤال طراحی کنید تا در وقت مناسب در کلاس به آن‌ها بپردازیم.

برای آشنایی بیشتر با آگاهی‌های دیگری که من به شاگردانم می‌دهم ضمیمه‌های آخر این کتاب را مطالعه کنید. بنابراین این‌جانب با استفاده از روش تدریس سعی دارم فراگیران به‌عنوان محققین و متفکرین و منتقدین فعال و نه صرفاً تکرارکنندگان غیرفعالی که خالی از انگیزه و تلاش هستند باشند. نسل فردا در کلاس‌های این‌جانب یاد می‌گیرند که چگونه منتقدانه و خلاقانه تفکر کنند و هم‌زمان در تفکر کردن هم ریسک‌پذیر باشند و آزادانه و فارغ از هر خط قرمزی تفکر نمایند. آن‌ها درک و فهم خود را از پیرامون خود و از دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بر اساس دیده‌ها و تجربیات خود بنا می‌نهند و نه بر اساس آنچه به آن‌ها گفته شده است که چه چیزی درست است و چه چیزی غلط است. ضمن اینکه در کلاس‌های این‌جانب پرسش و پاسخ و نقادی دوطرفه هست. این بدان معناست که همان‌طور که فراگیران این حق را دارند که دیگران را نقد نمایند و یا از آنان سؤالاتی بپرسند باید منتظر نقد و پرسش‌های دیگران هم باشند و سعی کنند با دیپلماسی و آرامش و گشاده‌رویی به آن‌ها پاسخ دهند. این برای خود من هم صادق است. همان‌طور که اشاره شد یعنی فراگیران هم حق دارند که من (رهبر کلاس) را نقد و ارزشیابی و در صورت صلاحدید رأی به بی‌کفایتی من دهند. علاوه بر این‌ها فراگیران در کلاس‌های این‌جانب می‌آموزند که باید مخالف را تحمل کرد و آموخت که با او در محیطی مشترک به یادگیری و زندگی پرداخت. آن‌ها در کلاس‌های من با قواعد و اسلوب دموکراسی (اسلامی) که در جهان متمدن مورداحترام هستند آشنا می‌شوند و نگرش و تفکر و منش خود را در راستای این قواعد و اسلوب پرورش می‌دهند. فراگیران به‌خوبی خواهند فهمید که چنین فضایی به رشد و پویایی آن‌ها در زندگی آکادمیک و زندگی اجتماعی‌شان می‌انجامد.

تئوری‌های اجتماعی ذهنی (Socio-Cognitive Theories)

بیشتر تئوری‌های اجتماعی ذهنی بر مبنای کار زیست‌شناس سوپسی یعنی پیازه می‌باشند. بنا بر نظر پیازه تجربه و فاکتورهای محیطی بر رشد هوش و ذهن کودک تأثیر مستقیم می‌گذارند. پیازه به‌ویژه بر نقش «تضاد ذهنی» - یعنی وقتی که اطلاعات جدید با اطلاعات قدیمی مطابقت ندارند- در رشد ذهن فراگیران تأکید کرده است. در این تئوری پیازه بر این باور است که تضارب آرائی که در جریان بحث‌ها در محیط‌های تعاملی به وجود می‌آید به تضاد آرا و ایده‌ها و نظرات در ذهن فراگیران می‌انجامد که این خود آن‌ها را وادار به بازنگری در دانش و اطلاعات قبلی خود می‌کند تا بدین‌صورت بتوانند مطالب جدید را درک کنند و در نتیجه یاد بگیرند.

این‌جانب هم سعی کرده‌ام با اهمیت دادن به نقش «تضاد ذهنی» در طول پروسه آموزش از آن نه‌تنها به‌عنوان راهی برای یادگیری بلکه به‌عنوان راهی برای «تغییر» در فراگیران استفاده نمایم - تغییر در تفکر، نگرش و منش فراگیران و

در نتیجه تغییر در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم! در کلاس‌های این‌جانب در طول بحث‌ها و گفتمان‌های تیمی و کلاسی فراگیران با راه‌حل‌ها و نگرش‌ها و ایده‌های متعدد و متفاوتی مواجه می‌شوند که چنین شرایطی به تغییرات کلی در آن‌ها می‌انجامد. در چنین شرایطی این‌جانب هم به‌عنوان معلم سعی می‌کنم به‌ویژه با مطرح کردن سؤالات راهبردی به تضاد و تضارب آرا در اذهان فراگیران دامن بزنم و در نتیجه آن‌ها را مجبور به تفکر از زاویه‌های متفاوتی نمایم که این خود به رشد و تکامل آن‌ها می‌انجامد. سعی می‌کنم هرگز وقت کلاس را با سؤالات سطحی و بی‌پهلو تلف نکنم. این‌جانب به سؤالاتی علاقه‌مند هستم که لایه‌های بالاتری از تفکر فراگیران را به چالش می‌کشند - سؤالاتی که پاسخشان به تحقیق و مقایسه و تجزیه و تحلیل و استدلال و استنباط نیازمند باشند. همین‌طور به سؤالاتی علاقه‌مند هستم که فراگیران را وادار به ریسک‌پذیری در تفکر و درنوردیدن خطوط قرمز می‌نمایند. به این نوع سؤالات علاقه‌مند هستم چراکه معتقد هستم چنین سؤالاتی هستند که پتانسیل «تغییر» در فراگیران و در نتیجه دنیای پیرامون آن‌ها را دارند. اما نکته در اینجاست که این‌جانب از فراگیران فقط این انتظار را ندارم که صرفاً به سؤالات استراتژیک من پاسخ دهند بلکه از آن‌ها این انتظار را هم دارم که آن‌ها هم تمرین کنند که سؤالات راهبردی بپرسند. بنابراین در کلاس‌های این‌جانب فراگیران چیزی فراتر از کار تیمی و زبان و یا مکالمه زبان می‌آموزند. آن‌ها علاوه بر اینکه دانش و مهارت‌های زبانی خود را ارتقاء می‌دهند استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی و نگرش و سطح تفکر و در نتیجه شخصیت و منش خود را هم ارتقاء می‌دهند که این‌ها همه نهایتاً به تغییر و توسعه در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم می‌انجامد.

تئوری‌های ذهنی اجتماعی فرهنگی (Cognitive Socio-Cultural Theories)

این تئوری‌ها بیشتر بر مبنای تحقیقات لمسنوویچ و یگاتسکی محقق و زبان‌شناس روسی شکل گرفته‌اند. از نظر ویگاتسکی فراگیران موجوداتی اجتماعی هستند و در تعامل با دیگران یاد می‌گیرند و رشد و تکامل پیدا می‌کنند. بنابراین او تمرکز خود را بر نقش اجتماع در یادگیری و رشد و تکامل انسان‌ها گذاشت. تئوری ZPD ویگاتسکی انعکاسی از نگرش او هست. او در این تئوری بیان می‌کند که ارتقای مهارت‌هایی از قبیل مهارت‌های ذهنی و زبانی در محیط‌های اجتماعی و در تعامل با دیگران تسهیل می‌شوند چراکه در چنین شرایطی فراگیران این فرصت‌ها را دارند که به‌صورت جمعی به یادگیری و خلق دانش جدید بپردازند. در این تئوری ویگاتسکی بر این باور است که آنچه یک فراگیر در محیط‌های اجتماعی و در تعامل با دیگران یاد می‌گیرد بسیار بیشتر از آنچه هست که او می‌تواند به‌صورت انفرادی و در انزوا یاد بگیرد. در کلاس‌هایم برای تفهیم آسان‌تر این تئوری به دانشجویانم از فرمول $H_2 + O > H_2O$ استفاده می‌کردم و به آن‌ها می‌گفتم که به همین ترتیب راه‌حلی که توسط خرد جمعی به آن می‌رسیم خیلی وقت‌ها بسیار متفاوت‌تر و مؤثرتر از راه‌حلی است که به‌صورت انفرادی به آن می‌رسیم. این نظر ویگاتسکی که بحث و گفتمان در محیط‌های اجتماعی عامل تسهیل‌کننده یادگیری و به‌ویژه یادگیری زبان است در بین محققین و مدرسین زبان طرفداران بسیاری پیدا کرده است.

در روش تدریس این‌جانب تیم‌های ناهمگن که معمولاً شامل یک فراگیر قوی، ۲ فراگیر متوسط و یک فراگیر ضعیف هستند در محیط‌هایی شاداب و پویا سعی در ارتقای سطح دانش و مهارت‌های زبانی خود دارند. آن‌ها نه تنها باهم همکاری دارند بلکه مکانیسم‌های تعریف‌شده برای ارزشیابی اعضای تیم‌ها طوری است که «نیاز» به همکاری آن‌ها با یکدیگر را به وجود می‌آورند تا بدین‌صورت بتوانند روی تکالیف و پروژه‌هایی که به تنهایی قادر به انجام آن‌ها نیستند کار کنند و از پس آن‌ها برآیند. در چنین محیط‌هایی البته فراگیران به‌مرور به حدی از تفکر و دانش می‌رسند که نهایتاً می‌توانند مستقل از سایرین و حتی معلم به یادگیری و کار خود ادامه دهند.

تمییز دیدگاه ویگاتسکی از دیدگاه پیاژه

هرچند در نگاه اولیه دیدگاه ویگاتسکی و دیدگاه پیاژه در مورد اهمیت تعاملات اجتماعی برای یادگیری شبیه به هم به نظر می‌رسند اما این دو دیدگاه تفاوت‌هایی هم دارند. بنابراین بهتر است قبل از پرداختن به ادامه بحث درباره رابطه بین تئوری‌های آموزشی و روش تدریس این‌جانب به این تفاوت‌ها بپردازم. از نظر پیاژه رشد ذهنی و یادگیری موقعی اتفاق می‌افتد که در ذهن فراگیر تضاد یا تضارب بین دانش جدید و آنچه او از قبل یاد گرفته است پیش می‌آید. به گفته پیاژه در چنین

شرایطی فراگیر سعی می‌کند دانسته‌های قبلی خود را طوری اصلاح نماید که دانش جدید با آن جور درآید. نکته در اینجا است که از نظر پیازه این امر «ممکن است» در طول تعامل فراگیر با دیگران اتفاق بیفتد. اما از نظر ویگاتسکی رشد ذهنی و یادگیری نتیجه مستقیم تعامل فراگیر با دیگران در محیط‌های اجتماعی هست که در طول این تعاملات افراد یادگیری یکدیگر را حمایت و ساپورت می‌کنند. همان‌طور که گفته شد از دیدگاه پیازه در فرآیند اصلاح دانش قدیمی و بازنگری در آن بعد از تضاد و تضاریبی که بین دانسته‌های فراگیر و دانش جدید پیش می‌آید فراگیر لزوماً از دیگران برای این امر (یادگیری) کمک نمی‌گیرد و ممکن است به تنهایی این کار را انجام دهد هرچند در جمع دیگران باشد. اما از نظر ویگاتسکی یادگیری و ارتقای دانش قدیمی صرفاً در تعامل با دیگران و با کمک فعالانه آن‌ها اتفاق می‌افتد.

تفاوت دیگری که در این دو دیدگاه وجود دارد این است که از نظر پیازه یادگیری نمی‌تواند قبل از رشد ذهنی کودک اتفاق بیفتد چراکه یادگیری در مراحل بیولوژیکی خاص و به ترتیب و بعد از رشد ذهنی کودک اتفاق می‌افتد. اما او معتقد است که همین نوع یادگیری می‌تواند در تعامل با دیگران تسهیل گردد. اما در تضاد با این ایده ویگاتسکی معتقد است که این یادگیری است که می‌تواند رشد ذهنی را تسریع بخشد. به عبارت دیگر، اول یادگیری - با حمایت و ساپورت دیگران - اتفاق می‌افتد و بعد به واسطه آن یادگیری، رشد ذهنی کودک تسهیل می‌شود.

در خاتمه باید یادآوری نمایم که هرچند تئوری‌هایی که در این قسمت معرفی شدند لازم و ضروری بودند اما به هیچ‌عنوان کافی نبودند. مشکل اساسی تمام این تئوری‌ها این است که هیچ‌کدام از آن‌ها قادر نیستند که واقعیات دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم در سطح کلاس در نظر بگیرند و بازتاب دهند و راهی کارآمد را برای تربیت نسل فردا به معلمان و اساتید نشان دهند. این نکته خیلی مهم است چراکه کلاس‌های ما باید کسری از جامعه باشند و به مسائل مرتبط با آن هم اهمیت دهند. بنابراین تئوری‌هایی که به آن‌ها پرداخته شد پتانسیل آماده کردن فراگیران و یا همان شهروندان و نسل فردا را برای ورود به دنیای واقعی و مواجهه موفق با مسائل آن ندارند. در اینجا است که این‌جاست که این‌جانب تئوری خودم را برای پوشش دادن این موارد به‌قرار زیر ارائه داده‌ام:

تئوری یادگیری زبان ذهنی اجتماعی سیاسی: تئوری زبان یادگیری تیمی رقابتی

"Cognitive Socio-Political Language Learning Theory": Theory of Language of CTBL

در ادامه بحث‌های قبل و بحث بخش «تأثیر نگرش آموزشی سیاسی این‌جانب بر آموزش زبان انگلیسی» در فصل دوم همین کتاب مجدداً یادآور می‌شوم که برخلاف ساختن گراها همانند پیازه، دیویی و ویگاتسکی که معتقد هستند زبان یک پدیده اجتماعی و نیز ابزاری برای ارتباطات روزمره است و اینکه فراگیران باید در طول فرایند تولید و یا خلق دانش مسئولیت‌پذیر باشند این‌جانب معتقد هستم که

۱. زبان یک پدیده اجتماعی-سیاسی می‌باشد چراکه امروزه زبان در تعامل با دیگران (که شامل تبادل آرا و نظرات و بحث‌ها درباره مسائل اجتماعی سیاسی هم می‌شود) کسب می‌شود.
 ۲. زبان نه تنها ابزاری برای ارتباطات روزمره بلکه ابزاری برای هر نوع انقلاب و رفورم نیز می‌باشد.
 ۳. فراگیران نه تنها باید در طول فرایند خلق دانش مسئولیت‌پذیرند بلکه باید برای رسیدن به جامعه آرمانی خود نیز از هیچ کوششی دریغ نکنند و در این راه هم مسئولیت‌پذیر باشند و نقش مؤثر ایفا نمایند.
- اگر بخواهم بیشتر توضیح دهم ابتدا باید یادآور شوم که زبان ابزاری برای فکر کردن می‌باشد چراکه بدون کاربرد زبان (حتی به صورت ذهنی) ما قادر به تفکر کردن نیستیم. حد اقل می‌توان گفت که زبان فرآیند فکر کردن را تسهیل و تسریع می‌کند. و واقعیت این است که خود تفکر - که تنها موهبتی است که در اختیار ما مستضعفان و ستم دیدگان است و کسی نمی‌تواند آن را از ما سلب کند و به یغما ببرد - نه تنها ابزاری برای یادگیری و رشد بلکه همان‌طور که گفتم راهی برای هر نوع رفورم و انقلاب و تکامل است. این امر ممکن است چراکه افکار مردم به تدریج نگرش آن‌ها را شکل می‌دهد. و در نگرش آن‌ها قدرت وجود دارد چراکه به طرز قابل توجهی باورهای آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. و نکته اینجا است که باورهای

آن‌ها به اعمال و واکنش‌های آن‌ها جهت می‌دهند. و اعمال و واکنش‌های آن‌ها سرنوشت همه ما را رقم می‌زنند. بنابراین تفکر می‌تواند قوی‌ترین ابزار برای نیل بشر به سوی دنیایی عاری از ظلم و ستم و فساد و ریا و غارت و استبداد باشد. شاید به همین خاطر هم هست که بشر و به‌ویژه مسلمانان در قرآن کریم امر به تفکر زیاد شده‌اند. پیامبر اکرم (ص) هم فرمودند که یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال (یک عمر) عبادت است - ضمیمه ۳ را ببینید. بنابراین نوع تفکری که این‌جانب از آن سخن می‌گویم بسیار متفاوت از نوع تفکری است که در روش‌های تدریس سنتی تشویق می‌شود و آموزش داده می‌شود چراکه این‌جانب بر این باور هستم که خود تفکر پروسه‌ای بسیار پیچیده است. دلیل این ادعا هم این است که همان‌طور که هیچ‌چیز راحت‌تر از فکر کردن نیست، هیچ‌چیز هم دشوارتر از خوب و استراتژیک فکر کردن نیست. همان‌طور که در قسمت‌های قبل اشاره کردم لازمه نوع تفکری که این‌جانب در کلاس‌هایم بر آن اصرار دارم این است که

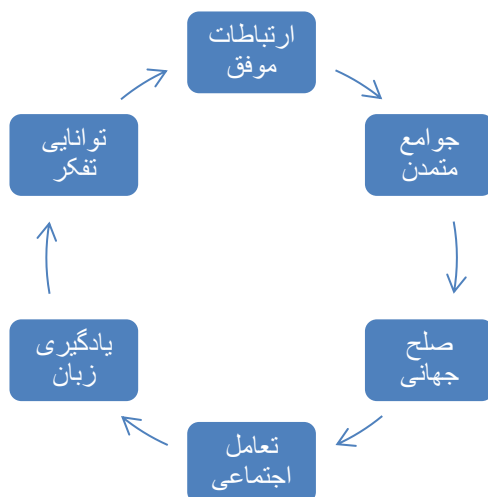
۱. اول از همه باید ذهنمان را از استعمار افکار و باورهای غلطی که در طول سالیان به ما دیکته کرده‌اند پاک‌سازی نماییم و سعی کنیم دوباره و بدون پیش‌فرض به بررسی و تجزیه و تحلیل افراد و مسائل و یا پدیده‌های متفاوت پیرامون خود بپردازیم.
۲. باید سعی کنیم سطوح بالاتری از تفکر خود را به کار بگیریم تا قادر باشیم نه‌تنها خطوط و بین خطوط که ورای خطوط را هم درک کنیم و بفهمیم.
۳. باید سعی کنیم علاوه بر اینکه اضمحالی فکر می‌کنیم - و نه انتزاعی - از سطح بالاتری هم به تفکر بپردازیم و خیلی غرق و سرگرم جزئیات و حواشی نشویم.
۴. در تفکر کردن هم باید اهل ریسک کردن و درنوردیدن خطوط قرمزی که برای ما ترسیم کرده‌اند باشیم.
۵. در طول پروسه تفکر باید منطقی، روشمند، استدلال‌گرا و علت و معلول‌یاب باشیم.

با در نظر گرفتن این موارد است که می‌توانیم با تأمل روشمند در واقعیاتی که پیرامون ما هستند به حقیقت برسیم. و همان‌طور که حضرت عیسی مسیح (ع) فرمودند حقیقت ما را به سوی آزادی رهنمون می‌شود. بنابراین یک ساعت تفکر درست و باکیفیت و هدفمند که ما را به برنامه‌ریزی و واکنش فعالانه ترغیب کند بهتر از قرن‌ها کورکورانه عبادت و راز و نیاز کردن به‌ویژه تحت سیطره حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه می‌باشد.

تمام آنچه می‌خواهم بگویم این است که این تئوری این‌جانب زبان را به‌عنوان ابزاری برای رهاسازی مظلومین و ستم‌دیدگان از یوغ ستم و استبداد در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، از دیدگاه این تئوری زبان اسلحه‌ای مؤثر برای ساقط کردن حکومت‌های مستبد و خودکامه و فاشیستی می‌باشد. بنا بر همین تئوری است که یکی از اصلی‌ترین اهداف روش تدریس این‌جانب و مکانیسم‌های تعریف شده برای آن ارتقای سطح و کیفیت تفکر نسل فردا با استفاده از زبان و ادبیات و استراتژی‌هایی که به کار می‌برم و فراگیران را در آن‌ها آموزش می‌دهم می‌باشد. تمام مکانیسم‌های کلاس‌های این‌جانب بر بهبود کیفیت فرآیند تفکر خلاقانه و انتقادی و تحلیل‌گرانه تمرکز دارند تا بدین‌صورت خروجی‌های کلاس‌هایم بتوانند از نباتات و حیوانات قابل تمییز باشند. بر مبنای چنین پایه تئوریکی است که در روش تدریس این‌جانب فراگیران فرصت‌های زیادی برای کسب دانش، تجزیه و تحلیل آن، درک و فهم آن، کاربرد آن، ارتقای آن، ارزیابی آن و قضاوت در مورد آن از طریق «کاربرد زبان» در محیط‌هایی شاداب و پویا و تحت حمایت دوستانشان دارند. در کلاس‌های این‌جانب فراگیران نه‌تنها فرصت دارند که به توضیحات و ادله‌های دوستانشان در تیم‌هایشان گوش دهند و در سبک تفکر و استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها تفکر نمایند بلکه این فرصت را هم دارند تا در تعامل با آن‌ها از زبان استفاده نمایند و یا به عبارت دیگر، بلند فکر کنند. همین‌طور آن‌ها در بحث‌های کلاسی باید لایه‌های بالاتری از تفکر خود را بکار گیرند و به ارائه دلیل و برهان برای ایده‌ها و راه‌حل‌ها و نظرات خود نیز بپردازند. بنابراین در روش تدریس این‌جانب فراگیران با روش‌های مؤثرتری در تفکر کردن آشنا می‌شوند که این خود به آن‌ها کمک می‌کند که در آینده نقش مؤثرتری در جامعه‌ی خود ایفا نمایند.

خلاصه اینکه از نقطه نظر تئوری این‌جانب زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی سیاسی می‌تواند پایه و اساس سعادت و یا فلاکت بشر باشد. به عبارت دیگر، زبان در تعامل با دیگران در طول پروسه بحث‌های اجتماعی سیاسی ارتقاء می‌یابد و به‌نوبه خود به بهبود مهارت تفکر افراد می‌انجامد. و یک فرد با قدرت تفکر و بینش سیاسی بالا که ذاتاً منطقی خواهد بود بهتر

می‌تواند به رشد و شکوفایی جوامع پویا و شاداب و در نتیجه به صلح جهانی کمک کند. بنابراین معلمان و مدرسان باید در انتخاب نوع کلمات و جملات و ادبیات زبانی خود بسیار دقت کنند چراکه می‌توانند با نوع زبان و ادبیات خود دنیا را متحول سازند. همان‌طور که در شکل ۹ مشاهده می‌شود از نظر این‌جانب تعاملات اجتماعی سیاسی، ارتقای مهارت‌های زبانی و استدلالی، یادگیری، روابط موفق و توسعه جوامع پایدار و صلح جهانی رابطه پیوسته و تنگاتنگی با یکدیگر دارند.



شکل ۹. رابطه بین تعاملات اجتماعی، توسعه مهارت‌های زبانی، مهارت‌های تفکر، یادگیری، روابط موفق و توسعه و صلح جهانی

بنابراین هدف روش تدریس این‌جانب صرفاً ارتقای مهارت‌های زبانی و دانش فراگیران (که مورد تأکید روش‌های تدریس سنتی است) و یا بهبود استراتژی‌های یادگیری آن‌ها و یا حتی مهارت‌های اجتماعی آن‌ها (که مورد تأکید روش‌های تدریس مدرن است) نیست. این‌جانب معتقد هستم که موفقیت در دنیای پیچیده کنونی چیزی بیشتر از این موارد را می‌طلبد. و آن چیز ارتقای مهارت‌ها و کیفیت تفکر نسل فردا می‌باشد که در کلاس‌های این‌جانب در محیط‌هایی اجتماعی که بحث و گفت‌وگو و تبادل آراء و نظرات و درگیری فعال فراگیران و شرکت آن‌ها در فعالیت‌های گروهی از قبیل ریسک کردن، تست کردن پیش‌فرض‌ها، تصمیم گرفتن، حل مسائل و قضاوت کردن را می‌طلبند میسر می‌شود.

نتیجه

«یادگیری تیمی رقابتی» یکی از معدود روش‌های تدریسی است که توسط چنان طیف گسترده‌ای از فرضیه‌ها و نظرات و تئوری حمایت می‌شود. مجموع این فرضیه‌ها و نظرات و تئوری‌ها بر این واقعیت صحنه می‌گذارند که برخلاف روش‌های تدریس امروزی روش تدریس این‌جانب نه تنها به ارتقای دانش و مهارت‌های زبانی، استراتژی‌های یادگیری و نیز مهارت‌های اجتماعی در فراگیران می‌انجامد بلکه این پتانسیل را دارد که قدرت ذهنی و تفکر و خلاقیت آن‌ها را طوری ارتقاء دهد که بتوانند در دنیایی که در آن زندگی می‌کنند منشأ اثر و تغییر و توسعه و آبادانی باشند. یکی از دلایل این امر هم این است که برخلاف روش‌های تدریس کنونی در کلاس‌های این‌جانب تأکید بر روخوانی، ترجمه، طوطی‌وار حفظ و تقلید کردن و بازگویی مجدد مطالب در محیط‌های خشک و یک‌سویه که در آن‌ها اکثریت نادیده گرفته شده‌اند نمی‌باشد. بلکه در کلاس‌های این‌جانب تأکید بر به‌کارگیری لایه‌های بالاتری از تفکر خلاقانه و انتقادی فراگیران در فعالیت‌هایی از قبیل شفاف‌سازی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، نقد کردن، به چالش کشیدن، پیش‌گویی کردن بر اساس داده‌ها، مقایسه کردن و کاربرد مطالب یاد گرفته شده در طول فرآیند بحث و گفت‌وگو در محیط‌هایی (شبهه) واقعی که در آن‌ها همه از حقوق برابر برخوردارند می‌باشد. طبیعی است که در چنین محیط‌هایی نبوغ و استعداد فراگیران نه تنها در نطفه خفه نمی‌شوند بلکه به‌طور کامل بارور و شکوفا خواهند شد.

شهروندان آینده در کلاس‌های این‌جانب طوری تربیت می‌شوند که بتوانند فعالانه و با آگاهی در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی شرکت کنند و در این‌گونه فعالیت‌ها و در کار و زندگی اهل ریسک کردن باشند همان‌طور که تشویق می‌شوند اهل ریسک کردن در تفکر کردن نیز باشند. آن‌ها قادر خواهند بود که با قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل گریبی که دارند اطلاعات درست و نیز حق را از اقیانوس اطلاعات غلط و باطل که آن‌ها را احاطه کرده است تشخیص دهند و حتی اگر شده زندگی خود را فدای حق و حقیقت نمایند. همین‌طور آن‌ها قادر خواهند بود با شجاعت و اعتماد به نفس با مسائل و مشکلات فرارو روبرو شوند و نهایت تلاش خود را برای مواجهه موفق با آن‌ها به کار گیرند. ضمن اینکه آن‌ها طوری تربیت خواهند شد که شهامت پذیرفتن اشتباهات خود و عواقب آن را نیز داشته باشند. این‌ها بخشی از آن است که این‌جانب «توانمند کردن نسل فردا» نامیده‌ام.

بنابراین نامرتب نخواهد بود که اگر بگویم روش تدریس این‌جانب یک «کاتالیزور» است چراکه این پتانسیل را دارد که فراگیران بی‌انگیزه و ناامید و پسیو و تنبل و فاقد قوای تفکر خلاقانه و انتقادی امروز را به ایجنت‌های تغییر و توسعه و آبادانی تغییر دهد. - ایجنت‌های ی که هدفشان ساختن فردایی آزادتر و آبادتر و متمدن‌تر نه تنها برای خود بلکه برای هم نوعان خود خواهد بود.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. همان‌طور که توضیح داده شد این‌جانب هم به فرآیند و هم به شرایط یادگیری در طراحی روش تدریس توجه داشته‌ام. چرا این‌ها مهم هستند؟
۲. آیا تئوری اندراگوجی چیزی در ارتباط با تئوری‌های ساختن گراها دارد؟ بیان کنید.
۳. تشابهات و تفاوت‌های فرضیه تعامل و تئوری دیویی را بیان نمایید.
۴. آیا شما هم با دلایل این‌جانب برای به وجود آوردن انگیزه درونی در فراگیران در روش تدریس موافقید؟
۵. چه مکانیسم‌هایی در روش تدریس این‌جانب به ارتقای سطح تفکر فراگیران می‌انجامد؟
۶. فرضیه این‌جانب چگونه به یادگیری و رشد فراگیران کمک می‌کند؟
۷. سعی کنید یک بار دیگر تئوری این‌جانب را به روش تدریس ارتباط دهید.
۸. تئوری این‌جانب را با تئوری‌های ساختن گراها مقایسه نمایید.
۹. شما - به‌عنوان معلم - چگونه می‌توانید ایجنت تغییر و توسعه در جامعه خود باشید؟
۱۰. آیا شما هم اعتقاد دارید که روش تدریس این‌جانب یک کاتالیزور است؟ چگونه؟
۱۱. با توجه به شناختی که از روش تدریس این‌جانب، مکانیسم‌های آن و وظایف شاگردان و وظایف معلمان در کلاس‌هایی که با این روش تدریس اداره می‌شوند به دست آورده‌اید آیا می‌توان از این روش تدریس به‌عنوان یک اسلحه آموزشی یاد کرد؟ آیا می‌توان این نتیجه را گرفت که روش تدریس این‌جانب در واقع یک استراتژی و راهبرد آموزشی سیاسی برای مبارزه با منابع و مافیاهای ظلم و ستم و فساد و غارت و ریا و استبداد می‌باشد؟ چگونه؟

فصل یازدهم

دلایل موفقیت

«یادگیری تیمی رقابتی»

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۱۴۱
مقدمه.....	۱۴۱
«یادگیری تیمی رقابتی» و یافته‌های علمی.....	۱۴۲
دلایل دیگر موفقیت یادگیری تیمی رقابتی.....	۱۴۲
جهانی‌شدن و اهمیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی».....	۱۴۴
نتیجه.....	۱۴۵
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۱۴۶

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. آیا فکر می‌کنید روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» برای دنیای در حال گلوبالیزه شدن فعلی مناسب هست؟ چرا؟
۲. به نظر شما دلایل موفقیت روش تدریس این‌جانب چه می‌باشند؟
۳. چرا روش تدریس این‌جانب برای تمامی فراگیران و نه صرفاً برای فراگیران باهوش‌تر و زرنگ‌تر مفید و سودمند می‌باشد؟

مقدمه

همان‌طور که اشاره شد هدف اصلی روش تدریس این‌جانب توانمند کردن نسل فردا با تکنیک‌ها و متدهایی است که آن‌ها را قادر می‌سازند مؤثرتر تفکر نمایند، فعالانه‌تر دانش و استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های اجتماعی را کسب کنند و هوشمندانه‌تر به حل‌وفصل دیپلماتیک مسائل بپردازند. در کلاس‌های این‌جانب فراگیران می‌آموزند که در این فرآیندها مهارت‌های زبانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود را ارتقاء دهند و در محیط‌هایی که باعث درگیری ذهنی، عاطفی و هوشی آن‌ها می‌شوند به تولید دانش و ایده‌ها و نظریات جدید بپردازند. همین‌طور شهروندان امروز و فردا در کلاس‌های این‌جانب راه‌ها و روش‌های انسانی تعامل و رقابت سازنده را تمرین می‌کنند و در این پروسه توانایی‌ها و عادت‌های ذهنی مؤثرتری برای تعامل سازنده‌تر در دنیای واقعی کسب می‌نمایند. اهمیت روش تدریس این‌جانب برای دنیای کنونی به این واقعیت برمی‌گردد که به عنوان یک روش آموزشی منطقی‌تر و به‌روزتر از روش‌های رایج این پتانسیل را دارد که نسل فردا را قادر سازد که در یک تعامل سازنده و مفید با یکدیگر کار کنند، یاد بگیرند و زندگی کنند و رشد و تکامل یابند. بنابراین هدف اصلی روش تدریس این‌جانب سرعت بخشیدن به پروسه استقلال فردی فراگیران به‌عنوان راهی به‌سوی رشد ذهنی و شخصیتی آن‌ها و به‌تبع آن تغییر، توسعه و پیشرفت در جامعه می‌باشد.

این فصل تلاشی است برای نشان دادن یافته‌های علمی در مورد تأثیرات آکادمیک روش تدریس این‌جانب در مقایسه با روش تدریس رایج که به «روش تدریس بانکی» معروف است و نیز روش تدریس پروفیسور جانسون در دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا که پرطرفدارترین روشی است که بر کار گروهی تمرکز دارد. مهم‌تر اینکه این فصل به ارائه دلایل برتری روش تدریس این‌جانب بر دو روش تدریس ذکرشده نیز می‌پردازد. در خاتمه این فصل به ارائه دلایل اهمیت روش تدریس این‌جانب و مفید بودن آن در دنیای در حال گلوبالیزه شدن فعلی که به‌شدت رقابتی است می‌پردازد.

«یادگیری تیمی رقابتی» و یافته‌های علمی این‌جانب

این‌جانب تا کنون تحقیقات زیادی درباره تأثیرگذاری روش تدریس خودم داشته‌ام. ازجمله مهم‌ترین این تحقیقات یکی در سال ۲۰۰۰ (در ایران) در رساله کارشناسی ارشد و دیگری در سال ۲۰۰۹ در رساله دکترایم در هندوستان می‌باشد. همان‌طور که محققینی ازجمله ممتاز و گارنر (۲۰۱۰) و این‌جانب (۲۰۰۰) تأیید کرده‌ایم چنین تحقیقاتی که بر تأثیر روش‌های مدرن که بر کار گروهی به‌ویژه در کشورهای غیر غربی و در حوزه آموزش زبان تأکید داشته‌اند نادر می‌باشند.

در رساله کارشناسی ارشد به مقایسه روش تدریس خودم با روش تدریس سنتی در ارتقای مهارت خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان دبیرستانی پرداختم. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که روش تدریس این‌جانب در ارتقای خواندن و درک مطلب به‌ویژه دانش‌آموزان ضعیف‌تر بسیار مؤثرتر از روش تدریس سنتی بود. چکیده این پایان‌نامه را در ضمیمه ۲ مطالعه بفرمایید. و اما در رساله دکترایم که قبلاً به آن اشاره شد مشخص شد که روش تدریس این‌جانب بسیار مؤثرتر از روش تدریس سنتی و به‌ویژه روش تدریس معروف برادران جانسون در دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا بود. در این رساله اثرات این روش تدریس‌ها را بر (۱) خواندن و درک مطلب انگلیسی، (۲) استراتژی‌های یادگیری زبان، (۳) نگرش فراگیران به زبان انگلیسی و به روش‌های تدریس انتخاب شده و (۴) قدرت به یادآوری مطالب دانشجویان ترم آخر کارشناسی دانشگاه ماهاناجای هند و دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بررسی کردم. همانند رساله کارشناسی ارشد در اینجا نیز ثابت شد که روش تدریس این‌جانب به‌ویژه برای دانشجویان ضعیف‌تر بسیار مؤثرتر بوده است هرچند دانشجویان قوی‌تر هم پیشرفت قابل‌توجهی داشتند. چکیده این پایان‌نامه را در رزومه این‌جانب که در آخر این کتاب آمده است مطالعه بفرمایید.

تحقیقات متعدد دیگری هم در رابطه با اثربخشی روش تدریس این‌جانب انجام شده است. ازجمله این تحقیقات تحقیق جهان‌بازیان (۱۳۹۴) در رساله کارشناسی ارشدش در آموزش زبان انگلیسی (در دانشگاه آزاد اصفهان) هست که در آن برتری روش تدریس این‌جانب را بر روش تدریس برادران جانسون (LT) که در دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا طراحی و ارائه

نمودند در بهبود مهارت گفت‌و شنود (مکالمه) فراگیران سطح متوسط اثبات نمودند. ایشان همچنین نگرش این فراگیران را نسبت به روش تدریس این‌جانب بسیار مثبت‌تر ارزیابی کردند. همچنین اکبرزاده (۱۳۹۵) در رساله کارشناسی ارشدش در آموزش زبان انگلیسی (در دانشگاه آزاد ورامین) برتری روش تدریس این‌جانب را بر روش تدریس STAD که توسط اسلوین و همکارانش در دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا طراحی و ارائه گردیده است در ارتقای مهارت خواندن و درک مطلب فراگیران سطح متوسط اثبات نمودند. خدیجه بنی سلیمی (۱۳۹۶) هم به تازگی در دانشگاه اصفهان از رساله خودش درباره کارایی روش تدریس من با موفقیت دفاع کردند. فاطمه سالاری (۱۳۹۷) هم در حال حاضر در دانشگاه آزاد قوچان در حال تکمیل رساله کارشناسی ارشد خودش درباره روش تدریس من می‌باشد. برای آشنایی با تحقیقات، کتب و مقالات دیگری که تا کنون راجع به روش تدریس این‌جانب نوشته شده است رزومه ام را در پایان همین کتاب ببینید. همینطور نام روش تدریس من (Competitive Team-Based Learning) و یادگیری تیمی رقابتی را در اینترنت جستجو کنید.

به‌هرحال یکی دیگر از یافته‌های جالب‌توجه رساله دکترای این‌جانب این بود که روش تدریس این‌جانب بسیار مؤثرتر از دو روش دیگر در بهبود استراتژی‌های فرا ذهنی دانشجویان بود. همان‌طور که محققان زیادی همانند گراهام (۱۹۹۷) اذعان داشته‌اند این استراتژی‌ها به‌نوبه خود در امر یادگیری بسیار مؤثر می‌باشند. اهمیت استراتژی‌های فرا ذهنی در پوشش دادن مهارت‌های مانیتورینگ فراگیران است که به آن‌ها کمک می‌کنند که به تدریج استقلال خود را از معلم و سایرین در کسب دانش به دست آورند. مهم‌تر اینکه مهارت‌های مانیتورینگ به‌طور طبیعی به تفکر انتقادی می‌انجامد که نه‌تنها برای فراگیری زبان و دانش بلکه برای زندگی موفق در دنیای پیچیده کنونی هم موردنیاز هستند. همین‌طور اینکه روش تدریس این‌جانب در ارتقای توانایی به یادآوری مطالب بعد از مدتی طولانی توسط دانشجویان بسیار مؤثرتر از دو روش قبلی بود هم بسیار حائز اهمیت است چراکه این به آن معنا است که دانشجویانی که یادگیری را توسط روش تدریس این‌جانب تجربه می‌کنند می‌توانند تا سال‌ها دانش فراگرفته شده را در محیط‌های واقعی به‌طور مؤثر به یادآورند و به‌کارگیرند. خلاصه این‌که «یادگیری تیمی رقابتی» باعث بهبود مهارت چگونه یادگرفتن و نیز به خاطر سپاری مؤثر مطالب که در تضاد با مهارت‌های بقا و حافظه محور می‌باشند شد و کیفیت دانش کسب شده توسط فراگیران را ارتقاء داد. این‌ها همه تنها با تمرکز این روش تدریس بر تعامل مؤثر در محیط‌هایی که بر به‌کارگیری سیستماتیک کار تیمی، ارتقای حس مسئولیت‌پذیری همه فراگیران و رقابت بین تیمی تأکید داشتند میسر شد. بدون تردید تحقیقات آینده نیز که بر کارایی روش تدریس این‌جانب تمرکز خواهند داشت برتری این روش تدریس را به سایر روش‌های تدریس موجود در حوزه‌ها و موضوعات متفاوت به اثبات خواهند رساند.

دلایل دیگر موفقیت یادگیری تیمی رقابتی

دلایل اصلی موفقیت «یادگیری تیمی رقابتی» را می‌توان در پایه‌های تئوریک این روش تدریس که به‌نوعی به مکانیسم‌های مؤثر در یادگیری ماندگار و واقعی نیز پرداخته‌اند یافت. از جمله این تئوری‌ها تئوری «آموزشی سیاسی» این‌جانب هست که در فصل دهم به تفصیل به آن‌ها پرداخته شد. همین‌طور نقش مکانیسم‌ها، تکنیک‌ها و فعالیت‌های به کار گرفته‌شده در این روش تدریس نیز در موفقیت این روش تدریس نباید مورد غفلت واقع گردد. برخی دلایل دیگر در موفقیت این روش تدریس را هم می‌توان از نظرات دانشجویان این‌جانب در ایران و هندوستان نیز استخراج کرد. (ضمیمه ۹ را ببینید). اما در این قسمت سعی می‌کنم چند دلیل دیگر هم به این دلایل اضافه نمایم.

دلیل اصلی موفقیت «یادگیری تیمی رقابتی» به ویژگی دینامیک و پویا بودن مکانیسم‌های آن در محیط‌هایی شبهه واقعی جایی که معنادار بودن مواد آموزشی شرط اصلی است برمی‌گردد. یادگیری تیمی رقابتی فرصت‌های زیادی برای ردوبدل کردن اطلاعات در بین فراگیران در محیط‌هایی (شبه) واقعی و معنادار فراهم می‌آورد. در کلاس‌های این‌جانب فراگیران به تناوب اطلاعات و بازخورد کافی را از طریق ارائه این‌جانب به‌عنوان معلم، کار انفرادی، کار دونفره، کار تیمی و نیز از طریق بحث‌های کلاسی که همراه با ارزیابی کار یکدیگر به‌صورت دو نفره و تیمی هست به دست می‌آورند. مهم‌تر اینکه فراگیران ترغیب می‌شوند که در چنین محیط‌هایی به تولید ایده و نظر و راه‌حل به‌صورت گفتاری و نوشتاری هم بپردازند. این محیط‌ها به‌عنوان مثال در یک کلاس درک مطلب به فراگیران این فرصت را می‌دهد که متون را به‌صورت انفرادی مطالعه نمایند و سپس سعی کنند به بازسازی درک خود از آن متون از طریق بحث با هم‌تیمی‌هایشان بپردازند. فراگیران در

کلاس‌های این‌جانب این فرصت را دارند که مطلب ارائه‌شده توسط این‌جانب را یاد بگیرند و از طریق فعالیت‌هایی همچون شفاف‌سازی، ارزیابی علل و تأثیرات، پیشگویی کردن، مقایسه کردن، دوباره گفتن و یا دوباره نوشتن، نظم بخشیدن، خلاصه کردن، توضیح دادن، تعمیم دادن و به کار بردن دانش خود در زمان حل مسئله با کمک دوستانشان به درک و فهم خود ژرفا ببخشند. علاوه بر این تعامل فراگیران در چنین فعالیت‌های اجتماعی در چنین محیط‌هایی به تضارب آرا در اذهان آن‌ها می‌انجامد و این خود فراگیران را ترغیب می‌کند که روش‌های یادگیری خود را با کمک دوستانشان در تیم‌هایشان مانیتور کنند که این امر نه تنها به آن‌ها کمک می‌کند ایرادات خود را مشخص کنند بلکه به آن‌ها کمک می‌کند که به‌طور مؤثرتر دانش جدید را به دانش قبلی خود ارتباط دهند و در واقع برای دانش جدید جایی در ذهن خود پیدا کنند و پروسه یادگیری را تسریع بخشند.

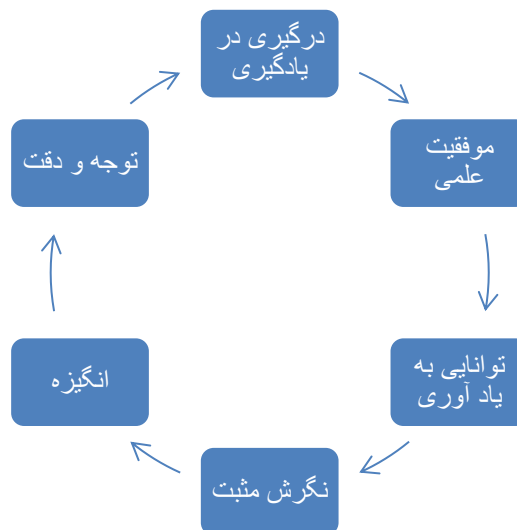
از طرف دیگر نوع آرایش تیم‌ها در کلاس‌های این‌جانب که فرصت‌های برابر برای تمام اعضای تیم‌ها می‌آورد و مانع از آن می‌شود که افراد قوی‌تر و یا برون‌گراتر بیشترین وقت را در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی به خود اختصاص دهند تأثیر روش تدریس این‌جانب را دوچندان می‌کند. همان‌طور که توضیح داده شد در کلاس‌های این‌جانب هر تیم معمولاً از چهار نفر تشکیل شده است که به‌صورت دوه‌دو و چهره به چهره باهم نشست‌اند. جفت اول در هر تیم شامل یک فراگیر ضعیف و یک فراگیر متوسط و جفت دوم شامل یک فراگیر متوسط و یک فراگیر قوی هست. بنابراین در چنین تیم‌هایی افراد ضعیف‌تر این فرصت را دارند که مطالبی را که این‌جانب ارائه می‌دهم از کانال دوستان قوی‌تر خود و از زبان آن‌ها در بحث‌های دو نفره و در بحث‌هایی که کل اعضای تیم باهم دارند هم به‌صورت قابل‌درک‌تر دریافت نمایند. در چنین محیط‌هایی فراگیران توضیحات قابل‌فهم و بازخورد کافی دریافت می‌کنند که به آن‌ها کمک می‌کنند که خلأهای موجود در دانش و فهم خود را پوشش دهند، ایرادات خود را برطرف نمایند و رابطه معناداری بین دانش قبلی و دانش جدید برقرار نمایند و در واقع به‌طور مؤثر یاد بگیرند. همچنین در چنین محیط‌هایی فراگیران این فرصت را دارند که استراتژی‌های یادگیری را که افراد قوی‌تر در طول فرآیند یادگیری به کار می‌برند رصد کنند و یاد بگیرند. به عبارت دیگر، در چنین محیط‌هایی وقتی افراد قوی‌تر به حل مسئله‌ای می‌پردازند و یا مطلبی را توضیح می‌دهند در واقع بلند فکر می‌کنند و به این واسطه روش‌ها و استراتژی‌های یادگیری خود را به دیگران عرضه می‌کنند. این محیط‌ها به افراد ضعیف‌تر این فرصت را هم می‌دهند که بفهمند که لازمه یادگیری مؤثر چیست. مهم‌تر اینکه وقتی افراد ضعیف‌تر در چنین محیط‌هایی این فرصت را می‌یابند که استراتژی‌های مؤثر افراد قوی‌تر را به کار بگیرند نتیجه‌ای که از چنین محیط‌هایی می‌گیرند دوچندان می‌شود.

مورد دیگری که نقش عمده‌ای در موفقیت روش تدریس این‌جانب داشته است سیستم ارزشیابی آن بوده است که تمرکز ویژه‌ای بر ارتقای حس مسئولیت‌پذیری تک‌تک اعضای گروه‌ها در قبال پیشرفت خود و پیشرفت اعضای تیم‌هایشان دارد. سیستم ارزشیابی «یادگیری تیمی رقابتی» باعث می‌شود که «تمام» فراگیران به‌طور مؤثر در فرآیند یادگیری درگیر شوند و همیشه متمرکز و آماده باشند. همچنین این سیستم ارزشیابی آن‌ها را تشویق می‌کند که دانش و استراتژی‌های یادگیری خود را در تیم‌هایشان به اشتراک بگذارند. این سیستم ارزشیابی به‌طور مؤثر افراد قوی‌تر را ترغیب می‌کند که تمام سعی خود را جهت ارتقای دانش و مهارت‌های اعضای تیم‌هایشان به‌کارگیرند. به‌عنوان مثال استراتژی‌های یادگیری‌ای که افراد ضعیف‌تر یاد می‌گیرند به آن‌ها کمک می‌کند که مطلب ارائه‌شده توسط این‌جانب را بهتر بفهمند و مهم‌تر اینکه بهتر به حافظه بسپارند و یاد بگیرند تا بتوانند در مواقع لزوم آن‌ها را بکار بگیرند. علاوه بر این، مکانیسم‌های تعریف شده برای سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب افراد ضعیف‌تر را نیز تشویق می‌کند که نه تنها برای موفقیت خود بلکه برای موفقیت تیم‌هایشان تمام تلاششان را برای ارتقای سطح دانش و مهارت‌های خود بنمایند. این نوع انگیزه بیرونی که توسط سیستم ارزشیابی این‌جانب به فراگیران داده می‌شود تمام آن‌ها را - و نه صرفاً افراد قوی‌تر را - تشویق به درگیر فعال شدن در فرآیند یادگیری می‌نماید. به‌طور خلاصه سیستم ارزشیابی این‌جانب انگیزه، اهداف، تمرکز، تعامل، درگیر شدن در فرآیند یادگیری و در نتیجه یادگیری فراگیران را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

دلیل دیگر موفقیت روش تدریس این‌جانب این است که برخلاف روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تکیه‌دارند و در آمریکا، کانادا، اسکاتلند و اروپا رایج هستند روش تدریس این‌جانب از عامل ایجاد «رقابت» به‌عنوان عاملی مؤثر در ایجاد تعامل کارآتر بین اعضای تیم‌ها در جهت رسیدن به اهداف مشترک مدد می‌جوید. همین‌طور محیط آرام و پویا و

شادی که مکانیسم‌های روش تدریس این‌جانب و به‌ویژه فرهنگ یادگیری و سیستم ارزشیابی آن به وجود می‌آورد نیز در موفقیت این روش تدریس مؤثر هستند. چنین محیط‌هایی که درگیر شدن تمام افراد را در فرایند یادگیری تشویق می‌کنند نه تنها استرس‌زا نیستند بلکه بسیار دوستانه و درعین‌حال هیجان‌آور هستند. در چنین محیط‌هایی فراگیران فرصت دارند که فکر کنند و نیز بازخورد راه‌حل‌ها و ایده‌های خود را در محیط‌هایی که بحث و گفتمان را تشویق می‌کنند ببینند. آن‌ها همچنین فرصت دارند درحالی‌که موزیک ملایمی پخش می‌شود به تمرین آنچه بپردازند که قرار است به اعضای تیم خود و سپس به کلاس ارائه دهند. فراگیران این را نیز می‌دانند که در کلاس‌های این‌جانب اگر حداقل نمره (یعنی ۱۰) را بگیرند درس زبان را پاس خواهند کرد. بنابراین چنین محیط‌هایی که به‌ویژه در آن‌ها معلم به عنوان یک دوست ظاهر می‌شود استرس و اضطراب فراگیران را از بین می‌برند. چنین محیط‌هایی به‌ویژه به نفع فراگیران ضعیف‌تر، خجالتی‌تر و درون‌گراتر می‌باشند که از قضا اکثریت کلاس را نیز تشکیل می‌دهند و معمولاً به‌واسطه ترس و استرسی که دارند نمی‌توانند به‌طور فعال در فعالیت‌های کلاسی شرکت کرده و از تمام پتانسیل خود برای یادگیری و موفقیت استفاده کنند.

محیط‌های شاد و پویا و استرس‌زدای یادگیری در کلاس‌های این‌جانب باعث نگرش مثبت‌تر فراگیران نسبت به محیط‌های یادگیری، مواد آموزشی و معلم نیز شده و در نتیجه انگیزه آن‌ها را برای یادگیری افزایش داده که این‌ها خود باعث موفقیت روش تدریس این‌جانب می‌شوند. محققین زیادی از جمله متوسون (۱۹۷۶) اذعان داشته‌اند که نگرش مثبت و انگیزه فراگیران باعث افزایش تمرکز آن‌ها شده که این خود کیفیت درگیر شدن آن‌ها در فرایند یادگیری را ارتقاء می‌دهد. و درگیر شدن در فرایند یادگیری کلید یادگیری مؤثر و به‌خاطر سپاری و به یادآوری مؤثرتر مطالب می‌باشد. در همین راستا محققینی همچون آکسفورد (۱۹۹۰) بر این باور هستند که فراگیرانی که نگرش مثبت‌تر و انگیزه بیشتری دارند تمایل زیادتری به بکارگیری استراتژی‌های مؤثر یادگیری دارند که این خود به موفقیت آکادمیک آن‌ها کمک شایانی می‌کند. و موفقیت آکادمیک فراگیران به‌نوبه خود نگرش آن‌ها را مثبت‌تر و انگیزه آن‌ها را دوچندان می‌کند که این‌ها باعث درگیر شدن مؤثرتر آن‌ها در فرایند یادگیری شده و در نتیجه یادگیری مؤثرتر آن‌ها را در پی دارد. این پروسه در شکل ۱۰ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱۰. رابطه بین نگرش، انگیزه، توجه، درگیری در فرایند یادگیری و یادگیری مؤثر در کلاس‌هایی که با روش «یادگیری تیمی رقابتی» اداره می‌شوند

جهانی‌شدن و اهمیت روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی»

تعامل و همکاری در میان موجودات زنده برای بقای آن‌ها غیرقابل‌اجتناب هستند. حتی وجود و بقای حشرات هم به میزان همکاری آن‌ها و به نوع تعاملشان با محیط پیرامونشان بستگی دارد. انسان‌ها هم از این قاعده مستثنا نیستند. تمام موفقیت‌های بشر از ساختن و شکل دادن روستاها تا تشکیل تمدن‌های بزرگ همگی نتیجه کار گروهی بوده‌اند. کار گروهی به

بشر کمک کرده است تا از قعر جنگل‌ها بیرون آمده و پا در قعر اقیانوس‌ها و نیز کرات دیگر بگذارد. اهمیت کار گروهی به‌ویژه در دنیای متمدن امروز که در حال گلوبالیزه شدن است بیشتر آشکار می‌شود. هر چه مرزها فرومی‌ریزند و از بین می‌روند اهمیت گفتمان و تعامل بین ملل برای به اشتراک‌گذاری دانش و ایده‌ها و روش‌ها و منش‌ها و کاستن و از بین بردن تفاوت‌ها بیشتر می‌شود.

اما واقعیت این است که تعامل وجه غیرقابل‌اجتناب دیگری به نام «رقابت» نیز دارد. همان‌طور که تاریخ نشان می‌دهد تمام موفقیت‌های بشر نتیجه همکاری آن‌ها با یکدیگر بوده است همین تاریخ نشان می‌دهد که بیشتر شکست‌ها و ناکامی‌های بشر نیز نتیجه رقابت غیرمنصفانه آن‌ها با یکدیگر بوده است. متأسفانه هجومانی پدیده جهانی شدن باعث برخورد فرهنگ‌ها، مذاهب و تمدن‌ها در دنیای پیچیده کنونی شده است. عدم تمایل کشورهای قدرتمند برای توزیع عادلانه ثروت، نداشتن مهارت‌های کافی برای تعامل سازنده، عدم توانایی برای گوش دادن به دیگران و نگاه تعصبی و تبعیض‌آلود آن‌ها به دیگران همگی قسمتی از دلایل اصلی برای برخورد ملل و تمدن‌ها می‌باشند. در چنین شرایطی است که این‌جانب بر این باور هستم که در مسیر رسیدن به جهان ایده آل بشریت، نسل فردا - که رهبران آن را هم شامل می‌شوند - باید با روش‌های منصفانه و انسانی رقابت نیز در زندگی آکادمیک خود آشنا شوند. روش تدریس این‌جانب که به‌طور جامع‌تری واقعیات دنیای واقعی را انعکاس می‌دهد نه تنها می‌تواند به‌عنوان کمک مؤثری برای رسیدن به این هدف در نظر گرفته شود بلکه می‌تواند ابزاری مؤثر برای توانمند کردن نسل فردا برای مواجهه شدن با ورژن‌های متفاوت پدیده جهانی شدن نیز باشد. توانایی‌هایی که نسل فردا به‌واسطه به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب کسب می‌کنند به‌مرور اذهان آن‌ها را از خرافات و اندیشه‌هایی که برای استثمار کردن آن‌ها به نفع کاپیتالیسم و امپریالیسم به آن‌ها تلقین شده است رها می‌سازد و نهایتاً آن‌ها را در خدمت عدالت و ستمدیدگان و مظلومان قرار می‌دهند. روش تدریس این‌جانب نسل فردا را قادر می‌سازد پایه‌های تئوریک و اندیشه‌های در خدمت کاپیتالیسم و امپریالیسم را به چالش بکشند و مدل جهانی شدن خود را به جهان عرضه کنند. این هم قسمتی از آنچه هست که این‌جانب توانمند کردن نسل فردا و آینده‌سازان این مرزوبوم نامیده‌ام.

نتیجه

همان‌طور که مشخص شد یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت روش تدریس این‌جانب به مکانیسم‌های تعریف‌شده برای آن برمی‌گردد. باور این‌جانب بر این است که فراگیران مطالبی را به‌خوبی یاد می‌گیرند و به حافظه می‌سپارند و در آینده توانایی بکارگیری آن‌ها را دارند که آن‌ها را خوب بفهمند و اینکه معنادار بودن مطالب و محیط یادگیری به فهمیدن بهتر مطالب ارائه‌شده توسط معلم کمک شایانی می‌کند. بر همین مبنا است که مکانیسم‌های موجود در روش تدریس این‌جانب باهدف معنادار کردن فعالیت‌ها و مطالب و محیط یادگیری طراحی شده‌اند. محیط‌های یادگیری که به‌واسطه این روش تدریس به وجود می‌آیند به‌شدت کاربرد استراتژی‌های یادگیری و مهارت‌های تعاملی و ارتباطی را تشویق می‌کنند. در چنین محیط‌هایی فراگیران فرصت‌های مناسبی برای تفکر در سطوح بالاتر و آنالیز و به‌خاطر سپردن اطلاعات را دارند. همچنین این محیط‌ها به ارتقای مهارت‌های اجتماعی فراگیران هم می‌انجامند. این محیط‌ها به‌ویژه به افراد ضعیف‌تر و خجالتی‌تر کمک می‌کنند که با آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری از تمام پتانسیل خود برای یادگیری مدد بگیرند و در نتیجه موفق‌تر از آنچه در سایر کلاس‌ها هستند باشند. این خود یکی از پارادوکس‌های روش تدریس این‌جانب هست که علیرغم ظاهرش که به نظر می‌رسد بیشتر به نفع افراد قوی‌تر خواهد بود در عمل به توانمند کردن ضعفا منجر می‌شود - هرچند مکانیسم‌های موجود در این روش تدریس افراد باهوش‌تر و کوشاتر را نیز راضی نگه می‌دارد. و نکته اینجاست که توانمند شدن ضعفا در طول زندگی آکادمیکشان در نهایت به آزادی آن‌ها از یوغ و ستم و استبداد می‌انجامد. این دلیلی بر این واقعیت است که این‌جانب روش تدریس خودم را یک «کاتالیزور» نامیده‌ام. - کاتالیزور برای تغییر در روش‌های تفکر، نگرش، منش و شخصیت نسل فردا به‌منظور کمک به تغییرات اجتماعی سیاسی مناسب برای ساختن جوامعی متمدن‌تر.

در فصل بعد سعی می‌کنم روش تدریس خودم را با توجه به مزایا و مضرات روش‌های تدریس موجود دیگر با آن‌ها مقایسه کنم تا بدین‌صورت تصویر جامع‌تری از این روش تدریس ارائه دهم.

=====

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. به نظر شما چگونه و از چه کانال‌هایی روش تدریس این‌جانب می‌تواند راه‌های چگونه زیستن را هم به نسل فردا آموزش دهد؟
۲. دلیل و یا دلایل دیگری غیر از دلایلی که در این فصل آمد را برای موفقیت روش تدریس این‌جانب بیان نمایید.

=====

فصل دوازدهم

اهمیت «یادگیری تیمی رقابتی» در مقایسه با سایر روش‌های تدریس

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....۱۴۸

مقدمه.....۱۴۸

اهمیت روش تدریس این‌جانب در مقایسه با سایر روش‌های تدریس در حوزه آموزش زبان.....۱۴۸

تمییز «یادگیری تیمی رقابتی» از سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند.....۱۵۰

مقایسه یادگیری تیمی رقابتی با سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند.....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند با توجه به «معلم و یا

فراگیر محور بودن».....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «تعامل مثبت و

سازنده».....۱۵۲

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «حس

مسئولیت‌پذیری».....۱۵۳

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «نوع تعامل بین

فراگیران».....۱۵۳

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «سیستم

ارزشیابی».....۱۵۴

- یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «تکالیف فراگیران».....۱۵۵
- یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند و «درجه راحتی به کارگیری آن‌ها در سطح کلاس».....۱۵۵
- ویژگی‌های منحصربه‌فرد یادگیری تیمی رقابتی در مقایسه با روش سنتی آموزش، سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند و CLT۱۵۶
- نتیجه۱۵۸
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....۱۵۸

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. چند روش تدریس در حوزه آموزش زبان انگلیسی نام ببرید.
۲. به نظر شما تفاوت‌های اصلی روش تدریس این‌جانب با روش تدریس سی ال تی در چیست؟
۳. برخی تفاوت‌های عمده روش تدریس این‌جانب با روش‌های تدریس رایج که بر کار گروهی تمرکز دارند را نام ببرید.

.....

مقدمه

علیرغم شباهت‌هایشان، روش‌های تدریس فعلی ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارند که این ویژگی‌ها به‌نوعی نظرات و درک طراحان این روش‌های تدریس را درباره یادگیری، آموزش و حتی زندگی و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم می‌رسانند. بنابراین این روش‌های تدریس از جهات متعددی متفاوت هستند که این تفاوت‌ها شامل نقطه‌نظرهای پایه‌های تئوریک آن‌ها راجع به یادگیری و نقش فراگیران و مدرسان در کلاس و نیز نوع تعاملی که بین فراگیران به وجود می‌آورند می‌باشند. پس می‌توان پذیرفت که هر روش تدریس ویژگی‌های منحصربه‌فرد خودش را دارد. در ارتباط با روش تدریس این‌جانب، برخلاف سایر روش‌های تدریس دیگر که تابع تئوری‌ها و الگوها و قواعد خاصی هستند، این روش تدریس انعطاف‌پذیر می‌باشد. این به آن معناست که روش تدریس این‌جانب این پتانسیل را دارد که نقاط ضعف روش‌های تدریس موجود نه‌تنها در حوزه آموزش زبان بلکه در حوزه آموزش سایر موضوعات را نیز پوشش دهد و محیط‌هایی شاد و پویا و انگیزه آور و مؤثر برای فراگیری (زبان) و پیشرفت فراگیران به وجود آورد.

در این فصل به مقایسه برخی ویژگی‌های روش تدریس خودم در مقایسه با سایر روش‌های تدریس رایج می‌پردازم با این امید که بتوانم به تصمیم‌گیری تمام متصدیان امر آموزش در انتخاب مؤثرترین روش تدریس کمک نمایم.

اهمیت روش تدریس این‌جانب در مقایسه با سایر روش‌های تدریس در حوزه آموزش زبان

همانند روش تدریس LA، روش تدریس این‌جانب بر اهمیت و ارائه لغات کلیدی و کاربردی در طول پروسه تدریس در متون و موقعیت‌های مناسب تأکید دارد. این کار به‌منظور تسلط فراگیران بر لغات کلیدی و نیز کاربرد مؤثر آن‌ها در مکالمات روزمره می‌باشد.

همانند روش NA، روش تدریس این‌جانب بر ارائه اطلاعات جدید قابل‌فهم برای فراگیران در محیط‌های یادگیری مناسب تأکید دارد.

روش تدریس این جانب نسبت به برخی ویژگی‌ها و تکنیک‌های ALM نیز بی‌تفاوت نبوده است چراکه به کاربرد انواع دریل‌ها در طول فرایند تدریس و هر جا که ضروری باشد تأکید دارد.

همین‌طور همانند TBLT روش تدریس این جانب از نقش بی‌بدیل تکالیف و فعالیت‌هایی که باعث مکالمات طبیعی و واقعی شده و فراگیران را تشویق به بحث و گفتمان ایده‌ها و منظورهایشان می‌کند غافل نبوده است. در کلاس‌های این جانب چنین تکالیفی مورد تأکید هستند تا بدین‌وسیله شرایط مناسب‌تری برای فرایند یادگیری و تبادل آرای دوطرفه و نیز فعال کردن حس انتقادی فراگیران، که در یادگیری بسیار مؤثر هستند، به وجود آید.

همانند WLA با این پیش‌فرض که معنادار بودن زبان برای فراگیر در فرایند یادگیری مؤثر است، در روش تدریس این جانب زبان باید به‌صورت یک کل و نه اجزای جداگانه (خواندن، نوشتن، شنیدن، صحبت کردن، گرامر، لغت و تلفظ) تدریس شود. باور این جانب بر این است که زبان به‌صورت کل معنادارتر خواهد بود و نکته در اینجاست که این معنا است که در کلاس‌های من به بحث گذاشته می‌شود و به صحیح بودن و یا نبودن اجزای زبان خیلی تأکید نمی‌شود. همچنین در روش تدریس این جانب باور بر این است که فراگیران آن نوع از مطالب را می‌توانند بهتر یاد بگیرند و به خاطر بسپارند که بتوانند بفهمند و اینکه معنادار بودن مطالب به فهم راحت‌تر آن‌ها کمک می‌کند. بنابراین مکانیسم‌های روش تدریس این جانب طوری طراحی شده‌اند که بتوانند مطالب و محیط آموزشی را برای فراگیران معنادارتر کنند.

همانند CLT روش تدریس این جانب به ارتقای مهارت محاوره‌ای فراگیران در محیط‌های شاد و پویا که گفتمان و تعامل را تشویق می‌کنند می‌پردازد. روش تدریس این جانب گفت‌وگوشنود برای تبادل واقعی ایده‌ها و نظریات و نیز ریسک کردن را تشویق می‌کند و خطاها را به‌عنوان علائم یادگیری در نظر می‌گیرد.

همانند SW روش تدریس این جانب تحقیق و بررسی و خلق ایده‌ها و نظریات و دانش جدید را تشویق می‌کند تا به‌تدریج باعث استقلال فراگیران از این جانب شود.

همانند MI در روش تدریس این جانب هر فراگیر منحصربه‌فرد در نظر گرفته می‌شود چراکه باور این جانب بر این است که باید در طول پروسه تدریس تفاوت‌های فردی فراگیران در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال با تغییر دادن نقش فراگیران در تیم‌هایشان سعی بر آن است که این تفاوت‌ها در نظر گرفته شوند.

همانند CALLA در روش تدریس این جانب بر تدریس مستقیم و یا غیرمستقیم استراتژی‌های یادگیری تأکید شده است.

همانند SO در روش تدریس این جانب سعی می‌شود که موانع عاطفی روانی پیش روی فراگیران برطرف شوند تا بدین‌صورت آن‌ها با خاطری آسوده به امر فراگیری بپردازند و راحت‌تر یاد بگیرند. همچنین سعی می‌شود به آموزش غیرمستقیم مطالب از طریق نصب مطالب مورد هدف بر روی دیوار کلاس و غیره نیز پرداخته شود.

همانند COUNL در روش تدریس این جانب بر هر دو جنبه ذهنی و عاطفی یادگیری تأکید می‌شود. تمام اعضای هر تیم به‌عنوان عضوی از تیم‌هایشان در محیط‌های صمیمی که در آن معلم نیز نقش یک دوست را دارد احساس امنیت می‌کنند.

و همانند NP در روش تدریس این جانب سعی می‌شود که فراگیران نه‌تنها با تکنیک‌ها و استراتژی‌های یادگیری بلکه با مهارت‌های اجتماعی نیز برای تغییر و رشد مجهز شوند.

از طرف دیگر برخلاف روش‌های تدریس سنتی معلم محور رایج، روش تدریس این جانب به برخی دیگر از فاکتورها که در یادگیری به‌طور عام و یادگیری زبان به‌طور خاص مؤثر هستند اهمیت زیادی می‌دهد. از جمله این فاکتورها تعامل معنادار، در معرض اطلاعات قابل‌فهم و استراتژی‌های یادگیری قرار دادن فراگیران، دقت و تمرکز، مکالمه هدفمند و جنبه‌های عاطفی و احساسی یادگیری می‌باشند.

برخلاف SO روش تدریس این جانب فقط به ارتقای دامنه لغات فراگیران به قیمت غفلت از سایر مهارت‌ها از قبیل شنیدن، خواندن، نوشتن و صحبت کردن نمی‌پردازد.

برخلاف CLL می‌توان روش تدریس این جانب را برای اداره کلاس‌های پرجمعیت نیز به خدمت گرفت.

برخلاف TRR روش تدریس این جانب را می‌توان در تمامی سطوح از مهدکودک‌ها تا دانشگاه‌ها و برای تدریس تمام مهارت‌ها و موضوعات به خدمت گرفت.

برخلاف SW روش تدریس این جانب خسته کننده نیست بلکه برعکس همان‌طور که گفته شد محیط‌هایی بسیار شاد و پویا و هیجان‌انگیز خلق می‌کند.

برخلاف GTM روش تدریس این جانب بر فرایند یادگیری - و نه محصول یادگیری - تمرکز دارد. همین‌طور روش تدریس اینجانب بر ایجاد محیط‌های شاد و پویا و واقعی - و نه بر محیط‌های خشک و مصنوعی و یک‌طرفه - تاکید دارد.

برخلاف ALM و روش بانکی روش تدریس این جانب به فراگیران به دیده انسان و نه حیوان! می‌نگرد و برای ارتقای خلاقیت و قدرت تفکر آن‌ها در سطوح بالاتر ارزش زیادی قائل است.

برخلاف DM در روش تدریس این جانب فراگیران باید نه تنها برای یادگیری و پیشرفت خود بلکه برای پیشبرد آرمان‌های جامعه خود نیز مسئولیت بپذیرند. ضمناً در روش تدریس این جانب به واقعیت‌های محیط یادگیری (کلاس) و زندگی فراگیران هم توجه خاصی می‌شود.

همین‌طور برخلاف تمام روش‌های تدریس ذکر شده در این بخش و برخلاف CLT روش تدریس این جانب

۱. هرگز محدود به PPP و یا همان سیستم «ارائه» معلم، «تمرین» و «تولید» فراگیران در طول فرایند تدریس نیست.
۲. به‌طور سیستماتیک تفاوت‌های شخصیتی و یادگیری فراگیران را در نظر می‌گیرد.
۳. راهبردهای سیستماتیک و مؤثر برای به‌کارگیری کار تیمی که به‌ویژه در فراگیری زبان بسیار مؤثر است ارائه می‌دهد.
۴. به اهمیت نقش فوق‌العاده وجود منابع متعدد برای ارائه و تمرین مطالب و نیز به اهمیت نقش انگیزه و درگیر شدن ذهنی، عاطفی و هوشی تمام فراگیران برای فراگیری مؤثر(زبان) واقف است.
۵. باعث بهبود مهارت‌های زبانی، اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی فراگیران می‌شود. به عبارت دیگر، صرفاً به گرامر و لغت زبان نمی‌پردازد.
۶. به‌طور شفاف به ارائه تئوری و شفاف‌سازی مکانیسم‌هایی که به‌واسطه آن‌ها یادگیری مؤثر اتفاق می‌افتد پرداخته است و درصدد در نظر گرفتن آن‌ها برای آموزش مؤثر برآمده است.
۷. محدود به یک یا چند تئوری و یا سیلابس خاص نیست.
۸. به‌خوبی به این امر واقف است که صرفاً مهارت داشتن در به‌کارگیری زبان برای موفقیت در دنیای پیچیده کنونی که به‌شدت رقابتی هم هست کافی نیست.
۹. به طرز قابل‌تأملی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی می‌پردازد.
۱۰. پایه‌های تئوریک قوی دارد.
۱۱. هدفش آماده کردن نسل فردا برای مواجهه موفق با مسائل دنیای واقعی به‌طوری‌که قابلیت تأثیر گذاشتن بر آن‌ها را هم داشته باشند هست.

به‌طور خلاصه روش تدریس این جانب بسیار برای ارتقای تفکر انتقادی، استعداد، خلاقیت و کیفیت درک و فهم و مهارت‌های استنباطی فراگیران - که خود به بهبود وضعیت به خاطر سپاری آن‌ها کمک می‌کنند - مؤثر است. همان‌طور که می‌دانیم توانایی به یادآوردن مطالب بعد از مدت‌زمان طولانی و در محیط‌های واقعی متفاوت یکی از دلایل یادگیری واقعی می‌باشد. بنابراین روش تدریس این جانب برای به‌کارگیری در کلاس‌های امروزی بسیار مفید است چراکه نه تنها به فراگیری مهارت‌های زبانی بلکه به فراگیری مهارت‌های اجتماعی و سیاسی نیز توسط فراگیران می‌انجامد که این‌ها خود سبب ارتقای دانش، منش، شخصیت و موفقیت آن‌ها می‌شود.

تمییز «یادگیری تیمی رقابتی» از سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تمرکز دارند

از دیدگاه کلی روش تدریس این جانب (Competitive Team-Based Learning)، روش تدریس یادگیری به صورت همیاری (Collaborative Learning)، یادگیری تعاملی (Interactive Learning) و یادگیری گروهی (Cooperative Learning) شبیه هم به نظر می‌رسند. این روش‌ها به دلایل ذیل از روش‌های سنتی فاصله گرفته‌اند:

۱. از معلم محور بودن بر فراگیر محور بودن تمرکز پیدا کرده‌اند.
 ۲. بر اهمیت نقش سؤال و تحقیق در طول پروسه یادگیری تمرکز پیدا کرده‌اند.
 ۳. بر نقش بی‌بدیل مهارت‌های تعاملی و اجتماعی در پیشرفت فراگیران صحنه گذاشته‌اند. و
 ۴. بر کار گروهی و به اشتراک گذاشتن و مقایسه یافته‌ها تأکید دارند.
- معلمان نیز در چنین روش‌های تدریسی که اخیراً رایج شده‌اند به‌عنوان برنامه ریزان و تسهیل‌کنندگان فرایند یادگیری و نه به‌عنوان صرفاً انتقال‌دهندگان دانش در نظر گرفته شده‌اند. فراگیران هم در این روش‌ها به‌عنوان بحث‌کنندگان فعال ایده‌ها و نظرات و راه‌حل‌ها مطرح شده‌اند که درصدد خلق دانش جدید هستند.

این نوع روش‌های تدریس بر اهمیت مکالمه و گفت‌و شنود صحنه می‌گذارند با این تفاوت که روش یادگیری همیاری، آن‌طور که آکسفورد (۱۹۹۷) اذعان دارد، در محیط‌های کمتر هدفمند و غیر سیستماتیک بر به اشتراک‌گذاری افکار و نظرات تأکید دارد در حالی که یادگیری تعاملی بر تعامل بین فراگیران به‌منظور درک و فهم بهتر اختلافات فرهنگی‌شان و پذیرش این اختلافات تأکید دارد. و در یادگیری گروهی بیشترین تأکید بر ایجاد تعامل مثبت و سازنده بین اعضای گروه‌ها و گروه‌های کلاس به‌طوری که همه بپذیرند که کل کلاس سرنوشت مشترکی دارند می‌باشد. تفاوت دیگر روش یادگیری گروهی با دو روش قبلی این است که در کلاس‌هایی که با این روش اداره می‌شوند رسیدن به اهداف آکادمیکی از قبل طراحی شده نیز حائز اهمیت است. ویژگی دیگر روش یادگیری گروهی این است که در کلاس‌هایی که با این روش اداره می‌شوند فراگیران می‌آموزند که صبور و مهربان باشند و درصدد نقد و انتقاد از دیگران نباشند. لازم به یادآوری است که این روش تحقیق بیشترین توجه محققین را به خود جلب کرده است و راجع به کارایی آن تحقیقات بسیار زیادی شده است.

از طرف دیگر روش تدریس این جانب و یا همان یادگیری تیمی رقابتی با توجه خاص به کاربرد سیستماتیک و هدفمند تیم‌ها و با تمرکز بر جنبه‌های انسانی آموزش و واقعیات دنیای پیچیده کنونی به امر آموزش می‌پردازد. برخلاف روش‌های بحث شده در بالا در روش تدریس این جانب فراگیران آزادی بی‌حدومرز ندارند که باعث بی‌نظمی در کلاس شود. همین‌طور در کلاس‌های این جانب سلیقه و نظرات گروهی خاص در نظر گرفته نمی‌شود که بدین‌صورت اکثریت مورد غفلت واقع شوند. علاوه بر این‌ها موارد ذیل ویژگی‌های دیگری هستند که باعث تمایز روش تدریس این جانب از روش‌های تدریس رایج که بر کار گروهی تأکید دارند و در بالا به آن‌ها پرداختیم می‌شوند:

۱. روش تدریس این جانب بر ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بین اعضای تیم‌ها در قبال خود و هم‌تیمی‌هایشان تأکید زیادی دارد.
۲. روش تدریس این جانب بر تبدیل گروه‌ها به تیم‌ها و درگیر کردن آن‌ها در فرآیند یادگیری با به‌کارگیری روش‌هایی خاص تأکید دارد.
۳. روش تدریس این جانب بر آموزش فراگیران به‌منظور عملکرد بهتر در تیم تأکید دارد.
۴. روش تدریس این جانب به فراگیران می‌آموزد که نقاد و اهل انتقاد هم باشند.
۵. روش تدریس این جانب بر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آموزش و آماده کردن همه‌جانبه فراگیران برای ورود به دنیای پیچیده کنونی تأکید دارد.
۶. روش تدریس این جانب سیستماتیک، هدفمند و استراتژیک می‌باشد.

و اما در این قسمت بنا بر محبوبیت روش‌های تدریس کار گروهی (Cooperative Learning) در بین معلمان و اساتید به مقایسه روش تدریس خودم با این روش‌های تدریس می‌پردازم.

مقایسه یادگیری تیمی رقابتی با سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند

در این بخش با توجه به فاکتورهای ذیل به مقایسه روش تدریس خودم با سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند می‌پردازم:

۱. معلم محور و یا فراگیر محور بودن
۲. میزان تأکید که بر به وجود آوردن تعامل مثبت و سازنده دارند
۳. میزان تأکید که بر ایجاد حس مسئولیت‌پذیری دارند
۴. نوع تعاملی که بین فراگیران به وجود می‌آورد
۵. سیستم ارزشیابی که به خدمت می‌گیرند
۶. نوع تکالیفی که به خدمت می‌گیرند
۷. میزان راحتی به‌کارگیری این روش‌ها در کلاس‌های درس

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند با توجه به «معلم و یا فراگیر محور بودن»

فراگیران در روش‌های تدریس متفاوت به‌طور متفاوتی در نظر گرفته می‌شوند. در این زمینه GI و STAD به‌عنوان دو نهایت هستند. در حالی که در GI - به‌عنوان سمبل روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند - به فراگیران توجه ویژه‌ای شده است و به آن‌ها آزادی بی‌حد و حصری برای تشکیل گروه، مشخص کردن نقش‌های اعضا، انجام تکالیف، ارائه محصولات به کلاس و غیره داده می‌شود در STAD (به‌عنوان معلم محورترین روش تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارد) فراگیران چنان انتخاب‌ها و یا آزادی‌هایی ندارند. در این روش تدریس این معلم است که اکثر تصمیمات را برای کلاس و مسائل آموزشی می‌گیرد.

اما روش تدریس این‌جانب سعی می‌کند در این زمینه حد وسط را رعایت کرده و بر «یادگیری» و نه معلم و یا فراگیران تأکید داشته باشد. در روش تدریس یادگیری محور این‌جانب، آنچه حائز اهمیت است یادگیری موفق است. این‌جانب به‌عنوان معلم هر کاری می‌کنم تا فرایند یادگیری را تسهیل نمایم به‌طوری که در کلاس‌های این‌جانب تمام مراحل آموزش و حتی آزمون و نیز خود من و فراگیران در خدمت تسهیل فرایند یادگیری می‌باشیم.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی دلالت دارند و «تعامل مثبت و سازنده»

فاکتور دیگری که روش‌هایی که بر کار گروهی تأکید دارند را متمایز می‌کند نوع استراتژی‌هایی است که برای به وجود آوردن تعامل مثبت و سازنده به کار می‌گیرند. برای نمونه روش‌هایی مانند LTD و GI و CC برای این منظور از فراگیران می‌خواهند که یک محصول یا گزارش مشترک ارائه دهند. مشکلی که در کلاس‌هایی که به این نوع تعامل مثبت و سازنده می‌پردازند به وجود می‌آید این است که فراگیران برتر و باهوش‌تر دلیلی برای همکاری با افراد ضعیف‌تر و کمک به آن‌ها نمی‌بینند. بنابراین افراد ضعیف‌تر هم انگیزه خود را برای یادگیری از دست می‌دهند چراکه حامی و پشتیبانی در طول فرایند یادگیری ندارند - همان‌طور که گفته شد افراد قوی‌تر صرفاً به فکر ارتقای سطح دانش و به تبع آن نمرات خودشان هستند.

از طرف دیگر روش‌هایی همانند جیگ سا ۱ و جیگ سا ۲ از استراتژی‌هایی مثل تقسیم تکالیف و مسئولیت‌ها و به وجود آوردن خلأ اطلاعاتی در ذهن فراگیران برای ایجاد تعامل مثبت و سازنده استفاده می‌کنند. در چنین موقعیت‌هایی هریک از فراگیران برای اینکه خلأ اطلاعاتی خود را پر کند راهی جز همکاری مثبت و سازنده با بقیه ندارد. به نظر می‌رسد که جیگ سا ۱ بهتر از جیگ سا ۲ تعامل مثبت و سازنده را بین فراگیران به وجود می‌آورد چراکه در این نوع جیگ سا هست که هر یک از اعضای گروه‌ها اطلاعات خاص و ناقص خود را دارد که برای تکمیل کردن آن باید با بقیه همکاری کند. در هر صورت در چنین کلاس‌هایی موفقیت یک عضو به‌طور کامل به موفقیت سایر اعضا بستگی دارد. هرچند این کلاس‌ها فراگیران ضعیف‌تر را

راضی می‌کنند اما اعضاء قوی‌تر میلی به همکاری در این کلاس‌ها ندارند چراکه مکانیسم‌های موجود در آن‌ها و به‌ویژه سیستم‌های ارزشیابی آن‌ها ناعادلانه و غیرمنطقی می‌باشند.

و اما در روش تدریس این‌جانب، برخلاف روش‌های تدریس کار گروهی فعلی، درحالی‌که سعی می‌شود تعامل مثبت و سازنده در بین اعضای تیم‌ها به وجود آید تیم‌ها تشویق می‌شوند که با یکدیگر رقابت کنند. ضمن اینکه این‌جانب بیش از حد بر روی ایجاد تعامل مثبت و سازنده تمرکز نمی‌کنم. بنابراین در تیم‌ها موفقیت هریک از اعضا «تا حدودی» - و نه همانند سایر روش‌ها به‌صورت ۱۰۰٪ - به موفقیت سایر اعضا بستگی دارد. نکته متمایزکننده دیگر این است که در روش تدریس این‌جانب به تفاوت‌ها و استعدادها و قابلیت‌های فردی هریک از اعضای تیم‌ها و به ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در آن‌ها نیز توجه خاص می‌شود. در روش تدریس این‌جانب سعی می‌شود از طرق ذیل به ایجاد تعامل مثبت و سازنده پرداخته شود:

۱. برجسته کردن نقش مشوق‌ها.
۲. توضیح دادن روش‌های ارزشیابی تیم‌ها و اعضایشان.
۳. دادن نقش‌های متفاوت به اعضای تیم‌ها.
۴. روش تشکیل تیم خاص و منحصربه‌فرد. و
۵. تشویق تیم‌ها به دادن امتحانات به‌صورت تیمی.

نتیجه چنین راهبردهایی این است که در کلاس‌های این‌جانب تمام فراگیران درگیر فرایند یادگیری شده و کلاس هیچ‌گاه تحت سیطره شاگردان قوی‌تر قرار نمی‌گیرند که اگر این اتفاق بیفتد تعامل مثبت و سازنده‌ای بین فراگیران به وجود نخواهد آمد. این مشکل در اغلب روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تأکید دارند وجود دارد.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند و «حس مسئولیت‌پذیری»

درجه اهمیت دادن روش‌های تدریس به ایجاد و توسعه و حفظ مسئولیت‌پذیری در بین فراگیران و نیز استراتژی‌هایی که به این منظور به کار می‌برند نیز این روش‌های تدریس را از هم متمایز می‌کند. همان‌طور که اشاره شد تأکید و تمرکز بیش‌ازحد بر ایجاد تعامل مثبت و سازنده باعث غفلت از ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در اکثر روش‌های تدریس که بر کار گروهی تأکید دارند شده است. این نوع غفلت عواقب خاص خودش را در پی خواهد داشت. این غفلت به‌عنوان مثال باعث شانه خالی کردن بدون دردرس برخی فراگیران از زیر بار مسئولیت‌هایشان شده که این خود باعث لطمات جدی به موفقیت این نوع روش‌های تدریس می‌شود.

در روش TGT برای به وجود آوردن حس مسئولیت‌پذیری از تورنومنت‌ها استفاده می‌شود درحالی‌که در CC و LTD و STAD از امتحاناتی که باید به‌صورت انفرادی داده شوند استفاده می‌شود. همین‌طور در Jigsaw II و TAI و TMT و GI تأکید بر کار انفرادی اعضای تیم‌ها هم هست. ارائه یک مطلب به‌صورت مشترک از دیگر استراتژی‌هایی است که در روش‌های CC و GI و LTD برای ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بین فراگیران استفاده می‌شود.

اما در روش تدریس این‌جانب به‌ویژه از طریق سیستم ارزشیابی منحصربه‌فرد من سعی به ایجاد، توسعه و حفظ حس مسئولیت‌پذیری در بین تمام اعضای تیم‌ها به‌منظور کمک هرچه بیشتر به موفقیت آن‌ها شده است. همین‌طور سیستم‌ها و فعالیت‌ها و مکانیسم‌های دیگر تعریف شده برای روش تدریس این‌جانب نه‌تنها فراگیران را در قبال خود بلکه در قبال سایر اعضای تیم‌هایشان مسئولیت‌پذیر کرده و به موفقیت آن‌ها کمک شایانی می‌کند.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند و «نوع تعامل بین فراگیران»

در میان روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند روش STAD هیچ نوع مکانیسمی برای تشویق تعامل «بین گروه‌ها» ندارد و بنابراین از این لحاظ خنثی می‌باشد. به عبارت دیگر، در STAD گروه‌ها باهم نه همکاری دارند و نه رقابت. دلیل این امر هم این است که گروه‌ها در چنین کلاس‌هایی می‌توانند بدون هیچ‌گونه تعاملی با گروه‌های دیگر به اهداف از قبل ترسیم شده برسند - CGBI هم همین ویژگی را دارد. در هر صورت STAD نه‌تنها تعامل و همکاری «بین اعضاء هر گروه» را تشویق می‌کند بلکه هر فراگیر را نیز تشویق می‌کند که با خود رقابت نیز داشته باشد. این بدان معنی است که هر فراگیر باید

درصد ارتقای دانش خود نسبت به گذشته خود باشد. در تضاد با روش STAD، روش‌های دیگر از قبیل GI و TGT سعی می‌کنند رقابت را از حالت شخصی درآورده و اعضای هر تیم را تشویق کنند که با اعضای هم‌رده خود در سایر تیم‌ها رقابت داشته باشند.

از طرف دیگر درحالی‌که بیشتر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند بر همکاری فراگیران و گروه‌ها باهم تأکید دارند، بعضی از روش‌ها همانند TGT و به‌ویژه CTBL (روش این‌جانب) بر اهمیت نقش رقابت هم تأکید دارند. برای نمونه تورنومنت‌ها در TGT و سیستم ارزشیابی منحصربه‌فرد در CTBL رقابت را در این روش‌ها تشویق می‌نمایند. به‌رحال علیرغم شباهت‌هایشان تفاوت‌های متمایزکننده‌ای بین CTBL و TGT در سطح کلاسی وجود دارد. یکی از این تفاوت‌ها این است که درحالی‌که در TGT اعضای تیم‌ها تشویق می‌شوند که با هم‌رده‌های خود در سایر تیم‌ها رقابت داشته باشند، در CTBL نه تنها اعضا تشویق می‌شوند که با هم‌رده‌هایشان در سایر تیم‌ها رقابت داشته باشند بلکه تشویق می‌شوند که به عنوان یک تیم با سایر تیم‌های کلاس هم رقابت داشته باشند. البته این به آن معنی نیست که اهمیت نقش همکاری و تعاون در این روش‌ها نادیده گرفته شده است بلکه این بدان معنی است که برای مثال در روش تدریس این‌جانب (CTBL) اعضای تیم‌ها تشویق می‌شوند که برای رقابت با دیگر تیم‌ها با یکدیگر همکاری نزدیک تری داشته باشند. تنها دلیل این امر هم این است که برای تسهیل فرایند یادگیری محیطی شاداب‌تر، پویاتر، واقعی‌تر و منطقی‌تر شکل دهیم.

بنابراین اگر بخواهیم از زاویه دیگری هم به روش‌های تدریسی که بر مبنای کار گروهی هستند نگاه کنیم این روش‌ها در افق و خروجی‌هایی که برای خود ترسیم کرده‌اند با یکدیگر تفاوت دارند. به‌عنوان مثال سیستم ارزشیابی روش‌هایی همانند STAD که فراگیران را تشویق می‌کنند صرفاً به رقابت با خود بپردازند و سایرین را در نظر نگیرند و یا به عبارتی خود را تنها با گذشته خود مقایسه کنند واقعیت‌های دنیای واقعی را در نظر نمی‌گیرند و بنابراین از نظر فراگیران جذاب و واقع‌گرا نیستند. همان‌طور که قبلاً گفته شد کلاس‌های ما کسری از جامعه هستند و بنابراین باید واقعیات دنیای واقعی را بازتاب دهند و به آن‌ها بپردازند. و روش تدریس این‌جانب به این موارد پرداخته است. روش تدریس این‌جانب محیط‌هایی را هم فراهم می‌آورد که فراگیران در آن‌ها می‌توانند توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شناسایی و باور کنند و به مقایسه آن‌ها با قابلیت‌های سایرین بپردازند. فراگیران در کلاس‌های این‌جانب تمرین می‌کنند که آنچه را هستند واقع‌بینانه بپذیرند و درعین حال نهایت سعی خود را بکنند که بهترین باشند و این را به سایرین ثابت نمایند. چنین محیط‌هایی به فراگیران کمک می‌کنند که حداکثر پتانسیل خود را با همکاری اعضای تیم‌هایشان به خدمت بگیرند.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند و «سیستم ارزشیابی»

در ارتباط با سیستم ارزشیابی روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند بحث‌های زیادی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه ون لیر (۱۹۹۶) و همکاران او بر این باور هستند که محرک‌های بیرونی از قبیل نمره و جایزه برای تشویق کردن فراگیران به کار گروهی در واقع نوعی رشوه دادن به فراگیران برای همکاری کردن با یکدیگر هست که این خود از نظر آن‌ها مانع شکوفایی خلاقیت در آن‌ها شده و انگیزه درونی آن‌ها را برای همکاری کردن از بین می‌برد. حتی محققانی از قبیل کیگان (۱۹۹۵) در این نوع محکوم کردن نقش عوامل انگیزشی بیرونی ایده‌های تندتری دارند. در حال این‌جانب همواره این نوع ایده‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌ها راجع به نقش عوامل بیرونی از قبیل نمره و جایزه را به‌شدت رد کرده‌ام و بر این باور هستم که چنین ایده‌هایی هنوز از نظر علمی ثابت نشده‌اند. علاوه بر این اگر ما هم از نقطه‌نظر محققینی همانند ون لیر به این قضیه نگاه کنیم می‌توانیم این ادعا را نیز بپذیریم که در دنیای واقعی هم ما داریم رشوه (حقوق و پست و مقام و منصب) می‌پذیریم که با یکدیگر همکاری داشته باشیم! آنچه می‌خواهم بگویم این است که هیچ‌کس نمی‌تواند نقش بی‌بدیل محرک‌های بیرونی از قبیل تقدیر و تشکر و جایزه و غیره را در تعالی و پیشرفت و سعادت جوامع بشری انکار نماید. بنابراین چرا ما باید نقش سازنده این نوع عوامل انگیزشی برای موفقیت و به‌تبع آن ارتقای عوامل انگیزشی درونی را در محیط‌های آکادمیک زیر سؤال ببریم؟ واقعیت این است که خود نمره دادن عاملی انگیزشی برای همکاری فراگیران با یکدیگر هست و همکاری فراگیران باهم در طول فرایند یادگیری باعث موفقیت آن‌ها و به‌تبع آن ایجاد انگیزه درونی در آن‌ها برای موفقیت بیشتر می‌باشد.

به‌رحال سؤال اصلی در رابطه ارزشیابی کارگروهی این است که آیا محصول یک گروه باید محصول کل اعضای آن گروه در نظر گرفته شود و بنابراین باید یک نمره مشترک به تمام اعضای گروه داده شود؟ برخی روش‌های تدریس همانند GI و CGBL از این قانون تبعیت می‌کنند و به تمام اعضای گروه یک نمره مشترک برای کار گروهی‌شان می‌دهند. برخی روش‌های دیگر مثل جیگ سا ۲ و STAD گروه‌ها را بر اساس معدل نمره اعضایشان ارزشیابی می‌کنند. واقعیت این است که روش‌های تدریس گروه اول قادر نیستند حس مسئولیت‌پذیری فراگیران را ارتقاء دهند و گروه دوم هم از اهمیت نقش تعامل مثبت و سازنده غفلت کرده‌اند که تمام این موارد عدم موفقیت این روش‌های تدریس را در پی داشته‌اند. اما روش‌های تدریس دیگر از قبیل TMT و CIRC و TGT و به‌ویژه روش تدریس این‌جانب سعی دارند که هر دو نقیصه قید شده را پوشش دهند. سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب نه تنها میزان همکاری اعضای تیم‌ها با یکدیگر را ارج می‌نهد بلکه به میزان تلاش و استعداد تک‌تک اعضا هم توجه خاصی دارد. این‌جانب بر این باور هستم که این نوع سیستم ارزشیابی منصفانه‌تر بوده و انگیزه بیشتری به فراگیران جهت همکاری و تلاش مضاعف می‌دهد.

بنابراین سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب برخلاف روش تدریس‌های موجود دیگر استعداد و تلاش تک‌تک فراگیران را در نظر گرفته و سعی می‌کند در حق هیچ‌کس ظلمی نشود و همه فراگیران این احساس را داشته باشند که اگر از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند اولین کسی که متضرر شود خود آن‌ها خواهند بود چراکه حداقل بخشی از نمره نهایی خود را از دست خواهند داد. تمام هدف سیستم ارزشیابی این‌جانب این است که اعضای تیم‌ها نه تنها با یکدیگر همکاری داشته باشند بلکه سعی کنند با درگیر شدن در فرایند یادگیری دانش و استراتژی‌ها و مهارت‌های خود را نیز ارتقاء دهند تا بدین‌صورت نمره پایانی خود و تیمشان را افزایش دهند.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند و «تکالیف فراگیران»

نوع تکالیف و روش به خدمت‌گیری آن‌ها برای محیط‌های مشارکتی عامل متمایزکننده دیگری بین روش‌های تدریسی است که بر کار گروهی تأکید دارند. همان‌طور که در فصول قبل مشخص شد برخلاف روش‌هایی همانند GI که تکالیف و وظایف خیلی کلی و پیچیده را به خدمت می‌گیرند در روش تدریس این‌جانب تأکید بر به‌کارگیری تکالیف و پروژه‌های ویژه و هدفمند و قابل‌اجرا می‌باشد. از طرف دیگر درحالی‌که در روش‌هایی همانند CGBL و RTR و GI فراگیران روی تکالیف و پروژه‌هایی به‌صورت کلی کار می‌کنند در روش‌هایی همانند جیگ سا ۱ و CC و LTD روی قسمت‌های مجزای یک تکلیف یا پروژه کار می‌کنند و درنهایت کارهای خود را به‌صورت یک کار مشترک ارائه می‌دهند. در نتیجه نوع تعاملاتی که در این کلاس‌ها به‌واسطه این نوع تکالیف و پروژه‌ها بین فراگیران به وجود می‌آید متفاوت است. به‌عنوان نمونه تکالیف و پروژه‌ها در کلاسی که با روش تدریس جیگ سا ۱ اداره می‌شود نوع تعاملی را بین فراگیران به وجود می‌آورد که از نوع تعامل بین فراگیران در روش GI بسیار متفاوت است. باوجوداین در کلاس‌های این‌جانب هریک از این تعاملات که اراده شود می‌تواند به وجود آید. آنچه در روش تدریس این‌جانب مهم است این است که تکالیف و پروژه‌ها باید جالب، انگیزه‌آورنده، متنوع، قابل‌فهم و اجرا و واقعی و هدفمند و چالش‌آور باشند و مکالمه و بحث و گفت‌وگو را تشویق نمایند. نکته مهم دیگر اینکه این پروژه‌ها و تکالیف باید طوری باشند که اعضای تیم‌ها به‌صورت انفرادی قادر به انجام آن‌ها نباشند و فقط با همکاری با یکدیگر از پس آن‌ها بر آیند که این خود کار تیمی را تشویق می‌کند. همین‌طور آن‌ها باید بازتابی از واقعیت‌ها و ضرورت‌های دنیای واقعی باشند.

یادگیری تیمی رقابتی و سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند و «درجه راحتی به‌کارگیری آن‌ها در

سطح کلاس»

از آنجاکه به‌کارگیری روش‌های تدریسی همچون CGBL و STAD و GI آسان‌تر و راحت‌تر می‌باشند این روش‌ها گزینه‌های مناسبی برای معلمانی هستند که برای اول‌بار درصدد به‌کارگیری روش‌های تدریسی هستند که بر کار گروهی متمرکز هستند. به‌کارگیری برخی دیگر از این نوع روش‌ها کار بیشتری می‌طلبد. به‌عنوان‌مثال در جیگ سا ۲ معلم باید تلاش نماید که یک درس و یا پروژه و یا تکلیف را به قسمت‌های کوچک‌تر و معناداری تقسیم نماید. همچنین در این نوع تقسیم‌بندی باید در نظر بگیرد که هر قسمت شامل اطلاعات منحصربه‌فردی باشد. همین‌طور در روش‌هایی همانند روش تدریس این‌جانب معلم باید

برگه‌های امتحان، پاسخ‌نامه‌ها و برگه‌های ارزشیابی تیم‌ها و اعضایشان را آماده کند و آمادگی این را داشته باشد که سیستم ارزشیابی چند وجهه این‌جانب را به خدمت بگیرد. البته همان‌طور که در فصل ۶ توضیح داده شد روش‌های ارزشیابی ساده و راحت‌تری هم می‌توانند در روش تدریس این‌جانب به خدمت گرفته شوند.

در خاتمه یادآوری می‌شود که روش تدریس این‌جانب از روش‌های تدریس دیگر که بر کار گروهی تمرکز دارند به‌واسطه فاکتورهای ذیل متفاوت است:

۱. مکانیسم‌های طراحی‌شده برای آن فراگیران قوی‌تر را متقاعد می‌کند که تمام تلاششان را نه‌تنها برای موفقیت خود بلکه برای موفقیت اعضای تیم خود نیز به کار گیرند.
۲. مکانیسم‌های طراحی‌شده برای آن فراگیران ضعیف‌تر را نیز تشویق می‌کند که نه‌تنها به‌طور مؤثر با اعضای تیم خود همکاری داشته باشند بلکه نهایت تلاش را برای ارتقای سطح دانش خود به‌کارگیرند.
۳. به تمام اعضای تیم‌ها حس مسئولیت‌پذیری می‌دهد و بنابراین پدیده از زیر کار در رفتن را از بین می‌برد.
۴. نه‌تنها به یادگیری مؤثر می‌انجامد بلکه این فرصت را به تمام فراگیران می‌دهد که توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را با سایرین مقایسه کرده و سطح دانش و نگرش و منش خود را ارزیابی نمایند.
۵. فراگیران را برای زندگی موفق در دنیای پیچیده کنونی که به‌شدت رقابتی است آماده می‌کند و مهارت‌هایی همچون کار تیمی، تفکر انتقادی، مدیریت تضادها و بحران‌ها و خرد و تصمیم‌گیری جمعی در محیط‌های به‌شدت رقابتی را به آن‌ها انتقال می‌دهد.
۶. به انتقال اصول انسانی و نیز قواعد و نورم‌ها و ارزش‌های دموکراتیک می‌انجامد. و
۷. نسل فردا را قادر می‌سازد که در مقابل هر نوع ظلم و ستم و فساد و غارت و ریا و استبداد و تبعیض ایستادگی کرده و به مبارزه با آن‌ها برخیزد (ضمیمه‌های ۱ تا ۴ را ببینید).

ویژگی‌های منحصر به فرد یادگیری تیمی رقابتی در مقایسه با روش تدریس سنتی معلم محور، سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند و روش CLT

جدول زیر به مقایسه روش تدریس این‌جانب با روش تدریس سنتی معلم محور، سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند و روش CLT که محبوب‌ترین روش تدریس زبان است می‌پردازد:

جدول ۴ مقایسه روش یادگیری تیمی رقابتی (CTBL)، روش سنتی، سایر روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تمرکز دارند و روش CLT

	روش سنتی	روش‌های کار گروهی	CLT	CTBL
	متن و محصول محور	محیط و محصول محور	محیط و فرآیند محور	مسئله و آینده محور با تمرکز بر فرآیند یادگیری
	نوع تمرکز	تمرکز بر نقش فراگیر	تمرکز بر نقش فراگیر	تمرکز بر پروسه یادگیری با تأکید بر نقش فراگیر
	نقش معلم	تنها منبع دانش، دیکتاتور مابانه	تسهیل‌کننده یادگیری و دوست فراگیر	مدل خلاقیت، تغییردهنده نگرش‌ها و عامل بیدارسازی نسل فردا و تغییر و توسعه و پیشرفت
	دل‌مشغولی‌های اصلی معلم	فرمان صادر کردن و ارائه دانش (ناقص)	تسهیل فرایند یادگیری	برهم زدن نظم ذهنی فراگیران و خلق مسئله، خارج کردن اذهان فراگیران از دانش اشتباهی که به

				ذهن آن‌ها تزریق شده، مهندسی روش تدریس برای ایجاد تغییر در جامعه
نقش فراگیران	شنوندگان کر و لال، تائید کنندگان	فراگیران فعال و گردآورندگان دانش	یادگیرندگان و بحث کنندگان فعال	محققین، متفکرین، منتقدین و ارزیابان و تجزیه‌وتحلیل کنندگان دانش و ایده‌ها و نظرات
دل‌مشغولی‌های اصلی فراگیران	چه مطالبی را حفظ کنند که در امتحانات و کنکور موفق و بعد رئیس شوند	به دست آوردن جایزه و نام‌ونشان	مکالمه روان کردن	چگونه فهمیدن و صحبت کردن، دلیل و منطق آوردن و اثبات کردن و چگونه حق را از باطل تشخیص دادن
نوع تعامل	غالباً معلم سخنرانی می‌کند و یا نهایتاً با یک فراگیر تعامل دارد	تعامل بین اعضای گروه‌ها و گروه‌ها	تعامل دو نفره و یا نهایتاً بین اعضای یک گروه	تعامل سازنده بین اعضای یک تیم اما رقابت بین تیم‌ها
نوع گروه‌بندی	کار گروهی وجود ندارد	گروه‌های به‌هم‌ریخته و غیر سیستماتیک	گروه‌بندی همگن و اتفاقی	گروه‌بندی مختلط به‌طوری‌که تفاوت‌های فردی فراگیران در نظر گرفته می‌شود
به نفع...	اقلیت قوی‌تر و برون‌گراتر	از زیر کار در روها و مفت‌خورها	افراد قوی‌تر و برون‌گراتر	تمام فراگیران به‌ویژه افراد ضعیف‌تر
فعالیت‌های کلاسی	منفعلا نه گوش دادن، تکرار کردن، حفظ کردن، دوباره گفتن و ترجمه	بحث و گفتمان، شفاف کردن ایده‌ها، جمع‌بندی، توضیح دادن	بحث و گفتمان، شفاف‌سازی، مقایسه، توضیح دادن	بحث و گفتمان و به چالش کشیدن ایده و نظرات و راه‌حل‌ها، بررسی سبب‌ها و علت‌ها، جمع‌بندی، تعمیم دادن، توضیح دادن و ادله و برهان آوردن
ارتقای توانایی‌ها و دانش	گرامری و زبانی	گرامری، محاوره‌ای، زبانی	گرامری، زبانی، فرهنگی، محاوره‌ای	گرامری، زبانی، فرهنگی، محاوره‌ای، اجتماعی و سیاسی
در پایان کرس فراگیران قادر خواهند بود	مطالب را به‌صورت سطحی حفظ کنند و یاد بگیرند	مطالب کتاب و برخی مهارت‌های اجتماعی را یاد بگیرند	به انگلیسی صحبت کنند	خیلی بیشتر از مطالب کتاب یاد بگیرند و مهارت‌های اجتماعی و دانش و بینش سیاسی خود را ارتقاء دهند
آنچه فراگیران در عمل در نظر گرفته می‌شوند	حیوان	موجود اجتماعی	مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده	انسان‌هایی که پتانسیل آن را دارند که عامل تغییر و توسعه و تمدن ساز باشند
نگرش و تفکر فراگیران باید...	تهی و احمقانه شود	انعطاف‌پذیر و باز شود	انعطاف‌پذیر شود	منطقی و واقع‌گرا و ظلم‌ستیز شود
فراگیران آموزش می‌بینند که	مثل گوسفند زندگی کنند	زندگی موفق داشته باشند	روان و دقیق مکالمه کنند	در محیط‌های پیچیده و در سطح بین‌المللی مؤثر باشند
درنهایت فراگیران در	آپارتاید و نظام‌های دیکتاتوری و نظام	زندگی موفق انسانی در محیط‌هایی که	صنعت توریسم و اقتصاد جوامع باشند	صلح و صفا و صمیمیت و توسعه و آبادانی در سطح ملی و بین‌المللی

باشند	همکاری و تعاون می‌طلبند باشند	سلطه باشند	خدمت...
-------	----------------------------------	------------	---------

نتیجه

توانمند کردن شهروندان برای زندگی موفق در دنیای پیچیده کنونی که با تشتت فرهنگ‌ها در محیط‌هایی به شدت رقابتی روبرو است شرط لازم و ضروری برای خلق آینده‌ای به‌دوراز ظلم و خشونت و در نتیجه تشکیل جوامع متمدن و پویا به‌منظور رسیدن به صلح جهانی می‌باشد. و واقعیت این است که روش‌های تدریس موجود نمی‌توانند ما را برای رسیدن به چنین اهدافی کمک نمایند. پرواضح است که فاصله زیادی که بین آنچه روش‌های تدریس فعلی از شهروندان و نسل فردا انتظار دارند و آنچه دنیای رؤیایی آن‌ها از آن‌ها انتظار دارد وجود دارد نمی‌تواند بیش از این تحمل شود. بنابراین با توجه به ظهور تئوری‌ها و فناوری‌های نو کاستی‌های موجود در آموزش و پرورش نسل فردا باید با ایجاد یک تغییر کلی در آموزش و پرورش برطرف شوند. رژیم آموزشی ایران راهی جز در نظر گرفتن واقعیات دنیای واقعی و حرکت هم‌جهت و هم‌سو با آخرین تئوری‌ها و یافته‌های آموزشی ندارد. روش‌های تدریسی که بر اهمیت خود یادگیری با محوریت فراگیر و نه معلم صحنه می‌گذارند باید به خدمت گرفته شوند. در هر صورت از آنجاکه نمی‌توان یک روش تدریس خاص را برای تمام دنیا ایده آل معرفی کرد دست‌اندرکاران امر آموزش باید در انتخاب روش تدریسی مطمئن بسیار دقیق باشند. به عبارت دیگر، از آنجاکه کلاس‌های ما کسری از دنیای واقعی می‌باشند و بنابراین باید واقعیات دنیای واقعی را انعکاس دهند روش تدریسی باید انتخاب و به کار گرفته شود که بتواند واقعیات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نیز این واقعیت که دنیای ما به شدت رقابتی است را در نظر بگیرد. بر مبنای چنین پیش‌فرض‌هایی است که این‌جانب «یادگیری تیمی رقابتی» را برای به‌کارگیری در کلاس‌های امروزی برای تربیت شهروندانی که آماده ورود به دنیایی شوند که در عین رقابتی بودن سرشار از ظلم و ستم و فساد و غارت و ریا و استبداد است پیشنهاد داده‌ام.

روش تدریس این‌جانب استراتژی‌ای مؤثر برای کمک به رشد و شکوفایی نسل فردا در تمامی سطوح و در سراسر دنیا می‌باشد. روش تدریس این‌جانب راهبردی مؤثر برای توانمند کردن ضعفا و ستم‌دیدگان و به حاشیه رانده‌شدگان که اتفاقاً حتی در کلاس‌های امروزی هم اکثریت را تشکیل می‌دهند می‌باشد. این نکته از آنجا حائز اهمیت است که توانمند شدن آن‌ها نهایتاً به آزادی‌شان می‌انجامد. بنابراین روش تدریس این‌جانب راهی کوچک، اگر نه شاه‌راهی، برای امنیت، صلح، توسعه و پیشرفت و سعادت بشریت است. دلیل این امر هم این است که برخلاف روش‌های تدریس کنونی روش تدریس این‌جانب نه تنها مسائل آموزشی بلکه نهادینه کردن مسائل اخلاقی و نورم‌های دموکراتیک را هم در شهروندان برای ایجاد تغییرات بنیادین در جوامع امروزی، که به‌واسطه روش‌های آموزش فعلی ناسالم و غیر متمدن هستند، در نظر می‌گیرد. در فصل بعد به ارائه پیشنهادهایی به تمام متصدیان امر آموزش پرداخته‌ام.

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. آیا روش تدریسی هست که در این فصل با روش تدریس این‌جانب مقایسه نشده است؟ اگر هست به مقایسه آن‌ها بپردازید.
۲. RTR چگونه به ایجاد تعامل مثبت و سازنده بین فراگیران کمک می‌کند؟
۳. سه تفاوت عمده روش تدریس این‌جانب با روش‌های تدریس فعلی که بر کار گروهی تمرکز دارند را توضیح دهید.
۴. راحتی به‌کارگیری روش‌های تدریس معرفی‌شده در این کتاب را در سطوح ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه بررسی کنید. به عبارت دیگر، کدام روش برای کدام مقطع بهتر است و چرا؟
۵. با توجه به رقابتی بودن دنیای در حال گلوبالیزه شدن فعلی به نظر شما مؤثرترین روش تدریس برای تربیت شهروندانی موفق و در نتیجه تشکیل جوامعی متمدن و پویا کدام است؟ چرا؟

=====

فصل سیزدهم

"یادگیری تیمی رقابتی" و تکنولوژی‌های اینترنتی

مطالب

- سؤالات سازمان دهنده..... ۱۵۹
- مقدمه..... ۱۶۰
- پایگاه به کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک..... ۱۶۰
- مرکز کنترل..... ۱۶۱
- مرکز آموزش..... ۱۶۲
- مرکز آزمون و ارزیابی..... ۱۶۴
- مرکز لجستیک..... ۱۶۴
- نتیجه..... ۱۶۴
- سؤالاتی برای بحث و گفتگو..... ۱۶۴

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. چرا باید از تکنولوژی‌های روز برای آموزش و تدریس استفاده نماییم؟
۲. تفاوت‌های وبلاگ، ویکی، وبسایت و مودل را بیان نمایید.
۳. تکنولوژی‌های روز اینترنتی چگونه می‌توانند در کلاس‌های درس بکار گرفته شوند؟
۴. تکنولوژی‌های اینترنتی چگونه می‌توانند به تحقق بخشیدن اهداف آموزشی روش تدریس این‌جانب کمک کنند؟

مقدمه

هم‌زمان با پدیده گلوبالیزه شدن جهان، جهان به شدت در حال دیجیتال شدن می‌باشد. همان‌طور که ظهور عصر ارتباطات و اینترنت به پدیده جهانی شدن کمک می‌کند پدیده گلوبالیزه شدن هم اهمیت روزافزون اینترنت را به‌عنوان بستر نوآوری و توسعه و توانمند کردن انسان‌ها تسهیل می‌نماید. بی‌تردید تکنولوژی‌های اینترنتی در تمامی عرصه‌ها به توسعه و رشد بشر کمک کرده‌اند. همین‌طور نقش بی‌بدیل این موهبت‌های بزرگ در ارتقای کیفیت آموزش به‌طور کل و آموزش زبان به‌طور اخص که یکی از نقاط مورد تأکید سیستم‌های آموزشی به‌ویژه در کشورهای پیشرفته است بر کسی پوشیده نیست. منابع بی‌شمار و مؤثری که دنیای دیجیتال برای پیشبرد آموزش به‌ویژه در کلاس‌های زبان ارائه می‌دهد و نیز منفعتهای بی‌شماری که محیط‌های آکادمیک اینترنت محور به فراگیران می‌دهند، این‌جانب را بر آن داشت که در این فصل به ارائه راهبردی مؤثر جهت به خدمت‌گیری تکنولوژی‌های اینترنتی به متصدیان امر آموزشی بپردازم (حسینی، ۲۰۰۶). چنین راهبردی اهدافی را که این‌جانب از طریق بکارگیری روش تدریس خودم پیگیری می‌کنم تسهیل و تسریع می‌کنند چراکه تکنولوژی‌های اینترنتی نه‌تنها به استقلال فراگیران می‌انجامد بلکه به بیدار و آگاه‌سازی آن‌ها هم کمک شایانی می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد این بیداری و آگاهی به آزادی آن‌ها و نهایتاً آبادی جوامع آن‌ها می‌انجامد. بنابراین همکاران محترم و حتی مؤسسات و دانشگاه‌ها می‌توانند با روش پیشنهادی در این فصل تکنولوژی‌های اینترنتی را برای پیشبرد اهداف خود به خدمت بگیرند.

پایگاه به‌کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک

واقعیت این است که به خدمت‌گیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک کار چندان ساده‌ای نیست چراکه تغییر ذائقه همکاران از به‌کارگیری روش‌های سنتی آموزش به بکارگیری روش‌هایی که بر محور فناوری‌های روز هستند کار دشواری است. سختی این کار به این دلیل است که چنین تغییر ذائقه‌ای در واقع تغییر در فرهنگ و نگرش متصدیان امر آموزش و همکاران را می‌طلبد. در هر صورت برای عملیاتی کردن این‌جانب برای به‌کارگیری تکنولوژی‌های روز اینترنتی در محیط‌های آکادمیک به یک تیم متخصص نیاز می‌باشد که در عین حال مسئولیت‌پذیر و کوشا هم باشند. همان‌طور که در شکل ۵ نشان داده شده است در واقع طرحی که این‌جانب ارائه داده‌ام یک مرکز تخصصی به‌کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی با چهار زیرمجموعه می‌باشد:

۱. مرکز کنترل
۲. بخش آموزش
۳. بخش ارزشیابی
۴. بخش لجستیک



شکل ۵. مرکزهای پایگاه تخصصی به کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک

در اینجا بنا بر اهمیت راهبردی این طرح در قسمت‌های ذیل به شرح وظایف هر مرکز در این پایگاه می‌پردازم (ضمیمه ۱۰ را هم ببینید).

مرکز کنترل

مرکز کنترل در واقع قلب طرح پیشنهادی این جانب (پایگاه به کارگیری تکنولوژی‌های اینترنتی در محیط‌های آکادمیک) می‌باشد. علاوه بر چند متخصص آموزش (زبان) و چند متخصص در حوزه آزمون این مرکز باید چند متخصص آی تی (IT) هم داشته باشد. این افراد در ابتدا باید در نظر داشته باشند که محیط‌های آموزشی اینترنتی که درصدد ایجاد آن هستند باید به نحوی طراحی شوند که فعالیت و درگیری فراگیران در فرایند یادگیری را سبب شوند. ضمن این‌که در این مرکز همیشه باید یک یا چند متخصص آنلاین به خدمات‌دهی مستمر بپردازند. بنابراین ضمن جذاب و پویا بودن این محیط‌ها باید بر اساس نیازهای فراگیران طراحی شوند و بر فرایند یادگیری و نه محصول آموزش تمرکز داشته باشند. این محیط‌ها همین‌طور باید فضایی را به وجود بیاورند که فراگیران را ترغیب به ریسک کردن در طی فرایند یادگیری نمایند و به رشد تفکر خلاقانه و انتقادی آن‌ها بینجامند. اگر چنین شود یادگیری مؤثر و باکیفیت اتفاق خواهد افتاد. متخصصانی که به صورت آنلاین در این محیط‌ها به ارائه خدمات و سرویس می‌پردازند باید فرایند یادگیری فراگیران را رصد کرده و مواظب باشند که هیچ‌یک از اعضای تیم‌های فراگیران از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی نکنند. افراد متخصص مرکز کنترل می‌توانند با ارائه بازخوردهای به موقع و سنجیده خود به این موارد بپردازند.

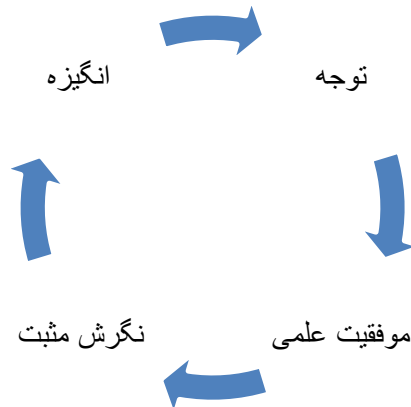
مرکز کنترل باید به موارد ذیل هم بپردازد:

۱. شناسایی و بررسی نیازهای فراگیران
۲. مشخص کردن اهداف آموزشی بر مبنای نیازهای فراگیران
۳. برنامه‌ریزی درسی بر مبنای اهداف آموزشی
۴. تهیه و تدوین مواد آموزشی جذاب و واقعی
۵. طراحی یک سیستم ارزشیابی مناسب و انگیزه آور عادلانه

۶. تعریف و معرفی سرویس‌های قابل‌ارائه به فراگیران
 ۷. ایجاد تعامل مثبت و سازنده و هم‌راستا بین بخش‌های آموزش، ارزشیابی (آزمون) و لجستیک
 ۸. تشویق افراد متخصص در بخش‌های آموزش، ارزشیابی و لجستیک به به‌روز کردن اطلاعاتشان. به‌عنوان مثال معرفی انجمن‌های اساتید در رشته‌های مختلف به متخصصان بخش آموزش را ه مؤثری جهت ارتقای توانایی‌های آن‌ها می‌باشد. البته استفاده از فضاهای مجازی که به‌عنوان مثال تلگرام، واتس‌آپ و وایبر در اختیار متخصصان هر بخش می‌گذارد هم برای تعامل آن‌ها و نیز ارتقای دانششان مفید می‌باشند.
- متخصصان مرکز کنترل باید توجه داشته باشند که هرگونه کوتاهی آن‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی فضای مجازی‌ای که در اختیار کاربران قرار داده‌اند بینجامد که این خود مخل فرایند یادگیری نیز می‌باشد. ضمناً متخصصان مرکز کنترل باید توجه داشته باشند که فضاهایی را که برای فراگیران فراهم کرده‌اند باید:
۱. به‌نوعی طراحی شده باشند که به‌عنوان مثال با ارائه انواع متفاوت متن‌ها، گرافیک‌ها و فایل‌های صوتی و تصویری تمام فراگیران باسلیقه‌های متفاوت را رازی نگه‌دارند.
 ۲. یادگیری تعاملی و اکتشافی را تشویق نمایند.
 ۳. توالی و ترتیب ارائه مطالب را در صفحات متفاوت و متوالی رعایت کنند.
 ۴. کاربرد استراتژی‌های فراذهنی را تشویق نمایند.
 ۵. از انواع گرافیک‌ها برای نشان دادن انواع ارتباطات بین مطالب استفاده کنند.
 ۶. انواع موارد مرتبط با مسائل آموزشی (مثل بازی‌ها، ودکست‌ها، پودکست‌ها و فیلم‌ها و ترانه‌ها) را به‌صورت قابل‌دانلود در اختیار فراگیران قرار دهند.

بخش آموزش

افراد متخصص امر آموزش (زبان) باید به خاطر بسپارند که در عصر فعلی ارتباطات از طریق فضاهای مجازی نقش آن‌ها از صرفاً انتقال‌دهندگان دانش به تسهیل‌کنندگان فرایند یادگیری تغییر کرده است. این فضاهای مجازی منابع غنی‌ای از انواع مواد و فعالیت‌های آموزشی معتبر و به‌روز که از باورها و اندیشه‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی نشأت گرفته‌اند در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. انواع وبلاگ‌ها^۱، ویکی‌ها^۲، وبسایت‌ها^۳ و مودل‌ها^۴ فرصت‌های ناب‌ی را برای یادگیری واقعی، انعطاف‌پذیر و تعاملی برای فراگیران با توانایی‌ها، استعدادها، پیشینه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت فراهم می‌آورند. چنین محیط‌هایی درواقع تضادها و تفاوت‌ها را در خدمت یادگیری و رشد شخصیت و منش فراگیران قرار می‌دهند. این محیط‌ها نه‌تنها فرصت‌هایی را به فراگیران برای به‌کارگیری زبان و به اشتراک‌گذاری استراتژی‌ها، علایق، باورها و نگرش‌های خود با اعضای تیم‌هایشان و نیز با کل کلاس به آن‌ها می‌دهند بلکه برخی از این فضاها فرصت تعامل فراگیران را با هم‌رده‌های خود در سایر کشورها نیز به آن‌ها می‌دهند. فراگیران در چنین محیط‌هایی فرصت دارند تا عقاید و باورهای خود و نیز فهم خود از دنیای پیرامون خود و نیز شرایطی را که در آن زندگی می‌کنند با دیگران در سطح محلی، ملی و بین‌المللی به وسیله ابزارهای مالتی مدیا به اشتراک بگذارند. مهم‌تر اینکه چنین محیط‌هایی خستگی فراگیران را که ناشی از کلاس‌های کلاسیک آن‌ها می‌باشد از آن‌ها می‌گیرند و آن‌ها را شاداب‌تر و پویاتر نموده و به رشد استعدادها و توانایی‌های آن‌ها کمک می‌کنند. طبیعی است که چنین محیط‌هایی نگرش فراگیران را نسبت به فضاهای یادگیری و خود مقوله یادگیری هم مثبت‌تر می‌کنند و نگرش مثبت انگیزه فراگیران را برای یادگیری ارتقاء می‌دهد که این خود باعث درگیر شدن فعال‌تر آن‌ها در فرایند یادگیری و درنتیجه موفقیت آن‌ها می‌شود (شکل ۶).



شکل ۶. رابطه دوسویه بین نگرش، انگیزه، درگیری در فرایند یادگیری و یادگیری

در اینجا لازم است یادآوری شود که قبل از بکارگیری فضاهای مجازی معلمان و مدرسان باید مطمئن شوند که فراگیران در بکارگیری این فضاها مشکلی نداشته باشند و از اطلاعات کافی برخوردار باشند. در غیر این صورت باید کارگاه‌های آموزشی موردنیاز برای ارتقای مهارت‌های فراگیران در این زمینه برگزار شود. در این کارگاه‌ها قواعد و اصول و اسلوب پذیرفته‌شده در کلاس‌های این‌جانب و نیز فرهنگ مورد تأکید این‌جانب نیز باید به فراگیران آموزش داده شود. همین‌طور در این کارگاه‌ها فراگیران باید با شگردهای مختلف جستجوی اطلاعات در فضای مجازی آشنا شوند و بیاموزند که چه جاهایی و از چه کانال‌هایی دنبال چه اطلاعاتی باشند. انواع روزنامه‌ها، مجلات علمی، گروه‌های تخصصی، کتابخانه‌های مفید آنلاین و پایگاه‌های اطلاعاتی باید به فراگیران معرفی شوند. فراگیران باید بیاموزند که چگونه از طریق آنلاین و یا آفلاین با دیگران به تبادل آرا و اطلاعات بپردازند. متخصصان بخش آموزش باید موارد ذیل را هم جزو وظایف خود در نظر بگیرند:

۱. انتقال مؤثر اطلاعات از طریق فضاهای متفاوت مجازی که می‌توانند توسط سیستم‌های سمعی و بصری و چت‌های کنفرانسی صوتی و تصویری نیز حمایت شوند.
۲. تشویق به مشارکت فعال‌تر فراگیران در آزمون‌های آنلاین و آفلاین.
۳. بازخورد مناسب و کافی و به‌موقع دادن به فراگیران. البته استفاده از تکنولوژی‌های موبایل مثل تلگرام، وایبر، واتس‌آپ و کانال هم نباید در این راستا مورد غفلت واقع شوند.
۴. ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام فراگیران و نیز درگیر کردن تمام آن‌ها به‌طور هم‌زمان.

نهایتاً فعالیت‌های ذیل هم باید توسط متخصصان آموزش و یا همان مدرسان (زبان) در نظر گرفته شوند:

۱. آموزش و تست انواع لغات مهم و کلیدی از طریق انواع فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، بازی‌ها و ترانه‌ها.
۲. آموزش و تست انواع فرمول‌ها و مسائل مربوط به گرامر از طریق انواع تصاویر، کارتونها و فیلم‌ها و غیره.
۳. پرداختن به ارتقای مهارت‌های شنیداری و محاوره‌ای فراگیران از طریق فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و چت روم‌ها
۴. تمرین مهارت خواندن و نوشتن از طریق وبلاگ‌ها، ویکی‌ها و ایمیل‌ها

همین‌طور متخصصان امر آموزش باید دقت کنند که ضمن تلاش برای به‌کارگیری تمام حواس پنج‌گانه فراگیران به ارتقای تمام هوش‌های آن‌ها نیز توجه داشته باشند.

بخش آزمون

نقش بی‌بدیل آزمون در هیچ محیط آکادمیکی نمی‌تواند نادیده گرفته شود. بنابراین فضاهای مجازی هم استثنا نیستند. افراد متخصص ارزشیابی فراگیران باید موارد ذیل را در ارزشیابی فراگیران در فضاهای مجازی در نظر بگیرند:

۱. اندازه‌گیری توانایی‌ها و مهارت‌های فراگیران در شرایط واقعی که به‌ویژه در فضاهای مجازی راحت‌تر قابل‌دسترس هستند.
۲. برگزاری به‌موقع و استاندارد آزمون‌ها و حمایت آنلاین از فراگیران در امر تست زدن و آزمون دهی.

بخش لجستیک

بدون تردید آموزش در فضاهای مجازی بدون همکاری و همیاری افراد متخصص در بخش لجستیک امکان‌پذیر نیست. از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های بخش لجستیک به‌قرار ذیل می‌باشند:

۱. به‌روزرسانی مناسب و به‌موقع سایت و یا فضای آموزشی و
۲. ارائه سرویس‌های اینترنتی باکیفیت و مناسب

همین‌طور همکاران لجستیک باید در جریان باشند که راهنمای استفاده از امکانات و نیز تاریخ‌های برگزاری کلاس‌ها و آزمون‌ها را به‌موقع در اختیار فراگیران قرار دهند. ضمن این‌که آن‌ها باید توجه داشته باشند که فراگیران باید به طیف متنوعی از ابزارهای الکترونیکی جهت دسترسی به اطلاعات برای ارتقای دانش خود دسترسی داشته باشند.

نتیجه

تردیدی نیست که در عصر و شرایط حاضر همکاران محترم باید از روش‌های آموزش سنتی به روش‌های مدرن آموزش که بر به‌کارگیری فضاهای مجازی برای ارتقای دانش و مهارت‌های فراذهنی فراگیران برای زندگی موفق در سیاره دیجیتال‌مان تأکید دارند روی‌آورند. چنین فضاهایی ضمن بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی نسل فردا در بهبود نگرش، منش و شخصیت آن‌ها هم مؤثر خواهند بود که این خود همان توانمند کردن نسل فردا می‌باشد. بنابراین فضاهای مجازی تسهیل‌کننده فرایند یادگیری و رشد و تکامل فراگیران که در کلاس‌های ما اتفاق می‌افتند می‌باشند.

سوا لاتی برای بحث و گفتگو

۱. برخی دیگر از مسئولیت‌های مرکز کنترل، بخش آموزش، بخش ارزشیابی و بخش لجستیک را در پایگاه مورد بحث در این فصل نام ببرید.

۲. فضاهای مجازی چگونه می‌توانند به براندازی حکومت‌های دیکتاتوری که از مهم‌ترین اهداف روش تدریس این‌جانب می‌باشد کمک کنند؟

پی‌نوشت‌ها

۱. وبلاگ

وبلاگ فضای مجازی‌ای هست که فرصت‌های بی‌شماری را جهت آموزش و یادگیری به‌ویژه در کلاس‌های زبان ارائه می‌دهد. به‌عنوان مثال می‌توان از طریق وبلاگ به ارائه توضیح همراه با عکس و فیلم پرداخت. همین‌طور با استفاده از وبلاگ می‌توان از کلاس آزمون آنلاین هم گرفت. وبلاگ برای استفاده پیشبرد اهداف آموزشی در کلاس‌های پرجمعیت هم مؤثر می‌باشد. ضمن اینکه از طریق وبلاگ می‌توان راجع به نقش و کارایی خود (به‌عنوان معلم) هم از فراگیران نظرسنجی کرد. برای ساختن یک وبلاگ مناسب می‌توانید از wordpress.com یا blogfa.com کمک بگیرید.

۲. ویکی

ویکی بسیار شبیه وبلاگ می‌باشد اما برخلاف وبلاگ که پست‌های شما در آن غیرقابل تغییر می‌باشند در ویکی پست‌ها قابل‌ویرایش کردن و تغییر دادن هستند. درواقع ویکی وبلاگی تعاملی هست که در آن کاربران می‌توانند نسبت به نظریات یکدیگر واکنش (بیشتر در فرم نوشتاری) داشته باشند. بنابراین برخلاف بلاگ‌ها که معمولاً توسط معلم ایجاد و کنترل می‌شوند و فراگیران تنها می‌توانند نظر یا پیشنهاد و انتقاد داشته باشند که در صورت صلاح‌دید معلم چاپ می‌شوند ویکی‌ها توسط چند نفر (معلم و فراگیران) ویرایش و اداره می‌شوند. سایت wiki.com امکان به وجود آوردن ویکی رایگان را به شما می‌دهد.

۳. وبسایت

برخلاف بلاگ‌ها و ویکی‌ها وبسایت‌ها فضا و امکانات بسیار گسترده‌تری را در اختیار کاربران قرار می‌دهند. در وبسایت‌ها صفحات زیادی در اختیار شما قرار می‌گیرد که به‌راحتی می‌توانید در آن‌ها سیر و اعمال نظر نمایید. اگر می‌توانید مطالبتان را از طریق بلاگ‌ها و ویکی‌ها ارائه دهید بهتر است از آن‌ها استفاده نمایید چراکه برخلاف وبلاگ‌ها و ویکی‌ها که رایگان هستند وبسایت‌ها هزینه‌بر هستند. می‌توانید از webs.com به طراحی برخی وبسایت‌های رایگان نیز بپردازید.

۴. مودل

مودل فضای مجازی باز و ارزان و حتی رایگانی می‌باشد که می‌توان در آن به ارائه کلاس‌های رسمی مجازی پرداخت. در این کلاس‌ها فراگیران حضوروغیاب شده و ورود و خروج و فعالیت‌های آن‌ها ثبت می‌شوند. همانند بلاگ‌ها، ویکی‌ها و وبسایت‌ها در مودل‌ها هم می‌توان به دیگر فضاهای مجازی لینک زد. برای داشتن یک مودل (رایگان) می‌توانید از سایت moodle.com استفاده کنید.

=====

فصل چهاردهم

ضرورت و راهکارهای پرداختن به تفکر انتقادی در رژیم آموزشی ایران

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۱۶۶
مقدمه.....	۱۶۷
ویژگی‌های متفکرین منتقد.....	۱۶۸
تفکر انتقادی و پیشرفت شغلی و حرفه‌ای.....	۱۶۸
تفکر انتقادی و تمدن.....	۱۶۸
ملزومات اورژانسی ایجاد و ترویج تفکر انتقادی و خلاق در ایران.....	۱۶۹
برخی روش‌های پرورش تفکر انتقادی.....	۱۶۹
نتیجه.....	۱۷۱
سؤالاتی برای بحث و گفتگو.....	۱۷۲

=====

سؤالات سازمان دهنده

۱. در باره رابطه تفکر انتقادی و تمدن و یا انحطاط بحث کنید.
۲. چند روش جهت پرورش تفکر خلاق و انتقادی در فراگیران به معلمان و اساتید پیشنهاد دهید.

۳. به نظر شما یک روش تدریس مناسب برای پرورش و ارتقای تفکر انتقادی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

۴. توصیه شما به سیاست‌گذاران آموزشی جهت پرورش تفکر خلاق و انتقادی در نسل فردا چیست؟

مقدمه

در اهمیت "تفکر" همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرمودند "یک ساعت تفکر بهتر از ۷۰ سال عبادت است." روشن است که منظور پیامبر از تفکر، تفکر به معنای واقعی آن بوده است و نه تفکر سطحی و انتزاعی. دلیل این توصیه پیامبر هم می‌تواند این بوده باشد که تنها زمانی می‌توانیم به مدینه فاضله خود برسیم که عقلانیت، مدنیت، ظلم‌ستیزی، حقیقت‌مداری و عدالت محوری را در شهروندان نهادینه کنیم. و نکته اینجاست که وقتی می‌توان این ویژگی‌ها را در امور فردی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایجاد کرد که شهروندان را با مهارت‌های تفکر و تفکر انتقادی که لازمه آن جسارت و شهامت هم هست توانمند سازیم. این نکته مورد توجه رئیس‌جمهور محترم (آقای دکتر روحانی) هم بوده است زیرا ایشان بر «ترویج فضای نقادی در مدارس و پرهیز از مطیع بار آوردن فراگیران به‌عنوان یک ضرورت» تأکید دارد و انتظار خود را از مسئولان آموزشی «تربیت نسلی منتقد و پرسشگر» عنوان می‌کند. بنابراین رژیم آموزشی ما باید به‌جای انتقال دانش و اطلاعات به نسل فردا بیشتر به تربیت نسلی جسور و شجاع و پرورش مهارت‌اندیشیدن در سطوح بالاتر و تفکر انتقادی و اصول آن در آن‌ها بپردازد چراکه این موارد لازمه زندگی درست و هدفمند به‌ویژه در عصر و شرایط حاضر هستند.

کسب مهارت تفکر انتقادی که از مهارت‌های مهم موردنیاز زندگی موفق است برای هر فردی ضروری می‌باشد چراکه تفکر انتقادی برای سازمان‌دهی و مدیریت ارتقای کیفیت تفکر، یادگیری مؤثر، حل مسئله، تصمیم‌گیری و نتیجتاً برای برپایی جامعه‌ای باثبات و شکوفا در جهان پیچیده کنونی که پیوسته در حال تغییر و تحول است لازم است. تفکر انتقادی - که ارتباط تنگاتنگی با خلاقیت و توانایی حل مسئله دارد - "آمیزه‌ای است از دانش، نگرش و مهارت به کار بردن این دانش و نگرش در حیطه‌ی عمل". در تفکر انتقادی است که فراگیران یاد می‌گیرند برای هر مشکل بیش از یک راه‌حل وجود دارد. واتسون و گلیزر توانایی تفکر انتقادی را توانایی در ۵ مهارت ذیل می‌دانند:

۱) استنباط

استنباط نتیجه‌ای است که فرد از پدیده‌های به وقوع پیوسته به دست می‌آورد. مثلاً اگر کسی ظاهری موجه و عمامه و تسبیح و جای مهر بر روی پیشانی‌اش داشته باشد، شخص می‌تواند استنباط کند که او فردی روحانی و خداپرست است. البته این استنباط می‌تواند درست یا نادرست باشد، مثلاً ممکن است این فرد برای رسیدن به هدف و یا موقعیتی خاص از این حربه‌ها استفاده کرده باشد. استنباط، توانایی تشخیص داده‌های درست از نادرست از میان اطلاعات داده‌شده می‌باشد.

۲) شناسایی مفروضات

مفروض عبارتی است که از پیش در نظر گرفته می‌شود، بدیهی فرض شده و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می‌گردد. وقتی می‌گویید در انتخابات ریاست جمهوری بعدی اصلاح‌طلبان پیروز خواهند شد فرض می‌کنید اصلاح‌طلبان در میان مردم محبوبیت زیادی دارند و مواردی از این قبیل. شناسایی مفروضات در حقیقت توانایی تشخیص مفروضات پیشنهادی از عبارات بیانی می‌باشد.

۳) استنتاج

در استنتاج از مقدماتی منطقی نتیجه و یا نتایجی گرفته می‌شود. در استنتاج پیش‌داوری‌های ذهنی ناپیستی بر قضاوت و نتیجه‌گیری تأثیر بگذارد چراکه این فرآیند را از شیوه منطقی خود خارج می‌کند و باعث نتیجه‌گیری نادرست می‌شود. در استنتاج حرکت ذهنی از جزء به‌سوی کل می‌باشد بدین ترتیب که از مقدماتی جزئی نتیجه کلی گرفته می‌شود. همچنین در استنتاج توانایی تفکیک مقدمات و داده‌ها از نتیجه کلی حائز اهمیت است. (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰: ۶۱)

۴) تعبیر و تفسیر

تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آن‌ها می‌باشد. در این فرآیند بایستی قضاوت شود که آیا نتایج به‌طور منطقی از داده و مقدمه‌های خود گرفته شده است یا خیر؟ بنابراین در تعبیر و تفسیر استنتاجی صورت نمی‌گیرد بلکه نتایج در دسترس ما می‌باشد و موضوع مهم این است که داده‌ها و مقدمه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند و برآورد شود که آیا نتایج گرفته شده از آن‌ها درست است یا نادرست؟ (واتسون و گلنزر، ۱۹۸۰: ۷۲)

۵) ارزشیابی استدلال‌های منطقی

در موارد مهم تصمیم‌گیری درباره انتخاب استدلال‌های قوی و ضعیف، مطلوب‌تر آن است که بتوانیم استدلال‌های قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. یک استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم و هم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و یک استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم‌اهمیت باشد و یا تنها با جنبه‌های علمی و کم‌اهمیت سؤال در ارتباط باشد. (واتسون و گلنزر، ۱۹۸۰: ۸۹)

ویژگی‌های متفکرین منتقد

برخلاف افراد عادی، متفکرین منتقد اهل تردید منطقی و درعین حال خوب شنیدن و کسب اطلاعات و تلاش فراوان هستند. آن‌ها اعتماد به نفس بالایی دارند و به شدت جسور و به‌ویژه در تفکر کردن اهل ریسک کردن هستند و علاقه‌مند به دور شدن از عرف و عادات و شکستن سنت‌ها و مرزها هستند. به عبارت دیگر آن‌ها از اشتباه کردن و مورد تمسخر واقع شدن ابایی ندارند و علاقه‌مند هستند که خطوط قرمز را درنوردند. آن‌ها کنجکاو هستند و سعی می‌کنند بین امور نامربوط ارتباط برقرار کنند. آن‌ها توانایی تحمل ابهام و جسارت پرسیدن سؤالات لازم را دارند. آن‌ها به هیچ‌عنوان قضاوت عجولانه ندارند و تفکر انعطاف‌پذیر دارند. همین‌طور آن‌ها همه‌جانبه‌نگر هستند چراکه غالباً امور را در سطح گسترده‌تری مورد مطالعه قرار می‌دهند و به راحتی از یک ارزیابی به ارزیابی دیگر می‌رسند. آن‌ها توانایی جدایی فکر از متفکر را دارند و در دام ریاکاران نمی‌افتند و به راحتی هر چیزی را که می‌بینند و می‌شنوند باور نمی‌کنند و نمی‌پذیرند. به شدت از تقلید، تقلب، ظاهرسازی و سفسطه بازی بیزارند. آن‌ها قاطعیت دارند و ترقی‌خواه و طرفدار ارزش‌های انسانی هستند.

تفکر انتقادی و پیشرفت شغلی و حرفه‌ای

در فضای کسب‌وکار در دنیای پیچیده کنونی مردم با اطلاعات فزاینده‌ای مواجه هستند که در رسانه‌های جمعی، ماهواره‌ای و فضای مجازی انتشار می‌یابد. واقعیت این است که مواجه شدن با این حجم بالای اطلاعات - بدون داشتن مهارت‌های تفکر انتقادی - از نظر اجتماعی و سیاسی می‌تواند بسیار مضر و زیان‌بار باشد.

تفکر انتقادی و تمدن

زندگی در جوامع دموکراتیک، متمدن و پویا نیازمند داشتن آگاهی و قوه تحلیل انتقادی نسبت به هنجارها، فرهنگ و ساختار حکومتی و قوانین و مقررات اجتماعی سیاسی است. تفکر انتقادی باعث می‌شود شهروندان این جوامع در خصوص امور اجتماعی، سیاسی و حکومتی قوه تشخیص و بینش داشته باشند و فریب نیرنگ‌ها و عوام‌فریبی سیاستمداران را نخورند و به تقلید کورکورانه از آن‌ها دست نزنند. برخلاف نظام‌های دموکراتیک که آموزش و پرورش در آن‌ها عنصری رهایی‌بخش است تا ضمن سعادت و بالندگی مردمان باشد، در نظام‌های استبدادی و غیر متمدن، رژیم تعلیم و تربیت به گونه‌ای طراحی می‌شود که خروجی آن‌ها شهروندانی فاقد قوه تفکر انتقادی باشند که تنها برای شنیدن و پذیرش بی‌چون‌وچرای سخنان و اوامر حاکمان تربیت می‌شوند. در واقع آموزش و پرورش در چنین نظام‌هایی ابزاری برای استحمار، استعمار و استثمار مردم ناتوان (از نظر فکری) عمل می‌کند. انسان‌های فاقد اندیشه انتقادی در این جوامع - که حاصل رژیم تعلیم و تربیتی آن‌ها هستند - با حضور غیر نقادانه خود در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - در عمل - کمک شایانی به بروز و ماندگاری حکومت‌های استبدادی و اردوگاه تمامیت خواهان می‌کنند. اما در نظام‌های دموکراتیک، سیستم آموزشی شهروندان را فهمیم و

آگاه به مسائل اجتماعی سیاسی و حقوق شهروندی خود بار می‌آورد. آموزش و پرورش در چنین نظام‌هایی در خدمت خلق ارزش‌های مدنی و پرورش شهروندانی متمدن است که ضامن رشد و تعالی و سعادت جوامع خود هستند. بنابراین، تحقق آرمان‌های یک نظام دموکراتیک در برقراری آزادی، عدالت اجتماعی و سعادت بشر در کشورهای توسعه‌یافته در سایه تربیت انسان‌هایی آگاه، بصیر، متفکر، کنجکاو، جستجوگر، منتقد، علت و معلول یاب، استدلال‌گرا، تحلیل‌گر، روشمند، مشارکت‌جو، فعال و قانونمند میسر شده است و نه در سایه تربیت انسان‌هایی کوچک، غیرمتخصص و بی‌کفایت، سبک‌مغز و تنگ‌نظر، ریاکار و بله‌قربان‌گو، متملق و چاپلوس و شیفته جاه و مقام و ریاست که نسبت به ظلم‌ها و ستم‌ها و تبعیض‌ها و اختلاس‌ها و غارت‌های پیرامون خود توسط ریاکاران دین‌فروش خنثی و بی‌تفاوت هستند.

ملزومات اورژانسی ایجاد و ترویج تفکر انتقادی و خلاق در ایران

همان‌طور که اشاره شد عامل اصلی تمام گرفتاری‌های ما این است که کمتر فکر می‌کنیم و بیشتر اعمال خود را بر اساس سنت یا روش‌های متداول و آنچه به ما دیکته کرده‌اند انجام می‌دهیم. نتیجه این خط و مشی هم این است که تکامل و پیشرفت کمتر و کندتری داریم. جالب است که بدانید اکثریت کودکان ایرانی تا قبل از ورود به مدرسه بسیار کنجکاو، ریسک‌پذیر، اهل پرسش و منتقد هستند اما متأسفانه بعد از اینکه از مدرسه و یا حتی دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند نه تنها این ویژگی‌ها در آن‌ها ارتقا پیدا نکرده بلکه خیلی کمتر حتی حفظ شده‌اند. تمام آنچه می‌خواهیم بگویم این است که رژیم آموزشی ما نه تنها به شکوفایی قوای تفکر و خلاقیت شهروندان نمی‌انجامد بلکه آن‌ها را در نطفه خفه کرده و به صلیب می‌کشد و از شهروندان موجوداتی رام و آرام و مطیع بار می‌آورد. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته برای جلوگیری از چنین فجایعی تمهیدات چشمگیری اندیشیده‌اند. به‌عنوان مثال آن‌ها حتی «فلسفه» را به برنامه‌های درسی دبستان‌ها اضافه کرده‌اند تا کودکان شیوه‌های تفکر، قضاوت و استدلال و استنتاج را از این سنین بیاموزند. ساست‌گذاران آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته معتقدند که در دنیای کنونی آنچه اهمیت دارد تجزیه و تحلیل و نحوه کاربرد اطلاعات است و نه صرف داشتن اطلاعات.

بنابراین هدف اصلی تعلیم و تربیت ما هم باید تربیت انسان‌های متفکر، خلاق، منتقد و ... باشد. بر همین اساس نه تنها خود معلمان باید ایجت‌های نقد و پرسشگری و انتقاد باشند بلکه همه دروس ارائه‌شده در مدارس و دانشگاه‌ها هم باید به فراگیران کمک کنند تا ضمن استدلال، مطالبی را تجزیه و تحلیل و ارزشیابی کنند تا بدین‌وسیله تفکر انتقادی در آنان شکل گیرد و برای رقابت‌ها و چالش‌های واقعی در عرصه کار و زندگی در دنیای به‌سرعت متغیر و پیچیده کنونی آماده شوند. برای ایجاد و ترویج تفکر انتقادی و خلاق در رژیم آموزشی ایران، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باید حداقل از این پس تغییرات بنیادین در موارد زیر را - که قبلاً به آنها پرداختم - در نظر بگیرند:

۱. اهداف آموزشی
۲. منابع انسانی
۳. مواد آموزشی
۴. روش‌های تدریس
۵. سیستم ارزشیابی

برخی روش‌های پرورش تفکر انتقادی

همکاران محترم بایستی توجه داشته باشند که روش‌های نوین تدریس از جمله روش‌های اکتشافی و روش تدریس منحصر به فرد این‌جانب (حسینی ۱۳۹۱) با تشویق کردن فراگیران به فکر کردن، مهارت تفکر کردن، خلاقیت و حل مسئله را در آن‌ها رشد می‌دهند. نکته‌ای که این‌جانب بر آن اصرار دارم این است که همکاران محترم نباید دیکتاتور مابانه به اداره کلاس بپردازند. آن‌ها باید سعی کنند ضمن ایجاد جوی صمیمی، ارتباطات عاطفی و عقلانی مناسبی با فراگیران برقرار کنند. آن‌ها باید توجه داشته باشند که خلاقیت و تفکر انتقادی زمانی شکل می‌گیرند که به استقلال، فردیت، عقاید، سوالات و ابهامات فراگیران احترام بگذارند و به آن‌ها این آزادی را در کلاس بدهند که آنچه را درست می‌پندارند و استدلال می‌کنند، ارائه کنند

و نه اینکه یک سری موضوعات تجویزی و فرموله شده را ارائه دهند. ضمن اینکه همکاران باید کلاس را تشویق به انتقاد کردن از مطالب درسی، ساختن ایده‌های خارج از ذهن و ترکیب ایده‌ها کنند و قوانین یورش فکری را پیاده نمایند. از آنجا که مهارت‌های تفکر و توانایی آفرینندگی قابل آموزش است، در طول پروسه تدریس برای متفکر و منتقد بار آوردن فراگیران موارد زیر را نیز در نظر بگیرید:

۱. در کلاس جوی رقابتی (تیمی رقابتی)، شاد و پویا بیافرینید.
۲. اهمیت توجه، مشاهده دقیق و آزمایش را به فراگیران یادآور شوید.
۳. سعی کنید فراگیران از نظر علمی و شخصیتی به حد کمال برسند چراکه دانش و منش مناسب لازمه تفکر انتقادی منطقی می‌باشند.
۴. به فراگیران مهارت‌های حل مسئله را آموزش دهید و آن‌ها را به استفاده از این مهارت‌ها ترغیب نمایید.
۵. به‌ویژه به ایده‌ها و سؤالات متفاوت فراگیران به‌دقت گوش دهید و برای آن‌ها احترام و ارزش قائل شوید.
۶. به‌جای پرسش از دانسته‌های فراگیران بر پرسش از خلأهای موجود در دانش آن‌ها تمرکز داشته باشید.
۷. به‌جای تأکید بر به یادآوری مطالب توسط فراگیران به سمت توجه به استفاده تازه از آموخته‌ها و بازسازی مطالب توسط آن‌ها گام بردارید.
۸. به‌جای تأکید بر پاسخ صحیح به سمت ارتقای نحوه تفکر و استدلال فراگیران گام بردارید.
۹. به‌جای توجه به پاسخ‌های مشخص و صحیح پاسخ‌های متعدد، متنوع و غیرمعمول را هم ارج نهدید.
۱۰. به‌جای توجه به نتایج کسب‌شده به سمت توجه به فرایند انجام‌شده گام بردارید.
۱۱. مواد و مطالب آموزشی متنوعی را برای تکمیل کتب درسی معمول تهیه و تدوین کنید. این مواد و مطالب آموزشی باید غنی و پرمعنا باشند به‌طوری‌که یادگیری آن‌ها توسط شاگردان با ارزش تلقی شود.
۱۲. به فعالیت‌های درسی همانند "قضاوت کردن"، "طبقه‌بندی کردن"، "تجزیه و تحلیل کردن" و تکنیک‌هایی چون استفاده از پرسش و پاسخ به روش سقراطی و روش اتصال عناصر بی‌ربط پردازید.
۱۳. از روش بارش مغزی استفاده کنید. در روش بارش مغزی قضاوت به تأخیر می‌افتد و فراگیران از دریچه‌های مختلف به مسئله نگاه می‌کنند و به‌این ترتیب ظرفیت تفکر و خلاقیت در آن‌ها افزایش می‌یابد و به ایجاد عقاید و اندیشه‌های آفریننده منجر می‌شود.
۱۴. به‌وسیله پرسیدن سؤالات راهبردی که برانگیزاننده تفکر انتقادی شاگردان باشند - و نه سوا لاتی که بله یا خیر می‌طلبند - کمک کنید تا ابهام در تفکر شاگردان رفع گردد. همین‌طور خیلی مهم است که شاگردان را تشویق به سؤال پرسیدن و نقد و انتقاد کردن کنید.
۱۵. آموزش مستقیم مهارت‌های تفکر را که به آن اشاره کردم فراموش نکنید.
۱۶. از فراگیران بخواهید تا حوادث و رویدادهای مهم زندگی شخصیت‌های متفکر و خلاق را در کلاس درس به نمایش بگذارند. (ترجیح با حوادثی است که در آن قهرمانان نقش‌های مخالفی را بازی می‌کنند.)
۱۷. بحث‌ها و مناظره‌های کلیدی و مرتبط با زندگی فراگیران را در زمینه‌های موضوعات بحث‌برانگیز در قالب کار تیمی و بحث کلاسی اجرا کنید.
۱۸. از نقش بازی و دوباره‌سازی دیدگاه‌های مخالف و تجزیه و تحلیل تجربیات فراگیران غفلت نکنید.
۱۹. از فراگیران بخواهید تا در جلسات و گردهمائی‌های اجتماعی در جامعه محلی خود شرکت کرده و برنامه‌های میزگرد تلویزیونی را تماشا کرده و دیدگاه‌های مختلف را مورد بحث قرار دهند.
۲۰. از فراگیران بخواهید تا در مورد یک مسئله اجتماعی، انتقادات و نظرهای خود را برای سردبیر یک مجله یا روزنامه نوشته و در کلاس بخوانند.
۲۱. از تکالیف نوشتاری اثربخش که بر مسائل و موضوعات واقعی تأکید می‌کنند در جریان آموزش استفاده کنید. از جمله این تکالیف خلاصه کردن، نوشتن مقاله‌های تجزیه و تحلیل کوتاه و یا نقد مطالب و تمرین حل مسائل موجود در روزنامه‌ها و مجلات می‌باشند.

۲۲. از سؤالات باز و تشریحی و تحلیلی برای امتحانات استفاده کنید. مثلاً به جای اینکه پرسید در مورد این مسئله نظر فلان دانشمند چیست باید پرسد نظر این دانشمند با یک دانشمند دیگر چه تفاوت‌هایی دارد و از فراگیران بخواهید آن را تحلیل کنند.

۲۳. به فراگیران بیاموزید که از وقایع و رویدادهای محیط پیرامونشان به‌سادگی نگذرند و درباره آن‌ها بحث و استدلال کنند.

۲۴. به آموزش تفاوت میان واقعیت، دیدگاه و ارزشیابی و قضاوت منطقی به شاگردان بیاموزید.

۲۵. زمانی می‌توانید نسل فردا را متفکر و منتقد و اثرگذار بار آورید که خود الگویی مناسب در این راستا باشید. بنابراین نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت و خنثی نباشید و سعی کنید به‌عنوان الگویی از ایجت تغییر و توسعه به آگاه‌سازی انتقادی شاگردانتان و شهروندان بیاموزید.

۲۶. در کارایی روش تدریس این‌جانب یک‌لحظه تردید نکنید و آن را جهت رسیدن به مدینه فاضله به خدمت بگیرید. - منابع را ببینید.

نتیجه

یکی از مشکلات عمده در کشور ما فقدان تفکر خلاق و نگاه نقادانه در دانش‌آموختگان، مدرسان، مواد آموزشی و روش‌های تدریس است. این امر به‌نوبه خود سبب رکود فکری و در نتیجه عقب‌ماندگی و درماندگی جامعه شده است. در دنیای پیچیده امروز که به‌شدت با تشتت آرا و عقاید و ایدئولوژی‌ها و حتی آیین‌ها و مذاهب روبروست، هیچ گزینه‌ای جز پرداختن به تفکر انتقادی و خلاقانه در رژیم آموزشی کنونی کارساز نیست. به‌ویژه مهارت تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها برای رویارو شدن با واقعیت‌های دنیای مدرن امروز است. تفکر انتقادی به‌عنوان عنصر رهایی‌بخش، افراد را از حالت انفعالی و برده‌وار بودن بیرون می‌آورد و به آن‌ها مهارت‌ها و توانایی‌هایی می‌بخشد تا بجای تقلید کورکورانه از الگوها و پذیرش بی‌چون‌وچرای والدین، معلمان، سیاستمداران و رسانه‌ها، بتوانند در جستجوی حقیقت و دانایی، درک پدیده‌های اجتماعی و آزادی باشند. مهم‌تر اینکه تفکر انتقادی به شهروندان کمک می‌کند تا به‌عنوان ایجت‌های بیدارسازی انتقادی جامعه نقش مؤثرتری در سرنوشت خود و تغییر و توسعه و آبادانی جامعه ایفا نمایند. در چنین شرایطی تمرکز سیاستمداران نباید بر نقش معلمان و استادان به‌عنوان تنها منابع دانش و اطلاعات باشد بلکه تمرکز آن‌ها باید بر تربیت شهروندانی باشد که مهارت جستجوی اطلاعات، سازمان‌دهی، استدلال، تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات و نهایتاً به‌کارگیری آن‌ها را به صورتی روشمند داشته باشند.

علاوه بر مواردی که در این مقاله اشاره شد، برای ارتقای خلاقیت و مهارت تفکر انتقادی فراگیران پیشنهاد می‌شود در محیط‌های آموزشی در طول هفته یک جلسه به بیان مشکل چند فراگیر اختصاص داده شود و از فراگیران خواسته شود که فکر کنند و راه‌حل‌های ممکن برای حل این مشکل را در برگی‌ای بنویسند و ارائه دهند و در فرصت مناسبی دیگر راه‌حل‌ها را بررسی کرده تا توانایی خویش را در حل مشکلات ببینند و تفکراتشان را توسعه دهند. حمایت از افکار خلاق و نقاد، حمایت از پژوهش‌های علمی و تشکیل گروه‌های فکری مختلف، تأسیس انجمن‌ها و کانون‌های سازنده تفکر و نظریه‌پردازی به‌ویژه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و صدا البته پرداختن به "کرسی‌های آزاداندیشی" در مدارس و دانشگاه‌ها از جمله راهکارهای دیگری است که در این زمینه پیشنهاد می‌شود. "کرسی‌های آزاداندیشی" یک گام مؤثر به‌سوی دموکراسی و دنیای متمدن و فاصله گرفتن از ارتجاع، بربریت، استبداد و خودکامگی و فساد و فلاکت و عقب‌ماندگی است "به شرط آنکه" کسانی که در این بحث‌ها به ارائه نظرات "متفاوت" می‌پردازند وارد لیست سیاه نشده و علاوه بر خودشان عزیزانشان هم از حقوق شهروندی خود منع نشوند و به روش‌های فاشیستی محسوس و نامحسوس مطرود و از زندگی و هستی ساقط و نهایتاً معدوم نشوند - که اگر چنین شود حاکمان ما همان مرتجعین ترقی‌خواهی! هستند که جز به معدوم کردن دگراندیشان جهت استعمار، استعمار و استثمار راحت‌تر ملت و تاراج هر چه بیشتر سرمایه‌های آن‌ها نمی‌اندیشند.

در خاتمه یک‌بار دیگر یادآور می‌شوم که تمام کسانی که در اصول و اسلوب حکومت‌داری تفکر و تأمل کرده‌اند متقاعد شده‌اند که سرنوشت حاکمان در رابطه مستقیم با نوع شیوه آموزش جوانان است. و این جانب به این نتیجه قطعی رسیده‌ام که به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب که بر پایه تئوری آموزش سیاسی م می‌باشد انحطاط باقی‌مانده حکومت‌های

ارتجاعی و استبدادی عصر حجری را در دنیای متمدن و مترقی امروز به دنبال خواهد داشت چراکه بر این باور هستیم که با در نظر گرفتن توصیه‌های این جانب است که می‌توانیم به شاگردانمان (شهروندان) کمک کنیم تا با تأمل در واقعیاتی که پیرامون ما هستند به حقیقت برسند. و نکته در اینجا است که همان‌طور که حضرت عیسی مسیح (ع) فرمودند حقیقت ما را به سوی آزادی رهنمون خواهد شد. بنابراین یک ساعت تفکر درست و باکیفیت و هدفمند که ما را به برنامه‌ریزی و واکنش فعالانه ترغیب کند بهتر از قرن‌ها کورکورانه عبادت و راز و نیاز کردن به‌ویژه تحت سیطره حکومت‌های مرتجع، مستبد و تمامیت‌خواه است.

سوالاتی برای بحث و گفتگو

۱. آیا شما ویژگی‌های متفکرین منتقد را دارید؟ چرا؟
۲. آیا در ایران مهارت تفکر انتقادی باعث موفقیت کاری و اجتماعی می‌شود؟ چرا؟
۳. برای برپایی جوامعی متمدن تر چه راهکارهای دیگری پیشنهاد می‌دهید؟

=====

منابع و مآخذ این فصل

۱. چت مایرز، آموزش تفکر انتقادی، خدایار ابیری، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۲. تفکر نقدی چیست و چگونه آن را بهبود بخشیم؟ خبرگزاری مهر، دسترسی در شانزدهم مهر ۱۳۸۵، www.bashgah.net
۳. عفت رسولی ثانی آبادی، راهکارهای ارتقاء علوم انسانی و رشته‌های آن در کشور، ترویج تفکر انتقادی و خلاق. دسترسی در شانزدهم اسفند ۱۳۹۴ <http://www.ensani.ir/fa/content/89050/default.aspx>
۴. بررسی نقش تفکر انتقادی در زندگی اجتماعی، محمدرضا نیستانی - داوود امام وردی <http://www.pac.org.ir/fa/?c=content&id=171>

فصل پانزدهم

لزوم ارتقای بینش سیاسی دانش
آموزان و دانشجویان

جامعه علیل و بحران زده امروز ما که سرشار از ظلم و ستم و فقر و فساد و فحشا و غارت و ربا و استبداد است نتیجه رژیم آموزشی ما می باشد که از حدود یک قرن پیش تا کنون برای استعمار و استثمار مردم ایران به آنها تحمیل شده است. همانطور که توضیح داده شد بن مایه این رژیم آموزشی حفظ کردن، طوطی وار تکرار کردن، دوباره گفتن، میمون وار تقلید کردن، و گوسفندوار زندگی کردن در محیط های خشک، رسمی، یک سویه و تصنعی است که در آنها اکثریت نادیده گرفته می شوند. این در حالی است که رژیم تعلیم و تربیت باید به رشد همه جانبه نسل فردا در عرصه های اعتقادی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیستی و سیاسی بپردازد تا آنها را برای ورود و زندگی موفق در دنیای پیچیده امروز و دنیای پیچیده تر فردا آماده کند. آموزش و پرورش و آموزش عالی باید در پی ایجاد دانش، نگرش، ارزش ها و مهارت هایی باشند که فراگیران را قادر می سازند به عنوان شهروند آگاه و فعال در جامعه مشارکت کنند. اما واقعیت این است که به ویژه بی توجهی به تربیت و روشننگری سیاسی در مدارس و دانشگاه ها باعث شده است که جامعه ما از افراط و تفریط در مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همینطور نبود احزاب رنج ببرد.

بر خلاف باور برخی، تمام امامان ما که باید الگوی ما باشند سیاسی بوده اند. در آموزه های دینی ما همواره تربیت انسانی موحد، عدالتخواه و ظلم ستیز مورد تاکید بوده است. در همین راستا است که بر خلاف نظر بعضی حضرات که معتقد هستند پرداختن به مسایل سیاسی در محیط های آموزشی برای رژیم تعلیم و تربیتی ما "سم" است اینجانب بر لزوم تربیت سیاسی نسل فردا در محیط های آکادمیک تاکید دارم چرا که معتقد هستم کلاس های ما کسری از جامعه می باشند و در جامعه مسائل سیاسی هم هست و به آن پرداخته می شود. ضمن اینکه همانطور که اشاره شد ما باید شاگردانمان را برای ورود به جامعه که اتفاقاً به شدت سیاسی است آماده کنیم. بنابراین شاگردان ما باید «آگاه به مسائل سیاسی» بار آیند. این امر بسیار حایز اهمیت است چرا که همانطور که گفته شد خطرناک ترین نوع بیسوادی، بیسوادی سیاسی است. یک بیسوادی سیاسی که درک و بینش سیاسی ندارد به این سطح از درک و فهم نرسیده است که تمام مشکلات و بدبختی های ما نتیجه تصمیم گیری ها و انتخاب های ما در حوزه سیاست می باشند. واضح است که این نوع انسان های بی سواد انسان های سبک مغزی هستند که نمی فهمند که بی توجهی به سیاست و مسایل سیاسی است که به جوامع بحران زده می انجامد و روز به روز بر فساد صاحبان قدرت و رهبران مستبد و بسته تر شدن جوامع تحت سیطره آنها می افزاید. بنابراین از آنجا که شاگردان ما هم ظاهراً حق رأی دادن و انتخاب دارند و حاکمانی که آنها انتخاب می کنند علاوه بر سرنوشت خودشان سرنوشت ما را هم رقم می زنند، آنها باید در مدارس و دانشگاه ها با دیدگاه ها و احزاب متفاوت سیاسی آشنا شوند و بینش سیاسی خود را ارتقا دهند. بیدار و آگاه سازی نسل فردا از آنجا حائز اهمیت است که این امر مانع پدیدار شدن و رشد کردن رهبران و باندها و احزاب تمامیت خواه فاسد که اهل ربا و غارت و چپاول هستند می شود. تمام آنچه می خواهم بگویم این است که کسانی که می گویند پرداختن به مسایل سیاسی در محیط های آموزشی سم است ریگی در کفش دارند! تصور امثال من این است که آنها از آگاه و بیدار شدن مردم تحت سیطره خود وحشت دارند و بنابراین به هر نحو ممکن از این کار جلوگیری می کنند و در برابر آگاه و سیاسی شدن شهروندان جبهه می گیرند و مانع تراشی می کنند.

منظور اینجانب از تربیت سیاسی کمک به رشد، آگاهی و دانایی و ارتقای مسئولیت پذیری، قدرت تحمل مخالف، به رسمیت شناختن حقوق دیگران، قانون مداری، روحیه مشارکت پذیری، نقد پذیری، انتقادگری و ایجاد روحیه سوال و پرسشگری و پژوهش و از همه مهمتر قدرت تشخیص حق از باطل، ظلم ستیزی و تصمیم گیری و تصمیم سازی در حوزه ی سیاست و جامعه است؛ به صورتی که دانش آموزان و دانشجویان بدانند که چگونه با هموعان خود تعامل سازنده داشته باشند، چگونه اولویت و مصلحت را تشخیص دهند، و چگونه مردم و به ویژه حاکمان را دعوت به خیر و نپهی از منکر کنند و چگونه با ظالمین به مبارزه بپردازند. نکته حایز اهمیت دیگر در تربیت سیاسی که باید به آن اشاره شود این است که تربیت سیاسی مشارکت مدنی را که مبنای دموکراسی و تمدن است در پی دارد. بعبارت دیگر رشد اندیشه دموکراسی عمدتاً به میزان

مشارکت افراد جامعه در فعالیت و تعیین و ایجاد ارزش های سیاسی بستگی دارد. بنابراین باید فرصت های مشارکت برای آحاد مردم از جمله دانش آموزان و دانشجویان فراهم شود و مشارکت در فعالیت های سیاسی برای هر شهروندی بدون هیچ گونه اختلاف و تبعیضی امکان پذیر باشد. از طرف دیگر خلاقیت و نبوغ و توسعه و تمدن در بستر آزادی هم شکل می گیرند و آزادی هم نتیجه ارتقای آگاهی ها و بینش سیاسی جامعه است. بنابراین دانش آموزان و دانشجویان هم باید حقوق شهروندی و سیاسی و نقش شان در اداره، مالکیت و آینده کشور را بشناسند.

معلمان و اساتید محترم می توانند با تکنیک های متفاوت مانند بحث و گفت و گو کردن پیرامون مسائل اقتصادی، اجتماعی و به ویژه مسایل سیاسی در کلاسهای خود به ارتقای دانش و بینش دانش آموزان و دانشجویان بپردازند. به عنوان مثال آنها می توانند در ابتدا " منشور حقوق دانش آموزی / دانشجویی " و بعد حقوق شهروندی و مسیولیت های رهبران و مسیولین در قبال مردم را به شاگردان خود آموزش دهند. همچنین آنها می توانند با حساس کردن شاگردانشان نسبت به پدیده های اجتماعی سیاسی و پرورش روحیه استدلال گری و نیز نفی آنها از تقلید محض و کورکورانه گامی موثرتر در جهت تربیت سیاسی آنها بردارند. با توجه به نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری و نیز دیگر انتخاباتها در کشور، همکاران محترم می توانند از هم اکنون به روشننگری نسل فردا و شهروندان بپردازند. آنها می توانند آدرس برخی سایتهای مفید در این زمینه را در اختیار شاگردان خود قرار دهند. حتی مدارس و دانشگاه ها می توانند از صاحب نظران و کارشناسان دعوت کنند تا به پرسش های دانش آموزان / دانشجویان در این خصوص پاسخ داده شود. فراهم نمودن فرصت مشارکت دانش آموزان و دانشجویان در تشکل های مدنی و اجتماعی از قبیل شورای دانش آموزی / دانشجویی نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. ضمناً داشتن یک وب سایت و یا چاپ نشریه ای با هدف ارتقای آگاهی های دانش آموزان و دانشجویان در ارتباط با مسائل روز، توسط هر مدرسه و یا دانشگاه ضروری به نظر می رسد.

حاکمان و دولتمردان هم باید درک کنند که برای رسیدن به جامعه ایده ال خود باید گام اول را با تمرکز بر ارتقای کیفیت رژیم تعلیم و تربیت خود بردارند تا ناگزیر نباشند برای مقابله با نقص های مدیریتی و حکومتی خود و ترس و وحشت انداختن در دل مردم ناراضی روزه روز بر تقویت نهادهای نظامی و امنیتی و بنیه نظامی خود افزوده و خود را در حالیکه فقر و فساد و فحشا در مملکت بیداد می کند در مسیر پر هزینه و بی بازگشت رقابت های نظامی قرار دهند. همینطور آنها باید متوجه باشند که سیاست را که از ضرورت های زندگی جمعی دردنیای مدرن امروز است نمی توان به حاشیه راند. همانطور که اشاره شد سیاست گریز کردن مردم خیانت به مردم و خدمت به حاکمان و سیاستمداران و نهادهای فاسد و چپاول گر است. آموزش و پرورش و آموزش عالی وظیفه دارند سیاست را به عنوان یک ضرورت زندگی جمعی در برنامه های آموزشی خود بگنجانند و برای تربیت سیاسی دانش آموزان و دانشجویان محتوا و روش های آموزشی لازم را تهیه و تدوین و اجرا کنند. فراهم سازی زمینه های فعالیت نهادهای مدنی دانش آموزی و دانشجویی بستری برای تمرین کنشگری سیاسی هستند که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. ضمن اینکه بنا بر ضرورت تربیت شهروندانی منتقد و آشنا به حقوق شهروندی در عصر و شرایط حاضر، دست اندرکاران امر آموزش باید در محتوای برنامه درسی، مولفه های تفکر انتقادی را نیز بگنجانند و از معلمان و اساتید بخواهند که در تدریس دروس مختلف به موازات ارتقای بینش سیاسی فراگیران به ارتقای مهارت تفکر انتقادی آنها نیز که لازمه ارتقای بینش سیاسی است بپردازند تا فردایی بهتر و آبادتر را برای خود و هم نوعان خود رقم بزنند.

فدریکو مایر، مدیر کل سازمان جهانی یونسکو، گسترش فرآیند «صلح» و «دموکراسی» و توسعه موزون را منوط به "شیوه های آموزش معلمان" و نقشی که آن ها در ارتباط با دانش دارند، می داند. اینجانب - به عنوان یک معلم - بر این باور هستم که اگر می خواهیم در شکل گیری و توسعه جوامع انسانی، شاد، مترقی و دموکراتیک و متمدن و درنهایت در شکل گیری صلح جهانی سهیم باشیم باید ترتیبی دهیم تا آینده سازان این مرزوبوم علاوه بر کسب مهارت های علمی، نورم ها و اصول و اسلوب و مهارت های دموکراتیک را نیز در کلاس هایشان کسب نموده و در خود نهادینه کنند. به عبارت دیگر، کلاس های ما - که می توانند به صورت دموکراتیک اداره شوند - باید به ارتقای مهارت های اجتماعی، سبک های تفکر، نگرش و منش و شخصیت نسل فردا بینجامند. همین طور شهروندان باید در طول زندگی آکادمیک خود متفکر، استدلال گرا، علت و

معلول یاب، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و آگاه به مسائل اجتماعی و به ویژه مسائل سیاسی نیز بار آیند تا قادر باشند با موفقیت با واقعیات دنیای پیچیده کنونی مواجه شوند و نقش بسیار مؤثرتری در سرنوشت خود و ما ایفا نمایند. روش تدریس این‌جانب که مبتنی بر ارزشهای دموکراتیک می باشد در این راستا طراحی و ارائه شده است. این‌جانب معتقد هستم که تربیت دموکراتیک که این‌جانب بر آن تاکید دارم به عنوان بن مایه تکوین و تضمین جامعه مردم سالار متمدن و پویا می باشد. محیط های آکادمیک دموکراتیکی که این‌جانب با بکارگیری روش تدریس برای تربیت شاگردانم خلق می کنم در واقع باشگاهی هستند برای تمرین مهارت‌های سیاسی و رفتارهای مدنی، دموکراتیک و متمدن.

=====

فصل شانزدهم

پیشنهادها به مسئولان و متصدیان امر آموزش

مطالب

سؤالات سازمان دهنده.....	۱۷۷
مقدمه.....	۱۷۸
سیاست گذاران آموزشی.....	۱۷۹
تولیدکنندگان مواد آموزشی.....	۱۸۰
روش شناسان.....	۱۸۰
معلمان و مدرسان.....	۱۸۰
طراحان و برگزارکنندگان آزمونها.....	۱۸۱
محققان.....	۱۸۱
نتیجه.....	۱۸۱
سؤالاتی برای بحث گفتگو.....	۱۸۲

=====

۱. از نظر شما چه کسانی و چرا مسئول اصلی بدبختی‌های برخی جوامع بشری هستند؟
۲. با توجه به دانشی که از خواندن این کتاب کسب کرده‌اید پیشنهادهای خود را به مسئولان و متصدیان ذیل ارائه دهید:

- سیاست‌گذاران آموزشی
- مؤلفین منابع آموزشی
- برنامه ریزان آموزشی
- روش (متد) شناسان
- معلمین
- طراحان سؤالات و
- محققین

۳. چگونه مسئولان نامبرده شده در سؤال بالا می‌توانند در تغییر جوامع غیرمتمدن امروزی به جوامعی متمدن و پویا نقش داشته باشند؟ به عکس این قضیه هم بپردازید.

مقدمه

هرچند هنوز روش‌های سنتی آموزش در غالب کشورهای دنیا به کار گرفته می‌شوند اما با طلوع هزاره سوم شاهد ظهور روش‌های فراگیر محور که بر تعامل بین فراگیران تأکید دارند هستیم. در چنین شرایطی است که توجه صاحب‌نظران آموزشی به سوی روش‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند جلب شده است. نظریات ساختن گراها از جمله ابوعلی سینا و بعدها دیویی و ویگاتسکی به کارگیری این روش‌ها را توجیه می‌نمایند. بر مبنای این باور که یادگیری و به کارگیری زبان پدیده‌ای تعاملی و اجتماعی می‌باشند ساختن گراها بر اهمیت نقش تعامل در محیط‌های آکادمیک صحنه گذاشته‌اند چراکه بر این باور هستند که آنچه درباره زبان فراگرفته می‌شود نتیجه تعاملات بین فراگیران می‌باشد.

همان‌طور که جانسون (۱۹۸۵) هم اشاره کرده است اهمیت روش‌های کار گروهی در این است که به چیزی ورای موفقیت آکادمیک فراگیران می‌اندیشند. جانسون معتقد است که خواندن و نوشتن و مهارت‌هایی از این دست خوب هستند اما اگر نتوانیم از آن‌ها در تعاملات روزمره و در زندگی به نحو احسن استفاده نماییم هیچ ارزشی ندارند. این جانب هم در ادامه چنین نظراتی بارها مطرح کرده‌ام که مسلط بودن به مهارت‌هایی از قبیل نوشتن و خواندن و مهارت‌هایی دیگر از این دست و حتی توانایی به کارگیری آن‌ها در تعاملات و زندگی روزمره در دنیای واقعی خوب هستند اما وقتی که تمامیت‌خواهان حاضر نیستند به شما گوش کنند- چه رسد به اینکه با شما گفتگو کنند- صرف کسب این مهارت‌ها خیلی مفید فایده نخواهد بود. مسئولیت و مشارکت پذیر بار آوردن نسل فردا خوب است اما چنانچه آن‌ها در دنیایی سرشار از ظلم و ستم و فساد و غارت و ربا و استبداد زندگی کنند هیچ ارزشی ندارند. تمام آنچه می‌خواهم بگویم این است که روش‌های سنتی و حتی روش‌های به اصطلاح مدرن آموزشی امروزی قبلاً از رده خارج شده‌اند چراکه قادر نیستند پاسخگوی نیازهای واقعی بشر در دنیای پیچیده امروز باشند. فراگیران در زندگی آکادمیک خود نه تنها باید عالم، مسئولیت‌پذیر و مشارکت پذیر بار آیند بلکه باید طوری تربیت شوند که بتوانند از پس چالش‌های فرارویشان در دنیای واقعی و رقابتی امروز نیز برآیند. آن‌ها همین‌طور باید یاد بگیرند که ضمن مشارکت‌جو بودن اهل رقابت و سیاست هم باشند و از اهمیت نقش خود در ساختن دنیایی بهتر برای خود و هم نوعانشان غفلت نکنند.

در چنین شرایطی است که این جانب روش تدریس خودم را ارائه داده‌ام. با توجه به قدرت تغییر در نگرش و منش و رفتاری که در فراگیران دارد، روش تدریس این جانب در واقع اسلحه‌ای آموزش است برای رهاسازی مستضعفان و مظلومان از یوغ ستم و استبداد معاویه‌های زمان. - اسلحه‌ای مؤثر برای رهاسازی مظلومان که از قضا اکثریت را هم تشکیل می‌دهند اما بی‌رحمانه برای بقای طاغوت و سپاه اهریمنی او از تمامی حقوق اولیه خود محروم گشته‌اند. و رهاسازی ستمدیدگان معنایی جز سرنگونی استبداد و آپارتاید نمی‌دهد. بنابراین روش تدریس این جانب که بویژه بر موارد ذیل تمرکز دارد شاهراهی برای نیل

به سعادت بشر می‌باشد. در شرایط کنونی چاره‌ای جز تغییرات بنیادین در نگرش‌ها و نوع اهداف گذاری خود در حوزه آموزش نداریم. و لازمه برداشتن این گام این است که بپذیریم که در دنیای کنونی پرداختن به آموزش منهای در نظر گرفتن مسائل اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه مسائل سیاسی که شاگردان ما هم به آن‌ها مبتلا هستند امری عبث و بیهوده می‌باشد. چنین تغییراتی اجتناب‌ناپذیر هستند هرچند ممکن است به‌ویژه در ایران زمان بیشتری ببرند. در بخش‌های ذیل به ارائه پیشنهادهایی به متصدیان امر آموزش می‌پردازم.

سیاست‌گذاران آموزشی

مؤلفه‌های زیادی بر کیفیت آموزش تأثیرگذار هستند که نباید مورد غفلت واقع شوند. چه کسی قرار است چه چیزی را به چه کسی و به چه منظور، چگونه، کجا و کی تدریس کند سؤالاتی هستند که باید در نظر گرفته شوند. در هر صورت با توجه به‌منظور این‌جانب از نگارش این کتاب سیاست‌گذاران آموزشی باید توجه داشته باشند که در دنیای در حال گلوبالیزه شدن کنونی روش تدریس این‌جانب که بر پایه تئوری‌ام ارائه شده است می‌تواند با توجه به تأکیدی که بر کار تیمی و خرد جمعی دارد منشأ اثر و دگرگونی به‌ویژه در آموزش ایران باشد. همان‌طور که گفته شد یادگیری به‌صورت تیمی در محیط‌های رقابتی که انعکاسی از شرایط دنیای کنونی می‌باشند می‌تواند در موفقیت آکادمیک و اجتماعی نسل فردا بسیار مؤثر باشد. نتایج تحقیقات متعددی که تاکنون راجع به اثربخشی روش تدریس این‌جانب صورت گرفته است این روش را نه تنها روشی مؤثر برای آموزش و یادگیری بلکه روشی برای زندگی معرفی می‌کنند که می‌تواند به‌صورت مؤثر کاستی‌های روش‌های تدریس فعلی را جبران نماید. این روش تدریس فراگیران را با کار شورایی و نیز قواعد و اصول و اسلوب دموکراتیک و انسانی برای مواجهه موفق با واقعیات دنیای پیچیده کنونی آشنا می‌کند و هم‌زمان به ارتقای آگاهی‌ها و بینش سیاسی آن‌ها می‌انجامد. بنابراین این روش تدریس روشی بسیار متفاوت و متمایز از روش‌های تدریس کنونی که حتی در غرب رایج هستند می‌باشد.

اما واقعیت این است که روش تدریس این‌جانب تنها در صورتی موفق خواهد بود که معلمان و فراگیران به وظایف و مسئولیت‌های خود آشنا باشند و خود را مقید به پیروی از فرهنگی نمایند که این‌جانب برای این روش تدریس در نظر گرفته‌ام. بنابراین باید برای آشنایی مدرسان و فراگیران با این روش تدریس برنامه‌ریزی شود. این روش تدریس می‌تواند از طریق مطالعه این کتاب و برگزاری سمینارها و ورک شاپ‌ها و سخنرانی‌هایی به علاقه‌مندان معرفی شود. در این‌گونه فعالیت‌ها علاقه‌مندان باید با اهداف، ویژگی‌ها، پایه‌های تئوریک و نیز مکانیسم و فعالیت‌های متفاوت روش تدریس این‌جانب آشنا شوند. آنان همین‌طور باید به روش‌های متفاوت تشکیل تیم، کار در تیم‌های ناهمگن، و خرد و تصمیم‌گیری جمعی آشنا شوند که این‌ها همه به‌نوبه خود به رشد شخصیتی آن‌ها نیز کمک می‌کند. مهم‌تر این‌که در این فعالیت‌ها علاقه‌مندان باید با چگونگی به‌کارگیری فضاهای مجازی برای موفقیت هرچه بیشتر این روش تدریس نیز آشنا شوند.

بنابراین به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب در سیستم آموزشی ما لازم است البته اگر می‌خواهیم در شکل‌گیری جامعه‌ای متمدن و پیشرو سهمی ایفا نماییم: جامعه‌ای که رهبران و شهروندانش به معنای واقعی انسان هستند، تحمل بالایی دارند و دارای نگرشی انسانی به پیرامون خود هستند و در نتیجه دور از تنفر، حسادت، ریاکاری، توطئه، ظلم، ستم، فساد، غارت، تبعیض، بربریت، ریا و استبداد هستند. تنها در این صورت است که می‌توانیم به سعادت واقعی برسیم.

در خاتمه لازم به یادآوری است که تأسیس یک دانشگاه مادر برای بالا بردن سطح دانش و نیز مؤثرتر کردن فعالیت‌های دپارتمان‌های زبان و نیز مؤسسات آموزشی زبان در سراسر ایران لازم و ضروری می‌باشد. چنین دانشگاهی که مختص به علوم مرتبط با زبان خواهد بود خود باید شامل دپارتمان‌های زیر باشد:

۱. دپارتمانی برای مطالعه و تحقیق بر روی زبان انگلیسی
۲. دپارتمانی برای مطالعه و تحقیق بر روی زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی
۳. دپارتمان روش‌شناسی
۴. دپارتمانی برای تهیه و تدوین برنامه و مواد آموزشی

۵. دپارتمانی برای توسعه دانش و مهارت‌های مدرسان و اساتید زبان و آشنایی آنها با آخرین تکنولوژی‌های روز و به‌ویژه تکنولوژی‌های اینترنتی جهت بهبود کیفیت آموزش زبان. این کار می‌تواند از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و ورک شاپ‌های ملی و بین‌المللی و نشر ژورنال‌های علمی انجام شود.
۶. دپارتمانی برای تهیه و تدوین آزمون‌های متفاوت

تولیدکنندگان مواد آموزشی

چون موفقیت روش تدریس این‌جانب به نوع و کیفیت مواد آموزشی و فعالیت‌های کلاسی بستگی دارد بنابراین آن‌ها طوری باید طراحی شوند که علاوه بر انعکاس واقعیات دنیای واقعی کیفیت کار تیمی در محیط‌های رقابتی را نیز افزایش دهند. برای اجتناب از تکرار به فصل ششم مراجعه شود.

روش شناسان

همان‌طور که قبلاً اشاره شد متأسفانه آموزش زبان انگلیسی در ایران موفق نبوده است. اگر مدرسان و معلمان بر به‌کارگیری روش‌های سنتی فعلی اصرار ورزند و روش‌های تدریس کارتر همچون روش این‌جانب را نادیده بگیرند شرایط در سال‌های آینده از این هم بدتر خواهد شد. به‌ویژه روش شناسان باید هم‌زمان با طلوع هزاره سوم نگرش خود را به مقوله آموزشی تغییر دهند و روش‌های جدید کارتر را که بر مبنای تئوری‌های منطقی‌تر شکل گرفته‌اند مدنظر بگیرند. از ویژگی‌های روش تدریس این‌جانب این است که به عنوان یک روش منطقی که واقعیات دنیای واقعی را منعکس می‌کند غالب فاکتورهای مؤثر در فرآیند یادگیری از قبیل نگرش و انگیزه فراگیران و نوع محیط یادگیری را در نظر می‌گیرد.

معلمان و مدرسان

همکاران محترم باید در نظر داشته باشند که فراگیری یک فرآیند پیچیده می‌باشد و بنابراین اگر آن‌ها بر بکارگیری روش‌های سنتی که قادر به ساختن نسلی توانمند نیستند ادامه دهند زحماتشان به هدر خواهد رفت. روش‌های سنتی فراگیران را از تجربه یادگیری واقعی بی‌نصیب می‌کنند و درنهایت این فراگیران و درواقع جامعه است که بازنده خواهد بود.

در هر صورت قبل از به‌کارگیری روش تدریسی خاص باید اهداف آموزش و نیز درجه راحتی به‌کارگیری روش تدریس مربوطه برای کلاس‌های متفاوت بررسی شوند. همکاران همین‌طور باید نوع روابطی را که می‌خواهند بین فراگیران حاکم کنند و امکانات کلاس و مهم‌تر از آن عقبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراگیران و علایق و سلیقه آن‌ها را نیز در نظر بگیرند. ضمن اینکه این نکته هم باید در نظر گرفته شود که به‌عنوان مثال روش تدریس این‌جانب می‌تواند برای کلاس‌هایی که خیلی تمایلی به روش‌های کار گروهی ندارند نیز بکار رود چراکه این روش تدریس ماهیتاً محیطی شاد و پویا و رقابتی را که حد واسط کار انفرادی و کار گروهی است به وجود می‌آورد. روش تدریس این‌جانب بر به‌کارگیری سیستماتیک کار تیمی در فرآیند یادگیری با توجه خاص به ۴ فاکتور ذیل تأکید دارد:

۱. ارزشیابی عادلانه
۲. رقابت تیم‌ها با یکدیگر
۳. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بین تمام اعضای هر تیم
۴. توجه ویژه به واقعیات دنیای واقعی.

همان‌طور که اشاره شد همکاران محترم باید توجه داشته باشند که قبل از به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب در کلاس‌هایشان باید یک جلسه توجیهی و آموزشی برای فراگیران برگزار نمایند. در این جلسه آن‌ها باید اهداف روش تدریس این‌جانب را از دیدگاه علمی و اجتماعی توضیح دهند، انتظارات خود را از فراگیران به آن‌ها توضیح دهند، سیستم ارزشیابی روش تدریس این‌جانب و نوع نمره و امتیازدهی را شفاف‌سازی نمایند، به بیان تفاوت‌های خروجی‌های فراگیرانی که با روش‌های سنتی آموزش می‌بینند و فراگیرانی که با استفاده از روش تدریس این‌جانب آموزش می‌بینند بپردازند و به آن‌ها

توضیح دهند که برخلاف روش‌های سنتی که معلم و حافظه محور هستند روش تدریس این‌جانب یادگیری و خرد و تفکر محور می‌باشد.

طراحان و برگزارکنندگان آزمون‌ها

واقعیت این است که نوع طراحی و حتی اجرای تست‌ها و آزمون‌ها نه‌تنها در نگرش فراگیران نسبت به مسائل آموزشی و نسبت به متصدیان امر آموزش تأثیرگذارند بلکه آینده جامعه را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. بنابراین تست‌ها و آزمون‌ها باید واقع‌گرا باشند و بتوانند مهارت‌های فراگیران را در کاربرد دانش و زبانی که آموخته‌اند در محیط‌ها و شرایط واقعی و گوناگون بسنجند. شرایط برگزاری آزمون‌ها هم باید طوری باشد که هیچ‌گونه استرسی را در فراگیران ایجاد نکنند تا آن‌ها بتوانند از تمام ظرفیت و پتانسیل خود استفاده کنند و در نتیجه واقعی‌تر ارزیابی شوند. هرچند هدف اصلی آزمون‌ها این است که مشخص کنند که آیا سیستم آموزشی به اهداف از پیش تعریف شده رسیده است یا نه اما طراحان و برگزارکنندگان آزمون‌ها می‌توانند آزمون‌ها را در خدمت اهداف آموزشی نیز قرار دهند.

محققان

با توجه به کمبود تحقیقات در مورد اثربخشی روش تدریس این‌جانب به‌ویژه در مقایسه با سایر روش‌های تدریس - از جمله روش‌های تدریسی که بر کار گروهی تأکید دارند - پیشنهاد می‌شود محققان درصدد پرداختن به این خلأ برآیند. به‌عنوان نمونه محققان می‌توانند در موارد زیر تحقیقاتی انجام دهند:

۱. کدام نوع روش‌های کار گروهی برای ارتقای مهارت‌های متفاوت زبانی از قبیل خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن فراگیران مؤثرترند؟
۲. کدام نوع روش‌های کار گروهی در کلاس‌های ریاضی، فیزیک و یا سایر درس‌ها مؤثرترند؟
۳. کدام نوع از روش‌های کار گروهی برای آموزش فراگیران استثنایی مؤثرترند؟
۴. کدام نوع از روش‌های کار گروهی با استفاده از فضاهای مجازی مؤثرتر خواهند بود؟
۵. کدام روش تدریس برای ساختن جوامعی خلاق‌تر، پویاتر و متمدن‌تر مؤثرتر خواهد بود؟ چرا؟

این سؤالات می‌توانند با توجه به گروه‌های همگن و ناهمگن، مذکر و یا مؤنث بودن فراگیران، گروه‌های کوچک و گروه‌های بزرگ، سطوح ابتدایی و یا سطوح پیشرفته و یا مناطق روستایی و یا مناطق شهری در نظر گرفته شوند. همین‌طور بهتر است عقبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراگیران و نیز سبک‌های یادگیری آن‌ها نیز در این تحقیقات در نظر گرفته شوند.

ضمناً اثربخشی روش‌هایی که بر کار گروهی تمرکز دارند در سطوح بالاتر مثل دانشگاه‌ها کمتر موردتوجه بوده است. شاید دلیل این امر این باشد که عموماً باور بر این است که دانشجویان تمایل زیادی به کار گروهی ندارند. اما از آنجاکه این نوع فراگیران تمایل بیشتری به رقابت و توضیح دادن و بحث کردن و استفاده از استراتژی‌های یادگیری دارند به نظر می‌رسد که به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب در سطوح بالاتر تحصیلی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. تحقیق در این حیطه نیز توجه محققان را می‌طلبد.

نتیجه

در این فصل سعی کردم که نیاز مبرم به یک تحول بنیادین در نگرش‌ها و تصمیم‌گیری دست‌اندرکاران امر آموزش را یادآور شوم. پیشنهاد این‌جانب این بود که با توجه به ویژگی‌های تمییز دهنده روش تدریس «یادگیری تیمی رقابتی» این روش تدریس در محیط‌های آکادمیک در تمامی سطوح به خدمت گرفته شود تا بدین طریق نه‌تنها به موفقیت تحصیلی فراگیران کمک کرده باشیم بلکه موفقیت اجتماعی آن‌ها در آینده را نیز تضمین نماییم. همان‌طور که گفته شد این امر میسر است چراکه در این روش تدریس نه‌تنها به ارتقای دانش و استراتژی‌های یادگیری فراگیران پرداخته می‌شود بلکه سعی می‌شود نگرش، منش، شخصیت و رفتارهای اجتماعی آن‌ها نیز بر مبنای اصول و اسلوب موردپذیرش در جوامع دموکراتیک و متمدن

ارتقاء یابد. همان‌طور که اشاره شد در کلاس‌هایی که فراگیران تحت قواعد و اهداف روش تدریس این‌جانب آموزش می‌بینند با اصول و قواعد زندگی دموکراتیک در دنیای واقعی نیز آشنا می‌شوند و به تمرین آن‌ها می‌پردازند و در نتیجه در آینده بهتر به شکوفایی جوامع متمدن و صلح جهانی کمک می‌کنند. فراگیران امروزی که در کلاس هایشان با روش تدریس این‌جانب آموزش می‌بینند و تربیت می‌شوند به هیچ‌عنوان زندگی در جوامع بسته و استبداد زده را بر نمی‌تابند. بنابراین بکارگیری روش تدریس این‌جانب راهبردی مناسب برای حذف آپارتاید و استبداد می‌باشد. البته متأسفانه من خودم را به خاطر ارایه و بکارگیری این روش تدریس نه تنها هیات علمی هیچ دانشگاهی و از جمله دانشگاه فرهنگیان نکردند بلکه در آموزش و پرورش (مشهد) هم که رسمی هستم روز به روز مطرودتر و منزوی‌ترم کردند. تا جایی که امسال (۱۳۹۴) هیچ کلاسی به من ندادند و تنها به عنوان یک مترجم - تحت نظر یک لیسانس - از من کار می‌گشند.

=====

سؤالاتی برای بحث و گفتگو

۱. اهداف اصلی سیستم‌های آموزشی مدرن چه می‌توانند باشند؟
۲. چه مهارت‌هایی برای زندگی در دنیای متمدن امروزی لازم هستند و کدام روش تدریس برای آموزش چنین مهارت‌هایی مؤثرتر است؟ چرا؟
۳. نقش کدام‌یک از متصدیان امر آموزش در بهبود کیفیت آموزش مؤثرتر است؟ چرا؟

=====

سخن آخر

توانمند کردن شهروندان - به منظور زندگی موفقیت‌آمیز در دنیای پیچیده امروز که به شدت رقابتی و با تشوت آرا روبروست- برای برپایی جوامعی متمدن و صلح جهانی، که رؤیای دیرینه بشر بوده است، لازم و ضروری می‌باشد. و واقعیت این است که روش‌های تدریس فعلی نمی‌توانند ما را به چنین هدفی رهنمون شوند. دلیل این امر هم این است که آنچه روش‌های تدریس فعلی سعی دارند از نسل فردا بسازند با آنچه دنیای واقعی از شهروندان انتظار دارد در یک راستا نیستند. بنابراین در شرایط کنونی به یک انقلاب و دگرگونی بنیادین در سیستم آموزشی فعلی نیاز داریم.

همان‌طور که اشاره شد تغییر غیرقابل‌اجتناب است و سیستم آموزشی ما هم چاره‌ای جز در نظر گرفتن تغییرات در دنیای واقعی و در جوامع امروزی را ندارد. روش تدریس این‌جانب گزینه‌ای مناسب برای بکار گرفتن در شرایط امروزی می‌باشد. این روش تدریس روشی مؤثر برای توانمند کردن و در نتیجه به سعادت رساندن نسل فردا می‌باشد چراکه علاوه بر مسائل آکادمیکی، مسائل اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و بویژه مسایل سیاسی را هم در نظر می‌گیرد. اگر متصدیان امر آموزش می‌خواهند نسل فردا مطیع محض و مظلوم بار نیایند و به رهاسازی آن‌ها از یوغ جهل و فقر و ستم و ترس و استبداد کمک کنند لازم است که به روش‌هایی از قبیل روش تدریس این‌جانب روی آورند که به واسطه آن نسل فردا علاوه بر این‌که به «کاربرد دانش (زبان) در محیط‌های واقعی» مسلط می‌شوند مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های تفکر، نگرش و منش و شخصیت خود را ارتقاء داده و متفکر، استدلال‌گرا، علت و معلول‌یاب، منتقد، خلاق، مشارکت‌جو و هم‌زمان اهل رقابت و آگاه به مسائل اجتماعی و به ویژه آگاه به مسائل سیاسی بار می‌آیند. همان‌طور که توضیح داده شد، روش تدریس این‌جانب - بنا بر تمرکز بر موارد ذیل - می‌تواند به عنوان اسلحه‌ای آموزشی در جوامع استبداد زده به خدمت گرفته شود:

۱. بکارگیری کار سیستماتیک تیمی
۲. اداره دموکراتیک کلاس
۳. آموزش راه‌های مؤثر تفکر بویژه تفکر انتقادی و تجزیه و تحلیل‌گرانه به شهروندان فردا
۴. ارج نهادن به اصول و اسلوب و قواعد و مهارت‌های مورد احترام در جوامع دموکراتیک و نهادینه کردن آنها در نسل فردا
۵. بحث و تبادل نظر در باره مسایل اجتماعی-سیاسی روز در کلاس به منظور ارتقای آگاهی‌ها و بینش سیاسی شهروندان

اما لازمه به وجود آوردن یک تغییر بنیادین در سیستم آموزشی ایران این است که تمام متصدیان و مسئولان امر آموزش اول از همه اذهان خود را از استعمار باورها و نگرش‌های نادرست و مربوط به دوران شترچرانی رهایی بخشند. آری باورها و نگرش‌های مربوط به دوران شترچرانی و عصر حجری که تا حال حاضر به سیستم آموزشی ما جهت داده و مسئول و بانی اصلی تمام معضلات کنونی جامعه از قبیل فقر و فساد و غارت و فحشا و طلاق و حتی جنگ و خونریزی بوده‌اند. و چنین تصمیمی شجاعت و صداقت می‌طلبد. سیاست‌گذاران و مسئولان و متصدیان امر آموزش باید توجه داشته باشند که اگر این تصمیم را نگیرند از این به بعد هم به ادامه این معضلات کمک خواهند کرد و باید روزی پاسخگوی ملت و تاریخ باشند. آن‌ها باید بپذیرند که اگر بر باورها و تصمیمات خود اصرار ورزند، مردم حق دارند که این قضاوت را داشته باشند که آن‌ها منافع خاص خود را در استعمار و استثمار و استحمار ملت از طریق رژیم آموزشی خود دارند. در هر صورت آن‌ها باید این توجه را هم داشته باشند که رسیدن به مدینه فاضله فقط تغییر در روش‌های تدریس را نمی‌طلبد - چنین تغییری لازم است اما به‌هیچ‌وجه کافی نیست. به عبارت دیگر، آن‌ها، همان‌طور که در فصل اول توضیح داده شد، باید در اهداف آموزشی، برنامه‌ریزی

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

آموزشی، منابع آموزشی و به‌ویژه معیارهای جذب نیروی انسانی متخصص نیز تجدیدنظر نمایند. اگر چنین شود جامعه ستمدیده ما- هرچند در درازمدت- به آرمان‌های خود خواهد رسید.

در خاتمه باید یک بار دیگر یادآور شوم که تمام کسانی که در اصول و اسلوب حکومت‌داری تفکر و تأمل کرده‌اند متقاعد شده‌اند که سرنوشت حاکمان در رابطه مستقیم با نوع شیوه آموزش جوانان است. و این جانب به این نتیجه قطعی رسیده‌ام که به‌کارگیری روش تدریس این‌جانب که بر پایه تئوری آموزش سیاسی م می‌باشد انحطاط باقی‌مانده حکومت‌های ارتجاعی و استبدادی عصر حجری را در دنیای متمدن و مترقی امروز به دنبال خواهد داشت.

=====

ضمایم

مطالب

ضمیمه ۱

برخی مطالب خارج از درس در کلاس‌های من! ۱۸۶

ضمیمه ۲

به خدمت گیری تکنولوژی اینترنت در محیط‌های آکادمیک ۱۹۵

ضمیمه ۳

نامه سرگشاده من به فانی (وزیر آموزش و پرورش) ۱۹۷

ضمیمه ۴

رزومه این‌جانب که به بیش از ۱۰۰ دانشگاه دولتی، آزاد، غیرانتفاعی و پیام نور در شهرها و روستاهای ایران ارائه دادم اما هیچ‌یک مرا نپذیرفتند؟! ۲۰۰

=====

ضمیمه ۱

بعضی مسائل که این جانب در زمان استراحت در کلاس‌هایم به آن‌ها می‌پردازم

همان‌طور که در روش تدریسی که بر مبنای تئوری آموزشی سیاسی خودم ارائه داده‌ام به آن می‌پردازم ما باید نسل فردا را برای ورود و کار و زندگی موفق در دنیای پیچیده فردا هم آماده کنیم. بنابراین هر سال در اولین جلسه از کلاس‌هایم بعد از معرفی خودم و همین‌طور ارائه دیدگاهم درباره اهمیت نقش آموزش و پرورش و نیز اهمیت زبان انگلیسی در دنیای کنونی این نکته را به شاگردانم یادآوری می‌کنم که آن‌ها در کلاس‌های من علاوه بر یادگیری کارآمد زبان برخی مهارت‌های اجتماعی را نیز می‌آموزند. مهم‌تر اینکه آن‌ها می‌آموزند که متفکر و اهل ریسک کردن در تفکر کردن، مشارکت‌جو، خلاق، منتقد و آگاه به مسائل سیاسی بوده و همواره و با هر روشی در ستیز با منابع فساد و غارت و ریا و استبداد باشند. دلیل پافشاری من بر این امور این است که من بر این باور هستم که کلاس‌های ما کسری از جامعه می‌باشند و در جامعه مسائل سیاسی هم هست و به آن پرداخته می‌شود. بنابراین این جانب تأکید دارم که شاگردان ما باید «آگاه به مسائل سیاسی» بار آیند چراکه بر این باور هستم که خطرناک‌ترین نوع بی‌سوادی، بی‌سوادی سیاسی است. یک بی‌سوادی سیاسی که درک سیاسی ندارد در واقع کور و کر است چراکه به این سطح از درک و فهم نرسیده است که تمام مشکلات و بدبختی‌های بشر نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های او در حوزه سیاست می‌باشند. بنابراین این نوع انسان‌های بی‌سوادی انسان‌های سبک‌مغزی هستند که نمی‌فهمند که بی‌توجهی به سیاست و مسائل سیاسی است که به جوامع سرشار از ظلم، ستم، فساد، قتل، غارت، ریا و استبداد می‌انجامد و روزبه‌روز بر فساد صاحبان قدرت و بسته‌تر شدن جوامع تحت سیطره آن‌ها می‌افزاید. مهم‌تر این که شاگردان من هم ظاهراً حق رأی دادن و انتخاب دارند! و حاکمانی که آن‌ها انتخاب می‌کنند علاوه بر سرنوشت خودشان سرنوشت ما را هم رقم می‌زنند. بنابراین شاگردان من باید با دیدگاه‌های متفاوت سیاسی آشنا شوند و بینش سیاسی خود را ارتقا دهند. بیدار و آگاه‌سازی نسل فردا از آنجا حائز اهمیت است که این امر مانع پدیدار شدن و رشد کردن رهبران و باندها و احزاب تمامیت‌خواه که اهل ریا و فساد و غارت و چپاول هستند می‌شود. کوتاه‌سخن این که همان‌طور که در صفحات بعد توضیح داده‌ام از نظر این جانب زبان اسلحه‌ای هست برای رهاسازی ستم دیدگان (می‌توانید مصاحبه‌ام با بی‌بی‌سی را در این زمینه در وبلاگم ببینید).

در ذیل به برخی موارد که این جانب بعد و یا در حین تدریس زبان در بزنگاه‌های خاص جهت توانمند ساختن نسل فردا به آن‌ها می‌پردازم اشاره می‌کنم:

۱. معلمان و روحانیون

به‌عنوان نمونه در روز معلم همان‌طور که اشاره کردم به شاگردانم یادآوری می‌کنم که معلمان و به‌ویژه روحانیون شغل انبیا را در پیش گرفته‌اند و بنابراین باید در خدمت اهداف متعالی الهی باشند و نه در خدمت حکومت‌ها و دربارها... آن‌ها باید از هر فرصتی استفاده کنند تا بر علیه ظلم و ستم و فساد و تبعیض و غارت و ریا استبداد که تحت لوای اسلام اتفاق می‌افتد پرده‌داری و افشاگری کنند و

۲. فلسفه

به شاگردانم می‌آموزم که قبل از انجام هر کاری به فلسفه و رای آن تأمل کنند. به‌عنوان نمونه به آن‌ها یادآور می‌شوم که یکی از فلسفه‌های نماز خواندن نفی شرک است. شرک می‌تواند در فرم تقلید و تبعیت «کورکورانه» از برخی نیز تبلور یابد. از دیگر فلسفه‌های نماز مبارزه با ظالمان و غارتگران و نژادپرستان هستند می‌باشد. این موارد را در اولین جلسه‌ای که مدیر مدرسه‌امان از شاگردانم می‌خواهد کلاس را برای نماز خواندن ترک کنند به آن‌ها یادآوری می‌کنم.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر در ایام عید غدیر خم به شاگردانم یادآوری می‌کنم که ضمن این که شادی می‌کنند به فلسفه غدیر هم تأمل کنند. و بعد از پرسیدن نظر آن‌ها به آن‌ها توضیح می‌دهم که غدیر یعنی نفی ظلم، ستم، تبعیض و آپارتاید،

خودکامگی و تمامیت‌خواهی و نهایتاً فاشیسم و غارت و استبداد. در ادامه توضیح می‌دهم که حضرت علی (ع) علیرغم عظمتش و علیرغم این که حکومت حق او بود به طرف حکومت نرفت چون مردم او را (به هر دلیلی) نخواستند. حضرت علی (ع) با زور چماق و اسلحه و با راهبرد ارباب مخالفان و ایجاد جو اختناق و خفقان و سلب آزادی‌های مدنی مردم خودش را به آنها تحمیل نکرد. عین همین موضوع را در جواب حاج آقای که در مصاحبه عقیدتی سیاسی جذب هیئت‌علمی در دانشگاه آزاد مشهد از من راجع به «فراندوم» پرسید یادآوری کردم و گفتم حضرت علی (ع) تن به نظر مردم داد پس شما هم باید با فراندوم موافق باشید و از آن بیم و هراس نداشته باشید. در این مصاحبه هم «رد» شدم! البته در مصاحبه علمی این دانشگاه مثل مصاحبه علمی سایر دانشگاه‌ها از قبیل دانشگاه الزهرا تهران و دانشگاه بجنورد و دانشگاه خرم‌آباد و پیام نور قبول شده بودم اما همیشه در مصاحبه عقیدتی سیاسی رد می‌شوم. شاید مرا جزو خوارج می‌بینند!؟

البته کاش به همین رد شدن ختم می‌شد چرا که سوال دیگری که از من پرسیدند این بود که "الان جایی غیر از آموزش و پرورش هم تدریس می‌کنید؟" و من گفتم بله در موسسه آپادانا کلاسهای تربیت مدرس آموزش زبان برایم گذاشته اند که در این کلاسها به آموزش روش تدریس خودم که بر پایه تیوری آموزشی سیاسیم ارایه داده ام می‌پردازم. و در کمال بهت و تعجب من فردای آن روز که به موسسه آپادانا رفتم مدیر موسسه به من گفت از این به بعد به جای من قرار است دو نفر دکترای آموزش زبان که هیات علمی دانشگاه آزاد مشهد هستند بیایند و کلاسهای من را بر عهده بگیرند و این مدیر محترم محترمانه عذر من را خواست..... و وحشت ناک تر از آن وقتی بود که چند مدت بعد همان کلاسهای اول دبیرستان کار و دانش را که در آموزش و پرورش درس می‌دادم هم از من گرفتند و ابلاغ من را برای تدریس در کلاسهای اول راهنمایی زدند!!!!؟؟ این به این معنا بود که از این پس باید الفبای زبان را به بچه ها درس می‌دادم!!!!؟؟ البته یک دفتر آموزش زبان هم در قاسم آباد مشهد دایر کردم که آنقدر فشار آوردند و تهدید کردند که جمعش کردم!؟ - مثلاً یک روز بازرس آموزش و پرورش آمد و گفت اگه خودت دفترت رو نبندی ما پلمپش می‌کنیم!؟؟ بنابراین حق تدریس در دانشگاه و موسسه و دبیرستان و دفتر شخصی را از من گرفتند..... از منی که تخصص آموزش زبان بود. و این یعنی اینکه به زودی نه تنها از نظر اقتصادی فلج می‌شوم بلکه خیلی از لغات و گرامر و مطالب علمی را هم فراموش خواهم کرد و فسیل خواهم شد. این یعنی زنده به گور کردن من و ایده ها و عقاید من به روش مسیولان جمهوری اسلامی.....

و یا در ایام عاشورا به فلسفه عاشورا می‌پردازم (در ضمیمه ۶، متن یکی از سخنرانی‌هایم را در این مورد آورده‌ام). و یا وقتی رئیس‌جمهور قبلی (احمدی‌نژاد) مدام از پاک بودن خودش و قبیله‌اش و به‌طور ضمنی از نجس بودن من و امثال من صحبت می‌کرد، من در کلاس‌هایم راجع به پاک بودن او و قبیله‌اش به تفسیر صحبت می‌کردم (در چند صفحه بعد توضیح داده‌ام). همین‌طور مقاله‌ام تحت عنوان «و اما اسلام و حاکمان مسلمان! کدامین اسلام و کدامین حاکمان مسلمان!؟» را در این زمینه در گوگل سرچ و مطالعه کنید.

۳. جنگ

هرگاه بوی جنگ می‌آید به شاگردانم یادآوری می‌کنم که امپریالیسم و کاپیتالیسم داخلی و خارجی همان‌طور که مردم ایران و عراق را به بازی گرفت و بانی کشته و مجروح و یتیم و بیوه شدن میلیون‌ها مسلمان (غالباً شیعه) شد و در این راستا منافع هنگفتی را کسب کرد بازهم نقشه‌ای دارد. ما مردم نباید وارد جنگی شویم که آنها می‌خواهند. اگر شویم خودمان را باید مقصر بدانیم. - مسئول فلاکت‌های ما خودمان هستیم و نه امپریالیسم!

۴. فیلتر، سانسور و جمع کردن دیش‌های ماهواره و کنترل تلفن و موبایل و ای میل دگراندیشان و جو ارباب و اختناق

این‌گونه اعمال را توهین به شعور و کرامت انسانی نخبگان و ملل می‌دانم که از ویژگی‌های حکومت‌های استبدادی است.

۵. اعدام و سنگسار و قطع کردن دست و پا

به شاگردانم توضیح می‌دهم که اعمالی از این دست به مصلحت نیست. در روزگار جاهلیت جواب می‌داد اما در این زمانه مضراتش بیشتر است. بهتر است بر اعتدال و رافت اسلامی تأکید شود. اما اگر فکر می‌کنند من اشتباه می‌کنم بهتر است که دست و پای دزدان و متخلسان میلیاردری و خائنان به ملت و اسلام قطع شود و نه دست و پای پفک دزدها! به‌عنوان نمونه از احمدی‌نژاد شروع کنند: او را از عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام خلع و در پیشگاه خلق محاکمه و اعدام کنند....

۶. باندبازی در عزل و نصب‌ها و نخبه‌کشی

سبب عقب‌ماندگی و فلاکت ملت و به صلیب کشیدن اسلام در اذهان مردم و حتی نخبگان می‌شود. بنابراین این نوع اعمال مدیریت - در یک کشور که ادعای اسلامی بودن دارد - خیانت به اسلام است. و دست خائنان به اسلام باید از این مملکت کوتاه شود....

۷. تبعیض قائل شدن در اجرای عدالت

توضیح می‌دهم که این نوع عدالت تداعی‌کننده عدالت معاویه ایست.

۸. استناد کذایی به قرآن کریم و ائمه اطهار (ع) و ساختن و جعل کردن احادیث و روایات برای حکومت و

غارت کردن

تداعی‌کننده حکومت صفوی است.

۹. ملاک قضاوت

به شاگردانم توضیح می‌دهم که کتوشلوار و کراوات و ثروت و قدرت و ریش و پشم و عمامه و موقعیت نباید ملاک قضاوت برای ما باشد. بلکه ملاک قضاوت ماهیت و نیت افراد و حاکمان هست.

۱۰. ترور شخصیت و تحقیر کردن مخالفان از کانال‌های متفاوت و با شیوه‌های فاشیستی توسط عوامل

سرسپرده

همان‌طور که می‌شم تمار درحالی‌که توسط این مرجانه داشت شکنجه و تحقیر می‌شد گفت این شیوه از ویژگی‌های حرام‌زاده‌هاست و نه از شیوه‌های

۱۱. حکومت اسلامی

باید در عمل در خدمت اهداف متعالی الهی و مردم باشد و نه در خدمت امپریالیسم و کاپیتالیسم و یا همان باندهای مخوف قاچاق انسان و مواد مخدر و مشروبات الکلی و نیز سرمایه‌داران از قبیل خودروسازان و

۱۲. مطرود و منزوی کردن و آزار و اذیت مسلمانان متفکر و اندیشمند و روشنفکران

از ویژگی‌های حکومت‌های فاشیستی است.

۱۳. تفسیر ادبیات و تاریخ تلقین شده به مردم

گاه‌گاهی در کلاس‌هایم به تفسیر ادبیات و تاریخ تلقین شده به مردم - که در سطح درک دانش‌آموزانم است - نیز می‌پردازم. به‌عنوان نمونه یک‌بار کتابچه‌ای در اتوبوس مسیر مدرسه‌ام برای مطالعه مسافران گذاشته بودند که چندین داستان به مضمون داستان زیر داشت:

آورده‌اند که روزی یک شیر با همکاری یک گرگ و یک روباه، یک الاغ و یک آهو و یک خرگوش را شکار کرد. آقا شیر از گرگ خواست که این سه شکار را بین خودشان تقسیم کند. گرگ هم به شیر می‌گوید بهتر است شما الاغ را بخورید، من آهو را و روباه هم خرگوش را! بلافاصله بعد از این نوع تقسیم‌بندی شیر به گرگ حمله می‌کند و او را می‌درد! بعد به روباه می‌گوید حال تو این شکارها را تقسیم کن برادر! و روباه که بسیار زرتنگ! و باهوش! بود گفت: اعلیحضرتا! جانم به فدایتان؟! شما بزرگواری بفرمایید آهو را برای صبحانه و الاغ را برای نهار و خرگوش را برای شام میل بفرمایید. من سگ که باشم که در حضور شما که ولی نعمت ما! هستید جسارت کنم و حق و حقوق خودم را بخواهم؟! و آقا شیر از این هوش و ذکاوت؟! و خوش‌خدمتی روباه خوشش می‌آید و خوشحال می‌شود و نه تنها او را نمی‌کشد بلکه به او اجازه می‌دهد تا لاشه و زندگی همکار خودش (گرگ) را نیز بخورد و از زندگی (سگی) خود لذت ببرد.

بعد از نقل این داستان در برخی کلاس‌هایم از شاگردانم پرسیدم از این داستان چه نتیجه‌ای گرفتید بچه‌ها؟ و آن‌ها گفتند که نتیجه گرفتیم که در چنین شرایطی ما هم باید مثل روباه زرتنگ باشیم تا بتوانیم به زندگی ادامه دهیم و خوشبخت شویم!!!!

..... و من اما گفتم این همان نتیجه‌ای است که مستبدان و اقتدارگراها می‌خواهند شما گوسفندان از چنین داستان‌ها و تاریخ‌های جعل‌شده‌ای بگیریید..... به شما می‌آموزند که متملق و چاپلوس و سبک‌مغز بار آید و از همه چیز و شرافت و کرامت خود بگذرید تا با آسایش و آرامش و در امنیت زندگی کنید - امنیت و آسایش و آرامش به قیمت کور و برده‌وار زیستن در انتها به شاگردانم یادآوری می‌کنم که افراد متملق و چاپلوس و ریاکار و حامی ظالمان جلوتر از خود ظالمان وارد جهنم می‌شوند چراکه یکی از کارهایی که این دین‌فروشان مجبورند برای کسب منافع دنیوی خود انجام دهند توجیه ظلم است که گاهی بدتر از خود ظلم است.

۱۴. گفتمان درباره مسائل روز!

به‌عنوان نمونه درباره توقیف روزنامه بهار!

بعد از اینکه از جراید اعلام شد روزنامه بهار به خاطر یک مقاله درباره غدیر توقیف شده است! و نویسنده مقاله هم زندانی شده است! همه یک سؤال پرسیدند: "موضوع چه بوده؟! ... و در اتوبوس راه مدرسه ام شنیدم که نویسنده مقاله در مقاله‌اش این نکته را گفته است که اگر قرار بود پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را جانشین خود اعلام کند این مسئله را شفاف و واضح اعلام می‌کرد پس حالا که این کار را نکرده است! من تعجب می‌کنم که چرا برای طرح چنین سؤالی از طرف یک نویسنده قرن بیست و یکمی چنین برخورد عصر حجری‌ای می‌شود. با این همه متفکر و روحانی و اسلام‌شناس و ... - که بودجه‌های هنگفتی هم صرفشان می‌شود - داریم؟! شایسته بود که جواب این سؤال به نویسنده این مقاله و خوانندگان آن و هزاران نفر دیگری که عین همین سؤال را دارند از طریق یک مقاله دیگر داده می‌شد. به‌عنوان نمونه می‌توانستند یک مقاله تحت عنوان "مگر می‌شود آخرین فرستاده خداوند برای خود جانشین تعیین نکنند؟!" در جواب آن مقاله بنویسند تا چنین سؤالی برای همیشه پاسخ داده می‌شد. اما آن حرکت و برخورد نابخردانه در نهایت به ضرر آمران آن و به‌طور اخص تشیع تمام شد!....

۱۵. جوک!!

البته در کلاس‌هایم هر از چند گاهی جوک هم می‌گوییم؟! نمونه:

می‌گویند یک حاج آقای! قصد خریدن یک طوطی سخن‌گو را می‌کند! ... در بازار متوجه چنین طوطی‌ای می‌شود. صاحب طوطی به حاج‌آقا می‌گوید هر چه شما بفرمایید طوطی همان می‌گوید. حاج‌آقا به طوطی می‌گوید بگو «مرگ بر انگلیس!» اما طوطی چیزی نمی‌گوید! صاحب طوطی معذرت‌خواهی می‌کند و به حاج‌آقا یادآوری می‌کند که اگر می‌خواهی این طوطیان

فرمان بردار اعلیحضرت! باشد یا باید گرسنه‌اش نگه‌داری یا به نحوی به او فشار بیاوری؟! و حاج‌آقا بلافاصله یک پای طوطی را می‌گیرد و می‌گوید گفتم بگو «مرگ بر انگلیس». گفتم یا نگفتم؟! طوطی بیچاره هم چنین می‌گوید. حاج‌آقا خوشحال می‌شود و بعد پای دیگر طوطی را می‌گیرد و می‌گوید بگو «مرگ بر اسرائیل» و طوطی نیز چنان می‌گوید. و اعلیحضرت!؟ نه ببخشید حاج‌آقا که مست از فرمان‌برداری طوطیان شده هر دو پای طوطی را می‌گیرد و او را در بین هوا و زمین وارونه!!! نگه می‌دارد و امر می‌فرماید بگو «مرگ بر آمریکا»؟! و طوطی بینوا اما این بار می‌گوید مرگ بر تو و قبیله تو که ملت رو استعمار و استثمار کردید؟! مرگ بر تو که پراید ۳ میلیونی رو ۲۵ میلیون کردی و داری!؟!!

جوک ۲

آیت اله صدیقی امام‌جمعه موقت تهران، تحریم را از الطاف خفیه خداوند دانست که ملت ایران را هرروز استوارتر و آسیب ناپذیر تر می‌کند!؟!»

دکتر صادق زیباکلام:

میگن بعضی آخوندها منبری ۲ میلیون تومن میگیرن؛
اگه یه منبر ۱ ساعت طول بکشه، هر دقیقه هم ۷۰ - ۸۰ کلمه حرف بزنه، عصبانی نباشه، ریلکس، بخواد حرفش نفوذ کنه و عمیق بشینه، میکنه از قرار کلمه ای حدود ۴۶۴ تومن تا ۴۶۵ تومن، یعنی وقتی میگه «تحریم‌ها الطاف الهی است.» این میشه ۱۷۰۰۰ تومن!!!!.....
حالا یه دبیر ریاضی دبیرستان با اون کار مشقت بارش «ساعتی» ۴۰۰۰ تومن میگیره؛ اگر تعداد کلمات در دقیقه رو مساوی فرض کنیم میکنه از قرار کلمه ای ۸ قرون تا ۹,۵ قرون ...
یعنی وقتی حکومتی که برای شنیدن حرف مفت ۵۰۰ تا ۸۰۰ برابر بیشتر از شنیدن حرف حساب پول میده، سرنوشت ملتش همینه دیگه!!!
واقعاً چقدر این آقای زیباکلام باکلاسه و اصلاً هم جزء. ملت ایران حساب نمیشه. واقعاً از زاویه قشنگی به این قضیه نگاه کرد. نظر شما چیه.؟!!

۱۶. راز طول عمر قماش حاج‌آقا!

بعضی وقتها به مطالب علمی خارج از درس زبان هم در کلاس‌هایم می‌پردازم. به‌عنوان نمونه به شاگردانم می‌گویم که راز طول عمر در چند نکته از جمله موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. پرداختن منظم به ورزش‌های مفید مثل یوگا.
۲. نوشیدن به کرات و منظم آب سالم.
۳. استفاده کافی از لبنیات تازه و سالم.
۴. استفاده کافی از میوه جات، سبزیجات و ادویه جات تازه و ارگانیک.
۵. استفاده از دمنوش‌های گیاهی و چای سبز به جای چای معمولی.
۶. استفاده از نان و برنج سیوس دار.
۷. استفاده از غذای تازه و سالم و نه غذای مانده و فاسد.
۸. استفاده از روغن زیتون (اصل) به جای روغن‌های معمولی.
۹. استفاده از ماهی‌های آزاد به جای ماهی‌های پرورشی و یا گوشت قرمز و مرغ هورمونی.
۱۰. استفاده کافی از مواد مغذی همانند انواع آجیل.

۱۱. دست کشیدن از غذا خوردن قبل از احساس سیری. و از همه مهم تر این که
۱۲. مثل گوسفند زندگی کردن، مثل گاو بی خیال همه چیز بودن و مثل خر همیشه خوش بودن.

در انتها این نکته را هم به آنها یاد آوری می کنم که مهم عرض زندگی است و نه طول آن و بعد گریزی هم به تفاوت زندگی کلاغ که تا ۳۰۰ سال زندگی می کند و عقاب که طول زندگیش به ده سال هم نمی رسد می زنم.

۱۷. درس خدانشناسی (در کلاس زبان اجنوی!)

یادم می آید که یک بار یکی از دانش آموزان بسیار شلوغ و بی تربیتم! (اول دبیرستان - ۱۴ ساله!) از من پرسید: آقای حسینی من که فکر نمی کنم خدا وجود داشته باشد! چرا که اگر داشت وضعیت ما فقرا این نبود. او ادامه داد که در این مملکت هر چقدر دعا و تلاش می کنیم وضعیتمان بهتر که نمی شود بدتر هم می شود...؟! بعد که بررسی کردم متوجه شدم که این دانش آموز از خانواده اتفاقاً فقیری هستند که به خدا و ... هیچ اعتقادی ندارند (فقر برابر است با کفر...). در هر صورت من باید به عنوان معلم او و دوستانش در حد بضاعت خودم پاسخش را می دادم و وجود خداوند را اثبات می کردم! بنابراین گفتم:

ببینید بچه ها؟! همان طور که می دانید انسان ها موجودات خیلی پیچیده ای هستند. بهر حال فرصت این را ندارم که به کل ابعاد فیزیکی و روحانی و توانایی ها و پتانسیل شگفت انگیز انسان و این نکته حیرت آور که بیش از هفت میلیارد انسان وجود دارند اما دو نفر آن ها همانند و هم شکل هم نیستند بپردازم. اما اگر بخواهم یک مثال کوچک و قابل درک برای شما بزنم این است که آیا شما فکر می کنید که "چشم" انسان که از یک توده کوچک چربی درست شده با آن همه کارایی و پیچیدگی خارق العاده به صورت اتفاقی پدید آمده است؟!

مثال دیگری که زدم این بود که به دانش آموزانم یادآوری کردم که ما در حال حاضر در حومه مشهد که در خراسان رضوی که خودش یک استان در ایران هست می باشیم. و ایران در آسیا و آسیا در کره زمین واقع شده است. و کره زمین در کهکشان راه شیری که خود یک نقطه در گیتی که شامل میلیون ها کهکشان است می باشد! ادامه دادم و به دانش آموزانم گفتم حال می توانید تصور کنید که چه می شد اگر

۱. خورشید به مدت یک ماه خاموش می شد...
۲. سرعت گردش کره زمین بیشتر و یا کمتر می شد...
۳. زمین جاذبه اش را از دست می داد...
۴. یک سنگ آسمانی بزرگ - از هزاران سنگی که هر لحظه از کنار زمین می گذرد - به زمین برخورد می کرد...
۵. کره ماه به زمین نزدیک تر و یا دور تر می شد...
۶. زمین از مدار خودش خارج می شد و به خورشید نزدیک تر و یا دور تر می شد...
۷. کهکشان راه شیری به یکی از کهکشان های مجاورش برخورد می کرد...
۸. یک چاله آسمانی در مجاور کره زمین به وجود می آمد و زمین بلعیده می شد...
۹. کره زمین از درون منفجر می شد... و...

بعد از آن شاگردم پرسیدم که آیا هنوز هم بر این باور هستید که این همه نظم در آفرینش این گیتی پیچیده به صورت اتفاقی به وجود آمده باشد؟! ادامه دادم که مشکلات و بدبختی های ما به خودمان بر می گردد... همین طور گفتم که به

فرموده امام علی (ع) یکی از دلایل بی ثمر بودن تلاش های ما و اجابت نشدن دعاهایمان حاکمان نالایق و مستبد و ستم پیشه هستند. - از ماست که بر ماست... بعد به مسئله زیر پرداختم:

۱۸. چرا در آخرین کتابم که توسط انتشارات جنگل تهران چاپ شد اما توزیع نشد - و این کتاب ترجمه آن کتاب است - گفته‌ام روزه و نمازها و عبادات خیلی از ما توسط خداوند قبول نمی‌شوند؟

به دانش آموزانم گفتم که اگر بخواهم آنچه را که در یک بخش از کتابم (به زبان انگلیسی) گفته‌ام خلاصه کنم باید بگویم که این جانب بر این باور هستم که مادامی که دنیای پیرامون ما سرشار از ظلم و ستم و تبعیض و فساد و غارت و ریا و استبداد هست و ما در عین نمازخواندن و روزه گرفتن و ... نسبت به عاملان آنها بی تفاوت هستیم ما با آن زوار خانه خدا که امام صادق (ع) آنها را سگ و خوک و میمون و کرگدن دید هیچ تفاوتی نداریم. دلیل این امر هم واضح است: نمازخواندن و حج رفتن و ... بدون درک جامعه و فضای اجتماعی-سیاسی حاکم بر آن و شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم و بدون پرداختن به فلسفه عباداتی که انجام می‌دهیم (که همان نفی شرک و ظلم و ستم و تبعیض و فساد و غارت و ریا و استبداد است) کارهایی عبث و بیهوده هستند. - میمون و طوطی و ... هم تمرین داده شوند و عادت کنند می‌توانند مثل ما رکوع و سجود روند و ذکر گویند

Verily, a man hath performed prayers, fasts, charity, pilgrimage and all other good works; but he will not be rewarded except by the proportion of his understanding [of his milieu which includes the socio-political context in which he exists ...]. Italics added.

-- Holy Prophet Mohammad (PBUH)

متن انگلیسی این قسمت را در ضمیمه ۳ مطالعه کنید.

۱۹. بازگویی خبرهای «جالب توجه و قابل تأمل»

بعضی وقت‌ها به بازگویی خبرهای قابل تأمل در کلاس‌هایم می‌پردازم. برای نمونه یکی از خبرهایی که در یکی از کلاس‌هایم به آن پرداختم خبری از «روزنامه خراسان» در قسمت «خبرهای متفاوت» بود به‌قرار زیر:

مجازات مخالفت با پوتین بستری شدن در تیمارستان است....

خبرگزاری فرانسه: «دادگاهی در روسیه پس از محکوم کردن یک فعال به دلیل ایفای نقش در اعتراضات علیه ولادیمیر پوتین دستور داد تا وی به یک تیمارستان روانی فرستاده شود - اقدامی که به‌عنوان ازسرگیری مجازات‌های دوران شوروی سابق موردانتقاد شدید قرار گرفت. این دادگاه در حکم خود می‌خاییل کاسنکو - فعال آزادی‌خواه روسی را به دلیل فعالیت علیه ولادیمیر پوتین (و سپاه او) مجرم شناخت. لیودمیلا الکسیو - فعال حقوق بشر روس که در دادگاه حضور داشت - این حکم را ازسرگیری مجازات‌های وحشیانه و عصر حجری روانی که در دوران شوروی سابق توسط رهبران دیکتاتور کمونیست به کار می‌رفت - خواند.»

به دانش‌آموزانم یادآوری می‌کنم که در زمان دوران شوروی دادگاه‌ها معمولاً فعالان سیاسی تندرو و روشنفکر آزادی‌خواه را با ادعای داشتن بیماری‌های روانی به بستری در تیمارستان محکوم می‌کردند و عملاً آنها را در آنجا تحت شکنجه‌های روحی و روانی قرار می‌دادند که نمونه‌های بارز از شکنجه‌های رهبران فاشیست و کمونیست که در عمل هیچ اعتقادی به خداوند ندارند می‌باشد.....؟! ... البته من را هم در سال ۱۳۹۰ به مدت ۴۸ روز روانه «تیمارستان آزادی» تهران کرده‌اند که بعداً خواهم گفت که چه کسانی و به چه جرمی این کار را کردند و در آنجا چه نوع شکنجه‌هایی مرا کردند. ... کل یوم کربلا ... کل ارض عاشورا.....

۲۰. معرفی ائمه اطهار(ع) و تمییز اسلام ناب محمدی از اسلام رضاخانی

سعی می‌کنم از طریق فرمایشات و معرفی مرام و منش و نگرش ائمه اطهار (ع) به معرفی ایشان و ... بپردازم و نتیجه‌گیری را به عهده دانش‌آموزانم بگذارم!!! نمونه:

امیر المومنین علی (ع): نهج‌البلاغه صفحه ۲۳۹:

آیا به من دستور می‌دهید از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خداوند سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ... هرگز چنین کاری نخواهم کرد....

۲۱. مرگ بر آمریکا یا رابطه با آمریکا

می‌گویم شعراهایی از قبیل مرگ بر آمریکا در زمان جنگ خیلی ایراد نداشت اما حالا که شرایط عوض شده است عقل و منطق ایجاب می‌کند که این‌گونه شعارها را به گذشته بسپاریم. در هزاره سوم چاره‌ای جز تعامل سازنده با دنیا نداریم. کسانی که با این تعامل مخالفانند به نظر می‌رسد که منافع و قدرت باندی و گروهی خود را در خطر می‌بینند. می‌ترسند که به واسطه این تعامل به مرور قدرت و در نتیجه منابع ثروت‌اندوزی خود را از دست بدهند.

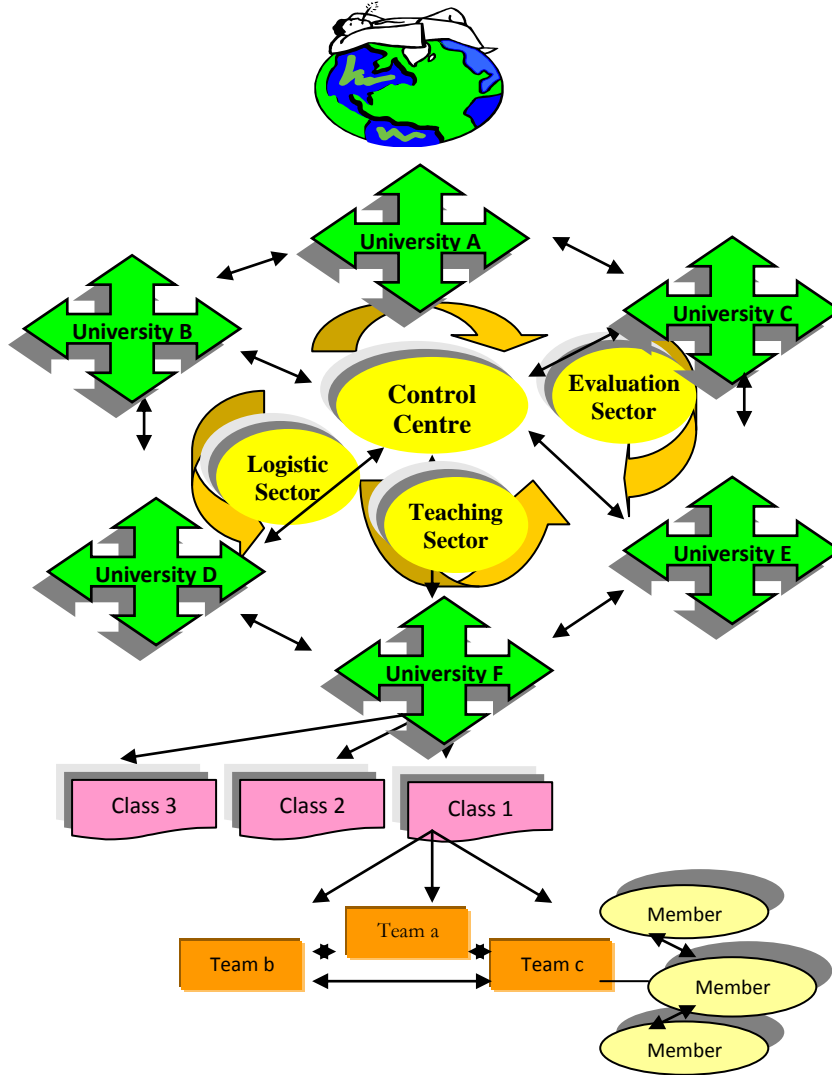
یادم می‌آید که در ۱۳ آبان ۱۳۷۵ (دومین سال خدمتم) وقتی در روستای امیرآباد جاجرم معلم بودم درحالی که تمام همکاران و مردم روستا و همین‌طور دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس ابتدایی و راهنمایی در میدان روستا جمع شده بودند مدیر مدرسه از من خواست که به آن مناسبت در حضور آن جمع علیه آمریکا سخنرانی کنم! و من نیز چون برای ایشان احترام خاصی قائل بودم بعد از اصرار ایشان درخواست او را پذیرفتم اما به این شرط که راجع به روز مادر - که چند روز دیگرش بود - صحبت کنم! و وقتی او و معاون دلیل را پرسیدند من گفتم حالا آمریکا یک غلطی کرده است شما به خاطر مردم هم که شده ول کنید. ادامه دادم که دوست ندارم از مرگ حتی برای آمریکا سخن بگویم. ضمن این‌که ادامه دادم - جدای از سیاست استعماری پلید برخی دولتمردان آمریکا در برخی موارد در تاریخ - من آمریکا را آن‌طور که شما روی پلاکاردهایتان نوشته‌اید و انتظار دارید من آن‌ها را در سخنرانیم تأیید کنم دشمن علم و هنر نمی‌دانم بلکه برعکس آمریکا را مهد علم و هنر و تمدن می‌دانم. شما نیز نمی‌توانید این واقعیت را انکار کنید! و مجبورید دیر یا زود آمریکا را به رسمیت بشناسید. و بعد شروع به سخنرانی درباره روز مادر کردم! البته در همین‌جا باید یادآوری کنم که دلیل اصلی این‌که در کنفرانس بین‌المللی که در سال ۲۰۰۶ در هند به نام صلح جهانی بود به شدت علیه بوش و سیاست‌هایش سخنرانی کردم این بود که انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی هند از من خواسته بود که به «هیچ عنوان» علیه آمریکا صحبت نکنم. دلیلش هم این بود که آن موقع آمریکا ناوهایش را به سواحل خلیج فارس آورده بود! ضمن اینکه انجمن اسلامی هم خیلی زیاد من را اذیت کرده بودند. بگذریم. و ... و شاید از همان زمان در لیست سیاه قرار گرفتم!!! - البته فکر کنم از سال ۱۳۷۴ که سال آخر دانشجوییم در تربیت‌معلم شهید بهشتی مشهد بودم وارد لیست سیاه شدم! در آن سال از کل تربیت‌معلم ۷ نفر برای مصاحبه‌ای اختصاصی! توسط ۳ حاج‌آقا که از تهران آمده بودند! دعوت شدند و من یکی از دعوت‌شدگان بودم! سه سؤال از من پرسیدند و سؤال سوم این بود: «اگر ما به شما یک مسئولیت بزرگ بدهیم معاونین خودتان را از افراد دین‌دار انتخاب می‌کنید و یا از افراد متخصص؟! و من گفتم افراد متخصص را بر افراد دین‌دار سبک‌مغز و ناکارا که بی‌تدبیری‌شان در درازمدت دین را در اذهان جامعه به صلیب می‌کشد ترجیح می‌دهم!... که سال بعد مرا انداختند در روستای شوقان بجنورد تا به دانش‌آموزان اول راهنمایی حرفه و آمادگی دفاعی درس دهم؟! بگذریم. شاید هم از سال ۱۳۶۸ که کلاس دوم دبیرستان بودم در لیست سیاه قرار گرفته بودم؟! یادم می‌آید که در آن سال بخش انگلیسی رادیو آمریکا مسابقه‌ای را در فرم یک سؤال مطرح کرد: "شما با در نظر گرفتن مسائل هسته‌ای، آینده ایران را در اواخر اولین دهه قرن بیست و یکم

چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟" و من با زبان انگلیسی ناقص خودم در یک صفحه کاغذ آ ۴ توضیح دادم که تا آخر آن دهه ایران به تکنولوژی بمب اتم دست پیدا خواهد کرد! و آن را به کشورهای دوست نیز صادر می‌کند(!) - و بعد از دو ماه از رادیو آمریکا کلی جایزه برایم فرستادند! - یک تی‌شرت و کلاه مرغوب با آرم رادیو آمریکا به همراه کاتالوگ رادیو آمریکا و ...!؟! - بگذریم. البته هرچند بعضی‌ها؟! در ظاهر این نظرات من را نمی‌پسندند اما - در عمل - خودشان - همان‌طور که نشان داده‌اند - حاضرند با کوچک‌ترین اشاره آمریکا این شیطان بزرگ را به رسمیت بشناسند و با او مذاکره کنند و تعامل برقرار کنند ... اما افرادی همانند من را ضدانقلاب و ارزش‌های انقلاب و ... می‌نامند و مطرود و تحت‌فشار قرار می‌دهند!...

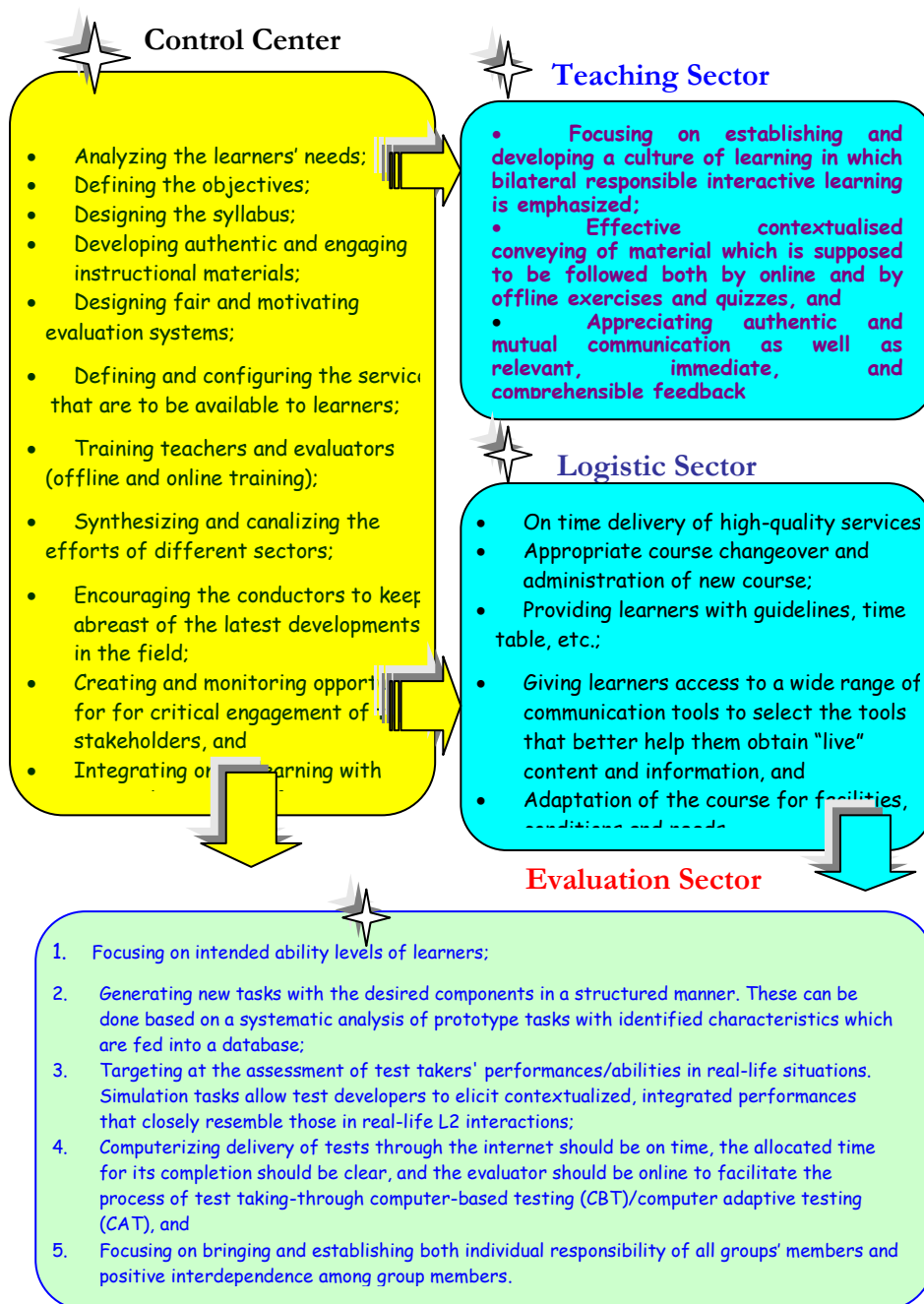
✓ برای آشنایی بیشتر راجع به مسایل دیگری که من در کلاس هایم برای ارتقای بینش اجتماعی - سیاسی دانش آموزانم در کلاس هایم به آنها می‌پردازم کتب، مقالات، یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های اینجانب را در رزومه، وبلاگ و وب‌سایتم که در آخرین صفحه این کتاب آمده‌اند ببینید.

به خدمت گیری تکنولوژی اینترنت در محیط های آکادمیک

Web-Based Competitive Team-Based Language Learning: Enhancing the Efficiency of Distance Learning



Note: The same procedure could be implemented at class level



ضمیمه ۳

نامه سرگشاده من به فانی (وزیر آموزش و پرورش)

نامه سر گشاده یک معلم به دکتر فانی

دکتر سید محمدحسن حسینی

معلم مدرسه راهنمایی! رفتی قاسم آباد!؟ مشهد

این جانب یکی از هزاران معلم این مرزوبوم هستم که علیرغم اینکه به حرفه خود که همان تدریس و روشننگری است عشق می‌ورزیم اما از بد تقدیر محکوم به خدمت در نهادی هستیم که با پادگان نظامی هیچ تفاوتی ندارد و به روش‌های گزانبیری و فاشیستی اداره می‌شود. - البته پادگان نظامی برای امثال من! در اینجا صرفاً به ارائه نامه‌ام که بیش از ده بار از طریق سایت وزارت آموزش و پرورش برای فانی فرستادم و پاسخی دریافت نکردم می‌پردازم تا از این طریق خوانندگان محترم با زوایای پنهان نگرش و سیستم مدیریتی مسئولان و طراحان و گردانندگان آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران آشنا شوند.

نامه این جانب به دکتر فانی!

بسم .. الرحمن الرحيم

جناب آقای فانی، وزیر محترم آموزش و پرورش

موضوع: آزار و اذیت و تحقیر مکرر این جانب توسط حراست آموزش و پرورش مشهد

با سلام و خسته نباشید.

آقای وزیر احتراماً این نامه را خدمت شما ارائه می‌دهم تا متوجه شوید که هنوز هم خیلی از مسئولان هستند که برای تحقیر منتقدان "فراقانونی" و به "روش‌های فاشیستی" و "دیکتاتور مابانه" و حتی "شیطانی" عمل می‌کنند. اجازه دهید مستقیماً بروم سر اصل مطلب! واقعیت این است که فکر می‌کردم سخن گفتن با شما! از طریق سایت وزارت آموزش و پرورش دو طرفه خواهد بود! بیش از ۱۰ بار این نامه را فرستادم و مشکلم را مطرح کرده‌ام اما پاسخی که دریافت نکردم که بماند بلکه شرایطم دارد روزبه‌روز بدتر می‌شود!؟

برخی ظلم‌ها و ستم‌هایی که در حق من شده است را در زیر خلاصه می‌کنم:

فوق لیسانس که داشتم در دانشگاه‌های زیادی در مشهد و بجنورد و شهرهای حومه تدریس داشتم. اما از موقعی که نگارش رساله دکترا و اولین کتابم را که تمرکز آن‌ها بر نهادینه کردن اصول دموکراسی (اسلامی) در نسل فردا جهت براندازی حکومت‌های استبدادی که سرشار از ظلم و ستم و تبعیض و فساد و غارت و ریا هستند در سال ۱۳۸۵ در هند شروع کردم شرایطم بسیار پیچیده شد!؟ در آنجا به شدت تحت آزار و اذیت یک مافیای صاحب نفوذ و قدرتمند و وزارت علوم وقت (احمدی‌نژاد) واقع شدم. کارشکنی‌ها و آزار و اذیت‌های وحشیانه زیادی کردند که در اینجا مجال پرداختن به آن‌ها نیست و انشا... روزی از آنها فیلمی خواهم ساخت. و وقتی به ایران برگشتم دیگر در هیچ دانشگاهی حتی در پیام نور در روستاها هم حتی اجازه تدریس نداشتم چه رسد به جذب!؟ این در حالی است که بیش از ۵۰ مقاله و ۱۰ کتاب تخصصی نوشته‌ام و در آمریکا، کانادا، آلمان، لهستان، ترکیه، هندوستان و ایران چاپ کرده‌ام....

.... جهت اطلاع شما به ازای هر جمله‌ای که در کلاس‌هایم و یا مقالات یا کتاب‌هایم می‌گویم و بر نمی‌تابند از زوایای متفاوت به ویرایش مقالات و کتابهای من و به آزار و تحقیر و تهدید من می‌پردازند. سایت شخصیم را هک کردند... بارها ماهواره‌ام را جمع کردند و رسیور و تردمیل و تلویزیون و لباس‌شوویی را سوزاندند و ... من مجردم و ایشان هر وقت اراده کنند

وارد آپارتمان من می شوند و ... در آموزش پرورش هم که رسمی هستم عرصه را روزبه‌روز بر من تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌کنند. از سال ۱۳۸۷ که مدرک دکترای تخصصی در آموزش زبان انگلیسی گرفتم و بعد از اینکه با درخواست هیات علمی شدن من مخالفت کردند بارها درخواست مجوز تأسیس موسسه زبان داده‌ام اما موافقت نکرده‌اند؟! - به یکی از همکاران معلم آموزش ابتدایی! مجوز موسسه زبان دادند اما به من ندادند؟! با همکاری حراست آموزش و پرورش همانند حیوان با من برخورد کردند و هنوز هم می‌کنند؟! تمام امور و جنبه‌های زندگی من را تحت کنترل و مدیریت خود دارند. و نهایت تلاش خود را برای در فقر و فلاکت و بدبختی نگه‌داشتن من به کار می‌برند - حتی اجازه ازدواج هم به من نمی‌دهند! چون معتقدند من دشمن خامنه‌ای هستم و بنابراین باید "ابتر" شوم چرا که از دیدگاه آن‌ها خامنه‌ای "کوثر" است! همه می‌دانیم که آن‌ها معتقدند "خامنه‌ای کوثر است دشمن او ابتر است. ... این برای آن‌ها صرفاً یک شعار نیست بلکه باور آن‌هاست و به همین دلیل نهایت تلاش خود را جهت عملیاتی کردن آن در مورد مخالفان می‌کنند....

امسال به دلیل صحبت‌هایم که در ماه محرم علیه معاویه و سپاه اهریمنی و غارتگرش دریکی از کلاس‌هایم در دبیرستان رنگرز مشهد داشتم حراست که طبق معمول از طریق موبایلم شنود داشت مرا خواستند و از آن دبیرستان توسط مدیر در جلو همکاران مرا به جرم ضدانقلاب! و ضد ولایت فقیه بودن! اخراج کردند؟! و برای سال ۹۴-۹۵ ابلاغم را برای درس دادن در یک "مدرسه راهنمایی" در حومه مشهد (قاسم‌آباد) زدند؟! - این سخنرانیم را که در مسجد شهرمان هم کرده بودم در وبلاگم که در منابع آمده است ببینید... البته بعد از این سخنرانی در مسجد شهرمان در سال ۱۳۹۰ مرا در کمال بهت و حیرتم روانه تیمارستان آزادی؟! تهران کردند!!!!؟! و ۴۸ روز در آنجا مرا "شکنجه فیزیکی و روحی و روانی" و تحقیر کردند که می‌شود از آن هم فیلمی وحشتناک ساخت و به همه فهماند که حکومت ما یک حکومت فاشیستی است و نه اسلامی... حتی شاه با خود خامنه‌ای که در صدد براندازی شاه بود اینگونه برخورد نکرد....

ضمناً حراست اداره درباره مصاحبه من با تلویزیون بی‌بی‌سی هم از من بازجویی و تفتیش عقیدتی کرد که من نهایتاً پاسخ دادم که وقتی مسئولان ما در سطوح بالا حتی با شیطان بزرگ! ارتباط دارند چطور از امثال من انتظار دارید راجع به یک موضوع علمی (علل ناکامی آموزش زبان در ایران) و در مورد کتابم - که همانند خودم مطرودش کرده‌اید - با آن‌ها مصاحبه نکنم؟! - مصاحبه را هم در وبلاگم که در منابع آمده است ببینید... یادآوری این‌که در این کتابم به ارائه راهبرد آموزشیم جهت براندازی حکومت‌های خودکامه و تمامیت‌خواه پرداخته‌ام!

کاش به همین‌جا ختم می‌شد: همزمان با فشارهایی که بر من می‌آوردند بارها از من خواسته‌اند که استعفا دهم؟! یا باز نشسته شوم! و یا خودم را باز خرید کنم؟! و یا از ایران بروم؟! و یا حتی خودکشی کنم؟! تنها برادرم و پدر پیرم را خواسته بودند و گفته بودند که اگر به این نوع تدریس و صحبت‌ها ادامه دهم و پیشنهادهای آن‌ها را در نظر نگیرم مرا به "تیمارستان" می‌فرستند؟! و بالاخره هم‌زمانی که بلیت ترکیه داشتم (قصد فرار از ایران را داشتم) در تهران مرا گرفتند و به تیمارستان فرستادند؟! همان‌طور که گفتم به تیمارستان "آزادی" تهران؟! در آنجا ۴۸ روز من را به طرز وحشیانه‌ای شکنجه "فیزیکی" و "روحی و روانی" دادند - توسط یک تیم روانشناس متخصص به سرپرستی دکتر فوده. زنده می‌مانم تا روزی تمام این بربریت‌ها را به تصویر بکشم. خواهم گفت که چه کسانی و چرا و به چه جرمی و با چه روش‌های فاشیستی با من این‌چنین کردند... مثلاً یکی از شکنجه‌هایی که من را می‌دادند این بود که به محض اینکه شبها خوابم می‌برد یک نفر (به ظاهر دیوانه) که کنار تخت من تختی داشت می‌آمد بالا سر من و شروع به بوسیدن؟! من می‌کرد؟! نکته وحشتناکتر این بود که اسم و فامیل این فرد اسم و فامیل فردی بود که معتقد بودند و جار زدند که من وقتی ۱۲ سالم بوده با او رابطه جنسی داشته بودم!

برخی از چنین مسائلی را با وزیر وقت آموزش و پرورش (دکتر حاجی بابایی) در اجلاس بین‌المللی که در سال ۲۰۱۰ در تهران بود مطرح کردم و به او گفتم که او و سپاهش سرتاسر ریا و تزویر هستند اما نتیجه‌اش این بود که مرا که برای ارائه مقاله‌ام دعوت کرده بودند از آن اجلاس اخراج کردند! و... حتی با آمدن آقای دکتر روحانی شرایطم دارد روزبه‌روز بدتر می‌شود؟! (چه تعریف و تبلیغی که برای ایشان در کلاس‌هایم و ... نکردم - فقط به خاطر شعارهایش و به خاطر اینکه نگرش

را به‌روزتر و منطقی‌تر دیدم). و حالا به دلیل اینکه از نظر مادی قادر به ادامه زندگی نبودم یک دفتر کوچک ۴ متری در قاسم‌آباد (حومه مشهد) با هزار مکافات کرایه کردم اما هنوز چند روز نگذشته بود که از آموزش‌وپرورش آمدند و گفتند باید دفترم را هم ببندم وگرنه پلمپش می‌کنند و جریمه هم باید بدهم؟! - یادآوری اینکه سالین قبل در زمان احمدی‌نژاد و سپاهش اجازه دادند که در "دوم دبیرستان - رشته خیاطی پسران" هم تدریس کنم. اما همان‌طور که گفتم بعد از روی کار آمدن دکتر روحانی ابلاغم را برای تدریس در "مدرسه راهنمایی" زدند. این در حالی است که افراد لیسانس و فوق‌لیسانس در دانشگاه فرهنگیان و پژوهش سراها و گروه‌ها و... هستند و به‌عنوان معلم نمونه کشوری هم معرفی می‌شوند اما امثال من حتی با آن رزومه قوی که داریم...؟! بگذریم! من که می‌دانستم در تعقیب من هستند و رد مرا بو می‌زنند برای دفترم نه تابلو زدم و نه ... اما بازهم به سراغم آمدند! و آن قدر کارشکنی کردند که من دفترم را جمع کردم و قراردادم را با مالک فسخ کردم. این در حالی است که یک موسسه بدون مجوز روبروی من فعال است اما با آن‌ها کاری ندارند! - ضمناً حقوق من با مدرک دکترای تخصصی و ۱۹ سال سابقه کاری یک‌میلیون و شش صد هزار تومان است اما حقوق برای نمونه روحانی مدرسه امان که مدرکش خورده "تحصیلات حوزوی" دو میلیون و هشت صد هزار تومان؟! ... انقلاب ما برای پابره‌ها بود!

خلاصه این‌که نمی‌دانم چه کسانی هستند اما به‌ویژه از طریق تلفن همراه ۲۴ ساعته مرا تحت کنترل و آزار و اذیت روحی و روانی دارند؟! همان‌طور که گفتم آنلین مرا تحت نظر دارند و به ازای هر جمله‌ای که می‌گویم و یا مقاله و یا کتابی که می‌نویسم که خوششان نمی‌آید یک‌گیری به من یا به زندگی من و یا نزدیکانم می‌دهند و یا ما را تحت فشار روحی روانی قرار می‌دهند... زندگی‌ام مختل و فلج شده و اجازه هیچ کسب‌وکاری ندارم - وحشتناک است اما واقعیت این است که ایران برای من تبدیل به زندان شده است! مقالات و کتاب‌هایی را که در اتاقم می‌نویسم لحظه‌ای زیر نظر دارند و محتوای آن‌ها را کم‌وزیاد و سانسور می‌کنند؟! این افراد - با توجه به نگرش‌ها، منش‌ها و رفتارشان - ژنرال‌های نظامی هستند که منافع خود را درگرو محصور کردن اندیشه و قلم و زبان امثال من می‌بینند! ... برای آشنایی بیشتر با رفتارهای ایشان با من وبلاگم را ببینید.

البته هم‌اکنون به خاطر این رفتارهای وحشیانه روزی ۳ قرص فشارخون و دو قرص اعصاب می‌خورم -- همه و همه تنها به جرم اینکه او سرسپرده می‌خواست و من اما دل‌سپرده بودم... و هنوز هم به من می‌گویند اگر می‌خواهم زندگی کنم و از سر من دست‌بردارند تا به بیماری قند و سرطان هم مبتلا نشوم قلمم را کنار بگذارم و از ظلم و ستم و فساد و غارت و ریا و استبداد تحت لوای اسلام نگویم و ننویسم؟! اما قلمم توت‌م من است حضرت آقا. - وقف دین جدم و مکتب مولایم علی (ع) ست.

در خاتمه یادآوری می‌کنم که آموزش‌وپرورش گوسفند پرور ما را نمی‌توان ساختار نامید بلکه شبه ساختاری مختل است که برای حفظ اقتدار ظاهری ساختارهای مختل‌تر بزرگ‌تر "طراحی" شده است و از آن به‌گونه‌ای پاسداری و حراست می‌شود که - همان‌طور که من بارها در کتاب‌هایم به آن اشاره کرده‌ام - هیچ نوع تحول‌خواهی و اصلاح بنیادین را برنمی‌تابد چراکه اصلاحات در تضاد با بقای این سیستم و رژیم (آموزشی) است. ...

و من ... التوفیق

با احترام

یادآوری: بعد از نتیجه عکس گرفتن از این نوع نامه‌ها دو نامه به زبانهای انگلیسی و فارسی از طریق رهبران غربی به رهبر ایران نوشتیم! که کاش نمی‌نوشتیم!!! وبلاگ و وب سایت را ببینید.

=====

رزومه این جانب

In His Name

Dr.S.M.H.Hosseini's CV

Seyed Mohammad Hassan

Hosseini

PhD (ELT)

Mashhad,

Iran

April 2006/

Revised, 01 June 2018

<http://drelt.ir>

<http://beyondelt.blogfa.com>

mhhosseini2020@gmail.com

Ph: + 98 9153852599



.....

Educators, in the present dog-eat-dog world context of racism, injustice, and despotism should play their roles as intellectual sources of critical awareness and attitudinal change -- for uprooting any sources of Hitlerian outlooks, oppression, corruption, terror and bloodshed, and destruction from among their societies. Teachers are, thereby, AGENTS OF CHANGE and development. Hence the necessity of realising and the very need for redefining 'teaching' as a complicated 'edu-political process' which involves democratic thinking – at the global level, and diplomatic acting – at the class level, if we want to contribute to global peace.

-- The Author, S.M.H. Hosseini

To

The Vice-Chancellor (for Academic Affairs)

Sub: Applying for a position as a full-time lecturer

Dear Professor,

I have a PhD in ELT from India and am interested in applying for a position as a full-time lecturer at your prestigious university. I have to my credit 20 years experience in English language study and English language teaching both in Iran and overseas. Please see my resume enclosed. It highlights my qualifications and accomplishments.

As a member of ELTAI, India, and ELTeCS, British Council, England, i have attended and also conducted several workshops for (language) teachers. My research foci are on various facets of Teaching Methodology and Applied Psycholinguistics, particularly with reference to the context and the process of learning/living. Other areas of my interest involve two pivotal strands of ELT in today-world context: Online teaching programmes and teacher training courses. Translating didactic theories into pedagogical skills is also among my favourite exercises: In my 13th book, published by Jungle Publications, i have suggested 'language' as a 'liberating agent' in my 'Cognitive Socio-Political Language Learning Theory', based upon which i have developed my innovative instructional weapon, a weapon for the overthrow of dictatorship: See the VIDEO @ <https://youtu.be/cPtOUaIkjIk> I have also introduced my 'Multiple Input-Output Hypothesis' in this book. This book of mine was selected as the best book in the field of ELT in "Roshd Book Festival" in Tehran, in January 2014. (See <http://samanketab.roshdmag.ir/fa/news/1375>)

Apart from the 120 articles and the 20 resource books/theses i have succeeded to present/launch, i am working on 3 other books along with more than 5 articles. Most of my pen products have been on issues like history of ELT, task/learner/learning-centred instruction, on-line (language) education, EFL/ESL teacher education, pedagogy of the oppressed, critical thinking, philosophies behind politics of educational regimes in corrupt systems, multicultural education, and world peace.

I hope my professional background and creativity, my deep enthusiasm for teaching, writing, research, and working and flourishing in a team, and, of course, my plans for developing your esteemed (English) department could motivate you to consider my request. I would welcome the opportunity to discuss matters of your interest in person, at a face-to-face interview. Should you want to meet me, please contact me via my cell phone or emails.

For your information, i have been serving the Ministry of Education of Iran (Mashhad Education Office) as a registered employee since 1992, but i think i could do something more than teaching A, B, C to junior high school students. I would like to play a more significant role.

Thanking you for your kind consideration and time.

Sincerely yours,

Seyed Mohammad H. Hosseini,

PhD (ELT), Mashhad, Iran

c.CV

VITA

"Dr S.M.H. Hosseini could be an effective team-leader and facilitator. He could be a valuable asset to any institute of higher learning committed to academic excellence and to the cause of nation building. He has also the capacity for hard work."

-- Prof. S. M. Dasan – Dr Hosseini PhD Guide, India

SEYED MOHAMMAD H. HOSSEINI

PHD (ELT)

PERSONAL INFORMATION

Date of Birth	May 22, 1973
Place of Birth	Garmeh, Bojnord, Iran
Marital Status	Single
Qualifications	AD (ELT), BA (ELT), MA (TEFL), PhD (TESOL)
Personal Interests	Studying, Writing, Martial Arts (Kick Boxing), Basketball

ACADEMIC CHRONICLE

1. PhD (TESOL), Mysore University, Mysore, India, January 2009
2. MA (TEFL), Garmsar Azad University, Garmsar, Iran, October 2000
3. BA (ELT), Mashhad Azad University, Mashhad, Iran, June 1997
4. AD (ELT), Mashhad Teacher Training Centre, Mashhad, Iran, June 1994
5. Diploma (Natural Sciences), Modarres High School, Garmeh, Iran, June 1990

TEACHING EXPERIENCE

- 2008 to date:** 'Teacher' at Mahmoodieh High School. **But i am at the same time managing some conversation as well as TTC crash courses in my own office in Mashhad, Iran. I am also writing articles and MA as well as PhD proposals and theses.**
- 2005-2007:** **PhD scholar.** Also, i have the experience of teaching English at **Mahajana First Grade College, Mysore, India.**
- 2001–2004:** Part-time **lecturer** at Mashhad, Bojnord, Quchan, Torbat Heydaryeh, Neishabour, and Golbahar **universities, in Iran** – Cooperating with the Departments of English, Science, Computer Engineering, Mathematics, Statistics, Mechanics, Psychology, Education, Agriculture, etc.
- 1998–2000:** **Instructor** at Jihad Daneshgahi, Hafez, Almizan, and Sadra **language institutes.** Also instructor at Amir Kabir and Khazra nongovernmental pre-university centres, and Modarres high school – in **Iran.**
- 1994–1997:** 'Teacher' at different **junior high schools** in some remote villages – in **Iran.**

RECENT COURSES TAUGHT

1. T.T.C. Crash Courses;
2. Teaching Methodology;
3. Techniques in Testing;
4. Reading and Reading Skills and Strategies;
5. Writing and Writing Skills and Strategies;
6. Advanced Conversation;
7. Modern Grammar;
8. Phonology;
9. English for Education;
10. English for Marketing;
11. English for Agriculture;
12. English for Science;
13. English for Computer Engineering;
14. English for Mathematics and Statistics;
15. English for Mechanics;
16. English for Psychology.

OTHER ACADEMIC SERVICES

1. Editor , of "International Journal of English Language Teaching", in the US.
2. Editor , of Journal of "English Language Teaching", in Canada.
3. Writer and guide, of MA and PhD theses / dissertations.
4. Instructor, of "Teacher-Training Workshops" on my "Cognitive Socio-Political Language Learning Theory" for the heads of English Departments in Mashhad, Education Office English Department, Mashhad, Iran; 2014
5. Instructor, of my "T.T.C. Crash Courses" for English language Teachers, Organised by Apadana Institute, Mashhad, Iran; 2013
6. Instructor, of "Teacher-Training Workshops" on "Research and Research Methodology" for the Educational Research Centres' Representatives in Mashhad High Schools, Mashhad, Iran; 2015
7. Instructor, of "Teacher-Training Workshops" on "Cooperative Learning Methods" for the Educational Research Centres' Representatives in Mashhad High Schools, Mashhad, Iran; 2015
8. Instructor, of "Teacher-Training Workshops" for the Heads of Departments, Organised by Education Department, Mashhad, Iran; 2004
9. Instructor, of "Teacher-Training Workshops" on my "Didactic Weapon" for the English teachers in Mashhad, Education Office English Department, District No.1, Mashhad, Iran; 2014
10. Instructor, of "Especial Conversation Crash Courses" for Khorasan and Qod's journalists and correspondents, Held at Sama Centre No. 1, Mashhad, Iran; 2003
11. Instructor, of "Teacher-Training Courses" for EFL teachers, Held at Education Department, Jajarm, Iran; 2000

Published Books

NOTE: If interested, search the titles of my books and articles through your internet and study them.

1. **'Beyond The Present Methods And Approaches To ELT/Education: The Crucial Need For A Radical Reform', Tehran: Jungle Publication, 2012 / ISBN: 978-964-981-883-2**

The new edition of this book was published in Germany under the title of

2. **"Competitive Team-Based Learning" Beyond Current didactic Methods", LAMBERT ACADEMIC Publishing.**

Note: This book was selected as the best book in Iran "Roshd Book Festival" in January 2014.

This guidebook seeks to throw into relief the relationship between theory, research, innovation, and application with reference to the conventional innovative methods/approaches. Importantly, it brings into sharp focus the author's 'inimitable' revolutionary pedagogical innovation as a pragmatic solution to the present socio-educational problems. The nature and the characteristics of this world-class innovative approach not only contribute to language learning (strategies) and excellence in the learning. They likewise promote true and flexible active learning, interactive competence, long-term retention, and especially the acquisition of some crucial habits of mind such as objectivity, and critical and creative thinking. Another outstanding feature of this fundamentally different approach to ELT refers to the fact that it facilitates tomorrow citizenry to instil humanitarian interpersonal skills and democratic values, principles, and norms which are essential requirements for successful life-long learning, working, interdependence, and survival in today world context. Considering its magic transforming power for converting today students/objects to Agents of change or the Subjects who have the capacity to influence the world, Dr Hosseini's innovation is in essence a **'catalyst for change'**. It is an incommensurable edu-political approach to the empowerment and the emancipation of the oppressed, and in fact, an apt **strategic instructional 'weapon'** for the elimination of dictatorship/apartheid. CTBL, Dr Hosseini's **realistic approach to liberal education** is an ensured pathway to human security, development, and prosperity.

This seminal 736-page volume has special foci upon:

1. Penetrating deep into the conventional antediluvian dictatorial didactic regimes, which cherish the Banking Method, and excoriating the beyond;
2. Shedding light on the chronological development of language teaching methodology for justifying the need for accommodating Dr Hosseini's innovation in education regimes;
3. Engineering the conventional educational methods and approaches towards CTBL;
4. Differentiating CTBL from other innovative methods/approaches, and discussing the significance and relevance of this holistic approach against the backdrop of ongoing globalisation which means a great deal of competitive spirit in today world context;
5. Bringing to the fore the author's Multiple Input-Output Hypothesis and Cognitive Socio-Political Language Learning Theory, which is the core of theoretical foundations of CTBL;
6. Implementing CTBL via the emerging online technologies state/country wide, and
7. Stimulating the readers' critical, analytical, and creative thinking skills, and promoting their personal growth especially through the 13 chapter-end thought-provoking discussion questions.

This invaluable resource manual will be of immense help particularly to those educators who are committed to the cause of peace building. As a gold mine of the latest issues in ELT, it will also be found highly useful for ELT students, teachers at all levels, and in-service programmes and seminars for instructors. Policy makers, educationalists, researchers, syllabus designers, and material developers could also take note of the noteworthy benefits this manuscript along with its accompanying DVD proposes.

3. **'Teach Language: A Practical Crash Course', Germany: Scholars' Press, 2013 / ISBN: 978-3-639-70551-5**

This 169-page guidebook brings into sharp focus some effective techniques for teaching vocabulary, grammar, reading, writing, listening, speaking, and language learning strategies at primary, secondary, and collegiate levels. Some effective guidelines have also been provided for Online Teaching.

Importantly, this manual throws light on chronological development of ELT in an attempt to introduce CTBL, the author's pedagogical innovation. The nature and the characteristics of this world-class innovative approach not only contribute to language learning (strategies) and excellence in the learning. They likewise promote true and flexible active learning, interactive competence, long-term retention, and especially the acquisition of some crucial habits of mind such as objectivity, and critical and creative thinking. The mechanisms underlying the implementation of CTBL as well as presentations and classroom techniques in classes where this approach may be applied have been illustrated. Dr Hosseini's sample lesson plans and CV have also found a place in this book.

This must-read guidebook along with its accompanying DVD will be of immense help to whoever wants to teach language. It is helpful particularly to ELT students, language teachers at all levels, and in-service programmes for instructors / T.T.C. crash courses.

4. **'Cooperative Learning Methods + 1: Research and Innovation', Germany: Scholars' Press, 2013 / ISBN: 978-3-639-70309-2**

This 353-page resource book goes beyond the present methods of Cooperative Learning and puts forward the author's strategic approach to the empowerment of the Other. Through this approach tomorrow citizenry would be more creative as well as critical and risk taker in thinking. As such, they would contribute to more humane and civilized societies and world peace. Time is opportune for the implementation of such an approach in today educational environments, from primary to collegiate levels.

It should be mentioned that this book is the revised form of my doctoral dissertation the title of which was: "Effectiveness of Cooperative Learning Methods: A Study with Iranian and Indian Undergraduate Learners". Below is the abstract of this Research Study:

This comparative empirical research study sought to explore and examine the complex effects of my instructional innovation, Competitive Team-Based Learning (CTBL), with Learning Together or Cooperative Group-Based Learning (CGBL), developed by Johnson and Johnson at the University of Minnesota in the USA, and the Traditional Lecture Method (TLM) on Iranian and Indian EFL/ESL undergraduate learners: (a) reading comprehension in English, (b) language learning strategies, (c) attitudes towards English language learning and the select teaching methods, and (d) retention of information. All these objectives were addressed with respect to different-level achievers of the target groups with the help of field studies and experiments in Iran and India. Twelve hypotheses were developed to see the effectiveness of the select three teaching methods with regards to the objectives of the study.

One hundred and ninety-two second-year Engineering students from two colleges – one in Iran and another in India -- served as the subjects of the study for nine weeks in three groups in each country. All the groups were subjected to a reading course with the same schedule of instruction and the teacher. While positive interdependence was encouraged in the CGBL classes in order to ensure inter-group collaboration for the attainment of the groups' shared learning goals, inter-group competition was patterned in the CTBL classes so as to motivate the teams' members to work together and compete against the other teams in course of pursuing their teams' outcomes. And neutral interdependence was highlighted in the control groups (TLM classes) to encourage the participants to follow their learning goals individually and irrespective of others.

The reading section of International English Language Testing System, "IELTS" 2 textbook (Kohonen, 1992), was employed as the pretest and the posttest in order to assess the effects of the select teaching methods on the reading comprehension of the target groups. The participants' scores on the reading pretest were also used to divide them into three groups in each country. They were likewise applied for forming teams in the experimental groups. To find out the effects of the select teaching methods on the participants' language learning strategies, they were asked to complete the Strategy Inventory for Language Learning (SILL) survey, developed by Oxford (1990), before and after the experiments. Likewise, the Language Learning and Class Structure Questionnaire, developed by this researcher, was used as the pretest and the posttest in order to measure the effects of the methods on the attitudes of the target groups. A delayed free-recall test was conducted after the experiments to determine the effects, if any, of the methods on the retention of information by the learners involved in the study.

Analyses of the select parameters were done using Statistical Presentation System Software (SPSS) package (SPSS, 2006). Analysis of Variance was used to determine the significance of the findings of the study with reference to each of the select dependent variables. It became evident from the analysis of the data gathered that CTBL and CGBL served to (a) increase acquisition of texts contents, (b) widen repertoire of language learning strategies, (c) generate positive attitudes, and (d) improve retention of information, on the part of the target groups more significantly than the TLM. Further analysis of the data revealed that whereas CGBL was substantially more effective in developing the reading skills of the participants, CTBL was more successful in developing their metacognitive and affective strategies. It was likewise noted that CTBL facilitated the participants' long-term retention of information or their depth of understanding of the texts contents more effectively than CGBL. The results also indicated that it was CGBL, rather than CTBL, that was more successful in Iran. But, in India, it was CTBL. In conclusion, this researcher has discussed the pedagogical implementations of using CL methods, and accordingly has made certain recommendations. Based on the findings of the research study, this researcher has also made a few suggestions for further research in the arena of methods and approaches which prioritise the significance of groupwork.

This invaluable 343-page guidebook will serve especially ELT scholars, educators, and PhD guides as a highly useful model. The entire purpose of this material is to help readers develop scientific knowledge in the art of writing a thesis, at the PhD level, and teach them effective approaches to scientific writing.

5. **'Team-Based Learning in Secondary Education', Germany: Lambert Academic, 2013 / ISBN: 978-3-659-49797-1**

This book delves into the effectiveness of Team-Based Learning in secondary education, in a reading course. TBL is a highly significant approach to Education in general, and English language teaching in particular. TBL affords students invaluable opportunities to share and develop not only their understandings, knowledge, and (language) learning strategies, but also their intelligence, social skills, critical approaches to thinking/reasoning, and attitudes and beliefs all of which contribute to their personal growth and disposition. This book is a must-read book particularly for language teachers.

It should be reminded that this typescript is the revised form of my MA thesis the title of which was:

"The Impact of Competitive Team-Based Learning on the Reading Comprehension of Iranian High School Students". Below is the abstract of this Research Study:

Reading comprehension is the main goal of TEFL in Iran even today. Nevertheless, after approximately 1000 hours of formal language instruction even the students who attend university are still struggling with English posed in their texts and assignments. As it is hypothesised in this research study, one of the main influential factors in our fiasco, in TEFL, relates to the contexts of our classes, which are occasioned by the Lecture Method. This study, thereby, was an attempt to investigate the kind of relationship, if any, between CTBL, my instructional solution, and the reading comprehension of Iranian senior high school students. The study was conducted to answer the following question: "Is there any relationship between CTBL and Iranian senior high school students' reading comprehension?" And to evaluate the question justifiably a null hypothesis was proposed.

Having administered the standardized reading test, this researcher selected a group of 60 (out of 76) almost homogeneous Iranian senior high school students and randomly assigned them to control and experimental groups. Based on their scores, the experimental class was divided into 10 almost heterogeneous teams -- three members each. For 16 weeks, both the groups received the same course materials, instructor, curriculum, out-of-class and in-class assignments, schedule of instruction and equivalent methods of evaluation, but the experimental group experienced language learning via CTBL rather than via the Lecture Method as their counterparts in the control group.

After 16 weeks again the reading test was administered to both the groups. The obtained scores on pre-test and post-test were analyzed through different statistical procedures. The results, of the study, rejected the null hypothesis and provided evidence supporting the hypothesis that CTBL can have a significant effect on improving the reading comprehension of Iranian senior high school students. The statistics exhibited that all participants in general and lower performers in particular - in CTBL class - outperformed their counterparts in the comparison group.

This 111-page manual will be found a highly useful model particularly for ELT students and teachers.

6. **'An Evaluation of "Learn to Speak English" Software: With Focus on Constructivists' View of Learning', Germany: Lambert Academic, 2015 / ISBN: 978-3-659-67372-6**

This 126-page book evaluates "LTSE" software, with focus on Constructivists' view of learning. An educational software evaluation form has also been developed. It covers 52 evaluation criteria in five major categories: content, Mayer's principles of multimedia instruction, constructivists' instructional characteristics, ease of use/flexibility, and design/aesthetics. This checklist can be used by anyone else with knowledge of educational software and language teaching for evaluating any other educational software for language teaching/classes.

7. **'Competitive Team-Based Learning: My Didactic Weapon', Germany: Scholars' Press, 2015 / ISBN: 978-3-639-51336-3**

After dissecting part of the socio-educational/political background to Competitive Team-Based Learning (CTBL), this manuscript clarifies certain misgivings regarding integrating the element of competition within cooperative learning settings in order to pave the way to a to-the-point introduction to CTBL, my pedagogical approach. The book also discusses – at length – distinguishing features and characteristics of CTBL, with reference to the present methods and approaches like CLT and particularly Cooperative Learning (CL) methods. It also highlights the kind of objectives, syllabi, materials, tasks, activities, and evaluation system proposed for CTBL. More importantly, teachers' responsibilities in CTBL settings have been thrown into sharp relief. The book will also give a glimpse of the significance of my didactic weapon for our today world context of despotism!

This 85-page manuscript will be found highly useful particularly for those educators who want to contribute to the elimination of particularly sheep-like dictators or any other sources of injustice, barbarity, oppression, and terror and bloodshed and destruction from among their societies.

8. **'Sample Articles by an ELT Scholar', Germany: Lambert Academic, 2015 / ISBN: 978-3659-49616-5**

In the present manuscript the author has brought together more than 30 articles he succeeded to develop and present/publish in various national and international symposia and journals in course of pursuing his doctorate in India. This volume consists of a broad range of articles including one entitled "ELT in Higher Education in Iran and India: A Critical Analysis" to one on "Infusion of Emerging Online Technology into ELT: The Need of the Hour", and one on "Globalisation and ELT".

This 372-page manuscript will be found a highly useful model particularly for those academicians who want to get familiar with the latest issues and trends in the field of ELT/Education and, more importantly, with the process of developing articles. (ELT) students and teachers as well as methodologists, curriculum experts, researchers, and even policy makers could take note of the noteworthy benefits this material proposes/implies.

9. **'Penetrating into PhD and the Beyond via Letter Writing', Germany: Scholars' Press, 2015 / ISBN: 978-3-639-70518-8**

This guidebook lays down the letters the author sent/received in pursuance of pursuing his doctoral degree at Mysore University in India. It consists of a broad range of letters including from the request he made for registration at the University to the letter he e-mailed to the prime minister of India, requesting him to save him from the horrible circumstance an Iranian Mafia occasioned for him there in India. Importantly, in addition to the original synopses Dr Hosseini proposed to few Indian professors in an attempt to persuade them to guide him towards his doctorate, this typescript entails both the final synopsis of the author's doctoral dissertation and the outline based upon which he had his viva voce. Three sample articles Dr Hosseini succeeded to launch in some renowned journals 'before', 'during', and 'after' his PhD study have also found a place in this manual.

This 274-page material will be found a highly useful model especially for those academicians who are desirous of pursuing their doctorate abroad as it gives them a comprehensive understanding of the process underlying obtaining a doctoral degree overseas. ELT students, educators, and PhD guides could also take note of the significant benefits this volume proposes.

10. 'Competitive Team-Based Learning in Conversation Classes', Germany: Scholars' Press, 2015 / ISBN 978-3-639-86105-1

The present book intended to look into and compare the possible effects of Competitive Team-Based Learning (CTBL) with Learning Together (LT) or Cooperative Group-Based Learning (CGBL) – the most popular method of Cooperative Learning (CL) – on oral performance of Iranian EFL intermediate students. We also wanted to measure the participants' attitudes towards language learning, individualistic class structure, CL, and the selected methods before and after the study.

11. 'Competitive Team-Based Learning vs. Student Teams-Achievement Division: Scholars' Press, 2017 / ISBN 978-620-2-30109-1

This book reports an experimental investigation on the effects of a new type of cooperative learning (CL) method namely 'Competitive Team-Based Learning' (CTBL), developed by Hosseini (2012) at Mashhad Education Office in Iran, and 'Student Teams-Achievement Divisions' (STAD), developed by Slavin (1977) at Johns Hopkins University, in the US, on the reading comprehension of Iranian EFL intermediate students. After conducting a PET proficiency test to a total population of 75, sixty students were selected, based on their scores in the pretest. Then, they were randomly assigned to two experimental groups – thirty per group. Each class was divided into seven teams of four – the two remaining students in each class worked in pairs. While the first experimental group was instructed via STAD method of CL, the second experimental group was instructed via Hosseini's method of (language) teaching (i.e., CTBL). The reading comprehension test (posttest) was used at the end of the study to assess the probable progress in the reading comprehension ability of the students. The results on independent samples T-test showed statistical significance at $P \leq 0.05$ level that can be attributed to the effect of CTBL on the participants' reading comprehension achievements. That is, CTBL was more effective than STAD in improving the reading comprehension ability of Iranian EFL intermediate students.

12. Effectiveness of Cooperative Learning Methods: A Study with Iranian and Indian Undergraduate Learners. This is my PhD Thesis, which is available at <http://idochp2.irandoc.ac.ir/FulltextManager/fulltext15/diss/21/21643.pdf>

13. My book about My Didactic Weapon, translated in Persian!

"یادگیری تیمی رقابتی" – انتشارات کتاب راه

<http://ktbr.ir/b26640>

دانلود ورژن رایگان تحت عنوان "یادگیری تیمی رقابتی: کاتالیزور و اسلحه آموزشی من"

<http://dreit.ir/images/bookhoseini.pdf>

ARTICLE PUBLICATIONS/PRESENTATIONS

IN ENGLISH

14. *** ATTENDEE at the *National Meeting on 'English Language Teaching'* held at Hamedan, Iran on January 11–12, 2003. -- My paper, which was a thorough introduction to my instructional weapon, was rejected!?
15. "Method Engineering: Towards a Strategic Approach to the Empowerment of the Other", Published at *International ISI Journal of SYLWAN*. Vol. 159, Issue 4, Section 2, (2015).
16. "Competitive Team-Based Learning versus Group Investigation with reference to the language proficiency of Iranian EFL intermediate students", Published at *International Journal of Instruction*. 7 (2014): 177-188.
<https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1085235.pdf>
17. "ELT in Higher Education in Iran and India: A Critical View", Published at *Language in India*, 7(2007): 1-11.
<http://www.languageinindia.com/dec2007/eltinindiaandiran.pdf>
<http://www.languageinindia.com/dec2007/eltinindiaandiran.html>
18. "A Study of the Effects of Competitive Team-Based Learning and Structured Academic Controversy on the Language Proficiency of Iranian EFL College Seniors", Published at *the International Journal of Adult Vocational Education and Technology*, 3 (2012): 54-69.
<https://dl.acm.org/citation.cfm?id=2517533>

<https://eric.ed.gov/?id=EJ1155053>

19. "Theoretical Foundations of Competitive Team-Based Learning", Published at *Canadian International Journal of English Language Teaching*, 3(2010): 229 - 243. Also, [Online] Available at: <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/elt/article/view/7236>
20. "Infusion of Emerging Online Technologies into ELT: The Need of the Hour", Published at *Perspectives in Education*, 25(2009): 119-127. Also, [Online] Available at: <http://eltweekly.com/2009/06/eltweekly-issue22-research-paper-by-mohammad-hassan-hosseini/>
21. "Globalisation, Cooperative Learning, and ELT", Published at *Indian Journal of English Language Teaching*, 44 (2006): 2-12.
22. "Task Based Language Instruction: Unplanned Open Tasks versus Unplanned Closed Tasks with reference to Writing Achievement of Iranian EFL University Students", Published at *Perspectives in Education*, 23(2007): 42-48.
23. "The Effect of Competitive Team-Based Learning on the Reading Comprehension of Iranian High School Seniors", Published at *Roshd FLT Journal*, 20 (2006): 42-49.
24. "Paradigm Shifts of Language Teaching Methodology: From Text-Based towards Context-Focused Approaches", Published at *DIVINER: A Research Journal of Humanities and Social Science*, 3 (2006): 128-134.
25. "Harnessing Jigsaw in Language Classes", Presented at the *National Conference on 'Technology and Language Teaching'* held at Gujarat, India on February 26-27, 2009.
26. "New Trends in ELT: Cooperative Language Learning and Bi-/Multi-Lingual Settings", Presented at the *International Congress on 'Bilingualism in an ESL Classroom'* held at Guahati, India on March 27-28, 2006.
27. "Reading Instruction in EFL/ESL Classrooms: Towards Context-Based Strategy Training", Presented at the NAAK sponsored *National Seminar on 'Quest for Quality: Classroom Matters'* held at Kumta, India on March 5-6, 2007.
28. "Groupwork and Five Main Hypotheses in ELT: The Relations", Presented at the *International Symposium on 'English for Today and Tomorrow'* held at Chennai, India on February 9-10, 2007.
29. *** ATTENDEE at the *National Conference on 'English Language Teaching'* held at Roode Hen, Iran on February 17, 2008. -- My paper, which was a comprehensive introduction to my instructional weapon, was rebutted once again!?
30. "Vocabulary and Vocabulary Teaching/Learning Strategies: A Comprehensive Study", Presented at the SFLA sponsored *International Conference on 'English Grammar on Language Engineering and Information Technology'* held at Hyderabad, India on January 6-11, 2008.
31. "Dynamics of Cooperative Learning", Presented at the UGC sponsored *State Level Discussion on 'English Language Teaching'* held at Mysore, India on March 21, 2006.
32. "Grammar Teaching and Approach Dilemma in ELT: What's the Solution?", Presented at the UGC sponsored *International Seminar on 'Grammar and Meaning'* held at Guntur, India on January 29-31, 2007.
33. "Boosting the Effectiveness of Groupwork in ELT Classes", Presented at the *National Forum on 'Innovative Approaches and Techniques of Teaching English'* held at Coimbatore, India on July 13-14, 2007.
34. "Students' Accountabilities in Active Learning Classes", Presented at the *National Meeting on 'Technology in ELT'* held at Changa, India on January 29-30, 2009.
35. "Testing in ELT Classes: Towards Evaluation of Creativity and Critical Thinking", Presented at the *International Symposium on 'English for Today and Tomorrow'* held at Madras, India on February 9-10, 2007.
36. "Critical Elements of Cooperative Learning Methods", Presented at the *International Congress on 'Learning to Teach: A Life-Long Journey'* held at Chennai, India on February 8-10, 2008.
37. "First Language Reading Methodologies and FL/L2 Reading Instruction: Towards an Emphasis on the Acquisition of Language in EFL/ESL Learning Environments", Presented at the *35th All India Conference of Dravidian Linguists'* held at Mysore, India on June 21-23, 2007.
38. "Web-Based Collaborative Language Learning: Enhancing the Efficiency of Distance Learning", Presented at the *International Forum on 'New and Emerging Technologies in ELT'* -- sponsored by SIG, UK, held at Madras, India on August 3-5, 2007.
39. "Cooperative Learning Methods: A Thorough Introduction", Presented at the *National Forum on 'ELT in Iran: Challenges and Innovations'* held at Torbat-e-Heydarieh, Iran on May 21, 2012.
40. "Paradigm Shifts of Language Teaching Methodology: From Text-Based towards Context-Focused Approaches", Presented at the U.S. sponsored *International Symposium on 'Towards Improvements in English Language and Literature Teaching: Communicating Across the Curriculum'* held at Chandigarh, India on September 22-24, 2006.
41. "Peace in the Middle East", i presented this paper as the third (and last) main speaker at the *International Forum on 'Global Peace and Civil Action'* -- sponsored by National Federation of University Co-operative Association, Japan, held at Mysore, India on August 11-12, 2006. -- See <http://www.hindu.com/2006/08/11/stories/2006081116530300.htm>
42. *** "Teams-Games-Tournaments versus Lecture Method with Reference to the Language Proficiency of Iranian EFL Intermediate Students", Not allowed to be presented at the *International Meeting on 'ELT in the Islamic World'* held at Tehran, Iran on December 2-4, 2010. I was dismissed from this conference as i strongly criticized Dr Haji Babaii, Iran's then minister of Education, after his lecture in the inauguration session, and after i announced that i will introduce my instructional weapon in my lecture. -- A weapon for the elimination of dictatorship.

OTHER PAPERS IN PERSIAN (SCIENTIFIC & POLITICAL)

43. My second Letter to Khamenei, Iran's Leader

<http://iranglobal.info/node/66352>

برخی "مقالات علمی" من

44. راهبردی استراتژیک برای جایگزینی روش های تدریس، امتحانات و کنکور فعلی خسارت زای ایران
<http://melliun.org/iran/170757>

45. I translated the below video about Japan Teacher Education System:
ویدیویی ۲۸ دقیقه ای راجع به "سیستم تربیت معلم ژاپن" که من ترجمه کردم:
<http://researcherbaloch.blogspot.com/print/post-19>

46. "Research and the Approach to Research"
تحقیق و روش تحقیق

<http://sedayemoallem.ir/%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%D8%B4/item/3747-%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82-%D9%88-%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82>

47. "Lesson Study, Approach to Lesson Study, and Some Suggestions"

درس پژوهی و شیوه درس پژوهی چند پیشنهاد

<http://sedayemoallem.ir/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86/item/3416-%D8%AF%D8%B1%D8%B3-%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%DB%8C-%D9%88-%D8%B4%D9%8A%D9%88%D9%87-%D8%AF%D8%B1%D8%B3-%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%DB%8C>

48. "Dissecting the Banking Method and the Beyond in Iranian Regime of Education"

کالبد شکافی رژیم آموزشی ایران و ورای آن

<http://www.farhangiannews.ir/view-21971.html>

49. Harnessing Internet Technologies in Academic Situations

به خدمت گیری تکنولوژی اینترنت در محیط های آموزشی

<http://www.farhangiannews.ir/view-29245.html>

50. "Group Learning" / یادگیری گروهی

<http://sedayemoallem.ir/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86/item/158-%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%DA%AF%D8%B1%D9%88%D9%87%DB%8C>

51. "Different Approaches to Group Learning" / انواع روش های یادگیری گروهی

<http://www.farhangiannews.ir/view-23730.html>

52. An Introduction to Competitive Team-Based Learning

یادگیری تیمی رقابتی: روش تدریس ابداعی من

<http://www.farhangiannews.ir/view-20788.html>
<http://www.farhangiannews.ir/view-31387.html>

53. "Some Mechanisms underlying "Competitive Team-Based Learning"

برخی مکانیزمهای "یادگیری تیمی رقابتی"

Available at <http://www.farhangiannews.ir/view-26927.html>

54. "Facilitating the Effect of Competitive Team-Based Learning"

تسهیل تاثیر "یادگیری تیمی رقابتی"

<http://sedayemoallem.ir/%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87/item/2767-%D8%AA%D8%B3%D9%87%DB%8C%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%AB%DB%8C%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%B4>

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

<http://www.farhangianews.ir/view-28928.html>

55. "What Students should Know in order to Succeed Academically".

آنچه فراگیران و کنکورپها باید برای موفقیت علمی بدانند.

<http://www.farhangianews.ir/view-28928.html>

56. The urgent need for establishing Teaching Methods Department in Ministry of Education
ضرورت تاسیس دپارتمان روش تدریس در وزارت آموزش و پرورش

<http://www.farhangianews.ir/view-34342.html>

57. The urgent need for integrating Ministry of Education and Ministry of Science and Technology
ضرورت ادغام وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش

<https://damadam.ir/news/%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%85%D8%AF%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D8%B6%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D8%A7%D8%AF%D8%BA%D8%A7%D9%85-%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-%D9%88-%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%88-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%B4/8564118>

58. The relation between Testing and Cheating in Iran!
آزمون پیشرفت تحصیلی و اسراف بیت المال

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/141250#respond>

معرفی سیزدهمین کتاب اینجاب: <http://smi-edu.com/index.php/%D8%AE%D8%A8%D8%B1/1195->

[beyond-the-present-methods-and-approaches-to-elt-education-the-cruc](http://smi-edu.com/index.php/%D8%AE%D8%A8%D8%B1/1195-beyond-the-present-methods-and-approaches-to-elt-education-the-cruc)

برخی مقالات "علمی سیاسی" من

59. Iranian Educators; Blind Slaves of Capitalism in Iran

معلمان؛ برده های مسخ شده شیاطین پیغمبر نما

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/141191#respond>

60. The only Reason for Deletion of the Brains in Iran

حذف مدارس سمپاد؛ مصلحت نظام

<http://melliun.org/iran/160579>

61. "Education System or Sheep Producing Factory?!" / "سیستم آموزشی یا کارخانه گوسفند سازی!؟"

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/07/214863.php>

62. Essentials and Approaches to Training Critical Thinkers in Iranian Educational Regime

ضرورت و راهکارهای پرداختن به تفکر انتقادی در رژیم آموزشی ایران

<http://www.farhangianews.ir/view-29270.html>

63. "The Essentials for Prioritizing Political Issues in Schools and Universities"

لزوم ارتقای بینش سیاسی دانش آموزان و دانشجویان

<http://melliun.org/iran/89258>

<http://www.nedayezadi.net/1395/02/18652>

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/04/211316.php>

<http://zeitoons.com/6936>

64. "Competitive Team-Based Learning" (CTBL): My Strategic Weapon for the Elimination of Dictatorship (with VIDEO)

یادگیری تیمی رقابتی: کاتالیزور و اسلحه آموزشی من

<http://melliun.org/iran/101096>

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

65. "Today World Teachers' Responsibilities" / وظایف معلمان و اساتید در عصر و شرایط حاضر / <http://www.farhangiannews.ir/view-20441.html>
66. CTBL and Students' Responsibilities" یادگیری تیمی رقابتی و وظایف دانش آموزان
[http://sedayemoallem.ir/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86/item/3096-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%AA%D8%A6%D9%88%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%DB%8C%D9%85%DB%8C-%D8%B1%D9%82%D8%A7%D8%A8%D8%AA%DB%8C-%E2%80%93-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%AD%D9%87-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%DB%8C-%D9%85%D9%86-cognitive-socio-political-language-learning-theory-theory-of-language-of-competitive-team-based-learning-ctbl](http://sedayemoallem.ir/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86/item/2431-%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%DB%8C%D9%85%DB%8C-%D8%B1%D9%82%D8%A7%D8%A8%D8%AA%DB%8C-%D9%88-%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86)
67. " My Cognitive Socio-Political Language Learning Theory": Theory of Language of Competitive Team-Based Learning (CTBL) پایه تنوریک "یادگیری تیمی رقابتی" - اسلحه آموزشی من!
<http://sedayemoallem.ir/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86/item/3096-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%AA%D8%A6%D9%88%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%DB%8C%D9%85%DB%8C-%D8%B1%D9%82%D8%A7%D8%A8%D8%AA%DB%8C-%E2%80%93-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%AD%D9%87-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%DB%8C-%D9%85%D9%86-cognitive-socio-political-language-learning-theory-theory-of-language-of-competitive-team-based-learning-ctbl>
68. "The History of Language Teaching and the Influence of My (Dr S.M.H.Hosseini's) Theory on It" روند تکاملی آموزش زبان و تاثیر تیوری آموزشی سیاسی دکتر حسینی بر آن
<http://www.farhangiannews.ir/view-25602.html>
69. Teachers; The Key to Change in Iran تغییر در روش تدریس معلمان کلید تغییر در ایران
<http://melliun.org/iran/122759>
70. The significance of English Language and the Final Solution for Effective ELT in Iran اهمیت زبان انگلیسی و راهکارهای برون رفت از ناکامی آموزش زبان در ایران
<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/05/211961.php>
71. Iranian Teachers' Organization's Interview with me about Current Issues in ELT مصاحبه گروه پژوهندگان کانون صنفی معلمان پیرامون مسایل آموزش زبان در ایران
<http://melliun.org/iran/109098>
72. National Universities' exam: A means for Exploiting People کتکور؛ ابزاری برای استثمار و چپاول مردم
<http://melliun.org/iran/144849>
73. On the whyabout of the preference of Wealth to Science by Iranian? چرایی ترجیح ثروت بر علم
<http://melliun.org/iran/113669>
74. "Dissatisfied Iranian Teachers: There is One Way!" راهبرد پیشنهادی من به معلمان ستمدیده ایران
<http://irankhabarnews.com/2017/09/30/%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B3%D8%AA%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%87-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%AD%D9%84-%D9%BE%DB%8C%D8%B4-%D8%B1%D9%88-%D9%86%D9%88/>
75. Peace and the Middle East! ترجمه سخنرانی من درباره چشم انداز صلح در خاور میانه!
<http://iranglobal.info/node/66303>

برخی "مقالات سیاسی" من

76. Why Iranian have been obliged to live in poverty?!

در چرایی زیر خط فقر ننگه داشتن ایرانیان

<http://melliun.org/iran/159610>

77. "Iranian People, Watch Council and American Cowboy"

مردم، شورای نگهبان و گله دار آمریکایی

<http://www.nedayezadi.net/1394/11/17832>

78. Why should Iranian people boycott the presidential elections?

چرا باید انتخابات را تحریم کنیم؟

<http://melliun.org/iran/121304>

79. We, the Sheep, and THEY

ما گوسفندان و آنها

<http://bit.ly/2zDPqYW>

80. "Five Reasons for Iranian Miseries"

پنج عامل عقب ماندگی ایران از دیدگاه یک معلم

<http://melliun.org/iran/96441>

http://degarbavar.com/2016/07/blog-post_894.html

<http://isdmovement.com/2016/0816/080316/080318-Mohammad-Hassan-Hosseini-5-factors-of-our-backwardness.htm>

81. Communication Era and THEIR Concerns!

عصر ارتباطات و دلوایسی های دلوایسان

<http://melliun.org/iran/145396>

82. "Why Iranian People are the most Depressed People in the World?!"

چرا ایرانیان افسرده ترین مردم دنیا هستند!؟

<http://bit.ly/2B9vhHN>

<http://sahamnews.org/2015/06/285612/>

83. "The reason for resorting to Missiles by Iranian Forces: What Iranians, Government and the US Should Realise"

ضرورت درک موشک پرانی های سپاه توسط ملت، دولت و آمریکا

<https://www.tribunezamanah.com/archives/95699?tztc=1>

<http://www.nedayezadi.net/1395/01/18464>

84. The Essential Need for Understanding Iranian's Message, in Election, by the Totalitarians
لزوم درک پیام معنا دار ملت توسط تمامیت خواهان

<http://melliun.org/iran/124929>

85. On the 5+1 and Iran's nuclear deal!

پیش درآمدی بر روند آخر در رینگ برجام

<http://bit.ly/2x1IQaD>

86. A Small Profile of Corruption in Mashhad

برشی از زیر پوست مشهد العلم الهدا

<http://iranglobal.info/node/66489>

87. مرگ و دنیای ماورالطبیعه در کلاس من!

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

<http://iranglobal.info/node/66648>

88. Islam and Muslims' Rulers: Which Islam and What kind of Islamic Rulers?!

... و اما اسلام و حاکمان مسلمان: کدامین اسلام؟! و کدامین حاکمان مسلمان!؟

<http://melliun.org/iran/146110>

<http://sahamnews.org/2015/05/283890/>

89. Islam and Democracy: Thinkers should Save Islam

اسلام و دموکراسی: علما به فریاد اسلام برسید

<http://www.farhangiannews.ir/view-26048.html>

<http://sahamnews.org/2015/05/282712/>

90. What a good man has been appointed as God!

خوب آدمی را خدا گذاشته اند!

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/11/219821.php>

91. Who are the Iranian Intelligence Protecting?!

حراستی ها چه کسانی را به حراست و پاسبانی نشسته اند!؟

<http://melliun.org/iran/145510>

92. I am worried about the lady who was taken to madhouse by Iranian Intelligence service

نگران سیده لیلا میر غفاری هستم

<http://melliun.org/iran/141622>

93. "Some of Dr Rohani's Post-Nuclear-Deal Responsibilities from the Point of View of an Iranian Educator"

دیدگاه یک معلم دولت روحانی از "پستاتحریم برخی مسئولیت‌های

<http://melliun.org/iran/125225>

94. On the Meaningful Sudden Death of Hashemi Rafsanjani

مرگ هاشمی رفسنجانی - مصلحت نظام

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/112774#respond>

95. Imperialism and Dictatorship in Iranian Regime

امپریالیسم و دیکتاتورشیپ در نظام مقدس"

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/12/221024.php>

96. On the Relationship between Iranian Regime and Corruption

جراحی همزادی جمهوری اسلامی و فساد

<http://melliun.org/iran/107494>

97. For Teachers' in-service Programs or ...?

کلاسهای ضمن خدمت یا ضمن خفت!؟

<http://sedayemoallem.ir/%DB%8C%D8%A7%D8%AF%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA/item/6708-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%B6%D9%85%D9%86-%D8%AE%D8%AF%D9%85%D8%AA-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D8%B1-%D8%A2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%9F>

98. Education arena - The Basis for Dictatorial Regimes

عرصه آموزش-پایگاه امپراطوری تمامیت خواهان

<http://melliun.org/iran/112020>

99. Conducting Islam as a tool for Exploiting the Iranian

هشدار درباره "تحریف عاشورا و تشیع علوی" در عصر و شرایط حاضر

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/10/218317.php>

100. Corrupt food and Iranian peoples' health
مواد غذایی صادراتی برگشتی و سلامت مردم!

<http://melliun.org/iran/129125>

101. "Categorizing People in Dictatorial Regimes"
دسته بندی مردم در حکومت های استبدادی

<http://bit.ly/2hFROo0>

<http://sahamnews.org/2015/09/290448/>

102. Oppressors are doomed to defeat
طاغوت و استبداد رفتنی است

<http://melliun.org/iran/150099>

103. President Rouhani and the dream of leadership
حسن روحانی در سودای رهبری

<https://bit.ly/2rggTuY>

104. Quran, Muslims and Dictatorship
قرآن، ما و مبارزه با استبداد

<https://bit.ly/2Hrlxw4>

105. The U.S. Last move towards Overthrow of IRI

گام آخر آمریکا برای سرنگونی رژیم ایران

<http://iranglobal.info/node/66603>

برخی "مقالات پیشنهادی" من

106. Terrifying, Arresting and Torturing Dr S.M.H.Hosseini (me) by Iranian Intelligence Service

ترعیب، بازداشت و شکنجه دکتر سید محمد حسن حسینی توسط سپاه پاسداران

<http://bit.ly/2hdn653>

<http://melliun.org/iran/101896>

<http://farsi.iranbriefing.net/%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1-%D8%B3%DB%8C%D8%AF-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%AD%D8%B3%D9%86-%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86%DB%8C/>

107. "Dr Shariati, The miserable Chicken, and I!"

دکتر شریعتی، جوجه نگوینخت و من

<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/07/215048.php>

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/97274>

108. Corruption & Oppression in Islamic Republic of Iran Education Office

فساد در آموزش و پرورش ایران

<http://melliun.org/iran/97078>

109. THEY are Pressurizing Me both Mentally and Economically...

یارانه ام را هم قطع کردند!

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

<http://melliun.org/iran/108708>

110. One of President Rohani's soldiers Pressure on me!
استفاده ابزاری روحانی از بیت المال!

<http://sedayemoallem.ir/%DB%8C%D8%A7%D8%AF%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA/item/8736-%D9%86%D8%B8%D8%B1-%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85-%D9%85%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%AF-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%AA%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D8%B1-%D9%88-%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D9%84-96>

111. Engineering the Society in Dictatorial Regimes

"نمونه ای از مهندسی نرم نسلا در رژیم فاشیستی و شیطانی ایران"

[HTTPS://WWW.TRIBUNEZAMANEH.COM/ARCHIVES/111587#RESPOND](https://www.tribunezamaneh.com/archives/111587#respond)

112. The relationship between my critical article and their pressures on my family
رابطه بین مقالات من و نزدی های آنها!

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/140393>

113. Under the Domain of a Prophet-Face Satan در سیطره سپاه شیطان پیغمبر نما

<http://bit.ly/2zXaFX1>

این کارها را با مسیولان مستقل هم انجام میدهند:

<http://news.gooya.com/2018/04/post-14289.php>

114. "Brain Killing in Education Office in Iran: Oppressing the Brains or Betraying the People!?"

نخبه کشی در آموزش و پرورش: جفا در حق من یا خیانت به مردم!؟

<http://www.farhangiannews.ir/view-30920.html>

115. Introducing an Agent of Conspiracy
مدیر کل اطلاعاتی قاچاقچی

<http://iranglobal.info/node/66335>

116. Some Out-of-Class Issues We Discuss About In My Classes

مداح می خواهید یا معلم!؟

<http://melliun.org/iran/97281>

<http://www.farhangiannews.ir/view-31671.html>

117. Why do you not publish my seminal books in Iran?!

چرا کتابهای من را در ایران منتشر نمی کنید؟

<http://sedayemoallem.ir/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/item/5575-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D9%BE%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B2-%D9%88-%D9%86%D8%B4%DB%8C%D8%A8-%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%DB%8C%DA%A9-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8>

118. The relation between my book and the murder of our sister in law

کتاب من و وحشت منجر به قتل آنها

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/141338#respond>

119. Shedding light on THEIR brutal and fascist approaches for wrecking havoc on my life

این همه ستم بر یک منتقد در جمهوری اسلامی!؟

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/152496>

120. On whyabout THEY have targeted me in IRI?!

در چرایی هدف واقع شدن من در جمهوری اسلامی!

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/140351>

=====

MA THESES ON MY APPROACH TO ELT/EDUCATION i have supervised

121. Jahanbazian, T. (2015). A Study into the Effects of 'Competitive Team-Based Learning' and 'Learning Together' on the Oral Performance of Intermediate EFL Learners. Unpublished MA Thesis, Kohgiluyeh And Boyer Ahmad Islamic Azad University, Iran.
122. Akbarzadeh, M (2017). A Study into the Effects of 'Competitive Team-Based Learning' And 'Student Teams- Achievement Divisions' on The Reading Comprehension of Iranian EFL Intermediate Students. Unpublished MA thesis, Islamic Azad University of Roudehen, Iran.
123. Abbaspour, S.S. (2016). An Investigation into the Impact of Discourse Markers on Reading Comprehension amongst Intermediate EFL Students. Unpublished MA Thesis, Yasouj Islamic Azad University, Iran.
124. Abedianpour, S. (2016). The Impact of Class Brainstorming Strategy on Writing Performance of Iranian Advanced EFL Learners. Unpublished MA Thesis, Yasouj Islamic Azad University, Iran.
125. Ghahramanlou, H. (2016). The Effect of 'Reciprocal Teaching of Reading' on the Reading Comprehension of Iranian EFL Intermediate Students. Unpublished MA Thesis, Rood-e-Hen Islamic Azad University, Iran.
126. Mohammadi, N. (2015). An Evaluation of "Learn to Speak English" Software: A Qualitative Study with Focus on Constructivists' View of Learning. Unpublished MA Thesis, Tehran Payame Noor University, Iran.
127. Forouzan, N. (2015). The Effect of Self Directed Learning Strategies on Introvert vs. extrovert Iranian EFL Learners' Reading Comprehension. International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World (IJLLALW), 9 (2), 1-7.
128. **Kamdideh, G. (2017). On the Effects of 'Reciprocal Teaching of Reading' and 'Cooperative Integrated Reading and Composition' on the Reading Comprehension of Iranian EFL Intermediate Students**

FORTHCOMING PUBLICATIONS AND PRESENTATIONS

Books

129. **'THEY FEAR me THEY Kill me: I Am a Roaring Flowing Mirroring Blood Drop'**

This 300-page manual highlights the matrix which shaped my past and so reoriented my beliefs. This typescript naturally mirrors part of my wounds occasioned by those who consider themselves as our God!, in Iran. - Those who kept the right for them to destroy my dreams. In order to demotivate and horrify me, THEIR dictatorial attitude even let them to murder one of my innocent family members, in a non-sensible way! THEIR true nature, Hitlerian outlook, and act of conduct, however, knowingly or unwittingly, gave birth to my philosophy: A philosophy empowered by a crushed soul - A wounded soul who capacitated my philosophy in such a way that he is able to pave the way to a different future. - A different future but not for me - it is already late, but rather for the Other, the outcast/the deprived critical thinkers who have their own identity, attitude, and ideology but are almost always purposefully ignored, marginalised, and in point of actual fact - insensibly - victimised because of their approach to thinking and living.

This guidebook is in a sense, in essence, me: An oppressed who is here to draw the dream future of those who have the illusion of living. - Those who are not only unable to live but they are also hardly existing. I am here to re-orient and recalibrate the Other's attitudes towards new horizons. I am here to show them the way to purposeful living, if they want to justify their sufferings. I am here to aware the people of the fact that under a tyrannical regime, majority of them lack critical awareness of the agents who control their beliefs, lives, and destinies. My main mission is to critically aware the oppressed majority. Once they are awoken, they will try to get empowered so as to take the course of action against totalitarianism. And this leads towards their emancipation - towards democracy.

I am here, thereby, to reformulate the Other's destinies. I am here to do so via awakening their critical sensibility and via reformulating their approaches to thinking, which are the bases of attitudes. I, as an AGENT OF CHANGE, change their attitudes. And there is POWER in attitudes as they have enormous impact on beliefs, and beliefs influence and go forth in actions, ... and actions lead on to our destiny.

130. **Philosophical Insights from Dr Hosseini "جملات راهبردی از دکتر حسینی"**

131. **'Dr Hosseini's Memories of His Tough Times';**

"خاطرات سال های فراموش نا شدنی"

.....

132. 'Rading Pedagogy in the Third Millennium: Aspects and Perspectives';
 133. 'English Grammar for Pre-Intermediate EFL Learners';
 134. 'English Grammar for Intermediate EFL Learners';
 135. 'English Grammar for Upper-Intermediate EFL Learners';
 136. 'English Grammar for University Students';
-

HONOURS

1. Appreciated by "Tehran Roshd Book Festival", for my significant seminal guidebook: "Beyond the Present Methods and Approaches to ELT/Education: The Crucial Need for a Radical Reform", Published by Jungle Publications in Tehran; 27 Feb. 2014
<http://samanketab.roshdmag.ir/fa/news/1375>
2. Interviewed by BBC Persian TV on a live programme, about "The Main Reasons for the Fiasco of ELT in Iran", 13 Aug 2013. Available at <https://www.youtube.com/watch?v=8QDNZasldds>
3. Interviewed by BBC Persian TV on a live programme, about "ELT and Culture Invasion", 8 May 2016. Available at https://www.youtube.com/watch?v=TL_j0PGhH0&feature=youtu.be
4. Interviewed by BBC Persian TV on a live programme, about "The Reasons for Banning Critical Thinkers' Speeches in Iran", 8 November 2016. Available at <https://youtu.be/ZkFB-3eOZ1I>
5. Interviewed by BBC Persian TV on a live programme, about "The Reasons for Banning Concerts in Mashhad, Iran", 10 October 2016. Available at <https://youtu.be/jSdG7OMYWA>
6. Elected, by Zabansara Educational and Cultural Institute (Exclusive Representative of Oxford University Press & LCCI Examination Centre) - in Tehran, Iran - (after a group interview) for directing two branches of the Institute in Bojnord and Jajarm provinces, Iran; 2001
7. Chairman, of English Department, Education Office, Jajarm, Iran; 2001
8. Elected, by English Department, Education Office, Mashhad, Iran for my significant educational method, which was video-taped - by them - for the benefit of in-service programmes and seminars for teachers; January 2003
9. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my cooperation with Allameh Research Centre in Mashhad; Education Office, Mashhad, Iran; January 2011
10. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my effective teaching; Education Office, Mashhad, Iran; February 2013
11. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my effective teaching; Education Office, Mashhad, Iran; February 2012
12. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my effective teaching; Education Office, Mashhad, Iran; February 2009
13. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my active collaboration with English Department; Education Office, Mashhad, Iran; January 2003
14. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my sense of duty; Education Office, Mashhad, Iran; January 2002
15. Recipient, of Outstanding Teaching Award - in recognition of effective teaching strategies; Education Office, Jajarm, Iran; May 1998
16. Recipient, of Collaboration Award - in recognition of my cooperation with Imam Ali High school, Education Office, Mashhad, Iran; May 2002
17. Interviewed by Indian TV reporter, about Persian language, 10 July 2006
18. Elected, by English Department, Teacher Training Centre, Mashhad, Iran for my significant instructional strategy, which was video-taped - by them - for the benefit of in-service programmes and seminars for teachers; January 1994

WORKSHOPS ATTENDED

1. A Two-day Workshop on 'Research Methodology', Organised by the Department of Studies in Economics and Co-operation at University of Mysore, India on March 12-13, 2007
2. A Three-day Workshop on 'Testing', Organised by the Department of English at Education Office, Mashhad, Iran on March 11-13, 2004
3. A Three-hour Workshop on 'Lesson Study', Organised by Education Office, Mashhad, Iran on November 11, 2015

COURSES TAKEN

1. A Three-month Course in 'Teaching Methodology', Organised by the Department of English at Education Office, Mashhad, Iran on April-June, 2005
2. A Three-month Course in 'Statistical Application', Organised by the Centre for Information Science and Technology at University of Mysore, India from July to September 2007
3. A Two-month Course in 'IT Awareness', Organised by the Centre for Information Science and Technology at University of Mysore, India from May to June 2006

OTHER TECHNICAL KNOWLEDGE/SKILLS

Besides my capacity for hard work, strong (teacher) training skills, and knowledge and working competence in (online) teaching programmes, as a highly motivated assertive educator, i have excellent interpersonal, and organizational and leadership savvy.

PROFESSIONAL AFFILIATIONS

1. Member, ELTAI, Chennai, India
2. Member, ELTeCS, British Council, England
3. Member, KELTA, Mashhad, Iran. – Unfortunately since i have been back from India, they have boycotted me!

REFERENCES: Available upon request

SUMMARY

*** To be brief and to the point, i am interested in Liberal Education and have a zest for awakening, empowering, and emancipation of the oppressed majority. I have suggested 'language' as a 'liberating agent' in my 'Cognitive Socio-Political Language Learning Theory' based upon which i introduced my didactic weapon, in my last book published by Jungle Publications, Tehran, in 2012. But THEY did not distribute this book, in Iran! At any rate, my 20 years professional background has provided me with a great deal of experience. I have had the privilege of meeting and discussing with internationally acclaimed specialists across the globe. As a highly goal-oriented and compassionate educator whose confidence, perseverance, and vision promote success, development, and peace, i am extremely interested in improving human condition particularly via awakening and empowering the Other/the deprived communities/societies. I am now looking to continue this as a full time career at a right place with right persons elsewhere in our planet. ...Where they let me teach... Where they let me write....Where i would be allowed to "live" on my own terms and principles, the manifestation of which could be noticed in my articles/books.

Enc. Degr./Certs.

=====

Note: I submitted this CV to more than 100 universities in Iran but none of them granted my request merely because of my ideology, which shapes my approach to teaching/living!

Some Researches about the Effectiveness of my Instructional Innovation

A number of researches have illustrated the significance and effectiveness of my instructional approach, Competitive Team-Based Learning (CTBL). In my MA research study, i (Hosseini, 2000) compared the effectiveness of my own approach (CTBL) with the Traditional Lecture Method (TLM). I found significant results for the effectiveness of CTBL in improving the reading comprehension of Iranian high school students. Also, i found that my method contributed to the development of reading comprehension abilities of lower performers more effectively than the TLM.

My PhD research study (Hosseini, 2009), which was a comparative empirical research study sought to explore and examine the complex effects of my instructional innovation, CTBL, with Learning Together and the Traditional Lecture Method (TLM) on Iranian and Indian EFL/ESL undergraduate learners': (a) reading comprehension in English, (b) language learning strategies, (c) attitudes towards English language learning and the select teaching methods, and (d) retention of information. All these objectives were addressed with respect to different-level achievers of the target groups with the help of field studies and experiments in Iran and India. It should be mentioned that Learning Together or Cooperative Group-Based Learning (CGBL) method has been developed by Johnson and Johnson at the University of Minnesota in the USA.

It became evident from the analysis of the data gathered that CTBL and CGBL served to (a) increase acquisition of texts contents, (b) widen repertoire of language learning strategies, (c) generate positive attitudes, and (d) improve retention of information, on the part of the target groups more significantly than the TLM. Further analysis of the data revealed that whereas CGBL was substantially more effective in developing the reading skills of the participants, CTBL was more successful in developing their metacognitive and affective strategies. It was likewise noted that CTBL facilitated the participants' long-term retention of information or their depth of understanding of the texts contents more effectively than CGBL. The results also indicated that it was CGBL, rather than CTBL, that was more successful in Iran. But, in India, it was CTBL.

In another study, I (Hosseini, 2012) found that CTBL contributed to the Language Proficiency of Iranian EFL College Seniors more effectively than Structured Academic Controversy method of Johnson brothers at the University of Minnesota in the USA. Also in 2014, in another study, i compared the effectiveness of my method with Group Investigation, developed by Sharan and Sharan (1992) at Tel Avive University, in Israel, with reference to the language proficiency of Iranian EFL intermediate students". I found that my method was more effective in promoting the language proficiency of Iranian EFL intermediate students.

In her study, Jahanbazian (2015) intended to look and compare the possible effects of CTBL with Learning Together (LT) – the most popular method of Cooperative Learning (CL) -- on oral performance of Iranian EFL intermediate students. She also wanted to measure the participants' attitudes towards language learning, individualistic class structure, CL, and the selected methods before and after the study. The results of the study showed that CTBL had a more significant effect on improving the oral performance of Iranian intermediate students. Analysis of the quantitative questionnaire results showed that the participants generally tended towards supporting the implementation of cooperative strategies. More specifically, the participants had more positive attitudes towards CTBL rather than LT.

Finally, Akbarzadeh's (2016) study was an experimental investigation on the effects of CTBL, my instructional approach, and STAD, developed by Slavin and associates (1977) at Johns Hopkins University, in the US, on the reading comprehension of Iranian EFL intermediate students. After conducting an IELTS Reading test to a total population of 75, sixty students were selected, based on their scores in the pretest. Then they were randomly assigned to control and experimental groups – thirty per group. Each class was divided into seven teams of four – the two remained students in each class worked in pairs. The control group was instructed via STAD technique, which is a well-known technique of cooperative learning, while the experimental group were instructed via my approach to (language) teaching (i.e., CTBL). The reading comprehension test (posttest) was used at the end of the study to assess the probable progress in the reading comprehension ability of the students. The results on an independent T-test showed statistical significance at $P \leq 0.05$ level that can be attributed to the effect of CTBL on the participants' reading comprehension achievement.

89. Salimi Bani, Khadijeh (2017). The Effect of Competitive Team-Based Learning (CTBL) and Cooperative Integrated Reading and Composition (CIRC) on the Reading Comprehension of Iranian Intermediate EFL Learners. – Unpublished MA Thesis, Khorasgan (Isfahan) Islamic Azad University.

=====

References for the above researches and books on about my innovative approach to teaching

137. Jahanbazian, T. (2015). A Study into the Effects of 'Competitive Team-Based Learning' and 'Learning Together' on the Oral Performance of Intermediate EFL Learners. Unpublished MA Thesis, Kohgiluyeh And Boyer Ahmad Islamic Azad University, Iran.
138. Jahanbazian, T. (2015). A Study into the Effects of 'Competitive Team-Based Learning' and 'Learning Together' on the Oral Performance of Intermediate EFL Learners. Iranian Journal of Research in English Language Teaching, 3, 1, 60-73. Available at http://journals.khuisf.ac.ir/ijrelt/browse.php?a_code=A-10-175-1&slc_lang=en&sid=1&sw=Oral+Performance
http://journals.khuisf.ac.ir/relp/browse.php?a_code=A-10-175-1&slc_lang=en&sid=1&sw=competitive+team-based+learning
139. Akbarzadeh, M (2016). A Study into the Effects of 'Competitive Team-Based Learning' And 'Student Teams- Achievement Divisions' on 'The Reading Comprehension of Iranian EFL Intermediate Students. Unpublished MA thesis, Islamic Azad University of Roudehen, Iran.
140. Jahanbazian, T. (2015). 'Competitive Team-Based Learning in Conversation Classes', Germany: Scholars' Press.
141. Hosseini, S.M.H. (2000). "The Impact of Competitive Team-Based Learning on the Reading Comprehension of Iranian High School Students". Unpublished MA thesis, Islamic Azad University of Garmsar, Iran.
142. Hosseini, S.M.H. (2009). "Effectiveness of Cooperative Learning Methods: A Study with Iranian and Indian Undergraduate Learners". Unpublished PhD thesis, Mysore University, Mysore, India.
143. Salimi Bani, Khadijeh (2017). The Effect of Competitive Team-Based Learning (CTBL) and Cooperative Integrated Reading and Composition (CIRC) on the Reading Comprehension of Iranian Intermediate EFL Learners. – Unpublished MA Thesis, Khorasgan (Isfahan) Islamic Azad University.

=- بسم الله الرحمن الرحيم =-

سید محمد حسن حسینی -- دکترای آموزش زبان انگلیسی

آدرس: مشهد، فرامرز عباسی ۱۴

همراه: ۰۹۱۵۳۸۵۲۵۹۹

mhhosseini2020@gmail.com



با سلام و عرض ادب خدمت شما استاد فرهیخته،

احترما اینجانب سید محمد حسن حسینی، دکترای آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه میسور در کشور هندوستان، به این وسیله در خواست عضویت هیئت علمی در آن دانشگاه را می نمایم.

جهت اطلاع آن مقام گرامی اینجانب در سال ۱۳۵۲ در خانواده ای مذهبی و انقلابی دنیا آمده ام - نه انقلابی بعد از انقلاب بلکه انقلابی قبل از انقلاب. در سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ همکاری بسیار نزدیکی با بسیج داشته ام که البته بعدها به دلیل تحصیل و کار توامان از شدت این همکاری کاسته شد - هم اکنون نیز به بسیجی بودن خود افتخار می کنم. - اما نمی توانم بسیجی درباری باشم. حضور اینجانب در هیات های مذهبی مخصوصا در تاسوعا و عاشورای حسینی و لیالی قدر نیز چشمگیر بوده و خواهد بود. از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ در مدارس راهنمایی، دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی شهرستان جاجرم و روستاهای آن مشغول به تدریس بوده ام. از سال ۱۳۸۱ به بعد نیز با آموزش و پرورش ناحیه یک، ناحیه چهار و ناحیه هفت مشهد و نیز دانشگاه های آزاد اسلامی مشهد، بجنورد، قوچان، گلپهار، تربت حیدریه، و موسسات آموزشی دیگر از قبیل جهاد دانشگاهی نیشابور و موسسه زبان حافظ (مشهد) همکاری نزدیک داشته ام. در ورک شاپ های متعددی شرکت کرده ام و ورک شاپ هایی هم برگزار کرده ام. هم اکنون علاوه بر نگارش مقالات و نیز رساله های دانشجویان ارشد و دکترا ادیتور دو ژورنال بین المللی در آمریکا و کانادا و همین طور عضو ۳ انجمن تخصصی زبان در انگلستان، هندوستان و ایران می باشم.

تمامی مدارک فوق دیپلم (۱۳۷۴)، لیسانس (۱۳۷۷)، فوق لیسانس (۱۳۷۹)، و دکترای (۱۳۸۸) اینجانب در آموزش زبان انگلیسی بوده و تا کنون موفق به چاپ و ارائه بیش از ۱۳۵ کتاب و مقاله علمی و تخصصی شده ام- یک (۱) مقاله تخصصی آی اس آی / سه (۳) مقاله تخصصی در مجلات بین المللی / شش (۶) مقاله تخصصی در مجلات ملی (هند) / نه (۹) مقاله تخصصی در کنفرانسهای بین المللی / هفت (۷) مقاله تخصصی در کنفرانسهای ملی (غالباً در هند) / چهل و پنج (۶۵) مقالی فارسی (غالباً سیاسی) در سایتهای خبری تحلیلی / مشاوره و راهنمایی هشت (۸) پایان نامه کارشناسی ارشد / از جمله مقالاتی که ارائه داده ام "کالبد شکافی رژیم آموزشی ایران"، "کاربرد تکنولوژیهای روز اینترنت در آموزش"، "اسلام و حاکمان مسلمان: کدامین اسلام و کدامین حاکمان مسلمان!؟"، "لزوم ارتقای بینش سیاسی دانش آموزان و دانشجویان" و "دسته بندی مردم در حکومت های استبدادی" بوده است. همین طور در آخرین مقاله ام که در یک ژورنال آی اس آی در لهستان چاپ شد به معرفی "اسلحه آموزشی" خودم پرداخته ام: اسلحه ای بسیار موثر برای براندازی نرم حکومت های استبدادی و فاشیستی. علاوه بر این در هندوستان موفق به نگارش ۱۳ کتاب منحصر بفرد شدم که ۱۱ جلد آن در آلمان و دو جلد در تهران چاپ شد. ضمناً هشت (۸) کتاب آماده چاپ هم دارم. آخرین کتاب تخصصی و مرجع اینجانب که ۴۲۰ صفحه است توسط انتشارات جنگل تهران چاپ شد. نام کتاب که در دی ماه ۱۳۹۲ به مرحله نهایی جشنواره رشد راه پیدا کرد و جزو ۳ کتاب برتر کشور شد و توسط وزارت آموزش و پرورش به همه معلمان و دانشجو معلمان توصیه شد:

"Beyond The Present Methods And Approaches To ELT/Education:

The Crucial Need For A Radical Reform"

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

در این کتاب به معرفی روش تدریس منحصر بفردم که بر پایه تیوری آموزشی- سیاسی خود طراحی کرده ام پرداخته ام. (ویدیوی ۱۷ دقیقه ای روش تدریسم: <http://www.aparat.com/v/i32tK>) امید است با عنایت پروردگار متعال بتوانم با تمام وجود در خدمت آرمان های آن دانشگاه باشم. یاد آوری این که در حال کامل کردن چند کتاب و مقاله دیگر نیز هستم. اینجانب قابلیت های قابل توجهی دارم. لطفا جهت اطلاع بیشتر از شناسنامه علمی و دیدگاه های اینجانب در زمینه های متفاوت و بویژه در باره مسایل آموزشی رزومه (CV) پیوست را نیز ملاحظ

با سپاس واحترام

سید محمد حسن حسینی - مشهد مقدس

توجه: این رزومه را به بیش از ۱۰۰ دانشگاه در ایران (دولتی، غیر انتفاعی، آزاد و پیام نور حتی در روستاها) فرستادم اما - به خاطر نگرش سیاسی م به مقوله آموزش و ... هیچ یک از آنها مرا نپذیرفتند! اندیشه من را به مصلحت نظام مقدس و پاک خود ندیدند!... آنها سر سپرده می خواستند و من اما دل سپرده بودم... از همان زمان نوشتن مقالات انگلیسی را متوقف کردم و به نوشتن یادداشت ها و مقالات فارسی (آموزشی-سیاسی) پرداختم.

=====

آموزش و مشاوره تخصصی زبان انگلیسی

توسط دکتر سید محمد حسن حسینی (PhD in ELT) نویسنده این کتاب و رسمی آموزش و پرورش با بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در دانشگاه‌های مختلف در داخل و خارج از کشور و نویسنده بیش از ۱۵۰ مقاله علمی در کانادا، آمریکا، آلمان، انگلستان، لهستان، ترکیه و هندوستان ... و ۱۳ کتاب منحصربه‌فرد از جمله "Beyond The Present Methods And Approaches To ELT/Education: The Crucial Need For A Radical Reform" (جنگل تهران ۱۳۹۲) که این کتاب ترجمه آن است. این کتاب در جشنواره رشد تهران (۱۳۹۲) جزو ۳ کتاب برتر کشور شناخته شد.

سرویسهای ما:

- ✓ اخذ پذیرش از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا جهت ادامه تحصیل در کوتاهترین زمان
- ✓ ترجمه و یا تألیف و چاپ کتاب و مقاله به نام شما در آمریکا و اروپا در کوتاهترین زمان
- ✓ ویراستاری کتاب و مقاله شما در کوتاهترین زمان
- ✓ مشاوره و انتخاب موضوع و انجام پروپزال و پایان‌نامه (فوق) لیسانس و دکتری
- به همراه تهیه پاورپوینت (جهت ارائه پروپوزال و جلسه دفاعیه) و استخراج مقاله و چاپ کتاب از پایان‌نامه شما در کوتاهترین زمان
- ✓ کارگاه مقاله نویسی
- ✓ T.T.C / دوره‌های فشرده مربیگری زبان انگلیسی - منبع: کتاب خودم که در آلمان چاپ شد تحت عنوان "Teach Language Effectively: A Practical Crash Course"
- ✓ مکالمه فشرده و عادی
- ✓ MSRT - TOEFL - IELTS و ...
- ✓ کنکور (عمومی و تخصصی + منحصراً زبان)
- ✓ تقویت، رفع اشکال و گرامر (مدرسه تا دانشگاه)
- ✓ ترجمه متون عمومی و تخصصی
- ✓ آموزش خصوصی از طریق تلفن، SMS و اینترنت

برای آشنایی با سایر کتب، مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های اینجانب به وبلاگ و وب‌سایت مراجعه کنید:

<http://drelt.ir>

<http://www.beyondelt.blogfa.com>

mhhosseini2020@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۵۳۸۵۲۵۹۹

=====

"یادگیری تیمی رقابتی": کاتالیزور و اسلحه آموزشی من! - دکتر سید محمد حسن حسینی

من!

من از شهر چشمان بارانیم

من آن عابر کوچه‌های شبم

من آن مرغ شیدای خونین یرم

نه راضی به ماندن در این وادیم

ندانستم استاد در این جهان

من از نسل امواج طوفانیم

که شاهد بر این دیر ظلمانیم

که در پای اندیشه قربانیم

نه خرسند از این مصلحت دانیم

به جرم چه! یک عمر زندانی‌ام

-- استاد علی طلب
